کتاب جمعه سال اول شماره ۴۳
۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

جمعیت حقوقدانان ایران

تأسیس ۱۴ مهر ۱۳۵۶

بتاریخ سی و یکم فروردین ۱۳۵۹

بیانیه جمعیت حقوقدانان ایران بمناسبت وقایع اخیر دانشگاهها

در فردای فراخوانی کلیه نیروهای اجتماعی به همبستگی و وحدت در جهت تحکیم و تداوم مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران و در روزهائی که انقلاب ما آماج توطئه‌های امپریالیسم قرارگرفته و نه تنها انقلاب بلکه تمامیت سرزمین و حیات تاریخی ایران مورد تهدید است ـ در زمانی که بیش از هر زمان دیگر به وحدت احتیاج داریم ناگهان با بوجود آوردن صحنه‌ای از برخورد لفظی در تبریز دانشگاههای ما این سنگرهای همیشه پایدار آزادی و استقلال مورد هجوم گروههای فشار قرارگرفته و صدها دانشجو مضروب و مجروح و تنی چند کشته شدند.

وقایعی که در دانشگاهها میگذرد و گزارش‌های مختصر آن را در روزنامه‌های این چند روزه میخوانیم وقایعی است که دشمنان ایران را شاد میکند و فقط آنها میتوانند بسود خود بهره برداری کنند.

در شرایطی که در دانشگاهها هیچگونه تشنجی وجود نداشت و کلاسهای درس دایر و مشغول به کار بود و کمتر از دو ماه به پایان سال تحصیلی مانده بود

در شرایطی که افکار متنوع و مختلف و حتی متضاد در کنار هم بطور مسالمت حرکت میکرد و همگان یکدیگر را تحمل مینمودند

در شرایطی که گروههای سیاسی بطور جدی در مسیر وحدت قرار گرفته بودند و عظمت مبارزه ضد امپریالیستی و عمده بودن آن اختلافات جزئی را حل میکرد

بناگهان حادثه تبریز پیش آمد و متعاقب آن مسئله تخلیه اطاقهائیکه گروههای سیاسی در دانشگاهها در اختیار داشتند مطرح شد با مهلتی محدود، و عجیب‌تر آنکه این مهلت محدود هم رعایت نشد و از اولین ساعات صدور اعلامیه شورای انقلاب چنانکه گوئی گروههائی از پیش آماده شده بودند هجوم شروع شد و تا به امروز هیچ مدرسه عالی و دانشکده‌ای از حمله و هجوم گروههای شناخته شده از پیش مجهز مصون و محفوظ نمانده است.

جمعیت حقوقدانان ایران در این روزهای حساس تاریخ ایران توجه همگان و مخصوصاً رئیس جمهوری و کسانی را که بعنوان نماینده مجلس شورای ملی انتخاب شده‌اند به عواقب وخیم این درگیریها و تفرقه افکنی ها جلب و مسئولیت آنان را در قبال تاریخ و سرنوشت وطن یادآوری مینماید.

جمعیت حقوقدانان ایران صریحاً میگوید و اعلام خطر میکند که : هر چند به وضوح دیده میشود که علت تحریک این حوادث مبارزه در داخل گروه‌های حاکم میباشد ولی از ثمره این حوادث مستقیماً دشمنان انقلاب منتفع خواهند شد.

آنان که این برنامه را ترتیب داده‌اند باید آنرا قطع کنند و همگان باید از مسئولان امور خاصه رئیس جمهوری و شورای انقلاب بـا قـاطعیت بخواهند تا دانشگاهها از گروههای مسلح و غیر مسلح فشار تخلیه و کلاسهای درس گشوده شود و زمینه بحث و مذاکره تجدید گردد.

سیر وقایع نشان میدهد که سازمان دهندگان این فاجعه میتوانند با قطع توطئه آرامش را برقرار کنند. میتوانند از تفرقه جلوگیری کنند و باید چنین کنند وگرنه پیش از آنکه این حوادث به پیروزی آنها بر حریف ـ حریفی که در داخل خود آنهاست ـ منجر شود امپریالیسم و بقایای رژیم سابق ـ همه چیز و از جمله خود آنها را نابود خواهد کرد و ننگ این قدرت طلبی را تاریخ بنام آنها ثبت خواهد کرد.

آنها نابود خواهند شد ولی این ملت ایران است که باید سالها بار ادباری را که این قدرت طلبی تدارک دیده است بر دوش بکشد.

که نباید چنین شود

که آقای رئیس جمهوری باید در برابر مردم حاضر شود و حقایق را چنانکه هست بازگو کند ، هیچ چیز ـ هیچ مصلحت اندیشی ـ هیچ محظوری نمیتواند رافع مسئولیت آقای رئیس جمهوری باشد.

و آخرین خطاب اینست :

آقای رئیس جمهوری ! لااقل شما نگذارید تاریخ مسئولیت تفرقه و در نتیجه مسئولیت شکست را به پای شما بنویسد

بتاریخ سی و یکم فروردین ۱۳۵۹

هیئت اجرائی جمعیت حقوقدانان ایران

"محاکمه فرمایشی تقی شهرام و سعادتی"

بیش از چند ماه است که هیأت حاکمه ضد انقلابی، که هنوز ابتدایی‌ترین مشکلاتش را نیز نتوانسته است حل کند، با دستگیری یک مبارز انقلابی - تقی شهرام - قصد فضولی و مداخله در کار انقلابیون را کرده است!

تقی شهرام، انقلابی مبارزی که دوران درخشانی از مبارزات پیگیر با حکومت فاشیستی شاه را در پشت سر خود دارد، بدلیل انحرافات و اشتباهاتی که مرتکب شد، مورد شماتت و مؤاخذه انقلابیون قرار گرفت و سرانجام نیز به همین اتهام، از عضویت در یک سازمان کمونیستی محروم و به اخراج محکوم شد. ما ضمن ارج گذاری به مبارزات صادقانه او در راه سرنگونی حکومت کثیف محمدرضا شاهی برخورد به اشتباهات او را جزو وظایف نیروهای انقلابی کشور ارزیابی کرده و هرگز دخالت تنگ نظرانه و بویژه حسابگرانه حکومتی را که دستش تا مرفق به خون انقلابیون این مرز و بوم آغشته است، در قضاوت نسبت به تقی شهرام مجاز و موجه نمیدانیم.

مردم مبارز ایران باید بدانند که این آقایان، از زمان دستگیری تقی شهرام تاکنون، او را در غیر انسانی ترین شرایط به شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی محکوم کرده و بقصد بهره برداری رذیلانه از اوضاع بویژه مبارزاتی او، هر روز به رفتار وحشیانه خود میافزایند.

نکته شرم آور و چندش انگیزی که باید به آن اشاره کرد، اینکه، حکومت جبان تازه بدوران رسیده، با بهره برداری از کینه ای که نسبت به انقلابیون دارند، برای تفتیش عقاید شهرام، از کثیف ترین اشکال بازجویی استفاده میکنند.

در میان مبارزینی که در سالهای گذشته در کشور ما به چنگ جنایتکاران ساواک افتادند، کمتر کسی است که از عناصر خودفروخته و رذلی چون احمد رضا کریمی و اصغر میرزا جعفر علاف خبر نداشته باشد. آنان که سالها پیش پس از دستگیری بوسیله پلیس سیاسی، برای نجات از مجازات به خودفروشی و خیانت تن در دادند و سالها "صادقانه" (!) به ساواک خدمت کردند، اینک طعمه دست حکومت با صطلاح انقلابی شده و همان نقش کثیف قبلی را، اینبار برای اربابان جدید خود بازی میکنند. احمدرضا کریمی که مدتها به نقش جاسوس در سلول تقی شهرام رفت و آمد میکرده است، پس از رو شدن دست کثیفش، اینک همراه با اصغر میرزا جعفر علاف به بازجویی از او و شکنجه وی پرداخته اند آنها گاهی بوسیله تهدید و گاهی بوسیله تطمیع و التماس میکوشند تا شهرام را وادار کنند که بر علیه نیروهای انقلابی صحبت کند، تا حکومت وحشت زده از جنبش خلق، شاید از این طریق مسخره نیز بتواند به هوچی گری بر علیه انقلابیون بپردازد و ماهیت ضد انقلابی خود را هر چه بیشتر پنهان کند. ما ضمن محکوم کردن این توطئه های رذیلانه، برپا کردن هر نوع خیمه شب بازی را به اسم "محاکمه" بر علیه انقلابیون در بند از جمله رفیق محمد یزدانیان، محمدرضا سعادتی و بویژه برای تقی شهرام یک اقدام کثیف و هوچی گرانه برای فریب خلق، یورش به انقلابیون و تطهیر ضد انقلابیون قلمداد میکنیم و با تمام قوا در افشای آن میکوشیم. ✱

تفتیش عقاید حتی درحوزه علمیه!

حمله به آزادیهای سیاسی که از دستآوردهای قیام خونین بهمن ما ماست. هرچند ماههاست که شروع شده اما اینک، باعمیقتر شدن مبارزات توده ها و خطرات اساسی که افزایش آگاهی ها برای موجودیت رژیم آفریده است، به وسعت و دامنه جدیدی رسیده است. اگرچند ماه قبل، سران مرتجع حزب جمهوری اسلامی، "به" حرف " هم که شده بود خود را طرفدار آزادی جا زده و فقط در مورد حدود و ثغور آن چانه میزدند اگرچند ماه پیش، همین حزب، در مجلس خبرگانش، همه آزادیهای سیاسی را با نیش قلم، و با سلام و صلوات زیر سئوال برده و از آنها در صفحات قانون اساسی، چیز زیادی باقی نگذاشت اینک حتی چهارچوب خود ساخته قانون اساسی را نیز به زیر سئوال میبرد. روزنامه جمهوری اسلامی، اینک با کمال وقاحت " به مسئولین امر" هشدار میدهد که " پنبه در گوشهایشان بگذارند " و توجهی به این حرف که "فاشیسم دارد میآید" نداشته باشند و با قاطعیت به سرکوب خلق و نیروهای انقلابی و کمونیست بپردازند.

در عرصه مبارزات طبقاتی خلق و در تلاطم تضادهای هیأت حاکمه، اینک برای حزب جمهوری اسلامی راهی باقی نمانده است جز اینکه با تمام قوا. و با استفاده از همه نیروهای زمینی و" آسمانی" ، به تحمیق بازهم بیشتر توده ها بپردازد و در این راه، باید از آگاه شدن توده ها نیز جلوگیری کنند.

این حزب که ادعا میکند ضد امپریالیست ترین حزب و روزنامه اش بشهادت مقامات امریکائی!" ضد امپریالیست ترین روزنامه است. در تمام شماره های اخیر ارگانش چیزی جز زمینه چینی برای سرکوب نیروهای انقلابی و تهدید خلق و زمینه چینی برای قبضه قدرت و کنار زدن رقیبان خویش ننوشته است زیرا که عقیده دارد. امپریالیسم در داخل است. امپریالیسم بین کارگران و زحمتکشان است. اصلا این زحمتکشان. این کارگران انقلابی. این اعتصابیون. این روزنامه های انقلابی این کمونیستهائی که در سالهای اختناق امتحان خویش را پس داده اند و این نیروهای دمکرات انقلابی که سالها مبارزه کرده اند آری اینها خودشان امپریالیست هستند و برای مبارزه با امپریالیسم باید هر جنبنده ای را که نفس" حق" میکشد. نابود کرد.

اینها. اینک برای قبضه قدرت، هیچ محدودیتی نمی‌شناسند و اوضاع آنقدر شور است که به حوزه علمیه قم نیز کشیده شده است دارو دسته حزب جمهوری اسلامی. در خفه کردن آزادیها، حتی پایگاه " روحانیت" را هم فراموش نکرده اند. برای آنها چه فرقی میکند ؟ انتشار نامه ای تحت عنوان" در حوزه علمیه قم چه میگذرد ؟" در روزنامه انقلاب اسلامی وسعت ابعاد اقدامات ضد خلقی حزب جمهوری و در عین حال وسعت مبارزه طبقاتی را که حتی در نهادهای اساسا تحت کنترل بخشی از هیأت حاکمه دامنه پیدا کرده است را نشان میدهد.

نویسنده به وجود جو اختناق و ایجاد فشار و"تفتیش عقاید" اشاره میکند و مینویسد :" اگر معیاری برای سنجش داشتیم میفهمید ید که اضطراب روانی در حوزه ها غوغا میکند. اختلال حواس، خودکشی و . . . رقم بالائی را تشکیل میدهد ." و"همه" اعلامیه های امام را در طول انقلاب طلبه های جوان و صادق پخش مینمودند و در شهرها در صف مقدم تظاهرات بودند و در روستا ها برای تظاهرات ، مردم را بسیج نموده و به شهرها گسیل میداشتند ولی چه شد که ناگهان این قشر فداکار، ۱۸۰ درجه تغییر جهت داده همه شان مشکوک و مورد اتهام واقع گشتند ؟! و آنانکه در موقع انقلاب به گوشه ای خزیده بودند . انقلابی دو آتشه و در رأس امور قرار گرفتند ؟!" (۱)

به این ترتیب دیده می‌شود که حمله و هجوم شبه فاشیستی که به مطبوعات و همه آزادیهای اساسی ، گاهی تحت لوای چماق" حزب اله" و گاهی تحت پرنامه دادستان انقلاب حتی تحمل آزادی افکار و عقیده را در چهارچوب حوزه علمیه قم نیز ندارد زیرا چگونه میتوان از همه بلندگوها و امکانات رژیم در جهت فریب خلق و کوشش در تداوم توهم توده ها استفاده کرد و آنگاه بتوان نشر افکار و عقاید را . حتی در چهارچوب یک ایدئولوژی خاص تحمل نمود ؟ منطق این حزب . و همه احزاب و جریانهای ضد خلقی و ضد انقلابی این است : آنکس که مثل من فکر نمیکند خائن است وحتی وابسته به آمریکا . آنکس که در کار بزرگترها دخالت میکند حتی اگر هم" مسلک" هم باشد خائن التقاطی ، مشکوک و عامل آمریکاست.

اما یک چیز روشن است . خلق ما از تجربه چند دهه اختناق و سرکوب بیرون آمده و هنوز زود است که با همان شیوه ها ، با همان مارک زدنها و با همان سیاه را سفید و سفید را سیاه نشان دادنها بتوان آنها را فریب داد . سرعت وقایع و جریانات و وسعت دامنه مبارزات طبقاتی به قدری است که ضد خلق را مجالی برای تداوم این یاوه سرایی ها و این تشبثات مذبوحانه نیست . ✱

۱ـ روزنامه انقلاب اسلامی دوشنبه ۲۲ اردیبهشت.

ازنظر حزب جمهوری اسلامی وشورای انقلاب تغییر نظام آموزشی یعنی نابودی آزادی های سیاسی ازمیان بردن حقوق دموکراتیک دانشجویان ودانشگاهیان برچیدن شوراهای دانشگاه. برچیدن کتابخانه‌های دانشجوئی، نابودی استقلال دانشگاه وبازگرداندن گارد دانشگاه تحت نام ها وپوشش های جدید.

ازنظر حزب جمهوری اسلامی وشورای انقلاب تغییر نظام آموزشی یعنی بازگرداندن شیوه‌های اختناق وسرکوب به دانشگاهها ومراکز آموزشی.

حکومت با این اعمال سرکوبگرانه ثابت میکند که برخلاف ادعاهایش همانگونه که با تلاش درراه استقرار نظام اطاعت کورکورانه درارتش نشان داده است، به هیچ وجه خواهان دگرگونی درنظام آموزشی نیست.

مبارزات عادلانه دانشجویان ودانش آموزان ومقاومت آنان دربرابر سیاستهای سرکوبگرانه وارتجاعی بدون تردید به پیش خواهد رفت واز حمایت مردم آگاه ومبارز ایران وهمه نیروهای انقلابی ودمکرات برخوردار خواهد شد.

نه اخراج استادان، معلمان ودانشجویان ونه تعطیل دانشگاهها ومدارس ونه سرکوب وکشتار دانشجویان ودانش آموزان، هیچ کدام نخواهد توانست خللی درمقاومت آنها ومبارزه آنها به سود طبقه کارگر و زحمتکشان، علیه امپریالیزم وطبقه سرمایه‌دار ایران ایجاد کند. این تلاشهای مذبوحانه خودبیانگر رشد مداوم نیروهای انقلابی وورشکستگی سرکوبگرانی است که در آزادی برخورد اندیشه ها وعقاید شکست حتمی خویش رامی بینند وازآن می هراسند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، همه نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست وهمه انقلابیون کمونیست دانشگاهها و مراکز آموزشی رابه اتحاد عمل وپایداری فرامیخواند وازتمامی مردم آگاه ونیروهای ترقیخواه، ضد امپریالیست وانقلابی میخواهد که هرچه بیشتر وقاطعانه‌تر ازمبارزات عادلانهٔ دانشجویان حمایت بعمل آورند.

ما باردیگر تاکید میکنیم که این یورش ها، دربرابرمقاومت یکپارچه دانشجویان ودانشگاهیان، معلمان ودانش آموزان که ازحمایت نیروهای انقلابی ومردم آگاه برخوردار است با شکست روبروخواهد شد وثمره‌ای جزشکست ورسوائی بیشتر برای طراحان آن به بارنخواهد آورد.

* پرتوان باد جنبش انقلابی دانشجویان درسراسر ایران
* مستحکم باد پیوند واتحاد جنبش انقلابی دانشجویان با جنبش توده‌ای
* مرگ برامپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۵۹

مردم مبارز ایران!

طرح واجرای حمله به دانشگاهها ومراکز آموزشی ، درست زمانی آغاز شده است که مبارزات پیگیر زحمتکشان ونیروهای انقلابی علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا ومتحدان داخلی آن ، امپریالیسم امریکا رابه قطع روابط دیپلماتیک با ایران واداشته وضرورت اتحاد عمل هرچه بیشتر نیروهای انقلابی وضد امپریالیست را بیش از گذشته مطرح ساخته است .

درچنین شرایطی است که باندهای سیاه واوباشان وقمه کشانی که توسط شورای انقلاب وحزب جمهوری اسلامی رهبری میشوند بکمک کمیته ها وپاسداران ، دانشجویان ودانش آموزان را به خون میکشند وآقای رئیس جمهور که زمانی مدعی طرفداری از آزادیهای سیاسی شده بود هشدار داده است که اگر تا روز دوشنبه دفاتر صنفی ـ سیاسی دانشجویان دردانشگاهها ومراکز آموزشی بسته نشود ، این اعمال سرکوبگرانه را تشدید خواهد کرد. اوبا این سخنان اوج کینه ودشمنی خودرا نسبت به آزادیهای سیاسی وحقوق دمکراتیک مردم ونسبت به استقلال دانشگاهها نشان داده است .

وحشت حکومت از آگاهی مردم میهن ما ونقش افشاگرانه دانشجویان ودانش آموزان بدان پایه است که رسما" تعطیل کتابخانه ها ومراکز صنفی دانشجوئی رامورد تاکید قرار داده است .

دانشجویان ودانشگاهیان که با مبارزات دلاورانه وخونبار خود ، آزادی فعالیتهای صنفی ـ سیاسی دردانشگاه را به کف آورده اند ، دانشجویان که دربرابر یورشهای وحشیانه گارد دانشگاه با نثار خون از آرمان ترقیخواهانهٔ خویش به دفاع برخاسته ودرزیر رگبارهای ارتش وپلیس شاه فریاد اتحاد ، مبارزه ، پیروزی را به گوش خلقهای ایران رسانده اند وپرچم خونین قیام را افراشته ترنگهداشته اند ، دانشجویان ودانش آموزانی که دانشگاهها ومراکز آموزشی را به سنگر مبارزه درراه استقلال وآزادی ایران ونابودی سلطه امپریالیسم تبدیل کرده اند ، امروز بیش از هرزمان دیگری برای دفاع از ثمرات مبارزات خونین خود آماده اند وهرگز اجازه نخواهند داد که بار دیگر فضای اختناق بردانشگاهها ومدارس حاکم شود وگاردهای دانشگاه ، درپوشش ونام های جدید باردیگر به صحنه دانشگاه بازگردند وثمرهٔ خون شهدای دانشگاه را برباددهند .

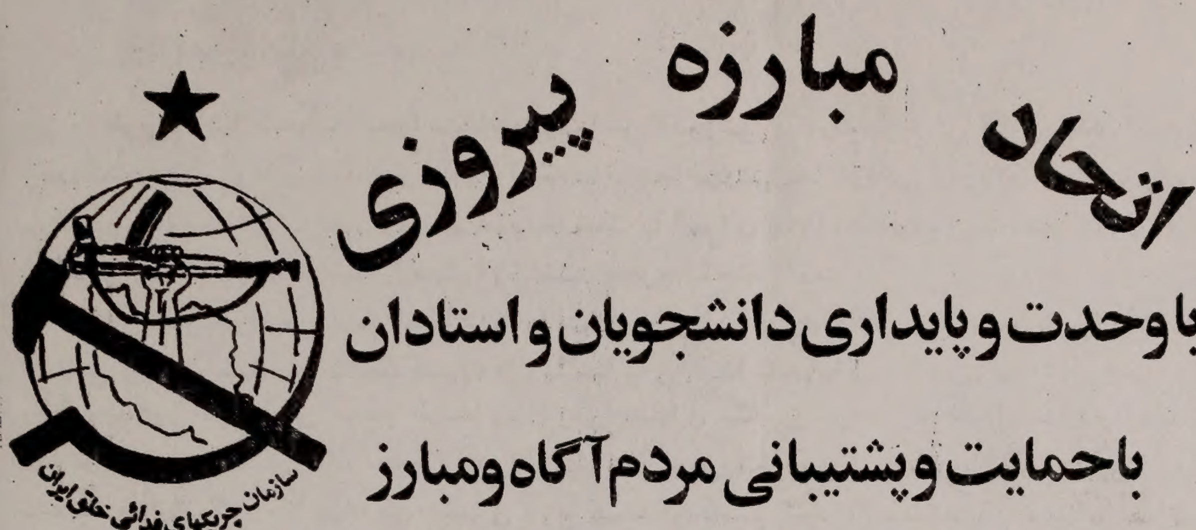
دانشجویان انقلابی وهمهٔ مردم آگاه ایران خوب میدانند که نه دسیسه های آقای بنی صدر ونه طرحها وتصویب نامه های حزب جمهوری اسلامی ایران قادر نیستند یوغی را برگردن دانشجویان نهند که رژیم دیکتاتوری شاه نیز از تحمیل آن بردانشجویان عاجز ماند .

آری اتحاد ومبارزه دانشجویان انقلابی وپشتیبانی همه آنان که از حداقل درک وآگاهی سیاسی برخوردارند ، پشتیبانی میلیونها مردم آگاه ومبارز ایران هرگز اجازه نخواهد داد فضائی را بردانشگاهها تحمیل کنند که جنایتکارترین رژیم قرن نیز از تحمیل آن به دانشجویان عاجز ماند . آری سرکوبگران درهرلباسی ، درهرمقامی وبهرنامی که باشند حقیرتر از آنند که دربرابر اراده انقلابی نیروهای خلق سرفرود نیاورند .

امروز هرگوشه دانشگاه جلوه ای از مبارزات دلاورانهٔ دانشجویان وخاطره ای از شهادت دلاوران دانشگاه را آشکار میکند ، امروز هرگوشه دانشگاه صحنه ای از تاریخ مبارزات خونین دانشجویان را بازگو میکند ، مبارزاتی که درسرنگونی رژیم شاهنشاهی نقشی چشمگیر داشت . دانشجویان و استادان مبارز دانشگاهها ومدارس عالی با تکیه براین پشتوانهٔ خونین مبارزاتی وبا تکیه برحمایت وسیع مردم ، دربرابر یورش سرکوبگران خواهند ایستاد وبا نثار خون خویش از ثمرات این مبارزات خونین ، از استقلال دانشگاهها و حقوق دمکراتیک وآزادیهای سیاسی دفاع خواهند کرد .

شورای انقلاب که به بهانه تغییر نظام آموزشی ، تهاجم به دانشگاهها ومدارس عالی را رهبری میکند آشکارا به فریب مردم وخیانت به آرمان آنان دست زده است .

دانشجویان ودانش آموزان وهمهٔ نیروهای ترقیخواه از نخستین روزهای پس از قیام خواهان تغییر نظام آموزشی بوسیلهٔ شوراهای دانشگاهها به سود زحمتکشان بوده اند ، اما حکومت نه تنها دراین راه هیچ اقدامی نکرده است بلکه به شهادت مدارک واسنادی که وجود دارد همیشه درمقابل این خواست دانشجویان ودانشگاهیان سنگ اندازی کرده است وامروز به بهانهٔ تغییر نظام آموزشی فعالیتهای صنفی و سیاسی دانشجویان ودانش آموزان را مورد تهاجم قرار داده است وعملا" مانع دگرگونی نظام آموزشی به سود زحمتکشان شده است .



سرکوب جنبش انقلابی دانشجویان محکوم به شکستی قطعی است

دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی، مورد تهاجم سراسری و سازمان یافتهٔ حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور قرار گرفته است. طراحان این تهاجم، اقدامات سرکوبگرانهٔ خود را زیر پوشش انقلاب فرهنگی و دفاع از اسلام به اجرا گذاشته‌اند.

آنها با چنین پوششی به دفاتر و مراکز فعالیتهای سیاسی و صنفی دانشجویان یورش برده‌اند و درصددند مانع فعالیتهای سیاسی و صنفی دانشجویان شوند و اختناق را دوباره در دانشگاهها و مدارس عالی حاکم سازند.

تهاجم به دانشگاهها و اشغال آن که تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب آغاز شده، پس از حوادث دانشگاه تبریز و دیگر دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور و مقاومت همه‌جانبهٔ دانشجویان و دانشگاهیان و پشتیبانی مردم آگاه از آنها، به شیوه‌ای جدید که بنی صدر مبتکر آن است ادامه دارد.

حکومت در بیانیهٔ رسمی شورای انقلاب و سخنان بنی صدر، آشکارا" اعتراف کرد که رهبری مهاجمان و اوباشانی را که به مراکز آموزشی حمله کرده‌اند، برعهده دارد، حکومت همچنین اعلام کرد مراکز فعالیتها - ی سیاسی و حتی صنفی و ورزشی دانشجویان در دانشگاهها باید ظرف سه روز تعطیل شود.

اشغال دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور، بخشی از تهاجم سراسری جدیدی است که برای تامین هدفهای شکست خوردهٔ تهاجم سراسری مرداد ماه سال گذشته و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما و سرکوب مبارزات رو به گسترش طبقه کارگر، دهقانان و سایر اقشار زحمتکش میهن ما طراحی شده است.

این تهاجم نشانهٔ هراس نیروهای قشری از رشد نیروهای انقلابی و تلاش مذبوحانه طبقه سرمایه‌دار ایران برای جلوگیری از آگاهی روزافزون زحمتکشان و سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی آنان است.

اولین هدف این اقدامات ارتجاعی، جلوگیری از فعالیتهای سیاسی و ترقیخواهانهٔ دانشجویان، معلمان، استادان و دانش آموزان است که در رشد جنبش ضد امپریالیستی خلقهای ایران و آگاهی مردم نقشی چشمگیر دارند. منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم و ایجاد تفرقه میان توده‌ها، دانشجویان و دانش آموزان و معلمان که وحدت آنها در تحکیم صفوف مردم و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی تاثیری عظیم دارد از جمله هدفهایی است که در تهاجم به دانشگاهها دنبال میشود.

بعلاوه از آنجا که تهاجم وسیع و همه‌جانبهٔ ارتش و سپاه پاسداران علیه خلق کرد، هر روز دامنه وسیع - تری به خود میگیرد و از آنجا که فعالیت افشاگرانه دانشجویان و دانش آموزان مشت دشمنان مردم را باز کرده و مانع بزرگی در ادامه سرکوب خلق کرد است، تهاجم علیه دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی و تعطیل آنها در دستور کار سرکوبگران قرار گرفته است.

آزادی مرسوم است به گورستان آرامی تبدیل کنند زیرا بخوبی درک کرده اند که اندیشه های انقلابی، از این طریق نیز بمیان مردم رسوخ میکند. هیات حاکمه ضدخلق، که سرمایه داری وابسته را با جزیی تغییر در شکل آن، حفظ کرده است وفقط نام آنرا به جمهوری اسلامی تغییر داده است نا چار است که دانشگاه را نیز اسلامی! کند. یعنی همان خفقان و اختناقی را که شاه جلاد سعی میکرد، در دانشگاه ها برقرار کند با پوشش اسلامی ایجاد کند. در قطعنامه مذکور میخوانیم: "ما از اینکه دانشگاه ها حتی تعطیل یا بحال تعلیق در آیند هیچ باکی نداریم بلکه ..." (همان قطعنامه ـ نقل از روزنامه جمهوری اسلامی)

هیات حاکمه، خیال دارد، هرجایی را که انقلاب در آن تغییری بوجود آورده، بشکل اولیه برگرداند منتهی با قیافه ای اسلامی، اما اگر قرار بود، هرآنچه که رژیم های ضدخلقی اراده میکنند، همان بشود، آنوقت ما نه شاهد دگرگونی و انقلاباتی درجهان بودیم ونه این چنین در اینجا و آنجا ضدخلق به خشم کارگران و زحمتکشان دچار شده و به زباله دان تاریخ فرستاده میشد.

رژیم شاه جلاد نیز، از این خوابها بسیار دیده بود، اما جواب دانشجویان مقاومت و تهاجم بود و اکنون نیز، با توانی صدچندان، که از مبارزات بی امان خلقمان نشأت میگیرد، فاشیستها و در یک کلام، ضد خلق بوزه اش به خاک مالیده خواهد شد.

رزمندگان آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱/۳۰

بازتکثیر از: هواداران

الف.ش ۹۲

درباره وقایع دانشگاه

آنچه در دانشگاه‌ها اتفاق میافتد، اتفاقی و نتیجه هیجان چند جوان قشری نیست، حزب فراگیر! جمهوری اسلامی و همهٔ اعوان و انصارش، مدتهاست دارند زمینه بستن دانشگاه، این سنگر آزادی را میچینند.

خامنه‌ای بارها، در سخنرانی نماز جمعه، به حضور و فعالیت نیروهای کمونیست و انقلابی، در یک کشور اسلامی! اعتراض کرده است. روزنامه جمهوری اسلامی، این ضد امپریالیست ترین روزنامه ایران! (به شهادت اسناد دانشجویان مسلمان پیرو خط امام!)، هر روز مقالاتی درباره مضرات فعالیت نیروهای کمونیست و انقلابی در دانشگاه مینویسد و بر تصفیه دانشگاه از انقلابیون کمونیست، تاکید مینماید.

جمعی بنام دانشجویان مسلمان، در تبریز دانشگاه را اشغال کرده و تمام دفاتر دانشجویی را برهم ریخته و اعلامیه‌های دیواری و پوسترها را پاره میکنند و سپاه پاسداران تبریز در پشتیبانی از آنها اعلامیه میدهد و بازاریان به حمایت از آنها اعلام راهپیمایی میکنند.

در اراک نیز کارهای مشابهی صورت میگیرد و همزمان با این اقدامات، سمیناری تحت عنوان "رسالت دانشجو و دانشگاه"، در دانشگاه تهران تشکیل شده و شرکت کنندگان در آن، در بند بند سخنانشان کینه و خصومت نسبت به نیروهای انقلابی مشهود است. آنها در همین سمینار خواستار تصفیه دانشگاه از عناصر انقلابی میشوند.

اینها همه، بخشی است از توطئه‌ای که ارتجاع از مدتها پیش بتدارک آن مشغول است. این زمزمه‌های شوم ماهها قبل، در زمان فرمان ضد انقلابی حمله به کردستان، پس از آن در شروع سال تحصیلی دانشگاهی شنیده میشد. آنها در آغاز سال میگفتند دانشگاه باید تعطیل شود. اما مقاومت توده‌های دانشجو، همراه با اعتراض مردم که چهره پلید هیات حاکمه را روز بروز بهتر میشناخت مانع از بثمر رسیدن این توطئه شد.

آنها که در روزهای پس از قیام، توده‌های وسیعی از دانشجویان را پشت سر خود داشتند، حالا که ماهیت ضد خلقی شان برای نیروهای آگاه جامعه روشن شده است، فریاد "وا مصیبتا" و "وا اسلاما" سر داده‌اند و چون همهٔ رژیم های ضد خلقی میخواهند دانشگاه، این سنگر آزادی را خفه کنند. اینان که پس از یکسال حکومت آبرو باخته و وامانده، میخواهند هر طور شده، سال امنیت را بتحقق رسانند، از هیچ عملی فروگذار نکرده و از دست زدن به هیچ جنایتی، شرمگین نمیشوند.

ثمرهٔ پیوند "روحانی و دانشجو" را که ماههاست تبلیغ میکنند، بخوبی میتوان در قطعنامه سمینار "رسالت دانشجو...." دید که میگوید: "ای ملت عزیز ایران بدانید که دانشگاه‌ها که روزی پا بپای روحانیت و همراه با توده مردم، در مبارزه به پیش میتاخت، امروز به (خودگمگشتگی) رسیده است و موج افکار گوناگون سفارشی و سرمایه‌گذاری های فکری - سیاسی اجنبی، بر روی این قشر، باعث بوجود آمدن گروههای مختلف و پوسیده شدن عده‌ای از درون گشته تا جایی که سایه سیاه و تیره خونریزیها در این محیط مقدس از دور نمایان است" (نقل از قطعنامه سمینار رسالت دانشجو و دانشگاه ۵۹/۱/۲۷)

"رسالت"، "دانشجو" و "دانشگاه" به زعم عمال هیات حاکمه که از لابلای این سطور رخ مینماید! کشتار و خونریزی! این است رسالت این رسولان تازه بقدرت رسیده!!

آنها میخواهند سایه سیاه و شوم خود را بر چهره دانشگاه نیز بکشانند و جایی را که در میان توده‌ها به سنگر

" بیانیه شماره ۵ "　　　　بسم الله الرحمن الرحیم

امت قهرمان ایران !

از آنجا که ما در این شرایط حساس ، هر گونه درگیری و تشتت و ایجاد هرج و مرج را جز به نفع آمریکای جنایتکار و عمال مزدورش نمیدانیم لذا در پی تصمیم شورای انقلاب ، با بستن دفاتر و تخلیه دانشگاهها و مدارس عالی، در جهت ایجاد فضای آرام و مسالمت آمیز سعی خواهیم نمود .

برادران و خواهران دانشجو !

با حفظ آرامش و متانت انقلابی و اسلامی ، مشت آنانی را که قصد خونگیری دارند باز کرده ، آنان را در پیشگاه ملت مسلمان افشاء نمائیم .

ما پس از سپردن مراکز حساس و اموال خلق مستضعفمان ، بدست مسئولین امور ، دانشگاهها را ترک خواهیم نمود .

ما با اعتقاد باینکه گروهها را جز معلولی از نظام پوسیده و طاغوتی حاکم بر دانشگاهها نمیدانیم و آنها را مسئله اساسی خویش تلقی نمیکنیم ، همچنان بر این موضع اصولی و اسلامی پای میفشریم ، که ایجاد نظامی اسلامی و انقلابی ، جز با توقف و انحلال سیستم موجود ، امکان پذیر نیست . و مصرانه خواهان آنیم که تعطیلی دانشگاههای وابسته و آمریکائی تا برپائی دانشگاهی مستقل و اسلامی ادامه یابد .

والسلام

انجمنهای اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان دانشگاههای سراسر کشور

۵۹/۱/۳۰

بهره کشی انسان از انسان . جامعه‌ای که در آن خلق کرد آماج بمب و خمپاره قرار نگیرد و دهقان ترکمن با توپهای سنگین خانه و کاشانه‌اش در هم کوبیده نگردد. و در بهارانش برای بیکاران د ورود و اندیمشك گلوله‌های مسلسل هدیه نشود و گرانی و بیکاری و بی خانمانی زندگی زحمتکشان را تلـــخ نگرداند . آزادیهای دموکراتیك محترم شمرده شود و ایجاد محیط مناسب برای بردن آگاهی سیاسی به درون زحمتکشان در دستور روز قرار گیرد. جامعه‌ای که در آن حقوق تمام خلقها برسمیت شناخته شود و طبیعی است تا زمانیکه چنین جامعه‌ای ایجاد نگردد و رشته‌های وابستگی به امپریالیسم آمریکا قطع نشود مبارزه همچنان ادامه خواهد یافت و طبیعی است که در این راه جنبش دانشجویی نه یکبار بلکه هزاران بار جان خود را فدای منافع زحمتکشان خواهد ساخت و هیچ ترسی از تکرار ۱۶ آذرها که نمونه آن روز گذشته یعنی اول اردیبهشت سال ۱۳۵۹ بوقوع پیوست بدل راه نخواهد داد. زیرا که ما را بـــا زحمتکشان پیوندی است که در آن سر و جان را قدری نیست و این مسئله را حکومتیان باید خوب بـــه خاطر بسپارند . کسانیکه میخواهند حاکمیت دولت را بر دانشگاهها برقرار سازند . کسانیکه دولت را نه در ارگانهای خلقی بلکه در باز سازی نهادهای باقیمانده از رژیم شاهنشاهی جستجو میکننـــد و باز سازی مینمایند. کسانیکه حرکات ارتجاعی خود را زیر عنوان انقلاب فرهنگی میخواهنـــد در دانشگاهها این سنگر مانده از سلاله صدها شهید انقلابی اعمال کنند . عملی که آرزوی آنرا به گـــور خواهند برد و این را مبارزات دلیرانه ۲ روز گذشته دانشجویی نشان داد ما ضمن ارج نهادن به این همه جانبازی و فداکاری که بقیمت خون چندین شهید و صدها زخمی صورت گرفت بار دیگر با خلـــق خـــود پیمان میبندیم که تا قطع کامل ریشه‌های امپریالیسم آمریکا دمی از مبارزه ننشینیم و با افشـــای ماهیت واقعی کسانیکه زیر عنوان شورای انقلاب ، ریاست جمهوری ، حزب جمهوری اسلامی مبارزات ضـــد امپریالیستی و دموکراتیك ملت ما را به انحراف میکشانند برسالت انقلابی خود عمل کنیم و پرچـــم مبارزات دانشجویی را که جدا از مبارزات قهرمانانه خلق نیست برافراشته نگاهداریم .

گـــرامی بـــاد خـــاطـــره شهـــدای جنبـــش دانشجـــویـــی

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی بنا جنبش خلقهای تحت ستم میهنمان

مـــرگ بـــر امـــپریالیسم جهانـــی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

سه شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹



اتحاد مبارزه پیروزی

سازمان دانشجویان پیشگام

پیام سازمان دانشجویان پیشگام

بمناسبت روز اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹

بار دیگر خلقی رزمنده و قهرمان با هزاران شهید که خونشان را وثیقه آزادی به ملت قرار داده‌اند با چشمانی حیرت‌زده بر قتل عام فرزندان خود مینگرد و کشتار وحشیانه دانشجویان انقلابی را بدست سپاه پاسداران و عوامل خود فروخته نظاره گر میشود. کشتار دانشجویانی که سر و جان را در راه رهایی خلق نهاده‌اند و هدفی جز پیوند با زحمتکشان و مبارزه در جهت منافع آنان ندارند. دانشگاه این سنگر همیشه جوشان انقلاب به گلوله بسته میشود و خون سرخ این طرفداران راستین طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران پرچم سرخ انقلاب دموکراتیک میهنمان را گلگون میسازد. شعار کارگر، دهقان، دانشجو پیوندتان مبارک را برزبان خلقهای ستمدیده میهنمان جاری میکند.

چرا که دانشجویان انقلابی همیشه در پیشگاه خلق از ارزش والایی برخوردارند. چرا که زحمتکشان هیچگاه حساب دانشجویانی را که بند بند وجودشان در گرو عشق به زحمتکشان میسوزد با حساب کسانی که بویی از زندگی مشقت‌بار آنها نبرده‌اند اشتباه نمیگیرند. حساب دانشجویانی که در روزهای سخت در زلزله بوئین زهرا، طبس، زرند کرمان و سیل جوادیه بیاریشان میشتافتند و همیشه بهروزی و خوشبختی زحمتکشان را آرمان خود میدانستند. دانشجویانی که در شکنجه‌گاهها در زندانها و صدای نهیب نام پر افتخار خلق خود را فریاد میزدند و سختی زندان و شکنجه را باامید آینده‌ای روشن برای توده‌های ستمدیده بجان میخریدند. آری یاد پایمردیها، مقاومتها و مبارزات جنبش دانشجویی هیچگاه از خاطر خلق قهرمان ما نخواهد رفت. بدانسان که جنبش دانشجویی نیز هیچگاه وظیفه و رسالت خود را در برابر خلق فراموش نکرده و نخواهد کرد. رسالتی که تاریخ برعهده روشنفکران انقلابی نهاده است. رسالتی که جز با آگاهی و شناخت درست از پدیده‌ها و روابط آنها و ایمان به توده‌ها و مبارزه پرشور در راه رهایی آنان امکان پذیر نیست و این وظیفه‌ای بس بزرگ میباشد. وظیفه‌ای که باید بدرستی باز شناخت و بکار گرفت.

آری جنبش دانشجویان بخاطر این وظیفه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و پیوسته منافع خلق را بر منافع خود ترجیح داده است. منافعی که تحقق آن جز در مبارزه بر علیه امپریالیسم و وابستگان داخلیش امکان پذیر نیست. و این را مبارزات حق طلبانه خلق قهرمان ما بخوبی نشان داده و مبارزات دانشجویی نیز در کنار آن سهم ارزنده‌ای را ایفا نموده است. سهمی که چون ستاره‌ای درخشان بر تارک تاریخ مبارزات دلیرانه خلق ما میدرخشد. سهمی که [illegible] آذرماه، ۱۸ اردیبهشت‌ها و اول اردیبهشت امسال آنرا غنی‌تر میسازد. با چنین تاریخچه‌ای از [illegible] ایمان و مبارزه [illegible] از راه آرمانهای خلق ما اکنون تمامی توده‌های میهنمان را به قضاوت میطلبیم. توده‌هایی که [illegible] بدوش آنها در تظاهرات خیابانی در قیام ۲۲ بهمن ماه و سقوط پادگانها در کنارشان دمی از مبارزه نایستادیم تا پی‌ریز جامعه‌ای باشیم خالی از رنج، فقر و نابرابری [illegible] بر پایه منافع زحمتکشان وعـد.

در سنگر دانشگاه

نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا

بار دیگر تشکل وآگاهی دانشجویان انقلابی برگ افتخار آفرین دیگری بر تاریخ جنبش دانشجوئی خلقمان افزود. این نسل قیام بهمن ماه، این فرزندان شور آگاهی و غرور یک نسل انقلابی، در مقابل یورش رذیلانه عمال حزب جمهوری اسلامی به سرکردگی شورای انقلاب، قهرمانانه ایستادگی کرده و همچون موج شکن شکوهمندی امواج ارتجاع را به سمت حاکمیت ضد خلقی برگرداندند.

نسل نوین انقلاب که خط فاصل دو رژیم را تجربه کرده است، دانشجوئی که خفقان آورترین فضای ترور ووحشت آریامهری را با سربلندی وافتخار به بهار کوتاه مدت قیام بهمن ماه تبدیل کردند، دانشجویانی که نه یک هجوم سرتاسری چون هجوم سازمان یافته چند روز گذشته بلکه هجومهای دهشتناک گاردهای آریامهری، گلوله باران های ۱۴ خرداد، سرکوبهای خونین سالهای ۵۴ و ۵۵ را، از سر گذراندهو در آن آبدیده شده‌اند اینک در شرایطی دشوار با پایمردی واستواری وظیفه انقلابی راکه تاریخ در برابرشان قرارداده است با شایستگی تحمل میکنند "در سنگر دانشگاه نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا".

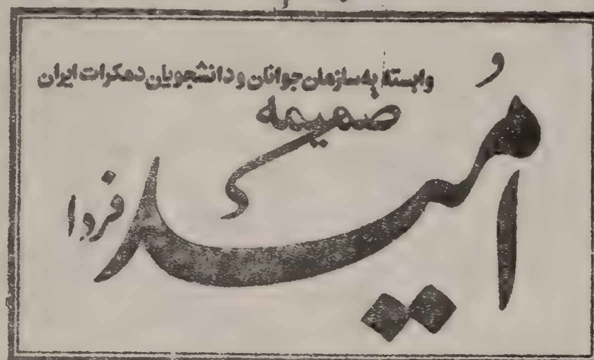
حاکمیت کوردلانه پنداشته بود که همچون مردادماه سال ۵۸ با بسیج سازمان یافته تری از تاریک اندیش ترین نیروهای خود، میتواند به این سنگر آزادی یورش برده و دستآوردهای انقلابی خلق ودانشجویان را از جنگشان برباید، پنداشته بود که چون منطق چماق وحزب‌الله در مقاطعی کارساز از آب درآمد میتواند آن را به یک سیستم سرکوب تبدیل کرده ونیروهای انقلابی را از میدان مبارزه بیرون براند. غافل ازآنکه این نسلی که سفاک ترین ورذیلانه ترین سیستم پلیسی وسرکوب را با جانبازی به زانو درآورده است هرگز به هیچ مرتجعی اجازه نخواهد داد سرکوب وخفقان را تحت هیچ شکل وبهانه‌ای بر دانشگاه حاکم گرداند. دانشگاه نه به این دلیل سنگر آزادی لقب گرفت که حاکمیت آنرا بدان مفتخر کرده بود، بلکه وجب به وجب خاک دانشگاه در تمام دوران ستم شاهی با خون فرزندان دلیر زحمتکشان ایران آبیاری شده است، آزادیهای دانشگاه عطیه‌ای نیست که حاکمیت آنرا بخشیده باشد و هرگاه خواست آنرا پس بگیرد. آزادیهای دانشگاه حاصل خون وشور وشهادت رزمندگانی است که با جنگ ودندان وبا خون وجسارت انقلابی ذره ذره این آزادیها را از چنگال دژخیمان شاه وامپریالیزم بدر آورده وپاسداری کرده‌اند.

رژیم در همه بلندگوهای خود وتوسط تمام جوجه‌های کثیفی که برای تبلیغات علیه این فرزندان پرشور خلقمان بسیج کرده است، از انقلاب فرهنگی دم میزند ومیخواهد دانشگاه‌ها و انحرافات دانشجویان را اصلاح کند! خلق ما در اثر تجارب طولانی خود ودر صحنه مبارزات سهمگین، دانشگاه را شناخته است، دانشگاه سنگر آزادی بوده و خواهد بود. توده‌های زحمتکش میهن ما در روزهای جهنمی خفقان، دانشگاه توفنده وپرطپش را شناخته‌اند و با مبارزات سرتاسری آن آشنا شده‌اند، توده‌های ما فریب سمپاشی‌های حاکمیت در مورد دانشگاه ودانشجویان را نخواهند خورد. رژیم اینبار مشت برسندان می کوبد. مقاومت قهرمانانه دانشجویان، تشکل ویکپارچگی هشیارانه ای که دانشجویان از خود بروز دادند وحاصل یکسال شرکت در کوران مبارزات خلقمان بود موجب شد که حاکمیت در برخورد با اراده پولادین وجسارت انقلابی آنان، دچار شکاف شود وعقب نشینی کند. گرچه این عقب نشینی حیله‌گرانه وبرای اینست که با تجدید قوا مجددا در نقطه دیگری تهاجم را شروع کند اما مقاومت سرتاسری دانشجویان آنرا برای حاکمیت تبدیل به یک بحران سیاسی سراسری کرد. اینک نشانه‌های شکاف در حاکمیت خود را نشان داده است. معجزه یکپارچگی ومقاومت دانشجویان موجب شد امری را که حزب جمهوری اسلامی تحقق یافته میپنداشت، تبدیل به بحران خونینی شود که سرتاسر ایران را دربرگرفت. درود بر مقاومت حماسه آفرین دانشجویانی که با نثار خون خود، وبا تقدیم ده‌ها شهید وصدها مجروح برای چندمین بار سوگند وفاداری به خلق زحمتکش را با خون خود مستحکم کرده وصف نیروهای خلق را استحکام بخشیدند.

درود بر دانشجویان رزمنده‌ای که در کشاکش مبارزه برای حفظ دستآوردهای قیام خونین خلقمان ایمان خود را با خون وآتش صیقل داده‌اند.

راه کارگر ۱/۳/۵۹

پیام «سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران»



به همهٔ دانشجویان مترقی و ضد امپریالیست!

در لحظه حساس کنونی تنها به حفظ انقلاب ایران و تقویت رهبری آن بیاندیشیم!

دانشجویان گرامی!

تجاوز آشکار امپریالیسم آمریکا به میهن عزیز ما ایران، بار دیگر ضرورت حفظ میهن انقلابی و اتحاد یکپارچه در مقابل دشمن مشترک را بدرستی نشان میدهد.

اینک آن لحظهٔ حساس فرا رسیده است که بدون هیچ تأملی بگفتهٔ امام خمینی: "باید اسلحه‌های سرد وگرم یعنی قلم وبیان ومسلسل را از نشانه گیری بروی یکدیگر منحرف وبسوی دشمن انسانیت که درراٴس آنها امپریالیسم آمریکا است نشانه رفت."

دوستان!

عرصهٔ دانشگاهها که همواره سنگر آزادی ودرخدمت انقلاب بزرگ کشور ما بوده است، اینک باید باردیگر رسالت خویش را درحفظ وتداوم این انقلاب ادا کنند. دانشجویان باید با هوشیاری انقلابی همهٔ توان خویش را درجهت مقابله با دشمن اصلی خلقهای ایران - امپریالیسم جنایتکار آمریکا - بکار گیرد.

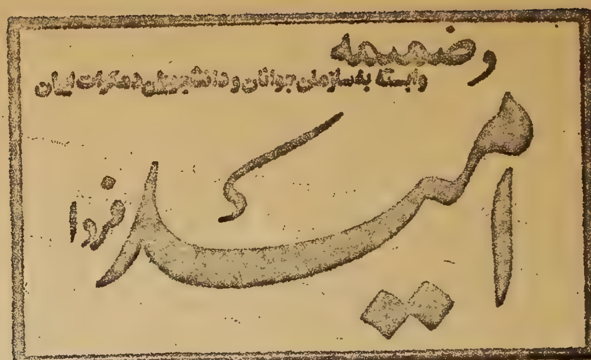
وقایع تاٴسف بار هفتهٔ گذشته در دانشگاههای کشور انحراف از مسیر اصلی مبارزه - مبارزهٔ متحد علیه امپریالیسم - را خبر میداد وتجاوز نظامی که میتواند مقدمهٔ حملات آتی امپریالیسم آمریکا باشد، توانست تا حدودی کسانی را که ناخودآگاه به این درگیریها کشانده شده اند، بیدار سازد که تشنجات وزدوخوردهای داخلی تنها بنفع دشمن اصلی انقلاب ایران است.

اینک همهٔ دانشجویان صرفنظر از گرایشات گوناگون مسلکی وعقیدتی خود باید صداقت انقلابی خویش را دربوتهٔ آزمایش قرار دهند وبا گذشت از مسائل فرعی درصف متحد پیکار با امپریالیسم جنایتکار آمریکا بپا خیزند. درشرایط کنونی حتی مسئلهٔ تغییرات بنیادی درنظام آموزشی نیز با همهٔ اهمیت خود نباید بهانه ای برای درگیری درمحیط دانشجوئی وتعطیل کلاسها باشد. دانشجویان عزیز نباید خود را درگرداب حفظ فعالیتهای صنفی وفوق برنامه درگیر سازند واز اینطریق بمشاجرات گروهی ودرگیری باکارکنان دانشکده ها کشیده شوند.

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران، درلحظهٔ حساس کنونی تنها به حفظ انقلاب ایران وتقویت رهبری آن میاندیشد وتمام هم وغم خود را دردانشگاهها به بسیج دانشجویان درارتش بیست میلیونی ومبارزهٔ قاطع ومتحد علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا معطوف میدارد واز همهٔ دانشجویان مترقی وضدامپریالیست، از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، دانشجویان هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران، دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، جنبش دانشجویان مسلمان ودیگر نیروهای مترقی دانشجوئی میطلبد که بخاطر حفظ انقلاب بزرگ ومیهن عزیز ما از تشنج وتفرقه بپرهیزند ومتحداً علیه امپریالیسم آمریکا ومزدوران داخلیش بمبارزه برخیزند!

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران

۱۳۵۹/۲/۶



هشدار

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران به همه دانشجویان و نیروهای مترقی دانشجویی

بنا برمصوبه مورخ ۵ اردیبهشت ۵۹ شورای انقلاب ، قرار است کلیه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی روز ۱۴ خرداد ماه تعطیل شوند. با نزدیک شدن این روز، زمزمه‌هائی به گوش می رسد که از مخالفت گروهک های خرابکار ماثوئیستی وشبه ماثوئیستی نظیر "رزمندگان..."، "پیکار..."، "حزب رنجبران" و...با تعطیل دانشگاه‌ها ومدارس عالی حکایت می کند. مخالفتی که زیر ماسک دفاع از "آزادی" و "دانشگاه" و...صورت می گیرد اما در واقع ، هدف متشنج کردن مراکز آموزش عالی و دادن بهانه به دست نیروهای راست افراطی برای حمله به دانشگاهها وایجاد درگیری، و زد وخورد را دنبال می کند. این امر برای نیروهای راستین انقلابی کاملا روشن است . این ضدانقلابیون زودتر از موقع به استقبال تشنج آفرینی رفته و با اقداماتی چون پخش اکاذیب وتوهین به رهبری انقلاب ـ درست مثل روزهای قبل از حوادث فروردین ماه دانشگاهها مدارس عالی ـ زمینه را برای مسموم کردن جو و تحریک عناصر افراطی خارج از دانشگاهها وحمله به این مراکز آماده می کنند. هم زمانی و رابطهٔ بین حوادث فروردین ماه دانشگاهها و تجاوز ناکام نظامی امپریالیسم آمریکا به خاک ایران بیانگر این واقعیت است که ایجاد اغتشاش و محیط آغشته به کین ونفاق و بدبینی در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد، زمینه‌ای دیگر خواهد بود برای عملی ساختن توطئه و تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب شکوهمند ما و بمنظور انهدام جمهوری اسلامی ایران . ازاین رو ما با هر نوع تحریک و درگیری وایجاد اغتشاش ـ حتی اگر به بهانه مقاومت در برابر تعطیل دانشگاهها و یا به بهانه‌های عکس آن صورت گیرد ـ شدیدا مخالفیم و از همهٔ نیروهای سیاسی طرفدار انقلاب و همه نهادهای انقلابی و همه دانشجویان و گروههای مترقی دانشجوئی که به انقلاب ودستاوردهای آن وفادارند، می طلبیم که برای جلوگیری از این توطئه طرح ریزی شده ـ وبرای جلوگیری از تکرار حادثهٔ دردناک کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و کودتاهای شیلی و اندونزی و... درمیهن ما ـ هشیار باشند وتمام نیروی خود را برای جلوگیری از بروز حوادث توطئه‌آمیز در روزهای آینده ـ ۱۴ و ۱۵ خرداد ـ بسیج کنند. این یک وظیفه انقلابی است که هر گونه سهل انگاری و سستی در انجام آن میتواند به بهای سنگینی تمام شود.

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران ، در اعلامیه مورخ ۱۳۵۹/۱/۳۰ موافقت خویش را با دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی وانقلاب فرهنگی اعلام داشته و درهمان اعلامیه درعین حال

تاکید کرده است که انقلاب فرهنگی نباید بهانه‌ای برای لغو آزادی های دمکراتیک در مراکز آموزشی باشد.

ما بار دیگر اعلام می داریم که دگرگونی بنیادی متناسب با روح ضدامپریالیستی ودمکراتیک انقلاب شکوهمند مردم ایران در نظام آموزشی - و از جمله آموزش عالی - امری است ضروری و ناشی از نیازهای انقلاب. بدون این دگرگونی بنیادی ، بدون وجود مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌هائی فعال ، با برنامه ومجهز به جدیدترین دستاوردهای علوم وفنون جامعه بشری ، بدون بهره‌گیری از دستاوردهای انقلاب علمی وفنی و بدون ایجاد دانشگاه‌هائی متناسب با روح زمان ، ایجاد تکنولوژی مدرن ، که شرط نخست خودکفائی و استقلال واقعی است ، غیرممکن است . انقلاب ایران به چنین نهادهای فعال سخت نیازمند است. از اینروست که ما با هراقدامی که در جهت دگرگونی بنیادی نظام آموزشی صورت گیرد موافقیم و با تمام نیرو درآن شرکت می کنیم. وهم ازاینروست که ما اعتقاد داریم که تعطیل کردن دانشگاهها ومدارس عالی برای مدت طولانی ونامعلوم به زیان انقلاب و ساختمان ایرانی نو، و باعث عقب افتادن دانشجویان ما از دانش پویای زمان و به زیان تربیت انقلابی کادر سازنده و مورد نیاز انقلاب است.

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران از مجلس شورای ملی ، شورای انقلاب ، رئیس جمهور و سازمانهای سیاسی مترقی و مسئولین آموزش عالی جدا" تقاضا دارد که ازطریق تبادل نظر با همه سازمانهای سیاسی مترقی ، همه دانشگاهیان متعهد و همه نیروهای مترقی دانشجوئی راه حل ها را برای انجام هرچه سریع تر دگرگونی های لازم در نظام آموزش عالی بیابند، چنان دگرگونی ای که تامین کننده نیاز مبرم انقلاب ما به مراکز آموزش عالی ودانشگاه‌هائی فعال ، پویا و خلاق باشد.

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران ، برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده عمال امپریالیسم وضدانقلاب راست وچپ نما از طرح تعطیل موسسات آموزش عالی در روز ۱۴ خرداد، از همه گروهها و نیروهای مترقی وضدامپریالیست دانشجوئی ، از انجمن های اسلامی وسازمانهای دانشجویان مسلمان ، انجمن های دانشجویان مسلمان ، سازمان دانشجویان پیشگام، جنبش دانشجویان مسلمان و دیگر نیروهای انقلابی دانشجوئی می طلبد که هشیار باشند و متحدا" توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی را خنثی کنند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

۱۳۵۹/۳/۱۰

بقیه اخبار جنبش

طبق خبری که صبح جمعه ۲/۵/ دریافت داشتیم ارتش مزدور بهمراه پاسداران شهرسنندج را از هرسو به خمپاره وراکت وتوپ بسته است، وشروع به بمباران شهرکرده اند. بتعدادی ازمنازل مسکونی آسیب وارد شده است. پیشمرگه های شجاع کرد ارتش را عقب رانده اند وارتش دراستانداری مستقرگردیده. باشگاه افسران زیرفشار پیشمرگه ها درحال سقوط قرارگرفته است. از ۳ تانکی که برای کمک به باشگاه افسران رفته بود ۲تانک منهدم گردیده؛ چهارشنبه وپنجشنبه ۲هلیکوپترسقوط کرد. درمنطقه "گریکل" ارتش با تلفات سنگینی که بتوسط پیشمرگه ها به آنها زده شد، عقب نشست. روحیه مردم سنندج بسیارعالی است. ★

حمله ارتجاع به دانشگاه گیلان

هموطنان مبارز!

- دربی یورش اوباشان وپاسداران رژیم به دانشگاه گیلان ۱۳نفر ازدانشجویان بشهادت رسیده ودرحدود ۱۰۰۰ نفرزخمی گردیده اند. مردم قهرمان رشت بدنبال این واقعه تظاهرات وراهپیمایی هایی باعتراض به سپاه پاسداران وعمال رژیم برپا داشتند. بازاریان متعهد ومدارس امروزتعطیل کرده اندو جلوی ساختمان جهادسازندگی مقر پاسداران اجتماع کرده اند، باوجود گلوله باران پاسداران مردم درشهر دست به ایجاد سنگربندی زده اندوحاضرنیستند براحتی دستاوردهای قیام خونبار بهمن را بزیرپای چکمه پوشان جدیدبریزند، مردم خشمگین مغازه های چندحاجی محتکررا که درجریان حوادث دیروز دست داشتند بآتش کشیدند. زحمتکشان رشت بخوبی میدانندیورش به دانشجویان انقلابی، مقدمه سرکوب همهٔ کارگران وزحمتکشان بپاخاسته برعلیه ظلم وزورسرمایه داران وابسته ومرتجعین میباشد. شعارمرگ برپاسداردرتمام فضای شهرطنین انداز است، هادی غفاری مرتجع معروف وسردمدارچماق بدستان رژیم با بسیج اوباشان وحمایت پاسداران درصددتهاجم گسترده به مردم که درکوچه ها ومحلات سنگرگرفته اندمیباشد. ما بهمهٔ میهنان مبارز هشدارمیدهیم! تکرارفاجعهٔ انزلی وکشتارجدیدی تدارک دیده شده است



بقیه ازصفحهٔ ۱۶

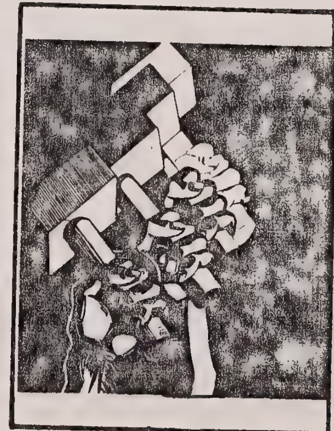
خسارت ...

زات بدست آمده کارگران وزحمتکشان راازآنان پس میگیرندولی اگر در همان اوائل بعلت مبارزات کارگران وزحمتکشان نتوانستند آنرا اجرا کنند زیادا همیت ندارد این برای روزهای آینده وبرای آن زمانی است که دولت خودرا جمع وجورکرده باشد و برای آن زمان که وقتی بطورقانونی کارگران را سرکوب میکند بگوید که هیچگاه قانونی خلاف این وجود نداشته است!

اما عدم تعطیل اول ماه مه در تقویم همانطورکه رژیم خودا قبل هم میدانست تاثیری نگذاشت وسازمانهای سیاسی واتحادیه های کارگری شروع به تبلیغ وتوضیح روزاول ماه مه نمودند. دولت برای تغییرروز کارگرازاول ماه مه (۱۱اردیبهشت) به دستاویزدیگری چنگ انداخت رژیم اعلام کرد که ادامه انتخابات - انتخابات مرحله دوم- روز۱۲اردیبهشت برگزارمیشودوتا ۲۴ساعت قبل هرنوع راهپیمایی وتظاهرات ممنوع است. کارگران جشن خودرا روزدیگری برگذارکنند. این یعنی روزکارگربی روزکارگرما میخواهیم انتخابات خودرا به پایان برسانیم و کارزرا - کارقانونی کردن خودرا !- تمام کنیم.

اما این نیزموفق نشد ورژیم مجبورشد عقب نشینی کندو انتخابات را به روز۱۹اردیبهشت موکول کندوحتی خودنیزاعلام راهپیمایی کرد.

اما اعلام راهپیمایی امسال دولت حامی سرمایه داران نیزاز حیله ونیرنگ خالی نیست اینان برای آنکه روزکارگررا روزی چون بقیه روزها ومسئله آنرا اتفاقی چون اتفاقهای دیگرجلوه دهند. این مراسم را با سالروزدرگذشت مطهری همراه کردند.



رژیم دردومین بیانیه ستاد برگزاری بزرگداشت روزجهانی کارگرنوشته است "دردومین سال پیروزی انقلاب اسلامی بزرگداشت روزکارگروسالگردشهادت استاد مطهری را همراه با قطع رابطه با آمریکائیها نخواکرا میبداریم"

این آخرین حیله ای است که رژیم برای برگزاری هرچه حقیرتر روزکارگربه کاربسته است: همزمانی ۲یا ۳مراسم با روزکارگرتا اولا جشن جهانی کارگران اتفاقی چون دیگر اتفاقات بنظرآیدوثانیا درآنروز بتوانند درحالیکه کارگران را به خیابان کشانده است بسیاری شعارها را درارابطه با مسائل دیگروبه نفع دولت ضدکارگری خودبدهند. آیا این شکل دیگری ازهمان حقه شاه که روز کارگررا به روزتبلیغ برای کارفرمایان ومحصولات کارخانجات تبدیل میکردنیست؟ بنظرما ایندوتنها دوشکل متفاوت ازفریب دادن کارگران توسط سرمایه داران ورژیمهای ضدکارگری میباشندودراصل باهم فرقی ندارند.

آری رژیم ضدکارگرجمهوری اسلامی درکنارسرکوب وکشتارخلق کردوترکمن، سرکوب واعدام کارگران بیکار، حمله وکشتارصیادان انزلی، وکشتاردانشجویان دردانشگاهها دربرگزاری جشن اول ماه مه هم ماهیت ضدکارگری وضدانقلابی خودرا نشان میدهدونشان میدهدکه حامی سرمایه داران وعلیه کارگران است.

کارگران قهرمان ورزمنده ایران!

صف مستقل کارگران، هرشعار مستقل کارگروهرمبارزه مستقل کارگران ضربه ای است به رژیم وزمینه ای است برای افشاگری علیه رژیم. با عدم شرکت درراهپیمایی که رژیم برگزارمیکندبا شرکت درراهپیمایی نیروهای کمونیست واتحادیه های خود، با طرح خواستهای مستقل خود روزاول ماه مه را به روزصف آرایی کارگران علیه رژیم جمهوری اسلامی، رژیم حامی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم تبدیل کنیم!



خلق گرد پشتیبانی کنیم!

ساواکی ها آزاد می شوند، نیروهای انقلابی کشتار می شوند!

هیأت حاکمه جمهوری اسلامی که امسال را سال "ثبات و امنیت" نام نهاده‌است، برای تثبیت حکومت خود مانند همهٔ حکومتهای ضد انقلابی به کشتار وحشیانهٔ نیروهای انقلابی و سرکوبی مبارزات توده‌های مردم دست زده‌است. برقراری "ثبات و امنیت" مطلوب سرمایه‌دارها که مورد تأئید، تشویق و حمایت امپریالیسم جهانی نیز میباشد مفهوم دیگری بجز بکاربردن وحشیانه‌ترین شیوه‌ها و اقدامات فاشیستی برای سرکوب مردم و نیروهای انقلابی ندارد.

توده‌های مردم که برای قطع کامل سلطه و نفوذ همه جانبهٔ امپریالیسم جهانی، بویژه امپریالیسم آمریکا وبرای کوتاه‌کردن دست سرمایه‌دارها و زمینداران بزرگ و وابسته از میهن ما قیام کرده‌اند امروزه با حکومتی روبرو هستند که میکوشد بهر طریق که شده مبارزات آنها را منحرف و سرکوب سازد.

منافع طبقاتی حکومتهای حامی سرمایه‌دارها، او را وادار میسازد که ارتش ضد خلقی، سپاه پاسداران ضد انقلاب و باندهای سیاه فاشیستی خود را بجان توده‌های مردم و نیروهای انقلابی بیاندازد تا بخیال خود با سرکوب مبارزات انقلابی کارگران، دهقانان، خلقهای ستمدیدهٔ میهن ما بویژه خلق قهرمان کرد، دانشجویان و دانش‌آموزان، پرسنل انقلابی ارتش و ... چرخهای مجدد تولید وابسته به امپریالیسم را براه اندازند وبدین ترتیب عملاً راه سلطهٔ مجدد و کامل امپریالیسم در میهن ما را هموار سازد.

بامداد — شنبه سیزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ـ شماره ۲۷۲ صفحه ۳

به حکم دادستان انقلاب اسلامی خوزستان

دو تن از عاملان حوادث دانشگاه اهواز اعدام شدند

اهواز ـ خبرگزاری پارس ـ دوتن از عاملین حوادث دانشگاه اهواز سحرگاه دیروز اعدام شدند.

در این مورد از طرف دادستان انقلاب اسلامی خوزستان اطلاعیه‌ای به این شرح در اختیار خبرگزاری پارس در اهواز قرار گرفت:

دادگاه انقلاب اسلامی اهواز پس از رسیدگی به پرونده دوتن از عاملین حوادث دانشگاه جندی شاپور به اسامی احمد موذن فرزند محمود شغل بیکار اهل دزفول و مسعود دانیالی فرزند خسرو شغل بیکار اهل ایذه نامبردگان فوق را که در بیشتر تحصن ها ـ اعتصابات واقدامات علیه جمهوری اسلامی در شهر های مختلف استان خوزستان نقش رهبری داشته‌اند از جهت شرکت در توطئه دانشگاه جندی شاپور و تحریک افراد ناآگاه و دخالت مستقیم در قضیه که منجر به چند فقره قتل ومجروح شدن تعداد زیادی ازافراد گردید به اتهام قیام بر علیه حکومت جمهوری اسلامی و خیانت به دولت و ملت ایران محارب باخدا و رسول خدا شناخت و محکوم به اعدام کرد که حکم صادره سحرگاه امروز (دوازدهم اردیبهشت) بمرحله اجرا گذارده شد. رسیدگی به اتهامات سایر متهمین ادامه دارد

دادستان دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان ـ صادقی

شده‌اند که در این بیشتری بکنند و هر گزارش خود را هم داده‌اند اما تحقیقات اجرا است وتا وقتی نمیتوانم به سوال ش دکتر بهشتی در که در محل دیوان ع یکساعت برگزار شد نظامی امریکا به خا دست و پا زد استعمارگر امریکا وموهومی که در ومیکوشد تا ج اسلامی ملت ما فشار قرار دهد انقلاب اسلامی در سیاست کل است. امروز ا سرکرده آنها امر که منافقشان در متزلزل شده است بنابراین با انقلاب پیروز است بطور جد

اعدام فاشیستی رفقای شهید احمد موذن ومسعود دانیالی لکهٔ ننگ دیگری است بردامان هیئت حاکمهٔ جمهوری اسلامی ونشان میدهدکه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی درشرایطی که به جلادان ساواک عفو عمومی میدهند و مزدوران سرسپردهٔ سیا و رژیم مزدور شاه را به پست فرماندهی ارتش شاهنشاهی اسلامی میرسانند چگونه سینهٔ بهترین فرزندان انقلابی خلقهای میهن ما را با گلوله‌های مزدوران خود میشکافند.

هیئت حاکمهٔ جمهوری اسلامی در اعدام این دو مبارز انقلابی و ضد امپریالیست حتی مقررات فرمایشی دادگاههای فاشیستی رژیم مزدور شاه را هم رعایت نکردند و به شیوه‌ای بدتر از ساواک آریامهری تنها به بهانه اینکه این دو رفیق در تظاهراتی شرکت کرده‌اند که منجر به قتل چند نفر شده آنها را وحشیانه اعدام کرده‌است.

هیئت حاکمه با اقدامات سرکوبگرانه و ضد خلقی خود نشان میدهد برای برقراری ثبات و امنیت مطلوب سرمایه دارها، ساواکیها، مزدوران امپریالیسم، و زمینداران بزرگ و مرتجع از انجام هیچ جنایتی خودداری نمی‌کند. هیئت حاکمه ضد انقلابی در شرایطی که امپریالیسم تجاوزگر آمریکا به میهن ما تجاوز نظامی میکند، زیر پردهٔ شعارهای ضد امپریالیستی و در پوشش مقابله با تحریکات و تبلیغات جنگی رژیم فاشیستی عراق به سرکوب توده‌های مردم و خلق قهرمان کرد و اعدام نیروهای انقلابی دست میزند. اما توده‌های مردم دلیر و زحمتکش میهن ما که تاکنون برای رسیدن به خواسته‌های خود و پیروزی انقلاب دموکراتیک ـ ضد امپریالیستی ایران صدها هزار شهید و زخمی داده اند با ادامه و تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی ـ ضد ارتجاعی خود به ضد انقلاب حاکم و امپریالیسم جهانی نشان میدهند که از هیچ اقدام سرکوبگرانه و ضد مردمی ای هراسی بدل راه نمی دهند. ضربه‌های ضد انقلاب توده‌های مردم ونیروهای انقلابی را آبدیده‌تر میسازد و کینهٔ انقلابی آنها را عمیق‌تر میکند و مرگ ناگزیر ضد انقلاب حاکم را نزدیکتر میسازد.

هرچه رسواترباد چهرهٔ منفور مرتجعین، سازشکاران و عوامفریبان!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی ـ ضد ارتجاعی خلقهای ایران!

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

وحدت انقلابی

برای آزادی طبقه کارگر

۵۹/۲/۱۳ الف‌ـ۱۵

در انقلاب فرهنگی دانشگاه بلوچستان افغانها هم شرکت داشتند!

در حمله به دانشگاه هجوم و مراکز آموزش عالی، هیئت حاکمه، هر جا، نیروی را بکار گرفت و انقلاب فرهنگی را به خوبی را به انجام رسانید. انقلابی بر علیه فرهنگ انقلابی و با کمک مزدوران و چماقداران و اوباشان! اما در دانشگاه بلوچستان افغانیها نیز در این انقلاب شرکت داشتند. جریان واقعه از این قرار است:

از اواخر فروردین، مقدمات حمله به دانشگاه بلوچستان فراهم شده بود و در مساجد به این مراکز فساد! حمله میکردند و توده های ناآگاه را نسبت به این مراکز بدبین مینمودند. اما این تبلیغات بر توده ها اثر چندانی نداشت. از آنجا که در بلوچستان پایگاهی ندارند، روز یکشنبه ۱/۳۱ دسته‌ای از عوامل مزدور و خودفروخته و فریب خورده را روانه دانشگاه کردند که با مقابله دانش آموزان و دانشجویان حتمی شد. این بود که بفکر استخدام مزدور افتاد. آنطور که گزارشات بدست ما میرسد، در این راه ۸۰۰,۰۰۰ هزار تومان از پول بیت المال ملت بکار گرفته شده است. آنها با این پول هنگفت به استخدام عده‌ای از افغانیهای مهاجر که در وضع بد مالی بسر میبرند پرداختند و دسته‌ای از چماقداران حرفه‌ای را ملی را نیز بخدمت گرفتند و رهبری این دسته را نیز طبق معمول بنیادهای بیداران غیر بومی را هدایت بعهده گرفت و آنگاه که همه چیز آماده شد، دوشنبه ۸، اساتید زبان و بلوچستان که از نکات هماهنگی رفسنجانی است در زاهدان و بلوچستان حضور پیدا کرده و مردم را به حمله به دانشگاه فرا خواندند و اظهار داشت که "من و روحانیون سیستان بلوچستان با شما خواهیم بود."

رئیس دانشگاه، درهای دانشگاه را بخوبی در بندون اطلاع دانشجویان میبندد و خود از دانشگاه خارج میشود. نزدیک ساعت ۱۲ حدود ۱۵۰۰ نفر که بیشتر آنها چماقداران و افراد مسلح حضور داشتند در اطراف دانشگاه جمع میشوند.

اعضای انجمن های اسلامی مأموریت داشتند که افراد فعال را به دستجات معرفی کنند. در این هنگام یکی از مزدوران فریاد میزند: "عمر کفر بپایان رسیده" و سپس رگبار مسلسلها فضا را پر میکند. افراد مسلح، مشخصا بسراغ عناصر فعال رفتند و آنها را بسیار ساختمان برده و به رگبار می‌بستند و یا به سمتی توسط چماقداران با ابزار سخت در آن حضور داشتند، شکنجه شدند.

چماقداران و دسته‌های مسلح، تمام دانشکده‌ها را به محوطه‌ای تبدیل میکنند، کتابها و دفاتر را به آتش میکشند و ساختمان های محل سکونت دانشجویان و اساتید حمله میکنند و با کلیدهایی که از قبل در اختیارشان قرار داشت وارد ساختمان شده، دانشجویان را مضروب و اموال ناچیز آنها را غارت میکنند.

حاصل انقلاب فرهنگی اسلامی! ارتجاع چنین بود:

* - ۵۰ نفر بوسیله گلوله و چماق زخمی شدند.
* - ۳ نفر شهید شده و به کاروان شهدای انقلاب ایران افزوده گشتند.
* - ۲۰ نفر دستگیر و زندانی شدند.

یکی از شهدا، رفیق هادی مطری، انقلابی کمونیستی که مدتی نیز در زندان آریامهری بسر برده، بشهادت رسیده است و دو شهید دیگر را چماقداران مزدور مفقود کرده‌اند.

تعدادی از دستگیرشدگان را با خواستهای شهر به زندان اوین منتقل کرده‌اند.

اخبار جنبش

حکومت و دستگاههای نظامی و امنیتی آن این روزها برای جلوگیری از جنبش انقلابی، دست به کشتار خلق و فرزندان دلیر و مبارز زده‌اند.

رفیق حمید سلحشور، که در تاریخ ۱۳۴۲ متولد شده بود، علی رغم سن کم خود، تجاری درخشان در جنبش و دستان کارگران و زحمتکشان میان نشان داد که در خانواده‌ای زحمتکش بدنیا آمده و از بدو کودکی با رنجها و دردهای طبقه کارگر آشنایی پیدا کرده بود، خیلی زود به مبارزه بر علیه رژیم شاه وارد گردید. در سراسر دوران جنبش انقلابی ۵۷ - ۵۶ مقاومت و استادگی رفیق حمید در مدرسه، و شرکت فعال او در اعتراضات توده‌ای ... به ... بک نمونه از رشد انقلابی محسوب میشد. او در این دوران آزمودگی انقلابی یافت یا در مبارزه بر علیه سیستم سرمایه‌داری و استبداد آن کمک میکرد. آشنایی رفیق با مارکسیسم لنینیسم، او را به جهان بینی علمی و پرشور راه آزادی طبقه کارگر مبدل کرد. بطوریکه پس از تمام مراحل لحظه شهادت بدست مزدوران حکومت دسته‌ای آرام نداشت. رفیق حمید در کارخانه انتشارات سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، توضیح مارکسیسم لنینیسم به فرزندان زحمتکشان و احقاق ابزاری خود و فعالیت انقلابی بهمراه هواداران رزمندگان .... در مسجد سلیمان، واقعاً برجسته و نمونه بود. او فرزند انقلاب و طبقه کارگر، فرزند وفادار به مارکسیسم - لنینیسم و مبارز انقلابی بود.

بنابراین کاملاً روشن است که چرا عوامل کثیف‌های بانی یا توطئه و نقشه جنایت آمیز، رفیق حمید را به شهادت رساندند. حکومتی که دشمن کارگران و زحمتکشان است، دشمن فرزندان انقلابی کارگران نیز میباشد. مزدوران کثیف‌شان که حالا نقش پلیس مخفی و باندهای تعقیب ساواک را بازی می‌کنند، رفیق حمید را بهمراه رفیق دیگری تعقیب میکنند

> **یاد**
> **رفیق شهید رزمنده**
> **★ حمید ★**
> **سلحشور**
> **گرامی باد**

و در دوراهی ... اتومبیل آنها را مورد حمله قرار داده، و با زدن به قسمت راست موتور، رفقا را واژگون کرده به روی خیابان پرتاب میکنند. بر اثر این توطئه هر دو رفیق دچار خونریزی داخلی میشوند که در اثر آن رفیق حمید در بیمارستان بشهادت میرسد. کوشش دادگاه برای محکوم اعلام کردن موتور (آنهم به اتهام پس از شهادت رفیق) نشان میدهد که چگونه عوامل حکومت سعی در پنهان کردن جنایت خود و تبدیل آن به حادثه نموده است.

روابط عمومی سپاه پاسداران مسجد سلیمان در اعلامیه خود "سازمان رزمندگان" را مورد اتهام قرار میدهد و میگوید آنها در مورد عزیز محمدی و حمید سلحشور و اینکه پاسداران آنها را بشهادت رسانده‌اند دروغ میگویند.

↞

مبارزهٔ خلق کرد از مبارزات دیگر خلقها جدا نیست!

بقیه از صفحه اول

...طه‌ی پایان یک خط سیاسی

ک ژنرال مصری را،
ن سران کشورهای

سازمان چریکی
ِ مسلحانه‌اش را
پس شور مبارزه در
ر شده‌وستم‌دیده‌ی
اوج گرفته بود.
مه و نیرومند شدن
ی فلسطینی و در
ح را با خشم و
می‌کرد و بمفکر
جویانه بود. روز
ژنرال "اسحق
د ارتش اسرائیل،
"اسرائیل باید به
کارانه‌ی‌فلسطینی-
م متقابل به عمل
میان بردن پایگاه-
..."

تهدید اسرائیل
ه قاهره متوسل شد
علنی اسرائیل را،
د می‌دانست، در
ـ قرارداد همکاری
ماء کرد.
مه سرباز اسرائیلی
۱۹ در مجاورت مرز
، بهانه داد که روز
هواپیماهایش را به
د و ۶ فروند میگـ
د.

ـقام‌جویانه‌ی
سوریه، کودتای
در یونان، سقوط
"قوام نکرومه" در
ر اندونزی و ...
واداشت‌که‌توطئه‌ای
ساقط کردن رژیم
اسرائیل، درجریان
آن‌واکنش‌نشان دهد

...نتظار جنگ

تمرکز نیروهای
ا ادامه داشت و
به سردی گرائیده
ید به سمت جنگ
از یک طرف به
بل و حمایت قاطع
ـ بود و از طرف
در مقابل انتظار
ـهای عرب که او
اسیونالیسم عرب
ـ بماند.
ز ۱۴ مه ۱۹۶۷،
مصر در خیابان-
ند و سپس عازم

هیجانی بود که احساسات اعراب را به اوج رساند. اما بحران به اوج خود رسیده و احتمال برخورد نظامی بالا گرفته بود. دز این موقع ناصر که متوجه وخامت اوضاع شده‌بود، ژست‌آشتی-جویانه‌ای به خود گرفت و ضمن گفتگو با اوتانت (دبیرکل سازمان ملل که با عجله به قاهره آمده بود)، موافقت نمود که مقررات جدیدی تنظیم شود و کشتی‌های اسرائیلی، در صورتی که مبادرت به حمل مواد استراتژیکی نکنند، حق عبور ازتنگه‌ی تیران را داشته باشند، اما این پیشنهاد در اسرائیل، که کفه‌ی قدرت سیاسی به سرعت به نفع جناح نظامی (بن‌گوریون ـ دایان ـ شیمون‌پرز و بگین) سنگین شده بود، با سردی و مخالفت روبرو شد.

روز ۲۸ مه، ناصر در یک کنفرانس مطبوعاتی، ضمن حمله‌ی شدیدی به‌آمریکا و اسرائیل، پیشنهاد کرد که کمیسیون مشترک آتش بس بین مصرو اسرائیل کار خود را از سربگیرد و مشکل فلسطین نیز به وساطت قدرت‌های بزرگ حل شود. اما اسرائیل تصمیم خود را گرفته بود. رابین تاءکید می‌کرد که: "هر روز بیش از پیش معلوم‌می‌شود که تنها قدرتی که در این‌کشور می‌توان بر آن تکیه کرد ارتش است."

پیروزی چشمگیر مصر و فشار افکار عمومی‌توده‌های عرب، باعث شده بود که دولت‌های مرتجع عرب نیز، که پیش از این‌مخالف هر نوع درگیری با اسرائیل بودند، حالا فرصت‌طلبانه پیش بیایند و "مبارز" و "فلسطینی‌خواه" شوند، شاید که به آنان نیز بهره‌ای از غنائم پیروزی حتمی فردا برسد!

دولت‌های عرب در حرف و تبلیغات گوی سبقت را از همدیگر می‌ربودند و هریک به نوعی اسرائیل را به نابودی کامل تهدید می‌کردند. بی‌خبر نگهداشتن توده‌های عرب از واقعیت مسائل، ویژگی این دولت‌ها شده بود. اینان هر چند کمدر حرف و تهدید تند و افراطی بودند، اما اکثرا" در عمل از درگیری می‌گریختند و تنها به مانورهای دیپلماتیک و گرفتن امتیازاتی چند به نفع خود، دل‌خوش بودند.

دستگاه‌های تبلیغاتی اسرائیل و حامیان غربیش نیز با تاءکید بر این تهدیدها و رجزخوانی‌ها، افکار عمومی دنیا را بر علیه "اعراب زورگو که می‌خواهند جنایات نازی‌ها را تکرار کنند!" بسیج می‌کردند و ...

کردند، مردم مصر تازه پس از چهار روز بی‌خبری، عصر روز هشتم‌ژوئن، از شکست وحشتناک ارتش خود باخبر شدند! اعراب به همین آسانی شکست خورده بودند.

در نتیجه‌ی این شکست‌بیت-المقدس از کنترل اردن خارج شد، اسرائیل بر کناره‌ی غربی اردن حاکم گردید، صحرای سینا تا کناره‌ی کانال سوئز به اشغال اسرائیل‌درآمد، نیروهای سوری از بیشتر بلندی‌های جولان عقب رانده شدند و به دنبال آن صدها هزار آواره که قبلا" نیز از میهنشان رانده شده بودند، رنج هجرت و آوارگی تازه‌ای را بر دوش کشیدند... اما در کنار همه‌ی این شکست‌ها، جنگ ژوئن حاوی تجارب و پیروزی‌هایی هم برای خلق‌های فلسطین و عرب بود:

این‌جنگ یک بار دیگر نشان داد که بدون اتکاء کامل به توده‌ها و یک جنگ تمام عیار خلقی، نمی‌توان صرفا" با تکیه بر ارتش‌های رسمی و جنگ‌های کلاسیک نبردی ضد ـ امپریالیستی و آزادیبخش را به انجام رساند. ارتش‌های رسمی بسیار ضعیف‌تر از آنند که بتوانند جای لشگر عظیم خلق رابگیرند و از پس قدرت‌های جهنمی امپریالیستی برآیند. نبرد خونبار ویتنام به خوبی نشان داد که تنها به اتکاء ارتش خلق است که می‌توان شاخ عظیم‌ترین غول جهانخوار را درهم شکست.

شکست جنگ ژوئن نشان داد که آزادی فلسطین در گرو مبارزه‌ی قاطع و عادلانه‌ی خلق‌های عرب و فلسطین است، نه در توان دولت‌های عربی که با سقوط کامل به ورطه‌ی بازی‌های دیپلماتیک، اگر هم سخنی از جنگ می‌گویند، فقط به خاطر کسب پوئن‌های سیاسی و حفظ قدرت و منافع طبقاتی و نهایتا" طبیشان است. به همین دلیل است که این شکست، نقطه‌ی عطفی در حرکت توده‌های فلسطینی و عرب بود. از این پس امید این خلق‌ها، به اقدامات دیپلماتیک و مبارزات کج دار و مریزانه‌ی حکومت‌های عرب قطع شد و به سمت سازمان‌های انقلابی فلسطینی گرایش یافت. جنبش آزادیبخش فلسطینی، بعد از این، و بخصوص پس از نبرد قهرمانانه‌ی کرامه، به‌صورت نقطه‌ی امید و تبلور آمال و آرزوهای سرکوب شده‌ی توده‌های ستم دیده‌ی فلسطینی و عرب درآمد و به سرعت رو به رشد و گسترش نهاد. شاید از بعضی ...

دیدار رئیس جمهور با نمایندگان انجمن‌های دانشجویان مسلمان

به دنبال اعلام تعطیل دانشگاه‌ها زمزمه‌هایی در مورد تعطیل شدن خوابگاه‌ها و بخصوص نگرانی‌هایی در مورد وضع دانشجویان و دانشگاهیان وجود دارد که در اعلامیه‌های مختلف دانشجویان و استادان و همچنین در تماس‌هایی با مقامات مملکتی مطرح شده است.

نمایندگان انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی در ساعت ۷/۳۰ بعدازظهر روز یکشنبه ۳/۱۱ برای طرح مسائل فوق و حل قطعی آن با آقای بنی‌صدر در حضور اعضای شورای انقلاب در محل دفتر ریاست‌جمهوری باایشان‌دیدار داشتند. نمایندگان دانشجویان ضمن اعلام آمادگی برای همکاری در زمینه‌های مختلف بخصوص در ایام تابستان در مورد مسئله‌ی‌تعطیلی دانشگاه‌ها و چگونگی تغییر نظام آموزشی و همچنین مسئله‌ی تعطیلی خوابگاه ها مشکلات خود را بیان نمودند. و ضمن اظهار نگرانی از سرنوشت دانشگاه‌ها ابراز داشتند که جریانات نشان می‌دهد که تغییر نظام آموزشی و تعیین‌سرنوشت دانشگاه‌ها قرار است به نحوی انحصار طلبانه و بدون حضور کلیه‌ی اقشار دانشگاهی انجام پذیرد. چرا آنطوری،که در گوشه و کنار بیان شده است، قرار است که دانشگاه‌ها به مدت نامعلومی تعطیل گشته و درب‌های دانشگاه‌ها به طور کلی بروی دانشجویان‌بسته شود. چنانکه در بعضی موارد از ۲ سال تعطیل‌یابیشترنیزبحث‌شده است.

دانشجویان ضمن طرح موارد فوق با آقای رئیس جمهور با توجه به حساسیت مسائل مختلف مملکت خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. در این مورد آقای رئیس جمهور ضمن اشاره به بی-مورد بودن این‌گونه نگرانی‌ها اظهار داشتند که بایستی نظر تمام دانشجویان در تعیین سرنوشت دانشگاهها دخالت داده شود. درب-های دانشگاه‌ها نیز برای شرکت دانشجویان در بحث آزاد و سمینارها باز خواهد بود. و نمی‌توان با بستن دانشگاه‌ها این همه دانشجو را در سطح کشور سرگردان، رها کرد، کشور به متخصص نیازمند است و انقلاب فرهنگی به این مفهوم نیست که از فکر دیگران استفاده نشده و مغزها گچ گرفته شود.

دانشجویان هم‌چنین نگرانی-های خود را در موردزمزمه‌های اخیر مبنی بر تعطیل شدن خوابگاه‌ها و تخلیه‌ی آنها ابراز داشتند و تقاضا کردندکه ترتیبی داده شود تا خوابگاه‌ها در تابستان برای استفاده دانشجویان باز باشد. آقای رئیس جمهور هم در جواب گفتند:

اجباری بر تخلیه‌ی خوابگاه‌ها در دوران تعطیل فعالیت‌های آموزشی نیست و برای افرادی که شاغل یا متاهل هستندیا به نحوی به خوابگاه احتیاج دارند، خوابگاه‌ها برقرار خواهد بود.

آقای بنی صدر همچنین خاطر-نشان کردند که مطالبی که این روزها در مورد تعطیلی درازمدت دانشگاه‌ها در بعضی از رسانه‌های‌گروهی مطرح شده شایعاتی بیش نیست و نیز اضافه کردند که مساله‌ی دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها را در شورای انقلاب با آقای دکتر حبیبی مطرح خواهند کرد.

در پایان دانشجویان مدارک و اسناد و اخباری را حول این مسائل به آقای رئیس جمهور دادند. انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی با توجه به بیانات رئیس جمهور بدین وسیله توجه مسئولین امر را برای اجرای هرچه سریعتر موارد فوق جلب می‌کنند. تا در شرایط حساس کنونی با مسائل تاسف‌بار جدیدی در دانشگاه‌ها مواجه نگردیم.

* * *

بقیه از صفحه ۳

گزارشی از کنفرانس بین المللی...

مسئله‌ی نفت ایران و سیاست‌های استعماری و غارتگرانه‌ی امپریالیسم آمریکا را در این رابطه تشریح کرده و گفت: "شاه مخلوع قهرمان اجرای سیاست‌های نفتی‌امریکادرایران‌بود."

پس از پایان سخنان مجید ...

سخنرانی نماینده‌ی سازمان همبستگی وحدت آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین "خانم ملباهرناندز "ازکوباآغازبه کار کرد وبه دنبال آن تعدادی دیگراز نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس پیام‌های خود را قرائت کردند و بقیه ...

اعدام انقلابیون

حوادث دانشگاهها ادامه دارد !

پزشکان اهواز اعتصاب کرده‌اند ،کانون دستیاران ایران اعلامیه داده است وموج اعتراض و اعتصاب بیمارستانهای سراسر ایران را فراگرفته است چرا ؟

دکتر" اسماعیل نریمی سا "پزشک ۳۶ ساله‌ٔ مقیم اهواز را اعدام کرده‌اند دکتر"نریمی سا "را همراه با مهدی علوی شوشتری "به‌جرم "موضعگیری‌درمقابل جمهوری اسلامی "به اتهام "شرکت درد رگیری دانشگاه‌جندی شاپور"ودرکنار ۶ نفرقاچاقچی وکسانی که‌جرائمی غیرسیاسی داشته‌اند اعدام کردند. تاجنایت کنندوکسی ازجنایتشان خبردار نشود .

رژیم جمهوری اسلامی صدها نفررا درجریان حوادث دانشگاه درشهرهای مختلف دستگیرکرد واینک یکی یکی به اعدام آنها مشغول است دادگاه اهواز همان روزهای اول بعدازحوادث دانشگاهها که در جریان آن دهها نفرکشته شدند ،دوانقلابی کمونیست مسعوددانیالی واحمدموذن را اعدام کرد ،اما خشم ونفرت مردم استان خوزستان وسراسرایران را فراگرفت واعتراضات وخشم مردم موجب متوقف کردن اعدامها شد .واینک رژیم برای ادامه کشتارخودبه یک حیله بیشرمانه دیگردست زده و۲ زندانی دیگرحوادث دانشگاهها را باکسانی که‌جرایمی چون اشاعه‌فساد داشته‌اند به‌شهادت رسانده است .ونام این شهدا را درمیان بقیه اعدام شدگان منتشرکرده است تاکسی متوجه آن نشود! اما افشاگری واعتراضات همکاران وهمرزمان دکترنریمی سا ومهدی علوی شوشتری این جنایات را برملا کردندوبا پخش خبر اعدام آنها باردیگرگوشه‌ای ازجنایات رژیم آشکار شد .

آشکارشدکه رژیم جمهوری اسلامی به‌کشتن وشهادت رساندن دانشجویان درخیابانها اکتفا نکرده و آنان را در دادگاههای فرمایشی خودنیز به‌قتل میرساند .

آشکارشدکه موضعگیری درمقابل رژیم جمهوری اسلامی جرم بوده ومجازات آن اعدام است .

آشکارشدکه رژیم جنایاتش را به هرحیله‌ای که بتواند پنهان میکندوبه‌فریب ونیرنگ مردم میپرد- ازد .

وباردیگردرکنارصدها جنایت دیگرآشکارشدکه رژیم جمهوری اسلامی ازچه‌کسانی پشتیبانی وچه کسانی را به‌قتل میرساند .

هموطنان مبارز !

با تمام قوا به‌افشای این جنایات پرداخته ومانع اعدام وکشتارانقلابیون ،مبارزین وکمو- نیست هایی شویدکه‌سراسرزندگیشان درراه‌نابودی ظلم واستثمارمبارزه‌کرده‌اند .

زندانیان حوادث دانشگاه وتمامی زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

سازمان رزمندگان آزادی طبقهٔ کارگر

۵۹/۴/۱۱

فرخ روی پارسا بود و نام ایشان هنوز برکتابهای درسی آنزمان بچشم میخورد و رندان همیشه ازمعرفی سوابق فرهنگی او درمجامع طفره می‌روند وزیرآموزش و پرورش‌شده‌است. ایشان علاوه برعضویت درهیأت رهبری حزب و شورای انقلاب و انقلاب فرهنگی یکی‌ازگردانندگان مهم‌آموزش و پرورش بودند واگر واقعاً آدم باتقوائی‌بودند بعلت عدم توانائی قبلی در برنامه‌های خود باید اینکار را قبول نمی‌کردند . اما ایشان نه‌تنها قبول‌کردند، بلکه علاوه برصحه‌گذاشتن بکارهای قبلی با تأکید برادامه پاکسازی، که قبلاً بیان‌شده برآنندکه محیط ترس‌واختناق را ادامه دهند و یا مدارس را به‌تعطیل بکشانند. ایشان و پشتیبانانشان باید بدانندکه به شهادت تاریخ مبارزات نهضت ملی ایران ، جامعه فرهنگیان ایران هیچگاه اجازه نخواهند داد تا چنین‌امری بوقوع بپیوندد و آقای باهنر نیز باید بدانند، بخاطر لباسی‌که ایشان بتن دارند اگر باین راه ادامه دهند به مقام روحانیت نیزلطمه خواهند زد .

سازمان جوانان وفرهنگیان جبهه ملی ایران برحسب وظیفه‌ای که دارد باطلاع تمامی معلمین و محصلین و ملت قهرمان‌ایران می‌رساندکه‌اگرتصمیمات‌ذیل‌اتخاذ نگردد باید درانتظار وضع‌اسفناك و دردآورشدیدتری درجامعه ایران بود.

۱- بایدمحیط‌اختناق وتهدید وارعاب‌که محصلین، این‌آینده سازان مملکت را مأیوس و واخورده و بی‌قید وبدبین بار خواهد آورد وفضا را برای نفوذ بیگانه مهیا خواهد نمود، به‌محیط‌تفاهم و دوستی و وحدت و برخورد مسالمت‌آمیز اندیشه‌ها تبدیل‌نمود و امکان داد تا افکار وعقاید و ابتکارهای سازنده و مثبت‌آنها در حدی‌که بتحصیل وآموختن‌آنها و پیشرفت علمی‌کشورلطمه نزند، درمحیطی‌آزاد، شکوفا گردد.

۲- باید تمام معلمین وکارمندان ادارات آموزش و پرورش که بدون رعایت هیچ ضابطه قانونی ازکار برکنار شده‌اند بسرکارخود برگردند .

۳- باید مسئولین مدارس وادارات ومؤسسات فرهنگی تاحد مدیرکل ازبین‌همان طبقات ومعلمینی‌که سوابق‌آنها روشن و دراین امرتجربه‌کافی وایمان قاطع دارند ومورد شناسائی دیگرهمکارانشان می‌باشند انتخاب‌گردند.

۴- انتخاب وزیر ومعاونین باید از بین دانشمندان و استادان وفرهنگیان مدیرو با تدبیر و خوش‌سابقه‌که وابستگی بگروههای فرصت طلب وخودکامه نداشته باشند تعیین‌گردد.

۵- باید دانشگاهها هرچه زودترگشوده‌گردد و استادان برسرکارخود برگردند وهرگونه‌تصفیه و پاکسازی ازطرف هیأت‌های **برگزیده**‌آنها صورت‌گیرد وهرگونه‌تغییرو دگرگونی‌وانتصابی بوسیله هیأت علمی‌منتخب استادان وصاحب نظران بعمل‌آید و **ببهانه** انقلاب فرهنگی‌هیچ وقفه‌ای دراین‌زمان‌که بیش‌ازهرموقع‌دیگراحتیاج به‌فعالیت وکوشش مراکزآموزشی و پژوهش‌کشور وجود دارد، بیش‌از این وقفه‌ای رخ ندهد.

۶- باید ازطرف معلمین وفرهنگیان تهران وشهرستانها وازطریق انتخابات‌آزاد و با امکاناتی‌که ازطرف‌آموزش‌و پرورش در اختیار آنها قرارگذاشته خواهد شد ، هیأتهائی تشکیل‌گردد تا به تمامی نارسائی‌ها، اختلالات، پاکسازیها و تجاوزات‌به حقوق وحرمت معلمان رسیدگی‌کند.

امیداست با پشتکار انقلابی معلمان ومحصلان وکمك سایرهموطنان بتوانیم این‌خرابی‌ها و ویرانیهای عظیم مادی ومعنوی راکه امروزه برپیکراین ملت قهرمان وستم‌کشیده‌کشورعزیزمان عارض‌گردیده است از بین ببریم .

سازمان فرهنگیان جبهه ملی ایران ۵۹/۹/۲۱

آقای رجائی، آقای باهنر،

چه کسانی مسئول اوضاع آشفته و درگیریهای آموزش و پرورش میباشند ؟

یکی ازپرتحرك ترین ونیرومندترین قدرت انقلاب محصلین و معلمین بودند. هزارها محصل و صدها معلم شهید گواهی‌است بزرگ از این نیروی عظیم که همه درآنروزآزادی را فریاد میزدند، تا بتوانند بادرهم شکستن رژیم استبداد وقلدری درمحیطی آزاد و پرتفاهم با تبادل افکارآن وحدت و یکپارچگی را در راه سازندگی بکارببرند. این امید برای تمام صاحب‌نظران و مردم آگاه وجود داشت که اگراین نیرو با این روحیه متحد وفعال و پرشور بشیوه‌ای صحیح وبدست افرادی مدبر اداره شود تا چند سالی دیگر اساس‌اجتماع شکل اصولی و مردمی بخود خواهد گرفت و مملکت ازهرگونه وابستگی اقتصادی و اجتماعی وسیاسی نجات پیدا خواهدکرد .

۵ روز بعداز انقلاب در « طرح فوری انتقال قدرت‌بمردم » ازطرف جبهه ملی که در اکثر جرایدآنروزها هم چاپ شد لزوم و راه تشکیل شوراها و اداره امور بامشارکت ومشاوره مردم وایجادکمیته‌ها و ازجمله‌کمیته فرهنگیان به اطلاع عموم و زمامداران مملکت رسید وچندی بعد از طرف سازمان فرهنگیان جبهه ملی‌طی‌نامه مفصلی به‌آقای دکترشکوهی وزیرفرهنگ چگونگی ونحوه انتصابات افراد ذیصلاح پیشنهاد شد. اما افسوس که حرارت وجوش وخروش حالت‌انقلابی اجازه نداد که مردم دریابندکه چگونه ازهمان روزهای اول در پس پرده، **گروه فرصت طلب و انحصارگر که امروزه پس‌از دوسال‌فرصت جوئی ومقام پرستی، ناتوانی‌مدیریت آنها برهمه روشن شده‌است، بابدست‌گرفتن مراکز قدرت وهمگامی‌چشم‌گیرنیروهای چپ وابسته‌با آنها در راه اتهام و برچسب زدن‌ها به‌افرادخوشنام و وطن‌دوست وامتحان داده بجان این نیروی عظیم یعنی معلمین و محصلین افتادند.** بجای‌آنکه‌شورای معلمین‌تشکیل گردد وعلاوه بررسیدگی و انتخاب رؤسای مدارس معلمان ناباب وکم‌کار و مزور را با تحقیق وارائه مدارك تحویل‌مقامات صالحه دهند وبکار مشاوره وگزینش بهترین روش‌ها بپردازند ونواقص را مرتفع‌نمایند، براهی‌قدم نهادندکه امروزه ده‌ها هزارمعلم را بدون ارائه هیچ مدرکی ومجوزی ازکار برکنارکرده ومی‌کنند، **نه‌بعنوان معلم وکارمندفاسد بلکه هرکه باآنها نیست بعبارت ساختگی هرکه مکتبی‌نیست باید کنار برود.** با قلع وقمع آزادی و ایجاد ترس و وحشت برای تمام گروهها و احزاب غیروابسته به‌گروه حاکم درمدارس **(آقای رجائی دریکی‌ازسخنرانیهای خود بعدازبستن دانشگاه علناً گفت درمدارس فقط انجمن‌های اسلامی آزادند که فعالیت داشته باشند) و حمایت بی‌دریغ مالی و معنوی از انجمن‌های اسلامی وابسته به‌حزب جمهوری این‌جوانان پاکدل وکم تجربه را با دیگر برادران وخواهران سایرگروهها بجان هم افکندند تا جائی‌که حتی دراین روزها ازآنها کشته و زخمی‌هائی‌چند برجای مانده است.** با آوردن عده‌ای جوان بی‌تجربه ساده‌دل‌وخوش‌باور وبافرصت‌طلب ازداخل‌وخارج کشورکه هیچگونه اطلاعات وتجربه‌آموزشی‌و پرورشی‌ندارند وسپردن مسئولیت‌های حساس به‌آنها و با کمك معدودی فرهنگی ریاکار و دو رو بنام امورتربیتی (بجای تربیت) دست به اخراج وعزل ونصب، بازنشسته‌کردن معلمین و اذیت وآزار و تهدید محصلین پرداختند وچه بسیار معلمین خوش‌سابقه و با تجربه ومتدین وبا ایمان‌که ازصحنه‌کار دراین‌لحظات حساس کنار رفتند. **باکمال تأسف معلم‌که در اسلام دارای‌آن مقام والا وشایسته‌ایست که‌حضرت علی(ع) میفرماید « من‌بنده‌کسی‌هستم که کلمه‌ای‌بمن بیاموزد» امروزنه‌تنها احترامی‌نداردبلکه موردانواع‌تهمت‌ها وعتاب وخطاب‌ها قراردارد.** محیط فرهنگ که‌در روزهای‌اول‌انقلاب همه‌چشم‌هابدان ویکپارچگی آن دوخته شده بود، امروز از برکت تدبر وکاردانی!؟ ومکتبی بودن آقایان ، بحالت انفجار وتشتت‌کامل درآمده و هر روز درجائی‌زد وخورد درگیراست وبزرگترین‌قدرتی که‌رژیم‌شاه‌ازآن وحشت‌داشت‌می‌رودکه‌به‌بهانه‌ای مانند دانشگاه‌تعطیل‌شود. **اگرمسئولین در روندکار نخواهند این‌گناه را به‌گردن‌گیرند حداقل باید قبول کنندکه عرضه اداره امور را نداشته‌اند.**

آقای رجائی بپاداش‌ایجاد این‌محیط‌دردناك درفرهنگ‌کشور به‌نخست وزیری رسید وآقای باهنر که‌خود ازهمکاران

۱۰ ارگان "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" رزمندگان

مبارزات دانش آموزان برعلیه اختناق اوج می گیرد!

رودسر:

بدنبال پاک کردن شعارهای نیروهای انقلابی درمدرسه حنیف، روز ۱۰ آبان دانش آموزان بعنوان اعتراض به این عمل فالانژها جلو دفتر مدرسه جمع شده و خواستار مجازات مسببین میشوند. درمقابل این اعتراض مدیر مرتجع مدرسه همه سازمانهای انقلابی را مورد حمله قرار داده و تاکید میکند که "جز شعارهای حزب جمهوری اسلامی هیچ شعاری نباید نوشته شود"! دانش آموزان انقلابی هم چندی بعد با نوشتن دوباره شعار روی دیوار به او جواب دادند!

گیلان:

بعد از درگیری که بدنبال نماز خواندن جداگانه مجاهدین و فالانژها در دبیرستان آزادگان ایجاد میشود، مدیر دبیرستان طی اطلاعیه ای کتبی از دانش آموزان میخواهد که همه دسته جمعی نماز بخوانند وگرنه هیچکس حق نماز خواندن جداگانه را ندارد.

فردای آنروز وقتی دانش آموزان انقلابی و مبارز مشغول ورزش بودند، فالانژها به آنان حمله کرده و مانع ورزش آنان میشوند. ورورسوم در موقع ورزش دانش آموزان انقلابی با زهم یکی از دانش آموزان فالانژ که پاسدار هم هست یک بمب که صدای مهیبی داشته ولی آتش زا نمیباشد را درحیاط مدرسه منفجر میکند و درگیری آغاز میشود. با دخالت مدیر درگیری خاتمه یافته و اعلام میشود که دیگر هیچ گروهی حق ورزش کردن ندارد.

اما همان روز زنگ تفریح بین فالانژها و دانش آموزان انقلابی درگیری ایجاد میشود و پاسداران به حیاط مدرسه ریخته وشروع به تفتیش دانش آموزان میکنند. از آن روز پاسداران هر روز به مدرسه آمده و ورزش نیز دیگر تعطیل میشود. وجود پاسداران مسلح در مدارس مخالفت اکثریت دانش آموزان را برانگیخته است.

رشت:

روز ۲۴ آبان مدیر مدرسه هنرستان صنعتی درحیاط قدم میزد تا مواظب باشد دسته ای جداگانه ورزش نکنند. با شروع ورزش جداگانه دانش آموزان انقلابی و مبارز، داد و بیداد مدیر مدرسه آغاز شد. اما دراین بین درحالیکه نیروهای انقلابی درمقابل این زورگوئی مدیر مدرسه مقاومت میکردند، هواداران فدائیان اکثریت دانش آموزان را به رفتن به سرکلاس دعوت میکردند. اما درگیری ادامه یافت و پاسداران با لباس شخصی به زد و خورد با هواداران نیروهای انقلابی پرداختند. دراین بین مدیر مدرسه ۴ نفر از دانش آموزان فعال را به دفتر مدرسه احضار کرد. اما بقیه تصمیم گرفتند تا بیرون آمدن رفقایشان از دفتر به سرکلاس حاضر نشوند. بعد از ظهر مدیر آموزش وپرورش به هنرستان آمد و به دانش آموزان قول داد که این چهار نفر را سالم به خانه هایشان برساند.

با بیرون آمدن دانش آموزان از مدرسه هجوم پاسداران آغاز شد و پاسداران شروع به کتک زدن و دستگیری دانش آموزان نمودند. دانش آموزان دستگیر شده را به مسجد باقر آباد بردند و در آنجا بعد از کتک مفصلی با یادداشت اسامی شان آنها را آزاد کردند!

تبریز: دبیرستان امیرنظام

درهفته اول آذر رژیم جمهوری اسلامی دبیرستان دختران امیرنظام را منحل اعلام کرد! این امر بدنبال یورش مقامات مدرسه به فعالیت های انقلابی دانش آموزان و حاکم نمودن جو خفقان و مقاومت انقلابی دانش آموزان صورت پذیرفت. درمقابل این یورش دانش آموزان با ارگانها و عناصر ضد انقلابی رژیم چون نماینده امام جمعه تبریز و سپاه طرف شده و آنها را رسوا نموده بودند.

این روزها مقامات مسئول قصد دارند مدرسه را باز کنند ولی با یک فرق کوچک و آن اینکه می خواهند از حلقه رژیم شاهنشاهی استفاده کرده و با یک ثبت نام مجدد، از نام نویسی دانش آموزان انقلابی خودداری کنند.

تهران:

مقاومت دانش آموزان انقلابی مانع اخراج دوتن از همسنگرانشان شد. ظهر روز ۱۱ آذر دوتن از دانش آموزان انقلابی که درحال چسباندن اعلامیه به دیوار دبیرستان آذر بودند، توسط عناصر فالانژ شناسائی و به دفتر دبیرستان احضار میشوند. بعد از پخش این خبر بین دانش آموزان، آنان در راهرو و پله های مدرسه اجتماع کرده و با شعارهایی چون "فعالیت سیاسی در مدارس باید آزاد شود"، "معلم بپاخیز محصلت اخراج شد" و "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" و... خواستار آزادی آنها و آزادی فعالیت سیاسی شدند. دربرابر این مبارزه دانش آموزان، مدیر دبیرستان مجبور به آزاد کردن دانش آموزان شد. بعد از آزادی این دو دانش آموز انقلابی، دانش آموزان که درس بزرگی از اتحاد خود گرفته بودند، بعد از سه ربع تاخیر در کلاسهای درس خود حاضر شدند. ●

بقیه از صفحه ۴

او برای تفرقه افکنی در صفوف متحد انقلاب، دست بهر اقدامی میزند. اما توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی و کمونیست درکنار هم و متحد به نبرد آمده اند. این سرنوشت محتوم مبارزه طبقاتی است. رشد انقلاب یعنی نابودی دشمنان انقلاب!

هرچه توده ها، متحدتر و مصمم‌تر و متشکل تر وارد عرصه میشوند، هرچه آگاهی آنان افزایش می یابد، دشمنان انقلاب را بیشتر هراس فرا میگیرد. مردم مبارز ممسنی، نورآباد، و همه کارگران و زحمتکشان ایران برای تحقق آرمانهای انقلابی خود به پیش میروند و یک دم از مبارزه دست نخواهند کشید. بگذار تمام دشمنان خلق بسیج شوند، انقلاب به پیش خواهد رفت! ●

از اخراج دانش آموزان و معلمان مبارز جلوگیری کنیم!

هشدار در مورد تعطیلی مدارس

مجاهدین خلق ایران درباره‌ی حادثه‌سازیها و تهاجمات وحشیانه‌ی انحصارطلبان در محیط آموزشی کشور و توطئه‌ی ارتجاعی به‌تعطیل کشاندن مدارس هشدار می‌دهند.

به‌نام خدا
و
به‌نام خلق قهرمان ایران

رویدادهای اخیر مدارس نشان می‌دهد که انحصارطلبان، حملات جدیدی را متوجه نیروهای انقلابی در مدارس کرده‌اند و توطئه‌ی تازه‌ای را برای انحراف اذهان از مسائل جاری کشور و بن‌بست‌هایی که گرفتار آنند، تدارک می‌بینند.

جریان انحصارطلب حاکم که هربار می‌کوشد با توسل به حادثه‌سازی و جنجال آفرینی بر بحران‌هائی که گرفتار آن است سرپوش بگذارد، به دنبال افزایش اختناق و تحدید شدید آزادیهای سیاسی و حادثه‌سازیهای گوناگون در نقاط مختلف کشور، اینبار محیط آموزشی کشور را هدف قرار داده است، تا با تشنج‌آفرینی در مدارس و سرکوب دانش‌آموزان انقلابی و نهایتا با تعطیل مدارس، ناکامیهای خود را در گسترش کامل اختناق و سلطه‌ی انحصاری بر فضای سیاسی کشور جبران نماید.

گرچه از آغاز سال تحصیلی، انحصارطلبان به بهانه‌های واهی (ودر خیلی مواقع بدون هیچ دلیلی) جلوی هرگونه فعالیت سیاسی در مدارس را گرفته و با ایجاد جو تهدید و ارعاب و حتی اخراج دانش‌آموزان سعی کردند تا هرگونه حرکت انقلابی را در نطفه خفه کرده و "مدرسه" را به تیول خود تبدیل کنند! ولی انقلابیون جوان در مقابل اینگونه فشارها و حرکت‌های اختناق‌آمیز، تمکین نکردند و سرتسلیم فرود نیاوردند. و علیرغم اینکه فقط "انجمن‌های نور چشمی" اجازه‌ی فعالیت سیاسی داشتند، بدون اینکه خللی به برنامه‌ی کلاس و درس و مدرسه وارد بیاورند تشکل‌های خود را حفظ کرده و به حرکت سیاسی ـ انقلابی خود ادامه دادند. چرا که "نسل انقلاب" در پی درس‌آموزی در محیطی است که در رابطه‌ای فعال با تحولات سیاسی جامعه‌اش قرار گرفته، و با رشد خود و آبدیده شدن در جریان فعال سیاسی، آینده‌ی جامعه‌اش را بسازد.

اوج فشار و تهاجم ارتجاعی زمانی بالا گرفت که جوانان دانش‌آموز در پیوند انقلابی خویش با دانشجو و دانشگاه، به بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر اقدام می‌کنند آنها با برپائی مراسم و خواندن اطلاعیه و شعر و... در ساعات قبل و بعد از کلاس، بر پیوند انقلابی و خونین خود با دانشجویان انقلابی تاکید می‌ورزند و دقیقا به همین دلیل است که نیروهای ارتجاعی "مدرسه" را همچون "دانشگاه" بعنوان "خطری جدی"! تلقی کرده و سرکوب آنرا تدارک می‌بینند. هنگامی که مسئولین "امورتربیتی" که حضورشان در مدارس یادآور عملکردهای رستاخیزی بوده و نقش تصفیه و اخراج نیروهای انقلابی را بعهده دارند، به تنهایی در این کار توفیقی نمی‌یابند، انحصارطلبان به حربه‌ی ارتجاعی "چماق" توسل می‌جویند. جالبست که در همین رابطه، مسئول تربیتی یکی از مدارسی که مورد یورش ایادی انحصارطلبان قرار گرفته بود به یک خبرنگار می‌گوید: "ما وقتی موفق نشدیم نیروهایی را که عقاید مخالف سیاسی دارند جذب کنیم، به ناچار به انجمن‌های اسلامی گفتیم که جلو آنها را بگیرند".

در این مرحله است که اعضاء انجمن‌های نورچشمی و وابسته به حزب حاکم در پناه برخی از پاسداران، وارد میدان می‌شوند تا دانش‌آموزان آگاه و انقلابی را به ضرب چوب و چماق وحتی چاقو و کارد! سرجای خود بنشانند. تا جائی که در جلوی مدرسه‌ی.... "ریو" مستقر می‌شود، آنچنانکه فضای ارعاب و سرکوب دانشگاه در دوران "رستاخیز" را تداعی می‌نماید! غافل از اینکه در مقابل کسانی قرار گرفته‌اند که با مقاومت قهرمانانه‌ی خود سد سرکوب آریامهری را شکسته و با ریختن خون خود

از صفحه‌ی اول

بر سنگفرش خیابان، حماسه‌ی ۱۳ آبان را خلق کرده‌اند.

درست به همین دلیل است که آنان علیرغم همه‌ی این فشارها و تهاجماتی که از جانب نیروهای انحصارطلب و مسئولین امور تربیتی و انجمن‌های نورچشمی واخیرا چماقداران، متوجه‌ی آنها شده است، نه تنها صحنه را ترک نکرده‌اند، بلکه همچنان بر مواضع اصولی و انقلابی خود مبنی بر آزادی فعالیت سیاسی و مبارزه با هرگونه اختناق و فشار پای فشرده‌اند.

و درست به همین دلیل است که انحصارطلبان توطئه‌ی شوم و سیاه "به تعطیل کشاندن مدارس" را تدارک دیده و به تمهید مقدمات آن پرداخته‌اند. نقشه‌ی شومی که بعد از پیاده کردن طرح باصطلاح انقلاب فرهنگی در دانشگاهها دشمنی انحصارطلبان را با آگاهی وآزادی به بهترین وجه به ثبوت می‌رساند.

"مجاهدین خلق ایران"، ضمن تقبیح حضور عناصر مسلح و چماقداران در سطح مدارس، هشدار می‌دهند که توطئه‌ی ارتجاعی "به تعطیل کشاندن مدارس" با هر پوش و تحت هر عنوان از جمله جنگ صورت گیرد، جز برای اختناق بیشتر و فرونشاندن شور انقلابی دانش‌آموزان نبوده و آن را شدیداً محکوم می‌نمایند. البته تردیدی نیست که دانش‌آموزان آگاه و انقلابی هرگز به تحقق چنین توطئه‌ای تن نداده و با تمام توان آن را خنثی خواهند ساخت.

ما همچنین از اولیاء محترم دانش‌آموزان و عموم مردم قهرمان ایران می‌خواهیم که نسبت به حادثه‌سازی‌هائی که در مدارس صورت می‌گیرد و همچنین توطئه‌ی به تعطیل کشاندن مدارس، بی‌تفاوت نمانند و به اینگونه اقدامات ارتجاعی که نتیجه‌ی مستقیم اعمال سیاست‌های انحصارطلبانه و اختناق‌آمیز در محیط آموزشی کشور است، اعتراض نمایند. و توجه داشته باشند که شعار ارتجاعی "ممنوعیت فعالیت سیاسی در مدارس"، فقط بهانه‌ایست که برای سرپوش گذاشتن بر اعمال همان سیاستهای انحصارطلبانه و اختناق‌آمیز از سوی مسئولین مربوطه عنوان می‌گردد. براستی پرسیدنی است که چگونه می‌توان دانش‌آموزان انقلابی را که خود از عوامل اصلی سرنگونی رژیم شاه بوده‌اند و انحصارطلبان حاکم نیز از قِبَل خونهای پاک این عزیزان به قدرت رسیده‌اند، از اندیشه و عمل سیاسی انقلابی محروم دانست؟ گویا مرتجعین فقط برای کسب قدرت و پرکردن راهپیمائی‌های خلوت شده فرمایشی، نیازمند فعالیت سیاسی دانش‌آموزان هستند و گویا فعالیت سیاسی را فقط برای انجمنهای نورچشمی وابسته به حزب حاکم مفید می‌شمارند!

در پایان لازم به یادآوری است که جریان انحصارطلب حاکم مزورانه می‌کوشد که توطئه‌ی به تعطیل کشاندن مدارس را به گردن نیروهای انقلابی افکنده و با سوءاستفاده از برخی تریبونهای رسمی و عمومی چنین وانمود نماید که گویا انقلابیون و به ویژه "مجاهدین" باعث تشنجات و تعطیل احتمالی مدارس هستند. ما این تزویر تبلیغاتی را محکوم نموده و به آقایان یادآور می‌شویم که مردم هرگز فریب این عوامفریبی‌ها را نخواهند خورد. بخصوص با توجه به توطئه‌ی انقلاب فرهنگی که تعطیل دانشگاهها را به ارمغان آورد، بخوبی دریافته‌اند که چه کسانی از گسترش آگاهیهای انقلابی وحشت داشته و با آن دشمنی می‌ورزند.

سلام بر دانش‌آموزان انقلابی
سلام بر آزادی
مرگ بر امپریالیسم جهانی
به سرکردگی آمریکا
هرچه مستحکمتر باد پیوند
دانش‌آموزان انقلابی
با جنبش انقلابی خلق

مجاهدین خلق ایران
۲۱/آذر/۵۹

اطلاعیه‌ی مجاهدین خلق ایران ـ مرکز تبریز درباره‌ی شهادت میلیشیای قهرمان "یوسف سعادتی"

"و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی‌الله وکان الله غفورا رحیما"
(سوره‌نساء ـ آیه ۱۰۲)

به‌نام خدا
و
به‌نام خلق قهرمان ایران

"مجاهدین خلق ایران" شهادت برادر مجاهد، میلیشیای قهرمان، یوسف سعادتی را به مردم رزمنده‌ی تبریز و خانواده‌ی آن شهید بخصوص مادر دلیرش تبریک و تسلیت می‌گویند.

یوسف که در خانواده‌ای محروم و فقیر و در دامن مادری قهرمان پرورش یافته بود خیلی زود به صحنه‌ی مبارزات اجتماعی قدم گذاشته و با وجود سن کمش چه در جریان قیام و چه بعد از آن بطور فعال و خستگی‌ناپذیر شرکت داشت.

آشنایی او با آرمانهای توحیدی مجاهدین، چنان شعله‌ای در قلب کوچکش فروزان ساخته بود که برخورد با مشکلات و سختیها را برایش آسان و پذیرا می‌نمود در طول ۲۱ ماهه بعد از قیام بعلت فعالیتهای انقلابیش بارها و بارها مورد ضرب و شتم شدید عناصر انحصارطلب و اسلام‌پناه! قرار گرفته و سه بار دستگیر و زندانی شده و مورد شکنجه قرار گرفت. اما نه تنها این موانع در اراده‌ی این مجاهد ۱۶ ساله سستی و خللی وارد نیاورد، بلکه عزم او را در ادامه‌ی راهش در جهت تحقق اهداف رهایی بخش اسلام استوارتر ساخت. هنگامی که او را به جرم فروش نشریه‌ی مجاهد مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار داده بودند فریاد می‌زد: "آزادی حق مسلم همه‌ی انسانهاست و من از حقم نخواهم گذشت"

مردم تبریز خاطره‌ی حماسه‌آفرین یوسف را که در گاری دستی کتابهای سازمان را به آنها عرضه می‌داشت

بقیه در صفحه‌ی ۱۷

۱/۱ ــ در کشورهای یاد شده ، سیاست‌گذاری سوادآموزی و برنامه‌ریزی آن با پیروی از ایدئولوژی انقلاب و با توجه به نیازهای اساسی و عمومی توده‌ها انجام گرفته است. زیرا اعتقاد بر این بوده است که هیچ نهضت سوادآموزی به پیروزی نائل نمیشود مگر اینکه در چهارچوب ایدئولوژیک انقلاب توده‌های بیسواد معتقد شوند که سوادآموزی به نفع آنها و در جهت پیروزی و تداوم انقلاب است . از این رو سوادآموزی همزمان و در ارتباط با ایجاد دگرگونیهای اساسی در زمینه‌هایی بشرح زیر انجام گرفته‌است :

الف : دگرگونی بنیادی در نظام اقتصادی ـ اجتماعی

بیهوده است اگر به کارگری نحوه افزایش تولید را بیاموزیم در حالیکه قسمت اعظم درآمد حاصل از دسترنج او به جیب مالکان یا صاحب کارخانه برود . و یا بخواهیم دانش بیسوادان را درمورد رعایت بهداشت مسکن یا آب آشامیدنی بهداشتی افزایش دهیم در صورتیکه هنوز آب آشامیدنی بهداشتی یا مسکن بهداشتی برای توده‌های بیسواد فراهم نباشد.

همچنین هدف سرمایه‌گذاری در این کشورها به جای تمرکز در جهت تولید بیشتر صرف در جهت بهبود وضع زحمتکشان بوده است. به عبارت دیگر هدف این بوده است که همزمان با دیگر اقدامات اساسی از طریق تامین نیروی انسانی ماهر و خودکفا افزایش تولید کمی و کیفی دست یابند. همچنین سیاست سرمایه‌گذاری برای آموزش به‌طور کلی و آموزش بزرگسالان بویژه دگرگونی مشاهده میشود و بودجه کافی برای تامین هزینه‌های مربوط به آموزش رسمی و سوادآموزی تخصیص داده میشود.

ب : دگرگونی بنیادی در نظام فرهنگی

نسبت

آگاه‌سازی توده‌ها در زمینه شناخت حقوق و ...یشان در چارچوب ایدئولوژی انقلاب و همچنین آگاه‌سازی آنها نسبت به نقش تعیین‌کننده انسان در ایجاد تحول توجه خاص مبذول شده است.

ج ــ دگرگونی در پژوهشهای علمی و تکنولوژیک : بمنظور بهبود وسایل کار و ابزار و روشهای تولید دگرگونیهای اساسی در هدف و شیوه‌های پژوهشهای علمی و تکنولوژیک انجام گرفته است.

۱/۲ ــ همکاری همه سازمانها و نهادهای دولتی ...ی ذیربط در امر سوادآموزی الزامی بوده است ، و ...ل نیز در انجام همکاری دریغ نشده است.

۱/۳ ... آموزش مداوم و یا غیررسمی) برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته است.

۱/۴ ــ نقش رهبران انقلاب‌ها در کشورهای یاد شده در بسیج عمومی تعیین کننده بوده است. همچنین مسئولین دولتی رهنمودهای اساسی برای عمل را مشخص نموده و با درجریان قراردادن ملت آنهارا برای مشارکت هرچه گسترده‌تر بسیج می‌نمودند.

۱/۵ ــ برنامه‌ریزی آموزش بزرگسالان و اجرای آن در حدامکان غیر متمرکز بوده است. زیرا هدف این بوده است که برنامه‌ها منعکس کننده و دربرگیرنده نیازها ومسایل ساکنین هرمنطقه باشد و در نتیجه توده‌های ذیربط با رغبت و ایمان در امر سوادآموزی شرکت کنند.

۱/۶ ــ برای ریشه‌کن سازی بیسوادی برنامه‌ریزی‌های درازمدت انجام گرفته است. این برنامه‌ریزی‌ها در ارتباط با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی ــ اجتماعی ــ فرهنگی بوده است. در چهارچوب برنامه‌های دراز مدت، برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت طرح‌ریزی شده است. هریک از این برنامه‌ها هدفهای دقیق و امکانات دستیابی به هدفهای تعیین شده را به تفکیک مناطق، بخش‌های تولیدی و اقلیت‌ها مشخص نموده است.

۱/۷ ــ سازماندهی کلاسها بسیار انعطاف‌پذیر بوده است. از نقطه‌نظر محل تشکیل کلاس، طول دوره‌ها، ساعات تشکیل کلاس و غیره امکانات و ویژگیهای بزرگسالان شرکت کننده در کلاس مورد توجه قرار گرفته است.

۲ــ محتوا، روش، مواد آموزشی و ارزیابی

در زمینه محتوای مواد درسی، روشهای تدریس و انواع مواد آموزشی و شیوه‌های ارزیابی، اهم عوامل مشترکی که در پیروزی نهضت‌های سوادآموزی کشورهای یادشده موثر بوده است میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

۲/۱ ــ تشکیل شورای مرکزی مسئول برنامه‌ریزی سوادآموزی، ارائه رهنمودهای لازم برای تهیه مواد آموزشی ، کارآموزی و ارزیابی و پی‌گیری برنامه‌های آموزش بزرگسالان. در شورای مرکزی برای انجام مسئولیت‌های محوله علاوه‌بر اعضای ثابت که براساس صلاحیت و تخصص انتخاب می‌شوند از نیروهای متخصص در شوراهای منطقه‌ای و نظرخواهی ومشارکت توده‌های بیسواد ذیربط بطور منظم استفاده شده است.

۲/۲ ــ برنامه‌ریزی سوادآموزی و تهیه مواد آموزشی با توجه به ضرورت شناخت جامعه زیرپوشش و مشخص‌نمودن نیازهای اساسی و عمومی بیسوادان و طرح آنها در محتوای کتاب‌های درسی انجام گرفته ... مشکلات بزرگسالان از طریق مشارکت مستقیم در زندگی آنها بوجود آمده است.

۲/۶ ــ مجموعه مواد آموزشی اکثرا شامل راهنمای تدریس برای مدرس و کتاب‌خواندن و تمرین نوشتن برای شرکت‌کننده بانضمام لوجه بوده است. استفاده از امکانات سمعی و بصری درپاره‌ای از کشورها برحسب موضوع تدریس انجام گرفته است. همچنین استفاده از رسانه‌های گروهی برای بسیج عمومی مورد استفاده وسیع قرار گرفته است.

۲/۷ ــ ارزیابی میزان یادگیری بزرگسالان و ارزیابی پیروزی نهضت جنبه تکوینی و مشارکتی داشته است. به این معنی که هدف از ارزیابی تعیین نارسائی‌ها و کمبودها به‌منظور رفع نواقص بوده است نه قضاوت صرف در مورد رد یا قبولی بزرگسالان در برنامه‌های سوادآموزی.

۳ــ نیروی انسانی و کارآموزی آنان

۳/۱ ــ در امر سوادآموزی توده‌ها در کشورهای مورد بررسی مشارکت گروههای متخصص و با تجربه همانقدر ضروری بوده است که مشارکت کلیه افراد بدون تخصص در جامعه، تجربه این کشورها نشان میدهد که پیروزی حاصل در آموزش بزرگسالان تنها ناشی از بکارگرفتن نیروی متخصص و کارآزموده نبوده است بلکه مشارکت‌دادن و استفاده از نیروهای بالقوه موجود در جامعه‌یکی از عوامل تعیین‌کننده درپیشبرد نهضت‌های سوادآموزی بوده است.

۳/۲ ــ به منظور افزایش کارآیی نیروی انسانی مورد استفاده در برنامه‌های سوادآموزی از کلیه افراد جامعه که میتوانستند بالقوه مشارکت کنند، اعم از متخصص و کارآزموده و یا داوطلب غیرمتخصص، کوشش شده‌است از طریق تشکیل کارآموزی‌های منظم مقدماتی و بازآموزی‌ها، پیوسته این افراد با هدف‌ها، فنون و روشهای تدریس ومحتوای برنامه‌های آموزش بزرگسالان آشنا شده و در این زمینه‌ها دانش و مهارت کافی در آنان پرورش داده شود.

این کارآموزی‌ها تنها شامل آن گروه که درکلاسهای سوادآموزی تدریس می‌کنند نبوده است بلکه مسئولین در سازمانهای اجرایی ذیربط نیز باید در برنامه‌های کارآموزی و بازآموزی برای آشنایی با هدف، محتوا و شیوه‌های کارآموزش بزرگسالان شرکت می‌کردند.

۳/۳ ــ دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و تربیت معلم برای آموزش بزرگسالان اهمیت و ارزش خاص قائل شده‌اند. علاوه بر ایجاد دوره‌های خاص آموزش بزرگسالان، تدریس واحدهای درسی مربوط به آموزش بزرگسالان و ایجاد دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و یا رسمی آموزش بزرگسالان، به تحقیقات در این زمینه پرداخته و ارزیابی برنامه‌ها را نیز به عهده گرفته‌اند.

راه وساختمان صرفا بخاطر اعمال‌نظر افراد بوروکرات (دیوانسالار) وهمچنین قوانین ومقررات سیستم گسسته حاکم بر روابط کنونی رها ومتوقف گردیده ، حصول شناخت مورد نظر ممکن نیست مگر بابکارگیری اجباری قسمت عمده نیروهای دانشگاهی دریک طرح آماری وسیع درآغاز بازگشائی دانشگاهها وهمچنین استفاده از قسمتی از وقت آزاد اساتید ، دانشجویان کارمندان درهفته برای فقط تماس وارتباط دانشگاه با جامعه وصنایع برای کسب وقوف مستمر برنیازهای جامعه ومسائل صنعتی کشور درجهت برنامه‌ریزی آموزشی . پس ازحصول شناخت اولیه البته تاحدود زیادی تحت عنوان (برنامه کمیته ارتباط باصنایع) دردانشکده فنی توسط گروههای مختلف برنامه ریزی شده‌داست . در این قسمت تاکید فراوان براین‌مطالب داریم که شناخت ما از واقعیتها ونیازهای موجود در

د ــ ریشه‌ها :

۱ـ داخل سیستم (عدم استقلال وتعهدسرپرستان و مسئولان آموزشی وبرنامه ریزی)

۲ـ خارج از سیستم (فقر وعدم کنترل سرمایه) درمورد عوامل داخلی ممکن است نقش قوانین ومقررات استخدام بنظر عمده آیند اما با توجه به آنکه خود قوانین استخدامی و دیگر مقررات آموزشی بوسیله افراد وضع میکردند ، چنانچه این افراد از استقلال و تعهد اخلاقی کافی برخوردار باشند قادر خواهند بود . که انحرافات قوانین و مقررات را در جهت مثبت تصحیح نمایند .

۲ ــ سیستم ایده‌آل

عوامل موثر در سیستم

هدف (رهائی از قیدوابستگی)

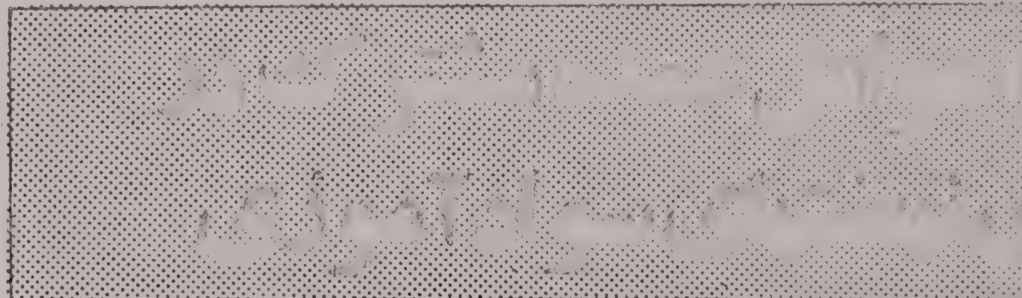
الف ــ ۲ ــ ارزیابی دائمی کار اساتید و مسئولان توسط کمیته‌های آمار .

الف ــ ۳ ــ ارتباط فارغ‌التحصیلان توسط دانشگاه

الف ۴ ــ کنترل کار فارغ‌التحصیلان توسط دانشگاه .

عوامل فوق در قیاس افراد و انتخاب اصلح برای آموزش در دانشکده‌های صنعتی میتواند نقش ویژه‌ای داشته باشد .

در صفحه ۱۱



نوشته دکتر
فریده مشایخ

۲ ــ محتوا ، روش : مواد آموزشی و ارزیابی برنامه‌های سوادآموزی

۳ ــ نیروی انسانی و کارآموزی آنان

۱ــ سیاست‌گذاری ، برنامه‌ریزی وسازماندهی

۱/۱ ــ در کشورهای یاد شده ، سیاست‌گذاری سوادآموزی و برنامه‌ریزی آن با پیروی از ایدئولوژی انقلاب و با توجه به نیازهای اساسی و عمومی توده‌ها انجام گرفته است . زیرا اعتقاد بر این بوده است که هیچ نهضت سوادآموزی به پیروزی نائل نمیشود مگر اینکه در چهارچوب ایدئولوژیک انقلاب توده‌های بیسواد معتقد شوند که سوادآموزی به نفع آنها و در جهت پیروزی و تداوم انقلاب است . از این رو سوادآموزی همزمان و در ارتباط با ایجاد دگرگونیهای اساسی در زمینه‌هایی بشرح زیر انجام گرفته‌است :

الف : دگرگونی بنیادی درنظام اقتصادی ــ اجتماعی

بیهوده است اگر به کارگری نحوه افزایش تولید را بیاموزیم در حالیکه قسمت اعظم درآمد

۱/۳ــ سوادآموزی به عنوان مرحله‌ای از آموزش مداوم شناخته شده است . ازاینرو همزمان با برنامه‌های سوادآموزی (پرورش مهارت‌های پایه سواد) ، برنامه‌های پی‌گیری سواد (تهیه و توزیع مواد خواندنی ساده تکمیلی ، ایجاد کتابخانه‌های دهقانی ، کارگری و سیار ، تشکیل کلاسهای پی‌گیری و برقراری نظام آموزش مداوم و یا غیررسمی) برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته است .

۱/۴ــ نقش رهبران انقلاب‌ها در کشورهای یاد شده در بسیج عمومی تعیین کننده بوده است . همچنین مسئولین دولتی رهنمودهای اساسی برای عمل را مشخص نموده و با درجریان قراردادن ملت آنهارا برای مشارکت هرچه گسترده‌تر بسیج می‌نمودند .

۱/۵ــ برنامه‌ریزی آموزش بزرگسالان و اجرای آن در حدامکان غیر متمرکز بوده است . زیرا هدف این بوده است که برنامه‌ها منعکس کننده و دربرگیرنده نیازها ومسایل ساکنین هرمنطقه باشد و در نتیجه توده‌های ذیربط با رغبت و ایمان در امر سوادآموزی شرکت کنند .

۱/۶ــ برای ریشه‌کن سازی بیسوادی برنامه‌ریزی‌های درازمدت انجام گرفته است . این برنامه‌ریزی‌ها در ارتباط با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی ــ اجتماعی ــ فرهنگی بوده است . در چهارچوب برنامه‌های دراز

است :

۲/۳ــ سواد آموزی برای اقلیت‌هایی که زبان مادری آنها غیر از زبان ملی بوده است به زبان مادری انجام گرفته است و بعد از یادگیری مهارت‌های خواندن و نوشتن به‌زبان مادری مراحل بعدی سوادآموزی به زبان ملی پی‌گیری شده است .

۲/۴ــ روش‌های تدریس براساس مشارکت هرچه بیشتر فراگیرنده در امر یادگیری برگزیده شده است . به عبارت دیگر میتوان گفت روش "طرح مسئله" بگونه‌ای که بعدها پائولوفرر (Paulo Freire) درروش خود تشریح می‌کند و برای ایجاد رغبت و انگیزه در بزرگسالان بسیار موثر است در جریان یاددهی ــ یادگیری در این کشورها مورد استفاده قرار گرفته است . (به کتاب فرهنگ سکوت ، ترجمه دکتر علی شریعتمداری ، تهران ، انتشارات چاپخش ، ۱۳۵۷ مراجعه نمائید .)

۲/۵ در جریان یاددهی ــ یادگیری رابطه بسیار نزدیک عاطفی بین مدرس و بزرگسالان شرکت‌کننده درکلاس برقرار شده‌است . این رابطه براساس شناخت مشکلات بزرگسالان از طریق مشارکت مستقیم در زندگی آنها بوجود آمده است .

۲/۶ــ مجموعه مواد آموزشی اکثرا شامل راهنمای تدریس برای مدرس و کتاب‌خواندن و تمرین نوشتن برای شرکت‌کننده بانضمام لوحه بوده است . استفاده از امکانات سمعی و بصری درپاره‌ای از کشورها برحسب موضوع تدریس انجام گرفته است . همچنین استفاده از رسانه‌های گروهی برای بسیج عمومی مورد استفاده وسیع قرار گرفته است .

۲/۷ــ ارزیابی میزان یادگیری بزرگسالان و ارزیابی پیروزی نهضت جنبه تکوینی و مشارکتی داشته است . به این معنی که هدف از ارزیابی تعیین نارسائی‌ها و کمبودها به‌منظور رفع نواقص بوده است نه قضاوت صرف در مورد رد یا قبولی بزرگسالان در برنامه‌های سوادآموزی .

۳ــ نیروی انسانی و کارآموزی آنان

ب – ۲/۲– عوامل غیرمادی :
نظام اجتماعی (فرهنگ جامعه وتمام معیارهای‌آن) تاثیر واهمیت عوامل خارجی درروند سیستم‌آموزشی برکسی پوشیده نیست این اهمیت از آنها است که ریشه تمامی مسائل ما دراین عوامل خارجی که قابل کنترل برنامه‌ریزان آموزش دانشگاهها نیستند می باشد . هیچ برنامه فرهنگی وهیچ طرح آموزشی نمی تواند تاثیری درحاصل کار آموزش دانشگاهی چه از نظر تکنیکی وچه ازنظر فرهنگی داشته باشد مگر زمانی که صنایع از روندی سالم وپویا به نفع اقشار محروم جامعه برخوردار باشند ونظام اجتماعی نیز با تمام قوا پشتیبان این روند باشد واگر معایب آموزش عالی‌را تک تک برشماریم بدون آنکه توجه داشته باشیم که این کل نظام هست ، که همه‌چیز از جمله آموزش عالی‌را به انفعال کشانده است ، اشتباهی بس فاحش‌را مرتکب شده‌ایم .

پرواضح است برای آنکه شناخت درستی‌را از سیستم موجود داشته باشیم باید اجزاء این سیستم را بدرستی بشناسیم مسلما این شناخت باتوجه به مشکلاتی که فعلا موجود است نمیتواند دریک برنامه کوتاه مدت حاصل آید . چه آنکه تجربه ناموفق کمیته‌های آموزشی دانشجوئی دانشکده فنی درمورد جمع‌آوری آماری از وضعیت علمی وتحقیقاتی اساتید دراثر جو حاکم بردانشکده ویاتجربه ناموفق کمیته مخابراتی انستیتوالکترونیک وابسته بدانشگاه تهران وگروه برق دانشکده فنی درمورد جمع‌آوری اطلاعاتی از سیستم مخابراتی کشور از سازمانهای مربوطه وهمچنین توجه به موانع وافراد بوروکراتی (دیوانسالار) که درنظام اداری حاکم بردانشگاه مانع هرگونه تماسی مثبت وسازنده باصنایع کشور میگردند ، همه وهمه دال بر وجود مشکلات بزرگی است که حصول شناخت مورد نظر دریک طرح ضربتی کوتاه مدت را از دسترس خارج میسازد . قابل ذکر است که نیمه دوم سال تحصیلی بعداز انقلاب ۶طرح اجرائی وتحقیقاتی گروه مکانیک و۲ طرح اجرائی گروه راه وساختمان صرفا بخاطر اعمال‌نظر افراد بوروکرات (دیوانسالار) وهمچنین قوانین ومقررات سیستم

دانشگاهها وصنایع وجامعه بسیار ناچیز است .وبدون کسب این شناخت که بدون برنامه ریزی وسیع آماری غیر ممکن است . هرنوع تلاشی درجهت برنامه‌ریزی برای سیستم آموزشی از راندمان مفیدی برخوردار نخواهد بود .

عوارض وثمرات

درمورد عوارض وثمرات شاید بتوان مطالب زیادی عنوان کرد اما تشخیص عوارض عمده که بسیاری از عوارض دیگر ناشی شده از آنها هستند میتواند به ما ، درریشه یابی مسائل ومشکلات‌اساسی کمک موثری بنماید عوارض عملکرد سیستم‌آموزش – عالی (مهندسی) از نظر ما به ترتیب‌زیر اولویت دارند :

۱– فارغ‌التحصیلان درخدمت قشرهای‌محروم جامعه نیستند .

۲– موادآموزشی مطابق نیازهای جامعه تنظیم نشده است .

۳– جانشینی روابط به جای ضوابط درردانشگاه ومحیط‌کار .

۴– مدرک‌گرائی .

۵– خالی‌بودن فضای بین‌مهندس وکارگر (کمبود تکنیسین)

بهرحال دراین قسمت مساله اساسی آنست که بتوانیم خوبی‌ها وبدیهای سیستم رافارغ از هرگونه تعصبی بدرستی ارزیابی کنیم .

ریشه‌های عوارض وثمرات :

درداخل سیستم آموزش عالی

درخارج سیستم آموزش عالی

و اما در مورد ریشه‌های عوارض سیستم ما فقط به ذکر چند عامل به ظاهر موثر بسنده مینمائیم وریشه یابی دقیق‌تر مسائل‌را بعهده دست‌اندرکاران صالح‌ترین از جمع‌آوری نظرات متخصصین وصاحبنظران واگذار خواهیم کرد .

د – ریشه ها :

۱– داخل سیستم (عدم استقلال وتعهدسرپرستان

بررسی دو نوع سیستم

بررسی محاسن و معایب یکی از دو نوع سیستم زیر را که‌در کشورهای مختلف صنعتی با تاثیر از جریانات سیاسی یکی از این دو نوع سیستم صنعتی را برای خویش برگزیده‌اند ، برای جامعه خویش به مسئولین امر بعنوان نقطه شروعی پیشنهاد میکنیم :

۱ – سیستم صنعتی کاربر

۲ – سیستم صنعتی تکنیک‌بر

در سیستم صنعتی کاربر : برنامه‌ریزان آموزشی باید بیشتر بر موادی از آموزش تکیه کنند که در صنعت جذب نیروی انسانی بیشتر و تکنیک پائین‌تری را موجب گردد .

راههای انتقال در مورد بازگشائی دانشگاهها

البته این قضیه بدان معنی نیست که بازگشائی دانشگاهها بدون انجام کوچکترین تغییری در سیستم آموزشی و تکنیکی دانشکده‌های صنعتی کشور صورت گیرد . چه آنکه هم‌اکنون نیاز به انجام تغییرات بنیادی مشخصی در زمینه‌های مزبور بخوبی از طرف تمام دست‌اندرکاران مسئول و متعهد احساس میشود . که بازگشائی دانشگاهها نه تنها باید با مشخص کردن خط و مشی فرهنگی در زمینه‌مزبور همراه‌باشد . بلکه‌میتوان‌تغییرات‌بنیادی را نیزدر زمینه بعد تکنیکی امر آموزش در دانشکده‌های صنعتی درنظر گرفت .

عوامل موثر در سیستم آموزش عالی

عوامل موجود در داخل سیستم

عوامل موجود در خارج سیستم

با در نظر گرفتن ریشه‌های عوارض سیستم موجود برای هر یک از عوامل موثر در سیستم باید بر حسب الویت و اهمیت نقشی که در این زمینه دارند برنامه‌ریزی کرد .

الف– عوامل داخلی : در زمینه عوامل داخلی نقش مسئولان و سرپرستان دلسوز و متعهد در برنامه‌ریزیهای مثبت و درمان عوارض از اهمیت عمده‌ای برخوردار است به همین علت‌باید علاوه بر عامل کنترل از بالا در ارزیابی کار مسئولان به نقش عوامل زیر نیز در این ارزیابی واقف بود . قوانین و مقررات عزل و نصب مسئولان را در جهت تلفیق این عوامل با یکدیگر تدوین و بررسی نمود .

الف – ۱ – نقش کنترل اکثریت دانشجویان و کارکنان در عملکرد به قوانین و مقررات توسط مسئولین مربوطه (مثلا " نظارت بر اجرای قوانین استخدام استاد توسط دانشجویان .)

الف – ۲ – ارزیابی دائمی کار اساتید و

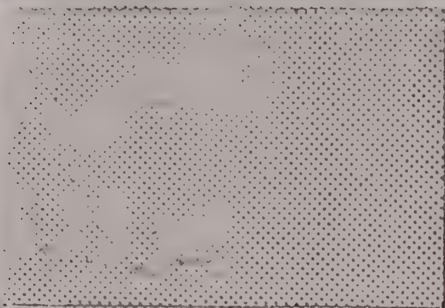
بیش از … جمعیت کل جهان، که بیش از یک میلیارد نفر را تشکیل میدهند، بیسواد هستند، یعنی فاقد مهارتهای سه گانه خواندن ــ نوشتن و ریاضیات پایه میباشند. توزیع نسبت این افراد به ترتیب اهمیت در سه قاره آسیا، افریقا و آمریکای لاتین بیشتر میباشد. این تمرکز تودههای بیسواد در کشورهای جهان سوم بر حسب تصادف نبوده است. با مطالعه اجمالی نقشه جهان میتوان مشاهده نمود کشورهائی که طی سالیان دراز زیر سلطه استعمار و استثمار بودهاند همان کشورهائی هستند که به عمد از پیشرفت و تعالی آنها ممانعت بعمل آمده است. در این کشورها حدود نیمی از کودکان واجبالتعلیم به مدرسه راه نیافتهاند و اکثریت غریب به اتفاق بزرگسالان بیسواد هستند. وضعیت بهداشت، مسکن، تغذیه و دیگر نیازمندیهای اساسی و عمومی در این کشورها نیز بهتر از وضعیت آموزشی نیست. همچنین در این کشورها به وضوح مشاهده میشود تا زمانیکه ملتها برای سرنگونی حکومتهای دستنشانده و سلطهگر قیام نکردهاند و خود حاکم بر سرنوشت خویش نشدهاند، دولتهای حاکم از طریق انواع گوناگون ساز و کارها از قبیل: قانون، بیانیه و منشورهائی که بر حسب مقتضیات زمان اعمال میکنند، میکوشند به ظاهر در پیکار با بیسوادی تودهها خود را پیشرو معرفی نمایند. ولی بعلت بیپایه بودن برنامه و عدم توجه به نیازهای اساسی و عمومی تودهها و اقدام در جهت رفع این نیازمندیها، حاصل برنامههای باصطلاح پیکار با بیسوادی حکومتهای سلطهگر جز به هدر رفتن وقت و سرمایه ملی نبودهاست.

بطور کلی تجربیات سوادآموزی در جهان نمایانگر دو نوع برخورد با مسئله سوادآموزی است

در نوع اول، سوادآموزی تودهها با معنای محدود آن مورد نظر قرار میگیرد. هدف این نوع برنامههای سوادآموزی بدون توجه به عامل نگرش برای سوادآموز ــ در آموزش مهارتهای پایه سواد (خواندن ــ نوشتن و حساب) خلاصه میشود. با پیروی از این هدف، برنامههای سوادآموزی، مجزا از دیگر برنامههای اساسی برای رفع نیازمندیهای تودههای بیسواد، تدوین و به اجرا گذارده میشود محتوای برنامههائی که بدون توجه به نیازهای اساسی و عمومی تودههای بیسواد تدوین شده و در بهترین نوع آنها ــ اگر هم به نیازها در غالب کلمات و جملات اشاره شود ــ توجه به این نیازها فراتر از محتوای کتاب نیست و نظام کل جامعه از طریق نهادهای مسئول و ذیربط در رفع این نیازمندیها به گونهای همبسته و پیگیر و اقدام موثری انجام نمیدهد.

در نوع دوم، سواد آموزی تودهها به مفهوم وسیع آن یعنی سوادآموزی توام با آگاه سازی تودهها نسبت به حقوق و وظائفشان استوار میباشد. در این نوع برخورد با مسئله سوادآموزی هدف تعالی انسان میباشد.

برنامههای سوادآموزی با مفهوم حدود (نوع اول) در کشورهای جهان سوم که هنوز انقلاب در آنها بارور نشدهاست اجرا میگردد. با توجه به بررسیهای موجود، عدم موفقیت فعالیتهای مربوط به ریشهکن کردن بیسوادی در کشورهای یادشده به اثبات رسیدهاست. برای مثال در ایران نمونه بارزی است از این واقعیت، با وجود سابقه طولانی در امر باصطلاح پیکار با بیسوادی، بر مبنای آمار موجود.



مشاهده میشود که حدود ۱۵ میلیون نفر از جمعیت ۷ سال به بالا ــ معادل با ۷۰ درصد از جمعیت کل کشور بیسواد هستند.

در کشورهایی که انقلاب مردمی به وقوع پیوسته است و برای پیروزی و تداوم انقلاب دگرگونیهای اساسی در نظام سیاسی، اقتصادی اجتماعی، و فرهنگی و روابط حاکم انجام گرفته است، اجرای برنامههای سوادآموزی با مفهوم وسیع آن با موفقیت قابل ملاحظهای توام بوده است. دراین کشورها مشاهده میشود که مسائل نظام آموزش و پرورش بطور کلی و مسائل سواد آموزی بطور اخص مجزا از مجموعه مسائل و روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، قابل طرح و چاره جوبی نبوده است زیرا نظام آموزش و پرورش بطور کلی و سواد آموزی تودهها جزئی از نظام کل (اقتصادی ــ اجتماعی ــ فرهنگی) است و بعنوان زیر نظام یا نظام فرعی آن از ویژگیهای نظام کل متاثر میباشد. بنابر این برای بازسازی یا بهبود کیفیت و افزایش کارائی نظامهای فرعی لازم است دگرگونیهای بنیادی و تغییرات اساسی مورد نظر در نظام کل بوجود آمده باشد.

مطالعه تجربیات سوادآموزی موفق در جهان نشان میدهد که فراگرد سیاستگذاری، تعیین خط مشی و برنامهریزی و تهیه و تدوین مواد آموزشی برای نهضتهای سوادآموزی هنگامی میتواند موثر واقع گردد که جزء جدائیناپذیری از فراگرد سیاستگذاری و برنامهریزی کلی توسعه و تکامل جامعه باشد.

نظر باینکه یک سال از صدور فرمان امام در مورد بسیج عمومی جهت مبارزه با بیسوادی کلیه افراد بیسواد در کشور میگذرد، برای هر ایرانی مسلمان و متعهد این سئوال مطرح است که بالاخره ریشهکن کردن بیسوادی در ایران به مفهوم وسیع آن در چه زمانی آغاز خواهد شد.

بدیهی است پاسخ به این سئوال پس از مشخص شدن ویژگیهای برنامه توسعه و تکامل جامعه استقرار و ثبات نهادهای جامعه میسر خواهد بود. ولی تا تحقق این مهم میتوان، با توجه به خصوصیات تودههای بیسواد در کشورمان و استفاده از تجربیات کشورهائی مانند الجزایر، کوبا، ویتنام، چین و روسیه که با مسئله مشابه درگیر بودهاند، رهنمودی ارائه نمود. در این کشورها که انقلاب مردمی تحقق یافته است ملاحظه میشود با وجود اینکه اغلب آنها در آغاز انقلاب درصد بالای بیسوادی در جامعه (حدود ۷۵ تا ۸۵ درصد) مواجه بودهاند نه تنها بیسوادی بگونهای اساسی و پیگیر ریشهکن شدهاست بلکه مسئولین امر برای تعالی انسان و پیروزی و تداوم انقلاب موفق به استقرار نظام آموزش مداوم شدهاند.

با توجه به مطالب یاد شده در این مقاله سعی بر آن شدهاست که بطور کلی عوامل مشترک عمده در پیروزی نهضتهای سوادآموزی کشورهای یادشده بطور فهرستوار مورد نظر قرار گیرند. مهمترین این عوامل عبارتند از:

۱ ــ سیاستگذاری، برنامهریزی و سازماندهی برنامههای سوادآموزی

انقلاب اسلامی
دانشگاهیان

بسمه تعالی

بررسی وتحلیل طرح مقدماتی تغییر سیستم آموزشی دانشکده‌های صنعتی از کانون فارغ‌التحصلان دانشکده فنی ــ دانشگاه تهران

روش تحلیل :

برای بررسی مساله تغییر سیسم آموزش‌عالی دردانشکده‌های مهندسی از روش زیر استفاده شده است :

ــ برای تغییر هرسیستم بطورکلی باید برای چهار مرحله بتوان برنامه ریزی کرد :

۱ــ شناخت سیستم موجود
شناخت سیستم ایده‌آل
۳ــ بررسی راههای انتقال
۴ــ عملی‌ساختن راههای انتخابی وکنترل‌مجدد

هریک از مراحل فوق‌را بطور خلاصه درمورد سیستم آموزش‌عالی با ذکر مثالهائی روشن میکنیم ، البته بدیهی است که مثالها وتقسیم‌بندیهای فرعی جنبه پیشنهادی دارد ومیتوانند مورد تنقید قرار گیرند .

درقسمت مربوط به شناخت سیستم موجوددر نهایت باید بررسی‌ها به ریشه‌یابی‌عوارض سیستم موجود نائل آید . زیرا دراینصورت است که میتوان برای تغییر سیستم در روی ریشه عوارض انگشت گذاشت وبرنامه ریزی‌ها سبب تغییراتی بنیادی‌گردند

بطور خلاصه شناخت سیستم موجودرا میتوان درقسمتهای زیر خلاصه کرد :

○ شناخت سیستم موجود

الف ــ هدف
ب ــ عوامل (وسائل) موثر درسیستم : شامل عوامل موثر درداخل سیستم وعوامل موثر درخارج سیستم که هردو شامل عوامل مادی وغیرمادیند .
جــ عوارض وثمرات
د ــ ریشه‌های عوارض

ترجیح میدهیم برای قسمتهای مختلف سیستم‌موجود مثالهائی نیز ذکر کنیم .

الف ــ هدف : :

بطور وضوح شاهد آن بوده‌ایم که درزمینه های مادی برای رسیدن به این هدف رشد صنایع وابسته و تک محصولی کردن صنعت جامعه مورد نظر بوده ، و درزمینه‌های فرهنگی رشد خصلت‌های وابستگی با از بین بردن معیارهای سالم اجتماعی وجانشین کردن فرهنگ وابسته بعنوان یک هدف دنبال می‌گردیده است .

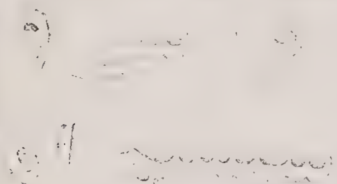
دریکی از دانشکده‌های صنعتی مشاهده شد که پس از پاکسازی رئیس اسبق اکثریت کارکنان‌دانشکده از آشنایان واقربای رئیس سابق هستند . این امر در تمامی سطوح مملکت بخوبی به چشم میخورد .

میدانیم چنانچه جامعه‌ای از استقلال سیاسی برخوردار باشد ، برنامه‌ریزی درهر امری به پشتوانه تحقیق و بررسی علمی ، نیازها وامکانات جامعه صورت‌می‌گیرد .

○ ب : عوامل (وسایل) مؤثردر سیستم داخلی ـ خارجی

ب ــ ۱ــ عوامل داخلی موثر درسیستم :

برای رسیدن به هدف فوق‌الذکر ، سیستم حاکم ، از دانشگاهها ، اساتید ، ودانشجویان ، قوانین‌آموزشی ، مقررات انضباطی واداری ، محتوای



آموزشی ، امکانات مالی ورفاهی وسایر وسایل‌بعنوان ابزار استفاده نموده‌است . که دو ویژگی‌مادی وغیر مادی بودن شاید بتواند بعنوان معیار تقسیم بندیهای دقیق‌تر وشکافتن بیشتر مسئله مورد استفاده قرار گیرد . بادرنظر گرفتن این معیار ، طبقه‌بندی زیر را درمورد وسائل مادی وغیرمادی مورد استفاده سیستم آموزش‌عالی مشخص میکنیم .

ب ــ ۱/۱ ــ وسائل مادی مورداستفاده سیستم .
محیط فیزیکی دانشگاهها (ساختمانها ، آزمایشگاه‌ها ، وسایل موجود)
کارمندان (روسا ، کارکنان جزء ، کارگران)
اساتید ، دانشجویان
محتوای دروس وجزوات .

ب ــ۱/۲ــ وسایل غیرمادی مورد استفاده سیستم
قوانین ومقررات آموزشی (کنکور وسیستم‌واحدی . .)
قوانین ومقررات استخدامی ــ انضباطی وغیره
نظام حاکم بر روابط افراد در محیط دانشگاهها .
باید اعتراف کرد ،

شناختی که ما ازهریک ازاین اجزاء وعوامل داریم تقریبا ناچیز است . فی‌المثل اگر فقط امکانات مکانی دانشگاههارا درنظر بگیریم باید دانست که کمیته‌ای که برای طرح ادغام دانشگاهها در وزارت فرهنگ از مدتی قبل مشغول کار است برای صرفا ادغام فیزیکی محیط های آموزشی وجلوگیری اززوائد و تکرار ومکررات بیهوده دچار مشکلات‌بزرگی بوده است . چه فقط جمع‌آوری آمار دقیق دراین مورد احتیاج به صرف وقت قابل ملاحظه‌ای داشته است .

اساتید از چه قشری هستند ، تخصص آنها درچه زمینه‌هائی میباشد ، مشکلات آنها چیست ، درچه رابطه‌ای باصنایع قرار دارند ، ومسائل دیگر که مشخص شدن هریک از اینها بطور دقیق ودرست محتاج صرف وقت زیادی از طرف افراد دلسوز و وارد در امر آمارگیری است ، دانشجویان باقشر وسیعی که از حیث کمیت تشکیل میدهند وارتباط وسیعی که درهمه اقشار با جامعه برقرار میکنند مسائل بسیار وسیع‌تری‌را دراین بررسی وتجزیه و تحلیل مطرح میکنند که شناخت سطحی نسبت به این مسائل به هیچوجه جوابگوی نیاز ما بشناخت دقیق وعمیق این مسائل نخواهد بود . بررسی محتوای دروس وجزوات وجمع‌آوری نظرات متخصصین دراین باره خود مستلزم صرف وقت و نیروی تحقیق وآمارگری عظیمی است ، بررسی حاصله کار ، کمیته‌های بررسی‌دروس ، و آموزش در این مدت نشان دهنده کار انجام‌نشده بسیارزیادی است که درپیش است .

ب ــ ۲ــ عوامل خارجی موثر درسیستم :

ب ــ ۲/۱ــ عوامل مادی :

صنایع (و بطور کلی محیط کار) که دانشجویان و اساتید بطرق مختلف باآن درتماس هستند



بقیه از صفحه ۱۵

ودست به تعطیلی دانشگاهها زد.

حال امروز خمینی برای توجیه این عمل ضدانقلابی میگوید:

" دانشگاهی که امثال شریف امامی را تربیت میکند نباید هم باز شود " ! !

"امام" آگاهانه بسیار فراموشکار شده‌اند وازیاد برده‌اند که این دانشگاه بخاطر بیرون دادن شریف امامی‌ها لقب سنگر آزادی نگرفته است، بلکه بعکس برای آنکه درراه سرنگونی آنها مبارزه کرد این لقب راازخلق خود گرفت واین عوامفریبیها ودروغپردازیهای ناشیانه امروز دیگر اثری نخواهدداشت. دانشگاه تازمانی شریف‌امامیها رااز خود بیرون میدهد که سرمایه‌داری وابسته حفظ شود واین جمهوری اسلامی که بر همین روابط تکیه‌زده وبه پاسداری وحمایت از آن مشغول است وبلاتردید فردایی که دانشگاهها‌یش را بگشاید باز هم هدفی جز تامین نیازهای سیستم موجود را نخواهد داشت. آری آقای خمینی! این پاسداران سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم هستند که شریف امامیها رااز درون دانشگاهها بیرون میدهند واین انقلابیون وکمونیستهای راستین اند که با مبارزاتشان در سنگر دانشگاه نیز پرچم آزادی را به اهتزازدرمیآورند. حال این سنگر را میبندید! تعطیل کنید! مگر این مبارزات پایان میپذیرد؟ مگر سنگرهای آزادی دیگر در کردستان، در کارخانه، درروستا و... را نیز میتوانید "تعطیل" کنید؟! وامروز دانشجویان کمونیست نیز اگر سنگر دانشگاه دربست خویش ارتجاع است مبارزات خود رادرتمامی سنگرهای آزادی پی میگیرند بدین لحاظ است که حتی این مبارزات دانشجویان نیز آنقدر برخی جناحها وبا عناصر هیئت حاکمه را به وحشت انداخته است که دوباره به بازکردن دانشگاهها رضایت داده‌اند ! !

وبالاخره خمینی برای آنکه سخنش دیگربا "قاطعترین" دلائل هم توام باشد بازهم میگوید:

" به من یکی از مطلعین گفت همین چندروز پیش از این دانشگاهی که اطاق جنگ بوده برای کردستان یعنی دردانشگاه اطاقی بوده است که جنگ کردستان و... اداره میکردند ..."

خمینی مکاشفه عجیبی‌بعمل آورده است ویکی از مطلعین بوی گفته است‌که در دانشگاه اتاق جنگ کردستان بوده است! ! اگر اشتباه نکنیم منظور "امام" همان دفاتر سیاسی دانشجویان کمونیست است‌که به حمایت از جنبش حق طلبانه خلق کرد پرداخته وجنایات رژیم را در آنجا افشا میکردند. اگر اینست‌که ما کمونیستها باافتخار تمام اعلام میداریم که این " مکاشفه " خمینی نیست بلکه اعتراف صریح وآشکار ماست‌که لحظه‌ای نتنها از حمایت جنبش خلق کرد بلکه از حمایت وشرکت فعال وارتقا تمامی جنبشهای کارگران وزحمتکشان سراسر ایران دست برنخواهیم داشت واین همان راهی است‌که دانشجویان کمونیست هم در آن گام مینهند ودر اینراه برادران ناهیدها، میرشکاریها، ناصر توفیقیانها و... رانیز درزمان جمهوری اسلامی به پیشگاه خلق خودهدیه کرده‌اند. بهمین خاطر دانشگاه نتنها خانه دانشجویان بلکه سنگر پشتیبانی از مبارزه تمامی خلقهای ایران است.

● ● ●

بقیه از صفحه ۱۶

... مره اقتصادی از اهالی شهر وحومه بوکان دعوت میکند که از هر طریق میتوانند مواد مورد لزوم راوارد کرده و بقیمت عادلانه ای دراختیار مردم قرار دهند ...

... در عین حال به محتکران هشدار میدهند که از زحمتکشان و تهیدستان در برابر غارتگریهای آنها دفاع کرده و با آنها باشدت عمل خواهد کرد ...

رفقا وهواداران

در تکثیر و پخش نبرد مارا یاری نموده

کمکهای مالی خود را از هر طریق ممکن برای ما ارسال دارید .



بقیه از صفحه ۱۸

خواهید باز آنها بیایند ؟ "
(انقلاب اسلامی ۲۹ آذرماه)

خمینی در اینجا نتنها مشت عوامفریبان را درباره باصطلاح " انقلاب فرهنگی " باز کرده است ، بلکه بر نکته صحیحی نیز دست گذاشته است و آن اینکه " دانشگاه سنگر بود از برای کمونیستها " ! شاید حتی اگر امروز هم به خیابانهای اطراف دانشگاه برویم هنوز طنین پرشکوه فریادهای خلق قهرمانمان بگوش برسد که " دانشگاه سنگر آزادیست " و امروز خمینی روشن میسازد که این سنگر برای این سنگر آزادی بوده وهست که سنگر کمونیستها بوده است! آری ، خلقهای ایران مبارزات دانشجویان کمونیست و انقلابی را دزطول سالهای سال سیادت رژیم جلاد شاه با اعطای لقب سنگر آزادی به دانشگاه ارج مینهند وخمینی با " اعطای" لقب " مرکز فساد " دشمنی خود را با هرگونه انقلاب وانقلابیگری بنمایش میگذارد . خمینی میگوید که " دانشگاه درچندین ماه پیش دریکسال وچقدرپیش مرکزفسادبوده"

اما " فساد " از نظر او چیست ؟ " فسادی " که خمینی از آن سخن میگوید مقاومت قهرمانانه دانشجویان انقلابی در برابر کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ، درروز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ است که منجر به شهادت سه تن از دانشجویان دلیر خلق ایران شد ! " فسادی " که خمینی از آن سخن میگوید تظاهرات عظیم دانشجویان انقلابی تحت رهبری دانشجویان کمونیست در تشییع جنازه وچهلم شهادت تختی است ! " فسادی " که خمینی از آن سخن میگوید تظاهرات قهرمانانه دانشجویان برعلیه سفر نیکسون به ایران در سال ۵۱ است ! " فسادی " که خمینی از آن سخن میگوید پشتیبانی و شرکت وسیع وگسترده دانشجویان در مبارزات خلقهای ایران برعلیه رژیم شاه است ! " فسادی " که خمینی از آن سخن میگوید پیوند انقلابی دانشجویان کمونیست با کارگران قهرمان میهنمان در اواخر سلطنت شاه است . " فسادی " که خمینی از آن سخن میگوید افشای ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در دانشگاههاست ! " فسادی " که خمینی از آن سخن میگوید حمایت بیدریغ وشرکت دانشجویان کمونیست در مقاومت پولادین خلق کرد برعلیه یورش پاسداران وارتش ضدخلقی است ! " فسادی " که خمینی از آن سخن میگوید حماسه اول اردیبهشت ۵۹ است و ... بیک کلام " فسادی " که خمینی از آن سخن میگوید انقلابیگری دانشجویان وحمایت آنان از خواستها ومبارزات برحق کارگران وزحمتکشان میهنمان است . اما بازهم باید گفت که " فسادی " که آقای خمینی از آن سخن میگوید ، بسیار زودتر از خود وی " لیبرالها " بارها وبارها از آن سخن رانده بودند واو " بیجهت " درتلاش است تا به آنها بگوید " شما شم سیاسی ندارید " دانشگاه چنین است وچنان !

دانشگاه وتاسیس آن در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بخشی از برنامه وطرحریزیهای امپریالیستها برای تامین منافع غارتگرانه خود میباشد وبه همین دلیل سیستم آموزشی وتخصصی که در آن اعمال میشود جزدر راه حفظ وحمایت روابط وابسته به امپریالیسم نمیباشد. طبعا همانطوریکه بازهم در زمان " انقلاب فرهنگی "رژیم کمونیستها اشاره کردند بدون انقلابی اجتماعی وجایگزینی روابط اجتماعی نوینی بجای روابط پوسیده موجود سخن از تعویض " سیستم آموزشی " امری پوچ وبی محتوا خواهد بود . اما گفتیم که دانشگاه یکی از راههای امپریالیستها برای تامین کادر متخصص خود برای به حرکت درآوردن چرخهای نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است ، لیکن چگونه است که با این وجود همواره به مثابه یکی از کانونهای مبارزات دمکراتیک وانقلابی در اینگونه جوامع شناخته میشود ؟ ! دانشجویان به مثابه حساسترین بخش روشنفکران همواره منعکس‌کننده رشد منافع وتضادهای طبقات اجتماعی وگروهبندیهای سیاسی جامعه میباشند . این اصل لنینی برخورد بدانشجویان است وبا توجه باین اصل است که روشن میگردد که در میان دانشجویان همواره هواداران سرمایه‌داران (بورژوازی) ،طبقات میانی(خرده بورژوازی ودهقانان) وطبقه کارگروجود دارند . مثلا درزمان رژیم شاه دردانشگاهها دانشجویانی دردانشگاهها یافت میشدند که در اتحادیه‌های رستاخیزی عضویت داشتند ویا تنها به درس ومشق خود سرگرم بودند وکاری بکار ستم واستثماری که برکارگران وزحمتکشان میهنمان روا میشده (ومیشود) ، نداشتند در حالیکه در همان زمان زندانهای رژیم شاه پر بوداز دانشجویانی که درراه منافع انقلاب وخلقهای ایران از نثار هیچ چیز دریغ نداشتند ، اینها همان جزنی ها ، احمدزاده‌ها حنیف نژادها ، رضاییها ، کردقراچورلوها و... بودندکه همگی بدست ارتجاع پهلوی یا به شهادت رسیدند ویا سالها در سیاهچالهای رژیم بسر بردند . پس از قیام بهمن ماه ۵۷ نیز اوضاع برهمین منوال بود . گروهی هواداران"رژیم خمینی " ـ جمهوری اسلامی ـ را تشکیل دادند وانقلابیون وکمونیستها پرچم ادامه انقلاب رادر دانشگاهها نیز به احتزاز درآوردند . طبعا بدلیل روشنفکر وحساس بودن دانشجویان افشاگریهای کمونیستها دردانشگاه بسیار سریعتر از جامعه، تاثیرات انقلابی خود رادرآنجامیگذاشت وهرروزبرصفوف دانشجویان کمونیست دردانشگاهها افزوده میگشت وبالنتیجه باافزایش تعداد این دانشجویان سطح افشاگری در کل جامعه نیز افزایش مییافت این بود که رژیم جمهوری اسلامی بوحشت افتاده وفتوای قتل عام دانشجویان رادر" انقلاب فرهنگی " صادر نمود

بقیه در صفحه ۱۴

نابود باد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم

نبرد
ارگان سیاسی - تبلیغی
گروه کمونیستی نبرد

خلق میگوید: دانشگاه سنگر آزادیست؛
خمینی میگوید: دانشگاه سنگر فساد است!

۵۹/۲/۹ - ۱۳ ۵/۸

چند روزقبل در سالگرد روز " وحدت دانشجوو روحانی"!! پس از گذشت قریب ۸ماه از کشتار "انقلاب فرهنگی " که در اول اردیبهشت بدست ارتجاع حاکم صورت گرفت ، خمینی بـــه روشنی اعتراف کرد کـه دلیل اصلی بسته شدن دانشگـــاه-ها حضور وفعالیت کمونیستها در آنجا بوده است .از همان روزهای اول پس از کشتار عام دانشجویان انقلابی وکمو- نیست در تهران ، رشت ، اهواز ، شیراز و... در"انقلاب فرهنگی "،تمامی نیروهای کمونیست وانقلابی ، بدرستـــی هدف این " افتضاح فرهنگی " را حمله به آزادیهـــای سیاسی ودمکراتیک موجوددردانشگاهها قلمداد کـــــرده و تعویض " سیستم آموزشی " را نیز پوششی برای ایـــن حرکت ضدانقلابی دانستند . امروز پس از مدتها عـــوام- فریبی ودروغپردازی وترتیب دادن سمینارها ومباحثات مختلف پیرامون " آموزش عالی " و ... خمینی خود مشت هیات حاکمه را اینچنین باز کرده است ومیگوید :

" شما مگر ندیدید که آنوقت که دانشگاه باز بود چه فسادی بود ، دانشگاه سنگر بود از برای کمو- نیستها واتاق جنگ بود برای کمونیستها وشمـــا تاسف میخوریدکه این دانشگاه نیست میفهمید چه میگوئید؟ ازروی فهم میگوئید ؟ اگر از روی فهم میگوئیـــد باید تکلیفتان معین شود واگر ازروی نادانـــی میگوئید چطور شما این دانشگاهی را که درچندین ماه پیش در یکسال وچقدر پیش مرکز همه فسادهـــا بوده ودر چنگال کمونیستها وچریکها وسایـــر ارگانهای منافق بوده حالا میخواهید بازشودمی-

بقیه در صفحه ۱۵

برقرارباد جمهوری دمکراتیک خلق
برهبری طبقهٔ کـــارگـــر!

دانش آموزان ممسنی: اعدام قاتلین، آزادی معلمین، خواسته فوری ماست.

دانش آموزان ممسنی حاضر نیستند بدون معلمان مترقی خود به سر کلاسها بازگردند. پس از درگیری خونین ۸ آذر در نورآباد ممسنی و کشته و زخمی شدن تعدادی معلم و دانش آموز، مدارس این ناحیه جوش و خروشی دیگر به خود گرفته‌اند.

* شجاعی نماینده منطقه در مجلس شورای اسلامی روز ۱۷ آذر، برای توجیه کشتار وحشیانه پاسداران به مدرسه ایزدی ممسنی رفت. او سعی داشت دانش آموزان را به سرکلاسها بازگرداند و وانمود کند که خواهان رسیدگی به واقعه است. محصلین مدرسه به او جواب دادند که تا آزادی معلمانشان و مجازات قاتلین کشتار ۸ آذر به کلاس نخواهند رفت. دانش آموزان گفتند، قضیه بسیار روشن است، عاملین کشتار پاسدارها بوده‌اند، پاسدارها مردم را به گلوله بستند و باید مجازات شوند. مدیر مدرسه کسانی را که از رفتن به کلاسها امتناع می‌کردند تهدید به اخراج کرد. دانش آموزان می‌گفتند ما به سرکلاس بی‌معلم نمی‌رویم.

* دانش آموزان دبیرستان نظامیه برای افشاگری پیرامون کشتار و اخراج معلم‌هایشان روز پانزدهم آذر به مدرسه رفتند ولی حاضر نشدند به سر کلاس بروند. آنها شعار می‌دادند "اعدام قاتلین، آزادی معلمین، خواسته فوری ماست" و "معلم شهیدم راهت ادامه دارد". دانش آموزان در محیط مدرسه علیه طاهری و انصاری، دوتن از مسببین کشتار اخیر ممسنی، به افشاگری پرداختند.

* دانش آموزان ممسنی با انتشار قطعنامه‌ای، به مقاومت خود در مقابل توطئه و کشتار ارتجاع، تداوم بخشیدند. در قطعنامه‌ای که روز ۱۸ آذر در مدارس خوانده شد، آمده است: ما خواهان دستگیری و محاکمه رضوانی، موسوی، طاهری و انصاری، عاملان کشتار مردم بی‌دفاع در روز ۸ آذر هستیم، معلمان دستگیر شده باید بدون قید و شرط آزاد شوند. اخراج و دستگیری دانش آموزان و معلمین متوقف گردد. هئیت‌های پاکسازی منحل و آزادی فعالیت سیاسی تضمین شود.

تعطیلی مدارس خواسته ارتجاع است.
آزادی سیاسی دستاورد قیام است.

تبعیض بین مدارس شهر و روستا

محصلین تنها دبیرستان قریه قره‌بلاغ زنجان، برای اعتراض به تعویض دبیران لیسانس با فوق‌دیپلم‌ها در پانزدهم آذر، دست به اعتصابی سه روزه زدند. رئیس آموزش و پرورش ناحیه در توضیح اقدام خود به دانش آموزان گفت چون دبیران لیسانس حقوق بیشتری می‌گرفتند و با توجه به شرایط جنگی ما بودجه کافی نداریم آنها را با فوق‌دیپلم‌ها تعویض کردیم.

دانش آموزان می‌پرسند چرا در شهرها این کار را نمی‌کنید؟ مگر بین محصلین شهر و روستا باید تفاوتی باشد. مدیر در مقابل اعتراضات دانش‌آموزان را به تعطیل دبیرستان تهدید می‌کند. محصلین که می‌دیدند مدرسه در خطر تعطیلی قرار دارد به اعتصاب خود پایان دادند ولی به تجربه دریافتند، تبعیض بین شهر و روستا یک واقعیت جامعه طبقاتی است هرچند که آقای باهنر درمورد یکسان‌کردن امکانات مدارس داستان‌های

تعطیلی مدارس، توطئه ارتجاع علیه دانش آمو[زان]

سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی گفته‌اند که ضدانقلاب می‌خواهد مدارس را به تعطیلی بکشاند! با درگیری‌های گسترده‌ای که عوامل سرسپرده و باندهای فاشیستی در مدارس به راه انداخته‌اند، روشن می‌شود که صفت "ضدانقلاب" شایسته کوردلانی است که تحمل فعالیت سیاسی دانش آموزان را در کنار درس خواندنشان ندارند. دانش آموزان آگاه و متحد، با افشای توطئه به تعطیل کشانیدن مدارس، هوشیارانه مقاومت می‌نمایند.

مقاومت در برابر رئیس تحمیلی!

● اردبیل – در اواسط آذر، مدیر جدیدی که همسر دادستان شهر است، به ریاست دبیرستان آزرم اردبیل تعیین می‌شود. دانش آموزان به طرفداری از مدیر قبلی که مورد تائید آنها بود، نسبت به تحمیل این شخص اعتراض می‌کنند. تعدادانگشت شماری دانش آموز هوادار فدائیان اسلام، در مخالفت با دانش آموزان مترقی، جاروجنجال بپا کرده و کار را به درگیری می‌کشانند. در نتیجه، تنی چند از محصلین مجروح می‌گردند. در حال حاضر دبیرستان آزرم تعطیل و تکلیف ... مدیر جدید هنوز روشن نشده است.

چاقوی باند مکتبی بر پیکر دانش آموزان!

● کرج – روز چهارم آذر در دبیرستان انقلاب کرج بین دانش آموزان مترقی و دارودسته انصار الله درگیری سختی رخ داد.

درگیری از آنجا آغاز شد که دانش آموزان در مقابل پاره کردن یک بزرگ نویسی مقاومت کردند. باند انصار الله در امور تربیتی مدرسه نفوذ دارد، آنها به محصلین حمله می‌کنند و با لگد بر کمرشان می‌کوبند و چاقوهایشان، پیکر دانش آموزان بسیاری را مجروح می‌سازد.

مدیر مدرسه از اقدام وحشیانه انصار الله، خشمگین شده و به اعضای باند ارتجاعی اخطار می‌کند. فردای آن روز مدیر معترض برکنار می‌شود. دانش آموزان به طرفداری از او شعار می‌دهند و می‌گویند اگر او برکنار شود تا آخر سال تحصن خواهند کرد. آموزش و پرورش در مقابل دانش آموزان معترض عقب می‌نشیند و مدیر به سرکار بازگردانده می‌شود.

ما از یکدیگر جدا نیستیم!

● شیراز – روز نهم آذر، به تحریک مربی‌های تربیتی دبیرستان فاطمه امینی شیراز، بین دانش آموزان مترقی و اعضای انجمن اسلامی درگیری رخ می‌دهد بطوریکه تعدادی از محصلین از شدت ضربات حالشان وخیم می‌شود. آمبولانس اورژانس برای کمک به دبیرستان می‌آید اما انجمن اسلامیها حتی از مداوای دانش آموزان جلوگیری

که دوره کمکهای اولیه را گذرانده بود[ند]
با تنفس مصنوعی به یاری محصلین مص[دوم]
می‌شتابند.

روز بعد، افراد سپاه برای دستگی[ری]
دو دانش آموز به مدرسه می‌روند ولی ب[ا]
مقاومت یکپارچه دیگران روبرو شد[ه]
دست از پا درازتر باز می‌گردند. عص[ر]
آن روز پاسداران به خانه یکی از دان[ش]
آموزان انقلابی می‌ریزند و پس از شکست[ن]
شیشه‌ها در صدد دستگیری او بر می‌آین[د]
محصل مبارز در همان حال به افشاگ[ری]
می‌پردازد. مردم با شعار "ولش کنید، و[لش]
کنید" خواهان آزادی او می‌شوند ول[ی]
پاسداران جمعیت را متفرق کرده و دا[نش]
آموز را با خود می‌برند. دانش آموزان [...]
دبیرستان دیگر شیراز به نامهای قد[...]
و حاج قوام هم به پشتیبانی از مبار[زه]
جوئی محصلین فاطمه امینی برخاسته ا[ند].

● قائمشهر – دوتن از هواداران دان[ش]
آموز مجاهدین، هنگام نصب درشت نوی[سی]
درباره درگیریهای اخیر شهر، شناسائ[ی]
می‌شوند و مسئولان مدرسه پویا در ص[دد]
اخراج آنها بر می‌آیند.

دانش آموزان دبیرستان به نشان[ه]
حمایت از همشاگردیهایشان، تحص[ن]
میکنند. چماقداران ارتجاع با یور[ش]
وارد مدرسه شده و تحصن را برهم می‌زنن[د].
دانش آموزان دبیرستان پویا به هم[راه]
محصلین مدرسه ناموس که از آنها حمای[ت]
کرده بودند، در سطح شهر راهپیمائی می‌کنن[د].
مردمی که ناظر جریان بودند با دشنام ب[ه]
یورش فاشیستی را محکوم کردند.

درجمهوری اسلامی اجرای مراسم ۱۶ آذر جرم است!

● روستای "احمدگوراب" فومن – دان[ش]
آموزان دبیرستان "خسرو احمری" مقاله‌ا[ی]
به مناسبت ۱۶ آذر تهیه کرده بودند و قص[د]
خواندن آنرا داشتند که مدیر مدرس[ه]
مخالفت می‌کند. دانش آموزان یکصدا ب[ه]
مدیر اعتراض کرده و او را از خود می‌رانند.

مدیر مدرسه به سپاه رفته و نقش[ه]
تعطیل موقت مدرسه را طرح می‌ریزد. رو[ز]
بعد پاسداران برای دستگیری ۵ دانش
آموز به مدرسه می‌روند و چون با اعتراض
یکپارچه مواجه می‌گردند، محیط مدرسه [را]
ترک می‌نمایند. باقرنژاد رئیس آموزش
و پرورش ناحیه برای سخنرانی به مدرسه
می‌رود و می‌گوید اجرای مراسم ۱۶ آذر، حرکتی
ضدانقلابی بوده است!! گروهی از
روستائیان محل هم به مدرسه آمده بودند
تا از سرنوشت فرزندانشان با خبر شوند
در این میان، دانش آموزی به افشاگری
علیه باقرنژاد دست می‌زند. سرانجام [...]
باقرنژاد با این دو شرط که دانش آموزان
تعهد بدهند فعالیت سیاسی نداشته و
خودشان ۵ دانش آموز اخراجی را معرفی
کنند، مدرسه را ترک می‌کند. اینک دبیر-
ستان در خطر انحلال قرار دارد. باقرنژاد
فکر می‌کند قادر است بر در مدرسه قفل بزند
و سرنوشت دانش آموزان را ببازی بگیرد
ولی محصلین...

بازگشائی دانشگاه...

که روحانیت حاکم مدعی است تنها لیبرال‌ها از آن دفاع می‌کنند. عمارهٔ‌ای که روحانیت حاکم تنها و تنها با ظواهر بسیار فرعی و مبتذلش در افتاده و آنچه‌راکه جایگزین آن‌نموده، از جوانب دیگر بهیچوجه دست‌کمی‌ازآن ندارد.

آیت‌الله خمینی هنگامیکه اعلام کرد "دانشگاه سنگر بود. برای کمونیستها و اطاق جنگ بودبرای کمونیست‌ها... حالا می‌خواهیدبازشود. میخواهید باز آنان بیایند و شما تأسف می‌خورید که این دانشگاه نیست. می‌فهمید چه‌می‌گوئید؟"! نشان داد که این تنها سیاست و فرهنگ انقلابی‌است که مورد عداوت و دشمنی جمهوری اسلامی است. چرا که در همین سخنرانی که زمینهٔ تعطیل ماندن دانشگاهها رابرای‌مدتهای مدیدی فراهم نمود، روحانیت حاکم نشان‌داد که نه‌تنها دشمنی‌بنیادی با لیبرال‌ها و سیاستهای فرهنگی آنان نداردبلکه دقیقا محتاج و نیازمند همکاری همین "حرام زادگان غرب‌باور" دربازگشائی‌وادارهٔ "دانشگاهی اسلامی" است! دانشگاهی تهی‌از سیاست‌و فرهنگ انقلابی که کمونیستها و نیروهای انقلابی درآن جائی نداشته‌باشند. چرا که دانشگاهی سیاسی با فرهنگ انقلابی و درخدمت توده های زحمتکش‌وعلیه‌بنیادهای مسموم‌فرهنگ سرمایه‌داری که بهرطریق آنها را رنگ‌کنیم بوی گندش همچنان از مناسبات سرمایه‌داری وابسته حاکم بر جامعهٔ ما که جمهوری اسلامی پاسدار و مدافع آنست، بر خواهد خاست، به‌درد ولایت فقیه نمی‌خورد. درچنین دانشگاهی به‌قول خودآیت‌اله خمینی طرفداران حزب جمهوری اسلامی در "اقلیت‌واقع شده بودند" و چون نمیتوانستند جلوی کمک درخشان آنرا به ارتقا مبارزهٔ ضد امپریالیستی توده‌ها و رشد و گسترش فرهنگ انقلابی بگیرند می‌بایست تعطیل می‌گردید.

در همین سخنرانی آیت‌الله خمینی سعی نمود که به‌لیبرال‌ها که همواره نفرت و دشمنی‌اشان را نسبت به انقلابیون در دانشگاه نشان داده‌اند، ولی برای بازسازی نظام سرمایه‌داری وابسته‌و تربیت‌متخصصین و کارشناسان و مدیران سرسپرده سرمایه‌داری به دانشگاهی با همان نظام گندیده بوروکراتیک و ارتجاعی‌اش، محتاج هستندوبهمین خاطر سنگ باز شدن آنرا به‌سینه‌می‌زنند، بفهماند که نمی‌تواند دانشگاهی‌را که سنگر علم و آگاهی و جانفشانی در راه‌آزادی و مبارزهٔ ضد امپریالیستی ده‌ها هزار دانشجو بوده و مورد احترام‌و اعتماد میلیونها نفر مردم زحمتکش میهن‌ماست، تحمل نماید.

خشم و عصبانیت آیت‌اله خمینی بدین دلیل است که دانشگاهها نیز چون مدارس کشور از جمله مراکزی است که جمهوری اسلامی بنا به اعتراف خودشان در "اقلیت واقع شده" اند، آنهم اقلیتی خرد کننده. بهمین‌خاطر برای اعمال حاکمیت‌ضد انقلابی و ضد دموکراتیک خود به سرنیزه‌روی آورده‌اند. باتوجه به‌رشد و گسترش نارضایتی توده‌ها که اخیرا با مقاومت گسترده‌ای که در شهرهای شمال و نورآباد ممسنی روی داد وباتوجه به وضعیت ۱/۵ میلیون آوارهٔ برجستگی خاص یافته، توسل روزافزون جمهوری اسلامی به سرنیزه برای حکومت بر میلیونها جوان پرشور و انقلابی آنهم از همان "اوان جوانی" حکومت، نه تنها آخر و عاقبت خوشی ندارد بلکه زنگ خطری‌جدی است که به‌صدا در می‌آید.

در حقیقت هنگامی که آیت‌الله خمینی با عصبانیت آشکاری خطاب به لیبرال‌ها و بنی‌صدر می‌گوید "می‌فهمید چه می‌گوئید؟" دشمنی آشکار جمهوری اسلامی را با گسترش آگاهی انقلابی نشان ...

... می‌دهد. تأثیر تعطیل دانشگاه یکی‌از سنگرهای همیشه فروزان مبارزهٔ ضد امپریالیستی خلق ما،بر روی نفوذ رو به‌کاهش جمهوری اسلامی در بین توده‌ها که برای رهبران جمهوری اسلامی ابعاد هراسناکی گرفته است، نمی‌تواند موجب‌عصبانیت نگردد. رژیم خود خوب می‌داند که بهیچ‌طریقی نمی‌تواند این فاجعه را توجیه نماید، و بیهوده می‌کوشد خودرا به در و دیوار بکوبد.

علیرغم این عصبانیت و هشدار به لیبرال‌ها، روحانیت حاکم از این غافل نماند که بر نقاط وحدت خود با لیبرال‌ها اینچنین تأکیدنماید "شما که اینقدر دلسوزی برای دانشگاه می‌کنید و تعطیل، خوب بیائید واردبشوید درکار، دانشگاه را یک دانشگاه اسلامی کنید، کمک‌کنید..."!

این دعوت آشکار از "لیبرالیسم تبهکار" و "طرفداران فرهنگ حرام‌زادهٔ غربی" و حامیان فرهنگ گندیده و مبتذل سرمایه‌داری‌و ستایندگان "شوکت وجاه" کشورهای غربی! به‌همکاری، نشان می‌دهد که منظور و مراد روحانیت‌حاکم از "خطر بمب خوشه‌ای" تنها و تنها خطر فرهنگ انقلابی است. وگرنه اگر روحانیت حاکم می‌خواست‌برعلیهٔ "نظام طاغوتی" حاکم بر دانشگاه مبارزه کند از لیبرال‌ها این مدافعان فرهنگ "طاغوتی" دعوت نمی‌کرد که با او همکاری نمایند. این امر نشانهٔ وحدت اساسی جناحهای حکومتی در مبارزه‌اشان علیه فرهنگ انقلابی (به‌شیوه‌های متفاوت) و اختلافات آنان در نحوهٔ برخورد با زندگی‌عرفی‌و سنتی است. هر دو در پاسداری از مرداب فرهنگ امپریالیستی و "طاغوتی" وحدت‌نظر دارند چراکه هر دو در حفظ مناسبات سرمایه‌داری وابسته می‌کوشند تنها اختلاف آنان در نحوهٔ عوام‌فریبی اشان است.

روحانیت حاکم برای آنکه بتواند بر خصومت بیمارگونهٔ خود با علم و آگاهی، امری که روز به روز بیشتر برای مردم‌ما آشکار می‌شود، سرپوش گذارد، این حقیقت را که دانشگاهها همواره سنگر مبارزهٔ ضد امپریالیستی بوده‌اند انکار می‌کند! جمهوری اسلامی برای توجیه خرد ستیزی قرون وسطائی خود و موجه‌جلوه دادن حاکمیت جهل و نادانی که برای فریب توده‌ها بدان نیازمنداست. و برای توجیه فاجعه تعطیل دانشگاهها‌و رسوائی و شکستی که ۸ ماه بعد از توطئه "انقلاب‌فرهنگی" دامنگیرش گشته، دانشگاه را به قرار داشتن‌درخط آمریکا متهم می‌نماید! خدایگان خبرهٔ این‌خاک، دانشگاهی را متهم به‌خیانت به‌خلق و خدمت‌به امپریالیسم می‌نمایند که هرگز در برابر "خدایگان آریامهر" سر تعظیم فرود نیاورد. چگونه‌می‌توان دانشگاه‌را که زمانی با گلوی خونین سرود سرخ ۱۶ آذر را سرداد و لرزه براندام نیکسون‌ها انداخت متهم به آمریکائی بودن‌کرد؟ مارک آمریکائی زدن به دانشگاهی که با تقدیم ۱۳ آبان به تقویم‌مبارزه قهرمانانهٔ توده‌های محروم ما علیه امپریالیسم جهانخوار و خدایگان بی‌معجزه‌اش، گامهای پر طنین قیام بهمن را شتاب بخشید، تنها رسوائی و شکست توطئهٔ "انقلاب فرهنگی" را به نمایش می‌گذارد.

روحانیت حاکم می‌خواهد دانشگاهی‌را لوث نماید که در جریان مبارزات مردم ما به قبله گاهی پرشکوه تبدیل‌گردید و از چنان احترام و اعتباری برخوردار شد که‌روحانیت برای سوءاستفاده از حیثیت‌آن آنرا به‌مرکز نمازجمعه‌هایش مبدل کرد. این دانشگاه از آنجا که تن به‌بردگی سرمایه نمی‌دهد، ازآنجا که مرکز رشد و آگاهی‌انقلابی‌ای گشته که گالیله‌وار براین حقیقت پای می‌فشرد که ... که مرکز عالم‌اند نه ولایت فقیه ...

نفرت و کینهٔ رهبران جمهوری اسلامی است. ...
ادعا می‌کنند که دانشگاهی که عمری علیه وابسـ...
مبارزه نموده، مظهر وابستگی است!

روحانیت که حتی قبل از قیام "ضد اصلاحا...
خود را آغاز کرده‌بود با پیروزی قیام و به چنـ...
آوردن قدرت به‌اقدامات ارتجاعی خود شـد...
بخشیده و به زدودن هرنمود و عنصر‌ترقی‌خواه...
که محصول قیام توده‌ها بود، پرداخت. آغاز ...
انقلاب فرهنگی راستین از طرف دانشگاه که ...
شرکت در قیام توده‌ها، نبرد مشترک‌درسنگرهـ...
خیابانی، رفتن به‌کارخانه‌ها برای تشکیل شور...
رفتن به خیابانها و محلات برای سازماندهـ...
مبارزهٔ ضد امپریالیستی توده‌ها، فعالیت‌کلاسهـ...
مبارزه با بی‌سوادی، تشکیل کلاسهای سیاسـ...
ترویج آگاهی انقلابی پی‌ریزی شد و با تبدیـ...
دانشگاه به‌کلاس بزرگ آموزش سیاسی به‌اوج‌رسید...
کینه ونفرت رهبران جمهوری اسلامی علیه‌دانشـ...
را برانگیخت. دیوار بین دانشگاه و مردم کوچه...
بازار و زحمتکشان کارخانه‌ها فرو ریخت وتوده‌ها...
زحمتکش ما دسته‌دسته برای کسب آگاهی بـ...
دانشگاهها روی‌آوردند و دیوارهای دانشگاه‌به‌کـ...
بزرگ انقلاب فرهنگی راستین مبدل‌گردید.

رهبران جمهوری اسلامی از ترس فرهنگ‌انقلا...
و برای نابودی آن به‌یک ضد انقلاب فرهنگـ...
مبادرت ورزیدند. آنها ده‌ها هزار دانشجو را...
تحصیل علم محروم نموده و میلیونها نفرخانوا...
آنان‌را دچار خسران‌های غیرقابل جبرانی‌نمود...
آنها کینه و عداوت پایان‌ناپذیری نسبت به رشـ...
آگاهی نشان داده و اکنون نیز در اندیشهٔ طـ...
ریزی توطئه‌ای برای به تعطیل کشاندن مـدار...
هستند. چرا که مدارس نیز آئینه‌ای از دانشگـ...
هاست. تعطیلی که تنها در تحت حکومت‌رژیمـ...
ضد خلقی چون برزیل و کره‌جنوبی و... به اجـ...
درآمده‌است.

۸ ماه بعد از ضد انقلاب فرهنگی به‌نام فرهـ...
، بعد از ۸ ماه دروغ و ادعا، اکنون نه تنهـ...
کوچکترین اقدامی درجهت تغییر نظام‌آموزشـ...
صورت نگرفته، بلکه تصفیه چندین‌هزار معلم‌آگا...
انحلال‌آموزش‌و پرورش کردستان و لرستان‌واخـ...
وسیع دانش‌آموزان انقلابی و رفت‌وآمد روزمـ...
پاسداران مسلح و قمه‌کشان مکتبی! به مدارس...
جشن‌های هیستریک کتاب‌سوزان و... تنهابخـ...
ازاقدامات مکتبی جمهوری اسلامی‌را تشکیـ...
می‌دهد.

کافیست اقدامات فوق ارتجاعی رژیم‌را که بـ...
اسم "انقلاب فرهنگی" انجام‌گرفته‌با انقـ...
فرهنگی راستین‌کشورهای انقلابی جهان مقایسـ...
کنیم، تا به ابتذال فرهنگی جمهوری اسلامـ...
چشم‌اندازهای فرهنگی آن پی‌ببریم. تنها بـر...
نمونه کافیست بگوئیم بعد از پیروزی انقلاب کو...
تنها در عرض۹ ماه از جمعیت ۷ میلیونی کوبـ...
هفتصد هزارنفر باسواد گردیدند. و نرخ‌بیسوا...
به ۵% رسید. یعنی براین اساس می‌بایسـ...
کشتار اول اردیبهشت در دانشگاه که منجـر...
تعطیل آنها گردید تاکنون، علاوه بر تغییربنیا...
نظام‌آموزشی ایران؛ ۳/۵ میلیون نفر نیز باسـ...
می‌گردیدند! اما رهبران جمهوری اسلامی نه تـ...
با ژ-۳ بدنبال هر چیزی که کوچکترین نشانی...
فرهنگ انقلابی داشته‌باشد هستند، بلکه طـ...
توطئهٔ تعطیل مدارس کشور را نیز مـزه مـ...
می‌نمایند!

وظیفهٔ تمام‌نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه‌ا...
که با تمام قوا برای بازگشائی دانشگاه این سنـ...
همیشه فروزان‌آگاهی وسنگر پایداری آزادی‌ومبا...
ضد امپریالیستی میهن‌مان بکوشند و با افشـ...
توطئه‌هائی که برای به‌تعطیل کشانیدن مدارس...
حاکمیت سرنیزه برآنها طرح ریزی می‌گردد مـ...
نمایند.

سال دوم - دوشنبه ۸ دیماه ۱۳۵۹ - بهاء: ۳۰ ریال



بازگشائی دانشگاه

کانون همیشه فروزان آگاهی و سنگر همواره پایدار آزادی و مبارزهٔ ضد امپریالیستی، حق مسلم توده‌هاست

از پیروزی قیام تاکنون روحانیت حاکم بیش از هر جریانی در حاکمیت نسبت به "خطر دانشگاه" از خود حساسیت نشان داده است. بهمین خاطر نیز حزب جمهوری اسلامی برای کنترل کامل دانشگاه به انواع توطئه‌ها متوسل گردید تا سرانجام با هجوم خونین اول اردیبهشت و کشتار ده‌ها دانشجوی انقلابی، دانشگاه‌های سراسر ایران را به تعطیلی فاجعه‌انگیز کشانید.

چه قبل و چه بعد از کشتار، حزب جمهوری تلاش نمود که مسئله را امری "فرهنگی" جلوه داده و چنین وانمود نماید که تنها نگران "اسلامی نبودن" دانشگاه‌ها و حاکمیت فرهنگ "طاغوتی و امپریالیستی" بر آن است ولاغیر. اما آنچه در هفته پیش گذشت نشان داد که هراس جمهوری اسلامی از فرهنگ انقلابی است نه از عمارهٔ فرهنگ "حرام زادهٔ غربی"

بقیه در صفحه ۲

فرماندهان ارتش برای جنگیدن باج می‌خواهند!

پس از گذشت بیش از سه ماه از جنگ تحمیلی عراق، در حالیکه ارتش ضد مردمی عراق همچنان بخش وسیعی از خوزستان و غرب کشور را در اشغال خود دارد و در حالیکه هر روز از جنگ که میگذرد، برای زحمتکشان نابودی و مرگ، آوارگی، بیماری، بیکاری و فقر و فلاکت به ارمغان می‌آورد، پیشروی ارتش و نیروهای مسلح حکومتی در جبهه، عملا متوقف شده است.

تیمسار فلاحی، سرتیپ شاهنشاهی و فرمانده

بقیه در صفحه ۱۹

محاکمه گروگانهای جاسوس پاسخ توده‌ها به آمریکا

* در واشنگتن وزارت خارجه آمریکا، بار دیگر خاطرنشان ساخت که اگر گروگانها محاکمه شوند ایران با "عوارض و عواقب جدی" روبرو خواهد شد.

آمریکا که از ناتوانی رژیم در ادامه ماجرای گروگانگیری و تحمل عواقب آن، اطمینان حاصل کرده است تهدیدها و فشارهای خود را هر روز افزایش میدهد. در هفته گذشته، بعد از رد آخرین پیشنهاد دولت جمهوری اسلامی برای آزادی گروگانهای جاسوس از طرف آمریکا،

بقیه در صفحه ۱۴

مقاومت دلیرانه هواداران مجاهدین خلق

در برابر حمله مسلحانه مزدوران ارتجاع به "انجمن کارمندان مسلمان"

یک شهید و ده‌ها زخمی نتیجه حمله وحشیانه ۲ ـ ۳ بدستان و چماقداران حزب جمهوری اسلامی به "انجمن کارمندان مسلمان"

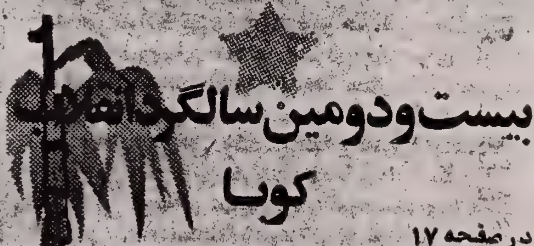
رژیم جمهوری اسلامی، با سوء استفاده از شرایط جنگ و درگیری وسیع مردم با مشکلات طاقت فرسای آن، فرصت را غنیمت شمرده تا به گمان خود، موج سرکوب و اختناق دیگری را برجامعه تحمیل نماید. حملات

بقیه در صفحه ۲

ضرورت تبلیغ، ترویج و سازماندهی انقلابی توده‌گیر

رژیم اسلامی در یک بحران عمومی دست و پا می‌زند. این یک حقیقت است، اما این حقیقت دیگر آنچنان عریان و بدیهی است که ذکر آن چندان اهمیتی ندارد. آنچه اهمیت دارد این است که حکومت اسلامی برای بیرون آمدن از این بحران به اقدامی که دست می‌یازد، عملا بحران را تشدید می‌کند. درست در لحظاتی که نارضائی توده‌ای در حال گسترش است حکومت اسلامی به جانبداری از زمین‌داران بزرگ، خواست ابتدائی و مشروع دهقانان را برای سلب مالکیت از زمین‌داران بزرگ نامشروع اعلام می‌کند. بهنگامی که شهرهای خوزستان در زیر آتش توپخانهٔ رژیم جنایتکار بعث به ویرانه تبدیل می‌شوند، این حکومت در لرستان به اخراج دسته‌جمعی معلمان انقلابی و مبارز مشغول است و در کردستان قتل عام روستائیان بی‌دفاع کرد را پیش می‌برد. ولایت فقیه به سرعت خود را منزوی کرده است و روحانیت که روزی حمایت توده‌ای بی‌منازع خود را همه‌جا و در هر فرصتی به رخ می‌کشید، اکنون از آمارگیری‌های نمونهٔ بنی‌صدر و دیگران وحشت‌زده می‌نماید. و بورژوازی که نفوذ توده‌ای روحانیت را همچون سپری برای مقابله با حرکات انقلابی توده‌ها لازم داشت اکنون می‌بیند

بقیه در صفحه ۲



در صفحه ۱۷



شانزدهمین سالگرد تولد انقلاب فلسطین

بر خلق قهرمان و مبارز فلسطین گرامی باد!

در صفحه ۱۷

جناح راست اکثریت سازمان فدائی

فعالیت آشکار پوششی برای حزب آشکار

ضمیمه

اخبار و گزارشات جنگ

رزمندگان
ارگان "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر"



کردستان قهرمان

نقل از خبرنامه کومه‌له

زحمتکشان روستای صوفیان (اشنویه) با مقاومت قهرمانانه خود سرکوبگران را عقب زدند.

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی که چندی پیش وحشیانه دست به کشتار زحمتکشان "صوفیان" و آتش زدن و ویران کردن خانه‌های آنان زدند، مجددا بطرف این روستا حرکت کردند. اما روستاشیان داغدیده که بدرستی دریافته بودند در مقابل سرکوبگران چاره‌ای جز مقاومت سرسختانه ودفاع از جان و مال وناموسشان ندارند، در نزدیکی روستا سنگربندی نموده وراه را برآنان بستند. و طی یک نبرد قهرمانانه عده زیادی از مزدوران رژیم را به هلاکت رساندند. وقتی خبر مقاومت مردم روستای صوفیان در منطقه بپیچید، عده زیادی از زحمتکشان روستاهای مجاور بکمک آنها آمدند. سرانجام صف بهم فشرده واراده آهنین مردم ستمدیده صوفیان وروستاهای مجاور مزدوران ارتجاع را وادار به عقب نشینی نمود. این نمونه و نمونه‌های متعدد دیگر مقاومت قهرمانانه درسهای پرارزشی میباشند که روستاشیان رزمنده و زحمتکش کرد به قیمت خون صدها نفر از عزیزانشان تجربه کرده‌اند. دشمن هیچگاه قادر نخواهد بود این سنگر مطمئن مقاومت توده‌ها را بشکند.

بانه

مدتی است که پاسداران به مغازه‌ها یورش برده ومایحتاج مردم را از قبیل چای، صابون، تاید و ... به بهانه اینکه این کالاها از عراق آمده است، جمع کرده وباخودمی برند. این عمل باعث کمبود وگرانی اجناس مورد احتیاج مردم شده است.

● مهاباد

طی روزهای اخیر در شهر مهاباد پاسداران ارتجاع از تحویل آرد وسوخت به نانوایی‌ها خودداری کرده‌اند. بطوریکه بیش از ۱۰ روزاست که نانوائی‌ها تعطیل گردیده‌اند. تعدادی از خانواده ها نیزکه قبلا در تنور منازل خودنان می پختند، براثر نبودن سوخت قادر به ادامه کار نیستند.

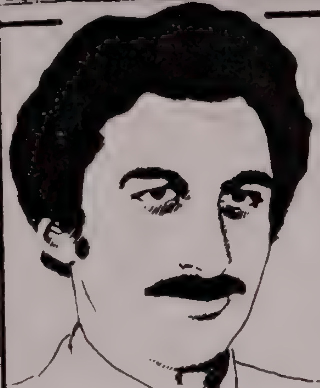
اعمال این گونه فشارها کینه مردم مبارز مهاباد را نسبت به سرکوبگران حاکم روزبه روزبیشترخواهد کرد.

فانتومهای جمهوری اسلامی دهات سردشت را با ناپالم بمباران کردند

ششم آذرماه

ساعت ۹ صبح دو فروند فانتوم جمهوری اسلامی برفراز آسمان روستای میرثاوی - سردشت ظاهرگشته وبعد از یک مانور چهار بمب ناپالم بر روستای "بیلوکه" و اطراف آن فرو ریختند، که درنتیجه آن دود غلیظی آسمان منطقه را فرا گرفت. در یورش دوم فانتومها با راکت ومسلسل بهمین روستا حمله کردند. یک دسته از پیشمرگان کومه‌له با یک گروه امداد خودرا به "بیلوکه" رسانده وبه مداوای زخمیها پرداختند. دراین جریان ۷ نفر از اهالی زخم سطحی برداشتند و دوخانه بکلی ویران ویک اسب و ۲ گاو تلف شدند.

درحالیکه مردم مشغول کمک به زخمیها وساکنین خانه‌های ویران شده بودند، درساعت ۱۱ صبح باردیگر فانتومها ظاهرگشته واین بار روستای "خدرثاوی" و "میرثاوی" را موردحمله قرار دادند. درروستای "میرثاوی" حداقل ۲۵ راکت فروریختندکه دراثر آن ۲ نفربنامهای "حمه‌لاو پسرخدر" و "محمدامین شفیعی" بشهادت رسیده و ۸ نفردیگرزخمی شدند. چندین خانه براثربمباران آسیب دیدند. دراین جریانات مردم زحمتکش روستاهای اطراف بکمک دهات بمباران شده آمده بودندو آسیب دیدگان این جنایات را یاری دادندو در تقویت روحیه آنان کوشیدند.



گرامی باد خاطره استاد نجات الهی شهید راه بازگشایی دانشگاه

درآذرماه سال ۵۷ درگرماگرم مبارزات توفنده خلق، علیه رژیم شاه خائن، در شرایطی که درسراسر ایران وهمه روزه اقشار وطبقات مختلف خلق برای سرنگونی رژیم مبارزات انقلابی خودرا پیش می بردند، استادان مبارز باشعار "بازگشائی دانشگاه این سنگر آزادی" وتحصن دردبیرخانه دانشگاه تهران وساختمان وزارت علوم سنگری دیگر از جبهه انقلاب را دربرابر رژیم برپا داشتند.

استاد کامران نجات الهی یکی از استادان متحصن بود که به ضرب گلوله‌های مزدوران رژیم درخون خودغلطیدو خون پاکش نهال انقلاب خونین خلق را آبیاری نمود.

مراسم تشیع جنازه استاد، تبدیل به تظاهرات عظیم توده‌ای وصحنه درگیری بین مردم و ارتش جنایتکار شاه گردید. اینک درشرایطی که بیش از ۹ ماه از توطئه خونین "انقلاب فرهنگی" وتعطیل دانشگاهها می گذرد در شرایطی که سردمداران رژیم دانشگاه را مرکزفساد می‌نامند، خلق ما خاطره استاد کامران نجات الهی را که در راه بازگشایی دانشگاه، این سنگر آزادی به شهادت رسیدگرامی می دارد.

برنیروهای انقلابی و توده‌های آگاه ماست که باگسترش مبارزات خود برای بازگشائی دانشگاه که استاد مبارز در راه آن به شهادت رسید هدف انقلابی کامران نجات الهی را پی گیری نمایند●

دژخیمان خون رفیقی دیگر را برزمین ریختند

سوم آذر ماه ۱۳۵۹، روز به خون درغلطیدن یکی دیگر ازفرزندان دلاور زحمتکشان ما بود. روزی که گلوله‌های دژخیمان جمهوری اسلامی، قلب پرطپش کمونیست قهرمان رفیق علیرضا همایون را نشانه رفتندوخون سرخش را برزمین ریختند.

رفیق علیرضا همایون دانشجوی دانشکده اقتصاد اهواز، ازهواداران سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) در طی زندگی سیاسی خود ازسال ۵۶، باشوروشوق به فعالیت انقلابی مشغول بود. درآبان ماه درگرماگرم جنگ غیرعادلانه ایران و عراق بدست مزدوران رژیم دستگیروبعداز تحمل پانزده روز شکنجه‌های وحشیانه دژخیمان رژیم درسوم آذربه جوخه اعدام سپرده شد.

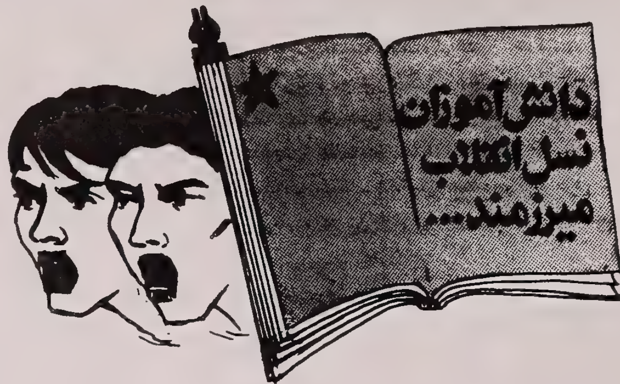
جاری شدن خون سرخ رفیق همایون در زندان اهواز از یک طرف ماهیت جنایتکارانه رژیم راهرچه بیشتربرملا می کند و از طرف دیگرنشان دهنده عزم راسخ کمونیستها درپیمودن راه رهائی زحمتکشان است.

جنبش کمونیستی ایران در راه تحقق آرمانهای پرشکوه خود تاکنون شهدای بسیاری داده است و رفیق همایون نیز به کاروان شهدای ما پیوست.

اگرچه با شهادت رفیق همایون جنبش کمونیستی وکارگری یکی ازیاران وفرزندان دلاور خودرا ازدست داده است ولی برافراشته بودن پرچم سرخ جنبش انقلابی ایران در دستان پرتوان هزاران کمونیست نشان دهنده، عزم واراده خلل ناپذیر ما در پیمودن راه نابودی نظام سرمایه داری وبرقراری حکومت کارگران وزحمتکشان است●

هرچه مستحکمتر باد پیوند مبارزات زحمتکشان کردستان

با مبارزات کارگ... [illegible]



کنترل انقلابی دبیرستان (شفت)

دانش‌آموزان مبارز دبیرستان شهید احمدی واقع در احمد سرگوراب (از منطقه شفت گیلان بمناسبت ۱۶ آذر تصمیم به برگزاری مراسمی در مدرسه می گیرند. مسئولین مدرسه برای بر هم زدن مراسم و زهرچشم گرفتن از دانش‌آموزان تهدید به اخراج ۵ نفر از دانش‌آموزان انقلابی می کنند و سپس خود برای در هم شکستن مقاومتی که پیش‌بینی آنرا می کردند استعفا می‌دهند. دانش‌آموزان انقلابی نیز بیکار ننشسته و با دعوت از معلمین کلاسها را تشکیل داده و کنترل مدرسه را در دست می گیرند. رئیس آموزش و پرورش و بخشدار شفت از ترس تاثیرگذاری "این حرکت انقلابی در مدارس دیگر دستور حمله به مدرسه را صادر می کنند. پاسداران یورش می برند و بالاخره دبیرستان منحل اعلام میشود. قدرت گیری توده‌ها و کنترل انقلابی امور توسط آنها همواره لرزه بر اندام مرتجعین می اندازد.

دانش آموزان بحمایت از معلم انقلابی برمیخیزند (کلاچای)

سه نفر از معلمین انقلابی دبیرستان دخترانه امیرکبیر منطقه کلاچای گیلان بدلیل فعالیت سیاسی اخراج شدند. جریان از این قرار بود که در تاریخ ۳۰ آبان یکی از معلمین هوادار مجاهدین در آخر ساعت درس روی تخته سیاه می نویسد "انقلابی کیست، و انقلاب چیست" و از شاگردان میخواهد که نظرشان را بگویند. چند نفر از فالانژها از کلاس بیرون رفته و به مدیر مرتجع مدرسه خبر میدهند. وی نیز که منتظر چنین فرصتی بود معلم مذکور را همراه دو نفر دیگر از هواداران مجاهدین اخراج می کند. بدنبال اخراج معلمین موج خشم و اعتراض دانش‌آموزان بالا می گیرد. دانش‌آموزان انقلابی در برابر هجوم ارتجاع بر می خیزند. اولین قدم مبارزه، با تحصن در حیاط مدرسه آغاز می شود. دانش‌آموزان نظری هم بعد از ظهر که به مدرسه می آیند جای دانش‌آموزان راهنمایی صبح را گرفته و به تحصن می نشینند. دانش‌آموزان سایر مدارس به یاری دانش‌آموزان انقلابی دبیرستان امیرکبیر می شتابند. اتحاد دانش‌آموزان و مبارزه آنها دیگر نمی توانند ارتجاع را بی تفاوت بگذارد. فالانژها با حمایت بسیج و پاسداران با لباس شخصی با چوب و چماق به دانش آموزان حمله می برند. اگرچه بطور موقت دانش‌آموزان متفرق میشوند اما صبح روز بعد تحصن ادامه می یابد. مرتجعین وقتی حمایت دیگر مدارس و مردم کلاچای را از متحصنین می بینند در مقابل این صف متحد عقب نشسته و بدین ترتیب معلم انقلابی با اتکاء به قدرت دانش‌آموزان و پشتیبانی آنها پیروزمندانه به سر کار باز گردانده میشود.

استبداد، خفقان، ادامه راه شاه (خرم آباد)

در روز شنبه ۲۲ آذر محصلین دبیرستان دخترانه طلعت دولتشاهی خرم آباد شروع به خواندن یکی از سرودهای مجاهدین می کنند. در همین موقع مدیر و ناظم مدرسه سعی می کنند جلوی کار آنها را بگیرند. مدیر می گوید: از راههای قانونی مثل تصفیه استفاده می کنم و همه شما را اخراج می کنم. دانش‌آموزان بر روی کاغذهای بزرگ می نویسند: "ما از تصفیه نمی ترسیم" وسپس متحد و یکپارچه شعار میدهند: "استبداد، خفقان، ادامه راه شاه"، "مرگ بر ارتجاع"، "مرگ بر امریکا". بدنبال آن مدیر اسامی ۶ نفر را در سطح دبیرستان جهت اخراج اعلام می کند ولی با حمایت اکثریت دانش‌آموزان از اخراجی ها روبرو می شود. این بار اکثریت دانش‌آموزان در محوطه دبیرستان جمع شده و یکصدا شعار میدهند. مدیر در برخورد با صف متشکل آنها عقب نشینی می کند.

اخراج معلمین انقلابی محکوم است! (ایلام)

در ۱۵ آذر تعدادی از دانش‌آموزان و معلمان انقلابی ایلام بمنظور محکوم نمودن اخراج معلمین انقلابی، راه پیمائی می کنند. راهپیمایان که در حدود ۲۵۰ نفر بودند شعار میدادند: "معلم ساواکی اخراج باید گردد"، "معلم، محصل، زحمتکش پیوندتان مبارک"، "اتحاد، اتحاد زحمتکشان اتحاد علیه امپریالیسم". در پایان راهپیمائی قطعنامه‌ای خوانده شد خواسته‌های مطرح شده در قطعنامه عبارت بودند:

۱- اخراج معلمان سرسپرده و ساواکی
۲- بازگشت بدون قید و شرط معلمین انقلابی
۳- ممنوعیت تفتیش عقاید در مدارس

دانش آموزان جو اختناق را میشکنند (کرمانشاه)

بعد از یکدوره حاکمیت اختناق در دبیرستان دخترانه "آل احمد"، بدست دانش آموزان مبارز و انقلابی، این جو شکسته و هم اکنون مبارزه وسیع دانش‌آموزان در جریان است. دانش‌آموزان انقلابی قبل از ساعات درس و در فاصله بین آن نمایشگاههای موقت افشاگرانه و آگاه‌کننده، برپا می کنند که مورد استقبال گرم دانش‌آموزان می باشد. در این میان نیروهای ضد انقلاب و سازشکار نیز بیکار ننشسته و به وظیفه همیشگی خود یعنی مهار زدن به جنبش و سرکوب آن مشغولند. جاسوسان انجمن اسلامی به شناسائی دانش آموزان انقلابی مشغولند و هواداران فدائیان اکثریت و حزب توده به پراکندن سموم نظرات ضد انقلابی و سازشکارانه شان ادامه می دهند. اما موج خروشان مبارزات دانش‌آموزان این علف های هرز و مسموم را از ریشه خواهد کند.

حمله مزدوران رژیم به "انجمن کارکنان مسلمان" در تهران

روزی نیست که مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در دهها و صدها نقطه کشور نیروهای انقلابی و توده‌های مردم را مورد حمله قرار ندهند. یکی از آخرین اعمال وحشیانه آنها حمله به "انجمن کارمندان مسلمان" هوادار مجاهدین خلق در تهران میباشد.

مزدوران رژیم که قبلا نیز چندین بار به ساختمان این انجمن حمله کرده بودند این بار روز چهارشنبه ۳ دی مسلح به چوب و چماق و انواع سلاحها به همراه پاسداران به آنجا یورش میبرند اما با مقاومت کارمندان و مردم روبرو میشوند و به ضرب و شتم آنها میپردازند در این حمله وحشیانه که بواسطه مقاومت مردم تا روز بعد ادامه داشت حداقل یکنفر بنام حمیدرضا رضایی بدست مزدوران رژیم به شهادت رسیده و بیش از ۳۰ نفر مجروح شده‌اند.

از تعطیل مدارس و اخراج دانش آموزان و معلمین انقلابی جلوگیری کنیم!

8 ارگان "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" رزمندگان

دانشگاه، سنگر...

تهران) ۵ اسفند و ۱۸ اردیبهشت (دانشگاه تبریز) را آفریدند، آنها در جریان سیل جوادیه به کمک مردم شتافتند در مبارزات مردم علیه گران شدن بلیط اتوبوس های واحد بطور فعال شرکت کردند. با تظاهرات عظیم خودشها دت تختی را مورد اعتراض قرار دادند. بارها و بارها با تظاهرات خیابانی شعارهای آگاهگرانه خود را به میان توده‌ها بردند. به حمایت از کارگران و برای مبارزه با سرمایه‌داران به کارخانه‌ها شتافتند. آری. دانشجویان انقلابی سالها مبارزه کردند و اکنون خمینی تمام این مبارزات را نفی کرده و بر آنها نام فساد مینهد.

اما این تنها حرف خمینی نیست. او نه تنها دانشگاه هایی را که کانون مبارزه بوده است مرکز فساد مینامد بلکه به جنگ علم و دانش و تخصص هم میرود و میگوید:

"تمامی این وقتی ما به یک نظر وسیعی به همه دنیا و به دانشگاه هایی که در دنیا هست نگاه بکنیم . تمام این مصیبت‌ها که برای بشر پیش آمده است ریشه اش از دانشگاه بوده ریشه اش از این تخصصهای دانشگاهی بوده"

مخالفت خمینی و اعوان و انصارش با باز بودن دانشگاه ها تنها مخالفت آنها با دموکراسی نیست بلکه دیدگاههای ارتجاعی و واپس گرایانه آنها نیز باعث دشمنی شان با علم و دانش می شود این دیدگاههای ارتجاعی آنچنان ریشه در اعماق وجود جناح مکتب گرای حاکمیت دوانده است که تکامل بشر و دستاوردهای آنرا هم مورد لعن و نفرین قرار میدهد. و همانند کشیشهای قرون وسطی به ناسزاگویی به علم و دانش میپردازد و از آنجا که خود را در آینده تاریخ تمیبینید مذبوحانه میکوشد تا تاریخ را به گذشته‌ها که اوهام شیرینی از آن دارد بازگرداند. اما او و همه مکتب گرایان واپس گرای حکومتی در حالیکه سرشت علم را ارتجاعی مینامند خود در عمل دستاوردهای همین علوم را در خدمت خویش بکار میگیرند آنها با یکدست پس میزنند و با دست دیگر پیش میکشند مقامات رژیم با استفاده از دستاوردهای همین علوم در کارخانه‌ها به استثمار کارگران میپردازند. با استفاده از پیشرفته‌ترین سلاحها که توسط همان دانشمندان بقول آنها لعنتی اختراع شده است بر روی خلق کرد و دیگر زحمتکشان ایران آتش میگشایند از بهترین دکترهای دانشگاهی برای مداوای خود استفاده میکنند و بدین ترتیب معلوم میشود که علم و دانشگاه اگر در خدمت تامین منافع خودشان باشد چندان هم ضرر ندارد و استفاده از علم و دانش برای مردم است که ضرر دارد! سخنان رهبر جمهوری اسلامی را راجع به علم و تخصص و دانشگاه دیدیم ببینیم لنین رهبر پرولتاریای جهان چه میگوید:

"در جامعه سرمایه‌داری ا ـ قلیتی استثمارگر تمام دستاوردهای علمی و فنی را بخدمت خود گرفته و نبوغ انسانی را تحت اختیار و انحصار خود درمی آورد. پس از انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای پیروزمند با سازماندهی تولید و مصرف بر اساس اصول سوسیالیستی تمام محسنات تکنیک و تمام فتوحات فرهنگی را در اختیار تمام مردم قرار میدهد و حصارهایی را که در برابر ترقی علم و فرهنگ وجود داشت درهم میشکند. از این رو روحیه و نبوغ بشری هرگز به ابزارهای خشونت و به وسایل استثمار تبدیل نخواهد شد"
(سومین کنگره شوراهای نمایندگان ...)

"باید تمام فرهنگ باقیمانده از سرمایه‌داری را فرا گرفت و در ساختمان سوسیالیسم بکار بست باید تمام علم، تکنیک دانش و هنرها را آموخت، جز این ما نمیتوانیم زندگی جامعه کمونیستی را برپا داریم، و این علم و این تکنیک، این هنر در دستها و در مغز متخصصین است... با نیروی توده‌ها متخصصین بورژوا را وادار کنیم که بما خدمت کنند.
(قدرت شوراها ـ لنین)

و این سخن طبقه کارگر بالنده تاریخ است که همچون مشت محکمی برفرق سر مرتجعین فرود میآید.

و سخن آخر اینکه سردمداران جمهوری اسلامی بیهوده میکوشند وضع فلاکت بار توده‌ها را به دانشگاهیان نسبت دهند. فساد بدبختی و تمام بلیاتی که برسر زحمتکشان ایران چه در زمان شاه و چه در زمان این رژیم آمده و هنوز هم میآید ناشی از وجود روابط ظالمانه سرمایه‌داری در جامعه است. و سران جمهوری اسلامی در حالیکه خود با تمام قوا به دفاع از این روابط استثمارگرانه برخاسته اند مثل همه موارد دیگر به توده‌ها دروغ میگویند و اینبار دانشجویان و دانشگاه را مسئول همه مصیبت ها معرفی می کنند. اما این دروغ آنان آنقدر آشکار است که تنها کینه و نفرت زحمتکشان را به خودشان افزایش خواهد داد.

۲۵ میلیون تومان بودجه روحانیون برای فریب دادن مردم!

درشرایطی که فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی، دامنگیر میلیونها نفر از توده‌های زحمتکش میهن ماست. درشرایطی که دولت به بهانه نداشتن بودجه حقوق و دستمزد و مزایای کارگران و کارمندان دون پایه را کم نموده است در این شرایط دولت مکتبی رجایی مبلغ ۲۵ میلیون تومان بودجه را جهت پرداخت قسمتی از هزینه‌های مروجین مذهبی و روحانیون قرار میدهد. تا این آقایان در این جا و آنجا به فریب دادن مردم مشغول شوند و درباب محسنات رژیم جمهوری اسلامی و حکومت مکتبی و عدل اسلامی و ... داد سخن دهند.

تازه طبق همین سند، این مبلغ تنها قسمتی از هزینه‌های مروجین و مبلغین مذهبی و روحانیون است.

رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه حکومت ضد مردمی خود برای فریب دادن مردم بودجه‌های عظیمی صرف میکند که این مورد گوشه‌ای از آن است ●

تاریخ:
شماره:
ردیف ۱۵۶

جمهوری اسلامی ایران
نخست وزیر
تصویب نامه هیئت وزیران
بسمه تعالی
سازمان اوقاف

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵۹/۸/۱۴ بنا به پیشنهاد سازمان اوقاف و پیرو تصویب نامه شماره ۷۸۹۸ مورخ ۵۹/۳/۲۶ تصویب نمود ماهانه مبلغ پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جمعاً دویست و پنجاه میلیون (ـ/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال دیگر از اعتبار موضوع تصویبنامه شماره ۱۴۴۱۲۰ مورخ ۵۹/۴/۲۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران جهت پرداخت قسمتی از هزینه‌های مروجین مذهبی و روحانیون در اختیار حضرت آیت الله حسینعلی منتظری قرار گیرد



نخست وزیر
محمدعلی رجائی

۴۱۴۱۴
۵۹/۸/۱۶

رونوشت با توجه به اصل ۱۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اطلاع ریاست جمهور ارسال میشود.

نخست وزیر
محمدعلی رجائی

جنگ ایران و عراق علیه کارگران و زحمتکشان هر دو کشور است!

بقیه از صفحه ۱

دانشگاه سنگر...

و میرود تا سپیده صبح آگاهی جانشین شب سیاهی توهمی سازد که ارتجاع حاکم در پناه آن ضربات سنگین بر پیکر انقلاب وارد ساخته است، توطئه تعطیل دانشگاهها اگر در روزهای حمله مزدوران حکومتی به دانشگاه هنوز میتوانست بخشی از توده‌های عقب مانده و ناآگاه را بفریبد، اکنون در ابعادی به مراتب وسیع‌تر مورد نفرت مردم قرار گرفته است

حاکمیت دولت یا بازگشایی دانشگاهها؟

درچنین اوضاعی جناحهای حکومتی بویژه لیبرالها میکوشند تا خود را از آماج این نفرت توده‌ای بدور دارند. بنی صدر و لیبرالها که خود در تعطیل دانشگاهها نقش فعالی داشتند و بر آن مهر تایید زده بودند، اکنون با مهارت میکوشند تمامی قباحت این عمل ننگین را به جناح رقیب خود حزب جمهوری اسلامی نسبت دهند. این سیاست عمومی لیبرالهاست که با سوار شدن بر موج نارضایتی و نفرت توده‌ها از جناح حزب جمهوری اسلامی خود را معصوم جلوه دهند و هم جناح رقیب را از میدان بدر کنند و این سیاست دامن برخورد آنها به مساله دانشگاه را نیز گرفته است.

مروری بر وقایع روزهای اول اردیبهشت امسال چهره ریاکار این دشمنان انقلاب را عیان خواهد ساخت در روز اول اردیبهشت بنی صدر در پیشاپیش چماقداران دانشگاه را مسخر نمود و به گفته خویش آنرا روز استقرار "حاکمیت دولت" و "تولد دوباره جمهوری" نامید. لیبرالهای شورای انقلاب نیز عموماً همراه با جناح دیگر حکومت تعطیل دانشگاهها را به تصویب رساندند و تنها جناح رقیب را بواسطه برخورد عجولانه و حساب نشده اش به مساله مورد انتقاد قرار دادند. بنی صدر در ۳۰ فروردین اعلام کرد که:

"وقتی در هدف وحدت ودر روش اختلاف وجود دارد، روشی باید بکار گرفته شود که مسئولان منتخب و قانونی مردم پیشنهاد کنند"

اما امروز لیبرالها در روزنامه‌ها و سخنرانیهای پرطمطراق خود پرچم دروغین آزادیخواهی بدست گرفته و به دفاع از بازگشایی دانشگاهها برخاسته‌اند. آنها زیر لوای دفاع از علم و دفاع از آزادی میخواهند لیبرالیسم ارتجاعی خود را جایگزین دموکراتیسم انقلابی مطلوب توده‌ها بنمایند. لیبرالهایی که ۸ ماه قبل حاکمیت دولت را در تعطیل دانشگاهها جستجو میکردند، اکنون حاکمیت خود را در بلند کردن پرچم بازگشایی دانشگاهها جستجو میکنند. این وظیفه کمونیستها و همه نیروهای انقلابی و آگاهست که در پیشاپیش همه به مبارزه برای گشودن دانشگاهها بپردازند و چهره مزورانه بورژوا لیبرالها را به توده‌ها نشان دهند.

حزب جمهوری اسلامی و مسئله دانشگاه

جناح حزبی حکومت که با براه انداختن "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد دانشگاهی" کوشیده است دانشگاهها را بگونه‌ای مطلوب خویش براه اندازد. اکنون پس از ۸ ماه به نتیجه‌ای نرسیده است و بیش از پیش عجز و ناتوانی اش در حل این مساله آشکار شده است "ستاد انقلاب فرهنگی" که اکنون به شورای جهاد دانشگاهی "تغییر نام یافته است در این مدت بجز اخراج تعدادی از استادان و دانشجویان انقلابی و نشستهای بی حاصل کاری نکرده است و اکنون نفرت و اعتراض توده‌ها، ناتوانی و عجز این جناح برای حل ارتجاعی مساله و کنار کشیدن لیبرالها این یاران "متخصص" دیروز حزب حاکم را از همه طرف تحت فشار قرار داده است و بی جهت نیست که سران و مدافعین جناح خرده بورژوازی حکومت این روزها دوباره بر سر مساله دانشگاهها به مردم چنگ و دندان نشان میدهد. سخنرانی اخیر آیت الله خمینی در واقع اوج واپس گرایی و افلاس و درماندگی آنها را به نمایش میگذارد. آیت الله خمینی آزادی و علم و کمونیستها را بیک چوب میراند و بدین ترتیب اوج ارتجاعی بودن دیدگاههای مکتب گرایان حاکم را مورد اعتراف قرار میدهد.

دانشگاه، سنگر آزادی بوده و خواهد بود

جوهر اصلی سیاست رژیم در حمله به دانشگاهها و همان چیزیکه بنی صدر از آن بعنوان <u>هدف واحد</u> هر دو جناح نام میبرد حمله به آزادی و دموکراسی بود. دانشگاه بواسطه بالا بودن سطح آگاهی دانشجویان نسبت به بسیاری از اقشار و طبقات جامعه همواره یکی از سنگرهای مستحکم آگاهی و آزادی بوده است. خمینی گفت که دانشگاه محل فعالیت کمونیستها بوده است و چنین دانشگاهی باید همواره بسته بماند. او با صراحت اعتراف کرد که هدف آنها از بستن دانشگاهها برخلاف عوامفریبی های دائمی اشان نه با مطلاح "انقلاب فرهنگی" و مقابله با فرهنگ طاغوتی بلکه مقابله با کمونیستها و نیروهای انقلابی بوده است و ترس آنها از بازکردن دانشگاه نیز اینست که دوباره نیروهای انقلابی در آنجا به فعالیت بپردازند.

رژیمی که پایه‌های حاکمیت اش را بر توهم توده‌ها و دور نگاهداشتن آنان از حقایق قرار داده است نمیتواند جز این عمل کند دانشجویان و استادان انقلابی دانشگاهها در طول ۱۴ ماه پس از قیام بخوبی نشان داده بودند که میتوانند چه نقش برجسته‌ای در افشای رژیم و آشکار ساختن چهره ریاکار آن ایفا نمایند هر روزه دهها هزار نفر مردمی که از حیله گریهای رژیم به تنگ میآمدند به دانشگاهها روی میآوردند تا حقایق را دریابند و آغوش با فرزندان دانشجوی آنها همواره پذیرایشان بود و همین مساله بود که رژیم را به وحشت انداخته بود. وجود دانشگاه و پیوند دانشجویان با توده‌ها، رشد آگاهی آنها را بدنبال داشت و بی جهت نبود که رهبران جمهوری اسلامی کتابخانه‌های دانشجویان را اتاق جنگ نامیدند و براستی که چنین بود کتابخانه‌ها اتاق جنگ آگاهی بر علیه ارتجاع بود و دانشگاه هم اتاق جنگ آزادی بر علیه اختناق.

کمونیستها پیگیرترین نیروهای پاسدار دمکراسی!

خمینی گفت که دانشگاهها در دوره شاه نیز مرکز فعالیت کمونیستها بوده است و مشت محکم کمونیستها برفرق سر مدافعین ما قرار داشته است. و براستی که مشت محکم کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی که اکنون مورد تخاصم رژیم قرار گرفته‌اند در اوج دیکتاتوری شاه نیز برفرق سر نیروهای ضد انقلابی فرود میآمد در آن هنگامیکه بزدلان عافیت جو و انقلابی شدگان بعد از انقلاب به کنج عزلت خزیده بودند و تقیه را اختیار کرده بودند. کمونیستها و دیگر انقلابیون جانبازانه با رژیم شاه مبارزه میکردند و دانشگاهها همواره یکی از سنگرهای مستحکم و تسخیر ناپذیر این مبارزه بود

زندانهای ساواک را چه کسانی پر کرده بودند؟ چه کسانی در زیر شکنجه و گلوله مزدوران شاه نیز فریاد میزدند مرگ بر این حکومت فاشیستی؟ صدها تن از انقلابیون جان برکفی که چون ستاره‌های سرخی در آسمان تیره اختناق شاهنشاهی درخشیدند از کجا برخاسته بودند؟ بیشتر آنها همان دانشجویان کمونیست و انقلابی بودند. کمونیستها بعنوان آگاهترین و پیگیرترین نیروهای مدافع دموکراسی همواره در دانشگاه فعالیت میکردند. ما افتخار میکنیم به اینکه در دانشگاه در میان انقلابی ترین و آگاهترین دانشجویان حضور داشته‌ایم و خواهیم داشت و هر کجای دیگری نیز که ذره‌ای فروغ آگاهی تابیده باشد با زهم لاله‌های سرخ کمونیسم جوانه خواهد زد ما در کارخانه‌ها، در مدارس، در روستاها و در میان پیشروترین کارگران و زحمتکشان هر روزه بیشتر حضور خواهیم یافت و در همه جا مشت محکم ما همواره برفرق سر نیروهای ارتجاعی کوبیده خواهد شد.

دانشگاه، سنگر مبارزه یا مرکز فساد

آیت الله خمینی گفت که دانشگاه همواره مرکز فساد بوده است براستی دانشجویان چه کرده‌اند که اینچنین مورد کینه و اپس گرایان قرار گرفته‌اند؟

نام دانشگاه با مبارزه در ذهن زحمتکشان ایران عجین شده است دانشجویان انقلابی حماسه‌های ۱۶ آذر (دانشگاه

◄

۴۴

کارگران جهان متحد شوید

رزمندگان

ارگان «سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر»

سال اول – دوشنبه ۸ دی ۵۹ – ۲۰صفحه – قیمت ۲۵ ریال

کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمیگویند. کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمیکنند کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.

و. تدمسر انطح لس

سرمقاله

خطوط اصلی اوضاع کنونی (۲)

با توجه به دامنهٔ بحران اقتصادی – سیاسی که در شمارهٔ گذشته مطرح شد، اینک میبینیم وضعیت مبارزهٔ طبقاتی و جنبش دمکراتیک چگونه بوده و چه مشخصاتی دارد. واگرنخواهیم بشیوه پوزیتیویستی با ذکر همهٔ عوامل بدون تکیه براساسی ترین روندها خودرا از شریک اظهارنظر قاطع و موضعگیری صریح برهانیم؛ باید جهت اصلی بحران و اوضاع کنونی را مشخص کنیم:

"کافی نیست که یک انقلابی، یک طرفدار سوسیالیسم یا یک کمونیست بطورکلی بود شما باید در هر لحظهٔ خاص قادر باشید که حلقهٔ خاص را در زنجیر پیدا کنید و با تمامی قدرتتان به آن بچسبید تا تمامی زنجیر را نگهدارید و پیدا کنید و بطور قاطع برای اتصال به حلقهٔ بعد آماده شوید، نظم حلقه ها، شکل آنها، شیوه هایی که آنها به یکدیگر متصل هستند، تفاوتشان با یکدیگر در زنجیر تاریخی حوادث به همان سادگی و بی حسی حلقه های یک زنجیر معمولی که توسط آهنگر ساخته شده باشد، نیست." لنین – وظایف فوری دولت شوروی.

بقیه در صفحه ۲

دانشگاه سنگر آزادی بوده و خواهد بود!

پیرامون نطق آیت الله خمینی

۸ ماه از توطئه تعطیل و اشغال دانشگاه ها توسط رژیم میگذرد. در این مدت رژیم جمهوری اسلامی تمام تلاش خودرا بکار بسته است تا بین مکتب ارتجاعی خود با علوم دانشگاهی پیوند برقرار کند و آنچنان برنامه ای برای به راه انداختن دانشگاه ها ارائه دهد که آنها را برای همیشه بزیر سیطره خویش درآورد، اما کوششهای رژیم در این مدت برای پیوند علم با ارتجاع! به کوچکترین نتیجه ای نرسیده است، آب به سربالایی نمیرود.

عجز و ناتوانی رژیم در متوقف کردن و به عقب بازگرداندن چرخ تکامل جامعه تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه روند رو به رشد و فزاینده آگاهی توده هاست. در این فاصله ۸ ماه بیش از پیش توهم توده ها به انقلابی نمایی رژیم حاکم رنگ باخته است.

بقیه در صفحه ۷

مروری بر مبارزات کارگران کفش ملی

از آغاز جنگ تاکنون

در صفحه ۱۳

علیه رویزیونیسم و جلوه های آن در ایران (۲)

دیالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی مارکسیسم در رشته تئوری دشمنان او را وادار می نماید که به لباس مارکسیست درآیند. لیبرالیسم میان پوسیده کوشش میکند بشکل اپورتونیسم سوسیالیستی خودرا احیاء نماید. (لنین – مقدرات تاریخی آموزش کارل مارکس)

۲- زمینه طبقاتی و اجتماعی پیدایش رویزیونیزم

در صفحه ۹

درصدو یکمین سالگرد تولد استالین

پرچم مارکسیسم-لنینیسم را برافراشته نگاه داریم!



در صفحه ۱۵

یاد رفیق شهید 'حمزه قربانی' گرامی باد

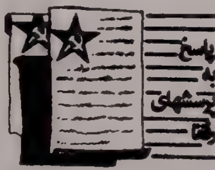
هفتمین روز شهادت رفیق حمزه قربانی، که در حمله ارتجاعی رژیم به تحصن معلمان انقلابی ممسنی شهید شده بود، برسر مزارش برگزار شد. جمع زیادی از اهالی بخصوص رفقای کمونیست و هواداران مجاهدین در مراسم شرکت کرده بودند. ابتدا یکی از رفقا، متنی در مورد عملکرد رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی خواند سپس شعری از لاهوتی قرائت شد. بعد پیام دانش آموزان مبارز فهلیان قرائت شد و در انتهای مراسم یکی از رفقای هوادار سازمان اشعاری به یاد بود جریانات اخیر ممسنی خواند. راه رفیق دلاورمان را ادامه خواهیم داد و پرچم سرخش را برافراشته نگاه خواهیم داشت.

درصفحات دیگر میخوانید

نکاتی چند درباره گزارش نویسی

تظاهرات کارگران خرمشهر در تهران





کارگران جهان متحد شوید!

(امام خمینی)

...بدلیل شدن ... امیدآن است ... از بازگشائی، دانشگاههای ما محل تربیت متخصصینی آراسته به اخلاق اسلامی و آشنا به جغرافیای خاص ایران باشند. بویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاههای صنعتی باید درد آشنای صنایع مملکت باشند و محتوای آموزشی دانشگاه‌های فنی نیز باید به ترتیبی تنظیم گردد که در رابطه با مشکلات صنایع ما باشد و نهایتا ما را به سوی گسستن زنجیرهای وابستگی سوق دهد.

بدین منظور لازم است که مهندسین باتجربه و بویژه صنعتگران و استادکاران زحمتکش و پرسابقه تجربیات خود را به دانشجویان منتقل نمایند برای اینکار، اولین قدم شناختن نیروهای مجرب است، لذاجهت شناسائی نیروهای متخصص ومجرب و نیل به اهداف فوق، ابتدائا" سئوالاتی طرح ... هرآنچه که مطرح نگردیده، خود بطورکامل طرح نمایند

لطفا نظرات خود را با ذکر سریعترین راه تماس به نشانی: تهران — خیابان حافظ — خیابان فرانسه — خیابان مرجان پلاک ۵ تلفن ۷-۶۷۰۱۱۶ گروه مهندسی صنایع ارسال نمایید.

۱— مشخصات (اسم و اسم فامیل — رتبه و تخصص — محل اخذ مدرک و تاریخ آن — مدت و محل اشتغال کار فعلی و قبلی ....)

۲— کیفیت و شکل تحصیل شما چگونه بوده است؟ انتقاد و نظری نسبت به آن دارید؟

۳— مسئولیتهای شما درمحل کارتان کدامند؟

۴— آیا شغلتان در رابطه با تخصص شما هست؟

چرا نتوانسته‌اید به کاری متناسب با رشته تخصصی خود مشغول شوید

* کدام بخش از آموخته‌ها را (بویژه در دانشگاه) بیشتر بکار گرفته‌اید.

* برای اطلاع از پیشرفتهای تکنیکی و صحیحتر انجام دادن کار خوداز چه منابعی استفاده میکنید. (استادان، کتاب جزوه، مجلات خارجی و ...)

۵— آیا کتابهای جدید وجالبی در زمینه مهندسی صنایع سراغ دارید؟

۶— آیا در تالیف یا ترجمه کتاب آمادگی و تجربه دارید؟

۷— در مورد استادانی که تجربه عملی ندارند، چه فکر میکنید؟ پیشنهادی دارید؟

۸— آیا خود شما در زمینه آموزش آمادگی و تجربه دارید؟

۹ — آیا طرحی درمورد نظام نوین آموزشی دارید؟ چه نظرات اصلاحی دارید؟

۱۰— نکات دیگری که بنظرتان میرسد، چیست؟

در صورت لزوم با تلفنهای ۷-۶۷۰۱۱۶ (داخلی ۶ گروه صنایع) تماس حاصل فرمائید.

فرهنگی برنامه بازآموزی جامعی در زمینه زبان و ادبیات فارسی شامل آئین‌نگارش فارسی، درس روش تدریس، شناخت بنیادی زبان. عربی، دستور زبان و انعکاس قرآن در ادبیات را برای دبیران زبان و ادبیات فارسی تهیه و تنظیم کرده است.

از دبیران محترم تقاضا میشود بمنظور ثبت نام با در دست داشتن معرفی‌نامه از اداره کل آموزش و پرورش تهران واقع در خیابان آیت‌الله‌طالقانی نبش کیوان از تاریخ ۵۹/۹/۲۳ الی اول دی ماه به مرکز بازآموزی دانشکده ادبیات‌وعلوم انسانی دانشگاه ملی مراجعه نمایند. ضمنا جهت اطلاعات بیشتر با تلفن شماره ۲۱۴۱۵۳۷ تماس حاصل نمائید.

باآرزوی توفیق الهی
شورای جهاد دانشگاهی
دانشگاه ملی

نامه‌ها

سیستم آموزش عشایری

آقای عبدالعلی شیخ الحکمائی نماینده آموزش و پرورش بخش کوهمره‌نودان طی نامه‌ای با اشاره به آموزش فرهنگی و عشایری مشکلاتی را که این آموزش در این بخش پذیرفته که بنظرمیرسد موثر واقع نشده است.

بمنظور پیشگیری ازپی‌آمدهائی چه از نظرمسئله آموزش و مسائل دانش‌آموزان و اولیاء آنها و چه از نظر کادرآموزشی همچنین مسائل فنی، اقتصادی و ساختمانی که بهرحال باری است بردوش اقتصاد این‌مملکت اینجانب به مقتضای احساس مسئولیت وبرحسب وظائف محوله موارد پیشنهادی زیررا بوجود آورده است همراه پیشنهاداتی بصورت زیر شرح داده است:

بارها این مسئله در آموزش و پرورش کازرون و استان مطرح و ازطرف آن ادارات اقداماتی بصورت بخشنامه انجام عرضه میکنم تا معاونت آموزشی وزارت محترم آموزش و پرورش ازطریق مقتضی هرگونه اقدامات شایسته و عاجل مبذول و نتیجه اقدامات رابراساس ضوابطی استوار بمنظور اجرای سریع آن اکیدا" ابلاغ فرمائید.

۱ — با عنایت باینکه مفهوم آموزش عشایری در خود این جمله مستتر است و روستاهای بخش کوهمر نودان کلا" غیرعشایری و دارای سوابق ممتد تاریخی روستائی بوده و علاوه براین طبق سوابق‌موجود این روستاها زیرپوشش آموزشی اداره آموزش و پرورش کازرون قرارداشته دستورفرمائید چادرهای آموزش عشایری ازاین روستاها برچیده شود.

۲ — ضمن تماس با مسئولین آموزش عشایری درصورتیکه وجود اینگونه معلمین مازاد برظرفیت آموزش عشایری است با تشکیل کلاسهای تابستانی ایدئولوژی و غیره نسبت به جذب و انتقال آنان به آموزش و پرورش استان اقدام فرمائید.

۳ — درصورتیکه سیستم آموزش عشایری برای روستاهائی که زندگی عشایری و کوچی ندارند نیز الزامی است بنابراین وجود دبستان و آموزشگاههای راهنمائی و متوسطهٔ غیرعشایری بطورثابت دراینگونه روستاها غیرضروری و ائتلاف انرژی و هزینه مضاعف برای فرهنگ مملکت است پس‌ازطریق سازمانهای وابسته بوزارت کشور چنین روستاهائی با ذکرنام دقیقا" مشخص گردد و دراختیار آموزش‌عشایری قرارگیرد.

۴ — ادغام دبستانها و دبیرستانهای‌عشایری درصورت سازمانی‌بودن دراین روستاها و دبستان و دبیرستانهای غیرعشایری‌بمنظوروحدت و یکپارچگی آموزش روستائی و ایجادمدیریت واحد راه‌حل دیگری است که برای حل این مشکل بنظر میرسد.

نماینده آموزش و پرورش
بخش کوهمره‌نودان

بخش فرهنگی - اجتماعی

۳۲۸۵۰۸

بنابر گزارش رسید ... بکمک نیروهای ... لبنانی اقدام به ... رشدیه نمودند ... ادامه داشته ... نیست ... جاریک‌بمب در ا... فا)که در حال ... و رژیم اشغالگر ... جروح شدند.

... تانکهای ... مین بسوی بندر ... متحدین لبنانی ...

... حبیب ... طی دبیرکل ... میبرد در کاخ ...

... شطی اعلام ... اسلامی از ... عراق با ایرا... ست وی سپس ... ره اسلامی ... ه از اهمیت ... ر شد.

... افغان) ... تختی و اراضی ... باید کلیه اجاره بهای ... یاد که حکم در ...

... ایندگان - بنیاد ... زمان عمران کوی ...

... را از خداوند ... مسئولان امر ... G HUA ... و صنعتی ... گرفته‌اند ... لای آنها در ... کارگاهها ...

و غیره در ادارات بیشتر حالت تزئینی داشت و تقاضا برای عناوین مذکور (که وابستگی روشنی به تقاضای واقعی نداشت) دانشکده‌های علوم اجتماعی را به صدور بی‌وقفه مدارک سوق میداد همانطور که گفته شد خسران عمده این فریب متقابل دانشگاه و دیوان‌سالاری، بی‌اعتبارکردن علم و دانش بود. نبودن محرک خارجی برای ارزیابی علمی و اقتصادی دقیق و دائمی برنامه‌ها از یکسو، ترس رژیم از علوم و تحقیقات اجتماعی واقعی از سوی دیگر که نتیجه مستقیم آن حذف آزادی تفکر دراین زمینه بود و بالاخره نقصان شدید ابزار کار و کتاب و عدم تماس دائمی با مراکز علمی بین‌المللی که از شرایط بنیادی شکوفائی علم است تماما" دانشکده‌های علوم اجتماعی را بنوعی رکود و تحجر دچار ساخته بود که رهائی از آن از فوتی‌ترین ضرورت‌ها است. اما دراین زمینه نیز، یکسو نگری نادرست و خطرناک است. در دانشکده‌های علوم‌اجتماعی بسیاری از استادان هم‌طراز با بهترین سطوح‌بین‌المللی تدریس میکردند و تالیفات دست اول نیز اندک نبود. در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران واسلام برخی از دانشکده‌های علوم‌اجتماعی (مثلا" دانشکدهٔ علوم‌اجتماعی دانشگاه تهران) استادانی داشته‌اند منحصر بفرد در سطح جهانی. بالاخره ازموسسات‌تحقیقی (مثلا" موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران) بکوششهای شبانه‌روزی دائمی‌برای شناخت مسائل جامعه ایران دست زده بودند. نکته اساسی در آنجا است که نقائص فاحش کل نظام‌این نمونه‌های درخشان را نیز در سیاق خفقان و سکوت غوطه‌ور میساختند. وقت آنست که این بیراهه‌روی منقطع شود.

ارزیابی دائمی و انتقادی برنامه‌ها، که بدون آن علم (جز در انتقادبی‌انقطاع از خود رشدنمیکند) بی‌تحرک خواهد ماند، می‌باید همواره نیازهای واقعی مملکت را در مدنظر داشته باشد (همانطورکه از بحثهای قبلی برمیآید، ارزیابی نیازهای‌واقعی بدون داشتن نقطه نظر و بدون کاربرد ضوابط علمی ممکن نیست) در برخی از موارد تحقیقی بسیار تخصصی (مثلا" شناخت فلان مقطع از تفکر اجتماعی ایرانی و اسلامی، و یا بخشهای پیشرفته کاربرد ریاضیات کیفی در علوم اجتماعی) تنها وجودگروه تحقیقی کوچکی کافی‌است. مسئله اساسی، ارزیابی نیازهای عمومی به متخصصین سطح متوسط و پائین در سراسر جامعه است. مسائل زیرین را میتوان مورد توجه قرارداد:

۱ ـ نیاز عمومی جامعه به متخصصین درهریک از علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی و اقتصادروستائی، جامعه‌شناسی و اقتصاد صنعتی و غیره) تا چه‌حد است؟ تا چه‌حد مثلا" یک جامعه‌شناس یا اقتصاددان روستائی میتواند بنحو خودکفا، یاباهمکاری در یک گروه تحقیقی درطرح و پیاده‌کردن برنامه‌های منطقه‌ای ضربتی یا طویل‌المدت مقید واقع شود؟

۲ ـ نیاز به متخصصین میان‌رشته‌ای‌مانند اقتصاددان ـ جامعه‌شناس، جامعه‌شناس ـ مورخ فرهنگ و تاریخ ایران و اسلام، جامعه‌شناس ـ متخصص علوم منطقه‌ای و برنامه‌ریزی، جامعه‌شناس ـ متخصص مسائل کشاورزی تا چه حد است؟ از نظر علمی خالص، پرورش متخصصین میان رشته‌ای واجد اهمیت بسیار است (و در سنوات اخیر، پیشرفتهای چشم‌گیری دراین جهت در مراکز علمی بین‌المللی مشهود بوده است) ولی بنظر میرسد که اهمیت واقعی در سطح عملی ازاینهم بیشتر باشد.

۳ ـ با درنظر گرفتن آنکه در علوم اجتماعی تمایل زیادی به جهت‌یابی فنی، مانندمهندسی اجتماعی جامعه‌شناسی ریاضی (یا کاربرد ریاضیات در جامعه‌شناسی) اقتصاد ریاضی موجود است، تا چه‌حد پرورش اینگونه متخصصین در تمام سطوح مورد نیاز مملکت است؟ واضح است که پاسخهای مبتنی برپیش‌داوریهای عجولانه دراین زمینه‌ها دردی را دوا نمیکند: ارزیابی مسائل مذکورنیازمند به بررسیهای فنی و دقیق‌است.

۱ ـ در این زمینه میتوان بر این نکته تاکید کرد که متخصصین میان رشته‌ای مذکور قابلیت انعطاف‌بیشتری برای رفع نیازهای متعدد یک منطقه نشان میدهند بخصوص اگر شناسائی دقیق تاریخ، فرهنگ و جغرافیای انسانی منطقه از مبانی آموزش‌آنان باشد

۲ ـ دانشگاهیان بسیار تجربیات تلخ دوران خودکامگی را بیاد دارند و بهمین‌دلیل، در هرتغییر بنیادی نظام دانشگاهی، نقش اساسی برعهده آنان است.

اطلاعیه روابط عمومی جهاد دانشگاهی

بسمه تعالی

دانشگاههای ما و همه قشرها کاری بکنند که محتاج به غیر نباشیم، خودمان سرپای خودمان بایستیم.

(امام خمینی)

در پی تعطیل شدن دانشگاهها، امیدآن‌است که پس از بازگشائی، دانشگاههای ما محل تربیت متخصصینی‌آراسته به اخلاق اسلامی و آشنا به جغرافیای خاص ایران باشند. بویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاههای

شده که امیدواریم کلیه مهندسین صنایع، تولید و دیگر رشته‌های مربوطه وتمام استادکاران مجرب و دلسوز که بطریقی ذیربط میباشند به‌آنها مسئولانه پاسخ دهند و هرآنچه که‌مطرح‌نگردیده، خودبطورکامل‌طرح‌نمایند

لطفا نظرات خود را با ذکر سریعترین راه تماس به نشانی: تهران ـ خیابان حافظ ـ خیابان فرانسه ـ خیابان مرجان پلاک ۵ تلفن ۷ـ۶۷۰۱۱۶ گروه مهندسی صنایع ارسال نمایید.

۱ ـ مشخصات (اسم

* چه آموزشهائی ضروری بوده که آموزش داده نشده است.

* کدام بخش‌از دروس دانشگاهی بکار شما نیامده‌اند. آیا باید حذف شوند؟

* برای اطلاع از پیشرفتهای تکنیکی و صحیحتر انجام‌دادن کار خودازچه‌منابعی استفاده میکنید. (استادان، کتاب جزوه، مجلات خارجی و...)

۵ـ آیا کتابهای جدید وعالی‌در زمینه‌مهندسی صنایع سراغ دارید؟

اطلاعیه جهاد دانشگاهی دانشگاه ملی ایران

روزنامه انقلاب اسلامی

جهاد دانشگاهی دانشگاه ملی ایران در اجرای برنامه‌های انقلاب فرهنگی برنامه بازآموزی جامعی در زمینه زبان و ادبیات فارسی شامل آئین‌نگارش فارسی، درس روش تدریس، شناخت بنیادی زبان عربی، دستور زبان و انعکاس قرآن در ادبیات را برای دبیران زبان و ادبیات فارسی تهیه و تنظیم کرده

ری فرانسه ـ دولت
ن را متهم ساخت
ترک دو کشور مستقر
. را در مرز ویتنام
نده است. رادیوی
از پانصد گلبه و
ده و تعداد زیادی از
سانده است. این را
ینی متشکل از توپخا
زدیکی مرز ویتنام

فرانسه ـ منابع
که بدفتر فرهنگی عر
سه نفر زخمی شدند.
، چندین مرد مسل
به‌نظامیان وابسته به
اختند.

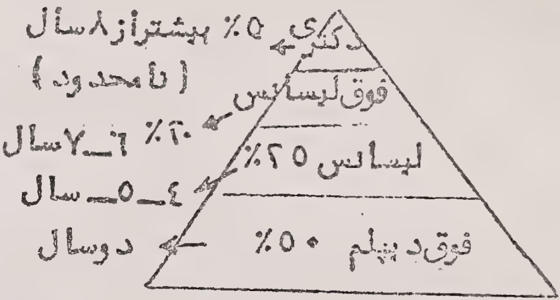
بتدپرس ـ از ساز
کل سازمان ملل
د کرد تا نیروهای
، شرایط نامطلوب
باقی بمانند.
یت قرار است طی
یروهای شش‌هزارنفر
بنان برای یک‌دور

ه از لومه ـ بگفته
آتش‌بس جنگ داخل
ط هابره وزیر دفاع
نما رسد.
وزیر خارجه توگو د
امه آتش‌بس به شد
زیمت کرد.
ه از سوی طرف دیگ
، چاد رهبری میشو

سه ـ نیروهای رو
ودگاه استراتژیک
فغانستان به آتش
ارنفر غیر نظامی
ند یک رهبر مقاو
که مجاهدان افغا
بازان روس دست
و یک شهر نزدیک

، منابع سازمان
، و نیروهای ناس
، مرز فلسطین

طرف دیگر برای آنکه باز تولید متخصصین سطح پائین و متوسط ممکن باشد، می‌باید تعداد کمتری از دانشجویان را درجهت آموزش و تحقیق مراحل بالاتر (فوق لیسانس، دکتری) سوق داد. نمودار زیرین، گویای مطلب است.



چه در بازسازی عمرانی مملکت و چه در برنامه‌های علمی و فرهنگی بنیادی تعداد زیادی متخصصین میان‌رشته‌ای موردنیاز انست. در سطوح فوق‌دیپلم و لیسانس، متخصصین میان رشته‌ای کسانی‌هستند که میتوانند نیازهای منطقه‌ای را (فی‌المثل) در دو رشتهٔ متکمل تاحدی پاسخگو باشند. مثلا" اقتصاددان و جامعه‌شناس لیسانسیه‌ای که تاحدی به مشکلات و مسائل فنی کشاورزی آشناست میتواند بنحو خودکفاء انجام برنامه‌های عمرانی منطقه‌ای در این زمینه را اداره کند. در علوم‌اجتماعی در سنوات اخیر اصطلاح" مهندس اجتماعی بکار میرود و میتوان منظور از این اصطلاح راکسی تلقی کرد که اولا" واجد اطلاعات فنی وکاربردی در رشتهٔ خاص خود است و ثانیا" واجد اطلاعات کافی در رشته متکمل منطقه‌ای است (مانند جامعه‌شناس— اقتصاددان آشنا به فرهنگ منطقهٔ خاص که بمسائل برنامه‌ریزی وارد بود و در عین حال‌مشکلات و مسائل تولید کشاورزی یک منطقه را بشناسد).

مسئله آداب و مناسک دیوان سالارانه

دیوان سالاری و مدرک‌گرائی ، از درون و بیرون ،دانشگاههای ایران را به تحجر و رکود میکشانند. در درون دانشگاهها در برخی از موارد دیوانسالاری، بیداد میکند کافی‌است ستادهای عظیم و پیچیده‌ای را که در حول محور مدرک دور میزنند مشاهده کنیم و یا نهادی مانند امتحان را در نظر بگیریم: مراسم ومناسک پیچیده‌ای سالی دو بار با بسیج ستادهای گسترده عملیاتی انجام میشوند در حالیکه در بسیاری از مواقع،

قوم میباشد کاری بس دشوار است. بنابراین بهر—شکل و بهرطریقی اگر خواسته باشیم تغییرات فرهنگی در یک جامعه بدهیم کاری بس‌دشوار درپیش داریم.

در مورد مسائل طبی مسئله بسیار پیچیده حائز اهمیت است زیرا تصمیم‌گیری شتابزده عوارض زودرس ندارد و دردرازمدت عوارض آن که فاجعه‌آمیز است در اجتماع قابل رویت میگردد. طبیعی است با حاشیه‌پردازی فوق‌الذکر برای بهبودوضع پزشکی و درمان احتیاج به یک انقلاب یا تغییرات کیفی دراین زمینه می‌باشد. اگر فقط کوشش مسئولین در جهت سرویس‌دادن به بیماران در این برهه از زمان باشد طبیعتا کلیه مراکز آموزشی پزشکی بجای دادن تعلیم فقط جوابگوی بیماران شده و از این امر مهم غافل میمانند. در واقع در این موقع ممکن است بیماران راضی‌باشند ولی این رضایتی است بس کوتاه زیرا عواقب شوم کاهش کیفیت فن طب که دیررس است بعنوان مثال پس از ۵ سال ظاهر میگردد و آنوقت است که مراکز درمانی از نظرکیفی جوابگوی‌احتیاجات توده‌ها نخواهد بود و بیماران برای درمان همراه خروج مبالغ زیادی ارز از کشور خارج میگردند. به عنوان‌مثال راقم این سطور مراکز تخصصی بیماریهای چشم را از نزدیک دیده‌ام که بیماران سرویس خوبی دریافت میکنند ولی سطح آموزش رزیدنت‌ها بسیار پائین است. رزیدنت در دوره تخصصی علاوه بردادن سرویس، فن موردنظرش را میآموزد و اگرفقط سرویس‌دادن در این برهه مدنظر باشد، کارآئی بعدی این رزیدنت درحدبالائی نخواهد بود و به عنوان مثال ازعهده" دکولحان‌رتین" که کمابیش وجود دارد برنخواهد آمد. و بطریق اولی دوباره بایستی از کتب و رفرنس‌ها و آمارهای غربی استفاده کنیم کمااینکه تاکنون اینکار را میکردیم. البته مسائل فوق‌الذکر در صورتی درست است که خواسته باشیم امر آموزش طب را دگرگون و کیفیت آنرا بالا بریم. تاکنون اکثر رفرنس‌های طبی که استفاده میشده آمریکائی، فرانسوی، یا انگلیسی بوده است و بالطبع آمارهای مورد استفاده ما نیز در امر طب آمارهای غربی بوده است. و این طبیعتا باین‌دلیل است که تاکنون (تا قبل از انقلاب) بیشتر مسائل روبنائی طب در مدنظر بوده است.

البته این را باید در نظرداشت که استفاده از حاصل تفکر و تجربه دانشمندان‌غربی بهیچ‌وجه با روند انقلاب ضدیت ندارد چرا که هر دانشمندی قبل از اینکه متعلق به کشوری باشد متعلق به زمین است و حاصل زحماتش متعلق به خلقهای جهان میباشد. فقط مسائل و بیماریهای منطقه‌ای است که هرقومی، خود باید بدان بپردازد تا کیفیت ارائه

وسائل موجود و وسائل ... سرعت تعمیر خواهند کرد.

۳ـ برنامه چهارساله‌ای که در طی آن مراکز آموزشی فعلی با حداکثر ظرفیت‌به تربیت اساتید با کیفیت کار بسیار عالی بپردازند تا پس از ایجاد مراکز جدید آموزشی و درمانی بعدی نیازی به متخصص نداشته باشیم.

۴ـ ایجاد مراکز پزشکی مخصوص بیماریهای منطقه‌ای در هراستان که معرف این مراکز دردرجه اول شناسائی بیماریهای بومی و منطقه‌ای و تهیه یک آمار دقیق از آنها باید باشد. و در ضمن دانشجویان فعلی طب بتوانند در موارد تعطیل (تابستانها) در آن مراکز تعلیم اینگونه بیماریها را ببینند.

۵ـ شروع ساختمان مراکز پزشکی تخصصی در هر استان با وسائل پیشرفته طب امروزی که وجود این مراکز کامل متخصصین را بخود جذب کرده و تورم آنها در مرکز جلوگیری میکند در ضمن لزومی برای حمل بیمار از اطراف این مراکز به تهران وجود نخواهد داشت و در همان مراکز به درمان اینگونه بیماران اقدام میگردد.

۶ـ تشکیل وزارت پزشکی و درمان که امور درمانی و مسائل آموزشی گروه پزشکی را در اختیار خواهد داشت و چون این وزارت اشتغال دیگری ندارد طبیعی است که بهتر میتواند به اموررسیدگی کند.

۷ـ عدم‌کاهش دوره‌طب و حذف دروس غیر لازم در این شرایط کیفیت کار پزشکان جوان افزایش یافته و در مناطق درمانی دورتر از مراکز کارآئی بیشتری خواهند داشت.

۸ـ باوجود مراکز تخصصی در هراستان طبیعی است که جائی برای کلینیک‌های بخش خصوصی باقی نمی‌ماند و کلیه متخصصین جذب این مراکز می‌شوند و هر استانی‌در مسئله طب و درمان خودکفا میگردد.

۹ـ تغییرکیفیت درمانگاههای کوچک‌دورافتاده از نظر وسائل تا این مراکز کوچک دورافتاده تا حد خودکفا باشند و فقط در مواقع اضطراری اقدام فرستادن بیماران به مراکز بزرگتر را بنمایند. بعنوان مثال راقم این سطور مدتی در چاه‌بهار به درمان بیماران اشتغال داشته است. و در این مدت هرروز با ده‌بیمار مبتلا به مالاریا برخورد میکردم آرزوی یک میکروسکوپ داشتم تا تشخیص قطعی همان محل بدهم.

۱۰ـ بازگشائی هرچه سریعتر دوره‌های پایه رشته پزشکی.

دکتر محسن را...

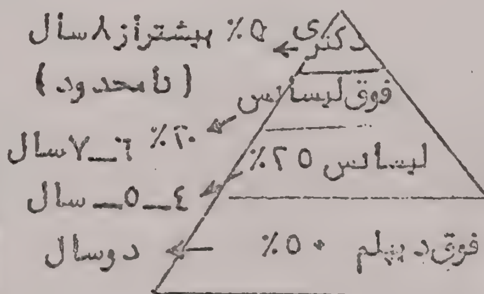
ظواهر و تنزل سطح دانشی و تحقیق سوق میداد و ... شناس، مردم‌شناس، اقتصاددان، متخصص علوم‌اداری

... شاهد بیهودگی آنها هستیم) . از طرف دیگر، تشدید غیر عقلی بحران، میتواند منجر به نابودی نهادهای تفکر و تحقیق علمی وعقلی بشود. خردکردن تحقیق و تعلم چندان دشوار نیست ولی بازسازی آن متضمن زمان طولانی وصرف هزینه‌های عظیم مادی و معنوی است.

مسئله نیازهای عمرانی فوتی و نیازهای فرهنگی طویل‌المدت

تعارض مذکور میتواند در عمل بشکل مسئله انتخاب بین برنامه‌های آموزشی و تحقیقی‌متناسب با نیازهای عمرانی فوتی و برنامه‌های عملی و تحقیقی بنیادی مطرح شود. ولی میتوان تاکید کرد که هرنوع انتخاب تک بعدی در این زمینه فاجعه‌آمیز است و حتی با نفس هدف خود نیز در تعارض است. بدون در دست داشتن زیربنای نظری و علمی قوی، نمیتوان به درجه‌ای از استقلال تکنولوژیک نائل شد و تربیت تکنیسین بدون داشتن عالم، و بازسازی کادر علمی ممکن نیست؛ از این گذشته آیا میتوان در مملکت فارابی‌ها و ملاصدرها، خود را از علم‌ـ نظری ناب بی‌نیاز دانست و پراگماتیسم کورکورانه کوتاه‌مدت را جانشین فرهنگ علمی و عقلی کرد؟

راه حل بیشتر در انتخاب مناسب روشهای غیرحذفی است که در عین پاسخگوئی به نیازهای فوتی، رسالت علمی و فرهنگی بنیادی دانشگاه رانیز حفظ کند. میتوان تحصیلات عالیه در مملکت را، از سطح فوق‌دیپلم تا سطح دکتری، بنحوی هرم وار توزیع کرد. در چنین هرمی تاکید برتولید هرچه سریع‌تر تعداد زیادی متخصص فنی سطح پائین و متوسط (فوق دیپلم و لیسانس) است که میتوانند به نیازهای فوتی جامعه پاسخ دهند. از طرف دیگر برای آنکه باز تولید متخصصین سطح پائین و متوسط ممکن باشد، می‌باید تعداد کمتری از دانشجویان را درجهت آموزش و تحقیق مراحل بالاتر (فوق لیسانس، دکتری) سوق داد. نمودار زیرین، گویای مطلب است.



چه در بازسازی عمرانی مملکت و چه در برنامه‌های

نکاتی چند پیرامون ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی

اگر انقلاب را تغییرات کیفی در یک سیستم یا در هر ارگان بدانیم و یا بقول ماکسیم‌دورنتون جامعه‌شناس فرانسوی انقلاب را تفسیر یا تغییر سیستم حکومتی بدانیم جبرا این تغییرات قهرآمیز بوده و دگرگونی یا واژگونی در مدت کوتاهی انجام میگردد ولی ادامه تغییرات کیفی در نهادها و ارگانهای اجتماعی است که امری مستمر و شامل برهه‌ای طولانی‌تر از زمان میگردد. مهمترین ارگانی که بطوراعم انقلاب توسط او و در دل او انجام میگیرد اجتماع است. بقول هربرت‌اسپنسر جامعه جمعی از ذرات انسانی هستندکه در پرتو ارتباط مشترک بسرمیبرند پس اگر انقلاب در جامعه‌ای‌صورت گیرد این ارتباط مشترک فی‌مابین افراد نیز کماکان تغییر خواهد کرد ولی نه در کوتاه‌مدت، بلکه‌زمانی طولانی نیاز دارد. هرنهادی دوگونه در امر انقلاب دخیل است اول بعنوان بازوئی از جامعه دوم افراد هرنهاد بطور اعم در دل جامعه دستخوش تغییر خواهند گردید. اگر روابط فی‌مابین افراد را بتوانیم در مقوله فرهنگ جا دهیم لذا این روابط که قسمتی از آن زائیده فرهنگ هرقومی است در طی یک انقلاب فرهنگی سریع‌السیر امکان‌پذیر نیست. یا اگر بزعم فروید تشکل جامعه را برمبنای شرکت در جرم از طرف کلیه اعضای تشکیل‌دهنده آن بدانیم باز دگرگونی در ارتکاب‌جرم که دگرگونی در فرهنگ آن قوم میباشد کاری بس دشوار است. بنابراین بهر ـ شکل و بهرطریقی اگر خواسته باشیم تغییرات فرهنگی در یک جامعه بدهیم کاری بس‌دشوار درپیش داریم.

در مورد مسائل طبی مسئله بسیار پیچیده حائز اهمیت است زیرا تصمیم‌گیری شتابزده عوارض زودرس ندارد و دردرازمدت عوارض آن که فاجعه‌آمیز است در اجتماع قابل رویت میگردد. طبیعی است با حاشیه‌پردازی فوق‌الذکر برای بهبودوضع پزشکی و درمان احتیاج به یک انقلاب یا تغییرات کیفی دراین زمینه می‌باشد. اگر فقط کوشش مسئولین در جهت سرویس‌دادن به بیماران در این برهه از زمان باشد طبیعتا کلیه مراکز آموزشی پزشکی بجای دادن تعلیم فقط جوابگوی بیماران شده و از این امر مهم غافل میمانند. در واقع در این موقع ممکن است بیماران راضی‌باشند ولی این رضایتی است بس کوتاه زیرا عواقب شوم کاهش کیفیت فن طب که دیررس است

سرویس را بالاتر برد. لذا برای بهره‌برداری دقیق از آثار پزشکی جدید زبان‌خارجه باید با بهترین کیفیت در دانشکده‌های طب تدریس گردد زیراترجمه آثار طبی که بعضی از آنها هرساله تعویض میگردند کاری پرخرج و بیهوده است.

پس برای تغییربنیادی و کیفی فن طب باید با آینده‌نگری خاصی مسائل را بررسی کرد و فعلا که بعلت کمبود کادر آموزشی امکان ایجاد دانشکده‌های متعدد طب نمیباشد از دانشکده‌های موجود حداکثر استفاده را بعمل آورد و نکات زیر را مورد توجه قرار داد.

۱ـ اختصاص درصد بیشتری از بودجه سالیانه به امرپزشکی و درمان البته در شرایط خاص کنونی که درگیرودار جنگ با رژیم ضدخلقی عراق و در مجموع با امپریالیسم جهانی هستیم. این امر مشکل است زیرا در رژیم‌گذشته علیرغم بودجه سرسام‌آور تسلیحاتی درصد بسیار کمی به امر پزشکی و درمان اختصاص داده شده بود.

۲ـ ایجاد رشته مهندسی وسائل یاتکنولوژی پزشکی در دانشکده‌های فنی ایران. بدیهی است در این رشته متخصصینی تربیت میشوند که کار تعمیرات و یا حتی ساختن وسائل مدرن و پیچیده پزشکی در اختیار میگیرند و از یکطرف وابستگی ما را به بازارهای بین‌المللی کاهش داده و از طرف دیگر وسائل موجود و وسائل خریداری شده بعدی را با سرعت تعمیر خواهند کرد.

۳ـ برنامه چهارساله‌ای که در طی آن مراکز آموزشی فعلی با حداکثر ظرفیت‌به تربیت اساتید با کیفیت کار بسیار عالی بپردازند تا پس از ایجاد مراکز جدید آموزشی و درمانی بعدی نیازی ـ متخصص نداشتند باشیم.

۴ـ ایجاد مراکز پزشکی مخصوص بیماریهای منطقه‌ای در هراستان که معرف این مراکز در درجه اول شناسائی بیماریهای بومی و منطقه‌ای و ... یک آمار دقیق از آنها باید باشد. و در ضمن دانشجویان فعلی طب بتوانند در موارد ... (تابستانها) در آن مراکز تعلیم اینگونه بیماریها را ببینند.

۵ـ شروع ساختمان مراکز پزشکی تخصصی ... هر استان با وسائل پیشرفته طب امروزی که ... این مراکز کامل متخصصین را بخود جذب کرده و ...

[illegible]

تهیه شده بوسیله استادان گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

کاظم ایزدی ـ منوچهرراد ـ اصغرشیرازی ـ مرتضی کیتی

تضاد بین دانشگاه و دیگر نهادها مسئله نیازهای اجتماعی

تعارض بین دانشگاهها، بعنوان نهادهای علمی واجد درجاتی از استقلال، و دیگر نهادهای اجتماعی بخصوص آن بخش از موسسات که مدعی برنامه‌ریزی اجتماعی، اقتصادی رشد و تنظیم سطح اشتغال فنی و کارآئی آنند در غالب کشورهای جهان دارای سابقه مداوم است. نهادهای اجتماعی متعدد نیازهای کشور را با دید خاص خود وغالبا" بر مبنای مکانیسم‌های داخلی این نهادها ارزیابی میکنند و این امر، چنانچه گفته شد، در رژیم گذشته نیز باشکال مختلف دانشگاهها را تحت فشار قرار میداد.

در ایران انقلابی امروز این تعارض به بحرانی ترین شکل خود متجلی است. بحران کنونی اگر درجهتی منطقی وعقلی مهار وهدایت شود، میتواند محرکی باشد در جهت ایجاد پویائی بیشترعلمی و فکری در دانشگاهها و حذف برخی از علل تحجر مانند: دیوان‌سالاری درون‌دانشگاهی، روابط و مناسبات خشک و اداری استاد و دانشجو، احترام بی‌حد به برخی از مناسک دست‌و پاگیر و فاقدکارآئی (مانند مناسک امتحانی که در بسیاری ازاوقات شاهد بیهودگی آنها هستیم). از طرف دیگر، تشدید غیر عقلی بحران، میتواند منجر به نابودی نهادهای تفکر و تحقیق علمی وعقلی بشود. خردکردن محتوای فرهنگی وعلمی این مراسم اندک وناچیز است. امتحان ومدرک وابسته به آن در عریان‌ترین و طبیعی‌ترین ارزیابی‌ها، عبارتند از جمع‌بندی انتقادی تحقیقات و کوششهای انجام شده و امور آموخته شده در زمان مشخص توسط یک محقق و دانشجو آیا نمیتوان بجای نظام خشک و بی انعطاف رایج که در عین حال سرشار از اغتشاش و بی نظمی است، بیشتر بر مناسبات و روابط استاد و دانشجو تاکید کردو امتحان را فقط جزئی از یک دستگاه زنده و متحرک که در حول محور علم و تفکر دور میزند تلقی‌نمود؟ تجربیات علمی متعددنشان میدهند که جلسات بحث و انتقاد منظم علمی، غالبا" باکارائی بیشتر همان هدف امتحان را که ارزیابی علمی‌دانشجو باشد انجام میدهند.

پیوستگی‌های ناسالم برون دانشگاهی و درون دانشگاهی

سه نوع پیوستگی مریض‌گونه بنیاد جهت‌یابی‌های دانشگاهی گذشته را تشکیل میداد و قطع این سه پیوستگی ناسالم نه تنها با تداوم علم و فرهنگ در کشور ما ناسازگار نیست بلکه می‌باید نقطه عزیمتی برای یک حرکت نوین باشد. پیوستگی‌های ناسالم مذکور عبارتنداز:

رابطه دروغین و تصنعی علم و مدرک، رابطه مدرک و دیوان‌سالاری، ورابطه علم و دیوانسالاری

اولا" ـ دیوان سالاری متورم و فاقد کارائی گذشته، نیازهای مصنوع سالن‌های بحث و خودنمائی رانیازهای‌کشور می‌انگاشت و بر این منوال، صدور سالانه تعدادی دیپلم را از دانشگاهها بعنوان‌معیاری برای ارزیابی کارآئی آنها قلمداد میکرد. دانشگاه میرفت که تبدیل به کارخانه دیپلم‌سازی شود و در غالب موارد، افرادی فاقد صلاحیت و واجد مدرک را به دستگاه دیوان‌سالاری ارائه میکرد. و این فرایندی بود که دانشگاه را از نظر ارج در جامعه به خواری و بی‌بهائی و از نظر علمی به بزرگداشت ظواهر و تنزل سطح دانشی و تحقیق سوق میداد و ضعف کارآئی دیوان‌سالاری را نیز شدت می‌بخشید.

چگونه میتوان این دور تسلسل ناسالم رامنتظ[illegible] کرد؟ در پاسخی ساده میتوان گفت که اولا" نیازهای کشور می‌باید بدرستی، باکاربرد ضوابط علمی و بدون معیارهای سطحی و آمیخته با تظاهر ارزیابی شوند و سپس با در نظر گرفتن ظرفیت موجود دانشگاهها، آموزش دانشگاهی در کوتاه مدت‌متوسط و زمان طولانی برنامه‌ریزی شوند. ولی هرگونه انقیاد محض دانشگاهها به برنامه‌های تصنعی و بی مطالعه همان دور تسلسل ناسالم گذشته را تکرار خواهدکرد (واضح است که کمتر دستگاه و فردی حاضر است بپذیرد که نیازهای کشور را بدرستی‌ارزیابی‌نمیکند) و عاقبت دردناک تحمیل عقاید سطحی به دانشگاهها تنها در صحنه تاریخ متجلی خواهد شد. (۱)

ثانیا" ـ مدرک‌گرائی برون داشگاهی، د[illegible] درون دانشگاهها ریشه داشت و در عین حال‌مدرک‌گرائی درون داشگاهی را تشدید میکرد. چگونه میتوان مدرک‌گرائی ناسالم پدیده اجتماعی عمیق و ریشه‌دار را بدون سوق بسوی عکس‌العمل ناسالم مخالف از میان برد؟ هدف صدور مدرک دانشگاهی نباید تصدی فلان پست دولتی باشد. درک این نکته چه از طرف متصدیان دستگاههای اداری و چه از طرف دانشگاهیان و دانشجویان واجدنهایت اهمیت است، علم در خدمت دیوان‌سالاری - حد وسیعی جنبه علمی خود را از دست میدهد و مدرک دانشگاهی، در صورتیکه صدور آن خود از روش‌شناسی علمی پیروی کند، تنها تائیدیه‌ای است بر تحقیقات و کوششهای علمی انجام شده در اینجا تنها از پدیده مدرک‌گرائی یاد کردیم بررسی راههای نابودی مدرک‌گرائی ناسالم نیازمند به تحقیقی جداگانه است

مسئله علوم اجتماعی وجامعه شناسی دررابطه با مشکلات مذکور

پیوستگی‌های ناسالم مذکور مصادیق متعددی در علوم‌اجتماعی یافته بودند وجود تعدادی‌جامعه شناس، مردم‌شناس، اقتصاددان، متخصص علوم‌اداری

رهنمود به هواداران داخل وخارج کشور

در مورد مبارزه در جهت آزادی زندانیان سیاسی انقلابی

رفقا!

همانطور که اطلاع دارید، رژیم در جهت بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب، حمله سرکوب وکشتار را گسترش بیشتری داده است. در این میان نیروهای کمونیست و دیگر انقلابیون و رزمندگان، شکنجه و تیرباران [illegible] بیش از پیش افزایش یافته است در [illegible] گونه ای که هزاران زندانی سیاسی انقلابی در سیاهچالهای رژیم در بدترین شرایط و تحت شکنجه بسر می برند. اما همچنان به آرمان انقلابیشان وفادارند. مبارزه در جهت رهائی این یاران دربند جزء جدائی ناپذیر نبرد برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع داخلی است. به همین منظور:

۱ ـ رفقای دانشجوی خارج از کشور موظفند، دست به تظاهرات، راهپیمائیها و اعتصاب غذا به منظور پشتیبانی از زندانیان سیاسی دربند بزنند.

۲ ـ رفقای دانشجوی خارج از کشور موظفند با تبلیغات گسترده، توجه نیروهای ترقیخواه بین المللی را به آنچه که اکنون در زندانهای رژیم میگذرد جلب کرده تا این نیروها و سازمانها که در زمان شاه خائن نیز در جهت بهبود وضع زندانها و افشای رژیم حرکت نمودند، رژیم جمهوری اسلامی را برای بهبود وضع زندانها تحت فشار بگذارند و هرچه بیشتر رژیم حاکم را رسوا

۳ ـ [illegible] علاوه بر محورهای اصلی چون افشای جنگ، آوارگان و ... باید مسئله زندانیان سیاسی را نیز در بر بگیرد.

۴ ـ کلیه رفقا موظفند، با ارائه نمونه ها و فاکت های مشخص از شکنجه های رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زندانیان سیاسی انقلابی و مقایسه آن با شکنجه های رژیم آریامهری، به افشای جنایات رژیم در نزد توده ها پرداخته و ماهیت ارتجاعی و ضدخلقی بودن آنرا برملا سازند.

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد!
ننگ و نفرت بر شکنجه گران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی!
درود بر زندانیان انقلابی و مبارزی که در شکنجه گاههای رژیم پرچم مقاومت را همچنان برافراشته نگاه داشته اند!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۹/۲۰

رفیق حسنعلی شهبازی نفتگر انقلابی آزاد باید گردد!

دلاوری که قهرمانانه اعتصابات شرکت نفت را بر علیه شاه خائن سازماندهی و رهبری میکرد، انقلابی ای که فعالانه در برپائی شوراهای کارگری پس از قیام بهمن میکوشید، رفیقی که دلاورانه با توده مزدور، امپریالیسم و ارتجاع نبرد میکرد، اکنون در بند جمهوری اسلامی است. رفیق شهبازی کاندیدای مورد حمایت سازمان در آغاجاری که زحمتکشان آغاجاری همواره مبارزاتش را بیاد داشته و خواهند داشت. به اتفاق رفقای شهید منوچهر نیک اندام و محمد اشرفی دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت. تنها جرم این رفیقان عشق به زحمتکشان بود. رفقای قهرمان شهبازی، اشرفی و نیک اندام در بیدادگاههای جمهوری اسلامی دلاورانه از آرمانشان دفاع کردند. دو رفیق اخیر در بیدادگاهی بدون وکیل مدافع و فقط در عرض چند دقیقه محاکمه و سپس تیرباران میشوند و رفیق شهبازی بخاطر معروفیتش در نزد توده ها، به ۱۵ سال زندان محکوم گردید. خلقهای قهرمان ما خواهان آزادی این انقلابی وفادار به زحمتکشان هستند. رژیم اگر جرئت دارد و از آگاهی توده ها نمی ترسد، دادگاهی علنی برای رفیق شهبازی برپا دارد تا خلق دریابد که چه کسی یا کسانی باید محاکمه شوند و چه کسانی خائن به خلق و یاغی خلقند. مبارزات خود را برای آزادی همه زندانیان انقلابی دربند، از جمله رفیق شهبازی، گسترش بخشیم.

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد!

بقیه از صفحه ۷

زاهدان...

۳ ـ ایجاد و تنظیم فعالیتهای فرهنگی و هنری و فوق برنامه زیر نظر شورای دانش آموزان.

روز یکشنبه ۵۹/۹/۱۶، "نظامی" نماینده مدیرکل آموزش و پرورش به محل تحصن آمده و مثل سایر مهره های رژیم با توسل به چماق "جنگ با عراق" و اینکه عمل دانش آموزان ضدانقلابی است، دانش آموزان انقلابی را تهدید کرد. اما دانش آموزان انقلابی به مدیرکل پاسخ دندان شکنی داده و به او گفتند: "ایجاد شورا در دبیرستان هیچ ربطی به جنگ ندارد و تازه اگر مسئله انقلاب است، ایجاد شورا و بهبود کیفیت درسها خود، گامهای بزرگی در راه انقلاب هستند." نماینده مدیرکل که در مقابل پاسخ کوبنده دانش آموزان قرار گرفته بود با بی شرمی میگوید: "بعنوان یک برادر بزرگتر از شما میخواهم سر کلاس بروید و در این موقعیت اگر شما شلوغ بکنید دبیرستانهای دیگر نیز شلوغ میکنند و اگر من به خواسته های شما پاسخ مثبت بدهم فردا کلاسها و دبیرستانهای دیگر نیز همین خواسته ها را مطرح خواهند کرد."

دانش آموزان انقلابی در جواب این اظهارات بی شرمانه گفتند: "اگر ریگی در کفشتان نیست چرا از اجرای این خواستها می ترسید؟ در زمان شاه نیز به ما می گفتند که درس بخوانید شلوغ نکنید و ما را به تعطیل و انحلال مدرسه تهدید میکردند. پس فرق شما با آنها چیست؟" با این سخنان، "نظامی" نماینده مدیرکل که بیش از پیش مفتضح شده بود با ناراحتی محل تحصن را ترک کرد. آنگاه مسئولین دبیرستان خواستند از طریق والدین دانش آموزان تحصن را بشکنند. اما با مقاومت و افشاگریهای دانش آموزان انقلابی سرانجام مسئولین تسلیم خواسته دانش آموزان انقلابی شده و توافقنامه ای به شرح زیر توسط یکی از والدین به امضای مدیر دبیرستان و دبیر مذکور رسید:

۱ ـ شورای دانش آموزان بعنوان بالاترین مرجع تصمیم گیری در دبیرستان تشکیل شود.
۲ ـ امتحانات ثلث اول پس از درس دادن مجدداً برگزار شود.
۳ ـ اگر تلقی "دبیر فیزیک" نتوانست خوب تدریس کند خودش کنار رود.
۴ ـ اگر دبیر مذکور حاضر به کنارگیری نشد دانش آموزان دوباره تحصن خواهند کرد.

بدین ترتیب دانش آموزان انقلابی با تحصن و مقاومت انقلابی خود، مهره خواران رژیم در دبیرستان را به عقب نشینی وادار نمودند.

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده آزاد باید گردد

جنبش دانشجوئی و دانش آموزی

آقای "باهنر" عامل "فرخ رو پارسا" وزیر جدید آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

بالاخره پس از آنکه جناحهای مختلف هیئت حاکمه، مدتها بر سر تعیین حدود و سرپا نیما نده ... جائی خاتمه دادند، "باهنر" بعنوان وزیر جدید آموزش و پرورش معرفی شد.

بیشتر توده های انقلابی دانش آموز، آقای باهنر را خوب می شناسند. البته آنها از پیش خبر بودند، وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی باید رهنما و همراه یک همرا نحوی دارا ... دفاع از آموزش و پرورش ارتجاعی، ... سلطه فرهنگ استعماری و سوابائی سرکوب ... مبارزات انقلابی دانش آموزان است. آری ... های آگاه و مبارز دانش آموزی با ماهیت ارتجاعی جناب وزیر بروبی آشنا هستند و می ... "باهنر" بخوبی اثبات نموده است تنها ... همری" را که دارا است همان یک هنر تا مرده ... ساند.

آقای باهنر یکی از سرمایه داران شرکت ... اهداف" است. خوب است یادآور شویم این همان شرکتی ... که تا کنون مردان "لایقی" چون بهشتی و ... جائی را تحویل داده است! آری جناب وزیر ... امتحانش را داده و رژیم حافظ سرمایه داری ... امپریالیسم را مطمئن کرده است که ... قابل اعتمادی جهت اجرای اهداف آنان ... است.

اما "تاه" کارهای جناب وزیر بسیار بیش از ... است. ایشان مدتها در دم و دستگاه شاهنشاهی ... همین وزارت آموزش و پرورش، بعنوان عامل ... فرخ رو پارسا خدمت کرده و تجربیات ارزنده ای ... زمینه فرهنگ و آموزش ارتجاعی کسب کرده ... است.

دانش آموزانی که حتی از نام او ... بهمن ماه و چه بعد از آن علیه آموزش و پرورش ارتجاعی رزمیدند و کوشیدند کتابهای آریامهری ... را به زباله دان تاریخ بسپارند، بیاد دارند در ... صفحه اول کتابهای تعلیمات دینی رژیم شاه، ... نام آقای باهنر به عنوان نویسنده نقش بسته ... بود. کتابهائی که با همین امرو هم در مدارس

... ... تدریس می شود!

... ... در ... ... دانش آموزان و ... ... می بودند.

... اتفاقی است که نویسنده مورد اعتماد کتابهای درسی رژیم مزدور شاه، وزیر مناسب آموزش و پرورش رژیم جمهوری اسلامی از آب در می آید! و بعنوان وزیر انقلابی، همچون تحفه ای پیشکش دانش آموزان می شود؟

آیا خود این واقعیت، آشکارا نشان نمیدهد که چگونه هر دو رژیم دشمن انقلاب و فرهنگ انقلابی بوده و هستند تا جائی که حتی برخی از مهره هایشان یکی است؟

البته آقای وزیر، لیاقت خود را برای به عهده گرفتن مقام وزارت از این هم بیشتر نشان داده است. ما فراموش نکرده ایم که پس از یورش جنایتکارانه رژیم به دانشگاه و کشتار دانشجویان انقلابی تحت نام "انقلاب فرهنگی" ـ که امر و بسیاری در یافته اند چیزی نبوده جز برنامه حساب شده رژیم جهت سرکوب جنبش انقلابی دانشجوئی ـ یکی از اعضای ستاد "انقلاب فرهنگی" همین جناب باهنر بوده و ایشان وظیفه به انجام رساندن "انقلاب فرهنگی" جمهوری اسلامی را به عهده گرفته اند!

از سوی دیگر مصاحبه مطبوعاتی وزادبو ... تلویزیونی "باهنر" که بعنوان وزیر جدید ترتیب داده شد، بیش از پیش فاش ساخت که او در پی اجرای چه سیاست ضد انقلابی و کثیفی است.

آقای باهنر .... از کلیه دانش آموزان تقاضا نموده است که "نظم" را حفظ کنند یعنی آنکه دانش آموزان انقلابی دست از مبارزه حق طلبانه شان بشویند و نظم ارتجاعی جمهوری اسلامی و سلطه فرهنگ استعماری را بپذیرند. که باید به ایشان گفت شتر در خواب بیند پنبه دانه ... بهر حال توافق حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر با وزارت باهنر، نشان میدهد که او مناسبترین مهره ای است که کل رژیم قادر بود برای این مقام بیابد. اعمال ارتجاعی باهنر در آینده بار دیگر نشان خواهد داد که چگونه در اصل سرکوب انقلاب همه جناحهای هیئت حاکمه توافق نظر و "وحدت کلمه" دارند.

اما آقای باهنر بعنوان وزیر جدید بزودی خواهد آموخت که اگر تا کنون چه در دستگاه آریامهری و چه در دستگاه جمهوری اسلامی نشان داده است که ید طولائی در آموزش ارتجاعی دارد این بار نوبت دانش آموزان و معلمین انقلابی است که به او بیاموزند که کجا درس مبارزه و مقاومت انقلابی را آموخته اند!

قسمتی از اعلامیه دانشجویان و دانش آموزان پیکار

۵۹/۹/۱۳

مبارزات دانش آموزان در آستارا

بنا بر رسیده دانش آموزان مبارز دبیرستانهای ... مطهری، طالقانی، صمد بهرنگی، حکیم ... و صدیقه رضائی با تعطیل کلاسها به ... با صدای حق طلبانه خود ... مدیران مرتجع ... دبیرستانها در های دبیرستان را می ... بستند تا جلوی رفتن دانش آموزان را بگیرند، که دانش آموزان با ... دیوارهای دبیرستان به خارج میروند. دانش آموزان مبارز شروع به یک راهپیمائی اعتراضی بطرف میدان شهر نموده و با دادن شعارهائی نظیر "مردم به ما ملحق شوید" و "درد ما درد شماست" از توده ها میخواستند که به آنها بپیوندند. مردم مبارز که در ۲۰ ماه حکومت جمهوری اسلامی چیزی جز سرکوب، کشتار، گرانی، بیکاری، جنگ و ظلم و استثمار ندیده اند به صف اعتراضی دانش آموزان مبارز پیوسته و عملا یک تظاهرات اعتراضی عظیم را بر علیه رژیم به میدان شهر براه میاندازند. در این تظاهرات مردم با صدای بلند شعار می دادند که "خون ۷۰ هزار کشته هنوز خشک نشده، آزادی را از بین میبرند" "رژیم از ترس او جگیری بیشتر جنبش توده ها به بهانه شروع امتحانات تمامی دبیرستانهای آستارا را تا آخر آذرماه تعطیل نموده است.

قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ـ آستارا

۵۹/۹/۱۷

زاهدان: پیروزی تحصن دانش آموزان انقلابی

روز سه شنبه ۵۹/۹/۱۱ دانش آموزان کلاس دوم تجربی و دوم ریاضی دبیرستان "رحیم بخش رحیمی" زاهدان بدنبال اعتراضات قبلی خود، بعلت عدم صلاحیت آموزشی و اخلاقی دبیر فیزیک بنام "قلمچی" از سردمداران انجمن اسلامی دبیرستان در حیاط مدرسه دست به تحصن زدند. سپس یکی از دانش آموزان انقلابی با بحث پیرامون شورا و وظایف نمایندگان، دانش آموزان را به تشکیل شورای تحصن دعوت کرد. بدنبال آن دانش آموزان انقلابی شورای تحصن تشکیل دادند. پس از افشاگری و تبلیغات شورای تحصن نیمی از دانش آموزان دبیرستان نیز به متحصنین پیوستند. بدنبال گسترش تحصن، شورای تحصن خواسته های دانش آموزان را بشرح زیر مطرح نمود:

۱ـ برسمیت شناختن شورای دانش آموزان بعنوان بالاترین ارگان تصمیم گیری در دبیرستان.
۲ ـ اخراج "قلمچی" دبیر فیزیک.
۳ ـ تهیه وسایل گرم کننده حرارتی برای کلاسها

بقیه در صفحه ۲۲

[illegible] و خونین ... [illegible]

... [illegible] ایران و ارزشی ... در ... [illegible] ... و عزت است، ندارد. زیرا که ... [illegible] ... و از دست خونخواران است ... [illegible] ... رهبرها و گروه‌بندی‌های مشهور در عملکرد ... [illegible] ... در کمتر از تشنه‌اند در زمره ... [illegible] انقلاب درآمدند.

و بالاخره با ... رد و محکوم کردن شعار ... [illegible] از سیاست اعتقاد داریم که افراد و گروه‌هائی که از پیروزی انقلاب تاکنون به جبری در گرفتن صحنه قدرت و انحصار توانسته‌اند و برای نیل به مقصود، رابطه و ضوابط، اعتبار و مسئولیت و حق و تکلیف را بهر نحو ممکن تابع خود تعبیر داده و یا تغییر کرده‌اند، نه تنها به اعتماد عمومی نسبت به روحانیت اصیل و مبارز خدشه وارد ساخته، بلکه کل جمهوری اسلامی را با خطر سقوط در دامان اجنبی، تهدید که میخواهند، مواجه نموده‌اند و اینان همان کسانی هستند که با فرص مصونیت از انتقاد و جوانمردی برای خود گرفتار ... هستند که مردم را ناآگاه و ساده‌لوح می‌پندارند.

آری افسوس که در نظام جمهوری اسلامی انتقاد و دلسوزی ما به دشمنی و ضدیت روحانیت تعبیر میشود و بانیدهای بعضی ترصدطلبان بدوستی تلقی میگردد!!

کلام آخر اینکه کسانیکه دانسته یا ندانسته با برانگیختن موج جنگ زرگری و سلیقه‌ای در اندیشه حذف و طرد گروههای عظیم از انسانهای متعهد هستند، نه فقط انقلاب را به تزلزل و ارکان آنرا به فساد و تباهی خواهند کشاند. تنها راه نیل به وحدت و یکپارچگی و بازگشت بدوران پرفروغ و خاطره‌انگیز ماههای قبل از انقلاب، نزدیک ساختن و قربت افکار و اندیشه‌های متفاوت و رسیدن به خطوط مشترک از طریق کشف و شهود و بحث آزاد بدون دغدغه و اضطراب از اختناق و تکفیر و اتهاماتی است که رنگ‌وارنگ جامعه انقلابی ما را در بر گرفته است.

بازگشت بدوران وحدت، دورانی که در آن هر تفاهم انگیخته از بحث و توافق ناشی از صراحت و صداقت در گفتار باشد. دورانی که دیگر در آن انتقادگری دلسوز را به جرم بیان کجرویها و ناروائیهای موجود و دعوت همه به احترام به قانون اساسی، تکفیر نکنند و با ارائه قطعنامه‌ای از پیش ساخته درصدد برنیایند تا او، و بالاتر از او، مردم و حق‌طلبان را از انتخاب آزاد نفی و نادیده گیرند. دورانی که در آن روحانی و روشنفکر در کنار هم نقش موثر و حرکت‌بخش خود را در تحقق اهداف اصیل جمهوری اسلامی، آزادی و استقلال، ایفاء نمایند و باز هم حوزه و دانشگاه، طلبه و دانشجو، روحانی و غیرروحانی دست دردست یکدیگر در بیداری افکار عمومی و بخصوص بین توده‌ها بکوشند و حلال و ... شکد در لباس دفاع از روحانیت سرجد کرد... و افراد دردمند و نگران به سرنوشت انقلاب است، جای خود را به استقبال از شنیدن نظرات و افکار مخالف بدهد.

دورانی که در آن ... کینه به محبت، ریا به صداقت، ... به شجاعت، ظلم به عدالت، مجاز به حقیقت، تحمیق به تعلیم، زورگوئی به احسان ... ، تحکم به قدردانی، شعار به شعور و بالاخره جنگ زرگری و حناق تکفیر به کشف و شهود در فضای ... تبدیل گردد و آئینه‌های صادقی را این چنین ... و با ... نگویند که:

آئینه ... چو ... نمود راست

خود شکن، آئینه شکستن خطاست

والسلام

محمد جواد ـ میرفخرائی

... [illegible] ... بیاندازیم ... [illegible]

... منتشره نکته‌ای؟ اینها ... [illegible] ... که ما مطرح کردیم در رابطه ... [illegible] ... بخصوص ضرب و شتم‌هائی ... زندانیها بود. ... صورت میگیرد و تنها در رابطه با ... [illegible] ... را لوث کنید که "علی ... [illegible] ... ضدانقلابی‌ها هستند." خبر آقای ... [illegible] ... مطرح کردیم البته در بعد ... [illegible] ... مطرح بود امیدواریم با تشنت ... [illegible] ... انتخابات مسئله ... [illegible] ... در زندانها مورد بررسی ... [illegible] ... تنها شکنجه بلکه بازداشت‌های طولانی بدون دلیل و ...) و نتیجه تحقیق به عرض ملت ایران برسد. البته این همان پیشنهادی بود که حجتی قبل در پاسخ به حجت‌الاسلام خلخالی عنوان کردیم که هیئتی بی‌طرف انتخاب شود که تحقیق نموده و نتیجه را اعلام نماید. بعد آقای خلخالی نوشته‌اند که ما قول داده‌ایم مطلب وی را با تیتر بزرگ در همان صفحه منتشر کنیم. آقای خلخالی اصلاً ما با شما در این زمینه صحبتی نداشتیم و خدا بین ما روز قیامت حکم خواهد کرد.

و در ادامه نوشته‌اند که ... قرار است که منعکس نکرد و این عین حقیقت است که میگوئیم "آقای خلخالی کدام قرار؟ چرا حقایق را وارونه میکنید و مطلبی را که از پایه وجود نداشته است عنوان میکنید؟ امیدواریم همین چند نکته ملت ما را به دریافتن حقیقت راهنمائی کند.

والسلام

خبرنگار بخش حقوقی روزنامه انقلاب اسلامی

... [illegible] ... تهدید کرده‌اند که "اگر دولت ... ما ... را محاکمه و اخراج خواهیم کرد" و این امور سبب دلسرد شدن آن گروه فعال و متزلزل آنها در کار گردیده است و تعدد زیادی در این رابطه ... مراجعه کرده‌اند که نگهبانان روس ... در ... متوجه شدیم که عده‌ای دارای کرسی پول و بدون اطلاع رئیس دانشگاه از امکانات آموزشی استفاده می‌کرده‌اند و این اواخر حتی در کارهای جهاد که بعضی هم در رابطه با مسائل ارتش بود کارشکنی کرده‌اند.

لذا تصمیم گرفتیم که برای جلوگیری از هرج و مرج دانشگاه را بمدت دو هفته تعطیل کنیم تا در این مدت تکلیف همه افراد از نظر نوع کار آنها مشخص شود و بعد از آن دانشگاه فقط برای کسانی باز شود که درداخل دانشگاه کار میکنند و نه برای کسانیکه بدون کار حقوق میگیرند و اخلال میکنند.

اجتماع کنندگان درحدود ساعت ۱۰ صبح به آرامی متفرق شدند و هیئتی مرکب از کمیته پیگیری مسائل و سرپرستان منتخب دانشکده‌ها برای مذاکره با اعضاء ستاد انقلاب فرهنگی، به محل وزارت علوم رفتند برطبق آخرین اطلاعی که یکی از اعضاء این هیئت دراختیار خبرنگار ما گذاشته است اعضاء هیئت پس از ملاقات با آقایان دکتر سروش و دکتر شریعتمداری و طرح مسائل دانشگاه و ارائه نظرات و پیشنهادات قرار گذاشته‌اند که درجلسه عمومی کادر آموزشی و رئیس دانشگاه که درحضور نمایندگان ستاد انقلاب فرهنگی، امروز در وزارت علوم تشکیل میشود مسائل را بصورت باز و گسترده مطرح کند.

○ بدستور حضرت آیت‌الله منتظری:

۱۰۳ دانش‌آموز آزاد شدند

سقز ـ خبرنگار انقلاب اسلامی ـ ۱۰۳ تن از دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان سقز که از سوی سپاه پاسداران این شهر بعلت انجام تظاهرات غیرقانونی دستگیر شده بودند، آزاد شدند.

طبق اطلاعیه‌ای که از طرف سپاه پاسداران در این مورد انتشار یافته اعلام شده که آزادی این عده به دستور مستقیم حضرت آیت‌الله منتظری انجام گرفته است و بعد از این چون هرنوع تظاهرات در این موقعیت زمانی به نفع آمریکاست کسانی که به تظاهرات بپردازند تحت پی‌گرد قرار خواهند گرفت.

مجلس ترحیم

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت جوان ناکام ذبیح‌الله نورنوربخش را به اطلاع دوستان و آشنایان میرساند مجلس ختم زنانه و مردانه آن مرحوم روز سه‌شنبه ۵۹/۹/۲۵ از ساعت ۱ الی ۳ بعدازظهر در مسجد فخر دروازه شمیران خیابان فخرآباد منعقد میباشد.

خانواده‌های نورنوربخش ـ نورنور ـ قطبی ـ رفیعی ـ فرش‌بان ـ اثنی‌عشری ـ سلیمانی ـ امامی‌نیا ـ لطفی ـ شرفخانیان ـ سلطانی ـ آرین ـ تهرانی ـ بیرجندی ـ کریمی ـ درویش ـ نصیری ـ صاحب‌جمعی ـ خداوندخانی.

گمشده

یکبرگ سهام شماره ۶۵۸۷ بمبلغ ۱۵۰۰۰ ریال مربوط به تاکسی شماره ۲۸۸۳۸ تهران ۱۱ متعلق باینجانب فضل‌الله بابائی به آدرس خیابان فروتن خیابان هدایت کوچه گلکار منزل بابائی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

سفر آیت‌الله مهدوی کنی به سیستان و بلوچستان

خبرگزاری پارس ـ به گزارش خبرگزاری پارس آیت‌الله مهدوی کنی وزیر کشور که روز گذشته به همراه وزیران پست و تلگراف و تلفن وراه و ترابری و نیز چند تن از مقامات کشور به زاهدان سفر کرده بود بعد از ظهر پریروز درمسجد جامع این شهر پیرامون تغییر فرهنگ مردم براثر انقلاب اسلامی برای عده کثیری از مردم موحد و مسلمان زاهدان سخنرانی کرد. آیت‌الله مهدوی کنی در گوشه ای از سخنانش با اشاره به ماهیت انقلاب اسلامی گفت. شما یقیناً بدانید تمام کسانی که درصدر کارند خدمتگزار شما هستند وجز خدمت به اسلام وشما هدف دیگری ندارند.

وی افزود وزیران پیش ازطلوع آفتاب وناپاسی از شب گذشته درجهت پیشبرد انقلاب و خدمت به شما مشغول به کار هستند وانشاءالله به رهبری امام خمینی وشما ملت سلحشور پیروز خواهیم شد. وی همچنین گفت شماخواهران و برادران سیستانی و بلوچستانی سالیان‌دراز از مرز وبوم این کشور سلحشورانه پاسداری کردید و من مطمئن‌هستم که هرگز نخواهیدگذاشت دشمنان‌اسلام ازاین قسمت کشور نفوذ کنند بعضی‌ها شایع میکنند فقر دربلوچستان موجب سوء استفاده دشمن می‌شود این افراد باید بدانند که برادران بلوچ ما علاوه بر مسلمان بودنشان مردمی باایمان و معتقد و وطن دوست هستند. آیت‌اللهمهدوی کنی درپایان سخنان خود مردم رابه وحدت هرچه بیشتر برای تداوم اهداف جمهوری‌اسلامی ایران دعوت کرد.

این گزارش حاکیست که نماز مغرب وعشاء دیروز به امامت آیت‌اللهمهدوی کنی وبا شرکت انبوهی از مردم مسلمان زاهدان در مسجد جامع این شهر برگزار شد.

پاسخ خبرنگار انقلاب اسلامی به حجت‌الاسلام خلخالی

حجت‌الاسلام خلخالی با ارسال نامه‌ای به روزنامه‌ اطلاعات وکیهان مورخ ۵۹/۹/۲۲ تحت عنوان "این کارنامه من و این قضاوت ملت" مطالبی را نوشته‌اند و پس از برشمردن کارهای خود در زمینه مبارزه با موادمخدر و انجام کارهای عمرانی در قسمتی از این نامه آمده است " ... تا اینکه روزنامه انقلاب اسلامی ازطرف‌ما به‌دادگاه دعوت شد و رفت‌مستقیما با زندانی‌ها تماس گرفت‌و خود اعتراف کرد کـه در زندان دادگاه مبارزه با موادمخدر هیچگونه شکنجه‌ای صورت نگرفته و بنا شد این مطلب را با تیتر درشت در همان صفحه روزنامه منتشر کند ولی متاسفانه و هزار اسف که منعکس‌نکرد و این عین حقیقت است که میگوئیم ... ".

آقای خلخالی در این زمینه روی سخن ما بـا شما است . اولا کی و در چه تاریخی از طرف دادگاه شما روزنامه انقلاب اسلامی دعوت شد؟ چرا اینکه پس از انتشار نخستین گزارش روزنامه انقلاب اسلامی از زندان قصروبازدیداز بند ویژه در تاریخ ۵۹/۹/۸ (در همان گزارش گفته شد که بند ویژه زندان مستقلی بوده و بگفته ماموران شهربانی چند روز بود که این بند در حیطه سرپرستی زندان قصر قرار گرفته بود) و ضرب و شتم‌ها و شکنجه‌هائی که صورت گرفته بود (از طرف افرادی چون ماشاالله قصاب) بنابراین بازدید نخستین ما بدعوت شورای سرپرستی زندانها آقایان شاه‌علیزاده و سرحدی‌زاده بود .

دراین دیدار دو عضو شورای سرپرستی زندانها مسائلی را مطرح کردند (از قبیل سخنان سرحدی‌زاده که باید به جای ۶ تا زندان ۶ گورستان درست کرد) پس از انتشار این گزارش شورای سرپرستی زندانها برای اینکه وانمود کند در زندان شکنجه نیست برای بازدید از خبرنگاران دعوت کرد و بار دوم سرهنگ شفیعی رئیس زندان قصر شخصا خود به روزنامه تلفن کرد و از نماینده روزنامه خواست کـه در این بازدید شرکت کند و این روشن میکند کـه بازدید دوم نیز از طرف دادگاه شما نبود .

ثانیا آقای خلخالی‌شما نوشته‌اید که خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی رفت و با زندانیهاتماس گرفت باید بگوئیم بار اول بلی ما آزاد بودیم که از تمـام بندها بازدید کنیم چون آقایان شورای سرپرستی زندانها باور نمی‌کردند که شکنجه‌ای وجود داشته‌باشد و یا فکر میکردند از دید خبرنگاران مخفی خواهـد ماند، در بازدید اولی خبرنگاران آزاد بودند و از چند بند زندان و بند ویژه بازدید کردند که‌مشروح آن بازدید از نظر خوانندگان گذشت . (توضیح اینکه آقای خلخالی از این بازدید مطلع نبودند) و گناه روزنامه انقلاب اسلامی این بود که بدون پرده‌پوشی و با رعایت اصل بی‌طرفی هم گفته‌های مسئولان زندان و هم گفته‌های زندانیان را بازگو کرد و گزارش بی‌غرضانه ما به مذاق آقایان سرپرستی بخصوص آقـای شاه‌علیزاده خوش نیامد . و در بازدید دوم نامبرده عنوان میکرد که خبرنگار انقلاب اسلامی حرفهـای خصوصی ما را ضبط و منتشر کرده است؟! که خبرنگار خبرگزاری پارس‌که‌درجلسه‌حضور داشت به شاه‌علیزاده گفت شما وقتی دریک مصاحبه مسائلی را عنوان میکنید مقام مسئول هستید و حرفهای شما نمی‌تواند خصوصی باشد . بهرجهت در بازدید دومی که از ما هم دعوت شده بود پس‌از اینکه شاه‌علیزاده ادعای وجود شکنجه را بطورکلی رد میکرد قرار شد که از بندها بازدیـد شود لیکن آقای شاه‌علیزاده گفت که من هم باید بـا شما باشم و پیشنهاد خبرنگاران برای بازدید آزادانه را نپذیرفت و بعد از طرف خبرنگاران پیشنهاد شدکه از بند ویژه شروع کنیم که این امر نیز مورد موافقـت قرار نگرفت و نامبرده گفت باید از بند موقت شـروع کنیم و بعد سایر بندها بترتیب مورد بازدید قـرار گیرد . بهرصورت پیشنهاد وی مورد پذیرش خبرنگاران قرار گرفت و ما هم با اکراه آنرا پذیرفتیم ، لیکن بـه شرط اینکه از تمامی بندها بازدید کنیم . همچنان که سایر خبرنگاران حاضر و ناظر بودند بازدید ما فقط به‌بند موقت محدود شد و درهمین بند هم خاتمه یافت . زیرا درهمین‌بند موقت هم که شاه‌علیزاده انتظار نداشت نمونه‌هائی از شکنجه دیده شد . افرادی مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند . البته شاه علیزاده عنوان میکرد که شکنجه در زندان نبوده‌بلکه خارج از زندان بوده است . بخصوص نمونه‌ایی که خود شاه‌علیزاده آنرا دید و تصدیق کرد که نه حد شرعی است و نه چیز دیگر و فقط شکنجه است . این فرد از ناحیـه دست و پا بشدت مضروب شده بود . پس از پرس وجو مشخص شد که این فرد را شخصی بنام ماشاءالله‌قصاب دستگیر و مدت ۷ روز در کمیته‌ای یا خانه‌ای نزدیک میدان فردوسی شکنجه‌کرده و پس از این مدت تحویل زندان قصر (بند ویژه) داده است . شاه‌علیزاده پس از دیدن این نمونه و نمونه‌های دیگری که بود گفت باید جریان تعقیب شود که در کجا صورت گرفته است . پس از اینکه این نمونه‌ها دیده شد به اتفاق شاه‌علیزاده و خبرنگاران به دادگاه بند ویژه مستقر در زندان قصر رفتیم . و وقتی پرونده فرد مضروب خواسته شد روشن شد که ماشاءاله قصاب متهم را تحویل زندان داده است . (حالا روشن نیست کـه ماشاءاله قصاب در این میان چکاره بوده و ضابط کدام دادگاه است) این جلسه در اتاق آقای رضوانی مسئول دادگاه ویژه بود . پس از مدتی حاج‌آقائی از اتاق آقای خلخالی آمد و گفت آقا آمده‌اند بـا خبرنگاران کار دارند . (منظور آقای خلخالی است) پس‌ازاین به‌اتفاق آقایان شاه‌علیزاده و سرحدی‌زاده و خبرنگاران به اطاق آقای خلخالی رفتیم .و آقای خلخالی در پاسخ بسئوال خبرنگاران مطالبی را گفت و اینکه ماشاءاله قصاب چکاره هستند . گفت وی یک آدم ساده‌ای است و ماهم یک کاری به او دادیم .

بنابر این آقای خلخالی ! من که‌خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی بودم در مرتبه دوم از زندان بند ویژه بازدید نکردم . و تنها بندی که مورد بازدید قرار گرفت بند موقت زندان قصر بود و آنهم فقط در ظرف نیم ساعت . پس گفته شما در زمینه تماس با زندانیها کذب محض است . ثالثا " نوشتـه‌اید که " خود اعتراف کرد که در زندان مبارزه با مواد مخدر هیچگونه شکنجه‌ای صورت نگرفته و نباشد این مطلب را با تیتر درشت در همان صفحه روزنامه منتشر کند ولی متاسفانه و هزار اسف کـه منعکس نکرد و این عین حقیقت است که میگویم .. "

آقای خلخالی کی ما اعتراف کردیم که شکنجه‌ای وجود ندارد آنهم هیچگونه شکنجه‌ای ؟ اینجا باید عنوان کنیم مسائلی که ما مطرح کردیم در رابطه با کل زندانها بود . بخصوص ضرب و شتم‌هائی که در کمیته‌ها صورت میگیرد و تنها در رابطه با بند ویژه نبود که بعد قضیه را لوث کنند که " بلی اینها طرفدار قاچاقچی‌ها هستند. " خیر آقای خلخالی ما مسئله را کلی مطرح کردیم البته در بند ویژه هم مسائل زیادی مطرح بود امیدواریم با هیئت بی‌طرفی که با نظر امام امت انتخاب میشود مسئله شکنجه بطور دقیق در زندانها مورد بررسـی موشکافانه قرارگیرد . (نه تنها شکنجه بلکه بازداشت های طولانی بدون دلیل و ...)و نتیجه تحقیق به عرض ملت ایران برسد . البته این همان پیشنهادی بود که چندی قبل در پاسخ به حجت‌الاسلام خلخالی عنوان کردیم که هیئتی بی‌طرف انتخاب شود که تحقیق نموده و نتیجه را اعلام نماید. بعد آقای خلخالی نوشته‌اند که ما قول داده‌ایم مطلب وی را با تیتر بزرگ در همان صفحه منتشر کنیم . آقای خلخالی‌اصلا ما با شما در این زمینه صحبتی نداشتیم و خدا بین ما روز قیامت حکم خواهد کرد .

...

تنها بازگرداندن ایران و ایرانی باسارت در چنگال استعمار شرق و غرب است ، ندارد. زیرا که این فقط شیوه فرصت‌طلبان و از پشت خنجرزنان است که با توجیه خرابکاریها و کجرویهای مشهود در عملکرد مسئولین مملکتی ، در کمینگاه نشسته‌اند تا در زمره میراث‌خواران انقلاب درآیند .

و بالاخره ما ضمن رد و محکوم کردن شعار جدائی دین از سیاست اعتقاد داریم که افراد و گروههائی که از پیروزی انقلاب تاکنون به چیزی جز کوبیدن منبع قدرت و انحصار قوا نیاندیشیده‌اند و برای نیل به مقصود، رابطه و توازن اختیار و مسئولیت و حق و تکلیف را بهر نحو ممکن بنفع خود تعبیر داده و یا تعبیر کرده‌اند، نه تنها به اعتماد عمومی نسبت به روحانیت اصیل و مبارز خدشه وارد ساخته ، بلکه کل جمهوری اسلامی را تا خطر سقوط در دامان اجنبی ، بهرشکل کـه میخواهند، مواجه نموده‌اند و اینان همان کسانی هستند که با فرصت‌طلبی از اعتقاد و خوشنامی برای خود گرشمار ساخته‌اند که مردم را ناآگاه و ساده‌لوح

آخرین رویدادهای دانشگاه صنعتی شریف

صبح دیروز عده زیادی از اعضاء هیئت علمی و کادرآموزشی دانشگاه صنعتی‌شریف درمقابل در ورودی دانشگاه درخیابان آزادی اجتماع کرده‌بودند بر سر در دانشگاه اطلاعیـه‌ای به امضاء رئیس‌دانشگاه نصب شده بود که طبق آن دانشگاه از تاریخ شنبـه بیست و دوم آذرماه به مدت دوهفته تعطیل اعـلام شده است . همچنین ورود افراد به محوطه دانشگاه از روی لیستی که دراختیار نگهبانی گذاشته شـده بود ، انجام میگرفت .

یکی از استادان درمورد تعطیلی دانشگاه و علت اجتماع افراد در بیرون از دانشگاه بخبرنگـار ما گفت که مجمع عمومی کارکنان آموزشی دانشگـاه قرار بود امروز تشکیل شود واز اعضاء ستاد انقلاب فرهنگی هم برای شرکت دراین جلسه مجمع عمومی دعوت شده بود ولی رئیس دانشگاه برای جلوگیری‌از تشکیل این مجمع ، تصمیم به تعطیلی‌دانشگاه‌گرفت و از طرف دیگر بنظر میرسد این تصمیم در رابطه بـا بیانیه مجمع عمومی هیئت علمی که خواستاراتحلال جهاد دانشگاهی شده است ، گرفته شده که بخیـال خودشان باقدرت نمائی از پیگیری این نظر توسـط سایر دانشگاهها جلوگیری شود .

درمقابل در ورودی دانشگاه، قطعنامه مجمع عمومی کادرآموزشی واداری دانشگاه مورخ هجدهـم آذرماه نصب شده بود که درطی آن ، شرکت کنندگان در مجمع عمومی ، ضمن محکوم کردن کسانی که بـا جهاد دانشگاهی مخالفت میکنند . از کلیـــه دانشگاهیان خواسته بودند که‌دربرنامه ریزی وبازسازی صنایع هرچه بیشتر کوشا باشند . دراین‌قطعنامه همچنین باتشکیل جلسه مجمع عمومی روز یکشنبه ۲۳ آذرماه (دیروز) توسط گروه دیگری از اعضاء کـادر آموزشی مخالفت شده بود .

درپائین قطعنامه فوق ، نامه‌ای به امضاء یکصدو بیست ودونفر ازاعضاء هیئت علمی‌دانشگاه صنعتی شریف جلب توجه میکرد که برخلاف قطعنامه مذکور جهاد دانشگاهی‌را فاقد اعتبار ومحلله اعلام کرده و شورای سرپرستان انتخابی دانشکده‌هارابعنوان‌مدیریت موقت دانشگاه برسمیت شناخته بود .

از طرف دیگر آقای دکتر انواری رئیس دانشگاه صنعتی شریف، درمورد علت تعطیلی موقت دانشگاه بخبرنگارما اظهار داشت که وضع دانشگاه صنعتی تا این اواخر خیلی خوب بوده است وعده زیـادی در دانشکده‌های مختلف با داشتن حکم وبابدون حکم مشغول کار بوده‌اند . همچنین احکام عده‌ای نیز در شرف صدور بوده است وباوجودیکه سعی شد روشی مثبت وسازنده در اداره دانشگاه درپیش گرفته شود ولی متاسفانه عده معلوم‌الحالی دست از تخریـب برنداشته وباپخش شایعات وجلوگیری از تماس‌همکاران با اینجانب به بهانه‌های مختلف موجب ایجـاد اختلاف شده اند . این عده کم‌کم کار را به جائـی رسانده‌اند که گفته‌اند شورای جهادرا قبول ندارندو شورای سرپرستان باید بجای رئیس دانشگاه تصمیم بگیرند . با اینحال ما به دانشکده‌ها احترام‌گذارده‌ایم وحقوق کسی‌را قطع نکرده‌ایم ولی این عـده در ادامه فعالیتشان افرادی را که درصنایع کار میکنند تهدید کرده‌اند که" اگر دولت دست ما بیفتد شمارا محاکمه واخراج خواهیم کرد" و این امور بتدریـج باعث دلسرد شدن آن گروه فعال وتزلزل آنها در کار گردیده‌است وعده زیادی دراین رابطه بمن مراجعه کرده‌اند که‌تکلیفشان روشن شود در ضمـن متوجه شدیم که عده‌ای درازاء گرفتن پول وبدون اطلاع رئیس دانشگاه ازامکانات‌آموزشی‌استفاده می‌کرده‌اند واین اواخر حتی درکارهای جهاد کـــه تخصصی هم در رابطه با مسائل ارتش بود کارشکنـی کرده‌اند .

لذا تصمیم گرفتیم که برای جلوگیری از هرج ومرج دانشگاه را بمدت دوهفته تعطیل کنیم تا درایـن مدت تکلیف همه‌افراد از نظر نوع کار آنها مشخص شود وبعداز آن دانشگاه فقط برای کسانی باز شود که درداخل دانشگاه کار میکنند ونه برای کسانیکه بدون کار حقوق میگیرند واخلال میکنند .

اجتماع کنندگان درحدود ساعت ۱۰ صبح بـه آرامی متفرق شدند وهیئتی مرکب از کمیته بنگیری مسائل وسرپرستان منتخب دانشکده‌ها برای مذاکره با اعضاء ستاد انقلاب فرهنگی، به محل وزارت علوم

چند نفر از اعضای ... منش بود. ندا رانده ... روش خواهد شد.
اتوبوس ارتشی که ا... ما بسا مشاهده آن

حمت‌رده کشورهای اسکان داده شده‌اند.

... مهاجران جنگ‌زده را

پاسخ حجة‌الاسلام احمد علم‌الهدی به مطلب «از دبیرستان تا اوین»

حجت‌الاسلام سید احمد علم‌الهدی مسئول کمیته منطقه ده، نامه‌ای در پاسخ مطلب "از دبیرستان تا اوین" بدفتر روزنامه فرستاده‌اند که برای قضاوت عموم مردم، قسمتهایی از نامه‌راکه با این موضوع مربوط میشده‌است، بدون توضیح اضافی چاپ میکنیم، چرا که این جوابیه، خود نمایانگر بسیاری واقعیتها و بینشهای حاکم برجامعه است.

بسمه‌تعالی

ارادیو بغداد تا روزنامه انقلاب اسلامی

درتاریخ شب دوشنبه ۱۶ آذرماه نیمه‌شب تعدادی از دانش‌آموزان وابسته بگروههای چپی و التقاطی درصدد اجرای توطئه آمریکایی تعطیل مدارس، از دیوار دبیرستان ابوریحان بالا میروند و در ودیوار مدرسه وکلاسها شعارهای ضداسلامی مینویسند و عکسهای امام را پائین آورده چشمهای آنرا سوراخ نموده و بدیوارها میچسبانند صبح که دانش‌آموزان مسلمان و مذهبی وارد میشوند بااین صحنه اسف‌انگیز روبرو شده بسرعت درصدد پاکسازی دیوارها برمیآیند که اقدام این برادران مقدمه یک درگیری شدید در داخل دبیرستان را فراهم میآورد جریان بکمیته منطقه ۱۰ گزارش داده‌میشود مامورین انتظامی کمیته برای حل درگیری به دبیرستان مراجعه میکنند وبرای تعقیب جریان، عوامل درگیری به منطقه کمیته هدایت میشوند آنها باکمال گستاخی بقصد خلع سلاح پاسداران بآنان حمله میکنند و پاسداران بعداز درگیری با آن عناصر ناپاک مخرب قریب ۱۳ دانش‌آموز رابکمیته میآورند درکمیته بعداز بررسی جریان ۳ نفر که عامل اصلی شناخته میشوند برحسب دستور دادستان انقلاب به دادگاه انقلاب انتقال داده‌میشوند و بقیه آزاد میگردند.

روزنامه باصطلاح انقلاب اسلامی که برادر خوانده روزنامه مجاهد از کار درآمد وسنگر عموم عناصر ضدانقلاب و ضداسلام گردیده است دررابطه بااین جریان که خوراک لذیذی برای تبلیغات فتنه‌انگیزانه خود یافته ویک خانم و یک آقارا تحت‌عنوان خبرنگار بکمیته اعزام نمود و بنده با توجه به خط انحرافی این روزنامه ازمصاحبه باآن خودداری کردم و چنین اظهار داشتم که چون تصمیمی نسبت بعدم سانسور مطالب نداریم ازمصاحبه معذوریم و شما دراین محوطه حق مصاحبه با هیچکس ندارید ولی خبرنگار سالوس خائنانه مشغول به ضبط گفتار بنده و سروصدای مراجعین بکمیته که برای کارهای مختلف مراجعه کرده بودند گردید وبا کشف این خیانت نابکارانه نوار ضبط صوت وی توقیف گردید و وی از کمیته اخراج شد جناب رئیس جمهور روشن اندیش وآزادیخواه کجای این عمل با وظایف انتظامی کمیته منافات داشته‌است آیامقتضای آزادی اینجانب غیرازاین بوده که بتوانم با میل‌خود ازمصاحبه خودداری کنم؟ وآیا این خیانت آقاوخانم خبرنگار تعقیب قانونی نداشته‌است؟ ازهمه اینها بگذریم جزای ما در برابر این خدمت است که از یک روزنامه که از بیت‌المال مسلمین سرمایه‌گذاری شده‌است یک‌چهارم صفحه به دشنام و افتراو اتهام بکمیته اختصاص یابد: من و مسئول نظامی کمیته بااین آقای خبرنگار گفتگو کردیم ششصد پاسدار کمیته منطقه ۱۰ که دراین هوای سرد شبها تابه صبح از انقلاب و مال‌وجان وناموس این مردم در سرچهارراهها و دروازه‌های این شهر پاسداری میکنند چه تقصیر دارند که باید هدف تیرهای زهرآلود اتهام روزنامه انقلاب اسلامی قرارگیرند.....

جناب آقای رئیس‌جمهور با توجه به حرمت شخص شمابعنوان رئیس‌قوه مجریه‌علت این اظهارات کم تحملی و کم ظرفیتی اینجانب نیست بلکه چون این مرتبه دومین مرتبه‌ای است که هدف تیر برچسب و اتهام ودشنام روزنامه‌انقلاب اسلامی قرارگرفته‌ایم بدرددل آمده‌ایم چندی قبل درتاریخ ۸ آذرماه در صفحه ۳ روزنامه انقلاب‌اسلامی از قول ناصر معمی نوشت که وی ۳ماه درکمیته منطقه ۱۰ زندانی بوده است ناصر معمی رئیس یک باند دزدی اتومبیل بوده است که‌پاسداران‌هوشیار کمیته منطقه ۱۰ آنرا کشف و در اختیار اداره آگاهی گذارده‌اند واداره آگاهی این شخص را (۳ماه) دراختیار داشته که بوسیله وی اتومبیلهای دزدی‌راگرفته‌است وبرای‌کمک از پاسداران و امکانات منطقه ده آگاهی این شخص را بکمیته می‌آورند و شب در کمیته میماند و پاسدار متواضع از تخت خود پائین میآمده‌واین آقا روی تخت پاسدار درآسایشگاه میخوابید آنگاه این جرثومه ناپاک نمر روزنامه انقلاب اسلامی را پایگاه و سنگر خود یافته است از راه اتهام به کمیته منطقه ده ضربت و نیش خودرا به پاسدار مظلوم زده است وشما میتوانید صحت وسقم جریان را از شعبه ۳ آگاهی جناب سروان فریبرزیان تحقیق فرمائید.

برای ما مهم نیست‌ولی جناب آقای رئیس‌جمهور بمنظوردادرسی از پاسدار مظلوم قهرمان کمیته منطقه ده شر روزنامه انقلاب اسلامی را از سر اسلام و مسلمین کوتاه فرمائید درخاتمه برای معرفی ماهیت روزنامه انقلاب اسلامی فقط یک جمله عرض میکنم از مدتی قبل رادیو بغداد ورسانه‌های تبلیغاتی صدام علیه کمیته منطقه ده و پاسداران آن مشغول سم‌پاشی بوده و روزنامه انقلاب اسلامی راه رادیو صدام را میرود. فاعتبروا یااولی‌الابصار

مسئول کمیته منطقه ۱۰
سید احمد علم‌الهدی

چشم‌تنگی ادامه تحصیل دانشجویان مراکز تربیت معلم اهواز

خبرگزاری پارس ـ وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد. بعلت وضع اضطراری کدبرای مراکز تربیت‌معلم پسران و دختران اهواز بوجود آمده است دفتر تربیت معلم وزارت‌آموزش و پرورش دانشجویان مراکز مذکور را برحسب رشته تحصیلی به مراکز مختلف معرفی می‌نماید تا در امر ادامه تحصیل آنان وقفه‌ای حاصل‌نشود براساس تصمیم دفتر تربیت معلم کلیه‌دانش‌جویان پسر و دختر مراکز جدید تربیت معلم اهواز می‌توانند جهت ادامه تحصیل خود به مراکز ذیل مراجعه کنند:

۱ـ دانشجویان‌رشته آموزش ابتدائی به مراکز تربیت معلم خرم‌آباد و یزد.

۲ـ علوم اساسی به مراکز اصفهان و یزد

۳ـ علوم تجربی به مراکز یزد و شیراز

۴ـ زبان به مراکز اراک و قم

۵ـ ریاضی به مراکز خرم‌آباد و شیراز

۶ـ حرفه و فن به مراکز تربیت معلم تهران

۷ـ تربیت بدنی به مراکز شیراز و تهران

۸ـ دینی و عربی به مراکز اصفهان و شیراز

۹ـ هنر به مراکز تهران و شیراز.

آمار کشفیات ژاندارمری ناحیه سیستان و بلوچستان

خبرگزاری پارس ـ اداره روابط عمومی ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای آمار کشفیات ژاندارمری ناحیه سیستان و بلوچستان را درچند روز گذشته اعلام کرد. براساس این اطلاعیه ماموران ژاندارمری مزبور با فعالیت بی‌گیری موفق شدند دوازده قبضه سلاح ۱۷۷۲ سر فشنگ، ۷۵ کیلوگرم تریاک ۱۰۷ گرم هروئین ۱۳۴۶۰ کیلوگرم حشیش ۲۵۵۴۲۰ بسته سیگار و مقدار زیادی از انواع کالاهای قاچاق از قاچاقچیان کشف و در این رابطه تعدادی دستگیر و به مراجع ذیصلاح تحویل گردیدند.

اطلاعیه جامعه دندانپزشکان

خبرگزاری پارس ـ جامعه

فعالیتهای کمیته بهداشت و درمان کشاورزی جهاد سازندگی

اصفهان. فعالیتهای انجام شده کمیته‌های بهداشت و درمان و کشاورزی جهادسازندگی آران و بیدگل از نواحی شهرستان کاشان طی دو ماهه شهریور و مهرماه شرح زیر اعلام شد.

دراین‌مدت‌توسط کمیته بهداشت‌ودرمان از طریق اعزام‌گروه‌پزشکی و امداد به روستاها و با معرفی بیماران به پزشکان متعهد بدرمان و هفتاد هزار ریال دارو بطور رایگان به اهالی روستاهای محمدآباد و علی‌آباد و حدفل ... ریال به افراد ... آران و بیدگل داده شده و این کمیته ضمن جمع‌آوری دارو از منطقه و تفکیک آنها برای استفاده‌اهالی و ارسال به مناطق جنگی نسبت به دائر نمودن کلاسهای کمک اولیه و توزیع خوراکی در این زمینه بین خواهران و برادران داوطلب اقدام کرده است.

اطلاعیه شهرداری تهران

روابط عمومی شهرداری تهران در رابطه باتشکیل ستادهای بسیج محله‌های تهران اعلام کرد به اطلاع ائمه‌محترم جماعات مساجدی که در پوشش ستاد بسیج منطقه ده شهرداری تهران قرار گرفته‌اند می‌رساند. از هر مسجد پنج تن از افراد ورزیده و تائید شده آن محل در رابطه با امور بسیج بین ساعت ۸ الی ۱۳ روزهای ۲۴ الی ۲۷ آذرماه جاری بمحل این ستاد واقع در خیابان آزادی اسکندری شمالی نبش فرصت شهرداری منطقه ده معرفی نمایند محدود منطقه ده تهران شمالا خیابان آزادی شرقا خیابان‌نواب صفوی‌جنوبا خیابان قزوین و غربا خیابان ۲۵ متری‌رودخانه (مسیل‌فلفلی) می‌باشد.

اعلام پشتیبانی از روحانیت مبارز

به گزارش واحدهماهنگی و خبرگیری مردمی خبرگزاری پارس، سپاه پاسداران، واحد بسیج سپاه، انجمن اسلامی دادگستری، کارکنان ...

تغییر محل دفتر نمایندگی انقلاب اسلامی درشهر قزوین

باردیگر جهت آگاهی مردم شریف قزوین بخصوص مشترکین محترم روزنامه انقلاب اسلامی میرساند دفتر نمایندگی روزنامه انقلاب‌اسلامی به میدان ولی‌عصرجنب کالای صنعتی حیدری فروشگاه نمر "اصغر زرنکسوی" انتقال یافته‌است لذا همشهریان محترم میتوانند جهت درج آگهی‌ها، تسلیت‌ها و ...



محمد فیضی

صع عکس‌العمل قرار میگیرد و بارده آن بر فرق
سئولین آن فرود خواهد آمد و در نهایت بدریان
امعه تمام خواهد شد ولی آنگونه که از قبل برشمردیم
ر این دستگاه دوربین‌هایش را بین مردم ببرد و
وقوف از مسائل و مشکلات مطرح ساختن آنها و
ان استادهای سازنده و ارشادی ارائه طریق در
بنه مسائل مطروحه انتقادی مبلغ نشر افکار
رنده باشد و منشر آینده متعالی بشریت در
صورت است که جامعه هیچگاه دچار جنگ روانی
خواهد شد و در موضع عکس‌العمل قرار نخواهد
ت. همین چند روز پیش حدود یکصدوپنجاه‌تن
دانش‌آموزان آمل که برای اظهار نارضایتی از
ضاع و جریانات اخیر چند شهر شمال کشورمان
تهران آمده بودند بدفتر روزنامه مراجعه
دند یکی از آنها میگفت:

"شما که سری بما نمی‌زنید، وضع شهرما از هر
ر خراب است، بچه‌های کمیته آمدند و ۱۲۰نفر از
چه‌ها را دستگیر کردند و به زندانهای لار، آمل و
ر بردند، در آمل هیچکس به وضع مدارس ما
یدگی نمی‌کند و ......

جوابی نداشتم که به او بگویم به او قول دادم
چه را که میگوید تحقیق می‌کنیم و درج خواهیم
د. به گمان ما مسئله بالاتر و اساسی‌تر و حساس‌تر
آن بود که او می‌گفت چرا که نه تنها در آمل بلکه
اسر شهرهای گیلان، مازندران، تهران و ...
بس درگیریهایی بوده است در این میان وظیفه
دیو - تلویزیون که بیش از ۱۵ میلیون بیننده
رد اینست که برود و از طرفین درگیری و مسئولین
هر چگونگی جریانات را بپرسد و با پخش ماوقع،
کار عمومی را از کم و کیف حادثه مطلع سازد چرا
مردم خود آگاهند و تحت تاثیر شانتاژهای موجود
ر نخواهند گرفت. اما افسوس که رادیو - تلویزیون
رج از چهارچوب گروهی خاص به جریانات جامعه
اسا توجهی ندارد.

گر رادیو، تلویزیون اصلاح شود جامعه اصلاح خواهد شد و اگر روش خریبی اختیار کند بمثابه سم طرناکی جامعه را از درون متلاشی واهد کرد

۴ - آگاهی دادن به جامعه از طریق پخش و
ریه و تحلیل اخبار و اطلاعات صحیح، ازدیگر
یف رادیو - تلویزیون است. در این مورد هم
ا و سیمای کشور لنگ می‌زند. بطور مثال در
ل هفته نه صدا و نه سیما هیچکدام نمی‌توانند
عا کنند که حتی برای یکبار هم که شده جریانات
را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده باشند ولی نقطه
بل تفاسیر یعنی مداحی، شعار و توجیه مسائل
وان شنیده می‌شود. بطور مثال اگر در نظر
ریم که جنگ عراق با ایران مهمترین مسئله روز
مملکت است و این دو دستگاه (بیشتر رادیو)
ساعت به تجزیه و تحلیل و بحث پیرامون این
نگ ماهیت رژیم بعث عراق و عملکرد نیروهای
ردی پرداخته باشد و یک شنونده رادیو بیاید
ی کسب اطلاع از ماوقع به تمامی ۱۰ ساعت
امه‌های رادیو گوش فرا دهد و در پایان کلاهش
قاضی کند که آیا چیزی آموخته است یا نه بطور
م خواهد کسب خبر. چرا که هر ده ساعت برنامه
های تکراری کلی‌گویی، شعار، مداحی و توجیه
... سپرده است. احساس ...

نامه ۶۰ تن از ...

"قوانین و مقررات استخدامی کادرآموزشی و هیات علمی دانشگاه تهران" را (که بموجب مصوبه شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تمامی موسسات آموزش عالی باید برطبق آن عمل نمایند) بزیر پا نهاده و حتی در مواردی نیز به نقض صریح برخی از اصول قانون اساسی اقدام نموده است. نفی گروههای آموزشی دستور توقف پرداخت حقوق تعداد کثیری از اعضاء هیات علمی این موسسات تهدید امنیت شغلی و ایجاد جو خفقان و تفتیش عقاید و ... از جمله این اقدامات مستبدانه و قانون‌شکنانه میباشد.

باتوجه به مطالب فوق ذیلاً فوریترین مطالبات خود را طرح نموده و مصراً خواستار اجرای سریع آنها میباشیم:

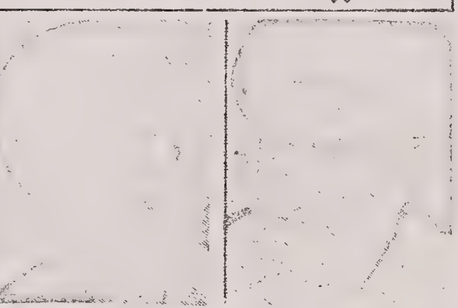
۱ - گشایش هرچه سریعتر دانشگاهها وموسسات آموزش عالی و دگرگونی انقلابی نظام آموزشی با حضور مشارکت فعال دانشگاهیان اعم از اعضای هیات علمی و دانشجویان و کارکنان.

۲ - رسیدگی به عملکرد "شورای جهاد دانشگاهی گروه علوم" و سرپرست انتصابی این گروه

۳ - اجرای صحیح "قوانین و مقررات استخدامی کادرآموزشی و هیات علمی دانشگاه تهران" تا زمان تصویب قوانین آئین‌نامه‌های جدید از طریق مراجع ذیصلاح.

۶۰ امضاء

آدینه تا آدینه



هئیت پنج‌نفری مامور رسیدگی به اختلافات میشود

متاسفانه از این هئیت فقط عکس سه نفر موجود بود.

البته تلاش بسیار میشود که این نتیجه پربار را بی‌ارزش جلوه‌دهند اما این‌آقایان با گرفتن اختیارات از سوی امام همچنان بکار خویش ادامه خواهند داد و نتیجه را همانطور که خود گفته‌اند به امام و ملت ایران گزارش خواهند کرد باشد که این هیئت و هیات رسیدگی به شکنجه در روزهای آینده منعکس‌کننده واقعیات جامعه‌مان باشند، بیان آن دسته از واقعیات که وجود دارند و رئیس‌جمهور هم بخاطر بیان همین واقعیات مورد حمله گروهی قرار میگیرد امید ما اینست که نتایج بررسی این دو هیات در بهتر شدن اوضاع سیاسی کشور کمک موثر بنماید.

چهار روز پس از انتخاب این هیئت روزنامه جمهوری اسلامی با انتشار بیانیه حزب جمهوری اسلامی موضع خویش را بطور آشکار روشن میسازد که:

" یکی از اهداف جنگ تبلیغاتی رادیوها و مطبوعات امپریالیزم در سراسر جهان همواره درهم کوبیدن حزب جمهوری اسلامی بوده است. امپریالیستها بچندین دلیل روز و شب علیه حزب جمهوری اسلامی تبلیغات می‌نمایند یکی اینکه حزب جمهوری اسلامی را بعنوان تجربه سیاسی روحانیت راستین تشیع سرخ می‌شناسند و معتقدند اگر این تجربه موفق افتد به آمیختگی همبستگی دین و سیاست در ... خواهد شد ... دلیل ...

این غیر اصولی است که در شهری بزرگ چون تهران هر موسسه یا سازمانی محدوده خاص خویش داشته باشد.

محدوده‌های جدید ۲۰ گانه شهرداری تهران براساس معیارهای فرهنگی، بافت‌های قدیم و جدید شهری، نقطه‌نظرات خاص جغرافیائی و تعداد ساکنین محلات تعیین و مشخص‌شده است باین امید که انواع امورخدماتی مردم در همان محل و محله حل‌وفصل شود.

روابط عمومي شهرداری تهران

هیچ سخنرانی را نمی‌یابد که در آن علیه روحانیت سخن رفته باشد ولی جوسازیهای تماشاچیان و پس‌از آن‌بوق تبلیغاتچیان آنچنان جوی میسازد که بی‌آنکه کسی سخنرانی را شنیده باشد تصورش براین میرود که حتماً ضد روحانیت بوده است.

در این میان شاید نتوان مسئله وجود شکنجه و بی‌عدالتیهای موجود را جدای از این مسائل قرار داد چرا که این حوادث در ظاهر مسئله‌ای غیرسیاسی می‌نمایند ولی باطنا با اوضاع سیاسی‌گذرا در جامعه‌مان پیوندی ناگسستنی دارد:

آقای صادق خلخالی که در روز عاشورا درجایگاه سخنرانی ریاست جمهوری با آغاز صحبت در مورد وجود شش نوع زندان، محل را ترک کرد، در پی استعفایش از سرپرستی مبارزه با موادمخدرکه‌بسادگی هم صورت نگرفته است میگوید:

" من دراینجا اعلام میکنم که به هیچوجه‌خسته نیستم یعنی اینکه در من خستگی وجود ندارد و تنها ناراحتی که برای من پیش آمده از حمله‌ها و از این قبیل کارهائی است که علیه من انجام میدهند.

...بعد از گرفتن یک قاچاقچی بنام عبدالرحمن خوش صفت یک عالم‌نما به اسم کمال فقیه ایمانی برادر داماد آقای خوئی به پیش امام میرود و میگویند، خلخالی بی‌جهت یکی از تجار را گرفته است که امام هم بخاطر این مسائل ناراحت میشوند خدا میداند من نمیخواهم یک ذره دل امام ناراحت شود..."

شخصی‌که خلخالی به نام روحانی‌نما از او اسم میبرد کسی است که از سالها قبل وجوه شرعیه را برای امام جمع میکرد و کاملا مورد اعتماد امام است. اما اینهمه شاید از همان نقل‌قولهائیست که اغلب میکنند و سعی میکنند ناراحتی امام را اگرچه از اعمال خود آنها باشد، بصورتی مطرح کنند که مقصود عکس حاصل شود. و در این رابطه حجت‌الاسلام سیدکمال فقیه ایمانی اینطور پاسخ میگوید:

آقای خلخالی از شخصی بنام عبدالرحمن خوش صفت نام برده‌اند که اینجانب اصلا نمی‌شناسم خوشحالم از اینکه رهبر عالیقدر امام‌خمینی روحی‌لهالفدا کاملا در این جریان شاهد و ناظر بوده‌اند و از دخالتهای نابجای ایشان (آقای خلخالی)سخت ناراحت شده‌اند" و در پایان خطاب به آقای‌خلخالی میگوید:

" از جناب آقای خلخالی خواستارم رعایت‌تقوی و احتیاط را بنمایند و قیامت را فراموش نکنند..."

پس از چند روز خوشبختانه فرمان امام مبنی بر رسیدگی به شایعه‌شکنجه و تحقیق در موارد آن و قصاص شکنجه‌گران، بار دیگر آرامش در جامعه بوجود آورد و اکنون ملت ایران چشم انتظار نتایج حاصله از این بررسی است.

بار دیگر باید در رابطه با وقایع هفته ... کنیم که تبلیغات هنجار با وجود ...

اندیشه



یکشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۵۹ ـ شماره ۴۲۴

...تادان پاکسازی شده
...نیک تهران

در مورد بند ۵ نیز جوابش در بالا داده شده و ...املا" ضوابط کمیته تجدید نظر راآقایان اعلام کرده‌اند ولی‌هرگز درخواست تجدیدنظر نداده‌اند و کمیته بدون درخواست‌کبتی تجدید نظر اقدام به تجدیدنظر در مورد احکام ...ادره نمی‌نمایند. زیرا در غیر این صورت فلسفه ...جودی کمیته تصفیه لوث میگردد.

...اسخ بند ۶ قبلا" ذکر شده وبیاری به تکرار آن نیست. در مورد بند ۷ که اظهار نموده‌اند قطع حقوق افراد رسمی باید توسط قانون ومرجع ذیصلاح عملی گردد، بنظر میرسد که اینگونه استادان مترقی! مصوبات شورای انقلاب و رئیس شورای انقلاب که ...یاست جمهوری بوده است را مرجع قانونی ندانسته ...اید. قوانین شاهنشاهی را لازم‌الاجرا میدانند.

...ر مورد متن پایانی نیز در صورتیکه درخواست تجدید نظر بامضاء هریک از افراد به دانشگاه ارسال ...ردد ومجلس محترم شورای اسلامی نیز لایحه پاکسازی وکمیته تجدید نظر را تصویب نماید، مسلما" طبق قانون مورد رسیدگی کمیته تجدید نظر ...رار خواهند گرفت.

...ر خاتمه خاطرنشان می‌نماید روزنامه انقلاب اسلامی نیز بسهم خود برخلاف ادعایش، در مورد مقاله فوق‌الذکر واظهار نظر یکسان را در همان صفحه ...عنوان دواظهار نظر مختلف اعلام نموده که این ...ود عاری از حقیقت است ودر داخل کادر زیر ...رنجا" موضع‌گیری منفی خودرا در مورد انقلاب ...رهنگی اعلام داشته که این نیز آب بآسیاب دشمن ...بختن است.

در پایان اضافه می‌نماید طرح وپاسخگوئی به این ...سائل که ممکنست ازهرگروه پاکسازی شده‌ای مطرح ...اشد آنهم در روزنامه‌ها امری نادرست وانحرافی ...میباشد. در صورتیکه در این موارد میتوان از طریق ...راجع قانونی در صورت ضایع شدن حقوق قانونی ...جام خواهی نمود. بنظر میرسد این کوششی برای ...شغول کردن مسئولین به امور غیرضروری بوده تا ...اید بدین طریق نیز بتوانند از انجام امور مفید ...لوگیری نمایند. لذا بدین‌وسیله اعلام میدارد گرچه دراین نامه جواب کافی به استادان معرفی تصفیه شده داده شده است وفقط منظور اشکالات مقاله آنها بوده است. از این پس از هرگونه پاسخ ـ گوئی باینگونه‌مقالات خودداری کرده ومراجع ذیصلاح قضائی انقلابی را باینگونه استادان باصطلاح مترقی! جهت طرح شکایت معرفی می‌نماید.

سیدکمال الدین نیکروش
سرپرست شورای مدیریت دانشگاه پلی‌تکنیک تهران

انقلاب اسلامی: در مورد اظهارت سرپرست شورای مدیریت دانشگاه پلی‌تکنیک تهران توضیحات زیر ضروری است:

۱ ـ "دو اظهار نظر مختلف" ضرورتا" به‌معنای "دو اظهار نظر متضاد" نیست. آن دو مقاله از آن جهت که یکی به مساله پاکسازی صرفا در دانشگاه پلی‌تکنیک تهران و دیگری اصولا به مساله پاکسازی در دانشگاهها عموما و با عنایت به قانون پاکسازی و سالم‌سازی سازمانها ودستگاههای دولتی پرداخته‌اند مختلفند.

۲ ـ سرپرست محترم شورای مدیریت دانشگاه پلی‌تکنیک تهران به ما نسبت داده‌اند که صریحا در مورد "انقلاب فرهنگی" موضع‌گیری منفی کرده‌ایم و اضافه نموده‌اند: "این نیز آب به آسیاب دشمن ریختن است". در حالیکه بهیچوجه چنین "موضعگیری صریحی" که ایشان ادعا کرده‌اند در مورد "انقلاب فرهنگی" در داخل کادر نوشته نشده است.

اما یادآوری میکنیم که ما در مقالات متعدد درباره آنچه که بنام انقلاب فرهنگی روی داد و همچنین درباره تعطیل دانشگاهها و بلاتکلیفی صدهاهزار دانشجو، صدها استاد و متخصص و ... نظرات خود را بیان داشته‌ایم که همه آنها با نظرات دیگر موافق نبوده است. در پاره‌ای موارد از وضعی که بوجود آوردند صریحا" انتقاد کرده‌ایم اما آنچه که مسلم است ما "انقلاب فرهنگی" به معنای واقعی کلمه را یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر جامعه انقلابی خود میدانیم و در این باره نیز کم‌مطلب نداشته‌ایم اگر سرپرست محترم دانشگاه پلی‌تکنیک، هرانتقاد و اظهار نظر مخالف نظر خود را، آب به آسیاب دشمن ریختن بداند و اعلام کند که وای بحال دانشگاه و دانشگاهیان ما که درست محلی که جای برخورد فکر و اندیشه است با چنین برچسب‌هایی، جلوی ابراز فکر و اندیشه را میگیرند و معلوم نیست در چنین محیطی چگونه استعدادها رشد و افکار امکان بیان می‌یابد و سرنوشت دانشگاهها، این مکانهای مقدس علم و اندیشه چه میشود.

نامه ۶۰ تن از دانشگاهیان
خطاب به وزیر فرهنگ و آموزش عالی

جناب آقای دکتر عارفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی

ما دانشگاهیان در جریان انقلاب پرشکوه مردم ایران علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و منفورپهلوی همراه با دیگر هموطنان مبارزه کرده و در این مدت علاوه بر طرح خواستهای عمومی مصرا" بر ضرورت استقلال دانشگاهها، مشارکت موثر دانشگاهیان در برنامه‌ریزی آموزشی و اداره امور دانشگاهها از طریق شوراهای انتخابی و تصفیه دانشگاهها از وجود عناصر سرسپرده رژیم گذشته پافشاری نموده‌ایم تا بتوانیم دانشگاهها را بعنوان یکی از ذخائر مهم مادی و فرهنگی جامعه در خدمت وسیعترین و محرومترین اقشار ملت ایران قرار دهیم. گرچه پس از پیروزی قیام موفق شدیم گامهائی در جهت اهداف فوق در دانشگاهها برداریم ولی متاسفانه واقعیاتی که امروز در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور ما میگذرد حکایت از ضربه هولناکی میکند که بر پیکر این نهاد وارد شده و هم‌اکنون میهن جنگ‌زده ما را از داشتن یک سنگر وسیع مبارزاتی محروم نموده است و موجبات نگرانی حدی تمامی مردم ترقیخواه ما را فراهم آورده است.

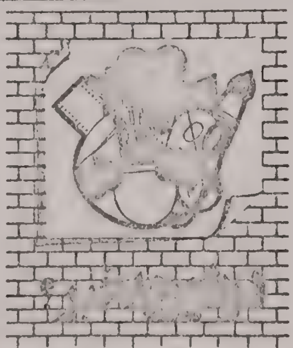
امروز پس از گذشت زمان نسبتا" طولانی از تعطیل دانشگاهها ما امضاءکنندگان زیر اعضاءهیات علمی مدرسه عالی پارس ـ دانشگاه ابوریحان بیرونی موسسه آموزش عالی آمار و انفرماتیک ـ مدرسه عالی ریاضیات و مدیریت اقتصادی کرج و مدرسه عالی کامپیوتر در کنار مسائل و مشکلات ایجاد شده برای کل دانشگاهها و موسسات آموزش عالی با مسائل خاص دیگری از جمله سه مسئله اساسی زیر نیز مواجه میباشیم:

۱ ـ بموجب طرح ادغام ۵۳ دانشگاه و موسسه آموزش عالی که از بالا و بدون‌مشارکت و همفکری دانشگاهیان ذینفع تهیه گردیده و هنوز هم از کم و کیف آن اطلاعی در دست نیست، پنج موسسه فوق‌الذکر باصطلاح تحت پوشش گروهی بنام "گروه‌علوم" قرار داده شده‌اند و این در حالی است که این پنج موسسه از نظر برخی رشته‌های آموزشی و بعضا" از نظر شیوه آموزشی (آموزش حضوری و آموزش از راه دور) با یکدیگر تجانسی ندارند.

۲ ـ اداره این "گروه علوم" نیز بعهده یک سرپرست انتصابی واگذار گردیده که ایشان با توسل به اعمال سلیقه شخصی و روشهای خودسرانه بجای اجرای قوانین ومقررات ناظر بر اداره امور دانشگاهها و موسسات آموزش عالی تصمیماتی اتخاذ نموده‌اند که سبب ایجاد خسارات مالی و معنوی جبران‌ناپذیر گردیده و امکان استفاده مجدد از سرمایه‌های مادی و نیروی تخصصی موجود در این موسسات را موکول به محال میگرداند.

۳ ـ "شورای جهاد دانشگاهی گروه علوم" با دستیاری سرپرست انتصابی با خودکامگی کامل

در صفحه ۱۰



جدیدترین کتابهای کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان

انتشارات کانون‌پرورش فکری کودکان و نوجوانان دوکتاب دیگراز جبهه‌های آزادیبخش را با نامهای اریتره و مورو در دست چاپ دارد که بزودی به بازار کتاب عرضه خواهد شد.

شموط باترجمه سعید تقدیسیان در ۴۸ صفحه بانقشه‌ها و تصاویرمختلف درجهت‌آشنائی‌نوجوانان باتاریخ ملتی که از زمین و سرزمینشان رانده شده‌اند فراهم آمده‌است.

پاسخ به مقاله ۱۷ نفر از استادان پاکسازی شده دانشگاه پلی تکنیک تهران

توضیح در شماره روز پنجشنبه روزنامه انقلاب اسلامی، پاسخ مقاله مندرج در روز ششم آذرماه در مورد ۱۷ نفر از استادان پاکسازی شده دانشگاه پلی‌تکنیک تهران" بطور کامل چاپ نشده و بخشی از آن جا افتاده بود که اینک با پوزش این بخش بقیه و پاسخ خودمان را به اظهارات ناروائی که در این "پاسخ" نسبت به ما روا شده، درج می‌نمائیم:

در مورد استادان رسمی که آقایان مدعی هستند بصورت شفاهی تصفیه شده‌اند، ما اعلام میکنیم اگر از استادان رسمی کسانی چنین تصفیه شده باشند می‌توانند هرچه زودتر به سرکار خود برگردند. ضمنا" متذکر شده‌اند که یکی از آشنایان سرپرست پلی‌تکنیک" از پاکسازی معاف گردیده است، لطفا" مشخصات شخص‌موردنظررا اعلام دارندتاسیه‌روی شودهرکه‌دروغش باشد.

صحبت از پاکسازی پس از تاریخ مقرر شده است، مطابق مقررات، کمیته‌های پاکسازی تا تاریخ ۵۹/۶/۶ فعال بوده ونباید هیچ‌گونه تصمیمی پس از این‌تاریخ‌گرفته شود. ازآنجائیکه اعضاء کمیته تصفیه دانشگاه پلی‌تکنیک‌از افراد برجسته ومسلمان متعهد بوده، خود را بیش از تصفیه‌شدگان موظف به اجرای قوانین دانسته و آنرا اجراء کرده‌اند، گواه این مدعااعلام شفاهی نتیجه کمیته تصفیه قبل از ۵۹/۶/۶ به تصفیه شدگانیکه بآنها دسترسی بوده است میباشد.

در مورد بند ۱ و۲ مقاله بنظر میرسد پاسخ لازم داده شده ودر مورد بند ۳ که صحبت از کمیته پاکسازی شده است همانطوریکه گفته شدکمیته پاکسازی دانشگاه پلی‌تکنیک طبق ضوابط شورای انقلاب اسلامی وباحکم کتبی وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی وقت تشکیل شده بود که شاید مقامات فوق‌الذکر، مورد قبول این استادان باصطلاح مترقی نبوده‌اند.

در مورد بند۴ میبایستی درخواست تجدید نظر تصفیه‌شدگان معترض‌تا تاریخ مقرر به دفتر دانشگاه ارائه شود، تا مورد رسیدگی در کمیته تجدید نظر واقع گردد.

در مورد بند ۵ نیز جوابش در بالا داده شده و کاملا" ضوابط کمیته تجدید نظر راآقایان اعلام کرده‌اند ولی‌هرگز درخواست تجدیدنظر نداده‌اند و کمیته بدون درخواست‌کتبی تجدید نظر اقدام به تجدیدنظر در مورد احکام صادره نمی‌نمایند. زیرا در غیر این صورت فلسفه وجودی کمیته تصفیه لوث میگردد.

پاسخ بند ۶ قبلا" ذکر شده وبیاری به تکرار آن نیست. در مورد بند ۷ که اظهار نموده‌اند قطع حقوق افراد رسمی باید توسط قانون ومرجع ذیصلاح عملی‌گردد، بنظر میرسد که اینگونه استادان مترقی! مصوبات شورای انقلاب و رئیس شورای انقلاب که ریاست جمهوری بوده است را مرجع قانونی ندانسته شاید قوانین شاهنشاهی را لازم‌الاجرا میدانند.

در مورد متن پایانی نیز در صورتیکه درخواست تجدید نظر بامضاء هریک از افراد به دانشگاه ارسال گردد ومجلس محترم شورای اسلامی نیز لایحه پاکسازی وکمیته تجدید نظر را تصویب نماید، مسلما" طبق قانون مورد رسیدگی کمیته تجدید نظر قرار خواهد گرفت.

در خاتمه خاطرنشان می‌نماید روزنامه انقلاب اسلامی نیز بسهم خود برخلاف ادعایش، در مورد مقاله فوق‌الذکر واظهار نظر یکسان را در همان صفحه بعنوان دواظهار نظر مختلف اعلام نموده که این خود عاری از حقیقت است ودر داخل کادر نیز صریحا" موضع‌گیری منفی خودرا در مورد انقلاب فرهنگی اعلام داشته که این نیز آب بآسیاب دشمن ریختن است.

در پایان اضافه می‌نماید طرح وپاسخگوئی به این مسائل که ممکنست ازهرگروه پاکسازی شده‌ای مطرح باشدآنهم در روزنامه‌ها امری نادرست وانحرافی میباشد. در صورتیکه در این موارد میتوان از طریق مراجع قانونی در صورت ضایع شدن حقوق قانونی فرجام خواهی نمود. بنظر میرسد این کوششی برای مشغول کردن مسئولین به امور غیرضروری بوده تا شاید بدین طریق نیز بتوانند از انجام امور مفید جلوگیری نمایند. لذا بدین‌وسیله اعلام میدارد گرچه دراین نامه جواب کافی به استادان مترقی تصفیه شده داده شده است وفقط منظور اشکالات مقاله آنها بوده است. از این پس از هرگونه پاسخ‌گوئی بااینگونه‌مقالات خودداری کرده ومراجع ذیصلاح قضائی انقلابی را باینگونه استادان باصطلاح مترقی! جهت طرح شکایت معرفی می‌نماید.

سیدکمال الدین نیکروش

سرپرست شورای مدیریت دانشگاه پلی‌تکنیک تهران

انقلاب اسلامی: در مورد اظهارات سرپرست شورای مدیریت دانشگاه پلی‌تکنیک تهران توضیحات زیر ضروری است:

۱ – "دو اظهار نظر مختلف" ضرورتا" به‌معنای "دو اظهار نظر متضاد" نیست. آن دو مقاله از آن جهت که یکی به مساله پاکسازی صرفا در دانشگاه پلی‌تکنیک تهران و دیگری اصولا به مساله پاکسازی در دانشگاهها عموما و با عنایت به قانون پاکسازی و سالم‌سازی سازمانها ودستگاههای دولتی پرداخته‌اند مختلفند.

۲ – سرپرست محترم شورای مدیریت دانشگاه پلی‌تکنیک تهران به ما نسبت داده‌اند که صریحا در مورد "انقلاب فرهنگی" موضع‌گیری منفی کرده‌ایم و اضافه نموده‌اند: "این نیز آب به آسیاب دشمن ریختن است". در حالیکه بهیچوجه چنین "موضعگیری صریحی" که ایشان ادعا کرده‌اند در مورد "انقلاب فرهنگی" در داخل کادر نوشته نشده است.

اما یادآوری میکنیم که ما در مقالات متعدد درباره آنچه که بنام انقلاب فرهنگی روی داد و همچنین درباره تعطیل دانشگاهها و بلاتکلیفی صدهاهزار دانشجو،صدها استاد و متخصص و ... نظرات خود را بیان داشته‌ایم که همه آنها با نظرات دیگر موافق نبوده است. در پاره‌ای موارد از وضعی که بوجود آوردند صریحا" انتقاد کرده‌ایم اما آنچه که مسلم است ما "انقلاب فرهنگی" به معنای واقعی کلمه را یک ضرورت احتناب‌ناپذیر جامعه انقلابی خود میدانیم و در این باره نیز کم‌مطلب نداشته‌ایم اگر سرپرست محترم دانشگاه پلی‌تکنیک، هرانتقاد و اظهار نظر مخالف نظر خود را،آب به آسیاب دشمن ریختن‌بدانندواعلام‌کنند که وای بحال دانشگاه و دانشگاهیان ما که درست محلی که جای برخورد فکر و اندیشه است با چنین برچسب‌هایی، جلوی ابراز فکر و اندیشه را میگیرند و معلوم نیست در چنین محیطی چگونه استعدادها رشد و افکار امکان بیان می‌یابند و سرنوشت دانشگاهها،این مکانهای مقدس علم و اندیشه چه میشود.

نامه ۶۰ تن از دانشگاهیان خطاب به وزیر فرهنگ و آموزش ...

جناب آقای دکتر عارفی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی

ما دانشگاهیان در جریان انقلاب پرشکوه مردم ایران علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و منفورپهلوی همراه با دیگر هموطنان مبارزه کرده و در این مدت علاوه بر طرح خواستهای عمومی مصرا" بر ضرورت استقلال دانشگاهها، مشارکت موثر دانشگاهیان در برنامه‌ریزی آموزشی و اداره امور دانشگاهها از طریق شوراهای انتخابی و تصفیه دانشگاهها از وجود عناصر سرسپرده رژیم گذشته پافشاری نموده‌ایم تا بتوانیم دانشگاهها را بعنوان یکی از ذخائر مهم مادی و فرهنگی جامعه در خدمت وسیعترین و محروم‌ترین اقشار ملت ایران قرار دهیم. گرچه پس از پیروزی قیام موفق شدیم گامهائی در جهت اهداف فوق در دانشگاهها برداریم ولی متاسفانه واقعیاتی که امروز در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور ما میگذرد حکایت از ضربه هولناکی میکند که بر پیکر این نهاد وارد شده و هم‌اکنون میهن جنگ‌زده ما را از داشتن یک سنگر وسیع مبارزاتی محروم نموده است و موجبات نگرانی حدی تمامی مردم ترقیخواه ما را فراهم آورده است.

امروز پس از گذشت زمان نسبتا" طولانی از تعطیل دانشگاهها ما امضاءکنندگان زیر اعضاء هیات علمی مدرسه عالی پارس ــ دانشگاه ابوریحان بیرونی موسسه آموزش عالی آمار و انفورماتیک ــ مدرسه عالی ریاضیات و مدیریت اقتصادی کرج و مدرسه عالی کامپیوتر در کنار مسائل ... کل دانشگاهها و موسسات ... خاص دیگری از جمله ... میباشیم:

۱ – بموجب طرح ... آموزش عالی که از ... دانشگاهیان ذینفع تهیه ... کیف آن اطلاعی در دست ... الذکر باصطلاح تحت پوشش ... قرار داده شده‌اند و این ... موسسه از نظر برخی رشته‌ ... شیوه آموزشی (آموزش ... با یکدیگر تجانسی ندارند ...

۲ – اداره این ... سرپرست انتصابی واگذار ... به اعمال سلیقه شخصی ... اجرای قوانین و مقررات ... موسسات آموزش عالی ... سبب ایجاد خسارات ... گردیده و امکان استفاده ... نیروی متخصص موجود ... محال میگرداند.

۳ – "شورای ... • دستیاری سرپرست انتصا...



جدیدترین ... پرورش ... ونو...

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دوکتاب دیگر از جبهه‌های آزادیبخش را با نامهای ... ارتفره و مورو در دست چاپ دارد که بزودی به بازار کتاب عرضه خواهند شد.

دانشگاه‌ها به روال گذشته هنوز درست نبود! با تکیه بر توهم توده‌ها و تحت پوشش عوام‌فریبانه "انقلاب فرهنگی" دانشگاه‌ها را به خون کشیدند و آنرا به محاق تعطیل کشیدند

حمله وحشیانه به دانشگاه‌ها و مدارس عالی در سراسر کشور در اردیبهشت ماه ۵۹ که تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" انجام شد هدفش از بین بردن دستاوردهای دمکراتیک خلقهای ایران بود. این واقعه که لکه ننگی بر پیشانی دولت جمهوری اسلامی است. در عین حال بیانگر دلاوریهای دانشجویان مبارز و انقلابی بود که با خون خود از دستاوردهای انقلابی مردم زحمتکش ما پاسداری کردند. وقایع اردیبهشت ماه ضمناً نقاب از چهره هر دو جناح حاکمیت برداشت و نشان داد که در سرکوب خلق، سردمداران حزب جمهوری اسلامی - از بهشتی گرفته تا آیت - و هم لیبرالهائی نظیر بنی‌صدر و حبیبی سر و ته یک کرباسند و با هم وحدت دارند. تنها فرقی که میان آنهاست در شیوه‌های عملشان است. دانشجویان مبارز و انقلابی میهن ما هیچگاه فراموش نمی‌کنند که درحالیکه پاسداران آنان را بگلوله می‌بستند، بنی‌صدر هم مرتباً برای دانشجویان خط و نشان می‌کشید و آنانرا به بسیج "توده‌های مردم" تهدید میکرد. و هم او بود که پس از بخون کشیدن دانشگاه‌ها و مدارس عالی در تهران، اهواز، زاهدان، رشت، تبریز، اصفهان، شیراز و مشهد و ... اعلام داشت. امروز جمهوری اسلامی متولد شد.

دانشگاه‌ها و مدارس عالی را بستند، مطبوعات را به محاق توقیف کشیدند، احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکراتیک را منحل کردند، خلاصه همهٔ آزادیهای دمکراتیک را سرکوب نمودند تا با دست باز تر و خیال آسوده‌تر مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق را به انحراف کشانند.

شانزدهم آذر…

بقیه از صفحه ۱۲

اما دانشجویان مبارز و انقلابی آرام ننشستند و بهرکجا که رفتند در شهرها و روستاها، در کارخانه‌ها و مزارع در میادین و چهارراهها به افشاگری پرداختند و در جهت آگاهی دادن به توده‌ها و ارتقاء مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق کوشیدند.

اکنون در سالگرد شانزدهم آذر و در این شرایط حساس که ضرورت حضور دانشجویان مبارز و انقلابی در صحنه مبارزه بیش از هر زمان دیگر احساس میشود باید برای بازگشائی دانشگاه‌ها به یک مبارزه جدی همه جانبه دست یازید. بازگشائی دانشگاه‌ها و حضور فعال دانشجویان مبارز در این زمینه، سرکوب آزادیها و سازش آشکار با امپریالیسم را دشوارتر خواهد ساخت و جبهه انقلابیون راستین را در مقابل سازشکاران و فرصت طلبان تقویت خواهد نمود. اکنون بر همگان آشکار شده که "انقلاب فرهنگی" کذائی فریبی بیش نبوده و "ستاد انقلاب فرهنگی" عملاً به ورشکستگی سیاستهایش اذعان نموده است.

وجود نزدیک به ۲۰۰ هزار دانشجوی بلاتکلیف و صدها هزار داوطلب ورود به دانشگاه که نه شغلی می‌یابند و نه امکانات مالی تحصیل در خارج از کشور را دارا هستند، نارضائی شدیدی را در جامعه پدید آورده است. همهٔ شواهد دال بر آن است که بزودی جناح "دوراندیش‌تر" که بزعم خود پرچم مبارزه با "انحصارطلبان تاریک اندیش" و "دشمنان علم و تخصص" را بدست گرفته‌اند نغمهٔ بازگشائی دانشگاه‌ها را ساز خواهند کرد. اینان که خود در سرکوب دانشجویان و تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس عالی بروشنی دست داشتند "منجی آزادی" و "پرچمدار علم" خواهند شد. آنها هزار و یک دلیل "منطقی و قانع‌کننده" برای ضرورت برافتادن دانشگاه‌ها عرضه خواهند کرد و از آنجا که شعار بازگشائی دانشگاه‌ها اهمیتی غیرقابل انکار دارد، پرچمدار مبارزه "حق و باطل" خواهند شد! سرکوبگران دانشگاه خود را ناجیان آن قلمداد خواهند کرد، چنانکه قطب‌زاده سانسورچی پرچم دروغین مبارزه با سانسور و اختناق را بدست گرفته است!!

اما از هم اکنون پیداست که دانشگاهی که آنان میخواهند بگشایند با دانشگاهی که طالب آنیم بهمان اندازه تفاوت دارد که آزادیهای سیاسی مورد نظر زحمتکشان و نیروهای انقلابی با آزادیهای باب طبع قطب‌زاده‌ها و لیبرالها، ما دانشگاهی میخواهیم که سنگر مبارزه باشد، که حق دانشجویان انقلابی برای فعالیتهای دمکراتیک، که دستاورد سالها مبارزه و جانفشانی است، در آن تامین شود، امور آن بوسیله شوراهای واقعی اداره شود، و مهمتر از همه در خدمت به منافع زحمتکشان و در مسیر قطع وابستگی به امپریالیسم سمت‌گیری قاطع داشته باشد. حضور موثر نیروهای انقلابی دانشجوئی در صحنه مبارزه برای بازگشائی دانشگاه‌ها - وزنه‌ای موثر و کارساز در تعیین کیفیت دانشگاهی است که باید بدست نیروی پرتوان دانشجویان و استادان آگاه و مبارز گشوده شود. عدم حضور چشمگیر دانشجویان انقلابی در صحنه این نبرد، خطر سوء استفاده بورژوازی لیبرال را دوچندان کرده و مبارزات آتی ما را دشوارتر خواهد ساخت. پس بکوشیم شانزدهم آذر امسال را به نقطه آغاز حرکت در مسیر بازگشائی دانشگاهی مبارز و انقلابی در خدمت زحمتکشان و محرومین میهنمان بدل کنیم.

تاریخ سپرده شد، دانشگاه سنگری بود که علیرغم دسیسه‌ها و جنایات رژیم شاه هیچگاه تسلیم نشد. دانشگاه مبارز همواره خاری بود در چشم رژیم که هیچگاه آسوده‌اش نگذاشت و در طی چند دهه رسالت خود را بعنوان سنگر آزادی و کانون افشاگری و آگاه‌سازی جنایات امپریالیسم و سرسپردگانش به اثبات رساند.

مبارزات قهرمانانه دانشجویان در سالهای ۳۹–۴۱ و تظاهرات و فعالیتهای گسترده‌ای که در اعتراض به انتخابات فرمایشی دوره بیستم مجلس برپا شد، رژیم وابسته را برآن داشت که دانشگاهها را برای مدتی تعطیل کند. اما بسته شدن دانشگاهها مبارزات دانشجوئی را متوقف نساخت. این مبارزات در عرصه‌هائی دیگر، در کنار دانش‌آموزان و معلمان و در تظاهرات گسترده خیابانی همگام با توده‌های زحمتکش ادامه یافت.

رژیم دست نشانده شاه که تحکیم و گسترش مناسبات سرمایه‌داری وابسته را در دستور کار خود داشت برای تامین کادرهای فنی و اداری خود، با وحشتی که از این مراکز آموزشی که اینک به مراکز مبارزه تبدیل شده بود داشت، دانشگاهها را گسترش میداد. توده دانشجو در پرتو آشنائی با تفکر علمی و آموزش نظری و در فضای سیاسی و پرشور دانشگاههای ما و تحت تاثیر مبارزات طبقاتی و پیشبرد انقلابی خلق، علیرغم نیات برنامه‌ریزان رژیم و تلاش دستگاههای امنیتی آگاهی سیاسی می‌یافت و به خیل مبارزان راه آزادی و استقلال ایران می‌پیوست. و این بود که گسترش ناگزیر دانشگاهها، هسته‌های ضد امپریالیسم را بر دوش داشتند، نیز نشانه‌ای از همین اعتلای کیفی بود.

درسالهای ۵۶ و ۵۷ مبارزات دانشجویان و دانشگاهیان اوج تازه‌ای گرفت. در این سالها دانشگاه مرکز تجمع نیروها و عناصر مترقی و صحنه تظاهرات گسترده و مداوم بود. برگزاری "هفته همبستگی" در آبان ۵۷، دانشگاههای سراسر کشور را به میدان نبردی آشکار با رژیم وابسته مبدل کرد و حماسه ۱۳ آبان در دانشگاه تهران و تظاهرات عظیم روز بعد پایه‌های حکومت لرزان شاه خائن را به لرزه درآورد.

تحصن نیروهای انقلابی و مبارز در دانشگاه تهران و وزارت علوم و حمایت بی‌دریغ مردم از متحصنین، پیوند دانشگاه و مردم را مستحکم‌تر از پیش ساخت و شهادت استاد نجات الهی و تظاهرات عظیم و خونین که روز بعد در مراسم تشییع جنازه‌اش براه افتاد، شاهد اوجگیری مجدد مبارزات توده‌ها بود.

پس از قیام بهمن ماه که دانشجویان انقلابی و مبارز نقش ارزنده‌ای در آن ایفا کردند، مهندس بازرگان و یاران این میوه‌چینان انقلاب، بعنوان نماینده ارگان سازش زمام امور را بدست گرفتند. دانشجویان آگاه و مبارز در این زمان در دانشگاهها و مدارس عالی، در تهران و شهرستانها خلاقیت بی‌نظیر خود را بمنصه ظهور رساندند. آنان محیط دانشگاهها را به مراکزی برای آگاهی یافتن و آگاهی دادن به زحمتکشان میهن ما ـ که سخت تشنه میدید و در حقیقت نیز چنین بود. دانشجویان مبارز چون گذشته دانشگاه را به کانون مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک و افشای سیاستهای سازشکارانه و سرکوب زحمتکشان تبدیل کرده بودند و پر واضح بود که دولت موقت نمیتوانست چنین وضعی را تحمل کند. باوجوداین، شرایط مبارزه توده‌ها و دوراندیشی بورژوازی لیبرال اجازه نمیداد که "کابینه انقلاب" از همان آغاز رسوائی تعطیل دانشگاهها را پذیرا شود. اینکار بویژه از عهده "مکتبیون دوآتشه" با تجربیات فراوان در عوام‌فریبی که اینک "مبارزه ضد امپریالیستی" را نیز چاشنی آن کرده بودند، برمی‌آمد. اینان بودند که تحت لوای نجات "مکتب" و "انقلاب فرهنگی"، و با فریب توده‌ها می‌توانستند دانشجویان و استادان انقلابی "مزاحم" را از سر وا کنند. و جالب اینجاست که در سرکوب دانشجویان انقلابی و مبارز، گذشته از اختلاف نظرهائی که در مورد شیوه کار و نحوه سرکوب، میان سران حزب جمهوری اسلامی و لیبرالهائی که این روزها فریادشان از نقص "آزادی" بلند است، هیچ اختلافی وجود نداشت. رهبران جمهوری اسلامی، به سیاق گذشتگان و به تجربه دریافتند که دانشجویان مبارز فریب نمی‌خورند، دست از مبارزه و افشاگری برنمیدارند و تا زمانی که سنگر دانشگاه پابرجاست سرکوب خلق‌ها، نفی آزادیهای دمکراتیک و بازسازی کامل نظام وابسته به آسانی امکان‌پذیر نخواهد بود. و از آنجا که نیروی سرکوب و "مهار"

بقیه در صفحه ۱۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجشنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۸۷- صفحه ۱۲

شانزدهم آذر امسال را به نقطهٔ آغاز حرکت نوین...

بقیه از صفحه ۱

دانشجویان قهرمان دانشگاه تهران، در اعتراض به ورود نماینده امپریالیسم امریکا، نخستین مقاومت جدی و دامنه‌دار را بر علیه رژیم کودتا سازمان دادند. دانشگاه بپاخاست و مشعل نیمه افروخته مبارزه خلق را بار دیگر برافروخت و نشان داد که علیرغم سستی‌ها، سازشها و خیانت های رهبران، خلق ایران هیچگاه سلطه امپریالیسم را نمی‌پذیرد. در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، ارتش مزدور به دانشگاه یورش برد، سنگر آزادی و مقاومت را به خاک و خون کشید و سه تن از فرزندان دلاور خلق بزرگ نیا، شریعت رضوی و قندچی را به شهادت رساند.

وبدین ترتیب حماسه ۱۶ آذر، روز دانشجو پدید آمد، حماسه ای که نقطه آغاز جنبش نوین دانشجوئی ایران بشمار میرود.

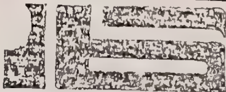
* * *

دانشگاه همواره یکی از کانونهای مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک و مرکز مقاومت و افشاگری علیه رژیم دست نشاندهٔ پهلوی بود. از زمان کودتای ننگین ۲۸ مرداد، تا روزی که شاه مزدور به همت خلق قهرمان ما از ایران گریخت و رژیم او به زباله‌دان تاریخ سپرده شد، دانشگاه سنگری بود که علیرغم دسیسه ها و جنایات رژیم شاه هیچگاه تسلیم نشد. دانشگاه مبارزه‌جو پیوسته خاری بود در چشم رژیم که هیچگاه آسوده‌اش نگذاشت و در طی چند دهه رسالت خود را بعنوان های مقاومت و مبارزه بر علیه رژیم وابسته را نیز، به موازات خود گسترش میداد. و همه تلاش های رژیم برای جلوگیری از شکل‌گیری و رشد این هسته های مقاومت با وجود سرکوب وحشیانه و استقرار نیروی مسلح در این مراکز بی‌نتیجه ماند.

با رستاخیز سیاهکل در بهمن ۴۹، جنبش دانشجوئی کیفیتی نوین یافت. اعتلای سازماندهی مبارزات دانشجوئی برخورد سازمان یافته با رژیم وابسته و کارد مسلح دانشگاهی و سمت گیری مشخص در مسیر منافع زحمتکشان، نمایانگر ارتقاء کیفی جنبش دانشجوئی در این دوره است. حضور چشمگیر دانشجویان در سازمانهای انقلابی، که پرچم مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم را بر دوش داشتند، نیز نشانه ای از همین اعتلای کیفی بود.

در سالهای ۵۶ و ۵۷ مبارزات دانشجویان و دانشگاهیان اوج تازه‌ای گرفت. در این سالها دانشگاه مرکز آگاهی بودند- تبدیل کردند. پیوند زحمتکشان و دانشجویان در محیط سرشار از شور انقلابی، به واقعیت تبدیل میشد. صدها نمایشگاه عکس برپا گردید، صدها جلسه بحث و گفتگو و نمایش تئاتر و فیلم‌های انقلابی برگزار گردید. دانشگاهها به میعادگاه توده‌های وسیع مردم تبدیل شده بود. دانشجویان آگاه و مبارز دانشگاهها و مدارس عالی به حمایت از خواستهای زحمتکشان و خلقهای تحت ستم میهنمان برخاستند دفاع از خواست کارگران بیکار، پشتیبانی از خواستهای بحق کارگران، مبارزه پیگیرانه در جهت تامین حقوق و آزادیهای دمکراتیک خلق ایران و پشتیبانی قاطعانه و بی تزلزل از شوراهای واقعی و مردمی در تمام سطوح جامعه و مبارزه بر علیه محدود کردن این حقوق و آزادیها و بالاخره دفاع از حقوق حقه خلقهای کرد و ترکمن و... از اهم مسائلی بود که مبارزات جنبش دانشجوئی در این دوره حول آن حرکت میکرد.

"دولت موقت" با ز رگان که با سیاست گام به گام احیاء و بازسازی نظام سرمایه داری وابسته را وجهه همت خود قرار داده بود، از آغاز دانشجویان مبارز دانشگاهها را مزاحم کار خود میدید و در حقیقت نیز چنین بود. دانشجویان مبارز چون گذشته دانشگاه را به کانون مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک و افشای سیاستهای سازشکارانه و سرکوب زحمتکشان تبدیل کرده بودند...



ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۷۶ ـ صفحه ۱۹

بقیه از صفحه ۱

اخراج معلمین مترقی و انقلابی •••

رژیم سابق و ساواکی‌ها، سیاست اخراج نیروهای مترقی و انقلابی را نیز در دستور کار خود قرار داده‌اند اتخاذ و پیشبرد این سیاست در مناطقی مانند لرستان منجر به تعطیل مدارس استان شده است و این نه به دلیل حضور و تسلط نیروهای وابسته به رژیم سابق بلکه به علت حضور نسبتا فعال نیروهای انقلابی و مترقی صورت گرفته است.

اخراج نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست که از چندی پیش از کارخانجات و ادارات دولتی آغاز شد، اینک در سطح مدارس و ادارات آموزش و پرورش کشور ادامه یافته است. این سیاست به غایت ارتجاعی که به عنوان دفاع از "اسلام" انجام می‌گیرد، منشاء ضرباتی مهلک بر پیکر انقلاب مردم ایران است.

خالی شدن مدارس از معلمین آگاه و مبارزی که دارای سوابق درخشان مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم امریکا هستند و میراث‌دار آرمان صمد بهرنگی و صدها معلم انقلابی هستند که در راه رهائی خلقهای ایران خون پاکشان خاک میهن را لاله‌گون کرده است، ضایعه‌ای جبران ناپذیر و تخریب فرهنگی به‌حساب می‌آید. این سیاست ارتجاعی راه را بر پرورش روحیه و آموزش انقلابی نوجوانان میهن می‌بندد و میلیون‌ها دانش‌آموز ایرانی را از دانش و مهارت آگاه‌ترین و مجرب‌ترین معلمان کشور محروم می‌سازد.

نکته قابل تاکید اینجاست دولت رجائی و شخص وی که مدافع و مسئول پیشبرد این سیاست ارتجاعی است، آشکارا از این سیاست به دفاع برخاسته و رسما سیاستی را اعلام می‌کند که همراه با اخراج آگاه‌ترین و مجرب‌ترین معلمین کشور، تعلیم و تربیت میلیون‌ها دانش‌آموز میهن را به دست جوانان بی‌تجربه و بی‌دانشی می‌سپارد که تنها قابلیت آن را دارند اوراد مذهبی و آئین‌های اسلامی را تفسیر و تاویل کنند.

امروز دولت جمهوری اسلامی سیاست مخرب و ارتجاعی را که منجر به تعطیل دانشگاه‌ها ومدارس عالی شد، در سطح مدارس و میلیون‌ها دانش‌آموز میهن نیز درصدد است عملی سازد. آنها مثل همیشه به تحریف حقایق پرداخته و در حالیکه خود عملا و آشکارا در جهت به تعطیل کشاندن مدارس حرکت می‌کنند در دستگاه‌های تبلیغاتی خود چنین می‌دمند که گویا نیروهای انقلابی مسئول تعطیل مدارس کشورند!

ما ضمن محکوم کردن سیاست تصفیه و اخراج معلمان و استادان انقلابی، اقدامات زیانبار دولت جمهوری اسلامی ایران را در تعطیل مراکز آموزشی کشور محکوم می‌کنیم و قاطعانه خواستار بازگشائی دانشگاه‌ها و مدارس سراسر میهن هستیم ما اطمینان داریم که مردم ایران و میلیون‌ها دانش‌آموز میهن به این سیاست تسلیم نخواهند شد.

ما از همه معلمان و استادان انقلابی، دانش‌آموزان و دانشجویان آگاه می‌خواهیم که با تحکیم همبستگی و وحدت انقلابی خود، اعتراضات خود را در مقابل اخراج معلمین انقلابی افزایش دهند. سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران را که مخالف آرمان انقلابی مردم و باعث تضعیف جبهه انقلاب ایران است، در بین توده‌های مردم افشاء سازند. آرمان معلمین انقلابی اخراجی را در بین دانش‌آموزان و خانواده‌ها توضیح دهند و با افشای این سیاست مخرب با تحکیم اتحاد یکپارچه خود از خواسته‌های انقلابی معلمین دفاع کنند.

کمیسیون پاکسازی وزارت نفت راه را برای امپریالیزم باز می‌کند:
حکم تعلیق نفتگران مبارز از طرف کمیسیون پاکسازی وزارت نفت

در تاریخ ۱۲ شهریور ماه ۵۹ بخشنامه‌ای به امضای محمد رضا شماسی معاون اداری و مالی سرپرست مناطق نفت‌خیز صادر شد که حاکی از اعلام رای خودسرانه کمیسیون پاکسازی وزارت نفت در مورد "تعلیق" ۱۲ تن از نفتگران مبارز جنوب بود. به موجب این بخشنامه نفتگران مبارز زیر از تاریخ ۱۲ شهریور ۵۹ از کار معلق گردیده و تا صدور رای نهائی از طرف مقامات ذیصلاح حقوق و مزایایشان قطع شده است. داریوش شهبازی، ناصر روشنی، محمد جواد خازنی، نصر معیل، علیرضا محمدی، عباس قلی، سید باقر نوری دهکردی، اسماعیل باقری، غلامرضا مجدوبی، خیرالله شیرزاده، عبدالحسین نجفی و صفر محمدی، ساعه‌زند.

کارگران بهره‌برو اهواز متعاقب بخشنامه فوق طی اعلامیه‌ای در ضمن محکوم کردن این اقدام ضد کارگری و ضد دمکراتیک هشدار داده‌اند که:

"هنگامی که امپریالیسم بلندگوهای خود را بخاطر تبلیغات علیه انقلاب مردم و در جهت تخریب توده‌ها به کار گرفته است، سیاست‌های ضد کارگری و ضد دمکراتیک عوامل وابسته به نیروهای اسلامی بجای بسیج کلیه نیروهای خلق در جهت مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، عملا در جهت افزایش نارضائی توده‌های زحمتکش، تشتت در نیروهای انقلابی و تضعیف صف ضد امپریالیستی مردم است. اقدام به تعلیق کسانی که در ارتش نفتگران انقلابی و قهرمان به مبارزه علیه امپریالیسم و دیکتاتوری نشانده آن برخاستند. و در تمام ماههای پس از قیام نیز در راه پاکسازی این صنعت حیاتی، از وجود نفوذ عناصر وابسته و ضدانقلابی تلاش کرده‌اند و در برابر توطئه‌های لیبرال‌ها از جمله ایادی بختیار، نزیه و مدنی پابرجا در صف مقدم ایستادند، در شرایط کنونی که خطر تهاجم امپریالیسم دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان را به مخاطره انداخته است، جز تشتت و پراکندگی بیشتر در صفوف مبارزاتی مردم حاصلی نخواهد داشت."

کارگران بهره‌برو صنعت نفت جنوب نیز در اعلامیه خود آورده‌اند:

"بیخود نبود هنگامی که شماسی از طرف معین‌فر به سمت معاون مالی و اداری مناطق نفت‌خیز جنوب منصوب شد، یکی از لیبرال‌های کهنه‌کار صنعت نفت با خوشحالی گفته بود که خیلی خوب شد. شماسی سرکار آمد تا وظیفه تاریخی خود یعنی سرکوب شوراها و نیروها و عناصر مترقی را انجام دهد. بگذار او کارش را بکند، آن وقت کار ما آسان‌تر می‌شود."

کارگران بهره‌برو ضمن محکوم کردن این اقدام چهره عاملین اینگونه سیاست‌های تفرقه‌افکنانه و ضدکارگری را افشاء نموده‌اند.

مسئولان وزارت آموزش و پرورش، پاسخ اخراج معلمین مبارز و مترقی را داشتن ایدئولوژی غیر اسلامی عنوان می‌کنند.

در صورتیکه تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد (اصل ۲۳ قانون اساسی)

تفتیش عقاید و اقدامات ضد دمکراتیک بنفع کیست؟ و چه کسانی مجری آنند؟

تصفیه معلمان آگاه و انقلابی، کمک به ابقای فرهنگ امپریالیستی واستعماری است. مردم می‌خواهند بدانند "شورای تصفیه و پاکسازی آموزش و پرورش" از چه کسانی تشکیل شده است که جهت عمده تصفیه را متوجه معلمین آگاه و متعهد نموده است.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) ـ منطقه کرمانشاهان در اعلامیه‌ای با اشاره به این مسئله می‌نویسند:

"اکنون مدتی است که گروه معلمان مبارز و انقلابی که در افشای باند ضدانقلابی بختیار ـ پالیزبان در منطقه نیز پیشقدم بوده‌اند، به‌وسیله شورای تصفیه و پاکسازی آموزش و پرورش که معلوم نیست از چه کسانی تشکیل یافته است، تصفیه و اخراج می‌گردند.

پرسیدنی است که چرا مقامات مسئول منطقه با وجود گذشت ۱۹ ماه از انقلاب لیست ساواکی‌ها را که بی‌شک در اکثر ارگان‌های دولتی و از جمله در آموزش و پرورش نفوذ دارند، منتشر نمی‌کنند.

به‌راستی چه دست‌های مشکوکی در کار است که می‌خواهد منطقه کرمانشاهان را آنچنان که خواست امپریالیسم جنایتکار امریکاست، به هرج و مرج بکشاند.

ما تصفیه و اخراج عناصر مترقی و مبارز را شدیدا محکوم نموده و نسبت به عواقب آن هشدار جدی می‌دهیم!

تصحیح

در نشریه "کار" شماره ۷۱ در بخش اخبار روستائی، مطلبی داشتیم راجع به روستای "کرشته" "شهریار". در آنجا اولا نام روستا را اشتباها "کوشته" نوشتیم و ثانیا اطلاع یافتیم که مجموعه گزارش محتاج بازبینی است. از این‌رو ضمن پذیرش انتقاد از درج شتابزده گزارش فوق در نشریه "کار" تلاش می‌کنیم با تحقیق کامل، گزارش دقیقی دراین رابطه ارائه دهیم.

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۷۶ ـ صفحه ۲

با مبارزه برای گشایش دانشگاه از دستاوردهای انقلاب دفاع کنیم

درحالی که پس از یک هفته به آغاز سال تحصیلی چند نیز باقی نمانده است، دولت جمهوری اسلامی علی‌رغم اعتراضات تمامی دانشجویان، استادان، کارمندان مبارز انقلابی دانشگاه‌ها و دیگر نیروهای مترقی جامعه همچنان بر تعطیل دانشگاه‌ها پای می‌فشرد. ما تاکنون بارها بر مخرب بودن این سیاست تاکید داشته‌ایم. ما می‌گوئیم در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن مذبوحانه تلاش دارند به هر وسیله‌ای انقلاب مردم ما را به شکست بکشانند، تعطیل دانشگاه‌ها که چه در زمان رژیم شاه و چه پس از انقلاب سنگر مستحکم مبارزه بر علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن و مبارزه در راه استقلال و آزادی میهن بوده‌اند، سیاستی است که از آن تنها امپریالیسم آمریکا و متحدان آن سود خواهند برد.

پس از انقلاب توده‌های مردم میهن ما خواستار گسترش مراکز آموزشی و فرهنگی بودند. آنها می‌خواستند که دانشگاه‌ها در خدمت زحمتکشان قرار گیرد. درهای دانشگاه‌ها بر روی زحمتکشان گشوده شود. چنان امکاناتی فراهم گردد که جوانان زحمتکش میهن امکان یابند تا بتوانند به تحصیلات خود در دانشگاه‌ها ادامه دهند. مردم خواستار آن بودند و هستند که بی‌سوادی ریشه‌کن شود. مدارس عالی و دانشگاه‌ها هر چه بیشتر در خدمت تربیت کادرهای آموزشی و متخصصین قرار گیرد. تربیت کادر آموزشی برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی یک ضرورت فوری است. که با بسته شدن دانشگاه‌ها ضربات جدی بر این امر وارد می‌آید. از سوی دیگر جامعه‌ای که می‌خواهد در تمام زمینه‌های اقتصادی ـ سیاسی ـ فرهنگی با امپریالیسم مقابله کند نیاز مبرمی به تربیت کادرهای متخصص و فنی دارد که سیاست مخرب تعطیل دانشگاه‌ها از طرف دولت جمهوری اسلامی درست در مقابل خواست مبرم توده‌های میلیونی ایران قرار می‌گیرد.

این سیاست مخرب بیشترین صدمات و فشارها را بر جوانان زحمتکش وارد می‌آورد. حال آنکه فرزندان اقشار مرفه جامعه با توجه به امکانات وسیعی که در اختیار دارند قادر خواهند بود به تحصیلات خویش در دانشگاه‌های خارج از کشور ادامه دهند. جوانان زحمتکش میهن فرزندان توده‌های قیام کننده که امکان تحصیل در دانشگاه‌های داخل را با هزاران خون دل فراهم می‌کردند، بکلی از امکان ادامه تحصیل محروم گشته‌اند. دولت جمهوری اسلامی ایران که دانشگاه‌ها را بخصوص سنگری مستحکم در مقابل سیاست‌های ضد دمکراتیک خود می‌بیند و ناتوان از مقابله با موج نوخاسته دانشجویان برعلیه سلب حقوق دمکراتیک مردم از جانب دولت جمهوری اسلامی است، به بهانه "انقلاب فرهنگی" دانشگاه‌ها را به تعطیل کشاند. علاوه بر بیکاری دهها هزار دانشجو و به هدر دادن نیروی عظیم و خلاق دانشجویان دهها هزار تن داوطلب ورود به دانشگاه‌ها را نگران آینده خود ساخته است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) ـ بار دیگر اعلام می‌دارد که مردم آگاه و مبارز میهن ما در مقابل این سیاست‌های مخرب آرام نخواهند نشست. نیروهای مبارز و انقلابی موظفند با توضیح و افشاء جوانب گوناگون این سیاست برای توده‌ها، تلاشی همه‌جانبه را برای بازگشائی دانشگاه‌ها دنبال کنند. دولت جمهوری اسلامی نیز باید بداند که بخصوص در شرایط بحرانی جامعه ما این سیاست عملاً در خدمت نیروهای وابسته به امپریالیسم قرار می‌گیرد. و [illegible] جبران‌ناپذیری بر انقلاب مردم وارد می‌آورد.

به‌علاوه دولت جمهوری اسلامی باید بداند که با تصفیه عقیدتی استادان، معلمان و کارکنان ترقیخواه دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی هرگز نخواهد توانست مبارزه روشنفکران ترقیخواه و مردم آگاه میهن را در راه آزادی متوقف سازد. سیاست تصفیه کارکنان و استادان ترقیخواه دانشگاه و مراکز آموزشی در کنار وابستگان رژیم پهلوی و عوامل وابسته به امپریالیسم که سیاست دولت جمهوری اسلامی در سایر ارگان‌ها و ادارات کشور نیز هست، تاکنون ضربات بزرگی به انقلاب وارد ساخته است. بدون تردید مردم این سیاست دولت جمهوری اسلامی را نیز قویاً محکوم می‌کنند و از استادان، کارمندان، معلمان و همه عناصر مبارزی که به دلایل عقیدتی مورد تصفیه جمهوری اسلامی و یا زیر فشار قرار گرفته‌اند، حمایت خواهند کرد.

به بهانه اینکه معلمان لرستان کلاس روش تعلیم قران را به پایان نرسانده‌اند:

با توافق نخست وزیر مدارس لرستان از اول مهر تعطیل شد

به دنبال یورش‌های همه‌جانبه به آزادی‌های دمکراتیک در استان لرستان، به دنبال کتاب‌سوزان‌ها و حملات پیاپی به عناصر مترقی و سازمان‌های سیاسی، به دنبال دستگیری‌ها و یورش‌های کور پس از اخراج بی‌رویه معلمین انقلابی و مبارز در کنار زندانی‌کردن ساواکی‌ها، به دنبال اخلال جشن‌هائی از آموزش و پرورش استان بخصوص اخلال آموزش و پرورش جنگی که با اعتراضات همه‌جانبه مردم مواجه شد، اکنون آقای اسحاق مسکینی مدیر کل آموزش و پرورش لرستان اعلام داشته است که "از اول مهرماه کلیه مدارس در استان لرستان به تعطیل درمی‌آید". وی در توجیه این اقدام ضددمکراتیک و ارتجاعی خود گفته است "تا زمانی که روسای مکتبی جهت واحدهای آموزش و پرورش شهرستان‌ها و مناطق تابعه استان در نظر گرفته نشود و کلاس بازآموزی و ایدئولوژی و تعلیم روش قرآن برای معلمان و راهنمایان تعلیماتی به پایان نرسد، مدارس همچنان تعطیل است..." وی افزوده است که "طرح تعطیل مدارس استان لرستان قبلاً به آقای رجائی نخست وزیر و وزیر آموزش و پرورش و همچنین مشاوران وی ارائه شده است."

اعلام صریح و آشکار این نظرات و بررسی آن اقدام ارتجاعی آقای مسکینی در تعطیل نمودن کلیه مدارس و واحدهای آموزشی استان لرستان گام دیگری به سوی محدودتر کردن آزادی‌های دمکراتیک و پایمال کردن حقوق حقه مردم و حرکتی در جهت بی‌اعتبار کردن انقلاب مردم ایران است.

هدف انقلاب مردم ما نه تنها نابودی فقر و گرسنگی مزمنی است که سالیان چنگال کریه خود را بر سینه توده‌های زحمتکش این بخش از مردم میهنمان فشرده است، بلکه ریشه کن کردن جهل و بی‌سوادی که زمینه سلطه امپریالیست‌ها بر مردم است نیز در شمار اهداف مقدم انقلاب ما است. مردم میهن ما در ورای قیامی که با خون و فداکاری خود بارور کردند، ایرانی آزاد و دمکراتیک و به دور از فقر و بی‌سوادی می‌دیدند. آنها انتظار داشتند که بر ویرانه‌های نظام آموزشی استعماری و امپریالیستی نظامی مترقیانه و بالنده و سازنده بنا نهند. آنها به روزهائی می‌اندیشیدند که هر مدرسه و دانشگاه به سنگری مستحکم برای نبرد با امپریالیسم و پایگاه داخلیش تبدیل شود. ولی اکنون توده‌ها می‌بینند که چگونه به جای گسترش مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز علم و دانش با تعطیل مدارس و دانشگاه‌ها و اخراج معلمین و حتی اعدام معلمین انقلابی دست به کار شده‌اند و با اعمال سیاست‌های تنگ‌نظرانه گام‌های تازه‌ای در جهت تعطیل مراکز علم و دانش و گسترش جهل و بی‌سوادی برداشته می‌شود.

تعطیل مدارس لرستان که با موارد مشابه در دیگر نقاط ایران همراه است، به بهانه نبود روسای مکتبی و کلاس‌های بازآموزی و ایدئولوژی و تعلیم روش قرآن برای معلمان "بدون شک لطمات بزرگی بر پیکر جنبش ضدامپریالیستی میهنمان وارد خواهد آورد.

این اقدام ارتجاعی که با تائید نخست‌وزیر و وزیر آموزش و پرورش تعطیل شده است بدون شک با واکنش توده‌های مردم، معلمین آگاه و دانش‌آموزان انقلابی مواجه خواهد شد. آنها اجازه نخواهند داد که به بهانه‌های بیهوده و نادرست از یک سو بر دامنه اخراج معلمین مبارز افزوده شود و از سوی دیگر فرزندانشان از سنگر مستحکم مبارزه و آگاهی محروم گردند.

ما ضمن محکوم کردن این حرکت ارتجاعی از کلیه معلمین و دانش‌آموزان انقلابی لرستان می‌خواهیم که وسیعاً به افشای این حرکت پرداخته و علل و موجبات و اثرات آن را برای توده‌های مردم توضیح داده و به آنها بگویند که چنین حرکتی بویژه در این مقطع حساس از مبارزات ضد امپریالیستی چه عواقب زیانبار و جبران‌ناپذیری بر مبارزه مردم میهن ما خواهد داشت.

ما تردیدی نداریم که اقدام دولت مبنی بر تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس با اعتراض همه مردم ایران روبرو خواهد شد.

گسترده باد همگامی و همکاری
همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

30 P

مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلقها



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
((اکثریت))

سال دوم - چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹

شماره ۷۶ - قیمت ۳۰ ریال - ۲۴ صفحه

تجاوزات رژیم عراق به خاک میهنمان را درهم کوبیم

برای تقویت همبستگی خلقهای ستمدیده ایران و عراق
تمام توان انقلابی خود را به کارگیریم

جنگ مرزی ایران و عراق در نوار مرزی غرب کشور، طی هفته‌های اخیر ابعاد تجاوزات مرزی رژیم عراق به گسترده‌ای یافته است. اکنون یک جنگ تمام عیار جبهه‌ای با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران منجر شده است. براساس مدارک و اطلاعاتی که در دست است صدها تن کشته و مجروح شده‌اند. علاوه‌بر این

بقیه در صفحه ۱۸

با مبارزه برای گشایش دانشگاه
از دستاوردهای انقلاب دفاع کنیم

مردم انقلاب کردند تا فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش گسترش یابد. دانشگاه‌ها و مدارس عالی، دبیرستان‌ها و دبستان‌ها در چهارگوشه میهن گشایش یابد تا جهل و بیسوادی ریشه‌کن شود و صدهاهزار کادر متخصص برای ریشه‌کن ساختن سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی امپریالیسم امریکا تربیت شوند.

درصفحه ۲

هدف از کودتای امریکایی در ترکیه؛ سرکوب مردم ترکیه و انقلاب مردم ایران است

در صفحه ۱۵

برای افشای هرچه بیشتر جنایات امپریالیسم امریکا

باید جاسوسان امریکائی در پیشگاه خلق محاکمه شوند

وقتی "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" مرکز جاسوسی امپریالیسم امریکا، مرکز جنایت، غارتگری و توطئه علیه خلق ما را تسخیر کردند میلیون‌ها زن و مرد بپاخاسته ایران به کوچه ها و خیابان‌ها و میادین ریختند و قاطعانه از این اقدام انقلابی که تجلی خشم توده‌های میلیونی میهن بود، دفاع کردند. جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک میهنمان اوج و گسترش تازه‌ای گرفت و وحدت مردم و نیروهای انقلابی که تحت تاثیر سیاست‌های ضدانقلابی دولت بازرگان و سیاست‌های انحصارطلبانه تضعیف شده بود، باردیگر تقویت و تحکیم شد.

درحالیکه فضای ایران را شور ضدامپریالیستی توده‌های ستمدیده ایران فرا گرفته بود فریاد یاس‌آمیز بازرگان و شرکاء و سایر محافل مورد حمایت امپریالیسم که با تسخیر سفارت از تسلیم انقلاب ما به امپریالیسم ناامید شده بودند، علیه اقدام انقلابی دانشجویان نخست به صورت زمزمه‌های درگوشی و بتدریج بطور آشکار به هوا بلند شد.

بدون تردید محتوا و مضمون تسخیر سفارت و حمایت وسیع میلیون‌ها هموطن مبارز ما از این اقدام قبل از هرچیز، طرد سازشکاران، تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک مردم، افشای جنایات هول‌انگیز امپریالیسم امریکا از کودتای کثیف ۲۸ مرداد تا به امروز و افشای محافل و عناصر وابسته به امپریالیسم و ارتقاء آگاهی‌های سیاسی خلقهای ایران و جهان بود و درست از همین روی بود که دهها میلیون ایرانی بپاخاسته حمایت وسیع و میلیونی خود را از تسخیر سفارت به نمایش گذاشتند و محافل وابسته به امپریالیسم نیز از همان آغاز برای فیصله دادن به بحران و آزادی گروگان‌ها به دست و پا افتادند.

لیبرال‌ها و دیگر محافل مورد حمایت امپریالیسم خوب می‌دانند که محاکمه گروگان‌های جاسوس که در قتل و کشتار مردم مبارز ایران، در طراحی نقشه‌های امپریالیسم امریکا برای به شکست‌کشاندن انقلاب ایران و ایجاد نفاق و دشمنی میان مردم ایران مستقیما دست داشته‌اند، محاکمه‌تجاوزگری غارتگری، آدمکشی و همه اقدامات جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن علیه خلق ستمدیده ما و همه خلقهای تحت ستم جهان است. آنها می‌دانند که محاکمه امپریالیسم امریکا یعنی محاکمه نیروئی که از ۲۸

درصفحه ۳

اخراج معلمین مترقی و انقلابی تخریب فرهنگی است

در آستانه گشایش مدارس و آغاز سال تحصیلی جدید، سیاست اخراج و تصفیه معلمین انقلابی و مترقی که نخست‌وزیر رجائی مسئول و مدافع آن است، نگرانی‌های عظیمی را به وجود آورده است.

هیئت‌های پاکسازی در آموزش و پرورش درکنار تصفیه و پاکسازی عناصر وابسته به

بقیه در صفحه ۱۹

در این شماره:

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

که در بازسازی ادارات و سازمانها اول باید اهداف برنامه‌ها و جهت کاردر سطح کشور و بخصوص برنامه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و آموزشی بطور مشخص معلوم گردد و برای مردم روشن شود و در رابطه و متناسب با آن این سازمانها و ادارات بازسازی شود و کاملا درخدمت اجزاء آن اهداف و برنامه‌ها قرار گیرند.

نکته

گزارش اعجاب‌انگیز ...!

خدا بدهد برکت.

راستش را بخواهید نزدیک است شاخ در بیاورم هر چه بخود گفتم بما چه مربوط است دلم قرار نگرفت اگر ممکن است این چند سطر راچاپ‌کنید.

گزارش فعالیت یکساله کانون پیشبرد رامیخواندم که یکدفعه جاخوردم درباره فعالیت‌های اجتماعی آنها هر چه نوشته‌اند انشاالله درست باشدولی من نمی‌دانم سازمانی که بقول خودش فقط ماهیانه حدود سه هزار و هفتصد تومان از اعضا حق عضویت می‌گیرد چگونه است که در یکسال بیشتر از دوملیون تومان خرج می‌کند تاآنجا که من گزارش انجمن کلیمیان راخواندم این مبلغ حتی از کل درآمد انجمن کلیمیان تهران هم بیشتر است.

خدا شاهد است من حسود نیستم اما می‌خواهم بدانم ما که برای تعمیر حمام محله فریاد می‌زنیم پول نداریم اینها از کجا چنین ارقام‌بزرگی را در گزارش سالیانه خود درج می‌کنند. خدا بدهد برکت یک رقم فقط اندوخته سال قبل و مازاد درآمد رقمی است که برای من نجومی‌است هیجده

میلیون و پانصد و شصت و یک هزار و دویست و سی و چهار ۱۸/۵۶۱/۲۳۴ ریال برای شما چطور.......؟

شما هم اگر گزارش کانون فرهنگی پیشبرد یهود را در سال گذشته پیدا کردید آنرا بدقت بخوانید.

اسحق ـ م

را بعهده دارند در میـان اعضـاء و طرفداران جامعه روشنفکران یهودی با استقبال فراوان روبرو شد.

آقای دقیقیان در ضمن توضیح کامل درباره وضع مدارس و فرهنگ یهودی اظهار داشتندکه‌مدارس‌یهودی درهشت‌ناحیه آموزش و پرورش تهران پراکنده و بیشتر این‌مدارس‌دانش‌آموز بحد کافی ندارند کلاسهادرحدنصاب بسیار کم تشکیل میشود و این‌درحالی است که مدارس دیگر در کنار همین مدارس بصورت دو نوبتی و حتی‌گاهی سه نوبتی اداره می‌شوند ایشان اضافه کردند که بطور مثال مدارس اتحاد مرکز که سابقا حدود دو هزار و ششصد محصل داشت امروز در حدود ۲۵۰ نفر محصل دارد و بعبارت‌دیگرظرفیت برای‌قبول‌دانش‌آموز در مدارس‌یهودی وجود دارد که در حال حاضر از آن استفاده نمی‌شود.

در قسمت دیگر از بیانات خود، آقای دقیقیان ادامه دادند: مشکل بزرگ امروز که از سال گذشته شروع‌شد اینست که با طرح ممنوعیت نام‌نویسی دانش‌آموزان‌مسلمان‌درمدارس اقلیتها که در گذشته درصدی از محصلین این مدارس را تشکیل می‌دادند ودرنتیجه مدارس قادر بودند تا حدکامل‌ظرفیت محصل بپذیرند ـ امروز مدارس مواجه با کمبود دانش‌آموز گردیده ودربعضی مواردتعدادی ازاین مدارس در آستانه تعطیل میباشند.

ایشان افزودند که درست است که آموزش تا سطح دبیرستان رایگان

نام‌نویسی نخواهند نمود [illegible] نیست. چون متوسط تعداد محصلین دربعضی‌کلاسهای مدارس یهودی ۱۰ الی ۱۵ نفر بوده و مشمول تامین‌معلم طبق ضوابط موجود نخواهند بوددر قسمت دیگر آقای دقیقیان‌افزودند که جلسات متعددی با وزارت آموزش و پرورش وباشرکت سایراقلیتهای‌مذهبی تشکیل گردیده و مسائل مختلف مورد بحث قرار گرفته است و گرچه از نقطه نظر نحوه اداره مدارس و ثبت نام و برنامه‌ریزی هنوز جریانات تاانداز‌ه‌ای

مبهم است ولی آنچه مسلم است این است که اولا هیچ مدرسه‌ای بصورت مختلط (دختر و پسر) نخواهد بودو دوم اینکه دانش‌آموزان مسلمان حق ثبت‌نام در مدارس اقلیتهارانخواهند داشت. و حتی مسئله‌تعطیلات‌روزهای تعطیلی هفتگی و مذهبی نیز مسئله‌ای است که بعنوان مسئله معلمین و کادر آموزشی وزارت آموزش و پرورش مورد بحث زیاد بوده است که بنظر میرسد با تعطیلات روزهای شنبه و اعیاد

و اعتقادات مذهبی توحیدی خویش آشنا گردند و بالاخره در مورد نحوه اداره مدارس یهودی ایشان اظهار داشتندکه ازسال تحصیلی آینده‌اداره مدارس بدینترتیب خواهد بود که مدارس یهودی در زیر پوشش انجمن کلیمیان خواهند بود که نوعی‌مرکزیت اداری بوده و در ضمن از یکه‌تازی‌های مدارس جلوگیری می‌شود.

در پایان سئوالات مطرح گردید که عموما در مورد نحوه مالکیت‌مدارس و ادغام آنان بوسیله انجمن کلیمیان و سعی در خود کفائی و اتکاء بمنابع مالی خود جامعه یهودی ایران وکمک‌های افراد جامعه باشدودرضمن‌انجمن از کلیه سازمانهای یهودی دراین‌مورد کمک بخواهد.

در خاتمه آقای دقیقیان‌ازحضار و کلیه همکیشان خواهش نمودند که مسائل مدارس یهودی را بین مردم مطرح و از کلیه همکیشان خواستند که با ثبت نام فرزندان خود در مدارس یهودی بتداوم و بقاء آنان‌کمک‌کنند.

جلسات‌هفتگی

روزهای شنبه ساعت ۸ بعد از ظهر جلسات هفتگی بحث و تبادل‌نظر جامعه روشنفکران یهودی در محل خانه جوانان یهود خیابان مشتاق‌مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۶۹ برگزار میشود.



۵شنبه ۱۹ تیر ۱۳۵۹

تداوم انقلاب

ظاهر و باطن ادارات ما باید از آثار رژیم گذشته پاک گردد و اساس سازماندهی در ادارات برپایه نیازهای عصر انقلاب و برآوردن نیازهای مبرم مردم قرار گیرد. بدون انجام اینکار قیام مردم در انجام هدفهای خود موفق نخواهد بود.

بدون طرح برنامه برای کارآئی بیشتر در ادارات و متناسب نمودن آن با تغییرات اساسی لازم برای هدف‌های انقلاب و رشد وپرورش نظام اداری با شیوه مکتبی توحیدی درخدمت بمردم هر نوع تصفیه و پاکسازی درادارات خطر تبدیل‌شدن بحسابرسی شخصی یا گروهی خواهد داشت. با توجه باین نکته که متاسفانه هر روز تعصبات گروهی و فردی در بستر جامعه ما رشد بیشتری پیدا می‌کند و قدرت‌طلبی بعنوان بیماری رایج روز شـده است لازم است شورای انقلاب و دولت جمهوری اسلامی و مجلس شورا و تمام نهادهای دیگر برنامه دقیق و عملی برای ایجاد سازمانهای لازم و متناسب در جهت تحقق آرمانهای انقلابی مردم ایران طرح نمایند.

خوشبختانه دفتر ریاست جمهوری و شورای انقلاب اعلام داشته‌اندکه طرح کاملی برای بازسازی ادارات تنظیم نموده‌اند که قسمتهائی از آن منتشر شده است.

ما امیدواریم بازسازی ادارات و نهادهای مردمی بصورتی انجام پذیرد که راه را برای تداوم انقلاب هموار سازد. ذکر این نکته مهم را لازم میدانیم که در بازسازی ادارات و سازمانها اول باید اهداف برنامه‌ها و جهت کاردر سطح کشور و بخصوص برنامه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و آموزشی بطور مشخص معلوم گردد و برای مردم روشن شود و در رابطه و متناسب با آن این

سعی کنید فرزندان خود را درمدارس یهودی نام نویسی کنید

مهمترین مدارس ومراکز آموزشی یهودیان درتهران

هنرستان صنعتی دخترانه وپسرانه یهودیان ایران (ارت)
میدان امام حسین اول جاده دماوند

مدارس کورش خیابان آقا شیخ هادی خیابان جمهوری

مدارس اتفاق خیابان انقلاب خیابان شرقی دانشگاه تهران

مدارس دخترانه وپسرانه اتحاد خیابان شهدا (ژاله سابق)

نام وآدرس بقیه مدارس یهودیان بمرور ذکرخواهد شد

مسائل فرهنگی

درجلسات هفتگی جامعه روشنفکران یهودی ایران

روزشنبه چهاردهم تیرماه جلسات هفتگی جامعه طبق معمول در سالن اجتماعات خانه جوانان یهود تشکیل شد. سخنران میهمان این جلسه آقای عبداله دقیقیان خدمتگزار قدیمی و چهره سرشناس فرهنگی کلیمیان ایران بود. حضور آقای دقیقیان که اینک مسئولیت کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان را بعهده دارند در میان اعضاء و طرفداران جامعه روشنفکران یهودی با استقبال فراوان روبرو شد.

آقای ... میباشد و مخارج آنرا وزارت آموزش و پرورش می‌پردازد و معلمین را تامین مینماید ولی باید درنظر داشت که تامین معلم بوسیله وزارت آموزش و پرورش بازاء هر کلاس حداقل ۳۰نفره یک معلم میباشد که در مورد مدارس یهودی و بخصوص که از این بعبد محصل غیر یهودی در این مدارس نام‌نویسی نخواهند نمود این امر صادق نیست. چون متوسط تعداد محصلین دربعضی کلاسهای مدارس یهودی ۱۰ یهودی در مدارس کلیمیان ایـران و بهمین‌ترتیب برای سایراقلیتها موافقت شود.

آقای دقیقیان اظهار داشتند که ممنوعیت ثبت‌نام محصلین غیراقلیت در مدارس اقلیتها موردمخالفت ایشان میباشد. و معتقدند فرزندان این آب و خاک می‌توانند درکنار هم تحصیل کنند و هرکدام جداگانه به امور و اعتقادات مذهبی توحیدی خویش آشنا گردند و بالاخره در مورد نحوه

کرفته و وسعت یافته است. این نظام از بالا سازمان یافته و در خدمت امپریالیسم جهانی و سرمایه‌داران وابسته بوده است عناصر متشکله این نظام با آنکه ممکن است بین آنها اشخاصی وجود داشته باشند که خود را به رژیم گذشته فروخته‌اند ولی در مجموع مردمی هستند زحمتکش و در خدمت هدفهای انقلاب عمل کرده‌اند و خواهان تغییرات اساسی و بوجود آمدن کارائی انقلابی میباشند.

زیر سئوال قرار دادن نظام اداری شاهنشاهی و بیرون کردن عوامل ساواک و وابسته به‌عناصر ضد انقلابی از ادارات و پاکسازی کردن محیط ادارات از وابستگان به‌شیوه فکری شاهنشاهی امری لازم و ضروری است‌ولی این مطلقا بدآن معنی نیست که همه کارمندان دولت و یا فعالین نهادهای انقلابی را تخطئه کنیم و هرکس قدرت دارد با چماق تکفیر بر فرق دیگری بکوبد وو او را از میدان بدر کند تا خود بجای او بنشیند. و بطور خلاصه پاکسازی بهانه‌ای برای تصفیه حساب خصوصی افراد نگردد.

بقیه در صفحه ۸

جهاد سازندگی

شرکت درامر جهاد سازندگی را به‌پیوند عمیق‌ترخود بامردم ایران مبدل سازیم

دو هفته ایست که آقای اسحق فرهمند بور با صحبت در کنیساها از مردم می‌خواهند برای شرکت درجهاد سازندگی کمک مالی کنند. جامعه روشنفکران یهودی ایران که از اولین روزهای آغاز نهضت جهاد سازندگی درآن‌شرکت‌داشته است و گروه‌فراوانی از جوانان یهودی همراه با اقدامات این جامعه در کار جهاد سازندگی‌ما را یاری نموده‌اند لازم می‌داند نظرات خود را در باره مشارکت جامعه‌یهودی ایران درجهادسازندگی‌اعلام‌نماید.

قبلا" لازم است یادآوری کنیم شرکت در جهاد سازندگی با جهاد سواد آموزی نمی‌تواند در جمع آوری و یا پرداخت کمک مالی خلاصه شود. این‌نهادها نشانه‌شکوفائی‌انقلاب‌مردم ایران است نهادهای انقلابی را نباید با انجمن‌های‌خیریه‌اشتباه کرد. شرکت درجهادسازندگی در آمیختن‌باحرکت انقلابی مردم‌است.

اگر کسانی می‌خواهند یهودیان را هماهنگ با قیام مردم در جهاد سازندگی یا جهاد سواد آموزی شرکت دهنداول باید گروهها و کمیته‌هائی در این‌زمینه‌بوسیله‌سازمانها وباکنیساهای پرمحل‌تشکیل‌گردد. عنصر اساسی‌برای

بقیه در صفحه ۲

برای صلح و زندگی بهترآشنا شوند.

برای اکثریت ساکنین اسرائیل هفته گذشته هفته‌ای بود با اخبار بد و ناراحت کننده، میزان تورم به۱۳۳ درصد رسید. بحث و جدل در مورد تقلیل هزینه‌های‌دفاعی وجنگی‌موجب ناراحتی‌های شدیدی درکابینه مناخم بگین شده‌است. عده‌ای بااحداث‌یک پناهگاه قابل‌حمل دراورشلیم برعلیه این‌دولت درمورد‌کمبودمسکن‌اعتراض کردند. آنچه‌که‌بیشتر ازهرچیزنگرانی دولت مناخم‌بگین را فراهم‌کرده‌است بحثی‌بود که‌درپارلمان‌اسرائیل‌صورت کرفت و متن آن عبارت بود از: «در زمان تأسیس دولت‌اسرائیل یعنی۳۲

یابد، بزودی‌تعدادافرادی‌که‌اسرائیل را ترک می‌کنند بیشتر از مهاجرین تازه وارد باین کشور خواهند بود.

هم اکنون در حدود چهارصد هزارنفر(۴۰۰۰۰۰)یهودی‌اسرائیلی (از هر۹نفریک‌نفر)درآمریکازندگی می‌کنند. این مهاجرت‌معکوس‌برای اکثریت اسرائیلی‌ها ناراحت‌کننده است زیرا که از نظر آنها خیانتی است به سرزمین مقدس‌آنچه که زنگ خطر را برای آنها نواخته اینست که عده قابل ملاحظه‌ای از این‌مهاجرین از خانواده‌های متوسط، افسران‌ذخیره ارتش و متولدین اسرائیل می‌باشند.

نخست وزیرپیشین اسرائیل‌این

بقیه در صفحه ۲

گتوورشو

حماسه مقاومت یهودیان برعلیه نازیها

بازسازی خاطرات و یادآوری گتوی ورشو وطغیان‌آن کار بس دشواری است. تاکنون صفات رایج و عمومی همگی برای وصف کردن این موضوع مورد استفاده قرار گرفته است. تعداد بیشماری اثر، مراسم، سخنرانی، کنفرانس، محاوره، مطالعه، مقاله در این‌باره گفته یانوشته‌شده است ومسلما در آینده نیز ادامه خواهند داشت.

شورش گتوی ورشو بعنوان یک سمبل بطور کلی‌ماورای‌تصورات‌انسانی است.

تاریخ ایجاد این گتو دوم اکتبر ۱۹۴۰ می‌باشد یعنی زمانی کدلودویک فیشر، حکمران‌آلمانی (ایالت) محدوده ورشو بخشنامه‌ای مبنی بر ایجاد محله یهودی‌نشین در شهر ورشو صادر می‌نماید. ساکنین غیر یهودی محله‌مورد نظر مجبور به ترک آن شده ویهودیان ساکن سایر نقاط شهر (که تعدادشان به‌نسبت بیشتر بود) اجبارا در این محله‌ساکن شدند. بعدها‌تعدادزیادی

بقیه در صفحه ۳

شرعی و اجتماعی خود در تماس ... است.

رئیس دادگاههای انقلاب تاکید نمودند که با این مسئله با دقت کافی روبرو خواهند شد و به دادگاههای انقلاب و آقایان قضات شرع‌نیزتوصیه خواهند داد که بادقت و موشکافی با این مسائل روبرو شوند آقای محمدی با اشاره به احترامی که اسلام برای ادیان توحیدی قایل است کفتند سعی براین است که مفهوم قضاوت اسلامی به کسانی که دارای ادیان توحیدی هستند نشان داده شود و درکشندسیز دادگاهها با برادران کلیمی و نصرانی عموما برخورد برادرانه داشته‌اند کو اینکه ممکن است در مواردی واقعا نارسائی‌هائی وجود داشته باشد.

در پایان نمایندگان جامعه روشنفکران یهودی درخواست نمودند که موضوع یهودیت و صهیونیسم واقعا جدا از هم مورد توجه قرار کیرد. هر یهودی الزاما صهیونیست نیست وخط یهودیان ایران ازخط صهیونیست‌های وابسته به‌امپریالیسم کاملا جدا است و جامعه یهودی ایران در گذشته درعمل و نه در حرف این حقیقت را ثابت کرده است.

رئیس‌دادگاههای‌انقلاب‌اسلامی با نهایت صمیمیت قول دادند نقطه نظرهای خودرا دربرخورد با مسائل مربوط به یهودیان در وسایل ارتباط جمعی توضیح دهند.

תמוז

تموز

نشریه جامعه روشنفکران یهودی ایران

پنجشنبه نوزدهم تیر ماه ۱۳۵۹ مطابق ۲۶ تموز ۵۷۴۰

سال دوم شماره سی و یکم — قیمت پانزده ریال

تداوم انقلاب

هم آهنگ نمودن نظام اداری باخواسته های مردم وظیفه نیروهای انقلابی است

امام خمینی در بیانات مشروح خود که هفته گذشته در مقابل جمع کثیر مردم بیان داشتند صراحتاً اعلام نمودندکه مسئولین دولت و شورای انقلاب باید حساب پس بدهند که در هیجده ماه استقرار جمهوری اسلامی چه کرده‌اند .

امام خمینی اشاره داشتند باین مطلب که روابط طاغوتی در ادارات دولتی هنوز پابرجا است و نظام شاهنشاهی جان سختی میکند .

پس از اظهارات امام دستگاه‌های اداری و مسئولین امور و نهادهای انقلابی مثل بنیاد مستضعفین فعالیت وسیعی شروع کردند تا آثار نظام شاهی را از خود بزدایند ولی آیا این زدودن آثار با از میان رفتن عکس‌ها ونوشته ها رژیم گذشته بانجام خواهد رسید . . ؟ جواب باین سئوال تنها با یک مراجعه به بعضی ادارات و بنیادها روشن خواهد شد .

نظام اداری ما مناسب با سیستم فکری و هدف رژیم شاهنشاهی پا گرفته و وسعت یافته است . این نظام از بالا سازمان یافته و در خدمت امپریالیسم جهانی و سر مایه‌داران وابسته بوده است عناصر متشکله این

ملاقات نمایندگان جامعه روشنفکران با رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی

بعد از ظهر روز سه‌شنبه هفدهم تیر ماه نمایندگان جامعه روشنفکران یهودی ایران متشکل از آقایان مهندس عزیز دانشراد ـ هوشنگ کرملی پرویز یشایا در محل دادگاه‌های انقلاب اسلامی با حضرت آیت‌اله محمد محمدی گیلانی رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی مرکز ملاقات و در مورد پاره‌ای از مسائل مذاکره نمودند . نمایندگان جامعه دو مورد را باطلاع رئیس دادگاههای انقلاب رساندند .

اول اینکه در مواردیکه مجرمی را از بین یهودیان کیفر می‌دهند در موقع اعلام خبر آنچه بیشتر مورد توجه قرار میگیرد ذکر مذهب است درباره دومحکوم که اخیراً اعلام شد مرتبا اشاره بمذهب آنها که کلیمی بوده‌شده‌است در حالیکه در هیچ مورد دیگری مذهب محکومین یا متهمین ذکر نمی‌شود .چرا باید در مورد کلیمیان تکرار مذهب آنها ذکر گردد . رئیس محترم دادگاه های انقلاب اعتراض نمایندگان جامعه روشنفکران را وارد دانستند و اشاره کردند حتی الامکان سعی خواهد شد با توضیح بیشتر این مسئله اگر در گذشته انجام شده در آینده انجام نشود تا موجب نگرانی و تاثر برادران یهودی نشود . ایشان تاکید فرمودند که اصل مجرم بودن است و اسلام در مقابل مجرم عمل می‌کند و کسی که بمجازات می‌رسد جرمی انجام داده و اصولا مذهب او در تعیین مجازات دخالتی ندارد .

نمایندگان بیان داشتند که در بعضی ادعانامه‌ها که از طرف دادستان انقلاب اسلامی درباره متهمین یهودی صادرمیشود دیده‌شده است که عضویت در انجمن‌های یهودی ایران بعنوان یکی از موارد اتهام مورد استناد قرار گرفته در حالیکه سازمانهای عمومی یهودیان را از دستگاههای صهیونیستی وابسته به امپریالیسم باید جدا ساخت هر یهودی بطور طبیعی با انجمن‌های شرعی و اجتماعی خود در تماس دائم

یهودیان اسرائیل بطرز بیسابقه‌ای از این کشور مهاجرت میکنند

مقاله زیر را از شماره هفته گذشته مجله « تایم » انتخاب کرده و برای خوانندگان ترجمه نموده‌ایم . بارها گفته‌ایم چاپ این گونه مقالات مطلقاً بمعنی موافقت کامل ما با مسائل طرح شده در آن نیست و چاپ این مقالات برای آنستکه خوانندگان ما با برداشتهای گوناگونی که نسبت بـه کشور اسرائیل وجود دارد آشنا شوند و به واقعیات موجود در این کشور بهتر پی ببرند و مخصوصا" با عمق مشکلات و مبارزات مردم تهی دست یهودی درکشور اسرائیل برای صلح و زندگی بهتر آشنا شوند .

سال پیش هیچگاه تا این اندازه اسرائیلی‌ها بکشورهای دیگر بخصوص آمریکا مهاجرت نکرده‌اند . ! ..

بنا براظهارات کمیته مهاجرت پارلمان اسرائیل ، ماهیانه دو هزار اسرائیلی از این کشور مهاجرت نموده و اکثر آنها درآمریکا اقامت می‌کنند . انتظار می‌رود در سال جاری ۲۵۰۰۰ نفر از این کشور مهاجرت نمایند که در مقایسه با سال ۱۹۷۹ در حدود ده هزار نفر بیشتر می‌باشند .

اگر مهاجرت بهمین ترتیب ادامه یابد ، برودی تعداد افرادی که اسرائیل

این تحریکات وتوطئه‌هاوعوامل آنها، مسئله‌ای نیست که از چشم مردم قهرمان کازرون مخفی باشد، ولی آنچه که مهم است، دروغپردازی و قلب واقعیت و ایجاد تحریکتوسط روزنامه‌ی جمهوری است، که خود زمینه را برای آتش‌افروزیهای بعدی آماده می‌کند. ما برای روشن شدن واقعیت حوادثی که در دو روز فوق اتفاق افتاده، عین اطلاعیه‌ی انجمن دانش‌آموزان مسلمان کازرون را درج کرده و قضاوت را به مردم کازرون و همچنین خلق قهرمان ایران واگذار می‌کنیم.

دفتر ابرجی

سرپرست شبکه بهداری وبهزیستی‌کازرون

اطلاعیه‌ی انجمن دانش‌آموزان مسلمان کازرون

درمورد

حوادث روزهای چهارشنبه‌وپنجشنبه

(۲۸و۲۹خردادماه)

بنام خدا

و

بنام خلق قهرمان ایران

ساعت شش بعدازظهر روز چهارشنبه هنگامی که دونفر از برادران ما مشغول فروش نشریه در سه راه نطنج بودند با یکی از سردسته‌های چماق‌داران کازرون به نام قربان‌علی موءذنی روبرو می‌گردند. نامبرده که به خاطر جرائم گذشته اش تحت تعقیب بود در آن روز با چرخاندن زنجیر در هوا قصد تحریک و ایجاد درگیری داشت که برای جلوگیری از هرگونه تشنج توسط برادران تحویل شهربانی می‌گردد. زیرا برادران ما علیرغم همه‌ی صدمات و ضرب و جرح‌هایی که از ناحیه‌ی وی برای آن‌ها ایجاد شده بود تصمیم‌گرفتند با ارجاع قصبه به مقامات مسئول. جریانات مسیر قانونی خود را طی نماید. پس از تحویل وی مقرر می‌گردد تا شاکیان و متشاکی ،فردای آن‌روز یعنی پنجشنبه جهت دادرسی در محل دادگستری حاضر گردند. ولی عناصر چماق‌دار که ماهیت آن‌ها دیگر برهمه روشن است حمله به هواداران و منازل آن‌ها نمودند که با استمداد از مامورین انتظامی پس از حدود یک ساعت این درگیری‌ها با بجای گذاشتن عده‌ای مجروح و مصدوم به پایان رسید. فردای‌آن روز یعنی روز پنجشنبه نیز هنگامی که چند تن از برادران برای ادای شهادت و دادخواهی در دادگستری حاضر می‌شوند در آنجا نیز چماق‌داران حرمت دادگاه را رعایت ننموده و در همان محل به برادران ما حمله نمودند بطوری که وقتی یکی از برادران به اطاق دادیار پناه می‌برد: چماق‌داران شناخته‌شده‌ای از قبیل قربانعلی و خداداد موءذنی (معروف به قبرکن) و منصور موذنی (معروف به منصورسیاه) و کریم پرنده به دنبال وی وارد اطاق شده و او را با زنجیر وپنجه‌بکس و... از نواحی مختلف سر وصورت و کتف شدیدا" مجروح نمودند و متاسفانه پاسداران حاضر در محل، نه تنها خود برای جلوگیری از این اعمال اقدامی نمی‌نمودند بلکه حتی مانع کمک سایر برادران و خواهرانی که در محل حاضر بودند برای نجات وی از دست

می‌برند و حتی فرصت پانسمان جراحت‌های آن‌ها را نیز نمی‌دهند. البته این دستگیری‌های بی‌رویه به همین‌جا خاتمه نیافته بلکه در عصر همان‌روز نیز ۲تن دیگر از برادران ما در خیابان و بدون حکم و اجازه و با روشی که اعمال مامورین رژیم گذشته را تداعی می‌کرد بازرسی و بازداشت می‌گردند که طبق آخرین اطلاعات رسیده به ما، سه نفر از برادران بازداشتی را به تهران منتقل نموده و یکی ازآن‌ها را آزاد نموده‌اند.

و اما روزنامه‌ی معلوم‌الحال جمهوری اسلامی که در حقیقت ارگان چماقداران است طبق روال همیشگی‌اش به تحریف حقایق پرداخته و اخبار را آنطور که منافع واپسگرایانه‌اش اقتضاء می‌نموده ساخته و پرداخته است و البته از حزب جناب آقای آیت که یکی از توطئه‌هایش اخیراً برملا گردید واز آغاز تاسیس نیز هدفی جز تفرقه‌افکنی و فعالیت علیه نیروهای انقلابی نداشته است این برخورد دور از انتظار نیست. مثلا دفاع برادران ما از خانه‌های خودمان که مورد حمله‌ی چماقداران قرار گرفته بود، حمله‌ی آنها از پشت بام خانه‌ها به مامورین توصیف نموده است و یا اینکه با کمال غرض حمله‌ی چماقداران را به ساحت دادگاه معکوس جلوه داده و مذبوحانه تلاش نموده تا آن را حمله‌ای از طرف هواداران مجاهدین وانمود سازد. در حالی که اگر حداقل انصافی نیز در آقایان وجودمی‌داشت ، ایجاب می‌کرد تا در برابر آلوده کردن صحن دادگاه به چماقداری، موضع بگیرند ،آخر آقایان اسلام؟پناه!! اگرما در دادگاه انقلاب اسلامی تامین نداشته باشیم دیگر به کجا پناه ببریم؟ البته روشن است که این روش درج خبر را جز حمایت از چماقداران چیز دیگری نمی‌توان نامید. آخر اگر به قول شما هواداران مجاهدین به مردم حمله کرده‌اند (البته"مردم" در اصطلاح رایج شما که منظور همان چماقداران هستند و تازه آنها بودند که به هواداران مجاهدین حمله نمودند) چرا با ز به قول خودتان از بیست نفر بیش از ۱۵ نفرآن (یعنی لابد حدود ۱۸ — ۱۷ نفر) از هواداران مجاهدین هستند. آیا نگاهی به

اینگونه اخبار روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ضرب‌المثل کم حافظگی دروغگو را به خاطر نمی‌آورد. اگر شما عکس‌العمل‌مردم برایتان مهم است وقتی برادرمان در دادسرا کتک خورده‌بود، وباسروصورت خونین و اللهاکبر گویان در میان ابراز تاثر شدید مردم به میان آنها آمد و باعث شد که مردم شدیدا از عاملین و حامیان چماقداری اظهار تنفر نمایند و... چرا این مردم را ندیدید و درباره‌ی آنها قلمفرسایی نکردید. آیا معنی مبارزه با چماقداری به توصیه‌ی ریاست جمهوری و فرزند امام و سایر مقامات مسئول این است بهرحال ما اکنون قضاوت را به عهده مردم آگاه و بیطرف گذاشته و ضمنا خواستار رسیدگی سریع و عادلانه‌ی مسئولین امور به جریان امر هستیم تا سیه‌روی شود هرکه در او غش باشد. و سیعلم‌الذین ظلموا ای مقلب ینقلبون.

انجمن‌دانش‌آموزان‌مسلمان‌کازرون

۵۹/۴/۳

★★★

دبیرستان دکتر علی شریعتی رشت— گروهی از دانش‌آموزان مسلمان مهد دانش رشت — انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان ابوریحان رشت — انجمن دانش‌آموزان مسلمان سردار جنگل رشت — گروهی از دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان روشنک رشت — انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان آزادگان رشت — گروهی از دانشجویان مسلمان انستیتو تکنولوژی رشت — گروهی ازدانش‌آموزان‌مسلمان‌اروندرود رشت — گروهی از معلمان مسلمان رشت — انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه گیلان — انجمن دانشجویان مسلمان تربیت دبیر فنی گیلان — انجمن دانش‌آموزان مسلمان بابل — جنبش معلمین مسلمان بابل — انجمن دانش‌آموزان مسلمان آمل — جوانان مسلمان هارون محله آمل— انجمنهای جوانان مسلمان روستاهای‌آمل— انجمن دانشجویان مسلمان دانشکده‌ی ایوب معادی بابلسر — انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستانهای بابلسر— جمعی از معلمین مسلمان بابلسر — انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشکده‌ی جمعی از معلمین مسلمان قزوین — انجمن دانشجویان مسلمان دانشسراو انستیتوتکنولوژی قزوین — انجمنهای دانش‌آموزان مسلمان قزوین — انجمن دانشجویان مسلمان قزوین — انجمن دانشجویان مسلمان کرج — انجمن دانش‌آموزان مسلمان کرج — انجمن دانشجویان مسلمان دانشکده‌ی کشاورزی حنیف‌نژادکرج — انجمن دانشجویان‌مسلمان مدرسه‌ی عالی مدیریت اقتصادی کرج — انجمن جوانان مسلمان حصارک کرج — کانون توحیدی‌شهریار انجمن دانش‌آموزان مسلمان شیراز جمعی از کارمندان مسلمان شیراز — انجمن جوانان موحد شیراز — کانون معلمین مسلمان شیراز — انجمن‌های دانش‌آموزان مسلمان دبیرستانهای دخترانه‌ی آزرم، ۱۷ شهریور، و خندان کرج — انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستانهای پسرانه‌ی بابک، بوعلی کرج — انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان نوربخش رشت — گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان سرور آلادپوش رشت — انجمن دانش‌آموزان مسلمان‌دبیرستان فروغ رشت — هنرجویان مسلمان هنرستان صنعتی عینک رشت — گروهی از دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان سپید رود رشت — انجمن هنرجویان هنرستان دختران رشت — انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان آزاده‌ی رشت — دانش‌آموزان مسلمان رهنمای سعادت‌رشت انجمن دانش‌آموزان مسلمان بجنورد — انجمن دانشجویان مسلمان بجنورد— جمعی از بازاریان مسلمان بی‌بی‌یان — انجمنهای دانش‌آموزان مسلمان مدارس شریعتی ،فرخی، ابن سینا ،ابوذر؛ علی ابراهیمی، امیرکبیر، شریف واقفی، منتظری‌رازی و جمعی از دانش‌آموزان مسلمان سعید محسن، ولی‌عصر، پیشداد — انجمنهای دانش‌آموزان مسلمان دبیرستانهای فردوسی، فاطمه‌امینی هشترودی و انجمنهای دانش‌آموزان مسلمان دبیرستانهای صدیقه‌رضائی طالقانی، رویا، بهار آزادی. — جمعی از کارکنان شرکت شیمیائی رازی از بندر ماهشهر هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران — تعدادی ازخواهران وبرادران ازشهرستان طبس.

انجمن دانش‌آموزان مسلمان امیر کبیررشت — انجمن دانش‌آموزان مسلمان فرخی رشت — انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان آلادپوش رشت-جمعی از دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان منتظری رشت.

تعدادی از کارکنان بانک کشاورزی استان‌گیلان— عده‌ای از کارکنان مسلمان دخانیات منطقه‌ی گیلان — گروهی از کارکنان مسلمان بیمارستان رازی رشت — گروهی از کارمندان متعهد ومسلمان آموزش و پرورش شهر رشت — گروهی ازکارکنان مسلمان سازمان آب و برق منطقه‌ی شمال — گروهی از کارکنان مسلمان بهداری و بهزیستی منطقه‌ی گیلان گروهی از کارکنان مسلمان مخابرات گیلان — گروهی از کارمندان مسلمان مهد کودک رشت — گروهی ازکارکنان شرکت ملی نفت ایران ناحیه‌ی‌رشت

★★★

اخراج‌کارگران‌شرکت‌سینوس‌اهواز

اهواز:

روز یکشنبه (۴/۱)، ۱۰۵ نفر از کارگران "شرکت‌سینوس‌اهواز" که ۴ نفر از آنها عضو شورای‌اسلامی کارگران بودند، از این شرکت اخراج شدند. علت‌اخراج این عده، اتمام کار ذکر شده است. اخراج این کارگران درحالی صورت می‌گیرد که هنوز کار بهپایان نرسیده، وگفته می‌شود پروژهٔ دردست شرکت‌سینوس چند مرحله‌ای می‌باشد و به فرض اتمام مرحله‌ی اول، کار مرحله‌ی‌دوم طبق گفته‌ی دفتر همکاریهای مردم با رئیس جمهور باید به خود کارگران واگذار شود. ازطرفی براساس گفته‌ی استاندار خوزستان اجرای مرحله‌ی دوم پروژه،بستگی به پرداخت بودجه ازطرف دولت دارد. ضمناً قراراست به جای دوماه حقوق و مزایای عقب‌افتاده، فقط معادل یکماه حقوق به کارگران پرداخت شود.

واقعیت حوادث کازرون چیست؟

چند روزی از حوادث اسف‌بار کازرون می‌گذرد، همانطور که اطلاع دارید، در روزهای ۲۸ و ۲۹ خرداد اوباش فارغ‌البال ازبی‌تفاوتی مقامات‌مسئول، با آتش افروزی و تحریک،ده‌ها نفر را زخمی نمودند. لازم به توضیح است که این اعمال ارتجاعی‌به همان دو روز محدود نبوده و از یک هفته‌ی قبل تداوم داشته است. فی المثل در ساعت ۹شب شنبه(۳/۲۴) طبق نقشه‌ی قبلی، یکی از اوباش راه را بر ۳ نفر از هواداران سد می‌کند. او ضمن تفتیش وقتی متوجه می‌شود آنها نشریه‌ی مجاهد همراه دارند، با علامت حساب شده، حدود ۲۰ الی ۲۵ نفر از اوباش مسلح به چاقو، پنجه بکس و زنجیر را به جان آنان می‌اندازد. دراین ماجرا دو تن از هواداران موفق به فرار شده و نفر سوم به شدت مجروح می‌شود. به طوری که پزشک برای او یک ماه طول درمان تجویز می‌کند.

سازمان بهداری و بهزیستی
استان فارس
شبکه بهداری و بهزیستی کازرون

شماره ۲۷۶
تاریخ ۵۹/۳/۲۵
پیوست

شهربانی محترم کازرون

بازگشت بنامه‌شماره ۱۰۳۵ مورخه ۵۹/۳/۲۴ از آقای محمدکاظم اسدالهی معاینه بعمل امد آثار ضربات زنجیر بتعداد دوازده اثر درناحیه سرویشت مشهود است نامبرد بمدت یکماه طول درمان احتیاج دارد .ف. ا

دکترایرجی
سرپرست شبکه بهداری وبهزیستی‌کازرون

از سرویس خبری مجاهد:

درشهرستانها چه می‌گذرد...؟

سرانجام تحت فشار حاضرین مجبور به دخالت شدند. البته این نکته قابل ذکر است که چماق‌داران نتوانستند از همه‌ی وسایل خود که در زیر پل مخفی کرده‌بودند، استفاده نمایند. زیرا در حین درگیری توسط برادران ما کشف و ضبط گردید که در صورت تشکیل دادگاه و درخواست‌مسئولین تحویل داده خواهد شد.

سپس برادران ما برای طرح مجدد شکایت خود در شهربانی عازم آنجا می‌گردند که در جلوی درب شهربانی چماق‌دار شناخته‌شده‌ای به نام رضا کوشکی با زنجیر به آن‌ها حمله می‌کند که وقتی برای جلوگیری از ایجاد درگیری برادران به داخل شهربانی می‌روند، در آنجا نیز مجددا" با خداداد موٴذنی (معروف به قبرکن) روبرو می‌شوند که با پنجه‌بکس به طرف آن‌ها آمده و به اصطلاح ادعای بازرسی بدنی آن‌ها را دارد در حالی که مامورین شهربانی نیز در محل حاضر بودند و اعمال او را شاهد و البته بر ما معلوم نشد چه کسی چنین مقامی را در شهربانی به او سپرده است. به هر حال در شهربانی به جای رسیدگی به شکایت برادران، چند پاسدار آمده و آن‌ها را که در حقیقت شاکی بودند بازداشت نموده و همراه خود می‌برند و حتی فرصت پانسمان جراحت‌های آن‌ها را نیز نمی‌دهند. البته این دستگیری‌های بی‌رویه به همین‌جا خاتمه نیافته بلکه در عصر همان‌روز نیز ۲تن دیگر از برادران ما

گروه‌های زیر با ارسال تلگرام و نامه‌هایی حمله به میتینگ مجاهدین خلق در امجدیه و همچنین چماق و چماق‌داری را محکوم می کنند

گروه‌های زیر با ارسال‌تلگرام‌هاو نامه‌هایی، حمله به میتینگ‌مجاهدین خلق در امجدیه و هم چنین چماق و چماقداری را محکوم نموده‌اند.

ـ جمعی از کارگران مسلمان همدان ـ جمعی‌ازمعلمین‌مسلمان‌شهرو روستای همدان ـ جمعی از کارمندان مسلمان همدان ـ هواداران سازمان مجاهدین خلق نهاوند ـ گروهی از معلمین مسلمان نهاوند ـ گروهی از مادران مسلمان نهاوند ـ انجمن معلمان مسلمان مشهد ـ انجمنهای دانش‌آموزان مسلمان مشهد ـ انجمن زنان مسلمان مشهد ـ انجمن دانشجویان مسلمان مراکز ومدارس عالی و دانشگاه مشهد ـ دانشجویان مسلمان مدرسه‌ی عالی بهداشت‌رشت گروهی از دانش آموزان مسلمان دبیرستان پروین اعتصامی رشت ـ گروهی از دانش آموزان مسلمان دبیرستان سروش رشت ـ گروهی از دانش‌آموزان‌ مسلمان دبیرستان لیلا زمردیان رشت ـ گروهی از دانشجویان مسلمان مرکز تربیت معلم پسران رشت ـ گروهی از دانش آموزان مسلمان دبیرستان دهخدا رشت ـ انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه دهخدا رشت ـ گروهی از دانش آموزان دبیرستان دکتر علی شریعتی رشت ـ گروهی از دانش آموزان مسلمان مهد دانش رشت ـ انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان ابوریحان رشت ـ انجمن دانش آموزان مسلمان سردار منابع طبیعی و دانشسرای راهنمایی تحصیلی اسدی عرب گرگان ـ انجمنهای دانش آموزان مسلمان دبیرستانهای گرگان ـ انجمن دانش‌آموزان مسلمان دبیرستانهای قائم شهر ـ جنبش معلمین‌مسلمان قائم‌شهر ـ انجمن جوانان مسلمان روستاهای قائمشهر ـ انجمن جوانان مسلمان صومعه‌سرا ـ انجمن جوانان مسلمان رودسر ـ هواداران مجاهدین خلق رامسر ـ انجمن جوانان مسلمان لنگرود انجمن جوانان مسلمان نور ـ انجمن جوانان مسلمان محمودآباد ـ هواداران مجاهدین خلق درفومن ـ هواداران مجاهدین خلق در تنکابن ـ انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه اهواز ـ انجمنهای دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان‌های دکتر شریعتی و دکتر حسین فاطمی‌اهواز (طی یک اعلامیه) جمعی ازجوانان مسلمان آغاجاری ـ جمعی از نفتگران مسلمان آغاجاری ـ جمعی از دانش‌آموزان مسلمان آغاجاری ـ جمعی از اهالی مسلمان چشمه‌علی‌مسجدسلیمان ـ گروهی‌ازاهالی مسلمان نورآباد‌مسجد سلیمان ـ گروهی‌از جوانان مسلمان مسجد سلیمان ـ جمعی از معلمین مسلمان قزوین ـ انجمن دانشجویان مسلمان دانشسراو انستیتوتکنولوژی قزوین ـ انجمنهای دانش‌آموزان مسلمان قزوین ـ انجمن دانشجویان مسلمان قزوین بجنورد-جمعی از کارکنان مسلمان ادارات بجنورد ـ جمعی از دانش‌آموزان مسلمان خیابان ۱۷ شهریور بجنورد ـ انجمن مسلمانان مبارز شیروان ـ انجمن جوانان موحد درگز انجمن معلمان مسلمان قوچان انجمن دانش‌آموزان مسلمان قوچان ـ انجمن کارکنان مسلمان ادارات‌قوچان جمعی ازمادران مسلمان قوچان ـ انجمن جوانان مسلمان تایباد ـ انجمن دانش آموزان مسلمان سبزوار ـ جمعی از بازاریان مسلمان سبزوار ـ جمعی از مادران مسلمان سبزوار ـ جمعی از کارکنان مسلمان سبزوار ـ انجمن جوانان مسلمان بیرجند ـ انجمن دانش‌آموزان مسلمان نیشابور ـ انجمن هنرجویان مسلمان‌نیشابور ـ انجمن جوانان مسلمان نیشابور ـ انجمن جوانان مسلمان زاهدان ـ جمعیت جوانان مسلمان زابل ـ انجمن جوانان مسلمان بیدخت ـ انجمن دانشجویان مسلمان دانشکده‌ی نفت آبادان ـ گروهی از جوانان مسلمان نمره‌ی چهل واداره‌ی فرهنگ ـ گروهی از جوانان مسلمان محله‌ی‌سی برنج مسجد سلیمان ـ گروهی از جوانان مسلمان دو راه بی‌بی‌یان ـ انجمنهای دانش‌آموزان مسلمان مدارس شریعتی، فرخی، ابن سینا، ابوذر، علی ابراهیمی، امیرکبیر، شریف واقفی، منتظری‌ـرازی و جمعی از دانش آموزان مسلمان

... از جزئی ... در این ...

... ان رئیس جمهور بایستی سیاست
... مشخص سازد "مذاکرات ما تا

... اینجا پایان نیافت. پس از مدتی
... شدند. به من دستور داده شد
... بپردازم و از تمایلات او مطلع
... موافقتی کرد با نه. وقتی بلاهه
... که ساختمانی پس کهن و محیطی
... انگلیسیان متشخص بیگانه با نجا
... و اطاق بداده بودم مع الوصف
... از مصدق بدبرای سافران
... نخاید اقامت دارد یا نه؟.
... برای دکتر مصدق نداریم. با و
... من اطاق داریدامابرای دکتر
... (Mijneer La Shell)
... بلکه یک شرکت هلندی نیز
... با ما ضدیت داشته باشد با همه
... بداد که شرکتهای نفتی مبل

... یورک آمد زیرا انگلیسیها دعوی
... چون او بنظر میرسید که ترجیح
... سته باشد و این معنی را بمن
... معاون نخست وزیر
Geor...) که در مدت اقامت
... ریکا شدم.
... از ملاقات با سربازی خشن که
... حل باشد نا راضی است اما چون
... میتوانم در ایجاد جوی
... داد که مرا بپذیرد.
... مصدق داخل شدم و طبق
... روی آن لمیده بود نشستم
... یک سرهنگ دوم روی تخت
... شده بود.
... ناپسند نخواهم بود و بهمین
... گرم گرفت.
... ادعا کرد که اگر مصدق بتواند
... همانا کتکو با مکگی است.
... سازمان ملل متحد بازیچه
... مصدق القا کنند تا شرکت نفت
... برگرداند. دنباله دارد

... جزئی از فرهنگ است و تلویزیون این جعبه جادو هم فرهنگ و هم فرهنگ ساز و منعکس کننده فرهنگ منقلب شده پس میتوانم مسائل را حداقل در همان سطحی که مشاهده می‌نمایم تفسیر و حلاجی کنم. حداقل می‌توان پرسید که اگر این میز نمونه فرهنگ منقلب شده نیست در فرهنگ موعود مسائلی از قبیل دیر آمدن ــ شعار دادن مارک زدن ــ حاضرین را بهیچ انکاشتن و بین خودو دیگران تفاوت قائل شدن چگونه تلقی میگردید؟ یا اگر ترتیب سخن‌گوئی شرکت کنندگان معکوس میشد چه تفاوتی در سخنانشان می‌گذاشت؟

بفراموشی سپردن اینکه کلمه انقلاب فرهنگی یک واژه سیاسی است که بیش از بیست سال ندارد مسیر و نتیجه‌گیری های بعدی را مشکل میکند و آنگاه که مشاهده میکنیم گروهی که سردمدار نشر این واژه در ایران بوده‌اند از شرکت در بحث طفره می‌روند باید بپرسیم واقعا" چه نوع فرهنگی برای ایران پیشنهاد میشود؟ آیا این فرهنگ باید فرهنگ دشنام و ناسزا و برچسب‌زدن همانطور که امروز معمول است باشد تا حدیکه در همان میز گرد سخنگوی دیر رسیده در حالی‌که دیگر سخنان را نشنیده آنها را شعار بداند و کسی‌هم سئوال نکند مگر آنچه شما می گوئید شعار نیست واساسا "مگر شعار هم جزئی از فرهنگ نمی خواهند داد که برای رسیدن به همین وضع فعلی سالها وقت لازم باشد. در حال حاضر می‌بینیم روزنامه‌هائی منتشر میشود که فرهنگشان فحاشی و ایجاد اختناق و ارتجاع در جامعه است. واگر در باره مطبوعات قانونی هست که بتوان در همان محل جواب دادو دفاع کرد در باره رادیو و تلویزیون که اشاعه دهنده همین فرهنگ است هیچ قانونی وجود ندارد. دراین موسسه حتی اگر بعضی کارمندان هم بخواهند جانب انصاف را رعایت و مصاحبه متقابل ترتیب دهندو پخش نمایند آنها را در بدر و بیکار می کنند همانطور که در رادیو تلویزیون مشهد در مورد پخش مصاحبه استاندار و سانسور مصاحبه سرپرست دانشگاه عمل کردند. کار سانسور دراین موءسسه به اصطلاح ملی به آنجا رسیده که وقتی نوشته های دکترعلی شریعتی در سالروز هجرتش خوانده میشود اسم مصدق را و قسمتی که میگوید"پیشوایم دکتر مصدق ....."را حذف و گفته این معلم انقلاب را مسخ می نمایند. و چرا نپرسیم که آیا اینست فرهنگ موعود حکومت کنندگان؟ در برابر چنین فرهنگی انتظار اینکه عقاید افراطی پیدا نشود و رشد نکند بیهوده است. می‌بینیم که کاری که درزمینه مبارزه با عقاید افراطی شده درست نتیجه معکوس داده و انحصار طلبی باعث شده که الهی به گروهها حمله کرده‌اند محکوم نموده وآنها را ضد انقلاب می‌نامند. ولی بهرحال فرهنگ بسبج چماق دار تا زمانی که فردفرد مردم آگاهی کافی برای اندیشیدن پیدا نکنندو با سواد نشوند خاتمه نخواهد پذیرفت.

آیا فرهنگ موعود (آنهم با صفت اسلامی) می‌تواند چنان باشد که اکنون عمل می‌شود وهرکس حتی اگر پدر و جدش خطی و ربطی دراسلام داشته فتوی و توصیه صادر کند برای هرچیز وهرکس و تبلیغ در مقدس‌ترین مکانها و بجرات می‌توانم بگویم که در مواردی آشنائی صادر کنندگان این توصیه‌ها با گیرندگان آنها بزحمت ازدوران بثمر رسیدن انقلاب فراتر می‌رود واین واقعا" نه سفید کردن روی انقلاب است که بیشتر به زدودن چهره تابناک اسلام راستین می‌انجامد.

و فرهنگ موعود اگر فرهنگ سایه افکنده برمیزگرد انقلاب فرهنگی باشد باید یکباره امید ترقی را ازسر بیرون کرد، چراکه سخنگویان کمترین هم آهنگی و ارتباط را با هم حفظ نکردندو میز را بصورت یکسری سخنرانیهای بی ارتباط در آوردند تا حدیکه نتوانستیم بفهمیم آقای معادیخواه راست می‌گوید که انقلاب ما فقط ۱۷ سال دارد یا آقای تکمیل‌همایون و دیگران که آنرا طولانی‌تر ترسیم میکنند پراکندگی در بحث بعدی بود شده بود تذکر دادم که تعویض روءساء انقلاب نیست و در این مدت هم طرحها پیشنهاد نمودیم که دانشجو به روستا برود که‌منجر به ایجاد مدرسه بهورزی شد که‌آقای‌دکترحسن حبیبی ازآ ن بنام دانشکده یاد کردند. ولی هدف این مدارس بیشتر جلوگیری از امتزاج فرهنگ روستائی و شناخت آ ن بود نه ایجاد تفاهم بین دانشگاه وروستا چرا که تکامل کارو اندیشه مقابله با استعمار واستبداد را بوجود می‌آورد که برای رژیم قابل قبول نبود. ولی وقتی فشارها کم شد فرهنگ واقعی ملی ــ از روستا با ارسال نان و در شهرها با تامین فوری یخ و دارو وغیره خودرا ظاهر ساخت. همین فرهنگ بودکه جامعه پزشکی مشهد را قادر ساخت تا چنان تبلیغی از انقلاب‌ایران در دنیا براه اندازد که افکار جهانیان سوءظن خودرانسبت به آن تغییر دهدو سیل کمکها را روانه نماید. اگر قبول کنیم که این فرهنگ واقعی است چرا باید بعضی گروهها با ادعای‌میراث‌خواری انقلاب آنرا پایمال کنند در حالیکه هنوز برای ایجاد ابرو برای انقلابمان ــ اگربخواهیم آنرا صادر کنیم ــ نیازمندیم.

آیا بازگشت به فرهنگ وحدت پایان سال ۵۷ که‌آرزوی رئیس جمهور و توده عظیم مردم است امکان پذیر خواهد بود؟وچطور؟اینجاست کرده‌اند و تعیین هم یک گرفتاری بزرگ در تفسیروضع دانشگاهها در رابطه‌باانقلاب است. آیا فرهنگ فعلی دانشگاهها که بیشترپرداختن به امور سیاست و تضاد عقاید است تا توجه به دروس باید برای انقلاب مفید دانست یا مضر؟ البته این بستگی‌باین خواهد داشت که قبول بارد کنیم که هر وحدتی مستلزم وجود تضادابتدائی است و اینکه اعمال قدرت و فشار در دانشگاهها نه تنها باعث سرکوب پرخاشگری نخواهد شد بلکه با سرخوردگی وبی تفاوتی روشنفکران روبرو خواهد شد که مملکت را باز بدامان استعمار خواهدانداخت و این بی تفاوتی را با شعار های توده جبران نتوان کرد.

اینجا زمان مطرح است آیا رسیدن بیک نتیجه زود رس و غیر دائمی بهتر است یا یک نتیجه دائمی ولی دیر رس؟ اگر جواب این سئوال طبق عقیده قانون شناختن و دائمی نمودن نتایج باشد شاید نتایج نهائی همین تضادهای دانشگاهی(روی آوردن شدید به سیاست بجای کار و درس) ازتعطیل دانشگاهها (حتی به بهانه اعزام به روستاها) مفیدتر باشد مگر آنکه برگردیم به تاریخچه انقلاب فرهنگی (که سعی کردم از استعمال آن خودداری نمایم) و قبول‌کنیم که‌بازهم این واژه وجه‌المصالحه قدرت طلبی شده است.

...وهریمن

(۸)

کمک کنیم و ما در این مسئله
اکمیت خود را اعمال کند"
ست "محدق با هیجان از
دان سخن گفت. بانو هریمن
ر او در حالیکه بقهقهه
دام که چنین میگویند. اما
آنجا رنندایم و من آنحاز
. درساعت هفت صبح گرمای
آبادان بد خرمشهر رفتیم
. کشیده بودند. دربازگشت
. باور نمیکردم که در آن
حمل کند و ساعتها در آنجا
عظیم است و برای همه
ت. درشرائط فعلی پالایشگاه
مندسان انگلیسی که مشغول
. چند مهندس ایرانی که
نمیتوانند بجریان بیندازند
توضیح داد مسئله بازرگانی
ن توضیح که سایر شرکتهای
ی ندارند.
محدق بما هدایائی داد.
م. چون من خاویاردوست
تقسیم کردم.
رد توفیق نیافته بود ناراحت
ت "او گفت من در حقیقت
امر تجربه‌ئی فوق‌العاده
گذاشت و بیش از عزیمت
ست تا از خدمات من تشکر
را او توضیح داده بود که
خطای من نبوده. درنتیجه
حوادثی که در ایران روی

رئیس جمهور بایستی سیاست
شخص سازد "مذاکرات ما تا

جا پایان نیافت. پس از مدتی

[illegible]

علی اصغرمینو

وه که چه آسانست نشستن بر روی صندلیهای راحت پشت میز گرد (یامیز دراز) دربرابر جمعیتی مشتاق بحث کردن پیرامون مسئله‌ای به وسعت جهان که حتی ۱۵۰ و ۲۰۰ تعریف هم برای شناختنش و چه ساده اندیشیست امید بستن به اینکه بااین نشست خواهیم توانست تصویری که از این چیز در آینه ذهن منعکس است معکوس و واژگون کنیم. وه که چه مشکل است تلاطم انقلاب را در فرهنگ ایستا تزریق نمودن وپنداشتن که باعملی سطحی مثل تعطیل محیطی محدود و امروز جدا افتاده یعنی دانشگاه این تزریق امکان پذیرخواهدشد. و شاید کسانی بپرسند که افرادی چون نویسنده که این مراسم را از تلویزیون مشاهده میکنند چه حقی دارند که در چنین امر وسیعی که مربوط به همه مردم است دخالت نمایند؟ و اظهار نظر آنان چه تاثیری میتواند بر متصدیان حکومت داشته باشد؟ ولی مگر نه این است که هر فرد جزئی از فرهنگ است و تلویزیون این جعبه جادو هم فرهنگ و هم فرهنگ ساز و منعکس کننده فرهنگ منقلب شده پس میتوانم مسائل را حداقل در همان

باشد؟ ویا نظایر دیگر که امروز حتی مقامات رسمی در سخنرانی ها و مصاحبه‌هایشان آنچه از دشنام و ناسزا بیاد دارند نثار کنند از ساواکی و ضد انقلاب گرفته تا کافر ومنافق و التقاطی و رسانه‌های عمومی هم اینرا بصورت فرهنگ بر اقشار تلقین پذیر جامعه نقش کنند. اگر فرهنگ موعود چنین است که هم اکنون به آن رسیده‌ایم. هم اکنون گروهها جمعیت‌ها و انجمنهای مختلف بنام اسلامی مسلمان، شیعی خط امام و غیره در حقیقت دیگران را به الحاد و کفر و ضدیت باامام متهم می کنند. خشن‌تر از آن دشنام وناسزاهای رکیک افرادیست که به‌تظاهرات و به دیگران حمله می‌کنندو ظریفانه تر از آنهم درخواست امام جمعه تهران از پدران و شوهران است که زنان وبچه‌های خود را به نماز جمعه بفرستند. در حال حاضر این فرهنگ چنان رواج یافته که‌در مصاحبه‌های مقامات رسمی دشنامهائی مثل " کله پوک" شنیده میشود وکسی توجه ندارد که‌چگونه این فرهنگ جهالت ما را بجائی رجعت خواهد داد که برای رسیدن به همین وضع فعلی سالها وقت لازم‌باشد. در حال حاضر می‌بینیم روزنامه‌هائی منتشر میشود که فرهنگشان فحاشی و ایجاد اختناق و

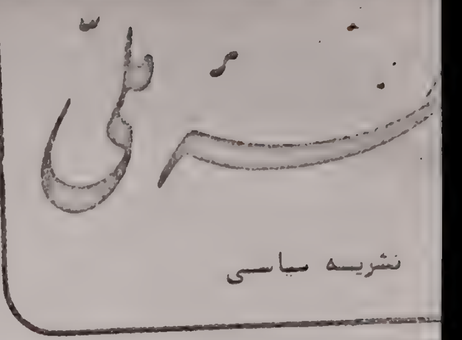
روی آوردن بطرف عقاید و رفتارهای افراطی روز بروز توسعه یابد. برای مقابله با این توسعه سعی در بستن دانشگاهها، حمله‌به‌دانشجویان تعطیل روزنامه و نظایر آنها وضع را وخیم‌تر میکند. این چنین فرهنگی- فرهنگ‌اعمال قدرت همیشه نتیجه معکوس می‌دهدو بارها نشان داده شده که استبداد سرنوشتی جز سقوط ندارد. فرهنگ تعدیل عقاید (بجای مقابله و مبارزه) بهتر ثمر خواهد داد ولی محتاج زمان است. بقول قانون مردم باید بدانند به کجا میروند و خود این راه را برگزینند.

آیا فرهنگ موعود معرفی کردن مردم پاکدل بعنوان مهاجم و چماقداریااغواکردن مردم مهربان و ساده اندیش بر علیه دیگرانست؟ امروز هنوز هستند کسانی که چماقداران ومهاجمین رابعنوان ملت و مردم معرفی می‌کنند، در حالیکه حتی عده ای از سردمداران و بسیج‌کنندگان چماقداران و سلاخان همان بسیج شده‌ها را که بنام‌حزب اللهی به گروهها حمله کرده‌اند محکوم نموده وآنها را ضد انقلاب می‌نامند. ولی بهرحال فرهنگ بسیج چماق دار تا زمانی که فردفرد مردم آگاهی کافی برای‌اندیشیدن پیدا نکنندو با سواد نشوند خاتمه

که یکی با تفسیر قران از قسط که مظهر آن علی بوداجازه تجاوز از برابری بخود می ـ دهد (آیا استکبار فقط مادی است؟)و دیگری از انقلاب فرهنگی فقط قسمتی مربوط به دانشگاه را استنباطمیکندآنهم جزء کوچکی که باید تجربه و مقایسه انجام گیرد (محدود کردن فرهنگ) وتاواژه‌نامه‌ها وحدت پیدا نکند چسان‌می توان به وحدت اندیشه ها رسید؟

و اگر مهمترین کاریکشان نمودن وروشن کردن مفاهیم است کوچکترین میل‌به‌تحمیل نظریات و عدم تمایل به شناختن دیدگاه دیگری حتی ممکن است بالاخره به عدم تفاهم در مورد خود کلمه انقلاب بیانجامد. چون انقلاب فرهنگی دردنبال‌استعمارزدائی و یا اسلامی نمودن دانشگاه مطرح شده مجبورم به این نکته اشاره کنم که مسئله‌اعزام دانشجو بنزد مردم که بعنوان ایجاد فرهنگ‌جدید دانشگاهی مطرح شده بهیچوجه تازه‌نیست و درزمانی هم که انقلاب آموزشی شاهنشاهی عنوان شده بود تذکردادم‌که تعویض روءساء انقلاب نیست و در این مدت هم طرحها پیشنهاد نمودیم که دانشجو به روستا برود که‌منجر به ایجاد مدرسه بهورزی شد که‌آقای‌دکترحسن حبیبی ازآ ن بنام دانشکده

که باید گفت که اشتراک مفاهیم و واژه‌ها قدم اول طی این طریق است و آیا واژه‌ای مبهم‌تر از واژه انقلاب در جامعه امروز ما وجوددارد؟ بدلیل همین ابهام است که هرکس یا هر گروه خود را به میراث‌خواری انقلاب محق‌تر می‌داند. مثلا" انقلابی بودن یا نبودن وقتی با مفهوم پرخاشگری و عصیان سنجیده شود انطباق آن با فرهنگ روشنفکر مشکل می‌گردد وبه این دلیل است که امروز کسانی بیشترداعیه انقلابی بودن دارند که در عصیانگری معلول سرکوب و اختناق گوی سبقت ربوده‌اند در حالیکه اثر سرکوب روی روشنفکر بیشترایجاد بی‌تفاوتی است وشاید جدائی از خلق و مدرک گرائی دردانشگاهها از علائم این بی تفاوتی باشد (گرچه در پهنه این دایره معیوب علت و معلول چنان با هم می‌آمیزند که جداکردن یکی از دیگری مشکل میشود) متاسفانه جامعه شناسان‌بررسی علمی انقلاب و تفکیک مراحل آنرا که یقینا" یکی هم دوران پرخاشجوئی است کاملا"ارائه نکرده‌اندو همین هم یک گرفتاری بزرگ در تفسیروضع دانشگاهها در رابطه‌باانقلاب است. آیا فرهنگ فعلی دانشگاهها که بیشترپرداختن به امور سیاست و تضاد عقاید است تا توجه به دروس باید



نشریه سیاسی

دکتر مهدی آذر
سحر پارسا
خیابان کارگر (سمری) نزدیک میدان انقلاب
۹۲۱۲۰

که کذارش نداست
اصلیست که فرع و برگ و بارش پیداست
ساب دریافتنش
"سالی که نکوست از بهارش پیداست"
ادیب برومند

آیا همه دانشمندان و روشنفکران طاغوتی هستند و مغزشان غرب زده است؟

بقیه از صفحه ۱

دانشجویان وداوطلبان ورود بدانشگاهها که همیشه و مطابق معمول همه جا ازطریق مسابقه صورت میگرفت تغییر داده شود و روش عادلانه‌ای لابد از مسابقه منطقی‌تر عادلانه‌تر و بی غرضانه‌تر، بجای آن اتخاذ گردد، تا انقلاب فرهنگی صورت پذیر شود.

باید کفت که این طرز شروع بکار انقلاب فرهنگی بی سابقه و بی تجربه هم نبود چنانکه دیدیم که چندی قبل یک عده باسم کارمندان و اعضای شورای اسلامی دادگستری در دادگستری آشوب برپا کردندو بعده‌ای ازعالیمقام‌ترین و خوشنام‌ترین وکارآزموده‌ترین قضات محاکم عالیه دادگستری بی حرمتی کردندو باتهدید و هتاکی از سرکارشان بیرون ریختند تا بجای آنان مسلمانان خوشنام و کارآزموده‌تر دیگری گماشته شوندوباین ترتیب در دادگستری پاکسازی آغازشدیا اگر آغاز شده بود بتکمیل نزدیک شد.

اکنون متجاوز ازیکسال است که در دانشگاهها و فرهنگ و هنر هم پاکسازی میشود و هنوز بجایی نرسیده است و باید ادامه داده شودتاکی؟ بنظر میرسد تا وقتی که دیگر استادو دانشیاری در آنجا باقی نماند. چون از قرار معلوم همه دانشمندان روشنفکر طاغوتی هستندو مغزشان غربی یا غرب زده استوباید به هر نحو و بهانه ای‌که‌هست طرد گردند واستادانی ازمیان مردم کوچه و بازار برگزیده شوند که رنج تحصیل‌وتحقیق نا برده بکشف حقایق علمی نائل شده باشند تاچنانکه در مقدمه لایحه قانونی‌تشکیل شورای عالی فرهنگ وآموزش عالی با عبارات مطنطن و مبهم ـ اگر جرات گفتن‌داشته باشم... بیان شده است " جهت‌گیری فرهنگ وآموزش عالی بسوی بینهایت وحرکت در مسیری که بجانب الله شتاب می‌گیرد مقدمات تربیت انسان را فراهم می‌آوردو به عرضه روشهائی می انجامدکه کام برداشتن به سوی بینهایت را برای انسان‌ها آسان‌می‌سازد" عملی شود لطفا" در این سخنان دوباره تاملی بکنیدو ملاحظه بفرمائید که در نظر مؤلف مقدمهٔ لایحهٔ قانونی . مسیر بجانب الله شتاب می کیرد و به عرضه روشهائی می انجامد کدکام برداشتن بسوی بینهایت را برای انسانها آسان می سازد، نه انسانها و نه استادان و نه دانشجویان. بنابراین دیگر به دانشگاههای موجود نیازی نیست باید آنهارا تعطیل‌کرد ولابراتوارها ووسایل‌تحقیقاتی علمی را که باخون دل و سعی و کوشش استادان دانشمند آنها فراهم شده است دور ریخت وبدست ناراج ویغما سپرد" تا گام برداشتن به سوی‌بینهایت آسان‌گردد دیگر دانشجویان ایران چه‌احتیاجی به کارکردن درآزمایشگاهها و دستگاههای تحقیقاتی و آموختن ریاضیات و فیزیک و شیمی و حقوق و فیزیولوژی و زیست شناسی و طب‌وادبیات گرانبها وعالم آرای فارسی دارندو چه لازم است که برای کسب دانش و شناختن رموزو سر فلسفه شکافتن اتم واختراع ماشین آلات و دستگاههاوکشف ترتیبات وچیزهائی که دیگران بوسیله آنها به ماه میروندوبه آسمانها عروج میکنندوازوضع کیهان بیکران مطلع می‌کردند رنج ببرند و چرا بامطالعه نظم و قوانین تخلف ناپذیر گردش اختران خارج از سیار و خارج از حیطه تصور وتفکر آدمی آنها،نادر بقبول قدرت خالق بشوندویا بابررسی یک سلول حقیر کیاهی یا حیوانی که با شانزده یا هجده‌هزار مرتبه بزرگتر نموده شدن به توسط میکروسکپ‌های الکترونی تازه ، قسمتی از آن قابل رویت میشودومشاهده نظم و ترتیب واحدی که درتمام کاینات از اتم تا کیهان بی انتها حکم فرماست‌پی به توحید نبرندو واقعا" نفهمندکه

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقی دفتری است معرفت کردگار

تا ایمانشان ثابت و محکم بشود بلکه‌تمام این‌معانی با در نظر گرفتن چند سطر مقدمهٔ لایحهٔ شورای انقلاب فرهنگی که تراویده مغزهای سالها در فرنگ و آمریکازیسته ودردانشگاههای آنجا رتبه دکتری تحصیل کرده‌می باشد.

و آنچه در ضمن خطبه‌های مکرروا عظان کفته میشود حاصل می‌گردد واعظانی که یک روز با عنوان مروجین مذهبی دست به سینه در مقابل هویدای معدوم میایستند

چگونگی ...

بقیه از صفحه ۱

مسلمان کرد شناسائی شدندو سپس مراتب به اطلاع نیروهای انتظامی رسیدو بلافاصله‌آنان دستگیر شدندو اتهام آنان همکاری با کروههای مسلح کردستان اعلام شده است.

یکی از مسئولان دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران نیز در تماسی با کیهان ضمن تائید این خبر گفت این هیات هم اکنون دربازداشت غیر قانونی بسر میبرد.

وی همچنین کفت که این عده قبل از حصول نتیجه در مورد رفع محاصره‌اقتصادی کردستان در روز جمعه توسط پاسداران کمیته توقیف و روانه زندان شدند.

مهندس حیدر بیگی مسئول جهاد سازندگی کردستان نیز صبح دیروز در یک تماس تلفنی با کیهان اظهارداشت: جهاد سازندگی کردستان خواستار آزادی فرمانداران، کردستان است.

وی کفت: جهاد ـ سازندگی مناطق بانه،سردشت و سقز ضمن اعتراض به‌دستگیری فرمانداران ،کردستان خواستار آزادی هر چه زودتر آنان بخصوص فرماندار سردشت می باشد.

یکی از مسئولان زندان اوین دیروز در گفت‌وگوئی با خبرنگار کیهان ضمن تائید دستگیری ۹ تن از فرمانداران

میلاد ...

بقیه از صفحه ۱

مقدس ایمان آورد و در راه پیشبرد هدفهای آئین محمدی با اعتقادی استوارتر از کوه‌قد مردانگی بر افراشت . چنانکه از یکسو با جانبازیها و دلاوریهای قهرمانانه خود دشمنان اسلام را منکوب کرد و ازسوی‌دیگر در نشر تعالیم قرآنی و اجرای احکام آسمانی

شناسائی سازمان آزادی‌بخش فلسطین بعنوان نماینده فلسطینی‌ها انجام نداده‌ایم واین شناسائی یک واقعیت است. طرز تفکر غربیها دراین مورد غیر عاقلانه است، زیرا فقط فلسطینی‌ها را بآغوش کمونیستها میاندازد و درمورد کوبا باید کفت که کاسترو سخنگوی کشورهای غیرمتعهد است و افغانستان هم‌یک‌کشور غیر متعهد. پس وظیفه او (کاسترو) میباشد که دراین مورد صحبت کند.

سئوال: متحدین غربی واشنگتن، سیاست خارجی ایالات متحده را بخاطرعدم سازکاری مورد انتقاد قرارداده‌اند آیا شما هم چنین نظری دارید؟

بسیار باریک تاریخ ، و در شرایـط
ست که جماعتی با عنوان نمایندگان
لس شورای ملی جمهوری اسلامی به
در برابر تاریخ میایستند و سوگند
و منافع ملت را حراست کنند .
نمایندگان
یاری از میان شما چگونه و با تمهید
لس انتخاب شده‌اید ولی بهرحال
یخ این کشور را بر دوش میکشید .
مملکت در کجا ایستاده است ؟
نظر بین‌المللی به آشفتگی مطلق در
مملکت بیافزایند یاس ، دلمردگی
ت را بآن اضافه کنید ، صدای امواج
داخلی و خارجی را بشنوید و در
نمایندگی خویش بیاندیشید .
ست از ضرورت‌های زمان باانتخاب
ن کارآمد و مجرب و ملت دوست
راهی بکناره خواهید جست و به
جاو واپس‌گرائی‌ها و قدرت‌طلبی‌ها
و بدون ابهام نه خواهید گفت .
رفت که تاریخ این مرز و بوم هنگامی
ملامت را فراموش نخواهد کرد .

آنجا که پای مصالح عامه و منافع
ند دلاورانی بودند کـه مردانـه
ام و اقدام میکردند به ببینید این

و چهل پنجاه وزیر دیدم و رد

بقیه در صفحه ۴

دراین ایام در همهٔ محـافـل صحبت انقلاب فرهنگی و ازجمله انقلاب فرهنگی در نظام آموزشی پزشکی است و اقدام کنندگان بانقلاب و هواخواهان آنان برای آنکه انقلابشان را آن طوریکه خودشان درنظـــر گرفته اند به نتیجه دلخواهشان برسانند صلاح دانستند یـا راضی شدندو ساکت ماندند که گروههای مختلف و متضاد در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها اجتماع کنندو ستادهائی درآنجاهـا تشکیل بدهندو هرکدام بنوعی که میتوانند درامور دانشکده‌ها و مخصوصا" برنامه هاو وضـع آموزش آنها دخالت و اظهار نظرکنند وعده‌ای از دانشجویان جوان و پاک نهادو مصمم به تحصیل ولی در عین حال کم اطلاع را گرد خود جمع کنند و دانشگاهها ودانشکده‌هـای تابعه آنها را بآشوب واغتشاش بکشانند آنوقت شورای انقلاب را خبر کنند و طرحی تهیه

کشورش خیلی بیشتر است شهرت زیادی بدست آورده است .

با کرایسکی در کـــاخ صدارت عظما یعنی مکانی که زمانی مترنیخ حکومت میکرد بوسیله "ویلیام مدر" و "جراتراد لینگ" ازمجله تایم مصاحبه‌ای یکساعته بعمل آمده است که ذیلا" برگزیده‌هائی از آنرا میخوانید :

سئوال: اوضاع دنیا را چگونه توصیف میکنید ؟

جواب : بطور اجمال میتوانیم بگوئیم که ما ازیک سو باتیرگی مناسبات ناشی از وقایع خاورمیانه ، خلیج فارس وافغانستان روبروهستیم و از طرف دیگر ما بایک آتمسفر غیر واقعی تشنج‌زدائی سروکار داریم . اتحاد شوروی چنین نتیجه‌گیری میکند که اعمال سیاست تشنج‌زدائی جداگانه امکان پذیر است این یـک خیال باطل است ، اعمال چنین روشی ممکن است برای مدت

سئوال: آیا شما تصـور نمیکنید که بطور خطرناکی به طرف جنگ نزدیک میشویم ؟

جواب: خطر آنست که ، سه نقطه بحران بهم بپیوندند و با تمرکز دریک بحران جدید بزرگ اثر خودرا بروز دهند . این میتواند به‌بالکانیزه‌شدن منطقه منجر شودو ایجاد نوعی از جنگ دائمی ملتهای کوچکی که استقلال خودرامیخواهند و پشت سرشان ابرقدرتهـا مشغول سمپاشی هستند بشود . من معتقد نیستم که جهت‌گیری اقدام شوروی در مورد افغانستان چیزی بالاتر ازافغانستان باشد امااثرات و عوارض آن اقدام مزبور را بصورتی این چنین تهدید کننده درآورده است . کاری که باید انجام شودآن است که اگر امکان داشته‌باشد این بحرانها را جدا از هم نگهدارند و هرکــدام را جداگانه حل نمایند .

سئوال : برای‌بهبودی شرایط ابرقدرتها چه‌کاری

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۳

اقدام جدید ایران در مورد انتقال وجوه نفتی کشور

ایران سرگرم انجـــام اقداماتی در جهت انتقـال درآمدهای نفتی خود از بانکهای کشورهائیکه امکان دارد در تحریم اقتصادی علیه این کشور شرکت کنند میباشد تا وجـوه مذکور رابـه بانکهای کشورهای بیطرف از جملـــه سوئیس ، سوئد ، اطریش وهند ، منتقل نماید .

روز گذشته ، یک مقام عالیرتبه بانکی این مطلب را که کانالیزه کردن درآمدهای نفتی از طریق بانکهای ۴کشور نامبرده سیاست دولت ایران بوده است ، تکذیب نمود .

ایران همچنین بمنظور جلوگیری از بلوکه شدن ذخائر ارزی کشور از جانب اروپای غربی و ژاپن ، دارائیهای خودرا به بانکهای مرکـــزی کشورهای دوست مانند لیبی و الجزایر منتقل کرده است .

با وجودیکه خریداران نفت ایران به انجام معاملات از طریق ۵ بانک جدید تشویق میشوند ، بنظر میرسد که‌رابطه پولی ایران با بانکهای فرانسه وانگلیس هنوز قطع نشده باشد

در ضمن ارقام غیررسمی اخیر حاکی از اینستکه صادرات نفت ایـــران در حـــدود ۵۰۰/۰۰۰ تا ۶۰۰/۰۰۰ بشکه در روز و درآمد حاصله از آن بین ۱۷ میلیون دلار تا ۲۰/۵ میلیون دلار می باشد .

باعتقاد دیپلماتهـای ایرانی ، تولید کمپانیهـــای LAPCO و IPAC ، کـــه شرکتهای آمریکائی درآن سهیم بوده اند بعلت تکمیل شدن مخازن ، متوقف شده است .

...

بقیه از صفحه ۱

میدانیم که سائد موضع سحتی گرفته سودو طرف مذاکره‌نباید بزودی میز مذاکرات راترک کند . علیرغم انتخابات و توهین به آمریکا ، نیروهائی که در جهت آزاد کـردن گروگان‌ها هستند باید تقویت شوند نه اینکه آنها را تضعیف

فلسطینی‌ها انجام نداده‌ایم واین شناسائی یک واقعیـت است . طرز تفکر غربیها دراین مورد غیر عاقلانه است ، زیرا فقط فلسطینی‌ها را بآغـوش کمونیستها میاندازد و درمورد کوبا باید گفت کـه کاسترو سخنگوی کشورهای غیرمتعهد است و افغانستان هم یک‌کشور غیر متعهـد . پس وظیفه او

در دادگستری آشوب برپـا کردندو بعده‌ای ازعالیمقام‌ترین و خوشنام‌ترین وکارآزموده‌ترین

چگونگی ...

بقیه از صفحه ۱

مسلمان کرد شناسائی شدندو سپس مراتب به اطلاع نیروهای انتظامی رسیدو بلافاصله آنان

ضمن تائید این خبر گفت این هیات هم اکنون دربازداشت غیر قانونی بسر میبرد .

وی همچنین گفت که این عده قبل از حصول نتیجه در مورد رفع محاصره اقتصادی کردستان در روز جمعه توسط

باقی نماند . چون از قـــرار معلوم همه دانشمندان روشنفکر طاغوتی هستندو مغزشان

جهاد سازندگی کردستـان خواستار آزادی فرمانداران ، کردستان است .

وی گفت: جهـاد ـ سازندگی مناطق بانه، سردشت و سقز ضمن اعتراض به‌دستگیری فرمانداران ، کردستان خواستار

بکنیدو ملاحظه بفرمائید که در نظر مؤلف مقدمهٔ لایحهٔ قانونی . مسیر بجانب الله

میلاد ...

بقیه از صفحه ۱

مقدس ایمان آورد و در راه پیشبرد هدفهای آئین محمدی بـا اعتقـادی استوارتر از کوه قد مردانگی

دارندو چه لازم است که برای کسب دانش و شناختن رموزو سر فلسفه سکانس انم واحتراع

آیا همه دانشمندان و روشنفکران طاغوتی هستند و مغزشان غرب زده است؟

خوانندگان گرامی

گفتنیها ودانستنیها خیلی زیاد است و گنجایش صفحات پیام جبهه ملی هم محدود است واگر حمل بر مبالغه نفرمائید میخواهیم بگوئیم که در اثر پریشانی بی پایان اوضاع محیط و بی سرو سامانی زندگانی روزمره حوصله و تحمل شما هم در شرف لبریز شدن وسرآمدن است باین جهت ما برآن شده‌ایم که گفتنیها را تا آنجا که ممکن است خلاصه کنیم ولو آنکه با گذشت‌زمان از تازگی و مناسب جریان‌های روز بودن آنها میکاهد آنها را بفصلهای مختلف تقسیم کنیم و در هر فرصت فصلی از آنها را بعرض برسانیم و امیدواریم باین ترتیب قسمت بیشتری از آن حکایتها که در نهفتن آنها دیگ سینه جوش میزند، اگر بیانک جنگ نیست، لااقل با صریر قلم گفته شود اکنون خلاصه یک قسمت.

دراین ایام در همه محافل صحبت انقلاب فرهنگی و ازجمله انقلاب فرهنگی در نظام آموزشی

نمایندو آنرا بتصویب رهبر انقلاب هم برساند پس به اشغال کنندگان — البته به استثنای یک گروه خاص — اولتیماتوم بدهند که هرگاه با موعد معینی دانشگاه‌راترک نکنند با همراهی مردم بآنجا خواهند رفت و ازآنهاخواهند خواست تا جاهای اشغال شده را ترک کنند اما قبل ازسرآمدن مدت مهلت یک روز بی خبر عده زیادی مردم مجهول — الحال چماق بدست و برخی هم مسلح که امام ما علی بن ابیطالب (ع) در یکی ازخطبه های معروفش آنها را همج‌الرعاع نامیده است بدانشگاهها بریزند و گیروداری بر پا کنندودراین گیرودار عدهٔ بی‌شماری‌دانشجو واستاد و دانشیار بیگناه‌مقتول و مجروح بشوند و درجرائد ورسانه‌های گروهی دیگرفقط بذکر اینکه چند نفر مقتول و چند نفر مجروح شده‌اند اکتفا شود، بدون آنکه تحقیق و معلوم شود که‌کی‌ها زندوکی‌ها کشته شدندیامجروح گردیدند و معلوم نشود که چه بسر باقی مانده‌هاآمد یا خواهد آمد، خلاصه بعد از این اردو کشی‌هاو این کشتارها و بدون آنکه بخوبی دانسته شودکه

بالاخره دانشگاهها واقعا" تخلیه و تصفیه شدند یا نه نتیجه گرفته شد که باید امتحانات قبل از موعد مقرر همه ساله خاتمه یابد و دانشگاهها همه تعطیل وپاک سازی شود تا طرح انقلاب فرهنگی که از مدتها بیش بفکرش بوده اند وپی‌ریزی کرده اند تکمیل گردد و بموقع اجرا گذاشته شود، اما یک مسئله مهم و بسیار مهم که از هم اکنون برسرزبان‌هاست این است که ترتیب گزینش

بقیه در صفحه ۴

ندای آزادی تعطیل شد

اعتراض سندیکای نویسندگان وخبرنگاران مطبوعات به تعطیل روزنامه ندای آزادی

روزنامه ندای آزادی‌پس از۴ روز انتشار مجددبوسیله چند پاسدارکه مدعی ماموریت از سوی دادستان انقلاب اسلامی بودند تعطیل شد. در حالیکه مقامات وزارت ارشاد ملی به ناشران روزنامه‌تاکید کردداند، امتیازنامه شان بقوت خود باقیست و آنان میتوانند به فعالیت ادامه دهند.

سندیکای نویسندگان وخبرنگاران مطبوعات که‌همواره بر لزوم رعایت آزادی بیان و قلم تاکید دارد اعتراض خود را نسبت به تعطیل غیرقانونی "روزنامه ندای آزادی" اعلام

بقیه در صفحه ۳

برونو کرایسکی:

آمریکا نمی تواند بدون یاری اروپا درمقابل شوروی مقاومت کند

در ۶۹ سالگی پس ازیک دهه‌رهبری‌اتریش‌برونوکرایسکی صدر اعظم این کشور بعنوان یک سیاستمدار ورزیده که نفوذش به نسبت کوچکی اندازه کشورش خیلی بیشتر است شهرت زیادی بدست آورده است.

زمانی موثر باشد. امامواجه شدن و مقابله کامل دریک منطقه و ثابت نگهداشتن همه چیز بمانند وضعی که دراروپا وجوددارد امکان پذیر نیست.

سئوال: آیا شما تصور نمیکنید که بطور خطرناکی به طرف جنگ نزدیک میشویم؟

باید انجام دهند؟

جواب: من فشارهای روانی وارد را بر رئیس‌جمهوری آمریکا که در فکر انتخاب مجدد است نمی دانم، اما

بقیه در صفحه ۴

اقدام جدید ...

... برنامه‌های شماست

... شورای ملی جمهوری اسلامی ... از ۳۰ حوزه انتخاباتی که ... در پاره‌ای از شهرستانها نظیر ... دارد. و انجام بسیاری از ... انتخابات بعضی از حوزه‌های دیگر ... آزادگان علی (ع) گشایش خواهد

مجموعه حوادث و جریاناتی که ... نیز در معرکه قدرت طلبی‌ها. ... مجلس فردا در کاخ سنای سابق، ... تا پایه اصلی نهاد ... شود.

... و این مجلس نکات یادشده ... در دست است که‌مقدمات ... این مجلس با مسائل ... بود که امید فراوانی بآن ... تشکیل مجلس شورای‌ملی ... قانونی جمهوری اسلامی و ... نکته مثبتی میتوان بحساب

... غیر قابل انکار و بموجب ... اساسی مجلس باید حکومت ... و تصمیمات چند نفری

و اوضاع خارج آمریکا گمراه میکند و این تحولات را تحریف میکنند .

اعتراض مولوی ...

بقیه از صفحه ۱

وبرادرکشی وسوء استفاده ونفاق — افکنان بسته گردد . اعتلای اسلام ودفع فتنه آتش افروزان را از خدای بزرگ خواهانم .

مولوی عبدالعزیز ملازاده — تهران

جناب آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر ریاست جمهوری اسلامی ایران

رونوشت دفتر حضرت امام خمینی

رونوشت شورای انقلاب اسلامی ایران

رونوشت وزارت کشور

همانطورکه استحضار دارند ضدانقلاب در لباسهای گوناگون تلاش دارد که در گوشه وکنار ایران کانون‌های نفاق وآتش وبرادرکشی ایجاد کند و این چیزی است که نه مرضی خداوند ونه خواست امام ونه مورد رضایت شما و دیگر مسئولان دولت انقلاب است . اخیرا " در جیرفت کرمان چند نفر از افراد مورد اعتماد که مورد شناسائی و وثوق عشایر بلوچستان میباشند بوسیله پاسداران کشته و گروهی زخمی گردیده‌اند وسپاه پاسداران منطقه اعلام نموده که اینان ضد— انقلاب بوده و قصد خرمن سوزی داشته‌اند . چون باسابقه که از این افراد دارم انتساب به ضدانقلاب و اقدام به خرمن سوزی ایشان غیر محتمل بلکه محال است و چون هرحادثه در رودبار جیرفت ،منطقه بلوچستان را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد ، لذا برای جلوگیری از حوادثی که برای مملکت وانقلاب خطرناک خواهد بوداز جنابعالی درخواست می نمائیم فورا نماینده بیطرف وذیصلاحی تعیین فرمایند تا از نزدیک موضوع را بررسی و حقیقت امر را روشن نمایند . اینجانب نیز برای اطمینان خاطر مردم بلوچستان نماینده‌ای در معیت نماینده تعیین شده از طرف جنابعالی خواهم فرستاد . اعتلای اسلام و رفع توطئه فتنه‌انگیزان و آتش‌افروزان را از خدای بزرگ خواهانم .

مولوی عبدالعزیز ملازاده — تهران

ساواکی‌های ...

بقیه از صفحه ۱

۳— در باره تاخیر وزارت ارشاد ملی در دادن امتیازهای تازه ، سندیکای ما این تاخیر را همچنان غیرموجه و غیر قانونی تلقی می‌کند ، اما درمورد نظر— خواهی وزارت ارشاد از سندیکای ما مبنی برتعیین صلاحیت یا عدم صلاحیت همه متقاضیان پروانه انتشار ، ضمن تشکر از این نظر— خواهی ، تذکرمیدهیم که در تاریخ ۵۸/۹/۲۸ ، سندیکای ما طی نامه شماره ۳۲۳۲ رسما " از وزارت ارشاد ملی درخواست نموده است برای تسریع درکار کمیسیون تصدیق نامه‌ها و ارائه اطلاعات وتجارب این سندیکا به اعضای کمیسیون ، اجازه داده شود تا نماینده سندیکا بعنوان مشاور در جلسات کمیسیون شرکت کند که هنوز با ین نامه پاسخی داده نشده است .

۴— در باره آن بخش از اظهارات حجت‌الاسلام خسرو— شاهی دراین باره که چرا اعضای سندیکا تاکنون از امتیازهای دریافتی برای انتشار روزنامه استفاده نکرده‌اند نیز لازم به یادآوری است در حالی که تنها کمتر از ده امتیاز بنام روزنامه— نگاران حرفه‌ای صادر شده ، در همین مدت بیش از ده چاپخانه نیز عملا " تعطیل شده است وبا انحصاری بودن چاپخانه‌های بزرگ کشور و بسته شدن بسیاری چاپخانه‌ها عملا " امکان انتشار روزنامه یا مجله از آنها نیز سلب شده است .

سندیکای نویسندگان وخبرنگاران مطبوعات

من یک ...

بقیه از صفحه ۱

هائی از مصاحبه‌اش با روزنامه دیلی تلگراف که دیروز در لندن انتشار یافت اشاره کرد و گفت او آرزو میکند کلیه گروگانهای آمریکائی صحیح و سالم تحویل خانواده‌هایشان داده شوند . آیت‌اله خلخالی گفت امیدوارم گروگانها مرتکب گناه کبیره‌ای نشده باشند و به نمایش گذاشت بدان منظور بود، که نشان دهد که کارتر نه تنها با ملت ایران بلکه با مردم خود نیز رفتاری غیر انسانی دارد . این یک سند زنده از جنایات کارتر رئیس جمهوری آمریکا است .

آیت‌اله خلخالی در مورد آن قسمت از سخنانش در روزنامه دیلی تلگراف که استعفایش از ستاد مبارزه با مواد مخدر یک تاکتیک بوده زیرا امام خمینی با استعفای ...

محمد تقی فراحی سرپرست جدید رادیو تلویزیون پس از انتصاب به این سمت، در نخستین گفت وگوی خود با خبرنگار خبرگزاری پارس اعلام داشت در ملاقاتی که با امام داشتم ایشان فرمودند من بارها اهمیت رادیووتلویزیون را به ملت گفته‌ام وتکرارکرده‌ام اگر رادیو و تلویزیون فاسد باشد ممکن است مملکت رابه فساد بکشاند.

امام ضمن تاکیدبرپاکسازی رادیو وتلویزیون گفتند که مایل هستند این سازمان‌رایک واحد مستقل ببینند که زیربار هیچ نوع تحمیلی نرود.

سرپرست جدید رادیو و تلویزیون در پاسخ این سئوال که بر اساس اصل یکصدوهفتاد و پنج قانون اساسی، این سازمان باید زیر نظر مشترک قوای سه گانه قضائیه ــ مقننه و مجریه اداره شودآیاانتصاب شما مغایرتی با قانون نخواهد داشت گفت:

بقیه در صفحه ۴

خلخالی: من یک موجود وحشتناک نیستم

آیت‌الله‌خلخالی درگفتگوئی با خبرگزاری پارس به قسمت

بقیه در صفحه ۴

شریعتی که در دامن مبارزات ملی پرورش یافته بود، مظهر روشن بینی و مقاومت درطول جهش‌های انقلابی مردم‌ایران همه از اوتجلیل میکنندوبعضی نیز برای نزدیکی به او بر دیگران پیشی میگیرند. ما با نقل قسمتی از اظهارات او در

اعتراض مولوی عبدالعزیز به برادرکشی در کردستان ووقایع جیرفت کرمان

حضرت مولوی عبدالعزیز ملازاده رهبر مذهبی هم‌وطنان اهل تسنن سیستان و بلوچستان طی دو تلگرام جداگانه به امام خمینی‌و دکترابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهوری ایران، خواستار پایان دادن به جنگ‌وبرادرکشی در کردستان و اعزام نماینده‌یی برای رسیدگی به وقایع جیرفت کرمان شد.

متن این دو تلگرام به این شرح است.

محضر مبارک رهبر انقلاب امام خمینی دامت برکاته

رونوشت‌جناب‌آقای‌دکتربنی‌صدر ریاست‌جمهوری

من‌اطمینان‌دارم‌که‌هرآتش فتنه و نفاق و برادرکشی که در ایران اتفاق می‌افتد قلب شما را عمیقا" متاثر می‌کند. هم اکنون درکردستان برادرکشی جریان دارد. اگرچه‌ممکن‌است‌این جنگ را ضدانقلاب و دشمنان‌اسلام‌به ما تحمیل کرده باشندولی‌نتیجه آن برادرکشی مسلمانان دماء محترمه و هتک اعراض مسلمین است‌بنفع‌اسلام‌ومملکت‌نمیباشد. مخصوصا" در زمان حاضر که در محاصره امپریالیستها و دشمنان خارجی هستیم. باید همه با یکدیگر متحد بوده‌و متفقا" علیه بیگانگان مبارزه‌نمائیم. مسلمین چه شیعه و چه سنی وچه فارس‌یا کرد و یا بلوچ وغیره باید دریک سنگر برای دفاع از اسلام پیکار کنند. من‌ازآن‌حضرت‌درخواست می‌نمایم تا دستور فرمایند به‌هر وسیله‌که ممکن است‌راه‌حلی‌پیدا شود تا این برادرکشی که برای آینده ایران بدفرجام‌خواهدبود پایان یابد. من اطمینان‌دارم‌که هنوزمردم‌مسلمان‌کردستان‌آمادگی تفاهم با دولت‌انقلاب‌رادارند. باید از این فرصت‌استفاده‌شود. گزارشاتی میرسد که‌زنان‌وکودکان موردهجوم وآسیب‌قرارمیگیرند. اگراین‌گزارشات‌درست‌باشدآنچه درکردستان‌میگذردطبق میل شما و مطابق با خواست شارع اسلام نبوده و نخواهد بود. من ازآن رهبرعالیقدرتقاضامینمایم ترتیبی اتخاذ فرمایند تا هر چه سریعتر این مشکل‌حل‌شود وراه‌خونریزی

بقیه در صفحه ۴

"ای آزادی، چه زندانها برایت کشیده‌ام! وچه‌زندانها خواهم کشید وچه شکنجه‌ها تحمل کرده‌ام و چه شکنجه‌ها تحمل خواهم کرد، اما خودرا به استبداد نخواهم فروخت، من پرورده‌ٔ آزادی‌ام، استادم علی است، مردی بی بیم‌وبی ضعف و پر صبر و پیشوایم مصدق، مرد آزاده، مردی‌که هفتاد سال برای آزادی نالید من هرچه کنند جز در هوای تو دم نخواهم زد، اما من بدانستن از تو نیازمندم، دریغ مکن، بگو هر لحظه کجائی، چه میکنی، تابدانم آن لحظه باشم، چه کنم..

...سندیکا لازم بیادآوری است این فهرست که از سوی وزارت ارشاد ملی در اختیار سندیکانیز قرار گرفته، شامل عده معدودی از اعضای تحریری مطبوعات میباشدو از آن میان تنها ده‌نفر در سندیکا عضویت داشته‌اندکه قبلا" پس از بررسی هر ده نفر رسما" ازسندیکای‌ما اخراج‌شده‌اند.

۲ــ برای ماتعجب‌آوراست که حجت‌الاسلام خسروشاهی از اعتراض‌ما به‌بسته‌شدن‌چاپخانه‌ها اظهار تعجب کرده‌باشند. برای سندیکائی چون‌سندیکای‌ما، چه وظیفه‌ای اساسی‌تر از حفظ چاپخانه‌ها بعنوان وسیله اولیه نشر مطبوعات میتوان‌تصورکرد؟

بقیه در صفحه ۴

مدیریت سابق دانشگاه تهران برای دومین بار:

خامنه‌ای و رفسنجانی را به مناظره تلویزیونی دعوت کرد

بنام خدا

همانطور که ملت شریف و مبارز ایران اطلاع دارند در تاریخ ۵۹/۲/۳ بدنبال وقایع اخیردانشگاه‌ازمدیریت دانشگاه تهران استعفاکردیم بدنبال آن آقای سید علی خامنه‌ای از منبر پیامبر و در خطبه نماز جمعه بر روی تمام زحمات طاقت فرسای ما دراداره‌یکی ازحساس‌ترین مراکز مملکت، در طول چهارده‌ماه گذشته، خط بطلان کشیدو ما را خائن خطاب نمود. از آنجا که می‌باید حقایق برای امام و امت روشن شود تا خادم را از خائن باز شناسند آقای خامنه‌ای و رفسنجانی را (که ایشان نیز بما نسبتهائی داده بودند) به مناظره تلویزیونی دعوت کردیم که هنوز پاسخی نشنیده ایم، و نیز بیانیه‌ای درشرح وقایع روز اول اردیبهشت دانشگاه و علل استعفای خودمنتشر نمودیم.

اینک پس از دو هفته از آن تاریخ، برخی روزنامه‌ها که آنموقع از درج متن‌استعفا نامه چند سطری ما (که‌حاکی از مسائل بسیار مهمی بود) و نیز متن دعوت ماازآقایان خامنه‌ای و هاشمی‌رفسنجانی برای مناظره تلویزیونی

بقیه در صفحه ۴

.. ورده‌اند ، بی‌اعتمادو ناباور
...ده‌اند و آن تشکل ، وحـــدت
و یکپارچگی مطلوب را ندارند ؟
این زنگ خطر است . یک
خطر جدی برای انقلاب است .
پس باید آنرا از میان برداشت .
و نخست باید دید که این از کجا
سرچشمه گرفته است ؟

بصراحت میتوان گفـت
که ریشه این بی‌اعتمادی و ناباوری
را باید در عملکردهای ناصحیح
ارگانهای اجرائی و دولتهـای
موقت و غیر موقت بعد از انقلاب
جستجو کرد . چه ، آنها بودند
که میتوانستند و هنـوز هـــم
میتوانند با خط مشی انقلابی و
درعین حال اصولی ، برخوردهای
منطقی و دموکراتیک با مسائل و
مشکلات و نیز چاره‌اندیشی‌های
جدا از تنگ نظری ، فضـائـی

... ...نهای ارتباط جمعی و
حتی برخی مقامات مسئـول و
بی‌خبر ماندن مردم از بسیاری
رویدادهای واقعی ، دامن زدن
به نارضائی‌ها از طریق عنوان
کردن و مبارزه پوشالی با مسائلی
که محتاج راه‌حلهای بنیـادی
است و نیز ناهماهنگی در مجازات
مجرمان و محکومان و غیره و
غیره . . . . . از جمله عواملی
هستند که این عدم اعتمـاد
ویرانگر را در قشر وسیعی از مردم
بوجود آورده‌اند .

و این برمقامات مسئول
و چاره اندیشان است که برای
حـل مشکـلات فـوق و رفع
بی‌اعتقادیها و ناباوریهـای
ناشی از آن ، منطقی و نه بـا
خشونت و سرکوب راهی بیابند ،
زیراکه فردا خیلی دیر است .

توجه داشت که فرهنگ را
قدرتمندان میآورند ، آن‌هم
برای منافع اقتصادی خود .
پس اگر آزادی نباشد امکان
مبارزه با امپریالیسم وجود
نـــدارد . قطع وابستگی
اقتصادی و سیاسی از طرف
خود ما بطور آگاهانه بـــا
امپریالیسم ضروری است
یعنی پایه‌های بالقوه و بالفعل

...به‌عنوان ...
...سازند

امپریالیسم را که مانع این
کار است باید بتوانیم فاش
سازیم و با آن بجنگیم بـــا
پایه‌های بالقـــوه و بالفعل
امپریالیسم درایران مبارزه
کنیم .

پس ارتباط بین آزادی و
استقلال ملی یعنی مبارزه
ضـــد استبدادی و ضـــد
امپریالیستی روشن میشود .
در جامعه‌ای که زیر سلطـــه
امپریالیسم باشد ، آزادی و
مبارزه ضد امپریالیستی دو
مقوله تفکیک ناپذیر است .
نمی‌توان گفت ما میتوانیـــم
مبارزه ضد امپریالیستی را
بدون وجود آزادیهای فردی
واجتماعی پیش ببریـــم و

بالعکس ، حالا این حرکت
برای بدست آوردن آزادی
و جنگ با امپریالیسم چطور
خودش را نشان بدهد ؟ مثلاً "
در شوراهای منتخب مردم ،
شوراها باید سازمانهای قانون
گذاری و اجرائی باشند تا در
مقابل کسانی که آنها را انتخاب
کرده‌اند مسئول باشند و از
طرف آنها مورد بازخواست
قرار گیرنـد .

معنای شورا ، نظارت مردم
بر سرنوشت خویشتن است و
چون مردم میخواهنـــــد
سرنوشتشان خوب باشد و برای
این امر فداکاری و مبارزه
میکنند ، در نتیجـــه هیچ
سازمانی به اندازه شوراهـا
نمیتواند خواسته های مردم
را تامین کند .

پس باید در همه سطـح
آموزش مدارس ، دانشگاهها
مؤسسات علمی و تحقیقی
شوراهائی به انتخاب مردم
همان محیط تشکیل بشود و
آنها فرهنگ ملی و تاریخ و
فرهنگ انقلابی ما را مطالعه
کنند و آنچه فرهنگ استعماری
و استبدادی در جامعه ما بجای
گذاشته دقیقاً "تحقیق شود
و روی آن کار بشود و روش
امپریالیستها برای اعمـال
فرهنگ خودشان درایران
و در جوامع ایران و مکانیسم
آن را بشناسیم و در اختیـار
مردم گذاشته شود و روی آن
بحث شود و زیرنظر همان
شوراها برنامه تنظیم گردد و
به مرحله اجرا در آیـد و
دوباره مورد انتقاد و بررسی

بقیه در صفحه ۳

...با اعتماد به
...جری هـــر

...اینجا روشی
...وقات از آن
...و رادیـو ـــ
...ن یک مرکز
... حق چنین
... یادآور شد :

ایجاد یک حرکت تخریبی در ...
بخش چند تا ... در رابطه با این حرکت تخریبی
آغاز یک حرکت برای تائید حرکت تخریبی
انعکاس خبر بصورت یک واقعه انقلابی و مردمی
پذیرش کلی جامعه و بهنتیجه رسیدن کار

...
ولیوت ...
که رئیس ...
به آن دعوسان ...

...تانه تحولات بزرگ...

عده‌ای اسید
...ده‌اند و حتی
...یافت که زبان
...شان را قطع

...بجان "اسکار
...و مرگ اسقف
...سالوادر را به
...انـد . رومرو
...ر سابق) یکی
... نفـوذ نظام
...الوادر بود وی
...شتن فرستنده
...پان آمریکا "
...ئل عمومـی و
... مقیاس وسیع
...یات حاکمه را
...ید قرار میداد
...ه و مردم فهم
...ی خود اصول
...ائل اجتماعی
...میکرد بطوریکه
... لقب دادند .
...سکار رومرو یک
...ه‌کار بود که در
...میط دیکتاتوری
...به اسقف اعظم
...ر منصوب شد .
...از تنگدستان و
... او را بتدریج
...مت قرار داد .
...راندا" یکی از
...ر ایالت مرکزی
...ه دهقانـی را
...د ضربت روحی
... بود . این قتل
...قف بیش از بیش
...ان و کارگران
... توجه کند
...مردم السالوادر
...هند . "رومرو"
...اعی مخصوصی
...د بلکه معتقد
...نظام اجتماعی

بایـد برای بهبود بخشیدن
شرائط زندگـی مردم و تامین
عدالت اجتماعی کوشش کرد
وی از تقسیم ثروت که عده‌ای
قلیل بسیار و گـروه کثیـری
نصیبی نمی‌برند شکایت میکرد
او حکومت را به نقض حقـوق
بشر متهم ساخته و اظهار میداشت
که شکنجــه ، قتل و ربـودن
انسانها در السالوادر بصورت
یک سیستم "درآمده است .

رومـــرو" اقـــدامات
خشونت‌آمیز چریکها را انتقاد
میکرد ولی عملیات آنها را تا
اندازه‌ای قابل توجیه میدانست
و ریشه آن را در حکومت زور
و قلدری میدید او میگفت "ما
عملیات خصومت‌آمیز را تائید
نمیکنیم برعکـس رژیم زور و
تجاوز را محکوم میکنیم که بیش
از پنجاه سال در این کشـــور
حکومت میکند . "

اقـــدامات شجاعانـــه او
برای حقوق بشر باعث شهرت
جهانی وی گردید مدت کوتاهی
قبل از مرگش از طرف کلیسای
سوئـد جایزه صلح را دریافت
کرد .

نظریات "رومـــرو" در
کلیسای السالوادر مورد تائید
همگان نبـود . چهارتا از شـش
اسقف اعظـم با نظریات وی
بطور آشکار مخالفت میکردند
اپوزیسیون چپ اقدامات او را
برای بالا بردن آگاهی عمومی
مفید میدانست ولی معتقد بود
که بدون یک انقلاب نمیتوان
وضع اکثریت مردم را بهبود
بخشید . پس از کودتای نظامی
در اکتبر گذشته در ابتـــدا از
این شـورا طرفداری کرد ولی
بزودی از آن فاصلــه گرفت و
بموضع اپوزیسیون مترقی نزدیک
شد . رومرو بزودی برای قسمتی ،

از هیات حاکمـه و را...
افراطی بصورت دشمـ...
یک درآمد قبل از ...
کشیـش از اطرافیانش...
رسیدند و چند هفـ...
سوءقصد فرستنده راد...
با دینامیت منفجر ند...
آن برای همـه ...
رومرو در آخرین ...
مخالفت شدیدش را ...
اسلحه از طرف آمریکا ...
نظامی ابراز داشت و ار...
خواست که اسلحه خود...
هموطنانشان بکار نبر...
سخنگوی نظامی او را ...
که مردم را علناً "بشور...
میکند .

"اسکار رومرو" ا...
که او را احاطه کرده ب...
بـود در قبال تهدید...
میشد اظهار داشت ...
هرکسی روزی خواهد...
بهتر که این برای هـ...
انجام پذیرد با رفتن...
او را ده نفر پر خواهن...
مرگ اسقف اعظ...

"اسکار آرنالفو رومر...
مارس ۱۹۸۰ میتواند ...
روزنامه‌نویس معروف ...
در نیکاراگوئه نیروها...
را با اپوزیسیون انقلا...
دهد و زمینه پیروز...
سازد خطر آن نیز مو...
کـه مرگ وی آماده ...
نیروهای ارتجاعی ...
عمومی باشد نظیر ...
که در سال ۱۹۳۲ د...
یک قیام ملی بوقوع...
ده‌ها هزار نفر را ...
وحشیانه کرد البته ...
...ـی به سیاستی...
...شت کـــه زهبـر...
متحده آمریکا در پـ...
گرفت .

چرا مردم بی‌اعتماد شده‌اند؟

دکتر جهانشاه برومند

بیش از یک سال از انقلاب پر شکوه ملت میگذرد، انقلابی که برای بثمر رسیدن آن اتحاد و اتفاق میلیونها تن از اقشار مختلف مردم عامل اساسی بود. انقلابی که بخاطر برانداختن رژیم سلطنتی و دگرگونی در بنیادهای پوسیده وابسته به آن چون فقر و خفقان و استثمار و تباهی و وابستگی صورت گرفت و هدف نهائی آن استقرار نظام جمهوری اسلامی برمبانی آزادی و استقلال بود.

با نظری اجمالی بر رویدادهای پس از انقلاب، سیر نزولی تعداد رای دهندگان در انتخابات مراحل مختلف و سیر نقطه نظرهای مردم در برابر آنچه گذشته است یک سوال در خاطر نقش می‌بندد. چرا مردم بی‌اعتماد شده‌اند؟

و براستی چه شده است که درصد نسبتا قابل توجهی از همان مردم که با شور و شوق و هیجان و اتحاد در راه تحقق انقلاب جان بکف داشتند امروزه واخورده‌اند، بی‌اعتماد و ناباور شده‌اند و آن تشکل و وحدت و یکپارچگی مطلوب را ندارند؟

این زنگ خطر است. یک خطر جدی برای انقلاب است. پس باید آنرا از میان برداشت. و نخست باید دید که این از کجا سرچشمه گرفته است؟

بصراحت میتوان گفت که ریشه این بی‌اعتمادی و ناباوری را باید در عملکردهای ناصحیح ارگانهای اجرائی و دولتهای موقت و غیرموقت بعد از انقلاب جستجو کرد. چه، آنها بودند که میتوانستند و هنوز هم میتوانند با خط مشی انقلابی و در عین حال اصولی، برخوردهای منطقی و دموکراتیک با مسائل و مشکلات و نیز چاره‌اندیشی‌های جدا از تنگ نظری، عصبانی تفاهم آمیز بمنظور ترقی و اعتلای کشور بوجود آورند و انقلاب را در مسیری تزلزل ناپذیر به پیش رانند.

- عدم ایجاد اتحادی دموکراتیک مابین گروههای انقلابی، ملی و مذهبی بدلیل انحصارطلبی، تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری و عدم وجود دولت مرکزی نیرومند با خط مشی معین، عدم حل مسائل و مشکلات طبقاتی بطور هماهنگ و سیستماتیک، عدم ارائه برنامه‌های حساب شده کوتاه مدت و دراز مدت برای حرکت چرخهای اقتصادی و ازمیان برداشتن بیکاری و افزایش تولید در کشاورزی و صنعت، آزاد گذاشتن گروههای مهاجم در خودکامگی و حمله به اجتماعات، عدم وجود انضباط و حکومت قانون در ادارات و موسسات و نیروهای انتظامی و نتیجتا کم کاری و خدشه دار گشتن امنیت عمومی، انتشار و نقل بعضی مطالب غیر حقیقی توسط دستگاههای ارتباط جمعی و حتی برخی مقامات مسئول و بی‌خبر ماندن مردم از بسیاری رویدادهای واقعی، دامن زدن به نارضائی‌ها از طریق عنوان کردن و مبارزه پوشالی با مسائلی که محتاج راه حلهای بنیادی است و نیز ناهماهنگی در مجازات مجرمان و محکومان و غیره و غیره...... از جمله عواملی هستند که این عدم اعتماد ویرانگر را در قشر وسیعی از مردم بوجود آورده‌اند.

و این برمقامات مسئول و چاره اندیشان است که برای حل مشکلات فوق و رفع بی‌اعتقادیها و ناباوریهای ناشی از آن، منطقی و نه با خشونت و سرکوب راهی بیابند، زیرا که فردا خیلی دیر است.

ما و خوانندگان

تهران ـ آقای مصطفی صفا ـ آموزگار عزیز خواسته ...
مسئولین دولتی سئوال شود چرا بعداز پیروزی ...
مسببین جنایت تاریخی سی تیر ۱۳۳۱ محاکمه ...
چه آنهائی که مانند سرهنگ قربانی که در جلو ...
دهها نفر را کشت و چه محرکین واقعه.
ما خود در مقابل این سئوال قرار گرفته ایم ...
انقلاب تداوم قیام تاریخی سی‌ام تیر و ملهم ...
خونین قهرمانان و شهدای آن روز نیست؟! اگر ...
است چرا عاملین کشتار وحشیانه آن قهرمانان ...
خفته از کیفر و عقوبت در امان مانده‌اند؟!

خرمشهر ـ دبیرخانه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی ...
خلیج فارس ضمن انتشار بیانیه مفصلی نقطه نظ ...
خود را خلاصتا" بدین شرح بیان داشته اند.
۱ـ شکستن صفوف وحدت نیروهای انقلابی بز ...
جنبش ملت ایران است.
۲ـ نظام آموزش فعلی ایران کلا باید دگرگون ...
ولی اجرای انقلاب فرهنگی بایستی بوسیله شور ...
ذیصلاح باشد.
۳ـ برای انجام انقلاب دانشگاهها این سنگر ...
آزادی بایستی مفتوح بمانند.
۴ـ خواستار مجازات مسببین کشتار دانشگاهیان شد ...
خواسته های شما دانشگاهیان گرامی را تائید م ...
و تا نیل بهدف مقدس نهائی با شما خواهیم بود ...
تهران ـ آقای یداله صفائی ـ نامه شما رسید از همکاری ...
بسیار سپاسگزاریم.

... له خیلی
... کرده‌اند و
... عمیق و
... دیگر اینکه
... خود پیک
... آزادی و
... ین امور و
... را بین
... و همه
... زخصلت ـ
... م نیز چیز
... ان توده ـ
... خصلتهای
... بیاموزند و
... گاهی
... به آنان
... نباله دارد

...

... کدام چیزی
... گفته‌هاشان
... م که:
... اول روش
... رادیو ـ
... ت و با آن
... چون تا
... کارپذیرند
... اشناخته
... تانه، توده
... بسیار خوب
... یم بازی
... سند. اما
... شد، هستند
... با اعتماد به
... جری هر

... ینجا روشی
... وئات از آن
... و رادیو ـ
... ن یک مرکز
... حق چنین
... یادآورشد:

رادیو و تلویزیون | سطح جامعه
پخش یک خبر → ایجاد سئوال در ذهن مردم
دادن جواب به سلیقه دست اندرکاران → ایجاد یک حرکت تحریمی در جمعی ناآگاه
پخش چند شاهد در رابطه با این حرکت تحریمی → آغاز یک حرکت برای مانند حرکت تحریمی
انعکاس خبر بصورت یک واقعه انقلابی و مردمی → پذیرش کلی جامعه و بمنصه رسیدن کار

البته همگی خوب می ...
که این قبیل حرکتها ...
تنها مردمی نیستند ...
حرکتهای اصیل مر ...
لطمه میزنند.
لطمه میزنند به ...
توده‌ای و انقلابی ...
زمانیکه به دعوت ...
دلسوزشان به خیا ...
میریزند.
ولوث میکنند بس ...
که رئیس جمهور من ...
به آن دعوتشان مین ...

... تانه تحولات بزرگ ...

کدرکاهیاست که اذهان پر از سئوال مردم تغذیه شده و سئوالات پاسخ میگیرندوفعل و انفعالات سیاسی‌واقتصادی و اجتماعی فرهنگ انجام می پذیرند. اما در مملکت ما نقش رادیو تلویزیون حساس‌تر از این حرفهاست با تعارف باید گفت که فکر بعضی از ما خیلی زودبه مشتهایمان میرسد و جهت میگیرد که البته اگربا آگاهیهای سیاسی همراه باشد نه تنها بد نیست که مفید است . و می بینیم که دراین میان آنهائی با عجله‌صف‌میکشند و به رهبری آگاهان مغرض ، با چوب و چماق به جان خلق‌الله میافتند که در پائین‌ترین سطح‌از شعور سیاسی واقع شده‌اند در اینجا باید اهمیت تخریبی این قبیل عملکردها را یاد آور شد که :

تا زمانیکه راه حل‌معضلات را فقط‌درچوب وچماق بدانیم هیچ وقت به آن آگاهی لازم نخواهیم رسید ودرآنصورت نخواهیم توانست حکومت حق را از باطل تمیز دهیم .

تا وقتی که این نیروی انقلابی و این انرژی‌انقلابی را در چماقها به حرکت در آوریم تولید و کار و صنعت وبطریق‌اولی استقلال‌نخواهیم داشت .

تا وقتیکه فکر کنیم تمام مطمئن هستم که لب‌به‌دندان خواهید گزید ، که آیا اینان در خط امامند ؟ آیاهمینها میخواهند به ما که آرزوی شهادت داریم ،درس‌شهادت بیاموزند؟ آیا همینها می‌خواهند آنجا رادانشگاه اسلامی کنندو فرمان امامان را به اجرا بگذارند؟! وای برما .

وای برما که چنین مرکز حساسی که میتوانست مغزیک کشور وانقلاب باشداین‌چنین درکش و قوس قدرت‌طلبی‌ها به‌زباله‌دان‌تبدیل‌شده‌است .

این مرکزی که میتوانست فزاینده‌دانش ونماینده‌بینش کشور باشد چنان دچارفساد و ناپاکی است که‌بزودی‌متوجه خواهید شد که‌به‌جزمعدودی که وابسته به هیچ‌کجا نیستند بقیه هرکدام براهی میروند و داعیه‌ای در سر دارندوهر یک قدرت را برای خویش و درانحصار خویش‌میخواهند .

طاغوتیان هنوز منتظر برگشتن شاه یا بختیارهستند چپی‌ها منتظرنشسته‌اند تادر یک موقع مناسب ضربه‌شان را بزنند و گروه‌بازهاو جزب بازهای قدرت طلب نیز در فکر ساقط کردن این و آن و خود برجای آنها نشستن هستند .

و اینجاست که موی بر تنتان راست میشودو ترس برتان میدارد که وای به‌حال

دانشجویان انقلابی پیک آزادی باید مردم را آگاه

بین فرهنگ محکوم بدنا...

و فرهنگ رشد یابنده یعنی فرهنگ انقلابی توده‌های مردم ستیز وجود دارد .

در جامعه ما انقلابی‌آغاز شد. انقلاب علیه دستگاه حاکم وامپریالیسم بود ، یعنی انقلابی برای آزادی‌واستقلال ملی ، بنابراین انقلاب فرهنگی ما باید برای‌تحکیم و تثبیت وتداوم دونهاد سیاسی و اجتماعی حاصل انقلاب آغاز شود .

انقلاب ما چون ملت مسلمانیم باید در محدوده اسلامی صورت‌می‌گرفت . ما در اثر تربیت اسلامی احساس خاصی‌داریم که بااحساس‌ملل غیرمسلمان مشابه نیست . اسلام به خدای رحمن و رحیم معتقد است ما هرکاری را آغازمی کنیم بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم می‌گوئیم و ختام هرکار هم بنام‌خداوندبخشنده‌مهربان است . بیش از همه‌صفات باریتعالی رحمان ورحیم حق بر زبان ماجاری میشود

انقلاب مطلوب ما اسلامی است اما باید آنرا درست تشخیص داد. اسلام از هنگام تولد تا مرگ همه چیز را تکلم کرده است‌حتی طرز راه رفتن ،غذاخوردن خوابیدن. رابطه بااشخاص با حیوانات باجمادات همه چیز را ، همه جا با رحمت

روبرو میشویم ، تمام عقیده...

استبداد واستعمار نیزدستور اسلام‌است‌وبآن عمل‌شد . بنابراین باید با تمام نهادهائی که درخدمت‌رژیم سابق (رژیم استبدادی) بوده مبارزه شود. مبارزه مردم اول بار علیه دستگاه استبدادی بود. بنابراین باید با تمام نهادهائی که دستگاه استبدادی را حفظ میکرد وادامه حیاتش رامکمن میساخت‌مبارزه میشد .مثلا" احترام به عقاید ، آزادی عقاید ،احترام مسکن ، احترام‌مسلک ، مصونیت نامه‌ها و گفتگوها احترام به شخصیت واستعداد فردی درجامعه‌که‌افکاروشخصیت ها سرکوب نشود ، وجود این آزادیهاوآن‌رابصورت‌اصلی ونهاد فرهنگی درآوردن از واحدخانواده گرفته‌تااجتماع باید فرهنگ ضد استعماری‌را

امکان داد که تجربه ...

استعماری را تجربه کنندو بیاموزند، چون مردم در عین‌حال که به‌آزادی‌عقیده تمایل دارند ولی چون رژیم گذشته امکان تجربه برای مردم نگذاشت ممکن است مردم شکل را اشتباه کنند. یعنی شکل دیگری به‌جای شکل واقعی آزادی به مردم تحمیل شودو مردم چون نمی‌دانند آن شکل را می‌پذیرند . این زمینه ای است که بدون آن از مبارزه‌آزادی بخش و استقلال ملی‌نمیشود حرف زد ، نمی‌شودآنراپیش برد .

علتش روشن است ،چون نیروی انقلابی درصورتی میتواند توده مردم را علیه امپریالیسم بسیج کند که آزادی داشته باشند یعنی امکان داشته باشندکه ضد امپریالیسم اقدام کند .باید

از این راه وراههای دیگر که دستاورد علم امروزست ارتباط افراد جهان ساعت به ساعت گسترش بیشتری می‌یابد، دیگر نمیشود آرام زیست سر در گریبان خود داشت ولذا روزی نیست که با صدها وبلکه هزارها سئوال روبرو نشویم وروزی نیست که با دیده‌ها و شنیده‌ها و خوانده‌ها حس کنجکاویمان تا سرحد انفجار غلیان ننماید و بدنبالش فعالیت فیزیکی و فکری را برای فرونشاندنش نداشته باشد.

با این تفاصیل نقش حساس و پر اهمیت مطبوعات ورادیو تلویزیون بیشتر از پیش آشکار میشود چون از همین گذرگاههاست که اذهان پر از سئوال مردم تغذیه شده و سئوالات پاسخ میگیرندوفعل و انفعالات سیاسی واقتصادی و اجتماعی فرهنگ انجام می پذیرند. اما در مملکت ما نقش رادیو تلویزیون حساس‌تر از این حرفهاست با تعارف باید گفت که فکر بعضی از ما خیلی زودبه مشتهایمان میرسد و جهت میگیرد که البته اگربا آگاهیهای سیاسی همراه باشد نه تنها بد نیست که مفید است. و می بینیم که دراین میان آنهائی با عجله صف میکشند و به رهبری آگاهان مغرض، با چوب و چماق به جان خلق‌الله میافتند که در پائین‌ترین سطح از شعور سیاسی واقع شده‌اند در اینجا باید اهمیت تخریبی این قبیل عملکردها را یاد آور شد که:

تا زمانیکه راه حل معضلات را فقط درچوب وچماق بدانیم

برای آنکه براریکه‌های قدرت تکیه زنند و از طریق چماق ایادیشان بر مردم حکومت کنند، سنگر رادیو تلویزیون را دو دستی و با تمام قوا چسبیده‌اندو اگر بپرسی این چیست که باین سفت وسختی به آن چنگ زده‌اید، میگویند چون برای خدا کار میکنیم، حتما" انتهایش به ریسمان خدا متصل است.

بی پرده بگویم، هم‌اکنون از رادیو و تلویزیون ما چنین استفاده‌ای میخواهند بکنند. کاش میشد دست تک‌تک شما را گرفت و چند روزی را در راهروهاو اطاقک‌های آنجا چرخاند. تا ببینید که‌قدرت چه بروز پرستندگانش‌میآورد مطمئن هستم که لب‌به‌دندان خواهید گزید، که آیا اینان در خط امامند؟ آیاهمینها میخواهند به ما که آرزوی شهادت داریم، درس‌شهادت بیاموزند؟ آیا همینها می‌خواهند آنجا رادانشگاه اسلامی کنندو فرمان امامان را به اجرا بگذارند؟! وای برما.

وای برما که چنین مرکز حساسی که میتوانست مغزیک کشور وانقلاب باشداین‌چنین درکش و قوس قدرت‌طلبی‌ها به‌زباله‌دان‌تبدیل‌شده‌است.

این مرکزی که میتواند فزاینده‌دانش ونماینده‌بینش کشور باشد چنان دچارفساد و ناپاکی است که‌بزودی‌متوجه خواهید شد که‌به‌جزمعدودی که وابسته به هیچ‌کجا نیستند بقیه هرکدام براهی میروند و داعیه‌ای در سر دارندوهر یک قدرت را برای خویش و درانحصار خویش‌میخواهند.

طاغوتیان هنوز منتظر برگشتن شاه با بختیار هستند

استقرار حکومت عدل علی (ع) هستندولی باطنا" زوررا میپرستند ـ بدنبال قدرتند.

واز همه بدتر مسلمان نماها، ازهمانهائیکه جای‌مهر بر پیشانی، بروی علی شمشیر کشیدند ـ زیر پرچم‌اسلام و حزب و گروه اسلامیشان سنگ اسلام را به‌سینه‌میزنند، اما در باطن دهانشان‌ازبزیر کشیدن مسلمانی آب میافتد و وقتی بـا هـم مینشینند افتخاراتشان را تعریف‌میکنند

قدردطلبان از دلالت دیگران لذت میبرند.

قدرت طلبان، چون متکی به توده نیستند مجبورند که خودرا به یک چهره‌محبوب توده وابسته نشان دهند.

قدرت طلبان، چون به توده متکی نیستند تشکیلات تارعنکبوتی میسازند و میخواهند همه چیز را ازبالا در دست بگیرند.

قدرت طلبان، بهترین محور برای جذب طاغوتیان

ضرب شستی نشان دهند و حذفشان کنند.

وبالاخره، قدرت‌طلبان در پرستش گوساله قدرت، به خدای موسی کافر میشوند.

من خیلی فکر کرده‌ام که بالاخره تکلیف من و سی و پنج میلیون دیگر چیست؟ آیا باید تمام اعتمادم را از رادیو تلویزیون سلب کنم و به مطبوعاتی که خود آنها

بقیه در صفحه ۳

دنباله سخنرانی دکتر اسدالله مبشری درسمینار انقلاب فرهنگی

بین فرهنگ محکوم به‌فنا و فرهنگ رشد یابنده یعنی فرهنگ انقلابی توده‌های مردم ستیز وجود دارد.

در جامعه ما انقلابی‌آغاز شد. انقلاب علیه دستگاه حاکم وامپریالیسم‌بود، یعنی انقلابی‌برای آزادی‌واستقلال ملـی، بنابـراین انقلاب فرهنگی ما باید برای‌تحکیم و تثبیت وتداوم دونهاد سیاسی و اجتماعی حاصل انقلاب آغاز شود.

انقلاب مـا چـون ملت مسلمانیـم بایـد در محدوده اسلامی صورت‌می‌گرفت. ما در اثر تربیت اسلامی احساس خاصی‌داریم که بااحساس‌ملل غیرمسلمان مشابه نیست. اسلام به خدای رحمن و رحیم معتقد است ما هرکاری را آغازمی کنیم بسم‌اللهارحمن‌الرحیم می‌گوئیم و ختام هرکار هـم بنام‌خداوندبخشنده‌مهربان است. بیش از همه‌صفـات باریتعالی رحمان ورحیـم

وسعه صدر باهمه موجودات روبرو میشویم. قیام علیـه استبداد واستعمار نیزدستور اسلام‌استوبآن عمل‌شد. بنابراین باید بـا تمـام نهادهائی که درخدمت‌رژیم سابق (رژیم استبدادی)

بوده مبارزه شود. مبارزه مردم اول بار علیه دستگاه استبدادی بود. بنابراین باید با تمام نهادهائی که دستگاه استبدادی را حفظ میکرد وادامه حیاتش راممکن میساخت‌مبارزه میشد. مثلا" احترام به عقاید، آزادی

به مردم آموخت و به‌مردم امکان داد که فرهنگ ضد استعماری را تجربه کنندو بیاموزند، چون مردم در عین‌حال که به‌آزادی‌عقیده تمایل دارند ولی چون رژیم گذشته امکان تجربه برای

مردم نگذاشت ممکن است مردم شکل را اشتباه کنند. یعنی شکل دیگری بجای شکل واقعی آزادی به مردم تحمیل شودو مردم چون نمی‌دانند آن شکل را می‌پذیرند. این زمینه ای است که بدون آن از مبارزه‌آزادی

دانشجویان انقلابی

پیک آزادی

باید مردم را آ...

گوساله طلائی قدرت در رادیو تلویزیون

روزنامه انقلاب اسلامی روز سه شنبه بیست و سوم ـ اردیبهشت مقاله‌یی به قلم آقا مصطفی طوسی مراغی با عنوان "گوساله طلائی قدرت در رادیو و تلویزیون" را به چاپ رسانده که نظر به اهمیت این مقاله در زمینه چگونگی گردش کار رادیو تلویزیون و کاربرد این رسانه گروهی که بایستی تجلی‌گاه انقلاب اسلامی ایران باشد، عینا مبادرت به چاپ آن مینمائیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

بدون شک باید گفت که یکی از عوامل برانگیزنده انسان حس کنجکاوی اوست، همین حس است که علم را به پیش میراند و از همین حس است که پیامبران برای برانگیختن وجدان جامعه استفاده کرده‌اند، همین حس است که به فکر انسان حرکت می‌بخشد و بالاخره همین حس است که بیشتر از هر چیز میتواند مورد سوء استفاده دشمنان بشریت قرارگیرد بدین طریق که از حس تعادل جوئی انسان نیز کمک میگیرند و نقشهای حاصل از علامت سئوالهای مطرح شده در ذهن را با مطالبی که بظاهر حقیقت می نمایند ولی در باطن کذب محض هستند موقتا "التیام می‌بخشند و حرکات انسانها را در اختیار خویش میگیرند. بهمین خاطر است که می‌بینید آن کسی که در مکان دورافتاده‌ای زندگی میکند و علامات سئوال ذهنش از محدوده خودش بیرون نمیرود، کمتر التهاب دارد و بهمان نسبت نیز کمتر مورد سوء استفاده واقع میشود.

اما در شرایط کنونی که ماهواره‌های مخابراتی روز به روز به فضا پرتاب میشوند و از این راه وراههای دیگر که دستاورد علم امروزست ارتباط افراد جهان ساعت به

ارگانهای مملکتی باید بازور و دگنگ اصلاح شوند، امکان فعالیت یک دولت مردمی را بکلی از بین خواهیم برد. وبالاخره تازمانیکه انقلاب در حرکت سازندگی نیافتند بیگانگان با جسارت بیشتری بر ما خواهند تاخت.

این مسائل را هنوزخیلی از دست اندرکاران قدرت طلب باور نکرده‌اند که اگر امنیت برقرار نشود یک روز در یکی از همین حوادثی که میآفرینند، همراه دیگران نابود خواهند شد و آرزوهایشان بکلی بر باد خواهد رفت.

چه باید کرد که اینان دیر متوجه میشوند، حرص دنیا در لباس دین آنچنان فریبشان داده است شیطان خناس بر خلاف آنچه تصور میکنند، آنچنان درزوایای فکرهایشان پایگاه ساخته است که بی توجه به همه چیز و همه کس برای آنکه براریکه‌های قدرت تکیه زنند و از طریق چماق ایادیشان بر مردم حکومت

ما دراین میان چیزی که کاملا" فراموش شده است، وظیفه اصلی رادیووتلویزیون و نقش مهمی است که باید در هدایت و تنویر افکار عمومی داشته باشد. وسائلی که با بودجه‌ای گزاف اداره میشود و بهترین راه (سمعی، بصری) در آموزش افراد تشخیص داده شده است، چنان به‌بیراهه میرود که بی‌شک باید گفت در حال حاضر زیانش به سودش می‌چربد و زهی افسوس!

هرچه فساد هست زیر سر همین قدرت طلبان است. هر چه میکنند همین قدرت طلبان میکنند و همین ها هستند که به وسوسه‌های شیطان لبیک میگویند فرق نمی‌کند به‌کدام دسته یا حزب وابسته باشند.

چپیها با نام چپ و زیر پرچم چپ سینه میزنند و خلق خلق میکنند اما در باطن قدرت و زور را پرستش میکنند التقاطی ها تحت نام اسلام جوانها را بدور خود جمع میکنند، و به ظاهر بدنبال استقرار حکومت عدل علی (ع) هستند ولی باطنا" زور را میپرستند، بدنبال قدرتند.

و می‌خندند و شادند ـ بدنبال قدرتند.

واینرا هم نیک میدانم که قدرت طلبی جز وسوسه شیطان چیز دیگری نیست واگر روزی خدای ناکرده انقلاب ما ضربه کاری بخورد از سوی همین قدرت طلبان خواهد بود.

قدرت طلبان نه تنها همچون ماشینی غول آسا هرچه و هرکه (مخالفان فکری و عقیدتی) را که درمسیرشان قرار گیرد، ناجوانمردانه خرد میکنند، بلکه لازمه قدرت طلبی آنان کجروی و توسل به مظاهر فسادی است که میتوان اشاره‌ای به آنها داشت:

قدرت طلبان، فرصت طلبان را پرورش میدهند.

قدرت طلبان، خدارانیز برای قدرت خودشان بهانه میکنند.

قدرت طلبان، نمی‌توانند قدرت طلبی خود را پنهان کنند چون قدرت پنهان ارضائشان نمی‌کند.

قدرطلبان از ذلالت دیگران لذت میبرند.

قدرت طلبان، چون متکی

هستند.

قدرت طلبان، چشم دیدن چهره‌ای محبوب را ندارند

قدرت طلبان، قدرت تحمل عقیده مخالف را نیز ندارند.

و در موقعیت فعلی مملکت:

قدرت طلبان، هرج ومرج را دوست میدارند چون زمینه را برای رشد او و تحمیل او مناسب میکند،

قدرت طلبان، درصددند تا چهره‌های محبوب و مردمی را نابود کنند.

قدرت طلبان، از بحث آزاد هراس دارند.

قدرت طلبان، درصددند تا با دردست گرفتن مراکز حساسی چون رادیوتلویزیون از آنها برای رسیدن به مقاصد بالا سود جویند و استفاده کنند.

قدرت طلبان، ازتهمت زدن به این وآن هراس ندارند.

قدرت طلبان، امر بر خودشان نیز مشتبه شده است که بهتر از همه میفهمند.

قدرت طلبان، تصورمیکنند اگر خود میدان دار شوند مملکت را بهتر اداره خواهند کرد، در حالیکه غافلند از اینکه ضد انقلاب و دشمنان ملت و پیش از همه آمریکا نیز در انتظار نتیجه کار آنان نشسته‌اند تا با قدرتی بالاتر ضرب شستی نشان دهند و حذفشان کنند.



توطئه تعطیل ...

بقیه از صفحه ۱

وچرای غرب و شرق درآئیم وبسوی یک‌کشور توانمند صاحب صنعت پیش برویم . امری که قبل از هرچیز نیاز به قدرت فکر واندیشه وابتکار وشناخت علمی دارد . ما ملتی هستیم که درجمع از نظرنیروی انسانی کارآمد در زمینه های علمی و فنی در سطح‌های مختلف با کمبود و نارسائی و نبودتوازن و ضعف دانش لازم ، مواجه هستیم ، واقعیتی که باید بدان اعتراف کنیم و هرچه سریعتر نسبت به‌چاره‌جوئی درباره‌آن اقدام کنیم ، واقعیتی که حاصل ستم دستگاه ضد مردمی و دست نشانده رژیم شاه است .

سلطه گران وامپریالیستها باروشن بینی هرچه تمامتر بر آن بودند تا به هر وسیله‌ای که شده اجازه ندهند ملت ما در راه خلاقیت وابتکار گام برداردو بااعمال نفوذهای مختلف بر آن بودند تااین جامعه توان علمی نیابد .

اما حالا چه ، ما بعد از پیروزی انقلاب کدام تلاش را برای برنامه ریزی اصولی به نیت انجام تغییرات ضروری و در حد امکان بنیادی درجهت توان بخشیدن به مراکز علمی وآموزشی خود انجام داده‌ایم ؟ کدام برنامه رابرای بهره‌مند شدن از حداکثر امکانات واحدهای پژوهشی و دانشگاههای خود بمرحله اجراء درآوردیم ؟

آنهائی که از روی آگاهی و با نقشه و یا ازروی ناآگاهی و تعصب بدون آنکه میان انقلاب فرهنگی و دگرگونی در نظام آموزشی کشور فرق قائل شوند ، برآن گشتند تا دانشگاهها را به‌تعطیل بکشانند کدام برنامه مطالعه شده و آماده رابرای جانشین ساختن آنچه‌که هست دراختیاردارند .

من می‌پرسم اگر باهمین برنامه ناقص میتوان شصت درصد آنچه را که باید یک دانشجو بداند باو آموخت ، چرا تا برنامه جامع‌تری را تنظیم نکرده‌اید میخواهید باهو و جنجال جوانان کشور را از آموختن همین‌حداقل نیز محروم سازید ؟ ممکن‌است پزشکان جوان ما ، مهندسان دانش‌آموخته‌ما ، دبیران رشته‌های مختلف دانشگاههای ما ، آنچنان افرادی نباشند که باید باشندو ملت ما بدان نیاز دارد ، ولی آیا راه‌چاره ایجاد توقف کامل است ؟

شما بااین اقدام آب به آسیای چه کسی میریزید ؟ملت و یا دشمنان او . من دراینجا برآن نیستم تابه‌موضوع انقلاب فرهنگی و تفاوت آن با انجام تغییرات بنیادی در سطح مراکز آموزش عالی اشاره‌کنم ، زیرا که حوادث این چندهفته اخیر خود حکایت از آن دارد که دعوا سرلحاف ملانصرالدین است ، همه مسئله این است‌که شاید بتوانند برای مدتی طولانی دانشگاهها را تعطیل کنند تا فرصت کنارگذاردن گروهی از استادان صاحب صلاحیت و آگاه را فراهم‌آورند وهم زمان جمعی‌ازدانشجویان را نیز تصفیه بسازندو دست بدایجاد تعدادی دانشگاههای یک بعدی بزنند .

ازاینرو ما معتقدیم که بر تمامی آگاهان ودانشمندان و استادان دانشگاهها وآن‌گروه عظیم از دانشجویانی که به استقلال و آزادی حیات علمی کشور خویش میاندیشند و معتقدند ، واجب است تابا تمام نیرو در برابر توطئه تعطیل دانشگاهها برای مدتی نامعین ایستادگی کنند . باید در فاصله امروز تا اول سال تحصیلی همه‌اعضاء کادرهیات علمی دانشگاهها گردهم‌آیند وباتشکیل کمیته‌های کار و سمینارهای مختلف ، طرح ایجاد دگرگونی های ضروری واصلاح وضع آموزشی وپرورشی دانشگاهها را درجهت پاسخ گفتن به نیازهای جامعه‌امروز و آینده علمی فردای این سرزمین ، تهیه کنند . سپس از ریاست جمهوری بخواهند تا زمانیکه بررسی‌های همه جانبه در زمینه مسائل بنیادی فرهنگ ملی که امرآموزش و پرورش را نیز در برخواهد گرفت بمرحله اجراء درنیامده دستور اجراء موقت این طرح را از آغاز سال تحصیلی صادر کنند ، باشد که توطئه تعطیل ساختن‌دانشگاهها عقیم‌ماند و بیش از این میهن مابه‌دلیل کمبود و نارسائی‌های نیروی انسانی متخصص و کارآمد ، ناگزیر به‌ادامه سیاست‌وابستگی به سلطه گران غرب وشرق نباشد .

دکترپرویز ورجاوند

خامنه‌ای و ...

بقیه از صفحه ۱

خودداری کردند فقط بیانیه مدیریت را ، آنهم باعنوان بندیهای موذیانه‌ایکه باروح بیانیه ما منافات داشت و شایسته خودشان است ، چاپ می‌کنند تامسائل را آنگونه بازگوکنندکه‌خودمی‌خواهند صریحا " اعلام میکنیم استعفا نامه و بیانیه ما مکمل یکدیگر و پشت وروی یک‌سکه‌اند .

اکنون برای ادای دین خود به ملت شریف ایران‌و با این اعتقاد که درحکومت اسلامی باید مملکت ازلوث وجود خائنین پاک شود و از برداشتهای نادرست بعضی از روزنامه هاجلوگیری گردد برای بار دوم‌ازآقایان خامنه‌ای و هاشمی‌رفسنجانی دعوت می‌کنیم که دریک مناظره تلویزیونی باما شرکت نمایند تا حقایق در رابطه با مسائل دانشگاهها ، با ارائه ادله طرفین ، برای ملت ایران روشن شود .

مدیریت سابق دانشگاه‌تهران

دکترمحمدملکی
دکترترابعلی براتعلی
دکترحسین صاغبان
دکترکاظم ابهری

امام و رئیس ...

بقیه از صفحه ۱

این مسئله را قبلا" آقای بنی صدر با مسئولین درمیان گذاشته اندو به عرض امام رساندند و امام هم تائید کردند . بنابراین ، این‌مسئله کمتر اهمیت خواهد داشت .

وی سپس درباره سخنان ریاست جمهوری مبنی برجلب اطمینان مردم وحذف سانسور دراین سازمان گفت : تا آنجا که من اطلاع دارم امام بیش از هر برنامه ای به اخبارتوجه دارند انشااله این خط مشی مستقلی که توضیح دادم اگر بشود پیاده کرد ملت باید خاطر جمع باشدکه این صدا و سیمای اسلامی ایران است نه صداو سیمای عقیده ویا سلیقه شخصی و آنچه که مردم می‌بینندو می شنوند واقعی‌است آنموقع است که اعتماد خود بخود جلب خواهد شد .

سرپرست رادیو تلویزیون در پایان در زمینه عدم رضایت دسته ای از مردم از برنامه های این سازمان‌واینکه آیا تغییراتی در برنامه ها داده خواهد شدیاخیرگفت :

تا آنجا که من اطلاع دارم رادیو و تلویزیون بالقوه امکاناتی دارد . درحال‌حاضر چند گروه فیلمبردار درواحد تولید وجوددارد وبرای‌اینها برنامه هائی تهیه خواهد شد . وی ادامه داد تاکنون ۵۰۰ حلقه فیلم خوب وارد شده است که در حال دوبلاژ هستندو این فیلمها بیشتر حالت سازندگی داشته و پیامهائی همراه دارد نه اینکه صرفا" تفریحی باشدو به‌این ترتیب برنامه های تلویزیون متنوع خواهد شد .

گرانی و کمبود کالاهای ...

بقیه از صفحه ۱

کمبود و گرانی کالاهاراجبران‌نخواهدکرد . بدون‌افزایش تولید و بدون دخالت موثر دولت برای‌نظارت درامرتوزیع ، جلوگیری از گرانی و کمبود کالاامکان‌پذیرنیست . آیااصولا " دولت و حکومت سازمان دولتی و حکومتی آمادگی‌پرداختن به‌این امور اساسی را دارند ؟ و آیا توجه کرده‌اندکه‌مقاومت در برابر امپریالیسم علاوه بر تهییج مردم و تقویت روانی آنان محتاج تهیه زمینه‌های واقعی در قلمروزندگی‌توده‌های مردم است ؟

متحدان ...

در تمام مراحل در روابط اروپا وآمریکاازز‌مان‌جان فوستردالس ظاهر شدجون دالس گفته بود

هم بماند و اگر بخواهد به زندگی‌سیاسی‌خوددرچهارچوب پیمان‌ناتوادامه‌دهدلازم‌است ، الزامی ندارد و بنابراین نمیتوان از آنها انتظار داشت که راهنمائی‌های کلی و رهبری

تروریست بین‌المللی" و در کابل یک حمله نظامی "انجام شده"، ولی این دو اقدام با هم کمترین

این گونه مبارزات همبستگی

بقیه در صفحه ۴

بقیه درصفحه ۲

توطئه تعطیل دانشگاهها موجب ادامه وابستگی به شرق و غرب است

پس از چند روز آشوب و هیجان و درگیری و بجای ماندن تعدادی شهید و مجروح و لطمه وارد آوردن به برخی از تاسیسات دانشگاهی و ایراد چند سخنرانی و برگزاری یک میز گرد، حرکت تند و ناگهانی و جنجال مربوط به انقلاب فرهنگی فروکش کرد، گوئی حادثه‌سازان سکوت اختیار کرده‌اند. ولی آنچه از این رویداد پر حادثه نصیب دانشگاهها گردید، این بود که یکبار دیگر در طی دوسال اخیر، اکثریت کلاسهای درس تنها با یکی دو جلسه کارشان پایان‌پذیرفت و از آغاز این هفته دانشجویان امتحان درسهای نخوانده را خواهند داد، یا بعبارت دیگر باتوجه به جو موجود، اکثریت نزدیک باتفاق دانشجویان بدون آنکه درسی خوانده باشند نمره قبولی خواهند گرفت. یعنی آنکه گامی دیگر درجهت بی اعتبار ساختن دانشگاهها و نفی ارزش علم و تحصیل برداشته شد.

اگر به سخنرانی‌ها و نوشته‌های بسیاری از آگاهان درطی ماههای بعد از انقلاب مراجعه کنیم، مشاهده خواهیم کرد که یکی از مهمترین راههای خارج گشتن از وابستگی به قدرتهای مسلط جهانی را موضوع بالا بردن قدرت تولید و ایجاد یک اقتصاد ملی و شکوفا دانسته‌اند، یعنی آنکه در پی کسب استقلال سیاسی، باید بر آن باشیم تا بتوانیم در امر تامین نیازمندی های جامعه در زمینه های کشاورزی و صنعت بسوی خود کفا گشتن گام برداریم، باشد که براساس یک طرح بنیادی، در آینده نزدیک از جرگه کشورهای مصرف‌کننده بی‌چون

بقیه در صفحه ۴



روز پنجشنبه گذشته در جلسه سخنرانی هفتگی جبهه ملی بمناسبت سالگرد هجرت دکتر علی شریعتی، از این قهرمان و شهید نهضت ملی ایران تجلیل بعمل آمد. دکتر شریعتی که در دامن مبارزات نام گرفت. او به مردم عشق می ورزید و درراه اعتلای اسلام از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

امروز دکتر شریعتی یکی از شهدای بنام انقلاب ایران است همه از او تجلیل میکنند و بعضی

باره آزادی و نهضت ملی و پیشوای نهضت ملی، این سئوال را مطرح می‌کنیم که اگر دکتر شریعتی امروز زنده بود قضاوت او در باره رویدادهای بعد از انقلاب چگونه بود؟

" ای آزادی، چه زندانها برایت کشیده‌ام! وچه‌زندانها

استاد م علی است

پیشوا الهام مصدق

بیانیه سندیکای نویسندگان وخبرنگاران مطبوعات درارتباط بامصاحبه حجت‌الاسلام خسروشاهی

ساواکی‌های عضو تحریریه مطبوعات از سندیکا اخراج شده‌اند

دبیرخانه سندیکای نویسندگان وخبرنگاران مطبوعات درارتباط بامصاحبه اخیرحجت‌الاسلام خسروشاهی نماینده امام در وزارت ارشاد ملی توضیحات زیر را در اختیار مطبوعات قرار داد.

۱- درباره اشاره حجت‌الاسلام خسروشاهی به فهرست ۱۸۰ نفری کارکنان قسمت‌های مختلف مطبوعات درسراسرکشور که با ساواک منحله ارتباط هایی داشته‌اند لازم بیادآوری است این فهرست که از سوی وزارت

سرپرست جدید رادیو تلویزیون:

امام ورئیس‌جمهوری انتصاب سرپرست رادیو تلویزیون را تأیید کردند

[illegible]

گلوله‌های مزدوران شاه کردند. در این زمان شعار "مرگ برشاه" از مدتها قبل توسط دانشجویانی که در گروه‌های کوچک و مخفی دانشجوئی فعالیت‌های سیاسی خود را پیش می‌بردند مطرح شده بود که طی تظاهرات موضعی خیابانی آن را به‌گوش مردم می‌رساندند. قیام پرشکوه توده‌های شهری توسط ارتش ضدخلقی به خون کشیده شد و خلق به پا خاسته ما با بجا گذاشتن هزاران شهید برای مدتی عقب نشینی کرد. با سرکوب قیام توده‌ها و تسلط کامل امپریالیسم بر میهنمان تغییراتی در رهبری جنبش دانشجوئی به وجود آمد. رهبری جنبش دانشجوئی تا سال ۴۲ با جبهه ملی بود که از آن به بعد هم‌زمان با ورشکستگی سیاست‌های بورژوازی‌ملی درسطح جنبش توده‌ها. رهبری بورژوائی جبهه ملی در جنبش دانشجوئی نیز تضعیف شد و از این سال به بعد سمت ضدامپریالیستی مبارزات آشکار ونهان توده‌ها و بخصوص دانشجویان تقویت شد و جنبش دانشجوئی سازماندهی جدیدی‌یافت. از این‌سال‌تا سال۴۴رفیق‌بیژن‌جزنی همراه‌بادانشجویان‌مبارزی که سیاست‌صبرو انتظارجبهه ملی‌رامحکوم‌می‌کردند و معتقد به ادامه مبارزه بودند به‌تشکیل سازمان دانشجویان‌وابسته‌به جبهه‌ملی ایران‌اقدام‌کردند. این‌سازمان باانتشارنشریه "پیام‌دانشجو"کوشید پرچم مبارزه دموکراتیک را افراشته نگاه‌دارد. اما سرانجام‌کمیته‌مرکزی‌این سازمان‌به اتهام "تحریص مردم‌به‌مسلح‌شدن" و دفاع‌از مبارزات خلق ویتنام بازداشت‌وبه‌زندان محکوم‌شدند. در سال‌های بعد تظاهرات دانشجوئی از صحن دانشگاه‌ها به محلات کشیده شد و گروه‌های مبارز دانشجوئی با اعتصابات کارگران و زحمتکشان بیش از پیش همراهی را آغاز کردند. از جمله دانشجویان تظاهراتی درمیدان شاه و خیابان شاهپور تهران به راه انداختند وشعار " مرگ بر شاه جلاد " را هرچه پرصلابت‌تر به زبان آوردند. تظاهرات موضعی از ابتکارات خود سازمان‌های دانشجوئی بود که در پیشبرد مقاصد انقلابی‌شان کمک‌های شایانی به آنها می‌نمود. دانشجویان مسیرهای تظاهرات را خیابان‌های پرجمعیت انتخاب می‌کردند و تا رسیدن پلیس و گروه‌های ضربت حرف خود را به گوش مردم رسانده پراکنده می‌شدند. نمونه‌هائی از این تظاهرات در دست است که‌توده‌ها به دانشجویان پیوسته و همصدا با آنان شعارها را تکرار می‌کردند. در این سالها دانشجویان بابلسر به پشتیبانی از کارگران

> **رهبری جنبش دانشجوئی تا سال ۴۲ با جبهه ملی بود که از آن به بعد هم‌زمان باورشکستگی سیاست‌های بورژوازی ملی در سطح جنبش توده‌ها، رهبری بورژوائی جبهه ملی در جنبش دانشجوئی نیز تضعیف شد.**

سازمان‌های دانشجوئی به تکامل جنبش دانشجوئی لطمه بزند و پیوند جنبش دانشجوئی و جنبش توده‌ای را بگسلد. اما سازمان‌های دانشجوئی در خارج از دانشگاه سیاست پیوند با توده‌ها را پیش بردند و از جمله کارهای توده‌ای که کردند بزرگداشت مراسم چهلم تختی بود که در سال ۴۶ با شعار "زحمتکشان بدانید تختی شهید گشته" و " دروغ بزرگ سال، خودکشی قهرمان" صورت گرفت و دهها‌هزار نفر از مردم تهران را برای برپائی چنین مراسمی زیر این شعار بسیج کرد. زحمتکشان ما چنین‌فعالیت‌هائی را از دانشجویان به یاد داشتند، آنها به یاد داشتند که دانشجویان در کمک‌رسانی به مردم خسارت دیده از زلزله بوئین‌زهرا در سال‌های قبل چه تلاش‌های بی‌وقفه و صمیمانه‌ای داشتند به یاد داشتند که درآن سالها تختی به کمک دانشجویان در سازماندهی کمک رسانی به مردم آن منطقه چه فعالیت تحسین‌انگیزی داشت.. زلزله بوئین‌زهرا که‌هزاران نفر از هم‌میهنان زحمتکش مارابه کام مرگ فرو برد فعالیت بی‌دریغ و شبانه‌روزی دانشجویان انقلابی را در خاطر توده‌ها ثبت کرد. مردم با چنین خاطراتی از تختی و دانشجویان در برپائی هرچه‌باشکوهتر چهلم تختی شرکت کردند.

در سال ۴۷ به‌دنبال جنگ ژوئن ۶۷ در خاور میانه و اشغال سرزمین‌های عربی به دست اسرائیل، دانشجویان به‌همراهی مردم نفرت خود را بر علیه رژیم متجاوز اسرائیل و صهیونیسم و همکاری شاه با صهیونیست‌های اسرائیل اعلام داشتند بطوری‌که در جریان مسابقات فوتبال بین تیم‌های ایران و اسرائیل شعار "نابود باد اسرائیل، درود بر فلسطین" در میدان مسابقه طنین انداخت و دفتر هواپیمائی اسرائیلی ال عال توسط دانشجویان به عنوان اعتراض به آتش کشیده شد. اعتصابات سراسری دانشجویان یا از دانشگاه‌ها اخراج گشتند و اینبار شعار " دانشجویان را آزاد کنید!"، " زندانیان سیاسی را آزاد کنید!" در و دیوار دانشگاه‌ها و حتی‌شهر را پوشاند و رژیم تحت فشار جنبش دانشجوئی عقب‌نشینی‌هائی کرد و دانشجویان توانستند علاوه بر به‌دست آوردن بسیاری از امکانات رفاهی خود شعارهای مترقی را درمیان مردم مطرح کنند. روحیه مبارزاتی توده‌ها را بالا برند و سیاست‌های ورشکسته رژیم را در سرکوب مبارزات به نمایش گذارند. در این سال همکاری مردم کوچه و بازار با دانشجویان چشمگیر بود. آنها دانشجویان را درخانه‌های خودپناه می‌دادند. برایشان نان و آب و غذا می‌بردند و دانشجویان انقلابی را در پیشبرد مبارزه خود راسخ تر می‌کردند. در این سالها دانشجویان علاوه بر فعالیت‌های سیاسی گسترده، جهت نزدیکتر شدن به توده‌ها در عملیات عمران و آبادی مناطق فقیرنشین شرکتی فعال داشتند. در این حرکت‌های توده‌ای، مردم زحمتکش ما می‌دیدند که دانشجویان انقلابی چگونه موانعی را که حکومت سرمایه‌داران می‌خواست بین پیوند دانشگاه و مردم زحمتکش ایجاد کند یکی بعد از دیگری از سرراه برمی‌داشتند و مصممانه در جهت آگاه کردن توده‌ها به منافع طبقاتی خودشان پیش می‌رفتند.

در سال۴۸ اعتصابات عظیم اتوبوسرانی در تهران به راه افتاد. در این سال توده‌ها فریاد اعتراض خود را علیه سیاست دولت در مورد افزودن قیمت بلیط اتوبوس بلند کردند و بار دیگر دشمنی آشتی‌ناپذیر خود را با رژیم شاه و سیاست‌های ضدخلقی آن به نمایش گذاشتند در این مبارزه وسیع توده‌ای، دانشجویان بار دیگر نشان دادند که چگونه همیشه و در همه حال دوشادوش و پیشاپیش مبارزات زحمتکشان حرکت می‌کنند.

ادامه دارد

پیروزباد جنبش انقلابی دانشجوئی سنگر دفاع از آزادی های دمکراتیک



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۵۷ ـ صفحه ۴

مبارزه و مقاومت

درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجوئی ایران

(قسمت دوم)

با شروع اصلاحات ارضی در ایران مبارزات دانشجوئی برای دادن آگاهی به توده‌ها در جهت شناساندن ماهیت اقدامات رژیم وافشاء سیاست‌های‌جدید امپریالیستی برای زحمتکشان گسترش یافت. دانشجویان انقلابی به مردم می‌گفتند: اصلاحات ارضی‌ای که به‌دست یک دیکتاتور صورت‌می‌گیرد، به‌خاطر تامین منافع دهقانان زحمتکش نیست بلکه بخاطر گسترش تسلط امریکا بر میهن‌مان‌است. در این سال مبارزات توده‌ها علیه امپریالیسم گسترش یافت. دانشجویان در قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ شرکتی فعال داشتند و با شعار" شاه‌جلاد و خون آشام خون خلق را می‌ریزد" در صفوف اول تظاهرات وسیع خیابانی سینه‌های خود را آماج گلوله‌های مزدوران شاه کردند. در این زمان شعار "مرگ برشاه" از مدتها قبل توسط دانشجویانی که در گروه‌های کوچک و مخفی دانشجوئی فعالیت‌های سیاسی خود را پیش می‌بردند مطرح شده بود که طی تظاهرات موضعی خیابانی آن را به‌گوش مردم می‌رساندند. قیام پرشکوه توده‌های شهری توسط ارتش ضدخلقی به خون کشیده شد و خلق به پا خاسته ما با بجا گذاشتن هزاران شهید برای مدتی‌عقب نشینی کرد. با سرکوب قیام توده‌ها و تسلط کامل امپریالیسم بر میهنمان تغییراتی در رهبری جنبش دانشجوئی به وجود آمد. رهبری جنبش دانشجوئی تا سال ۴۱ با جبهه ملی بود که از آن به بعد هم‌زمان با ورشکستگی سیاست‌های‌بورژوازی‌ملی درسطح جنبش توده‌ها، رهبری بورژوائی جبهه ملی در جنبش ...

اعتصابی گونی بافی شاهی برخاستند. دانشجویان فنی تهران طی تظاهراتی از مبارزات کارگران ایران حمایت کردند. دانشجویان اهواز درمحلات فقیرنشین از جمله در لشکر آباد میتینگ‌هائی برپاداشتند و دانشجویان تبریز در مراسم سوگواری کارگر شهید صالح جهانی شرکتی فعال نمودند و به این ترتیب جنبش دانشجوبی در پیوند با مبارزات توده‌ای هرروز گام‌هـــای بلندتری برمی‌داشت. رژیم در این سالهـــا به‌شیوه‌های مختلف سرکوب، ارعاب، تهدید، ترور و زندانی کردن دانشجویان دست می‌زد و یکی از شیوه‌های سرکوبش تعطیل کردن دانشگاه‌ها بود. رژیم با پیش گرفتن سیاست تعطیلی دانشگاه‌ها می‌خواست از طریق پراکنده کردن

درسال تحصیلی ۴۷ـ ۴۶ نمایانگر رشـــد سازماندهی مبارزات دانشجوئی بود، در این سال دانشگاه‌های سراسر ایران همزمان بدل به صحنه مبارزات پرشکوه دانشجویان شد. شعارهای مترقی بر در و دیوار دانشگاه‌ها نمایان شدند. کلاس‌ها برای مدتی بسته شدند و دانشجویان تظاهرات‌خیابانی وسیعی به راه انداختند. شعار " اتحاد، مبارزه، پیروزی" در این سال در خیابان ها طنین انداخت و پلیس ضدخلقی برای سرکوب مبارزات دانشجویان وارد عمل شد. موج دستگیری، اخراج، شکنجه و حتی ترور دانشجویان باردیگر بالا گرفت و عده کثیری از دانشجویان انقلابی یا روانه زندان شدند یا جهت خدمت سربازی به پادگان‌ها اعزام شدند و

> رهبری جنبش دانشجوئی تا سال ۴۲ با جبهه ملی بود که از آن به بعد هم‌زمان باورشکستگی سیاست‌های بورژوازی ملی در سطح جنبش توده‌ها، رهبری بورژوائی جبهه ملی در جنبش دانشجوئی نیز تضعیف شد.

سازمان‌های دانشجوئی به تکامل جنبش دانشجوئی لطمه بزند و پیوند جنبش دانشجوئی و جنبش توده‌ای را بگسلد. اما سازمان‌های دانشجوئی در خارج از دانشگاه سیاست پیوند با توده‌ها را پیش بردند و از جمله کارهای توده‌ای که کردند بزرگداشت مراسم چهلم تختی بود که ... ۴۶ ... شعار "زحمتکشان بدانند تختی ...

یا از دانشگاه‌ها اخراج گشتند و اینبار شعار " دانشجویان را آزاد کنید!"، " زندانیان سیاسی را آزاد کنید!" در و دیوار دانشگاه‌ها و حتی‌شهر را پوشاند و رژیم تحت فشار جنبش دانشجوئی عقب‌نشینی‌هائی کرد و دانشجویان توانستند علاوه بر به‌دست آوردن بسیاری از ...

که میخــواهد در این نظام صــورت بگیرد باید با در نظر گرفتن معیارهائی باشد که با دوران انقلاب هماهنگـی و سازگاری دارند.

★★★

حـوادث اخیر دانشگـاهها نشـــان میدهد که هنوز نمی‌توان تاکید کرد حد نصابی که از نظر بینش سیاسی و سطح فرهنگی و اخلاق اســلامی مورد نظر اســت در کشاکش این دگردیسـی بکـار گرفته شده و نیز نمی‌توان امیدوار بود که بدون تجهیز بدان ارزشــها و معیارها، انقلاب فرهنگی ـ آنچنانکه شایسته است ـ در این کشـور پا گرفته و رشد کند.

این کاملاً قـابل درك و پذیرش اسـت که در شــرایط بحـرانی که خـاص هر انقـلاب عمیق و اصـیل اجتماعی اسـت تنش‌های تند سـیاسی و اجتماعی نیز رخ خــواهد نمود و بی‌شــك باید انقــلاب از تمام این تنگناها و گذرگاههای خطرانگیز و مخاطره‌آمیز عبور کند و به سینه سرخ رویش سبز خویش برسد. ولی مسئله این اسـت که اگر با آگاهی و درایت و احســاس مسئـولیت و خویشتن‌داری و بینش سیاسی اسلامی و اخلاق توحیدی ـ و به تعبیر امام تربیّت اســلامی ـ با بحــرانهای ویژهٔ دوران انقلاب روبرو شویم، خودبخود، میزان خسـارات و نابســامانی‌هائــی که تا حــدود فــراوانی اجتناب‌ناپذیر می‌نمایند کاهش خواهد یافت.

بدون تردید بمنظور حـرکت در جهـت تحقـق انقـلاب فرهنگی با توجه به اصول پایه‌ای انقـلاب، باید به ابزارها و دستمایه‌های خاص آن مجهز بود که آن‌ها را بشرح زیر می‌توان مورد دقّت قرار داد.

الف: برخـورداری از آگاهی مکتبی و توجــه عمیق به پایه‌های اعتقادی و بنیادهای ایدئولوژیك انقلاب.

ب: مجهز بودن به دانش سـیاسی و بینش اجتماعی و شناخت دقیق اوضاع و احوالی‌که در مجموع‌فضـای غلیظ سیاسی موجــود را تشکیل می‌دهد.

ج: آگاهی از کم و کیف و چند و چــون نیروهای بازدارنده و عناصر و عواملی که طبیعتاً انقلاب فـرهنگی با منافع آنها در تضاد اساسی است.

د: شـناخت کلیهٔ ابزارهائـی که برای پیروزی انقـلاب فرهنگی لازم و ضروری بنظر می‌رسند و تجهیز نیروهای رشد یابنده و بالنده بمنظور بهره‌گیری از حد نهائی ظرفیت وجودی همهٔ عوامل مثبت و جلوتاز و کاهش خطراتی که از طرف نیروهای بازدارنده متوجه انقلاب است.

ه: رعایت دقیق همهٔ دستورالعمل‌های مکتبی در جهت حفظ خط و جهت سیر کلی انقلاب.

و: تنظیم خط حرکت دقیق انقلاب فـرهنگی با توجـه بموقعیت انقلاب و ژرفای مکتبی آن.

ز: ایجاد امکان رشد هرچه بیشتر برای نهادهای سالم و نوجوش انقلاب.

با توجه به نکات فوق است که می‌توان گفـت جـریان پیش‌آهنگ انقلاب ـ خط سرخ تشـیع علوی ـ می‌تواند به توانائی‌های بالقوه و بالفعل خـود وقـوف و اشـراف کامل پیدا کند و در جهت تحقـق انقـلاب فـرهنگی با بینائـی و دانش و آگاهی و با توجـه و بهـره‌گیری از اسـتعدادها و ظرفیت‌ها و توان انقلابی همهٔ گروهها اقدام نماید.

★★★

انقلاب فرهنگی، صـرفاً بمفهـوم تغییر رو بنائـی نظام فرهنگی یك کلیّت اجتماعی نیست. اگر جامعه‌ای در حـد نامطلوبی (از نظر فرهنگی) از روند تاریخـی خـود متوقف و منجمد بماند، بی‌شـك، نمی‌تواند نقبی بســوی دگرگونی‌های بنیادین در تمام زمینه‌ها از قبیل: سـیاست، اقتصــاد و...... بزند بلکــه برعکس هرگونه تغییری در شئون سـیاسی، اقتصـادی و نظامی هر سـامان، ـ بدون تغییر در فـرهنگ آن ـ کاملاً سـطحی و روبنائــی بوده و بمرور زمان اوضاع و احوال سـیر قهقـرائی خـود را آغاز خواهد کرد.

همواره باید تاکید کرد که بدون انقلاب فرهنگی دم از هرگونه انقـلابی زدن، بدون تردید بوق را از در گشـادش زدن است. واقعیّت این اسـت که اگر ما نتوانیم فـرهنگ انقلابی را در کشورمان ژرفـا ببخشـیم و اگر نتوانیم نظام آموزشی کشورمان را سریعاً به معیارهای فرهنگ مترقـی و پیشتاز اسلام راستین مجهز کنیم و اگر نتوانیم ضوابط کهن و متعفـن و روابط نامتناسـب و ناسـالمی که سـالها توسط رژیم اختناق بر بنیادهای آموزشـی دیکته می‌شـده را به زباله‌دانی تاریخ بریزیم چگــونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که حرکت‌های ما در جهت تحول و بهسازی اقتصاد و سیاست و... حرکت یك گاو عصار نباشد؟

زمان هرگز برای همپائی با حرکت ما درنگ نمی‌کند و اگر ما خـود را هماهنگ با حـرکت تند حــوادث نکنیم، فرصت ها از چنگ‌ها می‌گریزند قبل از آنکه از آنهـا بنفـع انقلاب و بنفع مستضعفین استفاده شده باشد. مسلم است که هوشــیاری و آگاهی و دقّــت لازم را باید در هر نوع حرکت انقـلابی بکــار گرفــت و از هرگونه شــتابزدگی جلوگیری کرد ولی از سوی دیگر باید کاملاً توجه داشـته باشـیم که اگر چنانچـه دولت منبعـث از انقــلاب و تمام کسانی که خـود را در مقـابل انقـلاب مسئـول می‌بینند و توان انجام خدمتی را در خود احسـاس می‌کنند آسـتین‌ها را برای ایجاد تغییرات بنیادین در نظام کهن آموزشی نزنند خودبخود با حرکات حساب نشـده و شـورش خیل اندوهناك و خشمگینی روبرو خواهند شد که از نظام کهن آموزشـی بسـتوه آمده‌اند و این عصیان خـود را در اعتصـاب‌ها و درگیری‌ها و سـایر رخـد نامطلوب دانشگاهی از چهره بر خواهد داشت.

این نقطه‌نظر که باید با توجه به نیازهای دوران دانشجویان و استادان را در روستاها و کارخانه‌ها و بکار دعوت کرد تا آنها از نزدیك زمینه عینی خدمات خود را احساس کنند و از طـرف دیگـر با درایت کا آفرینش نظام نوین آموزشی که متناسـب با جامعهٔ انقلاب باشد پرداخت، دور از واقع‌اندیشی بنظر نم

این دیدگاه اگر چـه ممکــن اســت بزعم پار دست‌اندرکاران کمی غیر عملی باشد ولی با دقت در خواهیم یافت که از یك پایگاه اصولی فکری و نشات گرفته است.

تداوم نظام کهـن آموزشـی چیزی جــز تایید نیســت که امپریالیزم بر این ملّت محــروم تحمیل است و بدون تردید تایید آنچنان نظامی با خواست جنبش دانشجوئی و حـرکت اصـیل خلق و عبور ا انقلاب از گذرگاههای تاریخـی خـود در تضـاد اس خواهد بود.

انقلاب نمی‌تواند پشت درهای وزارتخـانه علوم تصــویب نامه‌ها و آئیننامه‌ها متوقف بماند. انق ضرورت خود را همیشه با حرکت خود آواز می‌دهد تردید عاقلانه‌ترین راه مقابله با انقلاب هماهنگ آنست.

هر کوششی در جهت عبور صـحیح و صر و انقلاب از معبری که فرا روی خود دارد، بمنظور آینده‌ای روشــن‌تر و پربارتر (با درك صــحیح بنیادهای آن) کوشش مترقی و خـدائی اسـت ولی مباد که ملاحـظه‌کاری و محـافظه‌کاری چشـم مقابل تجسّم عینی ضرورت تحـولات ژرف و بنیاد در عین حـالیکه توجـه داریم که این ضــرورت ضرورت تقویت مرکزیت تصمیم‌گیری و دولت م انقـلاب و رئیس جمهـور منتخـب مردم انقـلابی می‌کند و نه تضـعیف آنهـا را و اینهمه معیارهای تشخیص حق و باطل است.



سروش ۴۷

۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹

سردبیر: م. زورق تلفن ۸۳۰۷۷۱
... و تنظیم و عکس: واحد گرافیك انتشارات سروش ۸۳۳۳۴۳
ناظر فنی: عباس قدیری ۸۳۰۰۰۲
توزیع تهران: علی‌اکبر رشیدی ۸۵۹۷۸۴
توزیع شهرستانها: ۸۳۰۷۶۰
حروفچینی: لاینوترون انتشارات سروش
چاپ: شرکت افست (سهامی عام) ۳۲۵۶۱۶-۳۵۲۰۵۹
دفتر مجله: خیابان مطهری، نبش خیابان مارزان
بها: ۵۰ ریال

اسلاید روی جلد:
از محمد رازدشت

انقلاب فرهنگی و فرهنگ انقلابی



بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بدون بهره‌وری از معیارها و ارزشهای فرهنگ انقلابی، دم از انقلاب فرهنگی زدن، نمی‌تواند نشانه‌های روشنی از صداقت انقلابی را بهمراه داشته باشد.

تشخیص ضرورت انقلاب فرهنگی، خود نیازمند بحدی از دانش سیاسی و بینش فرهنگی و رشد اجتماعی است وگرنه هر ادعائی در این مقوله ـ که از ژرفای وجدان آگاه بشری گروههای گوناگون برنخیزد ـ فقط می‌تواند در چهارچوب یك شعار کلیشه‌ای قابل طرح باشد.

کسانیکه دم از انقلاب فرهنگی می‌زنند و خود را موظف و متعهد می‌بینند که در جهت تغییر نظام کهن آموزشی کشور گامی فراتر از حد معمول بردارند و حتی خود را پرچمدار نهضت فرهنگی ضد امپریالیستی می‌دانند باید دقیقاً بدانچه در جستجوی آنند اشراف و ایمان داشته و با برخورداری از ویژه‌گی‌هائی که می‌تواند مبیّن صداقت آنها در این ادعای بزرگ باشد، از خود کارآئی و درایت لازم را نشان دهند.

شکی نیست که هیچ دسته و گروهی نمی‌تواند مخالف تغییر سیستم موجود آموزشی کشور باشد، زیرا بدون تردید، این سیستم متناسب با منافع امپریالیستی رژیم سابق بوجود آمده است ولی از سوی دیگر، هر تغییری ◀

رشت: «انقلاب فرهنگی» ...

هم پیمانان خلق پاک خواهند کرد!

به وسائل گوناگون مثل سخنرانی در مساجد و معابر دست به تحریک توده‌ها زده سعی بر بسیج آنها برای سرکوب دانشجویان میکنند. همان روزی که آیت‌الله خمینی، عضو "شورای نگهبان" در اهواز و رفسنجانی، عضو "شورای انقلاب" در [illegible] مرسل شدند. هادی غفاری وصی در مسجد [illegible] شهر موقعیت چماق بدستهای ورشکسته و روستائیان اطراف را به دور خود جمع میکند. چماقداران به رهبری هادی غفاری مرجع برای سرکوب دانشجویان که از پشتیبانی مردم مبارزی که به آنها پیوسته‌اند برخوردار بودند، به دانشگاه یورش میبرند. مقاومت دلیرانه دانشجویان و مردم حمله آنها را درهم میشکند، تعرض‌های بعدی نیز شکست میخورد، غفاری وحشت‌زده دست به دامان سپاه پاسداران میشود و رگبار مسلسلهای پاسداران سینه‌ها را میشکافد. این بار چماقداران در حمایت رگبار پاسداران سرنیزه به دست به مبارزان حمله وحشیانه‌ای میبرند. هادی غفاری شخصاً چند تن از دانشجویان را به رگبار بسته و آنها را به شهادت میرساند. و بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر ماهیت ضد خلقی خود را به نمایش می‌دهد. فاشیستها [illegible] خلق میجنگند و جوانان مبارز در خون میغلطند و غفاری‌ها از روی جسدهای غرقه به خون آنها گذشته چنگیزوار دروازه‌های دانشگاه را میگشایند. و سپاهیان دانشجویانی را که به منازل اطراف پناه برده‌اند، با وجود اعتراض ساکنین آنها، از خانه‌ها بیرون کشیده مخصوصاً دختران را مورد شدیدترین توهین‌ها و تجاوزها قرار میدهند. دانشجویان با بجا گذاشتن تعداد زیادی شهید و مجروح در نقاط مختلف شهر دست به تظاهرات گسترده زده، توده‌های مردم را از آنچه اتفاق افتاده مطلع میکنند. خانواده‌های دانشجویان و دیگر خانواده‌ها به عنوان اعتراض به اعمال وحشیانه مزدوران پاسدار در جلوی مقر سپاه پاسداران اجتماع کرده خواستار آزادی عده‌ای از عزیزان [illegible] میشوند. [illegible] ارتجاع مجبور به عقب‌نشینی میشود و اکثر بازداشت شدگان، و نه همه آنها را آزاد میکنند. مردم پراکنده میشوند غافل از اینکه سلاح‌ها برای کشتار فردا صیقل می‌یابند. و فردا تظاهرات توده‌های مردم در خیابان تختی بخون کشیده میشود. رگبار مسلسلهای پاسداران سینه مردم را هدف قرار میدهد. مقاومت شجاعانه مردم پاسداران هار را هارتر میکند و درگیری تا ساعتها ادامه می‌یابد. و بالاخره پاسداران انقلاب اسلامی در سرکوبی که دهها کشته و صدها زخمی بجا میگذارد بر اوضاع مسلط میشوند. این بار چماقداران به سراغ جریده‌ دکه‌های کتابفروشی را درهم شکسته کتابها را به آتش میکشند و "انقلاب فرهنگی" حزب جمهوری اسلامی شهر خود را [illegible] میبرد. بر طبق آمار رسمی خود [illegible] چماق‌بدستان حزب جمهوری اسلامی به رهبری غفاری دوازده نفر را کشته و هزاران نفر را زخمی کرده‌اند.

بعد از چند روز که از این فجایع گذشت بنی صدر لاهوتی را مامور رسیدگی میکند. او هم همانطور که رسم همه حکومتگران است جانب طرفداران "انقلاب فرهنگی" را می‌گیرد و گروههای سیاسی انقلابی را بباد حمله میگیرد.

آقای کنی هم که سرپرست کمیته مرکزی انقلاب اسلامی است اعلام میکند که این گروههای سیاسی بودند که درگیریها را ایجاد کردند و گویا میخواستند ۱۶ آذر دیگری را به وجود بیاورند! جالب است که جمهوری اسلامی به ماهیت ارتجاعی خود و روحیه انقلابی و مبارزه‌جویانه دانشجویان اعتراف میکند. بله ۱۶ آذر را دانشجویان بوجود آوردند، چون حاضر نبودند سر تعظیم در مقابل دیکتاتوری شاه فرود بیاورند. بوجود آوردند، چون وظیفه مقدسشان حکم میکرد که از "خانه" خود دفاع کنند. چون حاضر نبودند مهر سکوت بر لب بزنند. و آنها نه فقط این بار، بعد از این هم چنین خواهند کرد.

پیروزی نهائی از آن خلق کرد است!



(۲۲)

سال اول، دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ — بها ۲۰ ریال

در کجا ایستاده‌ایم؟

نگاهی مختصر به وضع سیاسی کشور در لحظه کنونی

حمله راهزنان هوائی امپریالیسم آمریکا به سرزمین ما درست به هنگامی صورت گرفت که حملات سرکوبگرانه سرتاسری هیئت حاکمه دانشگاههای تمام کشور و کردستان را عملا بی را بخون میکشید. بعد از این حمله هوائی، که به دلائلی که هنوز کاملا شناخته نشده‌اند ناموفق ماند، هیئت حاکمه میکوشد از فرصت استفاده کند و نیروهای انقلابی و ترقیخواه را به عنوان متحدان عملی آمریکا مورد حمله قرار بدهد. هیئت حاکمه ادعا میکند که نیروهای انقلابی و ترقیخواه همزمان با حملات آمریکا در دانشگاهها، در کارخانه‌ها و در کردستان حملات خود را علیه دولت تشدید کرده‌اند. حقیقت عکس این است. "شورای انقلاب و جناحهای مختلف هیئت حاکمه درست در روزهائی به حمله سرکوبگرانه سرتاسری دانشگاهها و تشدید کشتار در کردستان دست زدند، که دشمن امپریالیسم روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد و به اقدامات خشن علیه کشور ما روی آورد.

بهره برداری هیئت حاکمه از عملیاتی که مداخله راهزنانه امپریالیسم در کشور بوجود آورده، برای سرکوب و منزوی ساختن نیروهای انقلابی و ترقیخواه تصادفی و خلاف انتظار نیست. مبارزه طبقاتی با مبارزه علیه دشمن خارجی همیشه در ارتباط تنگاتنگی قرار دارد. حکومتهائی که ناچار ...

بقیه در صفحه ۲

سرمقاله:

آیا کشتار خلق کرد پایان میگیرد؟

هیات حاکمه کردستان قهرمان را به آتش و خون میکشد. تانکها، هلیکوپترهای کبرا و توپخانه سنگین شهرها و روستاهای کردستان را زیر آتش میگیرند. خلق قهرمان کرد، از کودک و پیر، زن و مرد قتل عام میشوند، مثله میگردند اما با دفاع دلاورانه خود همچنان از سنگرهایشان پاسداری میکنند. حکومت صحبت از آتش بس میکند چرا؟ هیات حاکمه با به آتش کشیدن کردستان و با آتش بس در کردستان چه میخواهد؟ بارها توضیح داده‌ایم که حکومت اسلامی نمی‌تواند کردستان انقلابی را تحمل کند. نه بدلیل اینکه خودمختاری را با تجزیه طلبی عوضی گرفته است، بلکه بدلیل اینکه دقیقا میداند خودمختاری چیست. خودمختاری در کردستان از نظر هیات حاکمه خطرناک است، زیرا کردستان قهرمان آنرا جدی گرفته و خلق کرد میتواند از خودمختاری دفاع کند. تنها راه چاره حکومت پذیرفتن خودمختاری بی خطر است؛ خودمختاری همراه با خلع سلاح کردستان، خود ...

بقیه در صفحهٔ ۲

جنایت بمب گذاران و سوءاستفاده فرصت طلبان

امپریالیسم زخم خورده و تمامی نیروهای ضد خلقی، به تکاپو افتاده‌اند تا شاید با استفاده از موقعیت حساس کنونی هرکدام شرایط را به نفع مقاصد خود تغییر دهند. در این میان این توده‌های مردم‌اند که قربانی توطئه‌ها، درگیریها، و کشتارها میشوند.

انفجارهای اخیر تهران، در خون غلتیدن دهها نفر مردم بیگناه نشانه‌هائی از عمق فاجعه‌ای است. این فاجعهٔ هولناک تنها یکی از نتایج بخشودن جنایتکاران ساواک و ضد اطلاعات و قبضهٔ ارتش بدست همان تیمساران آمریکائی است.

در جریان قیام مردم ایران نشان دادند که چگونه قادرند هشیارانه این آدمکشان را شناسائی و دستگیر نموده و تحویل مقامات مسئول بدهند. اگر چه هیئت حاکمه اکثر آنانرا دوباره آزاد نمود. در شوراهای کارخانه کارگران پرده از چهرهٔ عوامل ساواک برگرفته و نه تنها خود آنان بلکه سرمایه‌داران همدست آنانرا بگروگان گرفتند. مردم ما توانائی شوراهای کارخانجات، ادارات، دانشگاهها و محلات را در مبارزه علیه ایادی شاه و جنایتکاران ساواک بعینه دیدند. همین شوراها بودند که منزل سرهنگ زیبائی را در نزدیکی سفارت آمریکا کشف کردند. منزلی که در زیرزمینهای آن

بقیه در صفحهٔ ۲

رشت: «انقلاب فرهنگی» حزب جمهوری اسلامی، سرب گداخته بر سینه‌های خلق!

بدنبال برنامهٔ سرکوب سراسری که برای دانشگاهها طرح‌ریزی شده بود هادی غفاری برای انجام این وظیفهٔ "مقدس" سرکوب دانشجویان مبارز عازم رشت گردید. شب سه‌شنبه در برنامهٔ تلویزیون رشت که بهمین منظور ترتیب داده شده بود، هادی غفاری، انصاری استاندار جمهوری اسلامی و کریمی فرماندار سابق جمهوری اسلامی در لاهیجان، شرکت کرده و اعلام میکنند که به هر ترتیب که باشد دانشگاه، یعنی سنگر آزادی و آزادگی، را از وجود

بقیه در صفحهٔ ۱۲

خامنه‌ای آب به آسیاب چه کسی میریزد؟

حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران و عضو شورای انقلاب و یکی از رهبران حزب جمهوری اسلامی بعد از فاجعهٔ کشتار دانشگاه تهران و شهرستانها روز جمعه گفت: "شورای انقلاب تصمیم گرفت که دانشگاهها را بعنوان مقدمه، از گروههای مخرب و مفسده‌انگیز پاک کند." (۱)

قتل عام مردم کردستان و بمباران هوائی شهرها، کشتار در اهواز و رشت، دستگیریهای وسیع و برکنار سنن بازداشت شدگان در جلوی چشم خانواده آنان به جرم سرود خواندن و قتل عام ۶ دختر دانشجو به بهانهٔ فرار در اهواز، همه و همه تازه مقدمه است و این رشتهٔ بی پایان جنایات سر دراز دارد.

بقیه در صفحهٔ ۱۱

تکیه گاه‌های تهاجم نظامی آمریکا!

تهاجم آشکار امریکای جنایتکار به خاک ایران، بار دیگر تسلط اهریمنی و نفوذ پلید آمریکا را با عمق تار و پود نظام سرمایه‌داری وابستهٔ ایران، به توده‌ها نشان داد. تهاجم آمریکا به ایران نشان داد که قطع روابط دیپلماتیک را نمیتوان بجای قطع نفوذ امپریالیسم قلمداد کرد. آمریکا با وقاحتی که مخصوص تمام تجاوزگران تاریخ است، با قیافه‌ای حق بجانب نه تنها از این تجاوز احساس پشیمانی نمیکند بلکه ادعا دارد که امکان تکرار آن در آینده منتفی نیست.

اما امپریالیزم آمریکا به اتکاء کدام پایگاه‌ها دست به چنین تهاجمات میکند؟ اکنون برای توده‌های وسیع مردم ما این واقعیت بدیهی است که مهاجمان امریکائی نمی‌توانستند بدون حمایتها و همکاری‌هائی از داخل ایران حدود هزار کیلومتر بداخل خاک ایران نفوذ

بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر

گروگانگیری در سفارت ایران درلندن را محکوم میکنیم!

ضدانقلابیون بعثی حاکم برعراق درادامه توطئه‌های خود برای مخدوش ساختن و لوث کردن مبارزات خلقهای ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع با دست زدن به اشغال سفارت ایران درلندن و به گروگان گرفتن تعدادی از ایرانیان حادثه جدیدی بوجودآوردند. چندی است که آنها دوباره ظاهرا بدفاع از خلق عرب ایران و درباطن بقصد به انحراف کشاندن مبارزات خلق عرب صحبت از "آزادی عربستان" می نمایند. درخواست عمال بعث که سفارت ایران را اشغال کرده‌اند این است که عده‌ای از زندانیان در اهواز بازای گروگانها آزاد شوند و درهمین بین بازاز "آزادی عربستان" سخن گفته‌اند.

این عمل تروریستی درست زمانی انجام می گیرد که توده‌های آگاه مردم ایران، بخصوص در اهواز برای آزادی حدود ۸۰۰ دانشجو و هموطن آگاه ما، مبارزه میکنند و رژیم نیز از بستن انواع و اقسام تهمتها به مبارزین دستگیرشده ابائی ندارد و آنها را درزندان نیز کشتار و تیرباران میکنند و بنابراین ملاحظه می کنیم که این گونه اعمال تروریستی عمال آگاه و نا آگاه رژیم بعثی عراق که در ظاهر برای آزادی برخی دانشجویان صورت میگیرد و در واقع برای لوث کردن مبارزات مردم ما بخاطر آزادی و نجات دستگیرشدگان از خطر اعدام میباشد و این همان سیاستی است که رژیم ضدخلقی عراق همیشه دنبال میکند■

پاسخی به سرمقاله کیهان

درسرمقاله آن روزنامه مورخ ۲ اردیبهشت ضمن مطرح شدن دیدگاه کیهان نسبت به انقلاب فرهنگی اتهاماتی به سازمان ما و دیگرنیروهای انقلابی زده شده که لازم می دانیم اگرچه به اختصار برای روشن شدن اذهان پاسخی بدان اتهامات بنگاریم وطبق قانون مطبوعات خواستار درج این پاسخ در آن روزنامه هستیم.

۱ ـ گفته اید: "اینهمه ذهنیگرائی وخیالبافی معجزه کدام عقیده مالیخولیائی است که درگیری های میان ایران و عراق را توطئه و زدوبند دو دولت برای سرکوب خلقها اعلام می کند؟". ما بشما توصیه نمیکنیم که یکبار دیگر ضمیمه شماره ۴۹ پیکار را بخوانید تا دریابید که تنها چیزی که از مقاله مندرج در آن، راجع به اختلافات ایران و عراق، استنباط نمیشود همانا "توطئه مشترک" و "زدوبند" دوحکومت برای سرکوب خلقها است. ما این توصیه را بشما نمی کنیم، چراکه منافعی که شما بدنبال آن هستید مانع از آن خواهد شد که معنی کلمات را نیز جز آنچه هست بفهمید. والا درک مقاله "اختلافات ایران و عراق: توطئه‌ای علیه خلقهای دو کشور" کار شاق و یا ناممکنی نبود که اذهان غیرمغرض از آن عاجر باشد و دریابند که وقتی مقاله از توطئه هریک از حکومت های عراق و ایران علیه خلقهایشان صحبت می کند و بر این مسئله تصریح

بقیه در صفحه ۷

مراسم چهلمین روز شهادت شهدای اندیمشك



پیکارگر شهید حجت الله خوش کفا

روزپنجشنبه ۴ اردیبهشت مصادف بود با چهلمین روز شهادت شهدای بخون خفته خلق در اندیمشک، بهمین منظور مردم اندیمشک در مزار شهدا اجتماع کردند. طاهری روحانی منفوری که پس از حوادث اندیمشک درتلویزیون ظاهرشده و حوادث اندیمشک را کار ساواکیها خوانده و مردم اندیمشک را بی فرهنگ نامیده بود، به منظور عوامفریبی با دسته گلی بر مزار شهدا آمد ولی از طرف مردم "هو" شد. پس از اجتماع راهپیمائی بطرف مرکز شهر با شعار "زندانی سیاسی یونسکو، بی هیچ قید و شرطی آزاد باید گردد" (یونسکو نام زندان دزفول است) شروع شده و با شعارهائی از قبیل: "چندین نفر کشته، دهها نفر زخمی، مرگ بر ارتجاع این نوکر آمریکا ـ انقلاب فرهنگی با چوب وچماق محکوم است ـ کشتار دانشجویان، توطئه آمریکاست" ادامه یافت. راهپیمایان درحین راهپیمائی به "قبرستان مسیحا" برمزار شهید شاهین دژشکن حاضرشده و یاد او را گرامی داشتند. راهپیمائی درشهر ادامه پیدا کرد و در جلوی شهربانی بپایان رسید. درحین راهپیمائی چماقداران و عوامل ارتجاع تلاش کردند تا راهپیمایان را متفرق سازند و هربار با این شعار راهپیمایان: "درگیری، درگیری، توطئه آمریکا، مرگ بر ارتجاع" روبرو شده و با مقاومت راهپیمایان بعقب رانده میشدند. اسامی شهدا: غریب رضائی ۲۲ ساله، حجت الله خوش کفا (از هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) صفرعلی رزم ۱۱ ساله محصل کلاس پنجم ابتدائی، عبدالله بابادی ۲۲ ساله، شاهین دژشکن ۳۱ ساله از کانون بیکاران شغل نویسنده و شاعر■

حمله چماقداران به اجتماعات سیاسی را محکوم میکنیم!

مراسمی که بمناسبت برزگداشت اول ماه مه ازسوی "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" درغرب تهران و "سازمان مجاهدین خلق ایران" درجنوب شرق تهران برگزار شده بود، توسط باندهای سیاه و قداره بندان جمهوری اسلامی به آشوب ودرگیری کشیده شد. درهردوی این میتینگها عده زیادی از هواداران سازمانهای فوق، زخمی و تعدادی نیز روانه بیمارستانها شدند.

رژیم جمهوری اسلامی که تنها راه نجات خود و خلاصی از بحران عمومی سیاسی ـ اقتصادی فعلی را درسرکوب سازمان یافته و سراسری خلقها و نیروهای انقلابی جامعه یافته است، همچنان با استفاده از کثیف ترین شیوه‌ها، درجاده خیانت به خلقهای ایران پیش می تازد. موج جدیدی ازیورش ارتجاع که اکنون "درسال امنیت" بطورسراسری، درکردستان ودانشگاههای سراسرکشوردنبال میشود، بهیچوجه از حملات سازمان یافته‌ای که توسط چماقداران وچاقوکشان جمهوری اسلامی دررابطه با اجتماعات نیروهای سیاسی ومیتینگها واجتماعات آنان صورت می‌گیرد، جدا نیست.

سازمان ما، تهاجمات باندهای سیاه به اجتماعات وتظاهرات سیاسی را جزئی ازسیاست رسمی رژیم جمهوری اسلامی ایران ارزیابی نموده و شدیداً آنرا محکوم می کند.

روزنامه جمهوری اسلامی دروغ میگوید!

روزنامه جمهوری اسلامی بدنبال اتهامات بیشماری که طی یکسال گذشته به نیروهای انقلابی و کمونیستی (منجمله سازمان ما) بسته است درشماره مورخه ۹ اردیبهشت خود، مذبوحانه دروغ دیگری تراشیده و درسیاق اخبار مربوط به انفجار جنایت‌آمیز میدان توپخانه که ما آنرا قاطعانه محکوم کرده و مشخصا چنین اعمالی را کار ساواکیها و عناصر وابسته به رژیم سابق شمرده‌ایم، گفته است که سازمان ما "سه نفر از عناصرش را مامور انفجار دفتر روزنامه جمهوری اسلامی کرده است"!

آری کسانی که ساواکیها را آزاد میکنند و به آنها پاداش و نشان هم می دهند باید هم با سرپوش گذاشتن برجنایات آنان، ذهن توده‌ها را منحرف سازند؟!

آقایان اگر این دروغگوئیها در منطق ماکیاولیستی شما مجاز است، اگر شما برای ارتکاب چنین افتراها کلاه شرعی هم درست میکنید و وقیحانه دروغهائی نظیر آتش زدن خرمن وصدتهمت دیگر را بر ما روا می دارید ناشی از ماهیت شما است و ما از این بابت طبیعتا گله‌ای نداریم! اما باید بدانید این مردم اند که بالاخره قضاوت خواهند کرد و وقتی آگاه شدند جز دست رد به سینه‌تان نخواهند زد، همچنانکه هم اکنون نیز این کار را می کنند.

ما یکبار دیگر و برای همیشه توسل بهرگونه تروریسم و آزادی کشی و انفجار اماکن عمومی و بالاخره اینگونه سهمها ئی که بما می زنید را از اساس محکوم می نمائیم و تاکید می کنیم که زحمتکشان و نمایندگان واقعی آنها یعنی انقلابیون کمونیست به راه خود، علیرغم دشواریها وموانع بیشمار ادامه میدهند و شما آقایان بسیار بسیار اسلامی وبا "تقوی" نیز آزادید در راه خودتان به پیش بروید!

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

←

دریک کلام رویزیونیستها وسوسیال ـ شوینیستها در گفتار ازسوسیالیسم حرف می زدند، اما درکردار امپریالیستی عمل می کردند. بهمین خاطرلنین درباره اپورتونیستهای مرتد می گفت :

"پیشوایان حزب کنونی به اصطلاح "سوسیال ـ دموکرات "آلمان بحق وبجا به "سوسیال ـ امپریالیست "یعنی سوسیالیست درگفتار و امپریالیست درکردار ملقب شده اند" .
(امپریالیسم بمثابه آخرین مرحله سرمایه داری)

لنینیسم پرچم شکست ناپذیرمبارزه انقلابی پرولتاریا ست. لنینیسم برای پیروزی قطعی کاربر سرمایه می جنگدودراین راه به تمام دشمنان طبقه کارگراعلام جنگ می کند. پیکارلنینیسم درجنبش کارگری متوجه رویزیونیسم ضدانقلابی بورژوائی می باشد. چراکه تامین وحفظ استقلال سیاسی ـ ایدئولوژیک وتشکیلاتی پرولتاریا که پیش شرط پیروزی کاربرسرمایه است، با این پیکارضدرویز ـ یونیستی عجین می باشد. بقول لنین :

"اپورتونیسم وسوسیال ـ شوونیسم یک مضمون سیاسی ـ ایدئولوژیک دارند : همکاری طبقاتی بجای مبارزه طبقاتی، چشم پوشی ازشیوه های انقلابی مبارزه، یاری کردن حکومت کشور "خود" درموقعیت پریشانی بجای بهره برداری ازاین پریشانی برای پیشبردانقلاب "وبه همین خاطر"هیچ مارکسیستی تاکنون تردید نداشته است که اپورتونیسم بیان سیاستهای بورژوازی درجنبش کارگری "است .
(سوسیالیسم وجنگ)

لنینیسم می آموزدکه رویزیونیسم و"اپورتونیسم دشمن اصلی ماست "وبنابراین چگونه می توان با دشمن اصلی دریک جبهه باقی ماندوچگونه می توان با دشمن اصلی جنبش طبقه کارگردریک حزب همزیستی داشت ؟ پرولتاریا با بورژوازی سرآشتی نمیتواند داشته باشد، بهمین منظوربایدبطورمستمرصفوف ایدئولوژیک وسازمانی پرولتاریا راازفساد بور ـ ژوازی پاک کرد، زیراپیروزی درمبارزه طبقاتی علیه سرمایه وپیشروی درراه کمونیسم تنها از راه پیکارضدرویزیونیستی می گذرد. درهمین ارتباط بودکه لنین می گفت :

"باداشتن رفرمیستها ومنشویکها درصفوف خود، فتح درانقلاب پرولتاری غیرممکن ونگاهداری آن محال می باشد" .

ورفیق استالین اضافه می کرد :

"هرگاه حزب ما توانست یگانگی داخلی و پیوستگی بی نظیری را، که درصفوف وی وجود دارد، ایجادکند، علت آن مقدم برهمه این بود که بموقع خودراازلوث اپورتونیسم مبرا ساخت وانحلال طلبان ومنشویکها راازداخل خودبیرون ریخت. راه رشدواستواری احزاب پرولتری عبارت است ازتصفیهٔ آنها از اپورتونیستها ورفرمیستها، سوسیال امپریا ـ لیستها وسوسیال شوینیستها، سوسیال میهن ـ پرستها وسوسیال ـ پاسیفیستها. استحکام حرب وابسته به تصفیهٔ آن ازعناصراپورتونیست است" . (تاریخچه حزب بلشویک، تاکیدات ازماست)

با رویزیونیسم نمی توان همزیستی داشت زیرا رویزیونیسم دمل چرکین بورژوائی است. بنابراین برای سلامت وشکوفائی جنبش کارگری وکمونیستی، برای اینکه بتوان شرایط شکست سرمایه دارا فراهم نمود، بایداین دمل چرکین رانابودساخت .

کسانی که ماهیت طبقاتی رویزیونیسم رادر ـ نیابند، کسانی که ماهیت مشی سوسیال امپریالیستها رادرک نکنند، نمی توانندبطورپیگیروتا به آخر علیه بورژوازی بجنگندزیراخودهنوزدرچهارچوب فکری بورژوازی حرکت می کنند. رویزیونیسم هیشه با نفی آشکاراصول مارکسیستی مترادف نیست. به همین دلیل بایدجوهرواشکال پیچیده ایدئولوژی بورژوازی راشناخت. بایددرک کرده که مشی سوسیال امپریالیستی جزیک مشی بورژوائی وضدانقلابی چیزدیگری نیست. بایددرک کردکه مشی رویزیونیستی دشمن سرسخت جنبش کارگری است. بایددرک کرد که رویزیونیستهاکارگران مستقیم سرمایه داری، تخریب کننده استقلال پرولتاریا وتضمین کننده حاکمیت بورژوازی می باشند. بدون مرزبندی تئوریک وعملی با رویزیونیسم شکست جنبش کارگری ـ کمونیستی حتمی است. لنین می نویسد :

"یکی ازشرایط لازم برای آماده ساختن پرولتا ـ ریا برای پیروزیش مبارزه ای طولانی سرسخت وبیرحم برعلیه اپورتونیسم، رفرمیسم، سوسیال شوینیسم ونفوذ گرایشات مشابه بورژوازی که اجتناب ناپذیرند. زیرا پرولتاریا دریک محیط سرمایه داری زیست می کند. اگرچنین مبارزه ای نباشد، اگراپورتونیسم درجنبش طبقه کارگر کاملا شکست نخورد، دیکتاتوری پرولتاریا نمی توانندبوجودآید. بلشویسم درسال ۱۹۱۹ ـ ۱۹۱۷ نمی توانست بورژوازی را شکست بدهد اگرقبل ازکن درسالهای ۱۹۱۷ ـ ۱۹۰۶ یاد نگرفته بودکه منشویکها رایعنی اپورتونیستها، رفرمیستها، سوسیال ـ شوینیستها راشکست دهدوآنها رابیرحمانه ازحزب پیش قراول پرولتاریائی اخراج کند" .
(انتخابات مجلس موسسان ودیکتاتوری پرولتاریا)

مبارزه سرسخت وطولانی نه تنها تضمین کننده پاکیزگی واستحکام نبردکارعلیه سرمایه است، بلکه همچنین ضامن مبارزه واقعی وخلل ناپذیرعلیه امپریالیسم است. پرولتاریا وتوده هائی که دراسارت ایدئولوژی وفرهنگ بورژوازی وامپریالیستی قراردارند، چگونه می توانندعلیه سرمایه داری گندیده مبارزه کنند؟ مبارزه پیگیرضدامپریالیستی، نیازبه یک مشی وایدئولوژی ضدسرمایه داری دارد، حال آنچه ما می دانیم رویزیونیسم یک جریان بور ـ ژوائی است بهمین لحاظ بودکه لنین مطرح میکرد :

"اگرمبارزه علیه امپریالیسم بطورلاینفکی با مبارزه علیه اپورتونیسم توام نباشد، جز عبارت پردازی پوچ ودروغ چیزی نخواهدبود" .
(امپریالیسم بمثابه آخرین مرحله سرمایه داری)

آری رفقا، پیکارانقلابی ضدرویزیونیستی را هرگزفراموش نکنیم، زیرا مبارزه آشتی ناپذیر ضد رویزیونیستی معیاراساسی اصالت هرتشکل کمو ـ نیستی است. ما بایدازآموزشهای لنینیسم بیاموزیم وآموخته های خویش راسرسختانه بکارگیریم. پیشبرد مبارزه ضدرویزیونیستی وظیفهٔ اساسی وهمیشگی ماست، وبخصوص امروزکه ابعادرویزیونیسم بمثابه حطرعمده ای که جنبش کمونیستی ایران راتهدید می کندوما می توانیم نشانه های آنرادرانحرافات رویزیونیستی متعددی که یکسری ازتشکلات مارکسیستی رافراگرفته است مشاهده نمائیم بایدبیش ازهرزمان دیگرپیکارخودراعلیه رویزیونیسم گسترش بخشیم . گرایش قوی وشدت یافته رویزیونیستی سازمان چریکهای فدائی خلق وانحراف رویزیونیستی "راه کارگر" برای تمام کمونیستهای ایران زنگ خطری است .

آری رفقا، بایدرهنمودهای لنین راچراغ راهنمای خودساخته وپیگیرانه درراه آرمان پرو ـ لتاریا به پیش رفت، بایدپرچم ظفرنمون کمونیسم راپیوسته دراهتزازنگاه داریم وهمیشه دریاد داشته باشیم که "نشان کمونیسم راستین، قطع رابطه با اپورتونیسم است " (لنین :"سخنرانی دردفاع ازتاکتیکهای انترناسیونال کمونیستی) .

آری رفقا، بایدبکوشیم تاشاگردان راستین لنین کبیرباشیم ■

بقیه ازصفحه ۷ پاسخی به ۰۰۰

سیاه را برای سرکوب نیروهای انقلابی بسیج ننمودند. هیچ موقع ارتش رابرای سرکوب خلق بکارنگرفتند، مطلقا قلب پرطپش دهها دانشجوی مبارزوضدامپریالیست را تحت پوشش انقلاب فرهنگی ازحرکت وفعالیت بازنداشتندو... اما می بینیم که عملکردجمهوری اسلامی ایران چیزدیگربوده و حکایت ازخط مشی واهداف دیگری دارد. بنابراین سفسطه نکنیدوحقایق راوارونه جلوه ندهید ومردم راتحمیق ننمائید. البته وقتی شما توطئه های رژیم حاکم رابرای بسیج ارتش درجهت سرکوب خلق قهرمان کردهمانطورکه رژیم می خواهدمبارزه با رژیم عراق وانمودمی کنیدودرعوض دفاع خلق کردراازموجودیت خودکه وحشیانه موردتجاوزقرارگرفته است کمک به حکومت فاشیستی عراق تلقی می نمائید، ازشما انتظاری جزاین نیست که برای بی اعتبارکردن نیروهای انقلابی آنها راباحزب توده زمان مصدق مقایسه کنیدودرعوض برای اعتباربخشیدن به حکومت فعلی ایران، آنرادرکناررژیمهای ملی مصدق وآلنده قراردهید. اما اگرشما نمی خواهیددر رابطه با این مسائل بدیهی وروشن حقایق راباز گو کنید، بلاشک تاریخ شما راازاشتباه "درخواهدآورد. درپایان لازم می دانیم متذکرشویم این نوشته مشتمل بریک پاسخ همه جانبه به کلیه اتهامات وحملات مطروحه درمقاله مزبوربه ما وسایرنیروهای انقلابی نبودولی برای خودداری ازاطاله مقال بهمین مقدار بسنده شد .

بقیه ازصفحه ۱۱ اخبار ۰۰۰

کارگران به ازسرگرفتن کاروتحمیل پیشنهادات ناچیز برآنان می باشد. ولی هزاران فلزکاربرزیلی علیرغم این اقدامات ژنرالهای فاشیست سرسختانه مبارزه خودراادامه می دهندوآنراتارسیدن به خواستهای برحق خودپی میگیرند. ۴۰/۰۰۰ فلزکار اخیرا درجلسه ای تصمیم گرفتند مبارزه خودراتا برآورده شدن خواستهای خودبا نیروئی دهها بار بیشترعلیه ستم واستثمار وحشیانه سرمایه داری پیش برند .

جنبش اعتراضی فلزکاران برزیل ازدوازدهم فروردین ماه آغازشده است. دیکتاتوری نظامی و دستگاه پلیسی وی نمی توانندازپیشروی خلق زحمتکش برزیل که بسیج شده است تا باعملیات اعتراضی وانقلابی قدرت ارتجاعی راسرنگون سازد، جلوگیری نماید. همچنین ۱۲ هزاربارانداز "بندر سانتور" در"سائوپولو" اعتصاب بزرگی را برای دفاع ازحقوق حودسازمان داده اند■

پیکار

سال دوم ـ شماره ۵۳
۱۵ اردیبهشت ۵۹

بقیه از صفحه ۱

گزارشی از ...

میدان انقلاب براه افتاد. در پیشاپیش صف راه‌پیمایان ستاره سرخی از گلهای آتشین به نشانه زنده‌بودن و ادامه داشتن یاد دوران شهدای آرمان طبقه کارگر و پیروزی حتمی سوسیالیزم جلوه خاصی داشت. راهپیمایان در شعارهای خود خواستهای بحق کارگران، ضرورت وحدت و مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان را فریاد می زدند:

"تحصن، اعتصاب، سلاح کارگر علیه سرمایه دار"

"۱۱ اردیبهشت، روز نبرد کارگر، علیه سرمایه دار"

در بسیاری نقاط مردم شعارها را تکرار کرده و یا به صف تظاهرکنندگان می پیوستند. کوشش عناصر ضدانقلاب و اجیرشده برای بسیج مردم علیه راه‌پیمایان، عقیم ماند و بجز عده کمی از عناصر ناآگاه به افراد فالانژ ملحق نشدند. چرا که مردم خود شعارها و فریادها را بر علیه آمریکا و سرمایه داری وابسته می شنیدند و ماهیت مهاجمین برایشان روشن میشد. شعارها از واقعیات و از مبارزه توده‌ها سخن می گفتند: "فقر، ستم، استثمار، در قانون اساسی، همچنان پابرجاست" ـ "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" ـ "خلق ما میرزمد، آمریکا می لرزد" ـ و "فلسطین، فلسطین، متحد خلق ما".

شعارها و فریادها ضدانقلاب را افشا میکرد و صف انقلاب را مشخص می نمود:

"کارگر، زحمتکش، دشمن امپریالیسم" ـ "سرمایه دار مرتجع، نوکر امپریالیسم" ـ "سازش با آمریکا، بهرنحو و بهرشکل افشا باید گردد" ـ "بنی صدر بنی صدر، هدیه تو به مردم، کشتار در کردستان، سرکوب در دانشگاه" ـ "زحمتکشان دنیا، متحد خلق ما علیه امپریالیسم" ـ "کارگر، کارگر، سرمایه از روز ازل نبوده، سرمایه دار حق تورا ربوده" و آوای هزاران نفر راه رهائی را نشان میداد:

"امپریالیسم خونخوار، این دشمن تبهکار، نابود باید گردد" ـ "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است"، "کارگر پیروز است، سرمایه دار نابود است".

آری مردم خود این ها را می شنیدند و حرکات بیمارگونه عناصر فالانژ نمی توانست آنان را بر علیه این فریادها بسیج کند. چند زن زحمتکش می گفتند: خوب، کمونیست باشند. چه عیبی دارد، بنی صدر اگر راست میگوید این حرفها را که میگویند عمل کند. اینها که حرفهای بدی نیست ..."

راهپیمائی ادامه داشت. جمعیت با شعار، پلاکارد و سرود روز ۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، روز جهانی کارگران را گرامی داشت و با خواندن قطعنامه‌ای به راهپیمائی خاتمه داد. در این قطعنامه ضمن اشاره به تاریخچه این روز بزرگ و تجلیل از طبقه کارگر جهانی و بویژه نقش طبقه کارگر ایران در انقلاب دمکراتیک ایران از جمله آمده است:

"اما اینک پس از پانزده ماه از قیام پیروزمند خلقهای ایران، هنوز کارگران ما در همان شرایط اسارتبار و نکبت آفرین گذشته زندگی میکنند، هنوز نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که اساس ظلم و ستم و استثمار سرمایه داری است پابرجاست و هنوز سایه شوم خود را بر کارخانه‌های میهن ما گسترده است. بیکاری و گرانی بیداد میکند و زندگی کارگران و زحمتکشان میهن ما را مشکلتر میسازد. کودکان خردسال را در کارخانه‌ها و کارگاهها بکار میکشند و زنان کارگر را با شرایطی پست‌تر بکار می کشند، هر روز، دهها کارگر در چهارگوشه ایران بخاطر نبودن وسایل ایمنی کار کشته میشوند و خانواده‌هاشان آواره شهرها و خیابانها میگردند. هنوز کارگران ما خانه ندارند و در بیغوله‌ها زندگی میکنند و هنوز حتی خواست چندین ساله کارگران برای چهل ساعت کار در هفته به هیچ گرفته میشود."

قطعنامه با افشای توطئه‌های رژیم در رابطه با سرکوب خلق کرد و کشتار در دانشگاهها و ... و محکوم کردن این جنایات اعلام میدارد که:

۱ ـ تهاجم نظامی آمریکا را بر خاک میهنمان شدیدا محکوم می کنیم.

۲ ـ بمب گذاریهای اخیر در اماکن عمومی را که توسط عوامل مزدور و در جهت کشتار و ایجاد وحشت در میان مردم صورت گرفته اقدامی ضدخلقی دانسته و آنرا شدیدا محکوم می کنیم.

۳ ـ با خاک یکسان نمودن شهرهای کردستان و قتل عام خلق کرد را با فانتومهای آمریکائی در جهت سرکوب انقلاب و منحرف کردن مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای میهنمان می دانیم و قاطعانه محکوم می کنیم.

۴ ـ کشتار دانشجویان انقلابی و تلاش برای خاموش ساختن سنگر آزادی را که در جهت سرکوب مبارزات ضدامپریالیستی و ضدسرمایه داری وابسته توده‌هاست قاطعانه محکوم می کنیم.

۵ ـ کشتار کارگران بیکار و درهم کوبیدن شوراهای واقعی کارگری تلاشی است در جهت سرکوب جنبش کارگری ایران. ما اعلام میداریم که دفاع از شوراهای واقعی، دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن ما علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است.

۶ ـ کارگران ایران خواستار ۴۰ ساعت کار در هفته و تدوین قانون انقلابی کار توسط شوراهای واقعی کارگری هستند.

۷ ـ کودکان کارگر بجای کار می باید تحصیل کنند و زنان کارگر باید از شرایطی مساوی با مردان برخوردار شوند.

۸ ـ ما دولت را عامل اصلی گرانی و بیکاری و کمبود مسکن می دانیم. هیئت حاکمه از آنجائیکه در جهت بازسازی نظام سرمایه داری وابسته است نمیتواند گرانی و بیکاری و ... را از میان بردارد. ما اقدامات آن را در جهت فشار اقتصادی به کارگران و زحمتکشان محکوم می کنیم.

۹ ـ ما در این روز همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان اعلام کرده و تا نابودی کامل سرمایه داری و محو هرگونه ستم و استثمار، مبارزات خود را ادامه خواهیم داد ■

بقیه از صفحه ۱

دانشگاه ...

انقلاب و رهبری حزب جمهوری اسلامی بخوبی می دانند که تهاجم و یورش به دانشگاه برای این سازماندهی شده بود که در ضمن رژیم بتواند یورش وحشیانه ارتش و پاسداران سرمایه به کردستان قهرمان را بطور کامل به مرحله اجراء درآورد و دانشگاه این دژ مستحکم آزادی را برای همیشه بچنگ آورند. آنها کاملا واقفند که این پاسداران بودند که بسوی صف مقاوم دانشجویان تیراندازی کردند. این همه شهید و زخمی گواه این امر است. چرا که اگر از درون دانشگاه و از طرف دانشجویان اقدام به تیراندازی شده بود قاعدتاً باید پاسدار یا چماق بدستی تیر می خورد که تا بحال حتی یک نمونه هم دیده نشده است. کمیته مرکزی "اطلاعیه" سرتا پا دروغ و جعل صادر می کند تا هیئت حاکمه و حزب جمهوری اسلامی را تطهیر کند. مهدوی کنی یورش مشتی مزدور و چماقدار حزب جمهوری اسلامی به صفوف استوار دانشجویان را "درگیری بین مردم خشمگین و گروههای سیاسی" قلمداد می کند. خامنه‌ای هم این مطلب را بگونه‌ای دیگر تکرار می کند. خامنه‌ای می گوید: "گرفتاری‌های بیشتر این فرصت را نداده بود که این درد بزرگ اساسی را علاج کنند" یعنی "انقلاب فرهنگی" راه بیندازند و اضافه می کند "شورای انقلاب تصمیم گرفت که دانشگاهها را بعنوان مقدمه از گروههای مخرب و مفسده انگیز پاک کنند" یعنی یورش و تهاجم به دفاتر گروههای سیاسی در دانشگاه، ضرب و شتم و دستگیری و کشتار دانشجویان انقلابی از دید هیئت حاکمه عبارتست از آغاز "انقلاب فرهنگی".

مردم قهرمان میهن ما در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، در تظاهرات اتوبوسرانی، در تظاهرات شب هفت و چهلم تختی، در زمان وقوع سیل ها و زلزله‌ها و در ۱۳ آبان ها دیده اند که دانشگاه از قاطعترین سنگرهای دفاع از خلق می باشد و نیز در روزهای اول و دوم اردیبهشت امسال دیدند که چگونه پاسداران این سنگر خونین انقلاب را زیر آتش تیربار قرار دادند و تعدادی از فرزندان انقلابی خلق را بشهادت رساندند. خامنه‌ای با وقاحت تمام می گوید که: "سنگر را در مقابل ملت مسلمان بستند" و "از این مردم کشتند و مجروح کردند". او عوامفریبانه برای اثبات این ادعای دروغین خود تلاش می کند اما مردم مبارز ما به بیمارستانها شتافتند تا به زخمی ها خون برسانند و دیدند که چه کسانی بوسیله چه گلوله‌هائی در خون خویش خفته اند. آری آنان دانشجویان انقلابی بودند.

خامنه‌ای می گوید: "در کردستان عوامل آمریکا نوعی رفتار می کنند و در دانشگاه و بازار نوعی عمل می کنند و در همه محیطها و قشرهای اجتماعی عوامل دشمن عمل می کند". او مزورانه از گفتن این خودداری می کند که چه وجه تشابهی بین نحوه عملکرد آمریکا در کردستان و دانشگاه وجود دارد و او پنهان می کند که این خود هیئت حاکمه است که سیاست آمریکائی اجرا می کند و آن سیاست سرکوب و یورش فاشیستی به مدد ارتش ضدخلقی و پاسداران است که با مسلسلهای آمریکائی و اسرائیلی به خلق ترکمن یورش می برند، کردستان را بتوپ می بندند، کارگران بیکار را در اندیمشک، ماهشهر، درود، اصفهان را به مسلسل می بندند، و در دانشگاههای سراسر ایران به بهانه "آغاز انقلاب فرهنگی" کشتار می کنند. بله، هیئت حاکمه در دانشگاهها کشتار می کند تا فریادهای رسائی نباشند که به مردم بگویند چه عواملی بنفع امپریالیسم خلق کرد را کشتار می کنند. آنها می دانند که دانشگاه چشمه جوشان آزادی و آگاهی است و بهمین علت است که خامنه‌ای فریاد می زند: دانشگاه باید "مقام امن"، "حنجره امن خبردهی" (البته برای ارتجاع) باقی بماند. ولی ارتجاع کور است. در طول دهها سال زندگی علیرغم یورش های چکمه‌پوشان محمدرضا شاهی و اینک پاسداران و چماقداران رژیم جمهوری اسلامی، دانشگاه همواره بعنوان سنگر آزادی، محکم و استوار پابرجا مانده و خواهد ماند تا فریادرسا و مبارزه‌جویانه خلقهای زحمتکش میهن ما باشد ■

پیکار

مردم مبارز ایران!

کردستان رادریابید!

بیش از دو هفته است که کردستان همچنان در خاک وخون مقاومت میکند. طی این مدت هیئت حاکمه به بهانه مبارزه با رژیم بعث عراق که اصولا بهیچوجه در مرزهای کردستان حضور نظامی ندارد، خلق کرد را با بمباران های هوائی، با توپ وخمپاره کشتار می کنند. در این میان شهر های سنندج وسقز در حلقه محاصره ارتش وپاسداران، روزهای بسیار دشواری را از سر میگذرانند. اکثر قریب به اتفاق خانه های مسکونی شهرسنندج توسط گلوله باران ارتش وپاسداران ویران شده ویا حداقل آسیب دیده است. بیمارستانهای شهرنیز از این حملات مصون نمانده اند. بسیاری از زخمی شدگان در اثر نبود پزشک ودارو در آستانه مرگ قرار گرفته اند. بعلت شدت حملات زمینی وهوائی، شمارش تعداد کشته شدگان وحتی امکان کفن ودفن شهدا میسر نیست.

درچنین شرایطی رژیم هنوز منکر بمباران شهرها وکشتار وسیع خلق کرد بوده ومیکوشد تا آنجا که بتواند مردم را از کشتار خلق کرد بی اطلاع نگه دارد لکن دربرخی موارد آنچنان جنایات هولناکی صورت میگیرد که دیگر نمیتوان آنرا پنهان داشت. ازجمله اعتراف صریح استاندار آذربایجان غربی که از طرفداران پروپا قرص سرکوب خلق کرد است، دروغپردازیهای دستگاه حاکمه را نقش برآب میکند. این اعتراف که در اینجا آنرا ملاحظه میکنید، نشان میدهد که نه تنها شهرها بلکه جاده ها وبیابانهای کردستان نیز از تعرض وحشیانه ارتش در امان نمانده است.

استاندار آذربایجان غربی :

براثر اصابت گلوله‌های هلیکوپتر ۱۱ مسافر کشته شدند

در این واقعه، ۲۳ نفر نیز زخمی شد

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات
جمشید حقگو استاندار آذربایجان غربی اعلامکرد : براثر اصابت گلوله های هلیکوپتر به دو مینی‌بوس مسافربری در ۱۰ کیلومتری بوکان ـ سقز منجر به کشته شدن ۱۱ نفر و زخمی‌شدن ۲۲ نفر گردید.

وی افزود : برای سرعت بخشیدن به مداوای زخمی ها اقدامات لازم بعمل آمده است.

این واقعه ساعت ۲ بعد از ظهر دوشنبه در جاده بوکان ـ سقز اتفاق افتاده است.

حقگو افزود : در پی اغتشاشات و درگیری های کردستان، حدود ۱۷ هزار نفر از مردم سقز به بوکان رفته‌اند که در میان آن ها تعدادی زخمی نیز دیده می‌شود که دشواری هایی‌برای مردم این شهر تولید کرده است.

(اطلاعات، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹)

شلیک هلی کوپترهای نظامی به ماشینهای مسافربری نمایشگر ابعاد وسیع وهولناک جنایاتی است که رژیم درکردستان براه انداخته است. اکنون مردم ایران بخوبی می توانند دریابند که کشتار و سرکوب دردناک نشگاهها وتوطئه سکوت رسانه های گروهی بویژه رادیو وتلویزیون درمورد آنچه که درکردستان میگذرد، همه وهمه بخاطر آنست که سرکوب بیرحمانه خلق کرد درشرایط عدم آگاهی توده ها از واقعیت جنایاتی که در آنجا رخ میدهد، صورت گیرد.

<u>هموطن مبارز!</u> کردستان عزیر وخلق کرد سکوت ما را دربرابر زخمهای عمیقی که بر پیکرش می نشیند نخواهد بخشید. برماست که بیاری خلق دلاور کرد برخیزیم ومانع از آن شویم که کردستان قهرمان بیش از این بخاک وخون کشیده شود.

دس ا رس وپا سـدا را ن ا رکردسـ ـ ن بو د

بقیه از صفحه ۱

نامه های ...

بوقهای تبلیغاتی اش آنرا کاملا وارونه معرفی کند، نشان می دهد :

خدمت پدروما درگرامم

در این لحظه که این نامه را می نویسم کمتر از ۲۴ ساعت مانده به حرکت ستون به داخل شهرسنندج مردم همه مسلح اند وهمه با ایمانی راسخ قصد دارند جلوی ما را بگیرند. پدروما درم امیدوارم حرف من را بفهمید. تمام سربازان فهمیده اند که فردا جمعه سیاه است اما نه برای مردم، بلکه برای ما. در مقابل ما مردم مسلح وجود دارند، مردمی که از جان و مال خود گذشته اند ودر راهی که دارند حاضر به هرگونه فداکاری هستند. من نمیتوانم بروی خلقی که برای هدف مقدس خود یعنی آزادی می رزمد، آتش بگشایم درثانی کی از فردا خبر دارد؟

اما این را میدانم که من شلیک نمی کنم چون به آنها ایمان دارم واما این را شما بدانید. فردا روز نهائی است. فرداست که معلوم میشود قدرت مردم از همه چیز بالاتر است. ما در فرودگاه سنندج مستقر شده ایم وستونی هستیم تا دندان مسلح.

پدروما درگرامی در این دو روز که در اینجا هستیم به رادیو گوش می دادم وآن وقت بود که حقیقتی تلخ برمن روشن شد. چرا که هرچه در رادیو می گفت درست ۱۸۰ درجه مخالف آن چیزی بود که در اینجا بود میگفت گروههای سیاسی. اما اینجا مردمند تمام کردستانند.

اگر بتوانم خودم را تسلیم خواهم کرد ودر جبهه آنها خواهم جنگید ولی این را مطمئنم که بروی آنها تیراندازی نمی کنم.

از طرف من بچه ها را ببوسید. به دوستانم سلام برسانید. امیدوارم از من راضی باشید وناراحتی از من نداشته باشید وفکر نکنید گول خوردم، بلکه این راهی است که خودم انتخاب کرده ام. با میددیدار. درضمن تمام راههای ورودی بسته شده است. زندگی چه زیباست اگر در راه هدفی باشد.

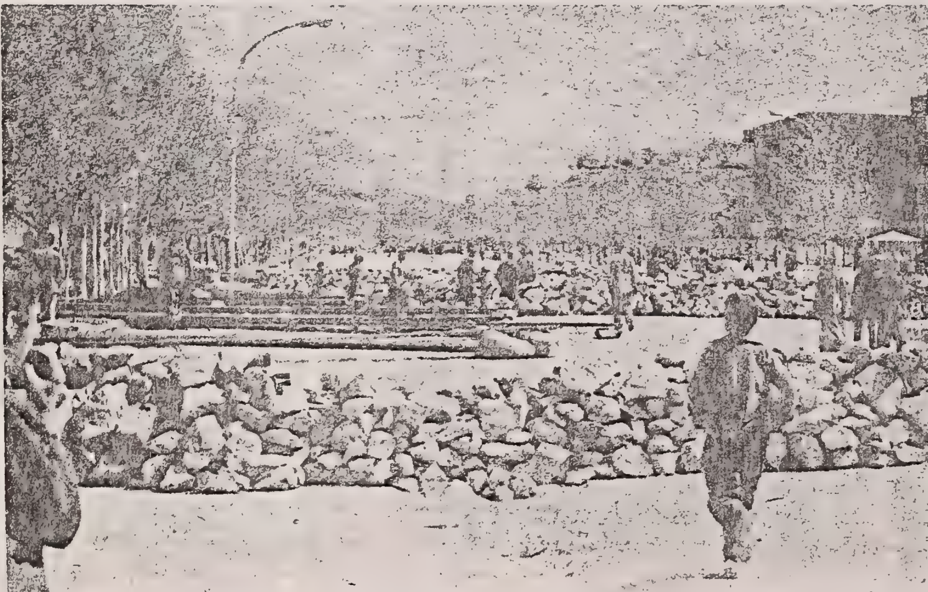
فرودگاه سنندج ـ ساعت ۶ بعدازظهر
کنار هلیکوپتر ـ ۵۹/۱/۲۹

پدروما درمن آدرس مشخص ندارم چونکه وضع ما روشن نیست ومعلوم نیست کجا باشیم چونکه تا حالا هرجا رفتیم دو سه روز بیشتر نماندیم. هرجا می مانیم درزیر چادرهای انفرادی هستیم واز نظر وضع مانند دوران جنگ است. غذا نیست، آب نیست، هرقمقمه آب برای ۲۴ ساعت وهرعدد نان برای ۲۴ ساعت. شبها با تجهیزات میخوابیم ولی با این همه هیچ ناراحتی ندارم بجز دوری از شما وبرادرهایم. نامه ای که درکنار این نامه است دیروز نوشتم ووقت نداشتم کامل بنویسیم وچون هواپیما میخواهد پرواز کند این نامه را نیز با عجله می نویسم ارتباط ما فقط از راه هوا است.

پدروما درهرچیزرا که درباره سنندج در رادیو می شنوید دروغ محض است. همین الان راننده هلیکوپتر خبر داد که تمام مردم شهر روی کف خیابانها نشسته اند ونمی گذارند ما از شهر بگذریم. این که ما برای تعویض سربازان بانه می رویم دروغ است چون که سه ستون ارتشی بجز ما کردستان را از هرطرف محاصره کرده ونقشه شومی درسر دارد که میخواهد بوسیله ما سربازان پیاده شود. ولی بهرحال امیدوارم هیچ حادثه ای اتفاق نیفتد. دیروز که مردم شهر به کنار فرودگاه آمده بودند من توانستم به پشت سیم خاردار بروم وبا یکی صحبت کنم. او میگفت اگر شما به ما حمله نکنید ما هم با شما کاری نداریم. او به من گفت شما برادرهای ما هستید ما فقط حقمان را می خواهیم مگر حق خواهی در دین اسلام حرام است. به هرجهت امروز معاون فلاحی به اینجا آمده بود و گفت هرکس نمی خواهد برود بیاید بیرون اورا به تهران می بریم وهیچ کاری با او نداریم. انتظار نداشت که کسی بیرون بیاید اما خیلی ها آمدند. وقت ندارم جمله را تمام کنم چونکه هلی کوپتر روشن شده و آماده پرواز است.

خداحافظ، به همه سلام برسانید

فرزند شما ...



آری روزهای پرشکوه قیام بهمن را درخاطره ها زنده می کند! اما قیام بهمن نیست، عکسی است از مقاومت یکپارچه وسراسری روزهای اخیر مردم سنندج درمقابل یورش ارتش وسپاه پاسداران! آیا اراده این مردم را میتوان با توپ وتانک آمریکائی درهم شکست؟

چرا «انقلاب فرهنگی»؟

درروزهای گذشته رژیم جمهوری اسلامی با کشتار دانشجویان در دانشگاهها و با براه انداختن قشون همیشه حاضر و آماده چماقداران و قداره بندان حزب‌اللهی، بار دیگر فرهنگ خود را به نمایش گذاشت. با این تفاوت که این بار آنرا "انقلاب فرهنگی" نامید وصدها تن از مخالفان این "انقلاب فرهنگی" را در گوشه وکنار کشور به زندانها کشید. جنایات فجیعی که تحت این پوشش عوامفریبانه و درعین حال مسخره صورت گرفت وحتی در زمان شاه نیز بی سابقه بود. آن جائی فراری حداقل در ظاهر نا چار بود تا حدودی پای بند به اصطلاح "عرف بین المللی" و... باشد و هیچگاه بخود اجازه نمی داد که این چنین گستاخانه وافسار گسیخته، همزمان اکثر دانشگاهها را بخاک و خون بکشد. ولی آنطور که پیداست باندهای سیاه به سردمداری حزب جمهوری اسلامی، مفتخر از فرهنگ و "معنویاتی" که از آن دم می زنند، ظاهراً دلیلی برای آنگونه ملاحظه کاریها احساس نمی کنند و چنین است که یورش به دانشجویان دختر در اهواز و تجاوز و قتل چند تن از آنها، به گلوله بستن دانشجویان در شهرهای رشت، زاهدان، مشهد، تهران و... تحت پوشش "انقلاب فرهنگی" جامه عمل بخود می پوشد و بوقهای تبلیغاتی رژیم، روز و شب در محسنات آن سخن سرائی می کنند.

اینان که همواره با تکیه کلامشان "اکثریت" و "لزوم تبعیت اقلیت از اکثریت" است، آنجا که خود در اقلیت مطلق هستند، با زیر پا گذاشتن آنچه که خود از دیگران می طلبند، به کشتار و سرکوب اکثریت میپردازند. دانشگاه این سنگر همیشه پایدار ضد استبداد و ضد امپریالیسم، می بایست دچار چنین سرنوشتی میشد، چرا که در آنجا ارتجاع در اقلیت بود و طبیعی است با اتکاء به آراء اقلیت نمی توانست در خدمت اهداف هیئت حاکمه قرار گیرد. در کردستان نیز وضع از این قرار است و چون هیئت حاکمه هیچگونه پایگاهی در آنجا ندارد، لذا لازم می شود که بزور توپ و تانک اکثریت آنجا را به اطاعت وادارد.

واضح است که اگر چنانچه هموطنان ما به این امر آگاهی بیابند، بهیچ رو اجازه نخواهند داد که دانشگاهها و یا همچنین کردستان، این چنین بخاک و خون کشیده شود و درست بهمین دلیل است که هیئت حاکمه با فریبکاری تمام اولی را تحت پوشش "انقلاب فرهنگی" و دومی را تحت عنوان "تجزیه طلبی" و یا "وابستگی به بعث عراق" سرکوب می کند.

دروغ "انقلاب فرهنگی" رژیم، همانطور که عملا به اثبات رسید، چیزی نیست جز سرکوب دانشگاه - ها و به سکوت واداشتن دانشجویان انقلابی. ولی از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی قادر نبود همچون شاه، با گماردن "گارد دانشگاه" از "مزاحمت" دانشجو - یان خلاص شود، لذا تصمیم گرفت دانشگاهها را از وجود دانشجویان انقلابی خالی کند. ولی چگونه؟ پاسخ روشن است: یک "انقلاب فرهنگی" بدست عده - ای چماقدار و مسلح، سوا م با تبلیغات دروغ برای فریب افکار عمومی. اکنون همه چیز آماده است. فقط می ماند فرمان آتش که آنهم البته در پیام نوروزی ودر آستانه "سال امنیت" صادر شده است!

کشتار دانشجویان زندانی در اهواز

"ساواکی آزاد است دانشجو در بند است"

خانواده های زندانیان سیاسی حوادث دانشگاه اهواز هر روز در اطراف محلهای نگهداری فرزندان خود تجمع می کنند. بسیاری از آنها از سرنوشت فرزندان خود اطلاعی ندارند. تعدادی از دانشجویان پسر را در محل تالار شهرداری نگه داشته اند. ابعاد جنایات رژیم در اهواز حتی به کشتار این دانشجویان نیز کشیده شده است. جریان واقعه چنین است:

عصر روز پنج شنبه ۵۹/۲/۴ جمعیت زیادی از خانواده دانشجویان و دانش آموزان دستگیر شده در بیرون تالار شهرداری جمع شده بودند و بر علیه جنایات پاسداران، شورای انقلاب و بنی صدر شعار می دادند. از داخل تالار نیز غریو شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، "ساواکی آزاد است، دانشجو در بند است" بگوش می رسید. خانواده های زندانیان در حال شعار دادن بطرف در تالار راه افتادند، نرسیده به نزدیک در، پاسداری رگبار مسلسل را بروی آنها گشود، سه نفر از مادران مجروح شده و بخون غلطیدند. درداخل تالار نیز پاسداری بعلت درگیری یک استاد با یک پاسدار دیگر بطرف آنها شلیک کرد که هر دو آنها مجروح بر زمین افتادند. سپس همین پاسدار با تعویض خشاب بطرف دانشجویان انقلابی تیراندازی کرد. سه نفر از این فرزندان خلق در دم شهید شدند و حدود بیست و شش نفر از آنها غرق در خون بکف تالار افتادند. حدود ۸ آمبولانس مجروحین و شهدای حادثه را از محل خارج می کرد. وضع مجروحین بسیار وخیم است و احتمال شهادت چند نفر از آنها می رود. از هویت دانشجویان شهید اطلاعی در دست نیست. تنها نام تعدادی از مجروحین بدست ما رسیده است که بشرح زیر است:

۱ - غلامحسین کتانی ۲ - محمود سعیدی ۳ - عبدالحسین شاهی ۴ - بهروز کسرائی ۵ - اردشیر لیموچی ۶ - ایرج صدرائی ۷ - اردشیر عبدمولا ۸ - خلیل خادمی ۹ - ابراهیم آغاجار ۱۰ - سعید سهیلی ۱۱ - حسین فرزین ۱۲ - عبدالامیر مزرعه ۱۳ - مهدی سالمی ۱۴ - محمد عک ۱۵ - رضا دراجی.

چگونگی یورش به دانشگاه گیلان

دانشگاه گیلان - رشت نیز از جمله مراکزی بود که مورد حمله پاسداران و اوباشان حزب جمهوری اسلامی برهبری هادی غفاری و بهمراهی انصاری استاندار وکریمی دادستان قرار گرفت. بدنبال اعلام خبر حمله به دفاتر گروههای سیاسی در دانشگاهها، دانشجو - یان انقلابی دانشگاه گیلان خود را برای مقاومت و دفاع از سنگر آزادی آماده کردند با این برنامه که بایدد ر برابر هجوم چماقداران فالانژ مقاومت کرد. اما نبایدبا مردم متوهم درگیر شد. در این موقع گروههای مختلف مردم، دانش آموزان و دانشجویان دیگر مراکز به دانشگاه آمدند تا در دفاع از سنگر آزادی در مقابل ارتجاع سهیم باشند. ساعت ۱۱/۵ صبح روز سه شنبه ۵۹/۲/۲ حمله ارتجاع به دانشگاه آغاز شد. یورشگران دو بار توسط دانشجویان به عقب رانده شدند. پاسداران با دیدن این وضع آتش رگبار را بروی دانشجویان انقلابی گشودند. در همان دقایق اول درگیری ۴ نفر از مردم و دانشجویان جا بجا شهید شدند وصدها نفر بر اثر گلوله و سنگ و چماق مجروح گشتند. پس از یکساعت درگیری و در زیر رگبار مسلسلها و گاز اشک آور دانشجویان مجبور به عقب نشینی شدند ولی جنگ و گریز در خیابانهای اطراف دانشگاه همچنان ادامه داشت. دامنه درگیری کشیده شد. توده های مردم با گرمی هرچه تمامتر دانشجویان انقلابی استقبال می کردند و آنها را درخانه های خود پناه می دادند. اما پاسداران بی شرمانه از در و دیوار وارد خانه شده، دانشجویان را دستگیر می کردند. در این جنگ و گریزها تعدادی دانش آموزان و دانشجویان توسط پاسداران از پای درآمدند آنچنانکه پیرمردی می گفت: من دیدم که پاسداری روی زانو نشست و مغز جوانی را گرفته او را جابجا شهید نمود. در این درگیری تعداد زیادی از دانشجویان هوادار سازمان و بسیاری دستگیر شدند که چندین نفر از آنها همچنان در بند هستند.

در این جریانات توده ای های خائن نیز همراه با حزب جمهوری اسلامی و با براه انداختن بحث و گفتگو، دانشجویان رزمنده و انقلابی را آشوبگر و اغتشاشگر و... قلمداد می کردند. و متاسفانه موضع متزلزلی که رفقای پیشگام در جاهای دیگر داشتند اینجا نیز دیده می شد ■

«انقلاب فرهنگی» در آغاجاری

همزمان با یورش سراسری رژیم به کردستان و دانشگاهها و بطور کلی هر آنچه که نشانی از آزادگی دارد، کتابفروشی های کنار خیابان شهر آغاجاری نیز توسط چماقداران حزب جمهوری اسلامی به آتش کشیده شد. صبح روز شنبه ۵۹/۱/۳۰ وقتی که پاسداران به صاحبان دکه ها گفتند که بساطتان را دو امی نخواهد داشت، روشن بود که چماقداران اعلان جنگ داده اند.

بعداز ظهر همان روز یک گروه ۴۰ - ۳۰ نفری از چماقداران، این مبشران "انقلاب فرهنگی" اولین موج حمله را آغاز کردند. روزهای بعد، یعنی سه و چهارشنبه که همزمان بود با کشتار دانشجویان دانشگاه اهواز، این بار چماقداران با بسیج تدبندان بیشتری بساط کتابفروشی های کنار خیابان را به آتش کشیدند. روز چهارشنبه بعدازظهر آنها جمع کردن عده ای از همپالکی هاشان از سه منطقه میانکوه، میدان جعفری و میدان کتابفروشی هواداران چریکها و سازمان پیکار در میدان شده و با شکستن درب و آتش زدن کتابها عملا دشمنی خود و درعین حال زبونی رژیم را در مقابله با نیروی انقلابی و فرهنگ انقلابی به نمایش گذاشتند ■

بقیه از صفحه ۱۶ پاسخی به ...

می نمایید که هرکدام بدلیلی وبرای سرکوب خلقهای خود می خواهند از اختلافات فی ما بین بهره بگیرند و با بزرگ کردن آنها به منافع خود برسند واین با توطئه مشترک دو رژیم وزد وبند آنها فرق دارد، یعنی همان چیزی که مقاله کیهان نخواسته است آنرا بفهمد وبیان کند.

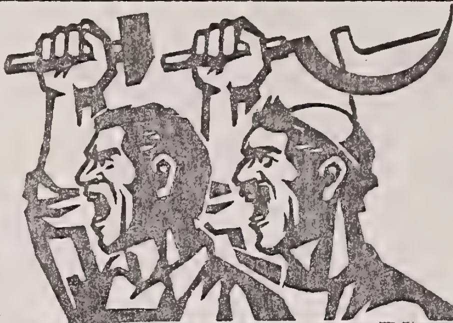
۲ – در رابطه با مقاله ای تحت عنوان "پیام ضد انقلاب به ضد انقلاب" که بما نسبت داده اید، باید بگوئیم که اساساً مقاله ای تحت این عنوان در پیکار وجود ندارد واین بی شک از ابداعات ذهن نویسنده یا نویسندگان مقاله است که نوشته ای با عنوان فوق‌الذکر خلق شده است.

۳ – ما وبرخی دیگر از نیروهای انقلابی را تلویحاً چنین تعریف کرده اید: "... علفهای هرزی که پس از انقلاب تولید شده اند ومثل قارچ زاد وولد می کنند" که باید بعرض برسانیم ما وبسیاری از نیروهائی که امروز مورد بدترین اتهامات وناجوانمردانه ترین حملات از طرف تازه بقدرت رسیده ها واعوان وانصارشان قرار می گیریم خیلی پیش از قیام توده ای شکوهمند بهمن ماه مبارزه خود را درمیان خون وآتش با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه جلاد آغاز کرده ایم، زمانیکه ما به رژیم منفور پهلوی و حامیان امپریالیستش اعلان جنگ دادیم ودر سخت‌ترین شرایط دست از نبرد نکشیدیم اغلب سردمداران وقدرتمندان کنونی که امروز "انقلابی" شده اند، یا درمنازل خود لمیده وبه تقیه مشغول بودند ویا در فرنگ به "تحقیق" و "تفحص" سرگرم بودند وحتی از شرکت درمبارزات ضد امپریالیستی نیروهای خارج از کشور نیز خودداری می کردند. آری، تاریخچه فعالیت های انقلابی ما را خون شهدای ما شاهد است ونیروهای آگاه مردم ما نیز بر آن گواهند ودیری نخواهد پائید که تبلیغات عوامفریبانه احزاب و گروههای خلق الساعه بعد از انقلاب که اتفاقاً (اتفاقاً؟) جملگی آنها هم به اصطلاح اسلامی ومدافع اسلامند بر اکثریت مردم ما روشن خواهد شد.

۴ – شما، ما ودیگر نیروهائی را که سازشها و اعمال ضد مردمی را بی محابا وفارغ از سیاست بازی‌ها وحسابگری های مد روز افشا می کنیم، با حزب توده زمان دکتر محمد مصدق مقایسه کرده اید ورژیم حاکم را با حکومت آلنده در شیلی ومصدق در ایران قیاس کرده اید واعمال ما را درمقابل رژیم جمهوری اسلامی "صد برابر خائنانه‌تر" از اعمال وعملکرد حزب توده زمان مصدق ارزیابی کرده اید. ما برای اینکه شما را از "فراموشی" درآوریم وبهتر بگوئیم، موضع خود را توضیح دهیم ونشان دهیم که مقایسه بین حکومتهای مصدق وآلنده با حکومت جمهوری اسلامی قیاس مع‌الفارق است، یادآور می شویم که هیچگاه در زمان مصدق وآلنده قلب ومغز کارگران حق طلب که جرمشان تقاضای کار برای ادامه زندگی مشقت بارشان بود هدف رگبار پاسداران حکومت قرار نگرفت. هرگز مصدق وآلنده، نمایندگان خلقهای کشورشان را در محبس ناجوانمردانه ترور نکردند. ابداً باندهای

بقیه در صفحه ۱۲

جنبش دهقانی



برزگر
متحد
کارگر

پیروزی دهقانان روستای «حاجی آباد» بر ژاندارمها و زمینداران بزرگ

روستای "حاجی آباد" با ۱۲۰ خانوار در ۳ کیلومتری لاهیجان قرار دارد. اخیراً اهالی این روستا تصمیم گرفتند که حدود ۳۸ هکتار زمین باغ چائی، متعلق به نیک سادات از زمینداران بزرگ لاهیجان را بین خود تقسیم کنند. اما با ممانعت پاسداران مجبور شدند با نوشتن نامه به سپاه پاسداران، فرمانداری، اداره کشاورزی، خواستار تقسیم زمین شوند. یکماه بعد از طرف مقامات دولتی گفته شد که زمین را تقسیم کنند. به تاریخ ۵۹/۱/۲۸ دهقانان بوسیله شورای ده زمین را بین خود تقسیم کردند که کلاً به هر نفر ۲۰۰۰ متر رسید وهرکس در اطراف زمین خود حدومرز درست کرد. سه روز بعد در تاریخ ۵۹/۱/۳۱ یک گردان ژاندارم با مسلسل ژ – ۳، کلت وبهمراه نیک سادات از لاهیجان به ده "حاجی آباد" آمدند.

ژاندارمها ضمن خراب کردن حدومرز زمینها گفتند که ما از طرف رئیس جمهور مدرک داریم ورئیس جمهور زیر این مدرک را امضاء کرده است که "تمام باغهائی که تقسیم شده است دوباره به صاحبانش (یعنی زمینداران) باید برگردانده شود" دهقانان شجاعانه مقاومت کرده وگفتند: "ما از باغ بیرون نمی رویم، بیائید ما را بکشید، ما چیزی را از دست نمی دهیم" وبدنبال آن اهالی ده دوطرف جاده را با آتش زدن چوب ولاستیک بند آوردند. سپس درحالیکه شعار می دادند: "مرگ بر فئودال، مرگ بر نیک سادات" بسوی وی حمله ور شدند، اما ژاندارمها وی را محاصره کرده، او را از دست دهقانان نجات دادند وچون با مقاومت قاطعانه دهقانان روبرو شده بودند ده "حاجی آباد" را ترک کردند ■

مبارزه شورای دهقانان "گوگه چقای بیامه ببوه ینج"

قریه "کوگه چقای بیامه بیوه پنج" از توابع کرند غرب، دهی است دارای ۴۰ خانوار که ۲۲ خانوار آن با اجرای طرح امپریالیستی "انقلاب سفید" زمین‌هایشان را از دست دادند. مالک این ده "موسی خان تیموری" نام دارد که با پشتیبانی مزدوران رژیم منفور شاه، دهقانان را از زمین های خود رانده و آنها را استثمار می کرد. دهقانان این روستا از همان سال ۴۵ به ادارات رژیم شکایت کردند که طبیعتاً در ماهیت رژیم خائن شاه نبود که به خواسته های بحق آنان پاسخ مثبت داده شود وجز زندان وشکنجه وآزار چیز دیگری نصیب دهقانان زحمتکش نکرد.

بعد از قیام خونین بهمن ۵۷، دهقانان بی زمین که خود در مبارزه جهت سرنگونی رژیم شرکت کرده بودند امیدوار بودند که رژیم جمهوری اسلامی دست مالک غاصب را از زمین های آباء واجدادی آنان کوتاه نماید، ولی ماهها انتظار آنان ثمری نداشت.

دهقانان این قریه برای متشکل کردن خود و سازماندهی مبارزات خویش در تاریخ ۱۰/۱۱ / ۵۸ شورای دهقانی خود را تشکیل دادند. آنها برای تحقق خواسته هایشان نامه های متعددی به آیت الله خمینی، "شورای انقلاب"، "دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه"، "دادگاه انقلاب سرپل ذهاب"، وزیر کشاورزی، استاندار کرمانشاه وفرماندار اسلام آباد غرب نوشتند، ولی رژیم جمهوری اسلامی که منافعش را درپشتیبانی از موسی خان تیموری وامثال او می بیند کوچکترین ترتیب اثری به تقاضای مکرر روستائیان وشورای ده نداده است.

اهالی ده دیدند که رژیم جمهوری اسلامی حامی زمینداران بزرگ می باشد، درتاریخ ۵۹/۱/۷ با یک اقدام انقلابی زمینهای مالک را مصادره کرده، نصف آن را بزیر کشت بردند. بدنبال این مصادره انقلابی زمین ها توسط دهقانان، سرپرست به اصطلاح دادگاه انقلاب اسلامی قصرشیرین وپل ذهاب "عبدالنبی نمازی" (که طی چندماهه پس از قیام بارها به ضرب وجرح، دستگیری وشکنجه مبارزین منطقه بویژه دانش آموزان، معلمین وزحمتکشان اقدام کرده است)، طی اطلاعیه ای درتاریخ ۵۹/۱/۱۶ به اهالی قصرشیرین، پل ذهاب، اسلام آباد، کرند غرب، گیلانغرب، شهرنفت وسومار شدیداً اخطار کرده که کسانی که اقدام به مصادره زمین های مالکین بنمایند، تحت تعقیب قرار می گیرند. وزمین ها به "مالکین قبل از انقلاب" یعنی زمینداران بزرگ همدست رژیم شاه خائن بازگردانده خواهد شد.

آری رژیمی که درحرف وشعار خود را طرفدار زحمتکشان ویا "حامی مستضعفان" قلمداد می نماید در پانزده ماه پس از قیام نه تنها قدمی در تغییر زندگی دهقانان زحمتکش ما برنداشته بلکه درهمدستی با زمینداران غاصب از هیچ تجاوز وستمی علیه زحمتکشان روستائی دریغ نکرده است ■

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

پیکار

سال دوم ـ شماره ۵۳
۱۵ اردیبهشت ۵۹

بقیه از صفحه ۳

درباره ...

یکی از شیوه‌های فریب کارفرماست ،زیرا بدینوسیله :

۱ ـ بین کارو سرمایه تا حدی سازش و تفاهم بوجود می آید (هم کارگران و هم کارفرما ماهیانه مبلغ معینی پول باین صندوق میپردازند)

۲ ـ کارگران در شرایط تنگدستی و تحت فشار قرار گرفتن دست بسوی این صندوق دراز میکنند و ضرورت مبارزه علیه سرمایه را بفراموشی می سپارند.

۳ ـ هزینه‌هائی را که در مواقع اضطراری مانند (بیماری، تصادف،حوادث ناگوار و ...)باید کارفرما و یا بهتر بگوئیم دولت سرمایه داری (بشکل بیمه و ...)بپردازد به در آمدنا چیز کارگران تحمیل کرده و بدین ترتیب استثمار را شدت می بخشد.

۴ ـ بجای آنکه کارگران به ریشه‌های اصلی اختلاف طبقاتی پی برده و با آن به مبارزه برخیزند، بشردوستی از نوع بورژوائیش را (دست مستمندان را گرفتن ، به ضعفا کمک رساندن !) تبلیغ کرده و بر ریشه‌های اصلی دردسر پوش می گذارد.

در برابر این حیله کارفرما ما باید در حالیکه بورژوائی و سازشکارانه بودن ماهیت این نوع صندوقها را برای کارگران افشا می کنیم ،آنها را بجای تفاهم با بورژوازی به مبارزه علیه آن دعوت نمائیم.

در این رابطه شعار صحیح عبارتست از :تشکیل صندوقی که تمام موجودی آنرا کارفرما بپردازد و در مواقع ضروری به کارگران وام بدون بهره بپردازد کرده و سایر خسارتهای اضطراری آنها را جبران نماید.

ب ـ صندوق تعاونی

این نوع صندوقها را خود کارگران بطور علنی تشکیل می دهند تا در مواقع ضروری و نیاز فوری بتوانند از آن برداشت نمایند .این صندوقها اگرچه مانند صندوقهای اعتصاب نیستند و تا اندازه‌ای اشکال صندوق قرض الحسنه را دارند ولی در روند خود تحت شرایط خاصی میتوانند به صندوق اعتصاب تبدیل گردند ،این شرایط خاص عبارتند از :

۱ ـ مسئولیت و رهبری آن بعهده عناصر مترقی باشد.

۲ ـ جو کارخانه نسبتا مساعد باشد.

درصورت وجود شرایط مذکور این صندوقها در هنگام اعتصاب میتوانند به صندوق اعتصاب تبدیل گردند .درغیر اینصورت تنها یتا به صندوق نوع الف بدل میشوند.

ج ـ صندوق اعتصاب

این صندوق با همیاری و همکوشی خود کارگران و بمنظور کمک (مالی)دادن به کارگران در جریان اعتصاب ، تحصن ،گروگانگیری و ...برای ادامه مبارزه بوجود می آید.

در شرایط کنونی صندوق مذکور نمی توانند بصورت علنی تشکیل شود ،زیرا امکان حمله رژیم به آن وجود دارد. (مگر در کارخانه‌هائیکه سندیکای مترقی دارند)بنابراین بطور عام میتوان گفت :

۱ ـ در این شرایط صندوق اعتصاب باید بشکل نیمه علنی تشکیل شود.

۲ ـ از طریق کارگران مبارز ،آگاه و غیرفالانژکه حاضر به همکاری با آن هستند در آمد صندوق را

۳ ـ ایجاد صندوق اعتصاب در این شرایط روحیه کارگران مبارز و پیشرو را بالا برده و همبستگی آنها مستحکمتر می گردد.

۴ ـ برداشت از صندوق اعتصاب باید بطور عمده در مواقع اعتصاب ، تحصن ، اشغال کارخانه و موارد مشابه به نمونه‌های مذکور باشد (در حالت خاص و بطور استثنائی به کارگرانی که خسارتی را متحمل شده و بشدت در مضیقه هستند و در ضمن برای گرفتن خسارت وارده از سرمایه‌دار مبارزه کرده‌اند ، ولی موفق نشده‌اند میتوان پول پرداخت کرد).

۵ ـ صندوق اعتصاب باید این ایده اساسی را که (سرمایه‌دار باید خسارتهای وارده به کارگران را جبران نماید)بمیان کارگران برده و جلو رشد اندیشه‌های انسان دوستی از نوع بورژوائی و یا منحرف شدن مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داران را بگیرد.

چگونگی تشکیل صندوق اعتصاب

۱ ـ شرایطی که میتوان صندوق را بصورت علنی ایجاد کرد ،در این شرایط (هنگام اعتلای جنبش توده‌ای ،در شرایطی که سندیکاها و اتحادیه‌های قوی کارگری وجود دارد و ...)بهترین راه ایجاد صندوق اعتصاب ، از طریق خود سندیکا و یا اتحادیه می باشد ،زیرا که سندیکا (شورا)و یا اتحادیه توده‌های وسیع کارگران را در برمی گیرد.

اگر سندیکا (شورا)و یا اتحادیه زرد بود ، باید تعدادی از کارگران مبارز پیشقدم شده و بطور علنی کارگران را به تشکیل صندوق اعتصاب دعوت نمایند و مقدمات آنرا فراهم آورند.

نکته مهم و قابل تذکر در مورد صندوق اعتصاب در شرایط مذکور اینست که باید موجودی آن و نیز میزان کمکی که هر کارگر در اختیار صندوق قرار می ـ دهد، هر ۱۵ روز یکبار و یا ماهانه به اطلاع کارگران رسانده شود.

۲ ـ شرایطی که نمیتوان صندوق را بصورت علنی تشکیل داد ولی میتوان از امکانات علنی استفاده کرد.

در این حالت محل صندوق و نیز مشخصات اداره کنندگان آن باید مخفی باشد ،اما اسامی کارگرانی را که به صندوق کمک می کنند و موجودی آن را ،میتوان در اختیار کارگران قرار داد. (این کار برای تبلیغ صندوق ضروری است)

در این رابطه میتوان با کمک بعضی از کارگران مبارز ضرورت صندوق و همیاری با آنرا در جلسات عمومی کارگران تبلیغ کرد.

۳ ـ شرایطی که صندوق اعتصاب باید بصورت مخفی ایجاد شود ،در چنین شرایطی معمولا تعدادی از کارگران مبارز پیشقدم شده و اقدام به تشکیل صندوق اعتصاب می نمایند .در اینحالت محل صندوق ، مشخصات مسئولین و کارگرانی که به آن کمک و یاری میکنند ،همگی باید مخفی باشد .در این شرایط میتوان به کارگرانی که به صندوق کمک می کنند، کاغذهائی با مهر صندوق و بعنوان "رسید" داد. موجودی صندوق هر ماه یکبار بصورت مخفی (با نوشتن به در و دیوار و یا پخش تراکت و ...)باید به اطلاع کارگران برسد و هنگام اعتصاب پرداخت پول به کارگران تا حد امکان باید بصورت مخفی انجام گیرد.

ایجاد صندوق اعتصاب در شرایط سخت پلیسی ،حفظ و جلوگیری از لو رفتن آن و اعلام موجودی آن هر ماه یکبار روحیه مبارزاتی کارگران را بالا برده و به آنها در عمل نشان میدهد که مبارزه جریان دارد و عده‌ای از رفقای آنها هستند که در هر شرایطی در راه منافع کارگران و زحمتکشان مبارزه میکنند.

در این زمینه عناصر و هسته‌های کمونیستی باید در تشکیل و حفظ صندوق اعتصاب فعالانه شرکت نمایند و با طرح و آموزش اصول آن به کارگران و ارائه رهنمودهای مناسب ، حفظ و تداوم کار آنرا عملی‌تر سازند■

بقیه از صفحه ۲

زندانیان ...

مسئولان سپاه و عاملین کشتار خلق ترکمن)و محمد غرضی (استاندار خوزستان)به شکنجه‌های روانی این زندانیان پرداختند و زمانی دیگر خودفروختگانی نظیر احمدرضا کریمی و اصغر میرزا جعفر علاف که پشت به خلق کرده و در سالهای قبل خود را در اختیار ساواک گذاشته بودند ،مامور می شوند تا بهر وسیله‌ای که شده مقاومت زندانیان را درهم شکسته و بخیال خود سلاحی برای حمله به نیروهای انقلابی و چپ بیابند.

در روزهای اخیر باندسیاه حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی دست اندرکار توطئه دیگری هستند :نزدیک به یکماه قبل در روزنامه کیهان خبری درج شده بود حاکی از آنکه کمالی (کمانگر)شکنجه‌گر معروف ساواک دستگیر شده است در صورتیکه وی مدتها قبل از آن یعنی در آذرماه گذشته با سارت در آمده بود! این شکنجه‌گر مزدور طی این مدت ، توسط عزت شاهی تحت آموزش قرار گرفته تا برنامه‌ای رادیو تلویزیونی همچون تهرانی جلاد برای حمله به نیروهای انقلابی اجرا نماید.

سازمان ما ضمن افشای توطئه این باندهای سیاه ،از همه نیروهای انقلابی میخواهد که با کار آگاهگرانه خود توطئه‌های این خائنین را پیشاپیش نقش بر آب ساخته و این دلقکان سیاسی را بیش از

توضیح و تصحیح

متاسفانه در اخبار و گزارشهای مربوط به وقایع دانشگاههای شیراز و اهواز که در پیکار ۵۲ چاپ شده است در چند مورد اشتباهاتی ناشی از بی دقتی در ارسال گزارش رخ داده که بدین وسیله ضمن پوزش از خوانندگان تصحیح می شود :

۱ ـ در گزارش مربوط به دانشگاه شیراز تعداد کشته‌ها سه نفر ذکر شده که درست نیست .

۲ ـ در گزارش مربوط به وقایع دانشگاه جندی‌شاپور اهواز ،خبری مبنی بر صدور حکم اعدام دو تن از کارکنان صنعت نفت (ابدی و مکوندی)و دستگیری محمدجواد خاتمی درج شده که غیرواقعی است .

اصل خبر بدین صورت بوده که ابدی و مکوندی دستگیر شده و سپس در اثر فشار کارکنان کارخانه اهواز ۴ و اداره مهندسی آزاد شده‌اند و محمدجواد خاتمی اساسا دستگیر نشده است■

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

کمکهای مالی خود را از هر طریق که

میتوانید به دست ما برسانید

بقیه از صفحه ۱ آغاز...

و این زمانی بود که برخی نشریات حتی در جنبش چپ بازرگان را نیمه ملی می دانستند و از دست مرتجعین حزب جمهوری اسلامی به وی شکایت میبردند.

"پیکار" در افشای ماهیت طبقاتی حزب جمهوری اسلامی و نیات واقعی آن نیز که سودای "فراگیر" شدن درسر می پروراند، با تیزی و شهامت تمام به پیش رفته و نقش مهمی در آگاهی عمومی در این زمینه داشته است.

ـ ما برآن بودیم که جنبش فزاینده و اوجگیرنده کارگران و دهقانان و خلقهای تحت ستم را با درج اخبار و مقالات مختلف تصویر کنیم، در اینجا نیز بخصوص در زمینه انتشار مرتب اخبار و مسائل جنبش کارگری "پیکار" از موفق ترین نشریات جنبش کمونیستی ایران بوده است.

تجارب و اندوخته های رفقائی که سالها در کنار رزمندگان فلسطینی علیه امپریالیسم و ارتجاع پیکار کرده اند، بما این امکان را می داد که در شناساندن انقلابات منطقه بویژه انقلاب فلسطین و عمان نقش اساسی بازی کنیم و در این زمینه با درج مقالات متعددی در بالا بردن هرچه بیشتر آگاهی و دانش خوانندگان خود موثر باشیم.

پیکار در زمینه مبارزه ایدئولوژیک چه در درون جنبش کمونیستی و چه در مبارزه علیه رویزیونیسم و چه در مبارزه علیه لیبرالیسم و رفرمیسم در درون جنبش انقلابی نیز هرچند نه در حد لازم، قدمهای قابل توجهی برداشته است.

....

این بخشی از موفقیت های ما در انجام مسئولیت ـ هائی که بدوش داشتیم، بود.

اما، ما انسانهای خودپرستی خواهیم بود اگر از کمبودها سخن نگوئیم. جنبش توده ها و مبارزات طبقه کارگر ایران آنچنان عظیم بوده است که کارهائی که ما در انجام آن موفق بوده ایم بهیچوجه قابل مقایسه با آن نیست علاوه بر این ما مشخصا در زمینه رهنمود ـ های کارگری، ارزیابی های سیاسی از وضعیت طبقه کارگر که جزو مهمترین وظایف یک نشریه کمونیستی است کمبودهای اساسی داشته ایم که تلاش می کنیم آنرا بسرعت جبران نمائیم. همچنین در زمینه مقالات ترویجی سوسیالیستی نیز کمبودهای جدی داشته ـ ایم که در این اواخر کوشش کرده ایم آنرا جبران کنیم.

ما با این موفقیت ها و کاستی ها در یکسال گذشته تلاش کرده ایم پیکار را بهمت تمامی رفقائی که بنحوی در چاپ و انتشار و پخش پیکار دست دارند، بصورت مداوم منتشر سازیم و در این راه نه حملات ارتجاع در آستانه سرکوب کردستان و نه توقیف باصطلاح "قانونی" پیکار هیچکدام نتوانسته است مانع از انتشار منظم پیکار گردد چرا که همان زمان، زمانی که "پیکار" توقیف شد و زمانی که اشکالات فراوانی در رابطه با چاپ نشریه بوجود آمد نوشتیم که "چرا پیکار نباید منتشر شود؟" (پیکار شماره ۲۰، دوشنبه نوزدهم شهریور ماه). و در پاسخ گفتیم که: "شما "پیکار" را همراه با نشریاتی چند توقیف کردید و انتشار آنرا غیرقانونی خواندید. در حالیکه ما اجازه انتشار به "پیکار" و قانونی بودن آنرا از خلال چهارده سال مبارزه سخت و خونین بر علیه امپریالیسم و ارتجاع کسب کرده ایم. این شما نبودید که به ما اجازه انتشار "پیکار" را اعطاء نمودید که اکنون "اراده" کرده ـ اید از آن "بخشش" و "مرحمت" درگذرید، بلکه این کوشش توام با رنج و خون ما بود که چنین اجازه ای و چنین لیاقتی را بما داد تا بتوانیم نشریه حقگو و روشنگری را به انقلابیون و توده ـ های تحت ستم خلق و بویژه به کارگران مبارز ایران تقدیم کنیم. تا از این طریق نیز ایده ـ های مترقی و متعالی خود را در میان زحمت ـ کشان و نیروهای انقلابی نشر دهیم و راه انبوه شهیدانمان را ادامه دهیم. بنابراین قانونی بودن یا نبودن "پیکار" بهیچ وجه ربطی به اراده و خواست شما ندارد. قانونی بودن "پیکار" و نشریاتی همچون "پیکار" یک واقعیت است. یک واقعیت تاریخی که در جهت تکامل تاریخ و همسان با منافع زحمتکش ترین توده هاست. آری، "پیکار" از نقطه نظر منافع زحمتکشان قانونی است. چه شما بخواهید و چه نخواهید. و برهمین اساس هم انتشار آن تا هنگامیکه ضروری تشخیص داده شود ادامه خواهد یافت. همچنانکه تاکنون علیرغم "غیرقانونی" شدنش ادامه یافته است.

و امروز نیز که در جریان یک حمله سراسری به کردستان، به دانشگاهها و به نشریات انقلابی قرار داریم و دستان "انقلاب اسلامی" برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم آگاه بهمان تهدیدهائی که در زمان رژیم سابق نسبت به انقلابیون و هواداران آنها معمول بود متوسل شده است، غافل از اینکه، حتی در بدترین شرایط یعنی زمان شاه، آگاهی بمثابه جویبارهای حقیقت راه خود را از میان کوه ها و سنگلاخ ـ ها و دره های دور بسوی دریای توده باز می کرد و به پیش می رفت، و امروز نیز علیرغم هرگونه فشار و سرکوبی چنین خواهد شد!

قبل از پایان این مقال، اجازه می خواهیم دست تمامی رفقائی را که با ارسال اخبار و گزارشات و اسناد افشاگرانه در غنای نشریه ما را یاری می ـ رسانند بفشاریم، همچنین ما صمیمانه دست رفقائی را که با ارسال نامه هایشان ما را در تصحیح اشتباها ـ تمان یاری می رسانند و با پیشنهادات و انتقادات سازنده خود در تکامل مضمون و شکل پیکار تاثیر می ـ گذارند، می فشاریم. رفقا! این نامه ها برای ما اهمیت بسیار دارد. هرچند که ما موفق نشده ایم ستونی برای پاسخگوئی به نامه های رسیده باز کنیم که آنرا در آینده نزدیک عملی خواهیم کرد، ولی این نامه ها مشخصا در بالا بردن کیفیت "پیکار" موثر بوده و ما خواستاریم ادامه ارسال این نامه ها و بر ـ خورد هرچه مسئولانه تر و فعالتر در این مورد هستیم.

با امید به اینکه هرچه بیشتر به وظایف بسیار سنگین خود در جنبش انقلابی و کمونیستی پی بریم و بتوانیم نقش با ارزش مهمتری در جنبش کمونیستی و انقلابی میهن مان ایفا نمائیم.

"هیئت تحریریه پیکار"

زندانیان سیاسی و توطئه باندهای سیاه

عملکرد هیئت حاکمه تنها به کشتارهائی که در کردستان، در دانشگاه ها و هرآنجا که نشانی از آزادی و آزادگی دارد براه می اندازد، ختم نمیشود بلکه بموازات سرکوب خلقها و ترور انقلابیون، زندانهای ساواک ساخته را نیز همچنان از فرزندان دلیر خلق پر میسازند، تازه این تمام قضیه نیست.

زندانیان سیاسی ایران که هر روز بر مقدارشان افزوده میشود در غیرانسانی ترین شرایط و تحت فشار و شکنجه به اسارت کشیده شده اند. رژیم حتی در مواردی اجازه ملاقات زندانی را که از ابتدائی ترین حقوق هر زندانی است از او سلب کرده است. برپا کردن مراسم اعدام (نمایشی) بمنظور درهم شکستن روحیه مقاومت جویانه زندانی است از جمله شیوه های فاشیستی است که هم اکنون در زندانهای ایران بکار گرفته میشود.

رژیم جمهوری اسلامی اگر برای تسلی خاطر کارتر برای جاسوسان آمریکائی ملاقات تلویزیونی ترتیب میدهد و در مطلوب ترین شرایط از آنها تیمار میکند، در عوض انقلابیون ایران را مدتها در سلول ـ های انفرادی بدون حتی یک ربع ساعت هواخوری و بدون حتی یکبار ملاقات حضوری و غیرحضوری نگه ـ میدارد و حتی مانع از آن میشود که وکیل زندانی، موکل خود را ملاقات نماید! محمدرضا سعادتی نزدیک به یکسال است که بدون هیچگونه اقامه جرم رسمی در زندان جمهوری اسلامی بسر میبرد. محمدتقی شهرام با بیش از ده سال فعالیت حرفه ای ـ انقلابی اکنون در همان زندان اسیر است که در سال ۵۰ بدست ساواک به زنجیر کشیده شده بود، با این تفاوت که اکنون نه تنها بطور مداوم در زندان انفرادی است بلکه تحت شدیدترین شکنجه های روانی قرار گرفته است. رفیق محمد یزدانیان نیز با سابقه بیش از ده سال فعالیت حرفه ای ـ انقلابی در سالهای سیاه آریامهری، اکنون در زندان جمهوری اسلامی است. این در واقع سیاست هیئت حاکمه است که بموازات آزاد ساختن ساواکیها و دژخیمان رژیم گذشته، انقلابیون و کمونیستها را بزندانها میکشانند. در همین رابطه توطئه های رنگارنگ باندهای سیاه بر علیه انقلابیون و کمونیستها همچنان ادامه دارد و آنها می کوشند با توطئه چینی علیه برخی از زندانیان، مقاصد پلید خود را جامه عمل بپوشانند.

همانطور که قبلا هم گفته ایم، باندهای سیاه حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی با دستگیری زندانیان یاد شده توطئه کثیفی را طرح ریزی و تدارک می بینند. آنها قصد دارند از هر وسیله ای که بتوانند در جهت تحقق نیات پلید خود که همانا بی ـ اعتبار کردن نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها ـ ست، بهره گیری کنند.

زمانی عناصر مرتجعی چون اصغر صباغیان (از

بقیه در صفحه ۶

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار ۵۳

۱۶ صفحه

سال دوم- دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ بها ۲۰ ریال

گرامی باد یاد شهدای بخون خفته خلق که در روزهای اخیر در کردستان و در دانشگاههای سراسر کشور بشهادت رسیدند!

آغاز دومین سال انتشار «پیکار»

یک سال گذشته برای مردم ستمدیدهٔ میهن ما سرشار از شور و شوق مبارزه، آموختن و بکار بستن آموزشهای جدید در مبارزه بوده است. مردمی که حماسه قیام را آفریدند و بیش از پیش عظمت نیروی خود را کشف کردند، در تب و تاب باز هم پیشروی و باز هم پیروزی سوخته اند و می سوزند. آنها در این راه به آگاهی و به سازماندهی نیاز دارند و این است دلیل اینهمه تشنگی توده ها و استقبال آنان از نشریات انقلابی. ما افتخار می کنیم که در این زمینه "پیکار" توانسته است در حد خود در میان کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی جا باز کند و در بالا بردن آگاهی آنان و سازماندهی شان نقش فعالی ایفا نماید.

۸ اردیبهشت پارسال بود که اولین شماره پیکار با هدف افشاگری و کار آگاهگرانه سیاسی- تبلیغی، انتشار یافت و با انتشار پیکار شماره ۵۲ پیکار دومین سال انتشار خود را آغاز نمود.

ما از همان ابتدا بر آن بودیم که با تمام توان خویش ماهیت به قدرت رسیدگان جدید، نمایندگان بورژوازی و تجار بازار را که بر اریکه قدرت قرار گرفته بودند، به مردم بشناسانیم. و در این کار جزو موفق ترین نیروهای انقلابی بودیم، آری "پیکار" پرچم پیکار علیه لیبرالها، علیه نمایندگان سرمایه- داری وابسته را از همان اولین شماره، به اهتزاز درآورد و همدستان بورژوازی را بخلق معرفی نمود.

بقیه در صفحه ۲

گزارشی از راهپیمایی روز اول ماه مه در تهران:

۱۱ اردیبهشت، روز نبرد کارگر، علیه سرمایه دار



بدعوت سازمانهای رزمندگان آزادی طبقه کارگر، راه کارگر و سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، روز ۱۱ اردیبهشت هزاران نفر در خیابان ۱۶ آذر خیابانی که بیاد بود حماسه آفرینی دانشجویان انقلابی خیابان مقاومت نامیده شده است، گرد آمده بودند. ساعت ۱۰ صبح جمعیت با شعار "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد" آماده حرکت شد و آنگاه پس از خواندن سرود انترناسیونال به طرف

بقیه در صفحه ۱۲

درباره صندوق اعتصاب

صفحه ۳

دانشگاه: فریادرسای خلقها یا «حنجره امن» خامنه ای ها؟!

سرکوب خلقهای میهن ما و نابودی آزادی فعالیت- های سیاسی نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها، بخش مهمی از سیاست رژیم کنونی است که این بار به موازات هم سرکوب خلق دلاور کرد و دانشجویان انقلابی سراسر ایران به مرحله اجراء در می آید. ارتجاع پس از شکست برنامه های سرکوبگرانه اش در دانشگاهها مذبوحانه می کوشد که در عملکردهای فاشیستی خود علیه خلقها و دانشجویان انقلابی، نیروهای انقلابی را مقصر جلوه دهد و سخنرانی "امام جمعه تهران" در نماز جمعه ۵ اردیبهشت و "اطلاعیه سرپرست کمیته مرکزی در مورد حوادث اخیر دانشگاهها" در حقیقت مبین این امر می باشند. ایندو عضو شورای

بقیه در صفحه ۱۲

دو نفر از انقلابیون، رفقا: احمد موذن و مسعود دانیالی در اهر اعدام شدند.

خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند!

صفحه ۱۵

پیروزی خلق زیمبابوه شکوفان و پاینده باد!

صفحه ۱۰

نامه ی یک سرباز از جبهه جنگ کردستان

من شلیک نمی کنم!

"من نمی توانم به روی خلقی که برای هدف مقدس خود، یعنی آزادی میرزمد، آتش بگشایم."

این جمله قسمتی از نامه سربازی است که قبل از حرکت ستون ارتش به داخل شهر سنندج از فرودگاه این شهر برای خانواده خود نوشته است.

این نامه ها گوشه ای از واقعیت تلخی را که در کردستان قهرمان می گذرد و هیئت حاکمه میکوشد در

بقیه در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نباید پاسخ شما منفی باشد. اما چگونه باید با چنین شیوه‌های ارتجاعی مبارزه نمود؟ جز با دامن زدن به مبارزه طبقاتی و هدایت تضادهای واقعی در یک مجرای صحیح؟ جز با افشای ماهیت و برنامه‌های توطئه‌گرانه و نفاق جویانه هیئت حاکمه و تمامی عوامل ارتجاع؟ چگونه میتوان توده‌ها را از افتادن بدامان تضادهای کاذب و مورد پسند ارتجاع باز - داشت؟ آیا با فراخواندن آنان به تسلیم و رضا و دست نزدن به مبارزه طبقاتی؟

هیئت حاکمه خود به تضادهای کاذب در میان مردم، که توهم و ناآگاهی زمینه رشد آن را فراهم کرده است دامن میزند

چنین است معنا و مفهوم "عدم ایجاد تشنج" و "ممانعت از گسترش تحریکات". بنابراین آیا ما حق داریم بگوئیم که این تئوری رویزیونیستی، یک تئوری تسلیم‌طلبانه و پاسیفیستی است؟

براین پایه ما معتقدیم که سازمان چریکهای فدائی خلق در اتخاذ این تاکتیک خود نیز عرصه کاملاً روشنی از گرایشات رویزیونیستی و راست روانه را بنمایش گذاشت، توسل به قدرت حاکم و رها کردن توده‌ها، نیمه‌کاری، تزلزل و بالاخره تسلیم سنگر در پشت شعار رویزیونیستی و توجیه‌کارانه "عدم

بلکه برپایه همان تئوری "تشنج" فدائیان خلق و در واقع برای تعیین نوع تسلیم در مقابل هیئت حاکمه صورت می - گرفت. آنها مذاکره میکردند تا به این نتیجه برسند که چگونه - و به چه شکلی مقاومت را در دو موردی که در آغاز از آن سخن گفتیم بشکنند؟ وگرنه سیاست اعلام شده یعنی صدور که عبارت از اولتیماتوم به دانشجویان آگاه و انقلابی برای ترک دفاتر خود و در غیر اینصورت لشکرکشی به دانشگاه بود، دیگر ابهامی برای دانشجویان آگاه و انقلابی نگذاشته بود که مقاومت را تا حد امکان ادامه دهند - یعنی فقط در صورت رودررو قرار گرفتن با مردم مقاومت خود را بشکلی که پیش میرفت بشکنند. ■





دانشجویان آگاه و انقلابی را نه یورش پاسداران و نه حمله چماقداران و چاقوکشان و نه زندان و نه حتی تیرباران از فعالیت سیاسی یعنی خدمت به زحمتکشان باز نخواهد داشت!



فدائی اکنون چنین خط مشی ای را دنبال می کنند بلکه ما می گوئیم حرکت عملی آنها در جریان این حوادث و مضمون اعلامیه هائی که از آن نقل کردیم، چنین تئوری تسلیم طلبانه ای را در پشت خود نهفته داشت. برای روشن شدن مسئله کمی بیشتر پیرامون "تئوری عدم تشنج" به همان مفهوم تسلیم طلبانه آن توضیح می دهیم.

ما تئوری "تشنج" را یک تئوری رویزیونیستی میدانیم چرا که عملا به نفی مبارزه طبقاتی می انجامد. این "تئوری" از توده ها می خواهد که برای جلوگیری از گسترش بحران سیاسی در جامعه، دست از مبارزه و مقاومت در عرصه های مبارزه طبقاتی بردارند. در پس این "تئوری" یک مسئله اساسی مخدوش میگردد. همانطور که گفتیم ایجاد "تشنج" و "بحران" در جامعه، اگر به معنای جلوگیری از رشد و عملکرد تضادهای کاذب در میان توده ها و به عبارت دیگر به معنای جلوگیری و ممانعت از قرار گرفتن توده های مردم در برابر یکدیگر و یا توده های ناآگاه مردم در برابر نیروهای انقلابی، تحت تحریکات و توطئه های ضد انقلاب باشد، ما نیز با آن موافقیم و مصریم که به هر طریق ممکن از "تشنج" به چنین معنائی جلوگیری کرد. اما مسئله اساسی این است که اولا <u>چگونه</u> میتوان از چنین "تشنجاتی" جلوگیری کرد و در ثانی باید میان "تشنج" به این معنا و "تشنج" به معنائی که رژیم هر روز و هر ساعت آن را بکار می گیرد، یعنی به معنای مبارزه طبقاتی، مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی واقعی توده های مردم اساساً فرق قائل شد. فدائیان خلق این دو نکته اساسی را از دیده فرو می اندازند و لاجرم به دامان یک تئوری رویزیونیستی می افتند. چه کسی تشنج به معنای دامن زدن به تضادهای کاذب در بین توده ها، به منظور خاموش کردن شعله تضادهای واقعی اجتماعی را بوجود می آورد؟ آیا حزب هیئت حاکمه که روزان و شبان در پی توطئه چینی، تفرقه اندازی ایجاد نفاق میان توده ها و نیروهای انقلابی است؟ بی گمان نباید پاسخ شما منفی باشد. اما چگونه باید با چنین شیوه های ارتجاعی مبارزه نمود؟ جز با دامن زدن به مبارزه طبقاتی و هدایت تضادهای واقعی در یک مجرای صحیح؟ جز با افشای

تا در پس آن به دستاوردهای انقلاب و جنبش انقلابی توده ها هجوم برد. در پس این توطئه می کوشد تا کانونهای مبارزه و مقاومت را یک به یک سرکوب و خاموش نماید. تنها با مقاومت و افشای سیاستهای رژیم و اهداف توطئه چینانه آنهاست که میتوان "تشنج" بدین معنی را <u>خنثی</u> نمود. تسلیم و سازش در برابر ارتجاع تحت پوشش جلوگیری از "تشنج" تنها ارتجاع را جری تر می کند تا با زهم به دامن زدن به تضادهای کاذب در میان مردم و پیشبرد شیوه های توطئه آمیز خود ادامه دهد. تسلیم، ارتجاع را به جلو می راند و مقاومت، آن را به عقب می کشاند. تنها زمانی میتوان مبارزه توده ها را از افتادن به مجاری انحرافی ای که بوسیله رژیم ایجاد شده اند تا از تداوم انقلاب جلوگیری نماید، باز داشت که با افشاگری و شرکت عملی در مبارزات توده ای و سازماندهی آن مبارزه طبقاتی را دامن زد و این مبارزه را برعلیه تمام مظاهر واقعی جامعه طبقاتی، برعلیه سرمایه داری وابسته و رژیم سیاسی حامی آن گسترده تر نمود. فقط در این صورت است که میتوان

تشنج" و "ممانعت از گسترش تحریکات"! این محتوا و جان کلام فدائیان خلق در برابر توطئه اشغال دانشگاه است. آیا نباید به سازمان چ. ف. خ. نیز در پیمودن چنین راهی هشدار داد؟

در پایان نکته ای را نیز در باب مذاکره با بنی صدر قابل توضیح می دانیم:

رابطه مذاکره با بنی صدر و تئوری تشنج

شکی نیست که تاکتیک مذاکره با ارتجاع زمانی که ناظر بر مقاومت توده ای و فشار از پائین باشد، کاملا جایز است و اینجا و آنجا میتوان برای بالا بردن آگاهی توده ها

استدلال چریکهای فدائی خلق برای عدم ادامه راه (عدم ادامه مقاومت در برابر تهاجم ارتجاع به دانشگاه) این بود که: "رژیم می خواهد جو را متشنج نموده و از آن بزیان نیرو-های انقلابی بهره برداری کند. بنابراین ما نباید کاری کنیم که این جو بوجود آید و آنرا دامن بزنیم". این جوهر اساسی استدلال و سیاست آنها در جریان شکستن مقاومت دانشجو-یان، در برابر تهاجم ارتجاع بود.

از ایجاد بحرانهای کاذب در جامعه که نه حاصل مقاومت و مبارزه واقعی توده ها، بلکه حاصل توطئه ها و سیاستهای ریا-کارانه رژیم و حاصل ترک سنگر مقاومت و مبارزه برعلیه هجوم ارتجاع است، جلوگیری نمود.

چنین است معنا و مفهوم "عدم ایجاد تشنج" و "ممانعت از گسترش تحریکات". بنابراین آیا ما حق داریم بگوئیم که این

نسبت به ماهیت ضد انقلاب و غیره از آن استفاده کرد و در مورد حوادث دانشگاه نیز این قاعده وجود داشت. اما مذاکره ای که دانشجویان پیشگام با بنی صدر به عمل آوردند نه از موضع یک مذاکره اصولی و برپایه <u>فشار از پائین</u> و بعنوان مکمل آن بلکه برپایه همان تئوری "تشنج" فدائیان خلق و در واقع برای تعیین <u>نوع تسلیم</u> در مقابل هیئت حاکمه صورت می-گرفت. آنها مذاکره میکردند تا به این نتیجه برسند که

اما بدلیل فشارهای هواداران ما و دیگر نیروهائی که در خط مقاومت اصولی بودند، و نیز اینکه دلیل قانع کننده‌ای برای این عقب نشینی ارائه نمی کردند، ناگزیر پذیرفتند که تا صبح روز سه شنبه ۵۹/۲/۲ (ساعت ۶ صبح) مقاومت ادامه پیدا کند تا با دیگر با تحلیل از اوضاع مشخص تصمیم گرفته شود. اما این تصمیم و تعهد با سیاستی که از جانب سازمان چریکهای فدائی اعمال گردید، شکسته و زیر پا گذاشته شد، و در نیمه شب همان روز، بطور یکطرفه و با نقض پرنسیپ های یک فعالیت متحد ائتلافی، پایان مقاومت خویش را اعلام نمودند. روزنامه بامداد روز سه شنبه ۵۹/۲/۲ نوشت:

"سازمان دانشجویان پیشگام در آخرین ساعات دیشب (ساعت ۱۱/۳۰) با صدور بیانیه‌ای موافقت خود را با واگذاری ستاد پیشگام به دانشجویان و دانشگاهیان دانشگاه تهران اعلام داشت ...".

ما در اینجا به مسئله بی پرنسیپی این رفقا در نقض تعهدات متقابل در جریان یک فعالیت مشترک و متحد، که نشان از سکتاریسم و لاقیدی در برخورد به این گونه فعالیتهاست نمی پردازیم، تنها درباره برخورد آنها به مسئله " مقاومت " دربرابر هجوم ارتجاع مختصراً سخن می گوئیم.

ناپایداری در مقاومت و تئوری «عدم تشنج»

گفتیم که دانشجویان پیشگام به تبعیت از سیاست رفقای فدائی قبل از فرا رسیدن تصمیم مقرر برای گفتگو پیرامون اتخاذ تاکتیک صحیح از جانب "کمیته هماهنگی" در ساعت ۶ صبح روز سه شنبه، شب هنگام بطوریکجانبه دست از مقاومت کشیدند و آن را پایان یافته تلقی کردند. استدلال این رفقا برای ادامه ندادن راه این بود که "رژیم می خواهد جو را متشنج نموده و از آن بزیان نیروهای انقلابی بهره برداری کند. بنابراین ما نباید کاری کنیم که این جو بوجود بیاید و آن را دامن بزنیم". این جوهر اصلی استدلال و سیاست آنها برای شکستن زودرس مقاومت دانشجویان دربرابر تهاجم

---

(۲)- طبیعتاً ادامه حرکت مقاومت جویانه و مبارزه پیگیر برای کسب حقوق دموکراتیک دانشجویان، امری است انکارناپذیر که پس از این نیز به اشکال مختلف میتواند و باید ادامه پیدا کند.

اما دیدگاه دوم، تئوری "عدم ایجاد تشنج" را تا سرحد نفی مبارزه طبقاتی، و جلوگیری از رشد و گسترش تضادهای واقعی و مبارزه انقلابی توده ها، تنزل می دهد. مجاهدین نمونه بارز و برجسته این دیدگاه را ارائه می دهند و در جریان حوادث اخیر دانشگاه نیز ارائه دادند. رفقای فدائي نیز در جریان این حوادث ابتدا با تزلزل و در پایان بصورت آشکاری عملا این تئوری را نصب العین حرکت خود قرار دادند.

در رابطه با دیدگاه اول، نقطه نظرات ما در جریان حوادث دانشگاه و مقاومت دانشجویان کاملا روشن و صریح بود. صرفنظر از خط مشی کلی مقاومت دربرابر هجوم ارتجاع، از لحاظ تاکتیکی ما سه حالت را در رابطه با این مقاومت پیش بینی می نمودیم.

الف: تهاجم مسلحانه به صفوف مقاومت دانشجویان، بوسیله سپاه پاسداران یا احیاناً ارتش، درچنین حالتی مقاومت باید ادامه می یافت البته بدیده ما هیئت حاکمه با توجه به اوضاع جاری کشور، تضادهای درون خودش و ... قادر به سرکوب و کشتار وسیع و همه جانبه نبود و بالطبع این واقعیت در ملاحظات تاکتیکی ما موثر می افتاد.

ب: هجوم از طرف دستجات فالانژ و اوباشان مرتجع با سنگ و چماق و ... صورت میگرفت که درچنین صورتی نیز میبایست مقاومت کماکان ادامه یافته و با هجوم آنان مقابله میشد.

ج: توده وسیعی از مردم ناآگاه، با تحریک و برانگیختگی هیئت حاکمه، قصد مقابله جوئی با صفوف متشکل و مقاوم دانشجویان را میکردند. درچنین صورتی مقاومت قبل از آنکه کوچکترین رودرروئی و درگیری بوجود آید میبایست شکسته می شد و مراکز مقاومت بناچار تخلیه می گردید که طبعاً این تخلیه به معنای دست یابی ارتجاع بر آن بود.

بدین ترتیب هرگونه تاکتیکی که مقاومت را در دو شکل اول رد میکرد یا مورد تردید قرار میداد، تاکتیکی بود تسلیم طلبانه و سازشکارانه و متقابلا هر دیدگاهی که مقاومت در شکل سوم، یعنی مقاومت دربرابر مردم را تجویز می نمود، و یا در جریان عمل چنین تاکتیکی را در پیش میگرفت، دیدگاه و تاکتیکی آنارشیستی بود، که عملاً آب به آسیاب توطئه های ارتجاع می ریخت.

همانطورکه سیر حوادث نیز نشان داد، تمام توطئه های هیئت حاکمه در روز دوشنبه برای شکستن مقاومت قهرمانانه دانشجویان، از طریق هجوم پاسداران و دستجات فالانژ، احتمال درگیری متقابل مطرح شده باشد، دست از مقاومت شستند و زنجیر مقاومت را در نیمه راه پاره کردند.

این حرکت عملی نشان میداد که در واقع پشت "تئوری عدم تشنج" آنها، سپر انداختن دربرابر تهاجم ارتجاع و تهدیدات هیئت حاکمه و تردید و تزلزل نسبت به ضرورت یک مقاومت عادلانه و پیگیر دربرابر حملات وحشیانه ارتجاع نهفته بود. مقاومتی که هم از لحاظ اصولی و هم از لحاظ تاکتیکی درستی و ضرورت آنها به اثبات رسیده بود و بنابراین بهیچ وجه نمی توانست تاکتیک آنارشیستی باشد. این حرکت نشان می داد که ترس از درگیری میان مردم و دانشجویان (یعنی هدفی که هیئت حاکمه نیز طالب آن بود) نبود که فدائیان را به شکستن (زودرس) مقاومت ترغیب نموده، بلکه ترس از حدت بحران سیاسی، ترس از بالا گرفتن تضاد میان توده ها و هیئت حاکمه، چنین حرکتی را در عرصه عمل باعث میشد. این درک را فدائیان همانطورکه گفتیم در روزهای بعد با نفی هر گونه "حرکات" افشاگرانه و بخصوص راهپیمائی های اعتراض آمیز، پس از آن هجوم و کشتار بیرحمانه، نشان دادند. چراکه آنها نمی خواستند "جو متشنج شود!" آنها می خواستند "تحریکات" گسترش نیابد". البته واقعیت نیز نشان داد که چه کسانی از این " حرکات غیرمسئولانه" از جانب "نیروهای غیرمسئول" نگران شدند. توده های مردم که در حاشیه خیابانها به تظاهرات افشاگرانه خیره شده بودند و در غالب موارد احساس همدردی میکردند، یا هیئت حاکمه که چنین حرکاتی را به زیان خود می دید. چراکه میدانست آنها خنثی کننده تمام سموم تبلیغاتی آنها درباره حوادث روزهای خونین دانشگاه است و ذهن توده های مردم را نسبت به حقایق موجود و ماهیت حوادث واقع آگاه میسازد و درست بهمین دلیل است که آنها ایجاد "تشنج" را نادرست می دانند و آن را کار "ضد انقلاب" قلمداد می کنند، چراکه "تشنج" از دیدگاه آنان یعنی مبارزه طبقاتی، یعنی بحران انقلابی و این طبعاً به مزاج آنان سازگار نیست، چراکه چنین تشنجاتی خصلت افشاگرانه دارد، ماهیت سیاستها و عملکرد هیئت حاکمه را در بین توده های مردم عریان می سازد و بهمین دلیل است که "تئوری عدم تشنج" به مفهومی که رفقای فدائی تئوریزه کردند و در عرصه عمل در حوادث دانشگاه نشان دادند، در تداوم خویش به نفی مبارزه طبقاتی می انجامد و توده ها را در پوشش "ملاحظات تاکتیکی" به تسلیم و تزلزل دربرابر هجوم ارتجاع ترغیب می کند. روشن است که ما نمی گوئیم رفقای

میان توده‌وسیع مردم‌ناآگاه‌ودانشجویان می رفت، بکلی مردودونادرست شمارد. ومقاومت را تا زمانی جایزشماردکه‌احتمال این درگیری می رود، حتی اگر این عدم‌مقاومت به‌بهای تصرف سنگرموردفاع توسط <u>ارتجاع</u> تمام شود.

تنها از این رهگذربودکه‌تا آخرین لحظاتی که (برپایه ملاحظات وایده‌های موردنظر) امکان پذیرمی شد، توده‌های دانشجوبه‌یاری وپشتیبانی وحمایت بی دریغ نیروی وسیعی ازتوده‌آگاه‌مردم‌می توانستندبه‌مقاومت ومبارزه‌خویش برای حفظ سنگرآزادی <u>دراین مقطع</u> ادامه‌دهند (۲). واین تنها راه‌اصولی وصحیحی بودکه‌می توانست درسنگردانشگاه (بمثابه‌یکی ازسنگرهای مبارزه‌توده‌ای) به‌پاسداری از خون شهدای ۱۶ آذرو۱۳ آبان وقیام‌خونین بهمن ماه و حفاظت ازکلیه‌دستاوردهای حاصله‌ازمبارزات چندین ساله توده‌ها وبخصوص قیام‌بهمن ماه‌بپردازد.

ارتجاع بود. این استدلال رافدائیان دراعلامیه‌چهارشنبه ۳ اردیبهشت خودچنین مطرح کرده‌اند:

"ما ازهمه‌هواداران خودمی خواهیم‌که‌ازشرکت در حرکات سازمانها وگروههائی که‌بدون مسئولیت و شناخت ازموقعیت کنونی مانع پیشبردسیاستهای درست واصولی می شوندا کیداً خودداری کنند".

این"حرکات"چیزی نبودجزراه‌پیمائی ونمایشات اعتراضی‌آمیزبمنظورافشای کشتار وسرکوب دانشجویان انقلابی ازجانب ارتجاع.

دلیل ظاهرفریبی ارائه‌داده‌شده‌است: "جلوگیری از تشنج". اما مسئله‌اساسی این است‌که‌دودیدگاه‌ودوبینش کاملا متفاوت درپس این "عبارت"لانه‌کرده‌است. <u>یکم</u>، دیدگاه‌اصولی ودرستی که‌از"تشنج"چیزی جزرودررو قرارگرفتن مردم‌دربرابریکدیگریا مردم‌دربرابرنیروهای انقلابی، دامن گرفتن تضادهای فرعی ویاکاذب درمیان توده‌ها به جهت تحریکات وتوطئه‌چینی های ارتجاع وبه‌انحراف افتادن

نقش برآب شدودراین روزودرطول تمام‌شب آن روز، مقاومت توده‌عظیمی ازدانشجویان دردانشگاه تهران، جلوه‌حماسه آوری بخودگرفت. این مقاومت وحمایت دهها هزارنفر از مردم‌آگاه‌ازآن درخیابانهای اطراف دانشگاه‌تهران، عملا پاسداران وباندهای فالانژرا منفردنموده‌بودوآنان را به حرکات دیوانه‌وارو‌هیستریک وادارمی نمود.

"لشکرکشی"توده‌ای ازجانب بنی صدربرای روزسه‌شنبه تعیین شده‌بود. بنی صدرواصولا تمام‌هیئت حاکمه‌با توسل به این تاکتیک می خواستندتوده‌مردم‌ناآگاه‌را به‌مقابله‌جوئی با دانشجویان مبارزبرانگیزانند. وبه‌تهاجم‌خودرنگ عوام‌فریبانه‌ای بدهندوبدینطریق‌کانون مقاومت دانشجویان مبارز را درهم‌شکنند. براساس این تاکتیک هیئت حاکمه در روز سه‌شنبه‌بودکه‌روزقبل ازآن، ازجانب "کمیته‌هماهنگی" تصمیم‌گیری نهائی درساعت ۶ صبح روزسه‌شنبه، تعیین شده بود، تا برپایه‌ارزیابی ازشرایط موجودتا آن لحظات تاکتیک مناسب اتخاذشودکه‌طبیعتاً این تاکتیک نمیتوانست

مجاهدین، درجریان یکسال وچندماهه‌اخیر، درمبارزه‌سیاسی، همواره‌توده‌های تحت نفوذ خویش را به‌عقب کشانده‌وبدنبال خط مشی سازشکارانه‌خویش روانه‌کرده‌اند. آنها بجای توسل به‌توده‌ها، بجای تکیه‌برمبارزات آنها، به‌شکافهای"بالا"چشم‌دوخته‌اندوبه‌اختلاف میان جناح بنی صدروحزب جمهوری اسلامی امیدبسته‌اندوبدون آنکه‌درپی ماهیت این اختلافات وشکافها باشند، خط مشی خودرابراساس کیفیت وعملکرداین اختلافات بنانهاده‌اند.

اما چریکهای فدائی خلق چه‌کردند؟ آنها برغم این ادعا که:

"نه‌اخراج استادان، معلمان ودانشجویان ونه تعطیل دانشگاه‌ها ومدارس وسرکوب وکشتاردانشجویان ودانش‌آموزان، هیچکدام‌نخواهدتوانست خللی درمقاومت آنها درمبارزه‌آنها به‌سودطبقه‌کارگر و زحمتکشان، علیه‌امپریالیسم وطبقه‌سرمایه‌دارایران ایجادکند"، (اعلامیه ۳۱ فروردین)،

خوددرمقاومت دربرابرهجوم‌ارتجاع دچارتزلزل شده‌وسرانجام پس ازکش وقوس های بسیارودرشرایطی که‌هنوزمقاومت می‌توانست ومی بایست ادامه‌یابد، سیاست شکستن مقاومت را درپیش گرفتندودرپهنه‌ء عمل ازطریق دانشجویان پیشگام جاری کردند.

بعدازظهرروزدوشنبه‌اول اردیبهشت، دانشجویان پیشگام، به‌تبعیت ازسیاست فدائیان، در" کمیته‌هماهنگی" تحویل دفاتروپایان دادن به‌مقاومت را پیشنهادنمودند. امابدلیل فشارهای هواداران ماودیگرنیروهائی که درخط مقاومت اصولی بودند، ونیزاینکه‌دلیل قانع کننده‌ای برای این عقب‌نشینی ارائه‌نمی کردند، ناگزیرپذیرفتندکه‌تا

مبارزه‌طبقاتی، را درنظرندارد. تمام‌کمونیستهای راستین از دامن گرفتن "تشنج"بدین مفهوم‌نه‌تنها بیزارند، بلکه‌می‌بایست پیگیرانه‌وباهوشیاری تمام‌ازگسترش وعملکردآن تا حدممکن جلوگیری بعمل آورند. طبیعتاً کمونیستها وتمام انقلابیون راستین می بایست دراتخاذ تاکتیک های خود امراساسی فوق را ملحوظ نظرداشته‌باشند.

<u>امادیدگاه‌دوم</u>، تئوری "عدم‌ایجادتشنج"را تاسرحدنفی مبارزه‌طبقاتی، وجلوگیری ازرشدوگسترش تضادهای واقعی ومبارزه‌انقلابی توده‌ها، تنزل می دهد. مجاهدین نمونه بارزوبرجسته‌این دیدگاه‌را ارائه‌می دهند. درجریان حوادث

جزشکستن مقاومت بدان شکل، چیزدیگری باشد. اما چگونگی شکستن این مقاومت، لحظه‌دقیق انجام آن و... طبیعتاً می بایست درساعت مقررشده تعیین وبه‌مرحله‌اجرا گذاشته می شد.

امارفقای فدائی چه‌کردند؟ آنها درنیمه‌راه‌مقاومت یعنی قبل ازآنکه‌آلترناتیوبسیج مردم دردانشگاه و احتمال درگیری متقابل مطرح شده‌باشد، دست ازمقاومت شستندوزنجیرمقاومت را درنیمه‌راه‌پاره‌کردند.

این حرکت عملی نشان میدادکه‌درواقع پشت "تئوری عدم‌تشنج"آنها، سپرانداختن دربرابرتهاجم‌ارتجاع وتهدید

را به "راه" بیا ورید سخت در اشتباه هستید. این افول مواضع انقلابی شما ست نه "نرمش" ارتجاع. وعیب کار تان هم اینست که اگر به دار و دسته‌ء حزب جمهوری اسلامی می تازید (از این بگذریم که محتوای این تاختن شما از اصولیت کافی هم برخوردار نیست) در عوض به "بنی صدر" "این بورژوای حیله‌گر دلخوش کرده اید و در دام فریب کاری های او افتاده اید. در این راه سازشکارانه منافع توده ها (و در این مورد مشخص منافع توده های انقلابی دانشجویان که بخشی از منافع جنبش توده ای است) را فدای مواضع انحرافی خویش می کنید. شما توده های هوادارتان را که در این روزها مشتاقانه تمایل به همپائی و همکاری با دانشجویان داشتند (و البته بسیاری از آنها برخلاف دیدگاه سازش طلبانه شما عملا درکنار دانشجویان ایستادند) به سازش با ارتجاع می خوانید.

مجاهدین دربند دیگری از این شاهکار خود می گویند:
"۴- تخلیه دانشگاهها از مراکز گروههای دانشجوئی نمی تواند در مورد انجمن هائی که هم اکنون بسیاری از دانشگاهها و مدارس عالی و منجمله مرکز دانشگاه تبریز را اشغال نموده اند، عمل نشود..."
(همانجا)

این منتهای "لطف و بزرگواری" است. راههای "قانونی" مبارزه و پای بندگشتن به "منطق" دشمن از این بیشتر ثمری نباید بدهد. ما "سنگرهایمان را خالی کرده ایم! اما شما هم "حق" ندارید دار و دسته‌تان را در دانشگاه

---

(۱)- پاورقی از صفحه قبل
رئیس جمهور در سخنرانی روز سه شنبه در دانشگاه گفت:
"... ما این سنگرهائی که در برابر ملت ما ساخته شود سنگرهای شیطان تلقی می کنیم و بدون کمترین ترحم آنها را درهم می کوبیم".
آیا این برای مجاهدین خلق که حداقل درلفظ (نه در عمل) دانشگاه را سنگر آزادی تلقی می کنند کافی نیست تا عواقب این همه سازشکاری خود را دربرابر بنی صدر درک نمایند؟! و یا مجاهدین را رجوع میدهیم به سخنان بنی صدر در مورد تروریزان ترکمن که گفت: من اگر قاضی بودم حکم اعدام آنها را می دادم و همینطور نظرات و اعمال بنی صدر در کردستان و ...

را نیز ما نند مرا کز فعا لیت دیگر دانشجویان بازپس ستانید، آیا جز این می توان قضاوت کرد؟

آری در این "هشدار" مجاهدین مطالب بسیاری هست که درلابلای سطور آن گرایشات مماشات جویانه و رفرمیستی موج می زند. این "هشدار" "شباهتهای زیادی به نامه هائی دارد که روزگاری "حاج سیدجوادی" برای "شاه" و "نخست وزیر" مینوشت. در آنجا هم "حاج سیدجوادی" از این "هشدارها" "بسیار" داد و افشاگری! می نمود. والبته امروز تصادفی هم نیست که مجاهدین خلق این چنین به لیبرال - رفرمیست هائی نظیر "حاج سیدجوادی" نزدیکی بیشتری نشان می دهند.

باری، از آنجا که در این مقاله محور اصلی انتقاد ما به مجاهدین خلق، انتقاد به خط مشی سازشکارانه و تسلیم طلبانه آنها در قبال اشغال دفاتر دانشجوئی است، از پرداختن به ریزتر این برخوردها که در طی چند روزه، مواضع لیبرالی، محافظه کارانه و تنگ نظرانه آنان را به نمایش گذاشت در می گذریم. ما در یک کلام می گوئیم که این موضع تسلیم طلبانه و سازشکارانه مجاهدین، چه بخواهند و چه نخواهند به سود ارتجاع و تحکیم مبانی قدرت او در یکی دیگر از سنگرهای مبارزه خلق - دانشگاه - تمام شد. مقاومت یکپارچه کلیه دانشجویان مبارز و انقلابی و کلیه گروههای سیاسی دانشجوئی اگر تحقق می پذیرفت، نمایش عظیمی از قدرت و مبارزه را ترسیم می کرد که چه بسا ارتجاع را در حمله به چنین کانون پرقدرت و مقاومتی دچار تردید و تزلزل می ساخت و حداقل اینکه یک مرحله تجاوز و هجوم او را به دستاوردهای انقلاب در دانشگاه به عقب می انداخت. این حرکت متحدانه و یکپارچه می توانست با بسیج توده‌ء عظیمی از دانشجویان - و نه تنها دانشجویان که توده‌ء مردم پشتیبان آنان - حماسه ای از مقاومت و مبارزه را به نمایش بگذارد و در یک مقطع شکست مفتضحانه ای را نصیب هیئت حاکمه بنماید. این مقاومت می توانست ارتجاع را به عقب نشینی وادا شته، توطئه هایش را بیش از پیش افشاء نموده و جنبش خلق را در کلیت خویش گامی به جلو براند. اما واقعیات عکس این را نشان داد. تسلیم طلبی و پرهیز از مقاومت مجاهدین (و نه تنها مجاهدین) دربرابر این هجوم گسترده جبهه مقاومت و متحد دانشجویان را دربرابر این تجاوز آشکار تضعیف نمود و رژیم را در اجرای نقشه های شوم ش جری تر ساخت. این گرایشات سازشکارانه به ارتجاع امکان می داد که با قاطعیت بیشتری به تهاجم

محک و معیار اصلی است برای شناخت عمیق تر مواضع، دیدگاهها و نقطه نظرات این نیرو. جنبش توده ای دانشجویان انقلابی که اخیراً در سراسر کشور خود به صدا ارتجاع و حافظین نظام سرمایه داری وابسته برخورد نمود و دست خدمتگزاران امپریالیسم را که به چماق و سلاح مجهز بودند بربالای سر خویش احساس نمود، به خط رهنمودی نیاز داشت که بتواند بر مسائل زیر نظارت داشته باشد:

۱- توده انقلابی دانشجویان را در مقابل هجوم وحشیانه ارتجاع متشکل نموده و حول یک برنامه معین سازمان دهی کند.

۲- این خط مشی می بایست برپایه مقاومت توده ای دانشجویان (چرا که جنبش دانشجوئی یک جنبش توده ای است و در ماهیت خود فرقی با سایر جنبش های توده ای مثلا جنبش خلق کرد ندارد)، و حمایت توده های آگاه مردم استوار بوده و دژ محکمی دربرابر ارتجاع بوجود آورد.

۳- این خط مشی مقاومت جویانه در عین حال می بایست خصلت و مضمونی افشاگرانه و تبلیغی داشته باشد، تا بتواند حیله و تزویرهای ارتجاع را در دروغ پراکنی و شایعه سازی خنثی و افشاء نماید.

۴- این خط مشی می بایست با هوشیاری از اوضاع و تکیه برحمایت توده ها نوع خودویژه ای از جنگ داخلی (تشنج به مفهوم به آنتاگونیسم کشاندن تضادهای درون خلق و قرار دادن مردم در برابر مردم) را که رژیم جمهوری اسلامی تدارک دیده بود، خنثی و به ضد خود و بر علیه آنان تبدیل نماید. این هدف در مضمون مقاومت جویانه و افشاگرانه خط مشی تجلی می نمود، نه برپایه مقاومت و مقابله جوئی دربرابر توده های ناآگاه مردم که بوسیله ارتجاع بسیج شده بودند (بمثابه یک تاکتیک آنارشیستی) و یا متقابلا نه برپایه تسلیم و عقب نشینی و اتخاذ موضع منفعل و پاسیو.

۵- این خط مشی می بایست مقاومت دربرابر توده های ناآگاه مردم را، درصورتی که به کانون مقاومت دانشجویان سرازیر می شدند و احتمال ایجاد درگیری

میتواندازحرکات گروههای فشارجلوگیری کند. چراکه او همانطورکه بارها خودتاکیدکرده است، درهدف با رقبای خوددردرون قدرت سیاسی مشترک است وتنها در روش با آنها مخالفت دارد.

مجاهدین بالاخره موضع نهائی خودرا در ۶ بنددراعلامیه مورخه ۵۹/۲/۱ اعلام می کنند. آنها سرانجام بعدازشهادت چندین دانشجوی انقلابی ودهها دانشجوی زخمی، ودرست درحالتی که توده‌های دانشجوی انقلابی بهمراه توده‌های مردمی که ازآنان حمایت می کردند، دربرابرفالانژها وپاسداران مسلح ایستادگی نمودند، چنین می گویند:

"۱ــ سازمان مجاهدین خلق ایران هیچگونه ستاد یا مرکزفعالیت سیاسی برای اعضاء خوددرهیچیک از دانشگاهها ومدارس عالی کشورنداشته وندارد. واگر چنین نمونه‌ای موجوداست هرکسی که مدعی است میتواندبه‌فوریت افشاء نماید".

("مجاهد" ۴۸، بنقل ازاعلامیه ۵۹/۲/۱)

این "زرنگی"وچابکی راباید به مجاهدین خلق تبریک گفت! آنها خیلی خوب مچ ارتجاع راباز می کنند! آنها "سنگرآزادی"را رها کرده فرارنموده وبعداعلام می کنند که بیائیداگرراست میگوئیدافشاء کنید! خیر هیئت حاکمه چنین افشاگری نخواهدکرد. شما ازفرمان شورای انقلاب اطاعت کرده اید. شما به "موازین قانونی"تعیین شده احترام گذاشتید شما خیلی راحت این سنگرهای مبارزه دموکراتیک ــ ضد امپریالیستی دانشجوئی را معلوم نیست به‌چه قیمتی رها نموده ودودستی تقدیم ارتجاع نمودید. بنابراین با شما کاری نیست. دیگرازجانب شما "تشنجی"صورت نگرفته است، شما به" آشوب "دامن نزده اید. بنابراین(البته به خیال خودتان)ارتجاع راهم با شما کاری نیست! اما این اشتباهی است که همه سازشکاران وهمهء کسانی که درمقاومت ومبارزه‌شان دربرابرارتجاع دچارتزلزل می شوند، مرتکب میگردند. شما اگرتصورکنیدکه با این کوتاه آمدن ها، با این برخورد ــ های سازشکارانه می توانیددل ارتجاع رابدست آورده و او رابه "راه"بیاوریدسخت دراشتباه هستید. این افول مواضع انقلابی شماست نه "نرمش" ارتجاع. وعیب کارتان هم اینست که اگربه‌دارودستهء حزب جمهوری اسلامی می تازید ... نه‌دادید ...

نگه‌دارید! "درخواست ساده‌لوحانه ودرعین حال خنده‌آوری است. هیئت حاکمه وباندهای درونی آن هریک بشکلی، به سنگردانشگاه هجوم آوردتا حاکمیت ارتجاعی خودراجانشین حاکمیت توده‌های دانشجونماید. وسایه‌سیاه وشوم خودرا بطور تمام وکمال برسراین کانون مقاومت ومبارزه بگسترانند. مجاهدین اما اکنون ازرژیم می خواهندکه این حاکمیت را برقرارنسازد! آنهم درزمانیکه سنگرهای خودرا دودستی وبدون هیچگونه "چشمداشتی"تحویل آنان داده‌اند. البته اشکال کاردراین است که مجاهدین حاکمیت هیئت حاکمه را تنها درمراکزفعالیت "انجمن اسلامی ..."می بینند. همان‌طورکه دستاوردهای دانشگاه راکه موردهجوم قرارگرفته است تنها درمراکزفعالیت دانشجویان یعنی دردفاترفعالیت آنها خلاصه می کنند. بهمین دلیل هم تصورکردندکه آنها دفاتر خودراتحویل دهندو"ارتجاع" (انجمن اسلامی ...!)هم دفاتر خودراتخلیه نماید، مسئله حل شده خواهدبود. دیگرمشکلی بوجودنخواهدآمد. آیا طرح چنین درخواست حقیرانه‌ای از رژیم، گویای این درک کوته‌بینانه ومحدودنگرنمی باشد؟

دست بزنند. انجام اینکاربسیارطبیعی بود. وقتی رژیم می ــ دیدکه یک نیروی سیاسی "دامن نزدن به‌تشنج"، "حرکت منطقی"و... رابهانه سازشکاری خویش قرارداده است و مرتب به‌جناحی ازحکومت (بنی صدر)چشم دوخته ودرانتظار الطاف اوست، چه‌دلیلی داردکه ازاجرای چنین نقشه ای، آنهم باقاطعیت هرچه‌تمام ترعدول نمایدوچنگال خون‌آلودش رااین باربسمت دانشگاه درازننماید؟

بهرحال، مادرارتباط با این موضع گیری وسایر مواضع لیبرالی وفعالیت سازشکارانه مجاهدین هشدار میدهیم، هشدارمیدهیم‌که این مواضع، مجاهدین رابتدریج ازیک خط مشی مبارزه‌جویانه وانقلابی، خط مشی ای درجهت منافع اساسی انقلاب، دورمی سازدوبسمت یک خط مشی تمام عیارلیبرال ــ رفرمیستی نزدیک ترمی سازد. وازجوهرانقلابی این خط مشی هرروزبیشترمی کاهد. آیا مجاهدین بدین هشدارها وقعی خواهندنهاد؟ ما فقط می توانیم‌چنین چیزی راآرزونمائیم.

تئوری "تشنج"یک تئوری رویزیونیستی است، چراکه عملا به‌نفی مبارزه‌طبقاتی می ــ انجامد. این "تئوری" ازتوده‌ها می خواهدکه‌برای جلوگیری ازگسترش بحران سیاسی در جامعه، دست ازمبارزه ومقاومت درتمامی عرصه‌های مبارزه‌طبقاتی بردارند.

تهمت نمی زنیم، واقعیت رابیان می کنیم. زمانیکه مجاهدین تابدانجا سقوط می کنندکه خواستار عادلانه‌دانشجویان یعنی حفظ سنگردانشگاه (ونه‌تنها دفاترومراکزفعالیت) بمثابه‌کانون آزادی وآگاهی راتاحدخواهش وتمنا ازهیئت حاکمه و"مسئولین امر"برای یک خواست حقیرتنزل میدهند، یعنی ازآنها می خواهندکه‌درتجاوزبه‌مراکزفعالیت دانشجو ــ یان تبعیض قائل نشود، ومراکزفعالیت "انجمن اسلامی" رانیزمانندمراکزفعالیت دیگردانشجویان بازپس ستانند، آیاجزاین می توان قضاوت کرد؟

آری دراین"هشدار"مجاهدین مطالب بسیاری هست که درلابلای سطورآن گرایشات ...

سازمان چریکهای فدایی خلق، توطئه اشغال دانشگاهها وتئوری «تشنج»

سیاست عملی یک نیروی انقلابی درقبال جنبش توده‌ای محک ومعیاراصیلی است برای شناخت عمیق ترمواضع، دیدگاهها ونقطه‌نظرات این نیرو. جنبش توده‌ای دانشجویان انقلابی که اخیراً درسرراه خودبه‌سدارتجاع وحافظین نظام ... وابسته برخوردنمودودست خدمتگزاران امپر...

می برد که نمی توان اهداف انقلابی را در آن بطور قانونی ومسالمت آمیز محقق ساخت ."

(مجاهد شماره ۴۴، شنبه ۳۰ فروردین ـ تاکید از ماست)

مجاهدین در این موضعگیری خود بهیچوجه معلوم نمیکنند که روی سخنشان با کیست . بکاربست کلماتی نظیر "تفرقه ـ انگیزان" ، "فتنه جوئی" و ... هیچ مطلبی را روشن نمیکنند . اما در عوض جملات مجاهدین مشحون است از راه حلهای "معقول ومنطقی" ، "بطورقانونی" و "نصیحت" به مقامات مسئول ، که نسبت به این "سنگرهای آگاهی و آزادی" چنین "بیرحمی" روا ندارند! مجاهدین معلوم نمی کنند که از کدام "منطق" و "قانون" صحبت می کنند . "منطق" و "قانون" انقلاب یا "منطق" و "قانون" ضد انقلاب ؟ مگر شما خودتان اسناد توطئه اشغال دانشگاهها را افشاء نکردید ؟ مگر درباره "حزب معلوم الحال" داد سخن نمی دهید و مگر شما سردمداران این "حزب" را در شورای انقلاب نمی شناسید ؟ دیگر ابهام قضیه کجاست ؟ در کجای دنیا مسئله آزادی را با قانون ومنطقی حل می کنند که یکطرف آن (بقول شما) مرتجعین و "نیروهای میرا" قرار دارند وطرف دیگر آنرا "طبقات بالنده" تشکیل می دهند ؟ چه دلیلی وجود دارد که شما این چنین با "نرمش" و پر از ابهام سخن می گوئید ؟ چرا موضع ونظرتان را صریح بیان نمی کنید و برای توده هوا ـ دارتان در دانشگاه نظر و خط مشی خودرا معلوم نمی کنید ؟

اما مجاهدین با اظهار گلایه ای که در نقل قول فوق نموده اند ، نشان داده اند که از "بی انصافی" طرف مقابل آزرده خاطر شده و از این رنجیده اند که به "ناسازگاری ومخالفت با نهادهای حاکم متهم" شده اند . و خواسته اند "ریگ کفش" اتهام زنندگان را در لای جملات پیچ درپیچ نشان بدهند و چنین اظهار می کنند که : "شما اشتباه می کنید ، ما طالب قانون ومنطق هستیم . ما دانشگاه ها این "سنگرهای آزادی و آگاهی" را بشما تسلیم می کنیم چرا که ما پذیرفته ایم که در چهارچوب آزادیهائی که رژیم اعطاء کرده است فعالیت کنیم . چرا که ما قانونیت رژیم کنونی را پذیرفته ایم . پس بدون جهت تهمت نزنید "! آری درپس جملات مجاهدین این اعتقاد خوابیده است و این فقط یک ادعا نیست . درسطور بعد نشان خواهیم داد که این تسلیم چگونه آشکارا صورت می گیرد !

مجاهدین در انتهای این اظهار نظر خود می گویند :

"از کلیه اساتید ، کارکنان ، دانشجویان متعهد دانشگاه حاکمه طلب می کنند و شکوه و شکایت به پیش او می برند . جناحی که خود برای این تهاجم و تجاوز (البته در شکل مردمی اش آن صحه گذاشته است) . درست بدلیل همین تناقض است که چنین به ابهامگوئی می افتند . و از توده های دانشجو ... می خواهند نسبت به "سرنوشت مراکز آموزشی خود ، بی تفاوت نمانند" .

آیا دانشجویان انقلابی حق ندارند از شما بخواهند که مفهوم "بی تفاوت نماندن" را روشن کنید ؟ آیا شما بعنوان یک سازمان سیاسی ، بعنوان وارث یک سازمان رادیکال که سنتهای گرانبهائی در مبارزه ضد امپریالیستی از خود بجا گذارده است ، موظف نیستید که در قبال دفاتر دانشجوئی ، بعنوان یکی از مراکز مبارزات دموکراتیک ـ ضد امپریا ـ لیستی دانشجویان انقلابی و یکی از دستاوردهای مهم قیام خونین خلق که ضد خلق نتوانسته است آنان را از میان بردارد ، موضع صریح خودتان را روشن کنید ؟ آیا باید با عجز ولابه از "سنگر آزادی و آگاهی" دفاع کرد ؟ "بی تفاوت نماندن" را شما معنی نکرده اید تا بتوانید در روزهای بعد معنای دقیق آنرا که عبارت از تسلیم دفاتر به ارتجاع است در عمل و در موضعگیری خود نشان دهید . "بی تفاوت نمانید" ! حیران باشید تا ما اگر توانستیم از طرق "قانونی" ! و در مذاکره با همدست "حزب معلوم الحال" یعنی "بنی صدر" بجائی برسیم آنگاه معلوم میشود که شما چه کنید ! خیر این موضع انقلابی نیست . موضع انقلابی تکلیف یک قضیه سیاسی را به شیوه انقلابی حل می کند و راه حل آنرا نیز بطور روشن نشان میدهد "بی تفاوت نمانید" ، حرفی است که گفته شده است برای اینکه چیزی گفته شود و این خاصیت فرصت طلبانه موضعگیری ـ های رهبری مجاهدین خلق است .

دربحبوحه بحث برسر مقاومت یا تسلیم درحالیکه دانشجویان انقلابی درسنگرهای آزادی مقاومت می کردند ، مجروح وشهید می شدند (دانشگاه شیراز و ...) "مجاهد" ۴۵ منتشر میشود . مجاهد درقسمتی از سرمقاله اش زیر تیتر "سرنوشت آزادی" ؟ آورده است :

"درحالیکه صحنه های سیاسی ما هنوز از ساواک و سیا پاک نشده و حتی یک فهرست هم در این باره نداده اند ونمی دهند ، درحالیکه قراردادها و روابط استعماری هنوز به طور رسمی درجای خود باقی است و در حالی

نوشته اید ، می گوئید : "دانشجویان مهرمان هم درخانه خود ایستاده و از آن دفاع می کنند" ! آیا این تحسین وتمجید شما از یکطرف ومواضع پر از ابهام ، کتک ، دوپهلو و اصلا عدم موضعگیری شما از طرف دیگر ، خواننده را بیاد آن کنار گود نشین که برای کشتی گیران دستور صادر می کند نمی اندازد ؟ وآیا شما مصداق "من آنم که رستم بود پهلوان" نیستید ؟

خط مشی مقاومت جویانه شما ورهنمودهای عملی تان کجاست ؟ مجاهدین خلق به این موضوع پاسخی نمی دهند . آنها به مقاومت توده ای وتوجه به توده ها کاری ندارند . آنها بسوی "بالائی" ها روی آور شده و چشم به آنان دوخته اند . شب یکشنبه ۳۱ فروردین در ارتباط با حمله چماقداران به دفتر مجاهدین در مشهد به رئیس جمهور "تلگراف فوری" می فرستند و از رئیس جمهور خواستار "دخالت فوری وقاطع" میشوند . آنها "فراموش" کرده اند که تا بحال چه مقدار از این درخواستها و از این محکوم کردن ها توانسته است چماقداران وقداره ـ بندان باند جمهوری اسلامی را به دادگاه (لابد "انقلاب اسلامی") بکشاند ، آنها از این شیوه "مبارزه" دست برنداشته و روز بروز بیشتر در آن غرق میشوند . آنها فراموش کرده اند که در مرداد ـ شهریور پارسال در آستانه یورش به کردستان چه نیروئی بود که از ستاد آنها محافظت نمود . آنها توده های هواداری که مشتاقانه پس از اطلاع از اینکه ممکن است فالانژها به دفتر مجاهدین حمله کنند ، بگرد دفتر جمع شده و از حمله عوامل تحریک شده توسط باندهای ارتجاعی جلوگیری میکردند ، را فراموش نموده اند . اما مجاهدین همواره این توده ها را به عقب کشیده و بدنبال خط مشی سازشکارانه خویش روانه کرده اند . بجای توسل به توده ها ، بجای تکیه به مبارزات آنها وحقوقی که در این زمینه دارند به شکافهای "بالا" چشم دوخته اند و به اختلاف میان جناح بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی امید بسته اند و بدون آنکه درپی ماهیت این اختلافات باشند ، خط مشی خود را براساس کیفیت این اختلافات (۱) بنا نهاده اند . آنها به رئیس جمهور روی می آورند و خواستار "دخالت فوری" وی میشوند . "غافل" از اینکه بنی صدر نه تنها آزادیخواه نیست بلکه از ترورکنندگان برجسته عقاید و افکار آزاد ، مترقی و انقلابی است . آنها "غافل" اند که بنی صدر نه میخواهد ونه

(۱)ـ پاورقی درصفحه بعد

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

است، فراتر نرفته ودرآن محصور بماند. تمام تاکتیکها و سیاستهای روزمره سازمان مجاهدین حول این خط مشی اساسی شکل می گیرد. وبهمین جهت مضمون وخصلت رفرمیستی ولیبرالیستی دارد.

سازمان مجاهدین نمی تواند هم چهارچوب قانونی رژیم جمهوری اسلامی را بپذیرد وهم درجهت مبارزه طبقاتی وانقلابی توده ها حرکت نماید. این تناقض وبن بست را سرانجام باید درجائی بشکند وتکلیف نهائی خودرا تعیین نماید. بدون تردید مبارزه توده ها، فارغ از "هشدارهای خیرخواهانه" مجاهدین به آنها که درمبارزه "زیاده روی" نکنند! سیر رو به اعتلای خودرا طی خواهد کرد ودرهرگام خود حدود قانونی حکومت را مورد تعرض قرار خواهند داد، ومجاهدین اگر نخواهند بر چنین حقیقتی گردن نهند واگر بخواهند کماکان برچنین محدودیتی درخط مشی سیاسی وفعالیت های عملی خود پافشارند، وبالاخره اگر بخواهند که همچنان دردام پندارهای لیبرالی نسبت به ماهیت وکیفیت حکومت کنونی باقی بمانند، بدون شک از مبارزه طبقاتی توده ها فاصله خواهند گرفت ودرمسیر خلاف جهت آن به حرکت درخواهند آمد.

★ ★ ★

باری، گفتیم که تمامی سیاستها وتاکتیک های سازمان مجاهدین درقبال رویدادها وحوادث جاری کشور بطور عمده ازدوانحراف اساسی فوق درخط مشی سیاسی آنها مایه می گیرد. بنابراین هرگونه برخورد به این تاکتیک ها باید حتماً با درنظرداشت این دوانحراف اساسی صورت گیرد. موضع این سازمان درقبال مسئله اشغال دانشگاهها نمونه برجسته ای از این حرکت وموضعگیری سازشکارانه را به نمایش گذاشت. بطور خلاصه سیر تکوینی این موضگیری را دنبال می کنیم:

"بنابراین اگرکسی قصد فتنه جوئی نداشته باشد وصرفاً چنانکه گاه گفته میشود، بازسازی انقلابی آموزش کشوررا اراده کرده است، میتواند بخوبی آنرا از طرق معقول ومنطقی به پیش براند. مگراین که به رغم متهم کردن دیگران به ناسازگاری ومخالفت بانهادهای حاکم، خود معتقد باشد که دریک نظام ضد مردمی بسر می برد که نمی توان اهداف انقلابی را درآن بطور قانونی ومسالمت آمیز محقق ساخت."
(مجاهد شماره ۴۴، شنبه ۳۰ فروردین- تاکیدازماست)

- ها ومدارس عالی نیز انتظار داریم که در چنین شرایط حساسی نسبت به سرنوشت مراکز آموزشی خود - این سنگرهای آگاهی وآزادی - بی تفاوت نمانند".
(همانجا)

اگرشما اعتقاد دارید که دانشگاه "سنگر آگاهی وآزادی" است، اگر اعتقاد دارید که این "سنگر" ازجمله سنگرهای بی شماری است که بدست توانای توده ها (ودراینجا دانشجویان انقلابی)، درجریان قیام پرشکوه بهمن ماه فتح شده است، بنابراین زمانیکه این "سنگر" همانند دیگر سنگرهای انقلابی چون کردستان، مورد تهاجم وتجاوز ارتجاع قرار می گیرد تا از آنها باز پس گرفته شود، یعنی زمانیکه کوشش میشود که در این سنگرها، حاکمیت ارتجاع جانشین حاکمیت توده ها گردد، آیا جای هیچگونه تردیدی وجود دارد که باید در برابر این تجاوز وتهاجم مقاومت نمود واین "سنگر" را بیک کانون مقاومت تبدیل کرد؟

که ... چگونه میتوان از انقلاب فرهنگی دم زد؟".
(مجاهد ۴۵، یکشنبه ۵۹/۱/۳۱)

ما هم جملات بالا را تکرار نموده واز مجاهدین سئوال می‌کنیم که چنین نظامی، نظام حکومتی چه کسانی است؟ آیا در شورای انقلاب یا دفتر رئیس جمهور باید برعلیه امپریالیسم وعدم پاکسازی صحنه های سیاسی از سیا وساواک و... مبارزه وافشاگری نمود؟ آیا این سنگر آزادی که شما از آن نام می بریدکجاست؟ کجای دنیا دریک نظام استثمارگر ووابسته به امپریالیسم حدود آزادی را برای نیروهای انقلابی، هیئت حاکمه تعیین می کند؟ شما که مرتب درالتهاب چک وچانه زدن با هیئت حاکمه (ومشخصاً بنی صدر) برای حل مسئله دانشگاهها می سوزید، واز راههای "قانونی" سخن میگوئید، دوستدار آن نیستید که حزب جمهوری اسلامی، رئیس جمهور و قانون دستپخت خبرگان برای شما "آزادی" را تعریف نموده و

هرچه جنبش انقلابی، توده های وسیع تر واقشار وگروههای اجتماعی جدیدتری را در بر میگیرد، زنجیر توطئه وسرکوب هیئت حاکمه نیز طول بیشتری می یابد و بر تعداد حلقه های آن افزوده می گردد. حمله به دانشگاه تنها حلقه ای از این زنجیر سرکوب است.

اختلاف میان بنی صدر وحزب جمهوری اسلامی، درجریان هجوم به دانشگاهها، درهدف نبود، بلکه در روش بود. هرکدام از آنها، بحکم موقعیت خود برای رسیدن به هدف، روشی را جستجو می کرد که موضع ابتکار عمل او را دراین جریان حفظ نماید وامکان تسلطش را بر این نهاد بوجود آورد.

مجاهدین به این سئوالات نمی توانند بطورکلی پاسخ منفی بدهند. اما از آنجائیکه حاکمیت ارتجاع را پذیرفته اند وبه نظم وقوانین آن گردن نهاده اند وبخود حق نمی دهند که پا را از گلیم آزادی ای که رژیم گسترده است، فراتر بگذارند به ناگزیر به این سئوالات درعرصه عمل وزمانیکه مسئله بطور مشخص مطرح است پاسخ مثبت می دهند. ولی حداکثر پاسداری از این "سنگر" را نه از توده های مقاوم بل از جناحی از هیئت حاکمه طلب می کنند وشکوه وشکایت به پیش او می برند. جناحی که خود براین تهاجم وتجاوز (البته درشکل مردمی اتر آن صحه گذاشته است). درست بدلیل همین تناقض است که چنین به

حدود آزادی دردانشگاه را برایتان تعیین نمایند؟ آیا آزادی را توده ها کسب نمی کنند واز آن پاسداری نمی نمایند؟ پس خط مشی انقلابی شما برای حفظ سنگر آزادی درکجاست؟ نشریه شما تبدیل بیک مخبر "صادقی" شده است که فقط اخبار درگیری های دانشگاهها را درج می کند ودرآن گیرودار دست به "افشاگری"! زده وبرای سرنوشت آزادی اظهار نگرانی می کند! شما درزیرنویس تصویری که از مقاومت دانشجویان نوشته اید، می گوئید: "دانشجویان قهرمان هم درخانه خود ایستاده واز آن دفاع می کنند"! آیا این تحسین وتمجید شما از یکطرف ومواضع پرازابهام، شک، دوپهلو و اصلا عدم

جمهوری اسلامی را مدنظر دارد، لیکن از شیوه‌های ریاکارانه‌تر و پیچیده‌تر بورژوائی استفاده می‌کند. این سیاست در چهارچوب کلی خود چیزی خارج از همان "منطق چماق و نان شیرینی" که ما در پیکارهای قبلی بدان پرداخته‌ایم، نیست. بنی صدر کوشش می‌کند که در لباس "آزادیخواهی" و "دموکرات نمائی" آزادیها را سرکوب کند و همه جا را در قبضه قدرت رژیم جمهوری اسلامی درآورد. بنی صدر از باند ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی "عاقل تر" است و به کارهایش صورت "قانونی" می‌دهد. او سعی می‌کند در صف انقلاب تفرقه بیندازد، نیروهای متزلزل را بسمت سیاست‌های خود بکشاند و یا حداقل خنثی کرده و با ضعیف ترکردن صف انقلاب بر آن بتازد. بنی صدر بجای استفاده از دستجات فالانژ نظیر چماقداران و یا انجمن های اسلامی وابسته به حزب جمهوری اسلامی، توده‌های مردم را به دانشگاه می‌کشاند و این همان چیزی است که در سخنرانی نوروزی خود، برپایه پیام آیت الله خمینی نویدش را می‌داد:

"اگر من رئیس جمهور منتخب شما از پشت رادیو و تلویزیون گفتم که در فلانجا یا فلان شهر آشوب کرده‌اند، اگر نان در دست دارید، زمین بگذارید و به آنجا بروید ..."!

و این در یک کلام یعنی جنگ داخلی. یعنی آشوب و یعنی برانگیختن خلق علیه خلق و این تاکتیک بغایت شوم، ارتجاعی و محکوم بشکست است.

بدین ترتیب اختلاف میان بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی در جریان هجوم به دانشگاهها در هدف نبود، بلکه در روش بود. هر کدام از آنها بحکم موقعیت خود برای رسیدن به هدف، روشی را جستجو می‌کرد که موضع ابتکار عمل او را در این جریان حفظ نماید و امکان تسلط را برای این نهاد بوجود آورد. و به عبارت دیگر موضع هر یک را در مجموعه قدرت سیاسی تقویت نماید. حزب جمهوری اسلامی، با تکیه بر تشکیلات سراسری و سازمان یافته و بسته بخود در سراسر دانشگاهها (انجمن های اسلامی ...) تلاش کرد تا "انقلاب فرهنگی" در دانشگاهها "جاری" کند و دانشگاه را به تیول خود درآورد و بنی صدر که فاقد یک چنین تشکیلات و نهادهای سازمان یافته‌ای بود، "مردم" را به یاری گرفت و فرمان لشگرکشی توده‌های ناآگاه مردم را به دانشگاهها صادر کرد، و هشدار داد که هیچ ارتجاع به نمایش گذاشتند. در اینجا روی سخن ما با آن نیروهائی است که در صف انقلابند و تاثیر منفی تربیت سیاسی – ایدئولوژیک آنان بر توده‌های انقلابی هوادار آنان زیانی است به انقلاب و نیروهای انقلابی که بتدریج از ظرفیت و توان انقلابی جنبش کاسته و لزوماً به نفع ضد انقلاب خواهد شد. در جریان حرکت دانشجویان انقلابی در مقابل یورش ارتجاع دو خط مشی و دو دیدگاه متضاد واردعمل شدند. یکی خط مقاومت و مبارزه و دیگری خط سازش و مماشات.

یکی چنین استدلال می‌نمود که برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و حفظ سنگر آزادی و آگاهی باید در برابر سپاه جهل و تاریکی، سنگر مقاومت و مبارزه فعال ایجاد نمود و دیگری چنین استدلال می‌کرد که نباید "موجب تشنج بشویم". اساس اختلاف این دو دیدگاه بر این بود که آیا باید با ارتجاع بطور همه جانبه‌ای مبارزه نمود یا با او ساخت و فقط به برخی "افشاگری های" لیبرالی محدود و از موضع انفعال اکتفا نمود؟...

در زیر می‌کوشیم سمت و سوی این دو خط مشی، اثرات و زیانهای آنرا (در چهارچوب برخورد به مسئله دانشگاه) در مواضع سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریکهای فدائی خلق مشخص نمائیم.

سازمان مجاهدین خلق و مسئله اشغال دانشگاه:

موضعگیری سازمان مجاهدین در قبال اشغال دانشگاه‌ها حلقه‌ای است از سلسله زنجیر راست روانه‌ای که مدتهاست این سازمان در قبال هیئت حاکمه و مسائل انقلاب و رویدادهای اجتماعی به نمایش گذاشته است. پایه اساسی این خط مشی راست روانه را باید بطور عمده در: الف – ارزیابی انحرافی آنها از جناحی از رژیم (جناح بنی صدر) و دنباله روی از آن، ب – در محصورکردن فعالیت سیاسی و عملی شان در چهارچوب قانونیت رژیم کنونی، جستجو نمود.

۱ – سازمان مجاهدین خلق نشان داده‌اند که با دنباله روی از سیاست های ریاکارانه بخشی از هیئت حاکمه و در عوض موضعگیری "حاد" در قبال بخش دیگر، قادر به درک رابطه ناگسستنی میان این مجموعه نبوده و با تفکیک جناحها از یکدیگر جبار را بدام سیاست جناحی از هیئت حاکمه افتاده‌اند.

۲ – مجاهدین خلق، پایداصلی فعالیت سیاسی خود را درچهارچوب پذیرش نظم سیاسی کنونی، و قانونیت آن استوار نموده‌اند و بهیچ رو حاضر نیستند که پا را اندکی از این چهارچوب و قانونیت فراتر نهند و این یکی از علل اساسی انحراف در خط مشی سیاسی آنها، در دوره کنونی است. مجاهدین می‌کوشند تا بهر طریق ممکن این قانونیت را خدشه دار نکنند و به راه هائی کشانده نشوند که حریم سیاسی رژیم را مورد تجاوز قرار دهد. مجاهدین در کلیت فعالیت سیاسی خویش بر چنین نظمی گردن نهاده‌اند و لاجرم عرصه حرکت و مبارزه سیاسی خود را بطور فاحشی در مجاری تنگ و باریکی محدود کرده‌اند. آنها می‌کوشند تا فعالیت سیاسی علنی خود را بهر طریق ممکن حفظ نمایند. فعالیت علنی جز در چهارچوب قوانین و قید و بندهائی که حکومت و یا به عبارت بهتر بورژوازی بوجود آورده است، معنائی ندارد. محدود کردن فعالیت سیاسی در چهارچوب فعالیت علنی، یعنی در چهارچوب پذیرش نظم بورژوائی حاکم، همانا رفرمیسم و لیبرالیزم است و این یعنی به مبارزه طبقاتی، اجازه ندهیم جز در مجاری تنگ و باریکی که رژیم سیاسی موجود ایجاد کرده است، جریان یابد. چنین خط مشی و سیاستی به معنای کشاندن مبارزه طبقاتی توده‌ها به مبارزه‌ای که در هرگام از حرکت خود، به حریم "مقدس" بورژوازی و حکومتگران تجاوز می‌کند و چهارچوب قانونیت حکومت را درهم می‌شکند، از راه انقلاب به راه رفرمیسم مفهوم دیگری ندارد. مبارزه طبقاتی در هر کارخانه و مزرعه، در هر موسسه و اداره، در کوچه و خیابان و در هر کجا که زندگی جریان دارد، پیوسته در جریان جوشش و تداوم خویش نظم بورژوازی را مورد تجاوز قرار می‌دهد، قوانین آن را بزیر پا می‌گذارد و منافع اساسی طبقات حاکم را به خطر می‌اندازد. این خصلت قوانین مبارزه طبقاتی است.

کوشش برای بازداشتن این مبارزه از تجاوز به حریم بورژوازی و شکستن قوانین دست و پاگیر آن، از جانب هر نیروئی که صورت گیرد جز به معنای تهی کردن جوهر انقلابی این مبارزه و دادن سمت و سوی رفرمیستی و لیبرالی به آن معنای دیگری ندارد. و اکنون سازمان مجاهدین چنین خط مشی را پیشه کرده است. سازمان مجاهدین می‌خواهد که مبارزه طبقاتی توده‌ها، بهیچ وجه از دایره‌ای که رژیم ترسیم کرده است، دایره‌ای که فراتر از آن نفی حاکمیت رژیم بورژوازی

هجوم به دانشگاه‌ها توطئه ارتجاع و خواست امپریالیسم است

وبهمین دلیل است که خلقهای ما بیشترازیکسال اســــت دروغهای نوع آریا مهری راازپشت رادیوتلویزیون وابسته به رژیم جمهوری اسلامی نیزمی شنوند. آنها خودتحریک می - کنند، کشتار می کنند، توده‌های آگاه مردم وانقلابیون راموردآزار وضرب وشتم قرارمی دهند، اما برای فریب توده‌ها تمام قضایا راوارونه جلوه می دهند. برای سرکوب خلق کردیکبار محاصره زنان درسنندج وسربریدن پاسداران و... علم میشــــود و یکبار دیگرجنگ کردوترک وبار دیگردفاع ازتجاوزات عراق وممانعت نیروهای انقلابی ازرفتن ارتش به مرزها و.... وخلاصه اینکه رژیم جمهوری اسلامی درلافزنی ، دروغگوئی و جنایتکاری روی بسیاری ازرژیم‌های مشابه خودرا سفیدمی - کند. دراینجا لازم است به این موضوع هم اشاره کنیم که جناح - های مختلف هیئت حاکمه به یکسان این هدف راپیش نمیبرند وازهمین لحاظ با یکدیگراختلافات آشکاری دارند. باند سیاه وارتجاعی "حزب جمهوری اسلامی" که رهبران آن درشورای انقلاب نیزحضوردارند به وحشیانه ترین وعقب مانده ترین شکلی برای پیشبرد هدف عمومی هیئت حاکمه تلاش می کنند. رهبری این حزب برای شوراندن توده‌های مردم علیه انقلا - بیون کمونیست ودیگرنیزوهای انقلابی ازهیچ کوشــــش جنایتکارانه‌ای فروگذارنمی کندوبرای کسب هرچه بیشتــر قدرت درهیئت حاکمه ازهرطریق که بتواندوارد عمل می گردد بعنوان مثال همین جریان حمله به دانشگاه را درنظربگیریم. ایده اساسی وهدف کلی که عبارت ازتصرف دانشگاهها وخالی کردن آن ازفعالیت گروههای انقلابی دانشجوئی و... بود درنزدشورای انقلاب وبنی صدرو... یکی بوده وهمگی خواهان انجام وتحقق آن بودند. اما چندروزقبل ، اسنادی که توسط "انجمن دانشجویان مسلمان" افشاء شد، نشان دادکه حــزب جمهوری اسلامی قصدداشت که باابتکارخودوازطریق انجمن - های اسلامی دانشگاهها واردعمل شودودربرخی جاها نیزواردعمل شد. حزب جمهوری اسلامی برای قبضه کردن دانشگاهها از طریق انجمن های مذکوروبرای اجرای نقشه‌های خویش بـــه هرنوع عملی دست می زدومی زند. برای پیشبرد هدف مذکور، ازطرف جناح دیگرهیئت حاکمه به نمایندگی بنی صدرتاکتیک دیگری بکارگرفته میشود. بنی صدرهم پیمودن همان راه حزب جمهوری اسلامی را مدنظردارد، لیکن ازشیوه‌های ریاکارانه - تروپیچیده تربورژوائی استفاده می کند. این سیاست در چهارچوب کلی خودچیزی خارج ازهمان "منطق چماق و نـــان

دسته وگروهی حق نداردخارج ازمجرای "قانون" و "دولت" چنین برنامه‌ای را به پیش برد. اگرروش "حزب جمهوری اسلامــی"، تجلی عریان هدف موردنظریعنی سرکوب دانشگاهها وبازپس گرفتن دستاوردهای انقلابی دراین کانون مبارزه وتداوم انقلاب، را درخودمنعکس میساخت، بدون آنکه هیچ گونه پرده - پوشی صورت گرفته باشد. روش بنی صدر، هدف را درپس لایـــه ضخیمی ازعوامفریبی وروشهای به اصطلاح "قانونی" ومردم - پسند، پنهان می ساخت وازاین لحاظ نیزخطرناک تروریا - کارانه تربود.

اما موضعگیری نیروهای انقلابی درچنین لحظاتی که یک رخدادبه مرکزتوجه توده‌های وسیع مردم تبدیل میشود، در لحظاتی که حمله به بخشی ازدستاوردهای قیام خونین بهمـــن ماه دردستورقرارمی گیرد، درلحظاتی که جنبش توده‌ای (درهر بخش خود) محتاج رهنمودهای انقلابی ای است که بتوانـــد مبارزه را بنفع خلق وبزیان ضدخلق به پیش ببرد، درلحظات حساسی که دربطن خودبه اندازه ماهها بارافشاگری وانتقال آگاهی به توده‌ها را حمل می کندوبالاخره درلحظاتی که هیئت حاکمه میخواهدثمرهٔ تاکتیک ضدخلقی اش را بچیند... آری

مجاهدین خلق براین اساس قادربدرک اتحادواتفاق نظـــر اساسی هیئت حاکمه درمقابله با انقلاب نبوده ونشان داده - اندکه تحلیل هایشان وبه تبع آن تاکتیکهائی که اتخـــاذ نموده اندبرمبنای آنچه که درسطح می گذردوتجلی پیدا می - کنداستوارگشته است وبنا چاربا حرکت ازپایگاهی نادرست به دارودستهٔ حزب جمهوری اسلامی تاخته اندوبلافاصله بدام سیاست لیبرالی گرفتارشده‌اند. گذشته ازمصلحت اندیشی های رهبری مجاهدین خلق وموضع مماشات جویانه‌ای که درقبال مسائل جاری دراینجا وآنجا اتخاذنموده‌اند انتقادما بـــه اساس ضعف وتزلزلی است که درمواضع این سازمان رخ نموده ودرطول یکسالهٔ پس ازقیام مرتباً ازظرفیت انقلابی آنـــان کاسته ودرعرصه سیاست مداماً آنان راازموضع رادیکال انقلابی به مواضع لیبرالی وسازشکارانه نزدیک نموده است. سکوت و عدم موضعگیری درقبال سرکوب کردستان درتابستان گذشته که امروزنیزدقیقا تکرارمیشود، افتادن بدام هیاهـــوی تبلیغاتی هیئت حاکمه درمبارزه ضدامپریالیستی ، سیاست - های نادرست وبغایت لیبرالی درقبال انتخابات مجلـــس شورای ملی، دوری جستن ازقطب انقلاب وکمونیستها ، اما در

مجاهدین خلق، پایه اصلی فعالیت سیاسی خودرا درچهارچوب پذیرش نظم سیاسی کنونی و قانونیت آن ، استوارنموده‌اندوبهیچ روی حاضرنیستندکه پاراندکی ازاین چهارچوب وقانونیت فراترنهندواین سرآغازانحراف درخط مشی سیاسی وعملی آنهادردوره کنونی است.

درچنین لحظاتی نیروهای انقلابی با موضعگیری اصولـــی خویش بایدبیانگرتجسم اراده توده‌هائی باشندکه با دشمن به مبارزه ومقاومت دست زده است. بایدچراغی باشند فراراه حرکت توده‌ها تا برضدانقلاب هجوم کنندو در دفاع وپاسداری ازسنگر خویش جانانه مقاومت نماید.

درجریان یورش رژیم به سنگرآزادی، نیروهای سیاسی مختلف بارو توان ایدئولوژیکی ومیزان کشش خودرا درمبارزه بــا ارتجاع به نمایش گذاشتند. دراینجا روی سخنمان بــا آن نیروهائی است که درصف انقلابندوتاثیرمنفی تربیت سیاسی - ایدئولوژیک آنان برتوده‌های انقلابی هوادارآنان زیانی

عوض روی آوردن به محافل لیبرالی ولیبرالها ، دلخــوش داشتن به حرکات بنی صدروحمایت ازوی درقبال مرتجعیـــن حزب جمهوری اسلامی و... سلسله زنجیری است که سازمـــان مجاهدین فعلی راازسنتهای پرافتخارمجاهدین خلـــق و روحیه عمیقاً انقلابی ورادیکال این سازمان بتدریـــج دور می سازد. واین نمی تواندبرای انقلاب خطرناک نباشد.

۲ - مجاهدین خلق ، پایه اصلی فعالیت سیاسی خود را درچهارچوب پذیرش نظم سیاسی کنونی، وقانونیت آن استوار نموده‌اندوبهیچ روحاضرنیستندکه پاراندکی ازاین چهار -

بوده و هربار به شکلی کوشش نموده‌اند تا آنرا زیر سیطره ارتجاعی خویش درآورند. اما بدلیل جوشش جنبش توده‌ای از یکسو و طپش نبض انقلاب در دانشگاه و گرایش روزافزون توده‌های دانشجو بسمت جبهه نیروهای انقلابی و بویژه انقلابیون کمونیست، قادر نبوده‌اند که نقشه شوم خود را عملی ساخته و دانشگاه را بجای سنگر آزادی به قبرستان آزادی تبدیل نمایند.

اما سرانجام روند اعتلای انقلابی در سراسر کشور و افزایش بیش از پیش حرکات انقلابی در کانون پرخروش انقلاب، طاقت هیئت حاکمه را طاق کرد و وی را وادار نمود که در پی تدارک دور دیگری از تهاجم و سرکوب به انقلاب در سراسر کشور و بویژه مرکز جوشان آن در کردستان، تهاجم سراسری، وسیع و همه جانبه‌ای را به دانشگاهها آغاز نماید.

بدیده ما این تهاجم حلقه‌ای از زنجیر یورش و سرکوب سراسری جدیدی است که زمینه‌های آن از مدتی پیش فراهم شده و آثار و عوارض آن از همان زمان قابل رویت بود. این تهاجم سراسری که دور دیگری از سرکوب را برای انقلاب به ارمغان می آورد، انعکاس روشنی از تمایل و نیاز قابل فهم هیئت حاکمه به ایجاد "ثبات" و "امنیت" در کشور و پایان دادن به وضعیت شکننده و بی ثبات حکومت و بازسازی هرچه سریعتر نظم سرمایه‌داری وابسته‌ای است که روزبروز بیشتر در محاق بحران و فروپاشیدگی فرو می رود.

هیئت حاکمه زمان مناسبی را نیز برای تحقق نقشه‌های شوم خود انتخاب کرده است. زمانیکه در آن بحرانی بر روابط سیاسی ایران و آمریکا از یکسو و ایران و عراق از سوی دیگر سایه انداخته است. (ما در اینجا کاری به ماهیت این بحران نداریم که در نشریه پیکار و اعلامیه‌های سازمان آن را توضیح داده‌ایم). هیئت حاکمه می کوشد تا این بحران و اختلافات را به سکوئی برای پرش بسمت یک قدرت متمرکز و تثبیت شده از طریق ایجاد وحدت در میان جناحهای مختلف قدرت سیاسی و فرونشاندن و سرکوب مبارزه طبقاتی و امواج رو به گسترش اعتلای انقلابی در سراسر کشور، تبدیل نماید. و این بهترین فرصت سیاسی است که رژیم می توانست بدان دست یابد، سرکوب جنبش، جنبش انقلابی در کردستان به وسیله ارتش ضد خلقی و سپاه پاسداران ارتجاعی به بهانه استقرار در مرزهای غرب کشور برای "مقابله" با تهاجم و تجاوز عراق، سرکوب جنبش کارگری در کارخانه‌ها (جنبشی که علیه نظم ستمگرانه سرمایه‌داری وابسته، یعنی پایگاه واقعی امپریالیسم آمریکا در ایران است) به بهانه افزایش تولید و ...

آری، دانشگاه زمانی مورد هجوم قرار می گیرد که در کردستان ابزارهای سرکوب ارتجاع، دور دیگری از کشتار خونین خلق کرد را آغاز کرده‌اند، در کارخانه‌جوا ختناق و سرکوب روزبروز گسترش می یابد، کارگران مبارز اخراج، دستگیر و حتی محکوم به اعدام می شوند، در ارتش لوایح ضد انقلابی به منظور سرکوب ارتشیان مبارز بکار می افتند، انقلابیون و مبارزان کمونیست، توسط باندهای سیاه هدایت شده از "بالا" ترور می شوند و ... هجوم یک هجوم سراسری است و دانشگاه تنها گوشه‌ای - و آنهم گوشه‌ای بس مهم - از آن را به نمایش می گذارد.

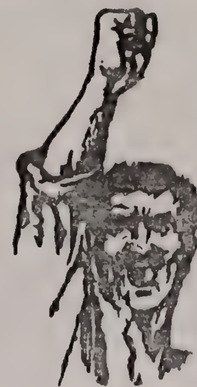
هرچه جنبش انقلابی، توده‌های وسیعتر و اقشار و گروههای جدیدتری را دربرمی گیرد، زنجیر توطئه و سرکوب هیئت حاکمه نیز طول بیشتر می یابد و برتعداد حلقه‌های آن افزوده می گردد. آری حمله به دانشگاه تنها حلقه‌ای از این زنجیر سرکوب است! دانشگاه تنها یکی از کانونهای پرخروش است که مبارزه طبقاتی در آن جریان دارد و خون انقلاب در رگهای آن می جوشد. اما دانشگاه تنها بعنوان یک کانون مبارزه طبقاتی و بعنوان بخشی از جنبش توده‌ای که در صف انقلاب حضور دارد مطرح نیست. دانشگاه همچنین و بنا بر ویژگی اجتماعی و سیاسی اش، نقش یک پشت جبهه فعال برای کل جنبش انقلابی میهن را ایفاء می کند. دانشگاه مرکزی است که بحکم موقعیت خود، شعله‌های پرفروغ آگاهی را تا شعاع وسیعی در میان توده‌های ناآگاه مردم می پراکند. زمانیکه نبض پرطپش انقلاب در کردستان می طپد، زمانیکه مبارزه طبقاتی در کارخانه و مزرعه، در کوچه و خیابان می خروشد، و در همان زمان که حکومت با تمام قوا می کوشد تا صدای این کانون های پرطپش مبارزه و انقلاب از مرزهای سرزمین دلاور کردستان، از حصار تنگ کارخانه و روستا و ... به خارج سرایت نکند و کانون های جدیدی از مبارزه و انقلاب را در سراسر کشور برنیانگیزد، دانشجویان مبارز، همچون پیک های انقلاب، بذر آگاهی را در میان وسیع ترین توده‌های مردم می پراکنند و گوش ها را به شنیدن آوای انقلاب در کردستان، ترکمن صحرا و تمام مراکزی که انقلاب در آن حضور آشکاری دارد، فرا می خوانند. چنین کانونی چگونه می توانست برای رژیم قابل تحمل باشد، آنهم در زمانیکه شعله‌های جنگ و سرکوب در کردستان بدست رژیم ضد خلقی هردم بیشتر زبانه می کشد. و چنین بود که سرانجام طاقت رژیم به سر آمد و یورش به این سنگر آگاهی و مبارزه در دستور کار قرار گرفت و سرانجام

تربیت سیاسی توده‌های وسیع مردم.

بهرصورت در پی این تهاجم، دانشگاه به تصرف ارتجاع درآمد و دفاتر سیاسی دانشجویان مبارز، به مثابه بخشی از دستاوردهای قیام بهمن ماه، پس از مقاومت سراسری دانشجویان انقلابی، از آنان باز پس گرفته شد. اینکه آیا هیئت حاکمه قادر است دانشگاه را به آنصورت که خود می خواهد در بیاورد یا نه؟ و اینکه آیا قادر است این سنگر مقاومت را برای همیشه و یا برای مدتی مدید به تصرف خود درآورد، مسئله‌ای است که از هم اکنون قابل پیش بینی نیست و به عوامل زیادی از جمله روند اعتلای انقلابی کشور و سرعت آن، موازنه میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، کیفیت و عملکرد تضادهای درونی هیئت حاکمه و ... بستگی دارد. و در همین رابطه سیاست و تاکتیک و مواضع نیروهای سیاسی نیز در این میان از نقش و اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. برای روشنتر شدن این موضوع نگاهی به روش و تاکتیک هیئت حاکمه در جریان این تهاجم و بطور کلی هجوم سراسری به انقلاب ضروری است. آنچه که مغز و هسته تاکتیک کل هیئت حاکمه را تشکیل می دهد عبارتست از استفاده هرچه بیشتر از نیروی خلق علیه خلق در کنار ابزار سرکوب (ارتش، سپاه پاسداران ...)، نظامهای ضد خلقی در اوضاع و احوالی نظیر شرایط فعلی ما که جامعه دچار بحران همه جانبه سیاسی - اقتصادی است، ابزارهای سرکوب هنوز از انسجام لازم برخوردار نیستند و رژیم با بخشی از توده‌ها که به عامل آگاهی دست یافته‌اند روبروست، به این تاکتیک (استفاده از بخشی از توده‌های مردم علیه بخشی دیگر) متوسل شده و میکوشند ضعف و ناتوانی شان را در استقرار نظام ارتجاعی از این طریق جبران کنند. نتیجه این چنین مجموعه‌ای از اوضاع و احوال سبب میشود که هیئت حاکمه در کنار استفاده همه جانبه از ابزار سرکوب خویش (ارتش، سپاه پاسداران ...) بخشی از توده‌های مردم را که بدلیل توهماتشان هنوز اعتماد خود را نسبت به او از دست نداده‌اند، بر علیه بخش دیگر بسیج نموده و آتش جنگ را در میان آنها برافروزد.

هیئت حاکمه برای اینکه بتواند در این تاکتیک ضد مردمی خویش موفق شود، ناچار است برای تحریک احساسات توده‌های ناآگاه، برای توجیه جنایات خود در مقابل مردم و بالاخره بسیج آنها بر علیه جنبش انقلابی، به بیشرمانه ترین دروغها، شوم ترین نقشه‌ها و جنایتکارانه ترین اعمال متوسل شود.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
پیکار
۵۲
۶ صفحه
ضمیمه
سال دوم – دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۵۹ بهاء : ۱۰ ریال



به همت توده ها، دانشگاه همچنان سنگر مبارزه در راه آزادی و استقلال باقی خواهد ماند!

توطئهٔ اشغال دانشگاهها و مواضع سازمانهای سیاسی
(سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریکهای فدائی خلق)

درباره تازه ترین حرکت ارتجاعی هیئت حاکمه ـ یورش به دانشگاهها ـ ما طی اطلاعیه ها، تراکت ها، اعلامیه های متعددی مواضع وتحلیل هایمان را از این حرکت ارائه نموده و دانشجویان هوادار سازمان نیز در دانشگاه بر همین پایه عمل کرده اند. بنا براین از هرگونه توضیح مفصلی در ـ باره این حرکات، خودداری ورزیده و با یک توضیح کوتاه پیرامون آنها، مواضع سایر جریانات سیاسی (سازمان مجاهدین و سازمان چ.ف.خ) را در برابر این حرکات طی چند روزگذشته مورد ارزیابی مختصر قرار می دهیم.

هیئت حاکمه و بویژه دار و دستهٔ حزب جمهوری اسلامی در طی مدت بیشتر از یکسال که از قیام بهمن می گذرد، همواره از وضعیتی که دانشگاه ـ این سنگر آگاهی و آزادی ـ بخود گرفته و به مرکزی برای افشای امپریالیسم و هیئت حاکمه تبدیل شده است و بعنوان یکی از دستاوردهای ارزشمند بهمن، در جهت بیداری و آگاهی کارگران، زحمتکشان و توده های ستمدیده ما گامهای موثری برداشته است، نگران بوده و هر بار به شکلی کوشش نموده اند تا آنرا زیر سیطره ارتجاعی خویش درآورند. اما بدلیل جوشش جنبش توده ای از یکسو و طپش نبض انقلاب در دانشگاه و گرایش روزافزون توده های دانشجو بسمت جبهه نیروهای انقلابی و بویژه انقلابیون کمو- ... فا درنیز ده اند که نقشه شوم در عملی ساختن ...

انداختن چرخهای اقتصاد کشور برای "مبارزه" با وابستگی به آمریکا، سرکوب جنبش انقلابی دانشجویان، به بهانه "انقلاب فرهنگی" و "مبارزه با فرهنگ آمریکائی در دانشگاه ـ ها و "قطع وابستگی فرهنگی به آمریکا"... آیا رژیم بهتر از این می توانست فرصتی بدست آورد و هجوم سراسری خود را به انقلاب آغاز کند؟

به مرحله عمل درآمد. براین اساس مقاومت دانشجویان در برابر هجوم ارتجاع به دانشگاه، تنها از زاویه مقاومت یک جنبش توده ای ـ جنبش دانشجوئی ـ در برابر سرکوب ارتجاع بمنظور خاموش کردن یکی از کانونهای مبارزه و تداوم انقلاب، نمی توانست مطرح باشد. بلکه همچنین مقاومتی بود در برابر تلاش حکومت برای خاموش کردن کانون آگاهی و تربیت سیاسی توده های وسیع مردم.

بهرصورت در پی این تهاجم، دانشگاه به تصرف ارتجاع درآمده و ... از

هیئت حاکمه زمان مناسبی را برای تحقق نقشه های شوم خود انتخاب کرده است. زمانیکه در آن بحرانی برروابط سیاسی ایران و آمریکا از یکسو و ایران و عراق از سوی دیگر سایه انداخته است. هیئت حاکمه می کوشد تا این بحران و اختلافات را به سکوئی برای پرش بسمت یک قدرت متمرکز و تثبیت شده، از طریق ایجاد وحدت در میان جناحهای مختلف قدرت سیاسی و فرونشاندن و سرکوب مبارزه طبقاتی و امواج رو به گسترش و اعتلای انقلابی در سراسر کشور، تبدیل نماید.

آری، دانشگاه زمانی مورد هجوم قرار می گیرد که در کردستان ابزارهای سرکوب ارتجاع، دور دیگری از کشتار خونین خلق کرد را آغاز کرده اند، در کارخانه خواهان ... و ...

بنی صدر به خوزستان رفته بود تا با زوری رفورم را در آنجا بکار اندازد ، میخواهد کشاورزی را در خوزستان احیاء کند دهها هزار هکتار زمین‌های جدید را به زیر کشت ببرد کانالهای بسته شده و رودخانه‌های لایروبی نشده را پاک کند و بدینوسیله همهٔ بیکاران خوزستان را به کار تولیدی بگمارد . این چهرهٔ رفورم است و نقطه شروع عزیمت جمهوری اسلامی ،و بعکس در کردستان، خلق را میکوبد ، روستاها را بمباران میکند ، کشتارها را زیر زنجیرهای تانک شخم می‌زند و بدین ترتیب روی دیگر سکه را نشان میدهد .

بنی صدر با رویاهای شیرین برای حاکمیت دراز مدت و ابدی ، می‌اندیشد اما در دنیای واقعیت های تلخ مسائل چگونه جریان دارد . بنی صدر میخواهد کشاورزی را بازسازی کند و این سهم مهمی در نجات حاکمیت و سرمایه‌داری وابسته از بحران دارد اما بنی صدر وارث " واقعیت هائی " مهم هست که به ناچار نه تنها از بنی صدر تبعیت نمیکنند بلکه او را نهایتا " به پیروی از قانون واقعیت وادار میکنند . بنی صدر چگونه می تواند کشاورزی را بازسازی کند . مهمترین مسئله فعلی کشاورزی ، زمین است و باز سازی کشاورزی بدون حل مسئله زمین امکان پذیر نیست .

دهقانان ایران اینک بزرگترین درگیریها را بر روی مسئله زمین در بسیاری از مناطق دارند و این مسئله با مسئله حقوق ملی نیز در کردستان و ترکمن صحرا پیوند خورده است .

[illegible] حدود ۴/۱۹ میلیون هکتار آن ما بین ۲/۴ میلیون نفر تقسیم شده و بقیه آن در اختیار بورژوازی و خرده بورژوازی (دهقانان مرفه) است . مقدار زیادی از زمین‌های تقسیم شده نیز مجددا " از دست دهقانان خارج شده و در دست زمینداران متمرکز گردیده است مقدار این زمین ها را حدود ۱/۲ میلیون هکتار تخمین میزنند این زمینها از ابزار تولید نسبتا " پیشرفته استفاده می کنند و تقریبا " کشاورزی بورژوائی با ابزار تولید مکانیزه دارند . مقدار بیشتری از زمینها ، نه شامل ۲۰ منطقه مناسب برای کشاورزی بورژوائی و واحدهای بزرگ ساحتی ، حدود ۵ میلیون هکتار دارند این مناطق که شناسائی آنها از زمان شاه انجام گرفته جزو " امیدهای " کشاورزی بزرگ است که بنی صدر هم بنا چار بدان دل بسته است . در حوزه خوزستان که اولین منطقه رفورم بنی صدر است حدود ۱۰۰ هزار هکتار از این زمینهای مساعد کشاورزی بزرگ در شبکهٔ آبیاری دز ، حدود ۲۸٬۰۰۰ هکتار در حوزهٔ رود کارون و ۲۱ هزار هکتار در حوزه رود مارون از مناطقی است که کشاورزی صنعتی در آن قابل پیاده کردن است . بنابراین برای احیای کشاورزی در خوزستان باید دید که بنی صدر چقدر میتواند به تولید خرده بورژوائی زمین داران کوچک تکیه کند و چقدر از کشاورزی را به شیوهٔ واحدهای بزرگ و سرمایه‌گذاریهای کلان باید به راه بیاندازد .

اکنون ستون فقرات کشاورزی در چه میتواند باشد ؟ اگر بخواهد با به جریان انداختن سرمایه‌ها تولید کشاورزی را به راه اندازد چقدر از سرمایه‌ها نصیب واحدهای بزرگ و چقدر سهم واحدهای کوچک دهقانی خواهد شد ؟ پاسخ واضح است بنی صدر مجبور است عمدتا " بر واحد های بزرگ تکیه کند و آنها را بکار اندازد . واحدهای کوچک خرده تولید کنندگان ممکن است به لحاظ تاثیرات سیاسی مورد حمایت اعتباری قرار نگیرند اما ستون فقرات احیای تولید کشاورزی منطقه خواهند بود . باید سرمایه‌ها را در جائی به کار انداخت که بیشترین بازده در " تولید " را داشته باشد حاکمیت محتاج بالا بردن تولید است و این برایش از اولویت برخوردار است . در این رابطه زمین‌های کوچک پراکنده فاقد منابع کافی آب و خاک نمیتواند چندان برای رژیم کارساز باشد .

بنی صدر همچنانکه از صحبت‌هایش در خوزستان برمیآید چاره‌ای جز این ندارد که در درجهٔ اول امکانات تولیدی واحدهای بسیار بزرگ را به کار بیاندازد و اکنون این کار را هم کرده است و برای توسعهٔ آن برنامه‌ریزی میکند هرگونه گسترش آینده و باز سازی کشاورزی در این مناطق عمدتا " به شیوهٔ بورژوائی و سرمایه‌گذاری سنگین امکان پذیر خواهد شد . این امر اولین جنبهٔ رفورم‌های ادعائی بنی صدر است . تئوریسین نه شرقی نه غربی سرانجام بخاطر عملکرد واقعیت‌های یک نظام سرمایه‌داری وابسته مجبور

حاکمیت با انبوهی از این نوع تولید کنندگان رو در رو است ، که به خاطر موقعیت جغرافیائی ایران در واحدهای کوچک متفرق ، که به هیچوجه امکان تجمع و گسترش ندارند ، در همه جا پراکنده شده‌اند . آیا میتوان برای آینده کشاورزی به اینها دل بست و نجات کشاورزی را بدست آنها انجام داد ؟ آیا این اقشار هستند که مضمون رفورم

[illegible] بنی صدر بر این است که واحدهای بزرگ کشاورزی را که به شیوهٔ بورژوائی تولید می‌کنند بازسازی نماید . در این مورد در بسیاری از مناطق فوق از زمان رژیم قبلی واحدهای بزرگی باقی مانده است که بنی صدر آنها را بازسازی خواهد کرد . ■

بعد از دانشگاه نوبت •••

البته شامل آموزش سیاسی میشود . اما اگر حتی در زمینه مسایل علمی سر کلاس صحبتی بشود ، این یک فعالیت سیاسی است و بنابر این جرم است و . . . اینست چیزیکه آقای وزیر آموزش و پرورش آنرا منطبق با "سطح مدارس" میداند . اختناق ، دیکتاتوری ، رواج خرافات درست همانچیزی است که از نقطه نظر وزیر آموزش و پرورش با سطح مدارس مناسب است . اگر دانش آموزان آگاه و پرشور ، علیرغم قوانین مکرر اعلام شده هنوز دفاتری دارند وزیر آموزش و پرورش آنرا ناشی از ضعف قدرت میداند او میگوید "در بعضی از مدارس ضعف قدرت باعث شده که چنین دفاتری دایر شود . "(۴) آیا این حرفها معنای جز تدارک حمله به دفاتر و ارگانهای انقلابی مدارس دارد ؟ آیا این حرفها با این معنی نیست که بعد از دانشگاه نوبت سرکوب در مدارس است ؟ ضعف قدرت در مقابل دفاتر دانش آموزی یعنی اعمال قدرت در مقابل آنها . جناب وزیر علیرغم اینکه ادعا میکند مدارس در آن سطحی نیستند که به این جریانات کشیده شوند. (۵) خود عامل کشانیده شدن مدارس به این جریانات است . این همان دستی است که دانشگاه را بآشوب کشید . دستی که "بهر قیمتی که شده "میخواهد جلوی رشد وآگاهی و تشکل جوانان را بگیرد . یکبار دیگر ثابت شد که پیوند جوانان انقلابی و پرشور و آگاه مدارس و دانشگاهها ست که می تواند جلوی تهاجم ارتجاع به دست آوردهای انقلاب را بگیرد امروز دانشگاه این سنگر آزادی را به دست مزدوران به خون کشیدند و فردا در کمین نشسته‌اند که مدارس را سرکوب نمایند نسل توفنده و شایسته امروز ما ، خیلی زود ، ناچار خواهد شد ، درس‌های گرانبهائی را که در مبارزه آموخته است ، به کار گیرد .

---

۱ و۲ و۳ و۴ و۵ مصاحبه مطبوعاتی وزیر آموزش و پرورش بامداد ۵۸/۱/۳۱

خلق کرد وجود دارد باید در هم شکسته شود تا راه برای به انزوا کشاندن خلق کرد و متلاشی کردن کانون‌مقاومت‌انقلابی‌باز شود. این موانع کدام‌اند؟ مانع مقدم در برابر یورش ارتش به دستاوردهای انقلابی کردستان فریادهای‌افشاگر و اعلامیه‌های آگاهی بخش دانش جویان‌است. دانشجویان مثل همیشه‌همچون موج شکنی در برابر عوامفریبی‌های‌جمهوری‌اسلامی عمل میکنند. دانشجویان نمیگذارند جمهوری‌اسلامی براحتی سازش‌ـ کاری‌های خودرا با امپریالیسم به عنوان‌مبارزه‌باامپریالیسم‌جابزند.

آنهانمیگذارند جمهوری‌اسلامی خلق‌کردرا تجزیه‌طلب و سازمان‌ـ های سیاسی و انقلابی کردستان را خائن‌بمنافع خلق معرفی کند. این دانشجویان‌انقلابی، جمهوری‌اسلامی رایک دم آرام نمیگذارند وپی در پی دست به‌افشاگری میزنند ورشته های‌رژیم را یک شبه پنبه‌می‌کنند. آنها موی دماغ جمهوری‌اسلامی شده‌اند، به‌مردم آگاهی میدهند، آنهارا در خیابانها جمع میکنندو دربارهٔ حمایت جمهوری اسلامی‌از سرمایه‌داران‌ودشمنی‌او با کارگران وزحمتکشان صحبت میکنند، آنها میخواهند یک مبارزهٔ ضدامپریاـ لیستی‌واقعی‌درمتن‌مبارزات‌تودهـ های مردم در کارخانجات و مزارع رشد کند و با این کارهای خود موانعی بر سر راه سازش رژیم با امپریالیسم‌ایجادمیکنند. بنابراین باید به هر قیمت سرکوب شوند. وبدین‌ترتیب‌دوشنبه‌سیاه‌جمهوری

آنهاسلب‌کندوبدین‌ترتیب‌دهانـ های حقیقت‌گورا بدوزد تا دیگر دانشجویان نروند بین مردم و به گویندکه‌هجوم‌عراق بهانه‌ای بیش نیست، هدف این رژیم درهم شکستن‌کانون‌شعله‌ورانقلاب ایران است، هدف او سرکوب دهقانانی است‌که به شیوه‌ای انقلابی صاحب زمین شده‌اند، هدف فرو کوبیدن شوراهای دهقانی کردستان است، چرا که میخواهد نظام‌سرمایه‌داری وابسته را از نو سازمان دهد، می خواهد کارگران‌دیگر شورای واقعی نداشته باشند، دهقانان شورای واقعی نداشته باشند، چون این شوراهابرای‌این‌رژیم‌مزاحم‌هستند. چون‌این رژیم مدافع سرمایه‌داران است و سرمایه‌داران دشمن شوراها هستند. و کارگران بخوبی به‌این حقیقت آگاهند. تا بحال کارگران ندیده‌اند که این دولت از یک شورای واقعی و مبارز حمایت کرده باشد و تا بحال ندیده‌اند که‌این دولت از سرمایه‌داران زالو صفت، حمایت نکرده باشد. علیه شوراها همیشه توطئه چیده‌اند، ازپاسدار تاکمیته‌چی از مزدور کارفرما تا مزدوردولت‌همگی دشمن شوراهای واقعی کارگران هستند،

کارگران، این‌دشمنان‌واقعی‌وپیـ گیرامپریالیسم. ولی رژیم جمهوری اسلامی همین کارگران را به گلوله می‌بندد‌ودرصددبرچیدن‌شوراهای مبارز کارخانه‌هاست.

جمهوری‌اسلامی‌به‌بهانه انجام "انقلاب فرهنگی" دانشجویان مبارزی را که در دوران رژیم شاه

جمهوری‌اسلامی‌به‌بهانهٔ بیرون راندن مهاجمین عراقی ستونهای عریض و طویل ارتش را با آخرین تجهیزات‌آمریکائی‌و با فرماندهان آمریکائی راهی کردستان میکند. "ولی‌بعوض‌جنگ‌با‌این مهاجمین در مرزها، در شهرها و روستاها با دهقانان‌زحمتکش‌کرد جنگ‌می‌کند. بنابراین‌این‌جا نیز بهانه هجوم عراق در خدمت سرکوب مقاومت انقلابی کردستان است.

جمهوری‌اسلامی‌به‌بهانهٔ مبارزه با امپریالیسم شوراهای واقعی کارگران را در کارخانجات سرکوب می‌کند. رژیم‌ادعا می کند که برای مبارزه با امپریالیسم باید تولید بالا برود. آیا کارگران برای خواباندن تولید شورای واقعی تشکیل‌میدهندیابرای‌ببرون‌راندن سرمایه‌داران زالو صفت و رهاشدن ازخطراخراج‌وخطرخوابیدن‌تولید است که مبارزه می کنند و شورا تشکیل میدهند؟ رژیم بی‌شرمانه ادعامی‌کندکه‌کارگران‌کارنمیکنند، ووابستگی ما به امپریالیسم بیشتر میشود. این رژیم‌همانطور که در دانشگاه‌ها، دانشجویان مبارز را عامل فرهنگ‌استعماری میداند، در کارخانجات نیز کارگران را عامل توقف تولید و تشدید وابستگی به امپریالیسم‌قلمداد می کند. چرا؟ چون هدف او سرکوب فزون‌طلبی کارگران‌وبرقرارکردن "نظم "استثمار وستم‌درکارخانجات است. بدین ترتیب‌رژیم‌بامتهم‌کردن‌توده‌های مردم‌قصدسرکوب‌آنها را دارد. او

شناسانند. وطیفهٔ آنهاست که با تمام نیروی‌خود‌به کارگران سراسر ایران‌توضیح‌دهندکه‌رژیم‌جمهوری اسلامی‌علی‌رغم‌ادعاهای‌خودفقط درصدد تجدید سازمان نظم ضد مردمی‌سرمایه‌داری‌است. او نمی تواند تولید را بخدمت‌کارگران و زحمتکشان میهن‌مان‌درآورد، او نمیخواهدونمیتواندباامپریالیسم مبارزه کند و بنابراین تمام تلاش خودرامیکندکه‌دوباره‌نظم جهنمی سرمایه‌داری‌رابا تمام قدرت احیا کند و دست کارگران را از کنترل تولید و از مبارزه ضد امپریالیستی واقعی کوتاه کند. تجدید سازمان سرمایه‌داری برای کارگران فقر و فلاکت جدیدی بهمراه خواهدآورد وکارگران‌راباخشونت‌بیش‌ازپیش سر‌ـ

بااستفاده‌ازفرصتی که برای تبلیغ وترویج‌بدست‌میدهد و با استفاده ازنقشی‌که‌تظاهرات‌این‌روزمیتواند در ارتقاء جنبش کارگری ایران در این‌مرحله‌حساس داشته باشد. هر چه بیشتر و گسترده‌تر این شعار انقلابی را بمیان‌توده‌های کارگری برده و برای تحقق آن تمام تلاش خودرا متمرکز کنیم.

اول‌ماه‌مه را با شکوه هرچه‌تمام تر برگزار کنیم.

بپیش‌بسوی کنترل تولید بدست شوراهای واقعی کارخانه

برقرارباداتحادمستحکم‌کارگران جهان!

مرگ‌برامپریالیسم‌جهانی به سر کردگی امپریالیسم‌امریکا!

آیا راه مبارزه با امپریالیزم ...

تا آخرین قطره خون خودبه همراهی پیشمرگان قهرمان کردازحقوق خلق کرد دفاع خواهندکرد.

حماسه مقاومت مبارزان آزاده‌ایران

در این چندروزاخیربه خلق کرداطمینان می‌بخشدوحماسه دلیری‌های پیشمرگان کرد به سایرمبارزان ایران قوت قلب میدهد. هم اکنون پیشمرگان حماسه آفرین کردپادگانهای سنندج وسقز را محاصره کرده‌اندودرتمام نبردهای محلی دشمن را بزانودرآورده‌اند. زحمتکشان ایران درپیوندبا یکدیگر این بارهم پوزه دولت ضدخلقی جمهوری اسلامی ورئیس جمهورمکارش را بخاک خواهندمالید.

خود مختاری ، حق مسلم خلق کرد است.

سرکوب در آستانه اول ماه‌مه

ما در شرایطی بداستقبال روز جهانی کارگرمی رویم که از یک‌طرف هیئت حاکمه‌بدلیل قطع‌روابط‌رسمی ازجانب آمریکابار دیگرماسک ضد امپریالیستی بر چهره‌زده است واز طرف دیگر زیر پوشش این ماسک آشکارا به‌کردستان لشگرکشی کرده و در اوج کشتار خلق کرد دلیر کرد به دانشگاه‌ها ، این سنگرهای آزادی‌و مبارزه، هجوم برده‌وبه‌وحشیانه — ترین وجهی دانشجویان مبارز رابه گلوله بسته‌است .

اکنون از نظر رژیم جمهوری اسلامی‌هرمانعی‌که‌بر سر راه کشتار خلق کرد وجود دارد باید در هم شکسته شود تا راه برای به انزوا کشاندن خلق کرد و متلاشی کردن کانون‌مقاومت‌انقلابی‌باز شود . این موانع کدام‌اند؟ مانع مقدم در برابر یورش ارتش به دستاوردهای انقلابی‌کردستان فریادهای‌افشاگر و اعلامیه‌های آگاهی بخش دانش جویان‌است . دانشجویان مثل همیشه‌همچون موج شکنی در برابر عوامفریبی‌های‌جمهوری‌اسلامی عمل مکنند . دانشجویان نمیگذارند

اسلامی به‌کارنامهٔ ننگین‌این رژیم اضافه‌میشود ، روزی که‌چندین نفر ازمبارزترین‌وضدامپریالیست‌ترین نیروهاباگلوله‌پاسداران و کمیته — چی‌ها به خاک و خون می‌غلطندو شهید میشوند وصدها تن دیگر زخمی میگردند .

حکومت برای بـه‌خاک و خون کشیدن کردستان باید امکانـات تبلیغی و افشاگر دانشجویان را از

آنها‌سلب‌کندوبدین‌ترتیب‌دهان— های حقیقت‌گورا بدوزد تا دیگـر دانشجویان نروند بین مردم و به گویندکه‌هجوم‌عراق بـهانه‌ای بیش نیست ، هدف این رژیـم درهم شکستن‌کانون‌شعله‌ور انقلاب ایران است ، هدف او سرکوب دهقانانی است‌که به شیوه‌ای انقلابی صاحب زمین شده‌اند ، هدف فرو کوبیدن شوراهای دهقانی کردستان است ، چرا که میخواهد نظام‌سرمایه‌داری، وابسته را از نو سازمان دهد ، می

جلادهمیشه‌در صف مقدم مبارزات قرارداشتند ،بطرزخونینی سرکوب می کند . به فـرض محال که رژیم قصدانجام"انقلاب‌فرهنگی "رادارد ، آیا راه انجام " انقلاب فرهنگی " سرکوب دانشجویان مبارز دانشگاه ها است؟ آیـا فرهنگ استعماری حاکم بر دانشگاهها را دانشجویان بوجود آورده‌اند؟ از پیش روشـن است که علم " انقلاب فرهنگی " صرفا " چماقی است برای سرکوب مبارزات دانشجویان .

جمهوری‌اسلامی‌به‌بهانهٔ بیرون راندن مهاجمین عراقی ستونهای عریض و طویل ارتش را با آخرین تجهیزات‌آمریکائی‌و با فرماندهان آمریکائی راهی کردستان میکند . "ولی‌بعوض‌جنگ‌بااین مهاجمین در مرزها ، در شهرها و روستاها بـا دهقانان‌زحمتکش‌کرد جنگ‌می‌کند . بنابراین‌این‌جا نیز بـهانه هجوم عراق در خدمت سرکوب مقاومت انقلابی کردستان است .

جمهوری‌اسلامی‌به‌بهانهٔ مبارزه

تولیدواقعی‌بدست کارگران رانمی خواهد ،اوتولیدی‌میخواهدکه‌جیب سرمایه‌داران‌راپرکند ،او میخواهد سرمایه‌داری‌رادوبار،نوسازی کند .

بنابراین‌در این شرایطوظیفهٔ کارگران‌وروشنفکران‌انقلابی‌چیست؟ وظیفهٔ‌این نیروهاست که با بردن شعار " کنترل‌تولیدبدست شوراهای واقعی کـارگری " بمیان توده‌های کارگر ، فرصت طلبی ضدانقلابی حاکمان‌راخنثی نموده ، راه مبارزه واقعی‌با امپریالیسم را به آنها به شناسانند . وظیفهٔ آنهاست که با تمام نیروی‌خود به کارگران سراسر ایران‌توضیح‌دهندکه‌رژیم‌جمهوری اسلامی‌علی‌رغم‌ادعاهای‌خودفقط درصدد تجدید سازمان نظم ضد مردمی‌سرمایه‌داری‌است .او نمـی تواند تولید را بخدمت‌کارگران و زحمتکشان میهن‌مان‌در آورد ، او نمیخواهدونمیتواندباامپریالیسم مبارزه کند و بنابراین تمام تلاش خودرامیکندکه‌دوباره‌نظم جهنمی سرمایه‌داری‌رابا تمام قدرت احیا

کوب خواهند کرد . بنابراین باید به توده‌های کارگر توضیح داد که مقابله‌بامحاصرهٔ اقتصادی آمریکا سرکوب شوراهای کارگری نیست ، بلکه فقط با کنترل تولید بدست شوراهای‌واقعی‌امکان پذیر است و هرگزنمیتوان‌در مقابل محاصـرهٔ اقتصادی‌آمریکادرچهارچوب‌نظام سرمایه‌داری‌وابسته‌ایستادگی‌کرد . سرنوشت‌این مبارزه تنـها در گرو— قدرت‌گیری شوراهای واقعی بویژه در کارخانجات است .

اول ماه مه ، روز جهانی کارگر ، فرصتی‌است تا با استفاده ازقدرت بسیج‌وسازمانگراین روز شکوهمند ، بااستفاده‌ازفرصتی که برای تبلیغ وترویج‌بدست‌میدهد و با استفاده ازنقشی‌که‌تظاهرات‌این‌روزمیتواند در ارتقاء جنبش کارگری ایران در این‌مرحله‌حساس داشته باشد .هر چـه بیشتر و گسترده‌تر این شعار انقلابی را بمیان‌توده‌های کارگری برده‌و برای تحقق آن تمام تلاش خودرا متمرکز کنیم .

اول‌ماه‌مه را با شکوه هرچه‌تمام تر برگزار کنیم .

پیش‌بسوی کنترل تولید بدست

مردم زحمتکش شهررا ویران کرده است. روستای شریف آباد جنب پادگان سنندج توسط ارتش آمریکائی جمهوری اسلامی با توپ وخمپاره ویران شده. فانتوم های آمریکائی جمهوری اسلامی مرتبا "دیوار صوتی را برفراز شهرسنندج میشکنند واطراف شهرسنندج رابمباران کرده اند.

دولتی که ادعای مبارزه با امپریالیسم میکند، ضدامپریالیست ترین توده های زحمتکش ما را، با سلاح های امپریالیستی وبدست فرماندهان مزدور آمریکائی بخاک وخون میکشد. پرسنل انقلابی ارتش درپادگان سنندج وسقز ازدستورفرماندهان مزدورآمریکائی سرپیچی کرده وحاضربه کشتارهموطنان کردخودنیستند. فرماندهان مزدورآنها رادرپادگان محبوس کرده وتنها تنی چند ازآنها موفق به فرارشده وبه مردم پیوسته اند. بنی‌صدرهمچنان پیام های تهدیدآمیزبرای پرسنل انقلابی میفرستد. رادیوی دولتی درحالیکه ازیک طرف ادعاهای ضدامپریالیستی دولت راجار میزند، ازسوی دیگرازمردم زحمتکش روستای شریف آبادمیخواهدکه منازل خود راتخلیه کنندتامامن وکاشانه شان راباتوپ وخمپاره ویران کند.

دولت ضدخلقی برای اینکه فریاد خلق کردبگوش زحمتکشان ایران نرسد وبرای اینکه فجایع خودرادرکردستان مخفی کند، دانشجویان مبارزرادرسنگر آزادی، درون دانشگاه تهران به رگبارگلوله می‌بنددتانتوانندفریاد کنند: دولتی که میخواهدباامپریالیسم مبارزه کند، فانتوم های آمریکائی‌رابه فرمان تیمساربا قری، آستانبوس ولیعهد دربارپهلوی، نمی‌سپاردتاخلق ضد امپریالیست کردرابمباران کند.

تانتوانندفریادکنند: دولتی که میخواهدبادولت فاشیست عراق بجنگد، ارتش رابه فرمان تیمساران مزدور آمریکائی، شادمهرها، فلاحی ها، ظهیرنژادهانمی‌سپاردتاروستاهای اطراف پاوه، قروه، بیجاروسایرروستاها راباخمپاره وتوپ درهم بکوبدتا سنندج رامحاصره کرده وسینه خلق زحمتکش کردرانشانه بگیرد.

تانتوانندفریادکنند: آیامبارزه باامپریالیسم ودشمن مهاجم ازروی‌جنازه زحمتکشان کردمیگذرد؟ دولت سینه آزادگان رادرسراسرایران هدف قرار داده تافریادعلیه فجایع کنونی ارتش جمهوری اسلامی، درسینه هامدفون گردد.

امادولت جمهوری اسلامی کورخوانده است. هرقطره خون هرشهیدراه آزادی‌در سراسرایران، فجایع دولت رادرکردستان فریادمیکند. نه تنهادانشجویان، بلکه تمام اقشارآگاه مردم میهنمان، فریاد حق طلب خلق کردرابگوش زحمتکشان وطن ماخواهندرساندوتمام مبارزان انقلابی ایران وتمام کارگران وزحمتکشان آگاه،

بقیه در صفحه ۱۳

و سحان کشیش کافین را با آب و تاب فراوان نوشت.

سندی را که ملاحظه می‌کنید قسمت‌هائی از مصاحبهٔ مجلهٔ "آیدیاس فورلیونگ" با کشیش کافین است. در این مقاله آمده است:

"کشیش کافین همواز زندگی فعال و پر جنب و جوش داشته است، همواره به اعمال محاطره آمیزدست زده است. او در دوران جنگ دوم جهانی یک چتر بازو افسرارتباطات‌ارتش (آمریکا) بود **ودرهنگام‌جنگ‌کره بعنوان مشاور سازمان "سیا" خدمت میکرد...."**

گفتنی است در شرایطی که برگزار کنندگان مراسم مذهبی گروگانها چیزی‌کمتر از مزدوران "سیا"ئی نیستند، میتوان حدس زد که اعضاء کمیسیون تحقیق جنابات شاه نیز قاعدتا" نباید دست کمی از کشیش‌های‌امثال کافین داشته باشند!

کامبلو... کشیش سیا... طریق لندن ساعت... وارد فرودگاه تهران شدند.

...د از ...رحال

۱۲—۲۹

ارگان ... جمهوری اسلامی ۱۴۰۰ ... تکشماره ۱۵ ریال

IDI... FOR LIVI... AN... ERVIEW WIT... THE REV. WILLIAM ... OANE COF... IN/By LINDA DANNENBERG

"Chr..t was al..ve because He was vulnerable. He had a k..d of nose-thumbing independence and He wasn't afraid. Life to Him was a risk exercise in compassion and love. That's what life is. To love is an expression of your aliveness. Not to love is deadly"

After 18 years as chaplain of Yale University, the Rev. William Sloane Coffin resigned last December to seek new challenges. A ...m, exuber... man with a deep, resonant voice, the ... year-old chaplain was profoundly involved in the great ... causes of the last decade—as a Freedom Rider in Mississippi in 1961 and as an anti-war activist and draft counselor in the late '60's.

Rev. Coffin has ... lived a life of action, has always taken risks. During World War II he was a paratrooper and liaison officer with the A... and later served as a C.I.A. adviser during the Korean ... Married for many years to pianist Artur Rubinstein's daughter Eva, with whom he had three children, he was recently divorced. He is now married to Harriet ... a free... writer. Their household consists of ... children, h... and her two.

Because he is so involved, ...ly recognized social activist, Rev. Coffin has occasionally been criticized for expending his energies on too many causes—for spreading himself too thin. (Naturally, he disagrees.)

The interview took place in his office at Yale, which is more like a large, rumpled sitting room than an austere chaplain's office. Books, papers and periodicals are piled everywhere. The walls are covered with banners, posters and a large cornhusk cross. The furniture is nondescript, well worn, comfortable. His own attire matches the informal surroundings. He wears a flannel shirt, corduroy jacket and blue jeans. Yale is used to his informality. When he first appeared on the New Haven campus in 1958, he startled conservative faculty members by making his pastoral rounds on a motorcycle.

Family Circle: *You recently remarked that people today were determined to punish themselves. They go to church to be bored, they smoke too much, eat too much, drink too much, chiefly because they are not satisfied with their lives. Do you feel that most people are like this, and why?*

Rev. Coffin: Well, I don't think you can live on the outside of everything and be happy. You can't rush out and buy, buy, buy and feel that you are living a profound life. You can't plug away at a very dull job and feel fulfilled. The trouble is, many people are afraid to take chances. Life has to be predictable, reliable—everything has to be safe and secure. It's what you might call an "insurance mentality." Even vacations today are prepackaged. You go on the scenic tour, one museum, two cocktails and one night-bus ride through the red light district. Of course, you never get out of the bus.)

FC: *But that's not the whole picture, is it?*

Rev. Coffin: No, no—I didn't mean to imply that it was. You see people getting involved in risk exercises—gliding, diving, rock climbing—sports that give them a sense of renewal and are not related to winning or losing.



These activities are becoming popular because people feel a need for more risk in their lives. But you don't have to go to sports to get it. Life is a risk exercise. So is death, for that matter—we don't know what we will find, but we put ourselves in the hands of God and take off like a glider into the sky. Unless life is lived as a risk exercise, it's not interesting. People get bored and angry. They're filled with self-contempt.

FC: *Is it because we are afraid to take chances that we so seldom feel what we would really like to?*

Rev. Coffin: Yes. We fail on purpose. It's safer, easier.

FC: *Failure is easier?*

Rev. Coffin: Yes. You don't have to stick your neck out. No matter how self-sufficient or powerful you may be, you're going to be scared if you open yourself to risk. You're exposed, vulnerable, anxious. Most people don't like to put themselves in this position, and opt for security instead. Christ was alive because he was vulnerable. He had a kind of nose-thumbing independence and He wasn't afraid. Life to Him was a risk exercise in compassion and love. That's what life is. Certainly it's scary to risk your popularity, make yourself vulnerable—but that's part of being alive. Another part is loving. To love is an expression of your aliveness. Not to love is deadly.

FC: *How would you suggest that someone with a comfort...*

22 FAMILY CIRCLE ...

پایداری دربرابر ضد انقلاب مبدل سازیم

آیا راه مبارزه با امپریالیسم از روی جنازهٔ زحمتکشان کُرد میگذرد ؟

دولت جمهوری اسلامی ، کردستان را با توپ وخمپاره وبمب آمریکائی به آتش و خون کشیده است . ارتش جمهوری اسلامی داخل شهرسنندج را به رگبار گلوله خمپاره های آمریکائی بسته وخانه های مردم زحمتکش شهررا ویران کرده است . روستای شریف آباد جنب پادگان سنندج توسط ارتش آمریکائی جمهوری اسلامی با توپ وخمپاره ویران شده . فانتوم های آمریکائی جمهوری اسلامی مرتبا " دیوار صوتی را برفراز شهرسنندج میشکنند و اطراف شهرسنندج را بمباران کرده اند.

دولتی که ادعای مبارزه با امپریالیسم میکند، ضد امپریالیست ترین توده های زحمتکش ما را، با سلاح های امپریالیستی وبدست فرماندهان مزدور آمریکائی بخاک وخون میکشد. پرسنل

حواری مسیح یا جاسوس سیا ؟!

چندماه پیش وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی از چند کشیش آمریکائی و الجزایری دعوت بعمل آورد تا مراسم میلاد مسیح را برای گروگان‌های جاسوس آمریکائی برگزار نمایند . یکی از این کشیش ها شخصی بنام ویلیام اسلون کافین بود . روز ۴ دیماه ۵۸ روزنامه جمهوری اسلامی با تیر درشت خبر برگزاری مراسم میلاد مسیح توسط کشیش‌های یاد شده را درج نموده و سخنان کشیش کافین را با آب و تاب فراوان نوشت .

سندی را که ملاحظه می‌کنید قسمت‌هائی از مصاحبهٔ مجلهٔ "آیدیاس فورلیونگ" با کشیش کافین است . در این مقاله آمده است :

"کشیش کافین همواره زندگی فعال و پر جنب و جوش داشته است ، همواره به اعمال مخاطره آمیز دست زده است . او در دوران جنگ دوم جهانی یک چتر باز و

● ویلیام کافین، کشیش امریکائي:
تقاضای کارتر برای مجازات اقتصادی ایران شبیه بمباران ویتنام توسط جانسون است
● شاه یک جانی است که ثروت لتن را بغارت برده است

در سالن پروازهای خارجی ... فرودگاه صدهای از هموطنان ... با دسته گلهایی که ... منتظر ... بودند

جمهوری اسلامی

ارگان حزب جمهوری اسلامی
سه‌شنبه ۴ دی‌ماه ۱۳۵۸-۵ صفر ۱۴۰۰
۱۲ صفحه — تکشماره ۱۵ ریال

گامبلتو... کشیش سیا... طریق لندن ساعت... وارد فرودگاه تهران شدند.

۲۸ — ۱۲

IDE... FOR LIVING: ... INTERVIEW WITH THE REV. WILLIAM SLOANE COFFIN/By LINDA DANNENBERG

"Christ was alive because He was vulnerable. He had a kind of nose-thumbing independence and He wasn't afraid. Life to Him was a risk exercise in compassion and love. That's what life is. To love is an expression of your aliveness. Not to love is deadly"

After 18 years as chaplain of Yale University, the Rev. William Sloane Coffin resigned last December to seek new challenges. A ... exuberant man with a deep, resonant voice, the 5? year-old chaplain was profoundly involved in the great social causes of the last decade—as a Freedom Rider in Mississippi in 1961 and as an anti-war activist and draft counselor in the late '60's.

Rev. Coffin has always lived a life of action, has always taken risks. During World War II he was a paratrooper and liaison officer with the ... and later ... as a C.I.A. adviser ...

خون مدافعان سنگر آزادی ، جاودانگی ابدی می‌یابند!

رهبران حزب جمهوری اسلامی که با همین استدلالات باهویزرها و عوامل سازمان سیا بر سر خون شهدای قیام شکوهمند بهمن به معامله نشستند، خبرگانی که مرتبا " برای شفای سرمایه‌داری وابستهٔ ایران ورد میخوانند . و بپاخاستن توده‌های محروم درکردستان را شکستن شیشهٔ عمر خود میدانند ، باتمام قوا کوشیدند که با در هم کوبیدن دانشگاه زبان گویای محرومان جامعه ما را ببرند .

آنها خوب می فهمند که افشای خیانتهای رژیم علیه توده‌های محروم جامعه و علیه شوراهای کارگری، علیه تهاجم کارگران به سرمایه‌داری وابسته ، علیه دستآوردهای قیام خونین ، هر روز بخش بیشتری از رشد آگاهی توده‌ها بلای جان رژیمی است که چهار اسبه علیه منافع خلق میتازد . بهمین دلیل دانشجویان انقلابی را تحمل نمی‌کند . در تمام این هفته که از طرف رژیم هفتهٔ مبارزهٔ ضد امپریالیستی! اعلام شده بود ، آنچه که اتفاق نیفتاد مبارزه علیه امپریالیسم حتی در شعارها بود . تمام مدت از بلندگوهای تبلیغاتی رژیم فریاد مرگ بر کمونیسم ، مرگ بر مدافعان زحمتکشان بلند بود. در تمام مدت هفته شوراها تهدید شدند و رهبران جمهوری اسلامی مردم را دعوت کردند که با تلاش خستگی ناپذیر برای رونق سرمایه‌های خارجی جان بکنند . در تمام این مدت تمام جناح های رژیم برای استقرار ارتش در کردستان ، و نابودی شوراهای دهقانی به بهانهٔ مبارزه با عراق

بنی صدر با کمال عوامفریبی سعی میکند ارتش جنایتکار و قتل عام کنندگان "قله‌تان" را کبوتر صلحی جلوه دهد که به تیر بیگانگان گرفتار آمده‌اند .

درحالیکه به اعتراف روزنامهٔ جمهوری اسلامی ،بلندگوی ارتجاع ودشمن آزادی " سپاه پاسداران که همگی مسلح ، خودرا برای درگیری آماده کرده بودند " دانشجویان قهرمان را بگلوله می بندند وباگاز اشک‌آور با آنان حمله می کنند بنی صدر درکمال وقاحت میگوید که خود دانشجویان مقصرند .

آری براستی که دانشجویان مقصرند ، زیرا حاضر نیستند در برابر جنایات سازمان یافته جمهوری اسلامی سکوت نمایند . بنی صدر معتقد است که هرکس در برابر احیاء سرمایه‌داری وابسته مقاومت کند،ضد است .حزب جمهوری اسلامی رسما " وعلنا " اززمین‌داران و ایادی شاه جلاد ، از قیاده موقت . . . . حمایت می‌کند و آنان را رسولان بشر دوستی معرفی مینماید!

درهجوم سازمان یافته جمهوری اسلامی به دانشگاه یکبار دیگر صفوف رزمندگان سنگر آزادی هرچه فشرده‌تر گشت . دانشجویان با آگاهی ستایش انگیزی نسبت به وظائف خطیرشان در دفاع از منافع زحمتکشان بازو در بازوی یکدیگر چون تنی واحد در برابر هجوم چماق به دستان ایستادگی نمودند . آنان در پاره آجرهائی که برفرقشان فرودمی‌آمد باز هم نشان ارتجاع وامپریالیسم را یافتند ،آنها در گرمای خونی که از تنشان برسنگفرش خیابان ها میریخت مرگ محتوم ارتجاع را احساس مینمودند .

دانشجویان قهرمان با مقاومت و پایداری درحالیکه به گشودن افق های جدیدی از وحدت و همکاری ، دربین نیروهای مارکسیست لنینیست کمک نمودند با سرسختی خویش باعث گردیدند ، که جناح های مختلف حکومت علیرغم تلاشی که میکردند تا خودرا هرچه یکپارچه‌تر وانمود سازند ،اختلافاتشان آشکارتر گردد .ایستادگی صف متحد دانشجویان باردیگر نشان داد که تنها در صورتی میتوان از تضادها واختلافات در بین حکومتگران به نفع انقلاب سود جست که براتحاد وهمبستگی هرچه بیشتر نیروهای انقلابی پای فشرد .

جنبش ما اینراهدیون جاری گشتن خون سرخ شهدای دیگری در قامت بلند و استوار رهائی خلق است . ■

کردستان...

شیوه‌ها تا حدود زیادی با هم توافق کرده‌اند . بدیهی است برای آغاز تهاجم به کردستان ، دولت باید تمام بلندگوهای افشای حقیقت را ببندد . هم چنان که در مرداد گذشته بهنگام هجوم بکردستان ، به تمام آزادیها هجوم برد ، با این تفاوت که دولت این بار با برنامه عمل میکند و برای اینکه جو اختناق ، مشام توده‌ها را نیازارد و خاطرات تلخ و تجربه‌ها را بیاد نیاورد ، مرحله بمرحله آغاز میکند و این بار درست از نقطه حساس ، از سنگر آزادی از دانشگاه ، آنجا که آگاهی هست و آنجا که آگاهی را به اعماق جامعه رسوخ میدهد! دولت اکنون به سنگر آزادی یورش برده تا قدرت افشارگری را فلج سازد و در همین هنگام تمام نیروی خود را برای سرکوب کردستان متمرکز میکند . با وجود اختلافاتی که بنی صدر و حزب جمهوری بر سر روشها و زمان هجوم به سنگر آزادی داشتند ،هردو بر سر اصل تهاجم توافق دارند دولت میخواهد با خفه کردن صدای آگاهی بخش و قطع ارتباط جنبش خلق کرد با جنبش سراسر ایران ، خلق کرد را تنها بگذارد و جنایاتش را در کردستان مخفی نگهدارد . بهمین جهت وظیفه تمام نیروهای انقلابی در سراسر کشور در شرایط کنونی این است که بیاری زحمتکشان کرد برخیزند و با تمام نیرو دولت را دربرابر خلق افشا کنند . با تمام توان بکوشند که حقایق جریان امور را در کردستان برای همه زحمتکشان ایران بازگو کنند و تمام نیروهای انقلابی موظفند نگذارند که توطئه‌های شوم دولت ، کاملا " باجرا درآید ، بالاخص که مهلت دولت چندان طولانی نیست و باید با تمام نیرو کوشید که نقشه‌های جنایتکارانه دولت دراین مهلت باجرا درنیاید.

دولت درهمه محاسبات خود یک عامل را بناگزیر فراموش کرده و آن ایستادگی قهرمانانه خلق کرد در برابر تهاجم ضد انقلابی دولت است خلقی که اکنون ، نسبت به تهاجم قبلی بسیار آگاه‌تر و بسیار متشکل تر شده است ، بطریق اولی در این جنگ شکست نخواهد خورد ، دولت با همه پیش بینی‌هایی که برای بهبود شرایط خود (نسبت به تهاجم قبلی کرده ،در عمل دقیقا " با وضعیت قبلی روبرو خواهد شد . با همان ایستادگی یکپارچه خلق کرد ، با همان دفاع تمام زحمتکشان سراسر ایران از خلق کرد با پیوند بیشتر این دو جنبش ، با مقاومت پرسنل انقلابی ارتش .

ارتش حتی اگر بتواند به کمک بمبارانهای وسیع در شهرها مستقر شود ، باز در محاصره خلق رزمنده‌ای خواهد بود که از کوه و دشت و روستا و گردنه بر دشمن حمله میکند . سوابق مبارزه خلق کرد دردوران پهلوی و در همین ۱۴ ماه گذشته نشان داده که روستاها و کوهها سنگر مبارزه درازمدت با دولت ضدخلقی است وحتی اگر دولت در قدم اول تهاجم موفق شود ،خلق کرد مبارزه خود را در این سنگر ادامه خواهد داد .

بهر حال مهلت دولت زیاد نیست ، باید با تمام نیرو کوشید و این مهلت کوتاه راهم بر دولت جهنم کرد . بالاخص باید از هر روزن کوچک صدای برحق خلق کرد را بگوش کارگران و زحمتکشان ایران رسانید .

---

۱ — جمهوری اسلامی ، دوشنبه ۵۹/۲/۱

خون سرخ شهدای دانشگاه را به پرچم

رابخاک‌وخون کشید که جنایتکاران وآدمکشان ساواک را عفو نموده وناز شست به‌آنان برداخت میکرد. حزب جمهوری اسلامی که با وقاحت تمام خودرا مدافع انقلاب فرهنگی ومبارزه باامپریالیسم قلمداد میکند، دسته‌جات مسلح فاشیستی را روانهٔ دانشگاه کرد. درحالیکه در گوش آنها زمزمه میکرد که بخاک و خون کشاندن دانشجویانی که‌حتی رژیم سفاک شاه جلاد نیز نتوانست عزم وارادهٔ آهنین آنانرادر هم‌بشکند یک‌وظیفهٔ وجدانی والهی است و آنان با آغشته‌کردن دستان خودبه خون مدافعان سنگر آزادی، جاودانگی ابدی می‌یابند!

رهبران حزب جمهوری اسلامی که‌با همین استدلالات باهوبزرها و عوامل سازمان سیا برسر خون شهدای قیام شکوهمند بهمن به معامله‌نشستند، خبرگانی که مرتبا" برای شفای سرمایه‌داری وابستهٔ ایران‌وردمیخوانند. و بپاخاستن توده‌های محروم درکردستان را شکستن شیشهٔ عمر خود میدانند، باتمام قوا کوشیدند که با در هم

ستاره‌های ایمان و آگاهی بر سنگفرش

خیابان ۱۶ آذر

مردم را بماهیت ضد خلقی آنان آگاه‌کرده و از آنان جدایشان می‌سازد. بهمین خاطر با تمام قوا برای خاموش کردن این شعله‌های آگاهی‌بخش به کثیف‌ترین توطئه‌ها وخائنانه‌ترین دسیسه ها توسل جستند و درحالیکه با تمام قوا در جهت بازسازی نظام سرمایه‌داری وابسته تلاش می کنند آنرا جهادی علیه امپریالیسم! وانمود دند.

رشد آگاهی توده‌ها بلای جان رژیمی است که چهار اسبه علیه منافع خلق میتازد. بهمین دلیل دانشجویان انقلابی را تحمل نمی‌کند. در تمام این هفته که ازطرف رژیم هفتهٔ مبارزهٔ ضدامپریالیستی! اعلام شده بود، آنچه که اتفاق نیفتاد مبارزه علیه امپریالیسم حتی درشعارها بود. تمام مدت از بلند گوهای تبلیغاتی رژیم فریاد مرگ بر کمونیسم، مرگ بر مدافعان زحمتکشان بلند بود. در تمام مدت

تلاش نمودند. دیوارهای شهرقهرمان سنندج با مرزهای عراق عوضی گرفته شد. درحالیکه زحمتکشان کردستان روی بمبهائی که بدستور تیمسارهای آمریکائی برسرشان میریزد، علامت مبارزه ضد امپریالیستی و دفاع از مستضعفان را حک شده می بینند. بنی صدر با کمال عوامفریبی سعی میکند ارتش جنایتکار و قتل عام کنندگان "قلاتان" اکبوتر صلحی جلوه دهد که بـه تیر بیگانگان گرفتار آمده‌اند.

درحالیکه به اعتراف روزنامهٔ جمهوری اسلامی، بلندگوی ارتجاع ودشمن آزادی "سپاه پاسداران که همگی مسلح، خودرا برای درگیری آماده کرده بودند" دانشجویان قهرمان را بگلوله می بندند وباگاز اشک‌آور بآنان حمله می کنند بنی ... وقاحت میگوید که‌خود

انقلاب است. هرکس که بگوید امپریالیسم بزرگ و کوچک ندارد و بین امپریالیسم آمریکا وامپریالیسم ژاپن وفرانسه و آلمان فرقی نیست، ضد انقلاب است.

دراین‌میان حزب فراگیر جمهوری اسلامی دردروغگوئی و جعل اخبار و اختراع انواع باندهای چاقش و مزدوربنام مسلمانان کردگوی سبقت از دیگر جناح‌های حاکمیت ربوده است. حزب جمهوری اسلامی رسما" وعلنا" اززمین‌داران و ایادی شاه جلاد، از قیاده موقت .... حمایت می‌کند و آنان را رسولان بشر دوستی معرفی مینماید!

درهجوم سازمان یافته جمهوری اسلامی به‌دانشگاه یکبار دیگرصفوف رزمندگان سنگرآزادی هرچه‌فشرده‌ترگشت. دانشجویان با آگاهی ستایش انگیزی نسبت به وظائف خطیرشان دردفاع ازمنافع زحمتکشان بازو در بازوی یکدیگر چون تنی واحد دربرابر هجوم چماق به

مقاومت قهرمانانهٔ دانشجویان، دسترسی به‌ابعادجدیدی ازوحدت وهمکاری (که‌میتواندگام مهمی در جهت تقویت هرچه بیشتر صفوف جنبش دانشجوئی مارکسیست لنینیست باشد) عزم آهنین آنها در دفاع از منافع زحمتکشان و تجربیات جدید و گسترش وتحکیم رابطه جنبش دانشجوئی و توده‌های مردم از یکطرف و تشدید تضاد بین حکومتگران از طرف دیگر بی‌شک دستاوردهای ارزنده‌ای است که بدون مقاومت قهرمانانهٔ آنان بدست نمیآمد.

دانشجویان قهرمان با مقاومت و پایداری درحالیکه به گشودن افق های جدیدی از وحدت و همکاری، دربین نیروهای مارکسیست لنینیست کمک نمودند با سرسختی خویش باعث گردیدند، که جناح های‌مختلف حکومت علیرغم تلاشی که میکردند تا خودرا هرچه یک پارچه‌تروانمودسازند، اختلافاتشان آشکارترگردد. ایستادگی صف‌متحد دانشجویان باردیگر نشان داد که تنها در صورتی میتوان از تضادها واختلافات در بین حکومتگران به

توده‌های ایران، نیاز به تکیه بر توده‌ها برای مقاومت در برابر فشارهای آمریکا و حفظ استقلال هویت سیاسی، عدم اطمینان ازعملکردهای آینده امپریالیسم ...

در همین‌هنگام‌بود که پیام ۲۶ آبان آیت الله خمینی اعلام‌شد. دولت در برابر خلق کرد عقب نشسته بود و تن به مذاکره‌داده‌بود. بدیهی‌است‌بهمان دلایلی که در ابتدای مقاله ذکر شد، هدف از مذاکره بازندادن خودمختاری بود ترکیب هیأت ویژه دولت برای مذاکره با هیأت نمایندگی خلق و بالاخص وجود چهره ضد انقلابی صباغیان در این هیات خود بیانگراین‌منظور بود. بنابر این هیات مدتی را به طفره از مذاکره پرداخت. بهانه‌هایی از قبیل مذاکره جداگانه، عدم‌مذاکره‌با سازمانهای سیاسی خلق کرد (کومله و سازمان چریکهای فدائی خلق)، مذاکره با تک تک مردم کردستان!، همه برای‌طفره‌رفتن ازمذاکره تراشیده میشدند. پس از مدتی دولت‌طرح‌خدعه‌آمیز خودگردانی را ارائه داد، این طرح‌بمعنای‌دهن کجی به مبارزات خلق کرد و به تمسخر گرفتن آگاهی خلق کرد بود. طرح خود گر دانی چه بود؟ تکیه به‌خودمختاری‌فرهنگی آنهم بطور نیم بند بمنظور نفی خودمختاری‌سیاسی‌ونفی حق خودمختاری خلق کرد. دولت با این طرح‌حاکمیت‌خود را بر تمام‌ارگانهای سیاسی، نظامی، اداری کردستان تثبیت میکرد. بدیهی است که ارائه این طرح هم فقط طفره‌رفتن‌ازمذاکره‌بود. در حین این مذاکرات و در حقیقت‌درحین سرباز زدن از مذاکره، دولت به تقویت خود مشغول شد، بازسازی‌ارتش، مقابله با شوراهای درون ارتش، تبلیغ در تمام مساجد و مجالس سخنرانی علیه خلق کرد، تحریکات نظامی موضعی در کردستان، سازمان دادن دسته‌های مزدور مسلح محلی تحت عنوان پیشمرگان مسلمان کرد و غیره. اما تغییرات اساسی و یا بهتر بگوئیم موضع‌گیری های مشخص دولت و جهت دادن به برنامه‌ها علیه خلق کردباانتخاب‌بنی‌صدربه ریاست جمهوری آغاز میشود. بنی‌صدر در دستی سلاح و در دستی گل به پیشواز جنگ در کردستان میرود. ما قبلا" در بارهٔ سیاست سرکوب و رفورم بنی صدر در کردستان (شمارهٔ ۲۰ "راه کارگر") باندازه کافی صحبت‌کردیم‌ودراینجافقطبه‌خطوط‌کلی اشاره میکنیم. بنی صدر در اولین مصاحبه و بعد نطق بعد از انتخابش بشدت خلق کرد را تهدید میکند و در عین حال به امیدایجادتفرقه‌میان‌خلق‌کرد با حزب دموکرات کردستان توسط دیپلماسی ... و بالاخص با کمک پشتیبانی کامل ارتش و سپاه پاسداران و بالاخص با کمک نیروی هوایی به کامیاران حمله میکند و این شهر را تصرف میکند. باین ترتیب برنامه منطقه‌ای کردن جنگ که از قبل آغاز شده بود، تقویت میشود. آنچه که بخصوص برای دولت اهمیت داشت و دارد این است که در کردستان تا حدودی حاکمیت‌مردم‌اعمال میشود، هدف دولت سلب حاکمیت از توده‌ها و استقرار حاکمیت خود است. اینکار جز از طریق نابود کردن سازمانهای سیاسی خلق کرد ممکن نیست. بنی‌صدر امید وار بود با جدا کردن حزب دمکرات که در شمال کردستان بطور کامل نفوذ دارد، جنوب را مورد تجاوز قرار دهد و پس ازنابودی‌سایرسازمانها‌به‌حزب دموکرات بپردازد. اماهشیاری‌خلق‌کرد‌مانع‌انجام این توطئه شد، این هوشیاری و آگاهی خلق کرد، شورای انقلاب را ناگزیر کرد که از پذیرفتن طرح ۶ ماده‌ای حزب دموکرات سرباز زند. هشیاری خلق‌کردحتی‌مانع‌میشودکه دولت‌با لفظ‌خالی خود مختاری موافقت کند، دولت از اینجهت از قانونیت بخشیدن به لفظ‌خود مختاری واهمه دارد که میترسد خلق کرد با این درجه آگاهی، بآن محتوای واقعی ببخشد.

بهر حال خلق کرد نقشه‌های بنی صدر را نقش بر آب میکند. حزب‌دمکرات، در جنگی که اکنون دولت علیه خلق کرد آغاز کرده، در کنار خلق ایستاده است. دولت به تقویت مواضع خود در نقاط‌استراتژیک کردستان‌ادامه داد و گردنه‌قاسملو را بکمک بمبارانهای موضعی اشغال کرد. دولت

● دولت‌از این‌جهت از قانونیت بخشیدن به لفظ خود مختاری واهمه دارد که میترسد خلق کرد با این درجه خود آگاهی بآن محتوای واقعی ببخشد.

هم‌اکنون‌هرروزوهرساعت میکوشد مواضع‌خود را در کردستان تقویت کند.

مجموعه شرایطی که دولت برای تهاجم خود تدارک دیده است‌وتفاوت‌آن‌با شرایط‌تهاجم تابستان قبلی عبارت است از:

۱ــ ارتش نسبت بزمان تهاجم قبلی تقویت شده است. دستورات صریح رئیس جمهور پیش‌از نوروز و پیام نوروزی آیت الله خمینی دقیقا" در مقابل پرسنل انقلابی توده‌ها در شهر ناچار به تهاجم ناگهانی به شهرهاست و از آنجا که خلق کرد سنگر حاکمیت خود را در شهرها براحتی رها نخواهند کرد، این تهاجم همراه باخشونت وکشتار شدید خواهد بود. کما اینکه ابعاد این کشتا ر را هم اکنون‌نیز میتوان دید.

این‌کشتار بقول رئیس جمهور یا از طریق ایجاد "یک جو انقلابی حماسی" یا از طریق ایجاد "جو ترس" بدست میآیدتجربه‌قبلی‌نشان داده که حالت اول چه عواقب خطرناکی از نظر رشد آگاهی توده‌ها در بردارد، بخصوص سیاست بنی صدر موافق با چنین روشی یعنی دامن زدن به "جو انقلابی" نیست بنابر این تنها راه‌باقیمانده ایجاد جو ترس است و اکنون شرایط‌ایجاد چنین‌جوی با قطع روابط دیپلماتیک از طرف آمریکا ایجاد شده. بنی صدر با دامن زدن باین‌احساس‌که‌خطر تهاجم نظامی امریکا وجود داردوهر لحظه زیادتر میشود از یک طرف و از طرف دیگر با بزرگتر جلوه دادن تحریکات عراق و دامن زدن به احساس خطر از جانب عراق این جو ترس را ایجاد میکند و این آن فرصت‌طلایی است که دولت میخواهد از آن حداکثر بهره‌داری را برای سرکوب خلق بکند. این همان فرصت طلایی سرکوب است‌که‌حتی‌دوجناح متخاصم دولت، حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر را با همهٔ اختلافاتشان بهم‌نزدیک کرده است. بخصوص که مهلت این فرصت محدود و نه چندان طولانی است زیرا اولا" با آغاز کار مجلس، کوشش دولت برای آزاد کردن گروگانها آغاز میشود وهر برنامه یانمایشی برای‌آزاد ساختن گروگانها ضربه‌ای است به توهم توده‌ها ثانیا" ترس از تهاجم عراق را نمیتوان مدتی طولانی حفظ کرد، هم اکنون دولت مجبور شد برنامه پرواز هواپیما به جنوب را که بخاطربزرگ جلوه دادن مساله عراق قطع کرده بود، از سربگیرد، جو ترس را نمیتوان مدتی طولانی پایدار نگاهداشت ثالثا"، با آغاز کار مجلس اختلافات دو جناح هیات حاکمه‌عیان میشودوخودبرآگاهی توده‌ها اثر میگذارد و دست آخر زمان در شرایط‌کنونی به نفع دولت کار نمیکند وآگاهی توده‌ها با گذشت زمان رشد می‌یابد. بنابر این فرصت کنونی برای دولت واقعا" طلایی است و بهمین جهت دو جناح‌اصلی هیات‌حاکمه بسرعت شگفت انگیزی همه اختلافات را کنار نهاده و بر سر سرکوب خلق کرد، حتی در

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست.

مقابله هیاٴت حاکمه با آن بود. این واقعه نقطه عطفی است در جریانات سیاسی ایران پس از قیام بهمن و باید بیش از آنکه تاکنون بدان پرداخته شده مورد بررسی قرار گیرد اما تا آنجاکه به جنبش مقاومت خلق کرد، مستقیما "مربوط میشود، این واقعه پشت جبهه دولت را در برابر خلق کرد تضعیف کرد. شورای انقلاب که پس از بازرگان رسما" اداره دولت را بعهده گرفت، هنوز برای امپریالیسم آمریکا چهره٬ کاملا" مشخص نداشت، آمریکا با اعمال فشار براین دولت میکوشید آنرا در راستای مورد نظر خود بیاندازد و ماهیت سیاسی آنرا مطابق میل خود تشخص ببخشد و این اعمال فشار پشت جبهه دولت جمهوری اسلامی را در جنگ با خلق کرد تضعیف میکرد.

دولت از چندجانب برای قطع جنگ با خلق کرد تحت فشار قرار داشت. جلوگیری از اثر آگاهی بخش این جنگ بر توده‌های ایران، نیاز به تکیه بر توده‌ها برای مقاومت در برابر فشارهای آمریکا و حفظ استقلال هویت سیاسی، عدم اطمینان از عملکردهای آینده امپریالیسم ...

در همین هنگام بود که پیام ۲۶ آبان آیت الله خمینی اعلام شد. دولت در برابر خلق کرد عقب نشسته بود و تن به مذاکره داده بود. بدیهی است بهمان دلایلی که در ابتدای مقاله ذکر شد، هدف از مذاکره بازندادن خودمختاری بود ترکیب هیاٴت ویژه دولت برای مذاکره با هیاٴت نمایندگی خلق و بالاخص وجود چهره ضد انقلابی صباغیان در این هیات خود بیانگر این منظور بود. بنابر این هیات مدتی را به طفره از مذاکره پرداخت. بهانه‌هایی از قبیل مذاکره جداگانه، عدم مذاکره با سازمانهای سیاسی خلق کرد (کومله و سازمان چریکهای فدائی خلق)، مذاکره با تک تک مردم به مذاکره می‌نشیند. بنی‌صدر بامید برداشتن حمایت حزب دموکرات از خلق کرد، و بامید عدم شرکت این حزب در جنگ مقاومت حتی موقتا "با طرح ۶ ماده‌ای حزب دموکرات موافقت میکند. در عین حال پادگانهای ارتش را در کردستان تقویت میکند، گردانها از سراسر ایران بسوی کردستان گسیل میشود و نقل و انتقالات وسیع ارتش بمنظور تقویت مواضع خاص یا استقرار در مناطق خاص صورت میگیرد. دولت، کردستان

> ● بنی صدر امیدوار بود با جداکردن حزب دمکرات که در شمال کردستان نفوذ دارد، جنوب را مورد تجاوز قرار دهد و پس از نابودی سایر سازمانها به سرکوب حزب دموکرات بپردازد.

جنوبی بالاخص سنندج را محاصره میکند. دولت دست اندازی بمناطق خاصی را آغاز میکند. دستجات مزدور محلی با پشتیبانی کامل ارتش و سپاه پاسداران و بالاخص با کمک نیروی هوایی به کامیاران حمله میکند و این شهر را تصرف میکند. باین ترتیب برنامه منطقه‌ای کردن جنگ که از قبل آغاز شده بود، تقویت میشود. آنچه که بخصوص برای دولت اهمیت داشت و دارد این است که در کردستان تا حدودی حاکمیت مردم اعمال میشود، هدف دولت سلب حاکمیت از توده‌ها و استقرار حاکمیت خود است. اینکار جز از طریق نابود کردن سازمانهای سیاسی خلق کرد ممکن نیست. بنی‌صدر امید وار بود با جدا کردن حزب دمکرات که در شمال کردستان بطور کامل نفوذ دارد، جنوب را مورد تجاوز قرار دهد و پس از نابودی سایر سازمانها به حزب دموکرات بپردازد. اما هشیاری خلق کرد مانع انجام این توطئه شد، این هوشیاری ارتش بود. فرماندهان ارتشی بشدت در مقابل تشکیل شورا در ارتش ایستادند و کوشیدند نظم آریامهری ارتش را به کمک تهدید و اخراج، بازداشت و حتی ترور افسران انقلابی زنده کنند.

۲ــ سپاه پاسداران اکنون یکدست شده و کمتر از افراد فریب خورده و بیشتر از مزدوران حقوق بگیر تشکیل شده است. بعلاوه با قرار گرفتن فرماندهی کل ارتش و سپاه در دست رئیس جمهور کوشش شده هماهنگی در عملیات آنها ایجاد شود.

۳ــ تهاجم ارتش این بار با برنامه ریزی دقیق صورت میگیرد. ارتش مواضع مهم استرتژیک را مرحله به مرحله و منطقه به منطقه تصرف کرده و حلقه محاصره خود را در اطراف شهرهای کردستان تنگ تر میکند.

اما دولت هر قدر بر محاصره نظامی و غذایی وقطع ارتباط کردستان بیافزاید، برای دست اندازی به حاکمیت توده‌ها در شهر ناچار به تهاجم ناگهانی به شهرهاست و از آنجا که خلق کرد سنگر حاکمیت خود را در شهرها براحتی رها نخواهند کرد، این تهاجم همراه باخشونت و کشتار شدید خواهد بود، کما اینکه بعدا این کشتارها را هم اکنون نیز میتوان دید.

این کشتار بقول رئیس جمهور یا از طریق ایجاد "یک جو انقلابی حماسی" یا از طریق ایجاد "جو ترس" بدست میآید تجربه قبلی نشان داده که حالت اول چه عواقب خطرناکی از نظر رشد آگاهی توده‌ها در بردارد، بخصوص سیاست بنی صدر موافق با چنین روشی یعنی دامن زدن به "جو انقلابی" نیست بنابر این تنها راه باقیمانده ایجاد جو ترس است و اکنون شرایط ایجاد چنین جوی با

دموکرات کردستان و قبول طرح ۶ مادهای این حزب ، رد مذاکره با هیأت نمایندگی حزب دموکرات کردستات و رد طرح۶مادهای . اینها بود شیوههای دولت برای ندادن حق خودمختاری بهخلق‌کرد . دولت در همه این سیاستها شکست خورد . دولت اکنون بار دیگر لشکرکشی به کردستان را آغاز کرده است . دولت شرایط کنونی را یک فرصت طلائی برای هجوم بهکردستان و سرکوب خلق کرد میشمارد . این شرایط چگونه فراهم آمده؟ چه چیز این شرایط را از شرایطی که بهنگام هجوم مردادگذشتهوجودداشت متمایز میکند ؟ چشم‌ـ انداز کردستان چیست ؟ بررسی سیاستهای گذشته دولت ، عملکردهای ۶ماه گذشته دولت و ارتش در برابر خلق کرد و بررسی نظریات بنی صدر که فرماندهی لشکر کشی کنونی علیه خلق کرد را بعهده دارد ، ما را دریافتن پاسخ سوءالات فوق کمک میکند .

* * * *

"خودمختاری در این کشور اصلی نیست که زیر فشار بآن رسیده باشیم ، خود من پیشنهاد کردم و گفتم باید به استاندارها اختیار داد : استاندار باید نخست وزیر استان خودباشدولی این اختیارات را به کسی میدهیم که از ماست ، بهگروهی که از ما نیست نمیتوانیم بدهیم ، نه تنها نمیتوانیم لازم است که ندهیم" .

"ضرورت پنجم دراستقرار وحدت ملی ایجاد یک ارتش قوی است ، با این ارتش سراسر وابستگی و پر از تبعیض اگر شما بخواهید از مرزها دفاع کنید یا باید دایم یک جو انقلابی حماسی را حفظ کنید یا جو ترس را" . [1]

این سخنان که بنی صدر در سمینار مقدماتی امنیت و دفاعی کشور بیان کرد بطور چکیده موضع دولت را در برابر مسأله خلقها و خودمختاری و چگونگی کاربرد ارتش را در شرایط کنونی در برابر خلق کرد نشان میدهد . بنی صدر بصراحت روشن میکند که ازنظر دولت جمهوری اسلامی خودـ مختاری یعنی دادن اختیارات وسیع به استاندار دولتی . دولت با آن خودمختاریای موافق است که بهیچ وجه حق حاکمیت و حق تعیین سرنوشت را به خلق کرد ندهد بلکه بطور کامل این حق را برای دولت حفظ کند و بنی صدر بالاخص تأکید میکند که دولت حق تعیین سرنوشت ، حق "خودمختاری را نمیتواند به خلقها بدهد و لازم است که ندهد" ، چرا که دولتی که در صدد جوش دادن رشتههای انقلابی ارتش نه تن باین تبعیضات میدهند ، نه تن بآن وابستگی ، پس برای آنکه بتوان آنها را به جنگ برای دفاع مرزهای امنیت سرمایه فرستاد و تودههای زحمتکش را نیز به حمایت از این لشکر کشی وادا شت باید یا دایم "یک جو انقلابی حماسی" را حفظ کرد یا " جو ترس را" .

"ایجاد یک جو انقلابی حماسی" شیوهای بود که در هجوم وحشیانه مردادماه به کردستان بکار گرفته شد . دولت با تبلیغات واهی و سراپا دروغ جوی ایجاد کرد که در آن بتواند علیه خلق کرد اعلام جهاد کند ، جهاد بر علیه کفار جهادبرعلیه مهاجمین مسلحی که "از مسجد جامع شهر خبر رسیده بود زنان رامیربایند" . تودههای انقلابی ایران در سراسر سال ۵۷ ، طی عصیان با شکوهشان علیه رژیم دست نشانده پهلوی منتظر اعلام جهاد از سوی مراجع تقلید بودند اما حتی درروز ۲۱ بهمن اعلام شد که هنوز فرمان جهاد صادر نشده است . این فرمان بالاخره در مرداد ۵۸ بر علیه خلق کرد صادر شد . جوانان فریب خورده از سراسر ایران اسلحه بدست گرفتند و به کردستان رفتند تا با کفار مهاجمی که زنان رامیربایند جهاد کنند . اما با خلق محروم و ستمدیدهای روبرو شدند که برای حقوق پایمال شدهٔ تاریخی خود جان رنجدیده خود را بر کف گرفته بودند و زیر باران گلولهها و بمبها بخاک و خون درمیغلطیدند . تهاجم ارتش و سپاه پاسداران دولت ، به کردستان با شکست روبر و شد . عوامل زیر در این شکست سریع موءثر بودند :

۱ ـ ایستادگی یکپارچه خلق کرد برای دفاع از آزادی و موجودیت خود ، بزرگترین و مهمترین عامل بود بعدا" از

> ● در کردستان هدف دولت سلب حاکمیت از تودهها و استقرار حاکمیت خود است اینکار جز از طریق نابود کردن سازمانهای سیاسی خلق کرد ممکن نیست .

اثرات این ایستادگی صحبت خواهیم کرد .

۲ ـ ضعف ارتش ، با اینکه دولت از فردای قیام تمام کوشش خود را برای بازسازی ارتش مصروف کرد ، اما جو انقلابی ایران و اثرات آگاهی بخش انقلاب مانع بازسازی کامل ارتش میشد ، پرسنل انقلابی ارتش در مقابل کشتار کردهای هموطن خود مقاومت میکردند ، نه اخراجهای دست جمعی ، نه بازداشتها ، نه اعدام سربازان و افسران نمیتوانست این و به کردستان رفتند . روبرو شدن باخلق محروم کرد ، آنها را با حقیقت آشنا کرد ، بسیاری از این جوانان ، سرخورده بشهرهای خود بازگشتند یا خود را به سازمانهای انقلابی خلق کرد تسلیم کردند . هجوم به کردستان براستی عامل مهم تصفیه سپاه پاسداران از جوانان صادق بود . سپاه پاسداران از آن ببعد ، عمدتا" متشکل از مزدوران حقوق بگیر و دست چین شده است .

۴ ـ بی برنامگی ارتش ، ارتش با اتکا به نیروی هوایی خود بی برنامه بهسراسر کردستان هجوم آورد . اما خلق کرد که از شهرها به روستاها و کوهها پناه برده بودند آرام ننشستند و خواب و آرام را از ارتش و پاسداران مستقر در شهرها گرفتند اما علاوه بر این عوامل ، هجوم به کردستان در شرایط فوق ، عواقبی در بر داشت که خود بر تسریع شکست دولت اثر میگذاشت :

در برابر تهاجم وحشیانه ارتش ، نه تنها مقاومت خلق کرد در هم نشکست ، بلکه در واقع جنبش مقاومت خلق کرد شکل گرفت . بسیاری از سازمانهای انقلابی خلق کرد ، در حقیقت در طی این مقاومت هویت سیاسی یافتند . این سازمانها و دیگر سازمانهای انقلابی ایران بویژه کمونیستها کوشیدند ارتباط جنبش خلق کرد را با جنبش انقلابی سراسر ایران برقرار کنند . حقایق وقایع کردستان دیگر نه تنها از طریق پاسدارانی کهاینجا و آنجا از سپاه گریخته بودند ، نه تنها از طریق خبرهای افواهی بلکه عمدتا" از طریق ارتباط متقابلی که بین جنبش انقلابی خلق کرد و جنبش سراسری ایجاد شده بود به تودههای زحمتکش ایرانی میرسید و آگاهی آنها را بالا میبرد و توهم آنها را فرو میریخت ، در شرایطی که دولت میکوشید وابستگی به امپریالیسم را در حوره اقتصاد هر روز بیشتر برقرار کند و درست همین مساله مانع از حل مسائل و مشکلات اقتصادی ایران میشد ، در شرایطی که دولت میکوشید حاکمیت تودهها را از طریق درهم شکستن شوراهای مردمی بکلی نابود کند ، تأثیر آگاهی بخش جنگ مقاومت خلق کرد موجب شد حاکمیت ، کاهش پایگاه تودهای خود را احساس کند ، تودهها یورش خود را به حاکمیت دولت ضد خلقی آغاز میکردند و این خود بر تضادها و اختلافات دو جناح هیأت حاکمه ، یعنی لیبرالها و روحانیت حاکم ، دامن میزد . تسخیر سفارت امریکا اوجگیری نارضایتی تودهها و

از خلق شکست ناپذیر کُرد، در برابر سرکوب ارتجاع باتمام نیرو دفاع کنیم!

کردستان ...

باعث برانگیختن جنبشهای توده‌ای میشوند. بنابر این دولت جمهوری اسلامی که اقتصاد وابسته را که طی انقلاب بزرگ ایران درهم شکسته است، بازسازی میکند نمیتواند به خلق کرد و دیگر خلقهای ایران خودمختاری بدهد. تمام سیاستها و شیوه‌هایی که دولت، طی این ۱۴ ماه در برابر جنبش انقلابی خلق کرد در پیش گرفته، با تمام تنوعی که در اشکال خود داشته است تنها و تنها به یک منظور بوده: ندادن حق خودمختاری، نه‌برای دولت توافق بر سر چگونگی طرح خود مختاری هرگز مطرح نبوده است. هجوم تابستان گذشته، عقب نشینی و پذیرفتن سیاست مذاکره، طفره رفتن ازمذاکره‌با هیأت نمایندگی خلق کرد، علم کردن مسأله‌ای بعنوان خودگردانی، مذاکره با هیأت نمایندگی حزب دموکرات کردستان و قبول طرح ۶ ماده‌ای این حزب، رد مذاکره با هیأت نمایندگی حزب دموکرات کردستات و رد طرح ۶ماده‌ای. اینها بود شیوه‌های دولت برای ندادن حق خودمختاری‌به‌خلق‌کرد. دولت در همه این سیاستها شکست خورد. دولت اکنون بار دیگر لشکرکشی به کردستان را آغاز کرده است. دولت شرایط کنونی را یک فرصت طلائی برای هجوم به‌کردستان و سرکوب خلق کرد میشمارد. این شرایط چگونه فراهم آمده؟ چه چیز این شرایط را از شرایطی که بهنگام هجوم مرداد گذشته وجود داشت متمایز میکند؟ چشم انداز کردستان چیست؟ بررسی سیاست‌های گذشته دولت، عملکردهای ۶ماه گذشته دولت و ارتش در برابر خلق کرد و بررسی نظریات بنی صدر که فرماندهی لشکر کشی کنونی علیه

قطع شده وابستگی است نمیتواند حق حاکمیت را به خلقی بدهد که در صدد قطع کامل این ارتباط است. برای دولت جمهوری اسلامی وحدت ملی یعنی اطاعت کامل تمام ملت از این دولتی که درحال ایجاد وابستگی کامل به امپریالیسم است. وحفظ مرزها برای این دولت به مفهوم حفظ همین وحدت ملی و ایجاد مرزهای امنیت برای سرمایه است. بنی صدر میگوید برای حفظ این مرز "ایجاد یک ارتش قوی" ضروری

● بنی‌صدر تاکید میکند که دولت حق تعیین سرنوشت، "حق خودمختاری را نمی‌تواند به خلقها بدهد و لازم است که ندهد"

است. اما این "ارتش سراسر وابستگی و پر از تبعیض"، "بخصوص در شرایط کنونی قوی نیست، چرا؟ چون پرسنل انقلابی ارتش نه تن باین تبعیضات میدهند، نه تن بآن وابستگی، پس برای آن‌که بتوان آنها را به جنگ برای دفاع مرزهای امنیت سرمایه فرستاد و توده‌های زحمتکش را نیز به حمایت از این لشکر کشی وادا شت باید یا دایم "یک جو انقلابی حماسی" را حفظ کرد یا "جو ترس را".

"ایجاد یک جو انقلابی حماسی" شیوه‌ای بود که در هجوم وحشیانه مرداد ماه به کردستان بکار گرفته شد. دولت با تبلیغات واهی و سراپا دروغ جوی ایجاد کرد که در آن بتواند علیه خلق کرد اعلام جهاد کند، جهاد بر علیه کفار جهاد بر علیه مهاجمین مسلحی که "از مسجد جامع شهر خبر رسیده بود زنان رامیربایند". توده‌های انقلابی ایران در سراسر سال ۵۷، طی عصیان با شکوهشان علیه رژیم دست

شعله عصیان پرسنل انقلابی ارتش را خاموش کند. دولت از ابتدا به این امر واقف بود و کوشید با بسیج توده‌ها تحت عنوان سپاه پاسداران این نقیصه را جبران کند. اما این امر خود مزید بر علت شد، اختلاف ارتش کلاسیک با سپاه پاسداران که بی‌نظم، بدون آمادگی رزمی کافی، و باروح خودکامگی فردی سازمان داده شده بود، بر مشکل دولت افزود. حتی دردرون پادگانها، پاسداران با گلوله سربازان خودی بر زمین می‌افتادند. همگرایی بین این دو نیروی سپاه دولتی و این دو چماق سرکوب بوجود نیامده بود و این امر کارکرد ارتش را مختل میکرد.

۳ — سپاه پاسداران هنوز عمدتاً "بر مبنای فریب توده‌ها عضو گیری میکرد. بخصوص در آن جو بقول بنی صدر (انقلابی حماسی) که دولت ایجاد کرده بود بسیاری از جوانان صادق برای مبارزه با کفار به عضویت سپاه در آمدند و به کردستان رفتند. روبرو شدن با خلق محروم کرد، آنها را با حقیقت آشنا کرد، بسیاری از این جوانان، سرخورده بشهرهای خود بازگشتند یا خود را به سازمانهای انقلابی خلق کرد تسلیم کردند. هجوم به کردستان براستی عامل مهم تصفیه سپاه پاسداران از جوانان صادق بود. سپاه پاسداران از آن ببعد، "عمدتاً" متشکل از مزدوران حقوق بگیر و دست چین شده است.

۴ — بی برنامگی ارتش، ارتش با اتکا به نیروی هوایی خود بی برنامه به‌سراسر کردستان هجوم آورد. اما خلق کرد که از شهرها به روستاها و کوهها پناه برده بودند آرام ننشستند و خواب و آرام را از ارتش و پاسداران مستقر در شهرها گرفتند اما علاوه‌بر این عوامل، هجوم به کردستان در شرایط

اشکار ساخت بهمین خاطر حزب جمهوری اسلامی با تدارک باندهای غیر رسمی چاقو کشان و نجبای اراذل از یکطرف و سپاه پاسداران،ارگان رسمی ترور و کشتار از طرف دیگر و در هم کوبیدن دفاتر سازمانهای سیاسی،کتابخانه‌ها - و کشتار وحشیانه دانشجویان برگ دیگری برتاریخچه بر از فتنه و توطئه خود افزود. حزبی که چه بسا در آینده برای کامران نجات‌الهی استاد شهید مراسم یادبود بگذارد، وقتی در مقابل اعتراض استادان دانشگاه قرار میگیرد،آنها را وابسته بغرب و عامل خارجی معرفی میکند.بکارگیری این شیوه ها تا آنجا پیش رفت که برای جلوگیری از نشر این جنایات هولناک در بین توده‌ها، حزب جمهوری اسلامی بشیوه ساواک آریامهری بعد از کشتار دانشجویان، اجساد آنان را بکمک

بدست آمده است!

حزب جمهوری اسلامی میخواهد به توده‌های مردم که همواره شاهد وحشت بی‌پایان امپریالیستها و نوکرانشان از کمونیستها و طبقه کارگر بوده‌اند بقبولاند که کمونیستها دوست امپریالیستها هستند! و همکاری سازمانهای کمونیست با غرب را نشخوار کنند! آنها برای مردمی که سالهای سال شاهد مبارزه با امپریالیسم‌جهانی بوده‌اند و وصف‌حماسه نبرد "دین بین فو" را شنیده اند از عدم اصالت انقلاب ویتنام حرف میزنند!

حرص‌قدرت و تحمیل بی چون و چرای خود بر دیگران آنچنان در حزب جمهوری اسلامی شدید است‌که آنها حتی نزدیکترین شرکای خود را تحمل نکرده و به آنها هم کلک میزنند. شیوه‌های جنایت‌این حزب آنچنان است‌که حتی بنی صدر که بارها

همان جنایات تکان دهنده با مبارک انقلاب فرهنگی و بدون محاسبات لازم صدای رهبران دور اندیش‌تر جمهوری اسلامی را در آورده است.

حزب جمهوری اسلامی چنان شیوه‌های فاشیستی علیه دانشجویان انقلابی بکار گرفت‌که یک مقاومت‌سراسری را درسطح کشور بر انگیخت و آنچنان چهره جنایتکار و سیاهی از "انقلاب فرهنگی" به بخشی از توده‌های مردم نشان داد که بعضی از "دانشجویان مسلمان" که درپی سراب "انقلاب فرهنگی اسلامی" بودند بهت‌زده شده و از هم اکنون بر بالای سر خود چماق هائی را که بر دسته آنها نوشته شده انقلاب‌فرهنگی سفارش حزب جمهوری اسلامی در حال حرکت میبینند. ■

بعد از دانشگاه نوبت . . .

در نبردهای خیابانی، بوسیله دانش‌آموزان‌ودانشجویان مستأصل شد، تعطیل مدارس‌و دانشگاه هامترادف‌بود با شکل گیری نوعی از مبارزه توده‌ای، یعنی جنگ و گریز خیابانی. همین کودکان و نوجوانان و محصلین بودند که بهمراه دانشجویان آگاه و انقلابی ارتش‌مزدوررا در خیابانها به تنگ آوردند. "دانشگاه" اساسا" در جریان‌مبارزات‌خونین‌با "مدارس" پیوند خورد. نقطه این پیوند پر شکوه، ۱۳ آبان ۵۷ بود روزیکه دانشگاه‌یکبار دیگر بخون نشست، روزیکه دانشجو و دانش‌آموز در سنگر دانشگاه حماسه آفریدند.

روزیکه بواسطه یک "واقعه" دانشگاهی، "روز دانش‌آموز" لقب‌گرفت. وبیاد بیاوریم حوادث اخیر شهر سنندج را و مبارزات پر شور دانش‌آموزان مبارز و آگاه آنراکه‌از خود دیواری ساختند تاازورودارتش آمریکائی به شهر جلوگیری کنند. دانش‌آموزان با پای‌پیشمرگه‌های، دلاوراز سنندج قهرمان دفاع میکنند. هر جا که ارتجاع حاکم توطئه‌ای بر علیه کارگران‌وزحمتکشان‌ترتیب‌میدهد، فریاد حق‌طلبانه‌ومعترض فرزندان میهن بلند میشود وکارگزاران سرمایه را رسوا میکند این بار نیز با یورش‌فاشیستی و همه‌جانبه و از پیش‌طرح‌ریزی شده عمال حکومتی به دانشگاههای سراسر کشور، بلافاصله موج‌اعتراض‌مدارس را در برگرفت. رجائی وزیر آموزش و پرورش، برای پیشگیری از پیوند مبارزات‌دانش‌آموزان‌بادانشجویان مصاحبه‌مطبوعاتی ترتیب داد و ماهیت‌مرتجع خودرا بخوبی عیان کرد "مدارس‌درآن سطحی نیستند که‌به‌این‌جریانات کشیده شوند." مسلم آنست که "سطح مدارس" را آگاهی‌و عمل دانش‌آموزان تعیین میکند نه منافع تنگ نظرانه آقای وزیر! اتفاقا "بواسطه‌همین "سطح مدارس" است که‌جناب وزیر وادار میشود تا هر روز قانون و لایحه‌ای بگذراند. و "بارها اعلام" کند که: "فعالیت گروهی در مدارس ممنوع است."[2] و "مدرسه جای آموزش‌سیاسی است، نه فعالیت سیاسی".[3]

فعالیت‌گروهی در مدارس ممنوع اعلام میشود بدلیل آنکه، آگاهی بشدت‌خطرناک‌است! جلوی رشد و گسترش آگاهی را باید هر چه زودتر گرفت. حرکت گروهی رشد یابنده وآگاه کننده است. پس ممنوع اعلام میشود. نوجوانان ما نبایددرمقابل افکار و اندیشه‌های دیگر قرار بگیرند. به‌این طریق اندیشه "حزب الله" دیرتر مورد سئوال‌قرارمیگیرد. اما برای اینکه این نسل "انقلاب زده" برنوع بهانه‌نداشته‌باشند آموزش سیاسی راآزاداعلام میکند. آموزش سیاسی بدون فعالیت سیاسی!

تحت عنوان آزادی آموزش سیاسی حزب‌جمهوری‌اسلامی یکه‌تاز کتابخانه‌ها و انجمن های دانش آموزی میشود. اما چون فعالیت‌سیاسی ممنوع اعلام شده حق نفس کشیدن از گروههای مخالف سلب میشود. دلیلش هم واضح است. حرف زدن، اعلامیه پخش کردن، روزنامه گروههای انقلابی را در مدرسه یا حتی در جلوی در مدرسه فروختن، یک فعالیت سیاسی محسوب میشود و بنابر این ممنوع است. به بهانه ایجاد ارتش بیست میلیونی، پاسداران را به مدارس‌کشاندن

بقیه در صفحه ۱۹

وحدت ، مقاومت ، افشاگری

سنگرهای ...

با توسل به هرخس وخاشاکی وجعل هرگونه افترا ودروغهای حقیر ورسوا دوباره جوانه های آگاهی را درتاریک اندیشی خفه کنند.

حزب جمهوری اسلامی بدرستی احساس خطرکرده است ، ابعاد فاجعه برای توده ها قابل لمس است وفردا که کمی ازحادثه فاصله گرفتند عمق پستی ورذالت جمهوری اسلامی را بهتر درک خواهندکرد. جمهوری اسلامی تلاش میکند با انداختن گناه به گردن نیروهای انقلابی، با تشیع جنازه وصحنه سازیها با اشک تمساح ریختن ها ، براین احساسات وآگاهی روبه تزایدتوده ها غلبه کند. مقاومت قهرمانانه دانشجویان تازیانه‌ای بروجدان مسخ شده بخشی ازتوده ها نیزبود. تلاش جمهوری اسلامی بازسازی همان توهم آسیب دیده است . درحاکمیت انعکاس مقاومت دانشجویان انقلابی وسرکوب خونین سرتاسری به اختلافات وکشمکشهای کهنه دامن زدتاحدی که ازتوطئه صحبت کردندچنان ازگسترش ومعکوس شدن تاثیرسرکوب وحشت کردندکه سعی داشتندگناه رابه گردن یکدیگربیاندازند اما درعین حال غافل نیستندکه ازاین فرصت برای تحکیم ومحکم کردن زمام امورو موقعیت خود، استفاده کنند. سرکوب همه جانبه کردستان شروع شده است ، سپاه پاسداران برای درهم شکستن تردیدها وزمینه های پیشنهاد آتش بس واردصحنه شده است ، شهر سنندج زیربمباران است ومردم رزمنده آن شهررا خالی میکنندتا به همراه پیشمرگه های قهرمان درکوهستانها مبارزه راادامه دهند.

سربازان انقلابی وشوراهای انقلابی آنان ، درتلاطم وسرکوب است، واینها ثمراتی است که حاکمیت میخواهد ازاین موج مبارزه به نفع خویش بچیند. اکنون بخشی ازتوده ها درکشمکش فروریختن توهم هستندوجناحهای حاکمیت درکشاکش قدرت ومقابله با خلق . پیشتازی توده ها وفضای بوجود آمده ازمقاومت ومبارزات دانشجویان شرایطی رافراهم آورده که نیروهای انقلابی تعرض خودرا به توهمات توده ها آغازنمایند. شک توده ها راجع به ماهیت حاکمیت راکه باکشتارسنگین وجنایتکارانه دانشجویان شروع شده است بایدبه یقین تبدیل کرد. باید مقاومت انقلابی راگسترش داد، باید باتمرکزامکانات تبلیغ وترویج وافشاگری وسیع به شناساندن ماهیت حکومت وعلل ناگزیری اودرتوسل به این کشتارها ، مقاومت وتعرض همه جانبه راتداوم بخشیدوآن راعمیق ترکرد. اکنون فرصتی برای نیروهای انقلابی است که بافشرده ترکردن صفوف خود، با مقاومت همه جانبه وافشاگری پرتوان خود، تهاجم سازمان یافته حاکمیت به دستاوردهای قیام توده ها راخنثی کرده وآگاهی انقلابی توده ها رادامن بزنند. ■

حزب جمهوری اسلامی...

شعار " مرگ بر امپریالیسم " بمعنای نابودی سرمایه‌های خارجی نباشد ،ازجمله این شیوه‌هاست .

از آنجا که کمونیستها در بر قرار نمودن ... بدون ... انقلابی

قیام در باره مقاومت قهرمانانه کمونیستها و مجاهدین در شکنجه گاهها و زندانهای مخوف رژیم مطالبی نوشتند در منازل مردم پیدا میشود.جنایاتی که افشای آنها باعث تشدید واکنش ...

دانشگاه را درخاطره ها دارندو ازطرف دیگر اعتماد توهم آمیزبه حاکمیت آنها را وا میدارد تا توجیهات رژیم را باور دارند، اکنون با دیدن کشتار جنایتکارانه دانشجویان، تصاعد جنگ وبمباران شهرها وروستاهای کردستان قهرمان سکوت وقیحانه درمقابل امپریالیزم ودامن زدن به اختلافات دچار تردید شده اند. حمایت مردم ازدانشجویان اینک علیرغم تمامی تبلیغات حقارت آمیزحاکمیت نتوانسته است بر این تردید غلبه کند. بیجهت نیست که بلندگوهای رسوای رژیم سعی دارند

بقیه در صفحه ۲

بار دیگر ارتجاع گلوی آزادی را فشرد و با سبعیتی بیمانندکه ناشی ازماهیت آن است زیر شعار "انقلاب فرهنگی" "دانشجویان انقلابی رابه خاک و خون کشید. بر چماق‌های مزدوران جمهوری اسلامی که بر فرق دانشجویان انقلابی فرود میآمد نوشته شده بود "انقلاب فرهنگی" رژیم درحالیکه صدای آزادی را باگلوله های سپاه پاسداران درگلو خفه میساخت، درحالیکه تیغه دشنه چماقداران حزب جمهوری اسلامی پیکر آزادی را بر اسفالت خیابان ۱۶ آذر در خون غوطه‌ور میساخت، با وقاحت فریاد میزد، "انقلاب فرهنگی"! جمهوری اسلامی درحالی دانشگاه

بقیه در صفحه ۶

بعد از دانشگاه نوبت مدارس است

درکشوری چون ایران که سرمایه‌داری وابسته، مناسبات حاکم بر آنست، کودکان خیلی زود دنیای کودکی را رها میکنند. منطق بی‌رحم مبارزهٔ طبقاتی، کودکان و نوجوانان ما را از همان سنین طفولیت با واقعیات جامعه‌ایکه نظم جهنمی سرمایه‌بر آن حکمروائی دارد، آشنا میکند. واقعیت زمخت زندگی کودکان و نوجوانان طبقه کارگر و زحمتکش، که اغلب از سنین کودکی برای تأمین زندگی خود وخانواده شان وادار به کارکردن میشوند، منطق مبارزهٔ طبقاتی را بآنان خوب آموخته است شرکت همه جانبه و فعال آنها در قیام شکوهمند بهمن ماه دلیل روشنی بر این مدعاست. بیاد بیاوریم روزهایی را که ارتش آمریکائی شاه جنایتکار با آنهمه سلاحهای رنگارنگ آمریکائی خود

بقیه در صفحه ۳

حزب جمهوری اسلامی، حزب باندهای سیاه!

اگراحزاب ضدخلقی دراکثرکشورها مدتها بعدا زپیدایش خودپرده ازچهره میدرند وبا تمام قدرت سعی درپنهان داشتن ماهیت ضدمردمی خوددارند، حزب جمهوری اسلامی ازهمان ابتدای تاسیس کثیف‌ترین شیوه های ترورواختناق فاشیستی را بکارگرفته ودرنشان دادن کینه وعداوت بی کران نسبت به توده های مردم وبکارگرفتن بی آبروترین عناصربرای خفه کردن هرصدای اعتراضی حتی حدومرزتعقل حکومتگران را درهم ریخته است.

بقیه در صفحه ۲

... که ویتنام نمیرد هرگز

بقیه در صفحه ۸

مفهوم لنینیستی هژمونی و محورهای اساسی آن

بقیه در صفحه ۱۱

درصفحات دیگر:

ضمیمه: ویژه‌نامه اول ماه مه

گرامی باد اول اردیبهشت، روز مقاومت و شهادت دانشجویان انقلابی



(۲۱)

سال اول، دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۵۹ بها ۲۰ ریال

اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران گرامی باد!

سرمقاله

سنگرهای مقاومت را گسترش دهیم!

موج مقاومت افتخارآفرینی که جنبش انقلابی دانشجویان آغازگرآن بود اینک نخستین ثمرات خودرا میدهد. مردم میهن ما که ازیک طرف مبارزات خستگی ناپذیر دانشجویان انقلابی وسنت رزمندگی دانشگاه را درخاطره ها دارند واز طرف دیگرا عتماد توهم آمیزبه حاکمیت آنها را وا میدارد تا توجیهات رژیم را باور دارند، اکنون با دیدن کشتار جنایتکارانه دانشجویان، تداعی جنگ وبمباران شهرها وروستاهای کردستان قهرمان سکوت وقیحانه درمقابل امپریالیسم ودامن زدن به اختلافات دچار تردید شده اند. حمایت مردم ازدانشجویان اینک علیرغم تمامی تبلیغات حقارت آمیز حاکمیت نتوانسته است بر ... غلبه کند. بی جهت نیست که

کردستان، قلمرو سرکوب

دولت جمهوری اسلامی برای استقرار سلطه مجدد سرمایه بر ایران بعد از انقلاب مانع بزرگی بر سر راه دارد: جنبش انقلابی خلق کرد. این جنبش بزرگ در پیوندی که با جنبش توده‌های زحمتکش سراسر ایران دارد و با تأثیری که بر رشد آگاهی این توده‌ها میگذارد شاید بزرگترین خطری است که در شرایط کنونی دولت را تهدید میکند، سرمایه داری بطورکلی نیاز به یک دولت مرکزی قوی دارد تا کارگزار طبقه سرمایه‌دار در درون مرزهای کشور و در ارتباط با دیگر کشورها باشد. اما سرمایه داری وابسته و تحت سلطه بالاخص نیاز به یک دیکتاتوری مرکزی قوی دارد زیرا برای انجام وظیفه فوق باید به سرکوب وسیع توده‌های زحمتکش دست بزند. در یک کشور سرمایه‌داری تحت سلطه بااین علت که سرمایه و قوانین آن بطور عام در همه زوایای جامعه نفوذ پیدا میکند، در هر جا که توده‌ها پیش روی کرده و بنفع خود اعمال حاکمیت نمایند، طبیعتا "آگاهی را به بخشهای دیگر منتقل کرده و

بقیه در صفحه ۲

ستاره‌های ایمان و آگاهی بر سنگفرش خیابان ۱۶ آذر

باردیگر ارتجاع گلوی آزادی را فشرد و با سبعیتی بی‌مانند که ناشی ازماهیت آن است زیر شعار "انقلاب فرهنگی" "دانشجویان انقلابی را به خاک و خون کشید. بر چماق‌های مزدوران جمهوری اسلامی که بر فوق دانشجویان انقلابی فرود می‌آمد نوشته شده بود "انقلاب فرهنگی" رژیم درحالیکه صدای آزادی را باگلوله‌های سپاه پاسداران درگلو خفه میساخت، درحالیکه سینه دشنه چماقداران حزب جمهوری اسلامی پیکر آزادی را بر آسفالت خیابان ۱۶ آذر در خون غوطه‌ور میساخت، با وقاحت فریاد میزد: "انقلاب فرهنگی"!

جمهوری اسلامی درحالی دانشگاه

بقیه در صفحه ۶

بعد از دانشگاه نوبت مدارس است

در کشوری چون ایران که سرمایه‌داری وابسته، مناسبات حاکم بر آنست، کودکان خیلی زود دنیای کودکی را رها میکنند. مناطق بی‌... جهنمی سرمایه برآن حکمروائی دارد، آشنا میکند. واقعیت زمخت زندگی کودکان و نوجوانان طبقه کارگر و زحمتکش، کداغلب از سنین کودکی ... آموخته است شرکت همه جانبه و فعال آنها در قیام شکوهمند بهمن ماه دلیل روشنی بر این مدعاست. بیاد بیاوریم روزهائی را که ارتش آمریکائی شاه ... با آ...

دانشگاه ...

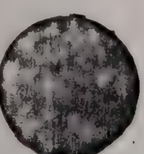
میباشد تحریکات شدید رژیم جمهوری اسلامی بر علیه کمونیستها، وتبلیغات منفی حول بی نظمی، هرج ومرج و بلبشوی سیاسی است، که با بر انگیختن روحیه محافظه‌کارانه مردم ودمیدن وحشت از بی نظمی، نا امنی هرج ومرج در آنها ومنسوب کردن این مسایل به کمونیستها، جو تحریک و هیجانی بر علیه آنها بوجود آورده است. وجود این عوامل، خود سبب میگردد، که بعد از اول اردیبهشت، کمونیستها درمسیر ادامه مبارزه خود با هشیاری واحتیاط بیشتری عمل کنند، وسعی نمایند که از پدید آمدن صحنه‌های درگیری ورودررویی با توده‌های ناآگاه وفریب خورده جلوگیری شود. حرکات وبرنامه‌هایی که به چنین درگیریها ورودررویی‌هایی با توده‌های فریب خورده وتحریک شده مردم بیانجامد، جنبه چپ روانه ونا متناسب با اوضاع هیجانی و برانگیخته کنونی دارد.

بدین جهت دانشجویان انقلابی با بدار برپا داشتن تظاهرات و راهپیمایی های نسنجیده که بی‌نظمی وهرج ومرج را دامن میزند، خودداری کرده وافشاگریهای نمایشی خود را واحیاناً تظاهراتی که بهمین منظور برگزار میشود با رعایت جنبه‌های فوق وبا استفاده از شیوه‌های متناسب با محیط واوضاع سیاسی هر منطقه ودرعین حال با استفاده از کلیه امکانات دنبال نمایند.

۳- واقعه بستن دفاتر سیاسی دانشجویان انقلابی ومقاومت دلیرانه آنان برای جلوگیری از آن، آزمونی مهم برای نیروهای انقلابی اعم از دمکرات وکمونیست بود تا ماهیت واقعی شان را درقبال اوضاع سیاسی رویدادها وبرخورد به هیات حاکمه عیان سازد. مماشات وسازشکاری پنهان سازمان مجاهدین خلق با بنی صدر ورضایت به بستن دفاتر سیاسی وخالی کردن سنگر مقاومت دربرابر یورش ارتجاع از جمله جلوه‌های بارز ناپیگیری و تزلزل دمکرات ها درمبارزه بر علیه سرمایه‌داری وابسته میباشد. که درآینده بیشتر وبیشتر از جانب سازمان مجاهدین خلق مشاهده خواهیم کرد. شناساندن ماهیت عملکرد این سازمان درمیان توده‌ها و اعضای هوادار آن ونیز سایر توده‌ها علی الخصوص دراین مورد خاص از زمره کارهایی است که دانشجویان انقلابی باید برای پیشبرد مبارزه خود بدان بپردازند.

از این گذشته، واقعه اول اردیبهشت، محک با ارزشی بود که یکبار دیگر تزلزل وتردید سازمان چریکهای فدایی را درقبال حکومت نشان داد. این سازمان که با تردید ودرعین حال همراه با مذاکره با مقامات حکومت بخاطر بدست آوردن امتیازاتی بدنبال توده‌های دانشجویان انقلابی کشیده میشد، سرانجام با عقب نشینی باتفاق کلیه نیروهای انقلابی درگیر، هرنوع فعالیت نمایشی بر علیه رژیم حاکم را از موضع راست، چپ روانه ارزیابی نموده، ومبارزه خود را با هیات حاکمه صرفاً درحد تبلیغ وافشاگری خلاصه نمود. نشان دادن وتوضیح عملکرد راست روانه سازمان چریکهای فدایی که از دیدگاههای ایدئولوژیک وارزیابی آنها از هیئت حاکمه ناشی میشود، از جمله وظایف مهم کمونیستها در این ایام است.

۴- دانشجویان انقلابی باید برای جلوگیری از توطئه شوم ارتجاع درجهت بستن دانشگاه‌ها وبرای باز نگاه داشتن دانشگاه‌ها که از مراکز مهم افزایش آگاهی توده‌هاست، حتی المقدور ومتناسب با فعالیت سیاسی وصنفی خود درکلاسها شرکت کنند. وبدینطریق درعین اینکه توطئه‌های ارتجاع را خنثی مینمایند درعین حال نیروهای متزلزل وبینابینی را که از این اقدامات ارتجاعی بیزارند درموضع مقابل حکومت قرار دهند.



ما و گرسنگان رژه خواهیم رفت!

رفقا،
آماده اید؟
پرچمهای سرخ را بر سردر خانه‌هایتان
بیاویزید!

فردا،
از سنگر کمون،
به جشن خون میرویم!

فردا،
درخیابانهای شیکاگو
سرودهایمان را،
سر میدهیم!

فردا،
با کارگران بلشویک،
دوباره،
عهد میبندیم!
آماده اید؟
رفقا.

در رژه فردا،
سینه‌هایمان سنگر،
وقلبهایمان مسلسل!

پرچمهای سرخ کمون،
با خون کارگران شیکاگو،
ودرسهای رهبران کبیرمان،
سرود انترناسیونال را میسازند
واز گلوگاه ما،
فشنگ
برخواهد خاست!

هرکلام سرودمان گلوله‌ای،
وهرطپش قلبمان چکاندن ماشه‌ای،
آماده اید،
رفقا؟

پرچمهای سرخ کمون را،
با نقشی از خون کارگرانمان
بدست بگیریم!

فردا،
ما وگرسنگان رژه خواهیم رفت
وپرچم ما سرودهایی
خلق را،
از کارخانه‌ها،
به کوچه‌ها خواهد برد.

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع

دانشگاه ...

عمل درآورد. مقاومت دانشجویان رژیم را وادار ساخت تا چهرهٔ کریه و ضدخلقی خویش را به‌وضوح بیشتر در معرض نمایش بگذارد. تیراندازی بی‌دریغ ووحشیانه پاسداران زدوخوردهای مکرر وآژیر آمبولانس‌ها خاطره روزهای قیام را دراذهان زنده نمود وشهر را تا صبح بیدار نگاه داشت. وحشیگیری پاسداران واوباش حزب‌اللهی بخشی ازمردم را دردوشنبه شب واداشت تا به‌حمایت از دانشجویان شعار داده وبه‌تظاهرات بپردازند. مسئله دانشجویان به‌میان توده‌ها رفت ومبدل به‌امر آنان گشت وافشاگری وسیعی حول آن صورت گرفت واین پروسه هنوزهم ادامه دارد. مقاومت قهرمانانهٔ دانشجویان کمونیست رژیم را به هراس افکند. مسلماً ازاین پس دولت جمهوری اسلامی وسران مرتجع حزب جمهوری اسلامی دربرداشتن قدم های دیگردرسرکوب آزادیهای دموکراتیک ومبارزات توده‌ها با مشکلات بیشتری مواجه خواهندگردید بنظرما ترک وتخلیه دفاتردانشجویی درصبحگاه سه‌شنبه ویکساعت قبل ازموعدمقرر ازنظر تاکتیکی صحیح واصولی بودواکنون نیزآنرا صحیح ارزیابی مینمائیم. این شکل ازمبارزه دیگروظیفه خود را انجام داده‌بود واهداف خودنایل گردیده ودرس خوبی به مرتجعین داده‌بود وادامه بیشترآن صحیح نمیبود. بخصوص که موجب رودررویی با توده‌های ناآگاه وفریب‌خورده ومردم میگشت ومقابله نابرابری را بوجود میآورد. علیرغم مبارزات پرشور دانشجویان وتأثیرآن برتوده‌ها هرگزنمیتوان فراموش کردکه هنوز هم‌بخش وسیعی ازتوده‌ها ناآگاهانه دنباله‌رو رژیم هستندوبآن اعتماد دارند. ادامهٔ مبارزهٔ دانشجویان به‌همان شکل، مصادف بودبا رودررویی ودرگیری با توده‌های ناآگاه وتحریک شده ومردم. علاوه‌براین کشتاروحشیانه رژیم تا موقع تخلیه وبیم قصابی وسیع تردرپایان مهلت مقررنیز عاملی بودکه نمیتوانست درمحاسبات منظورنگردد.

با توجه به‌جمیع نکات فوق همچنانکه گفتیم تاکتیک فوق را صحیح واصولی دانسته ومعتقدیم که این امربهیچ وجه‌بمعنای شکست وعقب‌نشینی دانشجویان نیست. دانشجویان مبارزهٔ خودرا از همان روزسه‌شنبه باشکالی دیگر ادامه دادندوخواهندداد. افشاگری برسرهرکوی وبرزن، تظاهرات وتشییع جنازه درروزسه‌شنبه وتظاهرات موفقیت آمیزبعدازظهر چهارشنبه وغیره هریک بنوبهٔ خود تأثیرچشمگیری درآگاهی توده‌ها داشته وعلیرغم تشبثات دروغها وتبلیغات شرمگینانه ارتجاع حاکم دررشدآگاهی انقلابی توده‌ها بسی مؤثرافتاده‌است دانشجویان عقب‌نشینی کرده وبمیان مردم رفتند. تا باردیگرنیرومندتر پیش آیند

نکته قابل ذکردراینجا عبارتست ازبرخوردسکتاریستی رفقای فدایی. مبارزه مشترک وضرورت سازماندهی وهدایت صحیح آن ازدل خودکمیته‌سیاسی مشترک را بیرون داد. این‌کمیته مرکب بوداز رفقای فدایی، پیکار، راه‌کارگر، رزمندگان (که‌دانشجویان مبارز را نمایندگی میکرد) این کمیته مبارزات دانشجویان را هدایت ورهبری نموده ومشخصا با نام "تشکیلات" به‌دانشجویان رهنمودمیداد. رفقای فدایی‌که‌درطی چندروزمقاومت همکاری وهمگامی مثبتی ازخود نشان داده‌بودندبناگهان با عملکرد سکتاریستی وتصمیم گیری یکجانبه خودکمیته‌سیاسی را عملاً منحل نمودند. سازمان چریکهای فدایی خلق بدون اطلاع نمایندگان دیگرسازمانها خودبه‌مذاکره با بنی صدرپرداخت وسپس بطور یکجانبه‌تصمیم خودرا گرفته‌واعلام نمودکه‌براساس آن حرکت خواهدکرد. رفقای فدایی بدون طرح نظرخود درکمیته‌سیاسی وتلاش برای رسیدن به‌تصمیمی مشترک با زیرپا گذاشتن ابتدایی ترین اصول حاکم بریک حرکت مشترک یعنی تصمیم گیری جمعی باردیگرخودمحوربینی وسکتاریسم را که‌دیگراززمرهٔ اعمال معمولی چریکهای فدایی خلق گردیده به‌نمایش گذاشتند. رفقای فدایی تاآنجاکه منافع سازمانیشان ایجاب میکرد با کمیته‌همکاری نمودندوزمانیکه دیگراین امرراضروری نمیدانستند بدون توجه به‌کمیته‌سیاسی وسازمانهای دیگرفقط با درنظرگرفتن منافع خودکمیته را عملاً برهم‌زدندوبه این ترتیب باعث گشتندکه‌این حرکت ومبارزه مشترک وپرشوربا تفرقه پایان پذیردوکمیته‌سیاسی نتواند تا بآخرمبارزه‌را هدایت ورهبری نماید.

مقاومت قهرمانانهٔ دانشجویان وکشتار آنها توسط عوامل رژیم در سراسرکشور، موج عظیمی ازنارضایتی را برانگیخته‌است.

پاسداران جمهوری اسلامی، درعرض مدتی کمتر ازسه‌روزبیش از ۵۰ دانشجورا به‌شهادت رسانیده‌وچند هزارنفررا مجروح ومضروب ساخته‌اند درکردستان نبردخونین، میان مردم قهرمان کردستان وارتش ضدخلقی ادامه‌دارد وبه‌سطح بالایی ازشدت وخشونت رسیده‌است. درچنین اوضاعی دانشجویان کمونیست، میبایست بدون لحظه‌ای تردیدودرنگ، قاطعانه‌وبدون تزلزل، به‌مبارزهٔ خود با رژیم حاکم ادامه‌دهند.

مبارزه‌دانشجویان کمونیست درشرایط کنونی بایدبا توجه‌به نکات زیرادامه‌یابد:

۱ـ رژیم ضدانقلابی، تهاجم گسترده‌وبابرنامه‌ای را برای سرکوب توده‌ها وخاموش کردن آتش مبارزات آنها آغازنموده‌است که هدف اصلی آن "استقرارجمهوری اسلامی "وتضمین بقای حکومت بر پایه قتل عام وسرکوب بیرحمانه توده‌هاست. رژیم ضدخلقی که‌پایه‌های حکومت خودرا سست وشکننده مییافت بطورحساب شده‌درصدد ازمیان برداشتن تمام جلوه‌های آزادیهای دمکراتیک برآمد، تا مانع ازریختن سریع دیوارتوهم توده‌ها گردد. کشتار وبیکاران، بمباران کردستان، بستن دفاترسیاسی دانشجویان، قتل عام دانشجویان انقلابی همگی حکایت ازابعاد وسیع برنامه‌حکومت برای "استقرار جمهوری اسلامی" درواقع نظام سرمایه‌داری وابسته‌دارد.

درمقابل این یورش گسترده هیئت حاکمه، مقاومت دانشجویان برای دفاع ازحقوق سیاسی خود، یکی ازعرصه‌های مهم‌مبارزه‌بخاطر خنثی کردن توطئه‌های رژیم در جهت تثبیت نظام سرمایه‌داری‌وابسته است. لذا دانشجویان باید مصرانه وپیگیرانه‌بخاطر حفظ وپاسداری از حقوق وآزادیهای خودمبارزه‌کنند و علی رغم بسته‌شدن دفاترسیاسی‌شان فعالیت سیاسی وصنفی خودرا بطرق مختلف وبا استفاده ازهمهٔ امکانات وشیوه‌های ممکن مجدانه دنبال کنند.

۲ـ کشتاروحشیانه‌دانشجویان با وجودآنکه نقش مؤثری درنمایان ساختن چهرهٔ شوم وضدخلقی هیئت حاکمه برای توده‌ها ایفا نموده، و افشاگری دانشجویان انقلابی وکمونیستها دراین رابطه تاثیرزیادی درافزایش آگاهی توده‌ها نسبت به ماهیت حکومت داشت، معهذا هنوز بخش وسیعی ازتوده‌ها دستخوش توهم نسبت به‌هیات حاکمه میباشندوپی به‌ماهیت هیات حاکمه‌نبرده‌اند. این واقعیت موجب آن میشودکه مسئله‌تبلیغ وافشاگری دررابطه‌با توده‌ها به‌نحوبرجسته‌ای دردستورکار دانشجویان انقلابی قرارگیرد که‌موضوع سرکوب وکشتاردانشجویان دراول اردیبهشت وبستن دفاتر سیاسی آنان یکی ازموضوعات مهم دراین زمینه‌میباشد، باید بنحوی موردبهره‌برداری تبلیغاتی تشکل های کمونیست ودانشجویان انقلابی قرارگیرد.

با این حال، آنچه‌بیشترموجب برجسته‌شدن نقش تبلیغ وافشاگری درمقطع بعدازاول اردیبهشت ◄

مبارزهٔ خلق کرد از مبارزات دیگر خلقها جدا نیست!

بقیه از صفحه ۱

دانشگاه ...

و فشارهای متعدد و بالاخره بردباری‌شان در مقابل توده‌های ناآگاه و فریب خورده، از این حرکت آنچنان حماسه‌ای ساخت که سالها در اذهان بیدار و رزمنده خاطره پرشکوه خود را حفظ خواهد نمود. این مقاومت ضربه‌ای کوبنده بود که حتی مرتجعین کوردل را متقاعد ساخت که کمونیست‌ها در راه آزادی سروجان میبازند و بر آرمان‌های مقدس خویش حقیقتاً پایدارند. در عین حال این پایمردی رزمجویانه دانشجویان خنجری بود که پرده‌های تاریک دون صفتی و پستی "توده‌ای"‌هایی را که همواره آزادی را از ارتجاع گدایی میکنند و همواره آسان از کف مینهند از هم درید و به روشنی نشان داد: آنجا که مقاومت توده‌ای هست "توده‌ای"‌ها نیستند و نمیتوانند باشند. مقاومت قهرمانانه دانشجویان انقلابی حکومت را مبهوت کرده توده‌ها را بحرکت درآورده و "توده‌ای"‌ها را مفتضح ساخت.

اما تحلیل بدون تحلیل کارساز نیست. مقاومت سه روزه دانشجویان انقلابی دانشگاه و حوادث بعدی و اثرات مترتب بر آن درسهایی بس آموزنده در بر داشت که در ذیل اجمالاً به برخی از آنها اشاره میکنیم.

* * *

همه جناحهای هیأت حاکمه در سرکوب کمونیستها و توده‌های مردم توافق دارند.

شکی نیست که برنامه هجوم به آزادیهای سیاسی در دانشگاه توسط سران حزب جمهوری اسلامی طرح و تهیه شده بود. سخنرانی خامنه‌ای در نماز جمعه، مقالات دو هفته اخیر روزنامه جمهوری اسلامی و قطعنامه سمینار رسالت دانشجو و دانشگاه همگی مؤید ادعای فوق هستند. بنی صدر که دشمنی خود را با نیروهای کمونیست و با آزادی بخوبی نشان داده است به دلایل خاص خود مخالف هجوم چماقداران به دانشگاه بود. بنی صدر خواستار تمرکز قدرت است. او دشمن نیروهای انقلابیست اما با هر نوع حرکت بر علیه آنها (نیروهای انقلابی) که تمرکز قدرت را تضعیف نماید مخالف است. او خواستار سرکوب قانونی آنهاست. او بنام دولت مردم را بر علیه نیروهای انقلابی و توده‌های ناراضی تحریک میکند اما با تحریک مردم توسط دیگران (بر علیه همین نیروهای انقلابی) اگر در مسیر و جهتی باشد که به تعدد مراکز قدرت بیانجامد مخالف است. رهبران جمهوری اسلامی تصمیم گرفته بودند که دانشگاه را حتماً برای یکسال تعطیل کنند و چماقداران و اوباش حزب الهی را به سروقت دانشجویان بفرستند. بنی صدر سعی کرد تا این حرکت را بنام دولت و ط پاسداران انجام دهد. جناحهای مختلف هیأت حاکمه بعلت مبارزه‌ای بر سر قدرت با یکدیگر اختلاف داشتند و دارند. اما هنگامی که مسئله مقابله با نیروهای انقلابی و توده‌های مردم پیش میآید هیچ اختلافی ندارند. تمام جناحهای هیأت حاکمه در کشتار دانشجویان انقلابی شرکت داشتند.

ناپیگیری دموکراتهای انقلابی

اتحاد دانشجویان کمونیست و مقاومت متحدانه آنان ناپیگیری دموکراتهای انقلابی را به نمایش گذاشت. مجاهدین با بنی صدر سازش کرده و کنار کشیدند. شرکت مجاهدین در این حرکت میتوانست ابعاد تأثیر آن بر روی توده‌ها را دوچندان ساخته و چه بسا باعث عقب نشینی رژیم گردد. سازمان مجاهدین خلق با سازشکاری خود لطمه‌ای شدید به این حرکت باشکوه وارد نمود. آنها حتی در روزنامه مورخ سه شنبه ۲/۲ اشاره‌ای هم به مبارزات قهرمانانه دانشجویان کمونیست و نیز تیراندازیهای وحشیانه پاسداران در شب قبل که تمام شهر را آشفته ساخته بود نکردند. جنبش مسلمانان مبارز صرفاً به انتقادی دوستانه و اشاره به انحرافی بودن این حرکت اکتفا نموده و کلمه‌ای در مورد سرکوب و کشتار رزمندگان نیاوردند و حتی توصیه نمودند که در برابر سرکوب و یورش وحشیانه ارتجاع سکون شده و کاری انجام نشود. جاما به قهقرا رفت و اعلام کرد که تنها با حمله به دانشگاه قبل از موعد مقرر مخالف است! و از دفاتر سیاسی و اشغال آنها توسط مزدوران حکومت حتی کلامی نگفت. این درس بزرگی است که به ما این آموزش بزرگ را دوباره یادآوری می نماید که امتزاج دموکراتیسم پرولتری با دموکراتیسم خرده بورژوازی انقلابی از قدرت اولی خواهد کاست و پرولتاریا در حین حمایت از این نیروها باید همواره بر استقلال صف خویش پای فشارد.

تاکتیک ها.

ما در رهنمود خود به دانشجویان انقلابی در تاریخ ۱/۳۰ متذکر شدیم که:

۱- هر سنگری که بدون مقاومت تسلیم گردد زمینه‌ای خواهد شد برای آسان از دست دادن دیگر سنگرها و هر قدمی که ارتجاع به پیش میگذارد، در صورتیکه با مقاومت جدی روبرو نگردد او را در برداشتن قدمهای دیگر راسخ تر خواهد نمود در شرایط فعلی باید با عزمی آهنین در برابر یورش ارتجاع ایستادگی نمود و با حفظ تجمعات دانشجویی زمینه را برای مقاومت در مقابل یورشهای وسیعتر ارتجاع آماده ساخت. هیأت حاکمه در این حرکت ضد انقلابی و ارتجاعی خود بر علیه دانشگاه‌ها از پشتیبانی توده‌ای وسیعی برخوردار نیست بخشی از بورژوازی نیز با این نوع حرکات (بدلایل خاص خود) توافقی نداشته و مخالف است لذا موقعیت هیأت حاکمه در مجموع چندان استوار نیست و این امر مقاومت در مقابل آنرا تسهیل میسازد. لیکن هیچگاه این نکته را نباید فراموش کرد که وحشت هیأت حاکمه از نیروهای انقلابی کمونیست بحدی است که در مقابل آنان از هر گونه عملیات سبعانه و وحشیانه فروگذار نخواهد کرد. دانشجویان میبایست ضمن مبادرت ورزیدن به مقاومت آمادگی لازم برای عقب نشینی بموقع در مقابل یورش وحشیانه رژیم را داشته باشند و بدانند که اشغال دانشگاه و دفاتر دانشجویی به کمک زور و سرنیزه و در مقابله با مقاومت دانشجویان انقلابی نه تنها شکستی برای دانشجویان محسوب نمیگردد بلکه عاملی است که باعث مفتضح شدن رژیم در سطحی وسیع و گسترده میگردد.

۲- دانشجویان کمونیست و انقلابی میبایست این حرکت ارتجاعی را با برخوردی صحیح به ضد خود تبدیل نمایند. آنها باید این موضوع را بمیان توده‌ها ببرند. باید بهر طریق که میتوانند، از طریق بحث با دوستان و اقوام و آشنایان، از طریق شرکت در بحثهای خیابانی، براه انداختن تظاهرات موضعی، تهیه اعلانات و تراکت در این رابطه و غیره ماهیت یورش ارتجاع را برای مردم افشاء نمایند. میبایست به توده‌های مردم علت یورش به دانشگاه‌ها و رابطه آن با ماهیت هیأت حاکمه و ترس آن از نیروهای انقلابی را توضیح داد. میبایست برای توده‌های مردم این مسئله را روشن ساخت که یورش اخیر هیأت حاکمه به دانشگاه‌ها ماهیتاً تفاوتی با حملات رژیم آریامهری به دانشگاه‌ها ندارد. باید توضیح داد که هر رژیمی که بخواهد در ایران نظام سرمایه‌داری را حفظ کند ناچار از مقابله با نیروهای انقلابی است. دانشگاه در اذهان توده‌های مردم بعنوان مظهر علم و فرهنگ و انقلاب و آزادی شناخته شده است. باید از این موقعیت برای افشای رژیم و بالابردن آگاهی توده‌های مردم استفاده نمود.

(نقل از اعلامیه با تمام نیرو توطئه ارتجاع را بر علیه دانشجویان انقلابی را خنثی نماییم) رزمندگان ۱/۳۰

مقاومت سه روزه دانشجویان بخوبی توانست اهداف فوق را در حدی که از آن انتظار میرفت بمرحله

→

دست ارتجاع از حریم دانشگاه کوتاه!

کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۹ دوشنبه ۸ اردیبهشت ۵۹ بهاء ۲۵ ریال

یاد شهدای دانشگاه گرامی باد!

سرمقاله

هیات حاکمه: وحدت کلمه در سرکوب اختلاف سلیقه در شیوه‌های آن

هیأت حاکمه در هفته اخیر، پرونده جنایات وکشتار و سرکوب خود را کامل کرد و طومار ضدخلقی خود را بطور همه جانبه پیچید. هیأت حاکمه، از رهبر جمهوری اسلامی گرفته تا رئیس جمهور قسم‌های خود را که در اولین روز سال جدید، به مناسبت سال نو خورده بودند، بمرحله اجرا میگذارند. هیأت حاکمه با چهره ددمنشانه و سبعیت حیوانی خود، چنان دستش را رو کرد که توده‌ها، کارگران و زحمتکشان، خلقها همگی از خود سئوال میکنند: آیا واقعاً هیچ تغییری در اوضاع از زمانی که ما قیام کردیم داده شده است؟

حکومت، بطور یکدست موافقت خود را با این جریان، یعنی سانسور و خفقان، کشتار و سرکوب اعلام داشته است، شورای انقلاب در اطلاعیه روز جمعه ۲۹ فروردین وحدت نظر خود را اعلام میدارد. آنها همگی اتحاد خود را باز یافته‌اند. و آنرا به اطلاع رهبرشان رسانیده‌اند که او نیز به نوبه خود آنرا تأیید کرده است.

همانطور که قبلاً هم گفته بودیم حکومت در سال جدید قصد دارد تکلیف خود را با توده‌ها و در پیشاپیش آنها با نیروهای انقلابی یکسره کند. آنها بخوبی واقف شده‌اند که از زیر جنبش انقلابی فزاینده توده‌ها، یک بهمن خونین بیرون خواهد زد. و دانسته‌اند که طبقه کارگر هر روز بیشتر خود را از زیر بار موهوماتی که از صبح تا شب

بقیه در صفحه ۲

اول ماه مه تجلی آرمان‌های طبقه کارگر جهانی.

روز اول ماه مه روز جشن جهانی کارگران است. همه ما کم و بیش از واقعه‌ای که ۹۴ سال پیش در این روز در شهر شیکاگوی آمریکا رخ داد اطلاع داریم و شاید بدانیم که چند سال بعد در کنگره بین المللی کارگران در پاریس روز اول ماه مه را روز کارگر نامیدند و از آن سال تاکنون کارگران سراسر جهان این روز را پنهان یا آشکار جشن میگیرند.

اما چرا کارگران جشن جهانی دارند؟ کارگران جهان چه منافع مشترکی چه هدف مشترک و چه پیوندی‌ها یکدیگر دارند که با یکدیگر روز دست به راهپیمایی و تظاهرات بزنند؟

برای توضیح این مسئله باید نظام سرمایه‌داری و نقش تاریخی کارگران را بررسی کنیم: از زمان پیدا شدن و بوجود آمدن اولین کارگاههای بزرگ صنعتی و اولین کارخانجات در اروپا صاحبان این صنایع یعنی سرمایه‌داران برای براه انداختن کارگاههای خود احتیاج به کسانی داشتند که هیچگونه راه گذران زندگی جز کار کردن نداشته و مالک هیچ وسیله تولیدی مثل

بقیه در صفحه ۴

دانشگاه کلاس خلق برای آموزش مبارزه طبقاتی!

حماسه شورانگیز مقاومت دلیرانه دانشجویان انقلابی دانشگاه در مقابل تجاوز رژیم حاکم به دستاوردهای قیام توده‌ها و آزادیهای دموکراتیک در تاریخ مبارزات دانشجویان انقلابی چون ستاره‌ای سرخ ثبت شده و خواهد درخشید. مقاومت دلیرانه دانشجویان در زیر باران از گلوله و در مقابل پاسداران و اوباش اجیر شده توسط ارتجاع حاکم، همبستگی ستایش آمیز آنها، شور و شوق انقلابی زایدالوصف و تحسین انگیزشان، بی باکی غرورآفرین شان، پایداریشان در مقابل خستگی و بیخوابی

بقیه در صفحه ۱۰

پنجه‌های خون‌آلود بنی‌صدر اینک بر گلوگاه زحمتکشان کردستان!

ارتش مزدور شاهنشاهی، که کینه دیرینه‌ای نسبت به خلقهای قهرمان ما دارد و هنوز مزه تحقیر و شکست مفتضحانه خویش را از یاد نبرده است، حالا که بوسیله فقها و دولتیان آب تطهیر بر سرش ریخته و اسلامی شده است، میخواهد انتقام خویش را از انقلابیون بگیرد. و در این راه از همه آن چیزهایی که مستشاران نظامی آمریکایی و اسرائیلی به او یاد داده بودند بهره میگیرد.

از پادگان سنندج خبر میرسد که فرمانده مزدور، به سربازان گفته است هرکس اعلامیه‌های نیروهای انقلابی را پخش کند، فوراً اعدام خواهد شد و دستور داده است هرکس را که

بقیه در صفحه ۳

درباره سه شعار راه کارگر

بدون تردید پس از آنکه معلوم گردید بورژوازی طبقه اقتصادی حاکم ایران است که از لحاظ سیاسی نیز در قدرت سیاسی قرار دارد، نابودی آن در دستور انقلاب ایران قرار میگیرد. تقریبا هیچ کدام از جریانهای مختلف جنبش کمونیستی در حال حاضر پیرامون ماهیت این بورژوازی و نقش آن در حفظ سیستم حرفی ندارند

بقیه در صفحه ۱۳

کارگران جهان متحد شوید!

دانشگاه، سنگر آزادی

گفته می‌شود دانشگاه سنگر آزادیست و حق هم همین است ولی آیا این آزادی خواهی ناشی از آموزش فرهنگ استعماری غربست یا آنکه این باور از درون توده‌ها برخاسته و در یک موج فراگیر بدانشگاه نیز رسیده است؟ باور کردنی نیست، کسی بر این نکته اصرار داشته باشد که دانشگاه بعلت تعلیم و تدریس مبانی فرهنگ غرب بصورت دژ آزادی درآمده است. بنابراین و درست به همین دلیل مردم بپا خاسته‌اند تا آنکه این عامل باز دارنده را از فرهنگ دانشگاهی بزدایند و بجای آن فرهنگی را رشد دهند که باعث ایجاد فکر تجاوزخواهی در دانشگاهها شده است. بعلاوه توضیح این نکته انکارناپذیر نیز ضروریست که دانشگاه تنها سنگر مبارزه با امپریالیسم نیست. یادآوری و مرور تاریخ ۲۵ ساله اخیر نشان می‌دهد که حوزه‌های علمیه، مدارس، کارخانجات و تمامی آن مراکزی که در آنها افرادی با الهام از افکار و باورهای خودی وجود دارند، سنگر مبارزه با دشمن است. بعلاوه یکبار برای همیشه بایستی روشن کنیم که برای ما مکتب و بینش مکتبی اصل است. آنوقت است که آزادی، استقلال فرهنگ، علم و ترقی مفهوم ویژه و حقیقی خود را باز میابد. در حقیقت اگر نهضت ملی کردن نفت و قیام ۱۵ خرداد به نتیجه نرسید، یك علت آن را نیز بایستی در بی‌خیالی و بی‌تفاوتی بعضی اقشار دانشگاهی جستجو کرد. تاریخ دانشگاههای ما نشان میدهد که در دانشگاهها خصوصاً آنزمان که ورود به دانشگاهها و تحصیلات دانشگاهی متضمن مخارجی بوده است، قشر انقلابی و دردمند در بین دانشجویان و حتی اساتید، فراگیر و عمومی نبوده است. بنابراین همانطور که در تمامی نهادهای جامعه هر معیاری را بایستی بطور نسبی ارزیابی کرد، حمایت بی‌قید و شرط از تمامی کسانیکه بنحوی با نظام فرهنگی موجود در ارتباطند، منطقی نیست. چرا که در این صورت نقض غرض خواهد شد و مسئله اینجاست که پس این تحول بر علیه چه کسانی خواهد بود؟ و آنها که در صدد بودند نظام دانشگاهی را وابسته به رژیم شاه سازند، مگر هنوز در صحنه حضور ندارند؟

*** چگونه میتواند یك جامعهٔ انقلابی بحیات سیاسی خود ادامه دهد در حالیکه پایگاههای فکری آن در تصرف و انحصار فرهنگ سلطه است.**

شکوفائی استعدادهای فرهنگی

مسئله دیگر آنکه تمامی ظرفیت‌هائی که اکنون در نظام فرهنگی جذب شده‌اند، قابلیت و صلاحیت آنرا ندارند که در چنین مراکزی باشند. از سوی دیگر چهره‌های ناشناخته و استعدادهای ناشکفته‌ای وجود دارند که امکان بروز و ظهور و در نتیجه رشد را نداشته‌اند. پس یکی از وظائف مجریان و دست‌اندرکاران انقلاب فرهنگی بایستی شناسائی استعدادها و ایجاد امکانات رشد برای آنها باشد. در یك برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده بایستی ظرفیتها، قابلیتها و استعدادهای فرهنگی موجود در جامعه شناسائی و برآورد گردد و سپس برای بکارگیری این قابلیت‌ها کوشش شود.

شبههٔ دیگر نیز در این رابطه القا میشود و آن اینکه انقلاب ایران هنوز نوپاست و قادر نیست بطور کامل بر روی پای خود در تمامی ابعاد استوار شود. البته شك نیست گسستن پیوندها و بندهای اسارت‌بار وابستگی از سلطه‌گران بسادگی و در یك لحظه امکان‌پذیر نیست اما در زمینه فرهنگی اگر پذیرفته‌ایم فرهنگی غنی و بارور را از نیاکان خود بمیراث برده‌ایم، چرا برای هر تحولی در جستجوی الگوهای بیگانه با فرهنگ اصیل خود هستیم؟



عمده‌ترین اشکال وارد!

عمده‌ترین اشکال وارد بر این تحول بنیانی آنست که گفته میشود در ضرورت ایجاد این تحول شك و تردیدی نیست لکن مسئله اینست در حالیکه نیروهای ما درگیر مبارزه با امپریالیسم‌اند، درست نیست ما جبهه دیگری را بگشائیم! دقیقاً بهمین دلیل و بکارگیری همین استدلال، حرف این عده مردود است، و اکنون بهترین و مناسب‌ترین لحظه برای آغاز این تحول عظیم است. زیرا بایستی مبارزه با امپریالیسم را در تمامی جبهه‌ها، اعم از سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی گسترش داد تا دشمن تنها خود را در یك جبهه با ما درگیر نبیند. چگونه میتواند یك جامعه انقلابی به حیات سیاسی خود ادامه دهد، در حالیکه پایگاههای فکری آن در تصرف و انحصار فرهنگ سلطه است؟ درگیرشدن با تمامی قوا در تمامی جبهه‌ها و بکارگیری تمامی نیروها و امکانات، استراتژی انقلاب است و انقلابی پیروز خواهد شد که مردم آن بتوانند با درك لحظه‌ها و اولویت‌ها، نیروی خود را برآورد کنند و با حملات و ضربات ممتد خود پایگاههای سلطه‌گران را درهم بکوبند و امت اسلامی با درك این واقعیت‌هاست که بپاخاسته است تا استراتژی انقلاب را در نابودی سلطه فرهنگی و رهانیدن خلق از زیر یوغ استضعاف فرهنگی نیز بکار گیرد.

*** هرگونه تحولی در دانشگاه بایستی با تکیه بر موازین مکتبی و با استفاده از شوراهائی‌مسئول‌و مکتبی‌ـ‌نه شوراهای اسمی ـ انجام شود.**



در نتیجه در لزوم آغاز انقلاب فرهنگی و ایجاد یك تحول بنیانی و هم چنین ایجاد سیستم آموزشی و فرهنگی خودی، شکی نیست. بلکه اکنون مسئلهٔ چگونگی از بین بردن «استضعاف فرهنگی» و تکیه بر ارزشهای خودی، مطرح است.

اکنون ملتی بپا خاسته است تا نظام فرهنگی وابسته را که از درون پوسیده است، به مثابه بقایای رژیم آمریکائی شاه از میان بردارد. طبیعی است در این راه همانند دیگر تحولات بنیانی جامعهٔ انقلابی که تا کنون انجام شده است، مشکلات و موانعی در پیش خواهد بود. کسانی که منافع خود را در خطر می‌بینند، بیکار نخواهند نشست. آنها که بقای خود را در استمرار نظام فرهنگی وابسته می‌بینند، در صدد مقاومت بر می‌آیند. کسانیکه در گذشته بعنوان «روشنفکران رسمی» شناخته شده بودند، از این تحول استقبال نخواهند کرد. لکن علیرغم تمامی توطئه‌هائی که از پیش انتظار و احتمال آن وجود دارد، بایستی هرگونه تحولی در دانشگاه و نظام آموزشی حاکم بر دانشگاهها با تکیه بر موازین مکتبی و با استفاده از شوراهائی مسئول و مکتبی انجام شود.

اعتبار فرهنگی تحولات

در حقیقت فرهنگ یك جامعه نقش کلیدی در شناخت روحیه‌ها، اعتقادات و باورهای یك جامعه دارد. رژیم گذشته رژیمی وابسته به امپریالیسم بوده است و مزدوران رژیم در تمامی ابعاد ممکن سعی خود را در انحطاط جامعهٔ ایرانی و تهی کردن ذهن احاد جامعه از یك محتوای فکری اصیل بکار گرفته‌اند. زیرا بخوبی می‌دانستند این فرهنگ و محتوای فکری حرکت یك جامعه است که به تحولات و دگرگونی‌های انجام شده، ارزش و اعتبار می‌بخشد. در حقیقت فرهنگ نقشی بنیادی و ریشه‌ای در انقلاب یك جامعه ایفا می‌کند.

طبیعی است اگر جامعه دانشگاهی ما در گذشته با بهره‌گیری از انقلاب اسلامی توانسته است خود را از زیر یوغ استبداد شاهنشاهی نجات بخشد، از هر تحول مثبتی در گسستن بندهای اسارت بار وابستگی فرهنگی نیز استقبال کند. اما این مهم بسادگی امکان‌پذیر نیست و احتیاج به شناخت و آگاهی همه جانبه به تمامی ابعاد مسئله و اشراف به کل نظام فرهنگی دارد. در این میان مسلماً فرد یا افرادی نمی‌توانند ادعا کنند بر تمامی مسائل دانشگاهی و فرهنگی اشراف کامل دارند. بنابراین‌برای‌آنکه‌انقلاب‌فرهنگی‌تحقق یابد، بایستی به تحولی در عمق اندیشه انسانها و تك‌تك آحاد و افراد جامعه منجر شود و برای تحقق این مهم، وجود یك شورای انقلاب فرهنگی و تشکیلاتی در خور انقلاب اسلامی که متشکل از تمامی صاحبنظران متعهد و با بینش مکتبی باشد، ضروریست.

زیرا این اعتقاد در جامعه وجود دارد که اگر تحولات لازم‌الاجرا از سوی افرادی انجام گیرد که بر تمامی مسائل و اشکلات اجرائی آگاه نباشند، ولو آنکه تعهد و احساس وظیفه آنها را وادار به عمل کرده باشد، نتایج قابل قبولی را در بر نخواهد داشت. تاکید این نکته ضروریست: همانقدر که تاخیر در ایجاد تحولات انقلابی و دگرگونی‌های بنیانی و بخصوص انقلاب فرهنگی زیانبخش است، تعجیل بی‌برنامه عمل کردن و سپردن کارهای اجرائی به افرادیکه واجد صلاحیت نیستند، نیز زیانهای جبران ناپذیری را خصوصاً در قلمرو مسائل فرهنگی در پی خواهد داشت. در یك کلام انقلابی عمل کردن به معنی بی‌ضابطگی نیست. اما از آغاز طرح این مسئله، عکس‌العمل‌ها و انعکاس‌های متفاوتی در سطح جامعه نسبت بدان بوجود آمد. عده‌ای آنرا بدیدهٔ تردید نگریستند و بعنوان شگردی برای سرکوب نیروهای انقلابی و توطئه امپریالیسم تلقی کردند. عده‌ای گفتند در ضرورت ایجاد انقلاب فرهنگی حرفی نیست ولی اکنون وقت اجرای آن نیست.

در گذشته نیز گفتیم که در حالیکه ما در یك نبرد رودررو با امپریالیسم و عمال داخلی‌اش درگیر شده‌ایم، وجود و تحرك فرهنگ استعماری در مراکز فرهنگی ما بهیچ روی قابل تحمل نیست اگر بناست با سلطه ابرقدرتها مبارزه کنیم، این مهم بدون دستیابی به الفبای مبارزاتی خودمان امکان ندارد زیرا دشمن تنها چیزی را بما می‌دهد که مطمئن باشد علیه او بکار نخواهد رفت.

*** دانشگاه تنها سنگر مبارزه نیست، بلکه در یك جامعهٔ انقلابی تمامی نهادهائی که از افکار و باورهای خودی الهام گرفته‌اند، سنگر مبارزه با دشمن‌اند.**





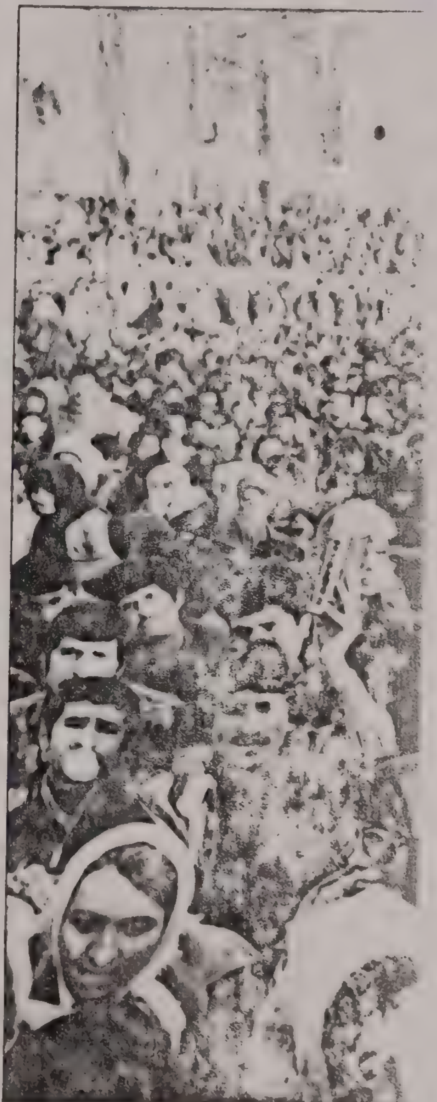
تلقی می‌شود. نظام جدید دانشگاهی در سال ۱۳۱۴ بدستور رضاخان ایجاد شد. اگر بپذیریم منظور از این تحول، افزایش سطح رشد و آگاهی مردم بوده، دچار ساده‌نگری و خوشبینی شده‌ایم. زیرا دست‌نشانده همواره شگردهائی را بکار می‌گیرند تا حتی‌الامکان تودهٔ مردم را از آگاهی‌های لازم و آشنائی با سرنوشت آنها مربوط میشود، دور نگهدارند. چنین انگیزه‌ای در کتمان حقایق از آنجا سرچشمه میگیرد که رژیمها بخوبی دریافته‌اند با افزایش سطح آگاهی مردم، رژیم در آستانهٔ سقوط قرار میگیرد. رژیم شاه حداقل در این زمینه بهترین گوا هست. رضاخان و به تعبیر بهتر امپریالیسم جهانخوار، که او دست‌نشاندهٔ آنها بود، از ایجاد مراکز دانشگاهی چه هدفی را دنبال میکرد؟

هدف رضاخان را در چند جمله میتوان خلاصه کرد.

۱- ایجاد طبقه تکنوکرات و آشنا به علوم روز برای اداره سیستم بوروکراتیك وابسته رشد یابنده.

۲- آماده کردن دانشجویان برای پذیرش مفاهیم مورد نظر از جمله گسترش فرهنگ استعماری.

انگلیس پس از بیش از یك قرن تجربه در استعمار



ملت‌ها شیوه‌های جدید استعماری را تجربه کرده و دریافته بود استعمار کشورهای عقب‌افتاده اگر به معنی هجوم نظامی و تصرف خاك این کشورها باشد، حتی مردم بیسواد نیز چنین حقیقتی را بخوبی درك می‌کنند و در نتیجه دیر یا زود برای مقابله با آن، قیام خواهند کرد لکن استعمار فرهنگی بمثابه روشی بمنظور تضمین غارت اقتصادی منابع اینگونه کشورها و ایجاد صنایع وابسته، بدان علت که کمتر ابعادش بخوبی ترسیم شده، کمتر مورد حمله قرار گرفته است.

در حقیقت هدف رضاخان و سیاست استعماری او تربیت متخصصینی بود تا بتوانند به نوبهٔ خود سیستم اقتصادی و اداری وابسته را ایجاد کرده و بنفع سلطه‌گران آنرا بحرکت درآورند.

سئوال اینست که چرا پس از گذشت ٤٥ سال از تاسیس دانشکدهٔ فنی، هنوز صنعت ایران تماماً مونتاژ است و چیزیکه بتوان آنرا صنعت ملی دانست، وجود ندارد؟ علت آنست که دانشکده‌های فنی و مهندسی ما در این مدت مهندسینی تربیت کرده‌اند که بالاترین تخصص آنها گرداندن واحدهای مونتاژ صنعتی است. در حقیقت سیاست حاکم بر دانشکده‌های مهندسی سیاستی استعماری بوده است که بر اساس آن تکنوکراتهائی برای اجرای سیاست صنایع وابسته به بازار کار عرضه شده‌اند.

این بدان معنی نیست که مهندسین و متخصصین ایرانی استعداد ایجاد صنایع خودکفا را ندارند، بلکه اساساً سیستم آموزشی و سیاست حاکم بر دانشکده‌های مهندسی، هرگونه قدرت ابتکار و خلاقیت صنعتی را نادیده گرفته و در نتیجه چنین خلاقیتی در درازمدت در یك حرکت میرا سرکوب شده است. چه بسیار، استعدادها و ابتکارها که در اثر نبودن امکان رشد و زمینهٔ عمل، ناشکفته مانده است و چه بسیار که سرخورده شده‌اند. در حقیقت سیستم آموزشی حاکم بر

*** این فرهنگ و محتوای فکری حرکت یك جامعه است که به تحولات و دگرگونی‌های انجام شده، ارزش و اعتبار می‌بخشد. در حقیقت فرهنگ نقشی بنیادی و ریشه‌ای در انقلاب یك جامعه ایفا می‌کنند.**

*** مسلماً در لزوم آغاز انقلاب فرهنگی بحثی نیست بلکه اکنون مسئله چگونگی از بین بردن «استضعاف فرهنگی» و تیکه بر ارزشهای خودی، مطرح است.**

جوامع دانشگاهی معجونی است که حتی در کشورهای غربی نیز همانند ندارد. چرا که در سیستم آموزشی غرب حداقل امکان رشد استعدادها وجود دارد، برای رشد بایستی در کانال خاصی هدایت شود بنابراین بافت‌فکری حاکم بر جوامع دانشگاهی بافتی استعماریست و گذشته از آنکه امکان رشد استعدادها در چنین بافتی وجود ندارد، با توجه به قالب فکری موجود، اساساً زمینهٔ شکوفائی استعدادها نیز از بین میرود. مضافاً بر اینکه هر فرد برای ارتقاء مقام، خود را مجبور می‌بیند تا همگون با سیستم بوروکراتیك موجود شود و حتی در صورت مقاومت نیز در درازمدت توان مقابلهٔ با آن را از دست خواهد داد. راه سومی هم وجود دارد که به تنهائی برای تغییر بافت فکری موجود اقدام کند که البته نتیجه از پیش روشن است.

فروپاشی درونی:

طبیعی است که در چنین جوی مسابقه برای خدمت بیشتر بمنظور سرپا نگهداشتن نظام فرهنگی موجود، هر لحظه سرعت میگیرد و در این میان «از خود بیگانگی» ملاك ارزشیابی کارائی افراد قرار میگیرد. رژیم شاه را بخاطر بیاورید و لحظه‌ای تصور کنید آیا محمدرضا در اجرای سیاست‌های استعماری بتنهائی عمل می‌کرد؟ یا آنکه مجموعه‌ای متشکل از روشنفکران خود فروخته و تکنوکراتهای بیگانه از فرهنگ خودی، وی را در اجرای سیاست‌های استعماری یاری میدادند. گروههائی از اندیشمندان را بیاد بیاورید که چگونه دست بسته و چاکرمابانه در برابر شاه جلاد خم میشدند و دست این جنایتکار قرن را بوسه میزدند. بر انقلاب سفیدش شرح و حاشیه می‌نوشتند و آنرا تحلیل علمی میکردند. نظام فرهنگی حاکم بر مجامع دانشگاهی از درون پوسیده است و با جامعهٔ انقلابی ما و دانشجویان رزمنده که از پیشگامان انقلاب بوده‌اند، هماهنگی ندارد. اگر دانشجویان و دانشگاهیان متعهد برای تغییر و تحول در این نظام بپا خاسته‌اند، اگر ضرورت یك تحول بنیانی به منظور دگرگونی ریشه‌ای در تمامی بافتهای جامعهٔ روشنفکری و دانشگاهی ما، اکنون بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود، برای آن است که نظام دانشگاهی ما از یك فروپاشی درونی رنج می‌برد. با این تفاوت که عده‌ای آثار و علائم سقوط این نظام وابسته را درك کرده‌اند. ولی عده‌ای در انتظارند تا سقوط آنرا به چشم خود ببینند تا باور کنند.

*** برای تحقق انقلاب فرهنگی که بایستی به تحولی بنیانی در عمق اندیشه‌ها منجر شود، وجود یك شورای انقلاب فرهنگی و تشکیلاتی در خورد انقلاب اسلامی ضروریست.**

سروش شماره ۴۷ - شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۹

سردبیر م. زورق

تفسیر هفته ...

استضعاف فرهنگی و استراتژی انقلاب

بقلم: حسین مفید

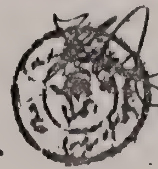
*** انقلاب فرهنگی به تعبیری گسترش و تعمیم «فرهنگ انقلابی» در تمامی جامعه و بخصوص در نهادهای آموزشی و فرهنگی و دگرگونی نظام فرهنگی حاکم بر مجامع آموزشی تلقی میشود.**

دانشگاه باید دژ فرهنگ انقلابی باشد

هر انقلابی هر چند فراگیر باشد، تا زمانیکه بیك تحول بنیانی در فرهنگ و باورهای جامعه منجر نشود، لاجرم میرا و گذرا خواهد بود. این اعتقاد وجود دارد که تا زمانیکه تحولی بنیانی درفرهنگ وباورهای جامعه ایجاد نشود، اساساً انقلابی بوقوع نخواهد پیوست. ولی بحث در آن نظر نیست و سخن ما آنست که تا زمانیکه باورهای جامعه و ساختههای ذهنی یك جامعهٔ انقلابی بعنوان یك باور عمومی بصورتی مدون و کلاسه بجامعه عرضه نشود، بیم از هم گسیختگی و دلسردی وجود دارد. بعبارتی میتوان گفت ابتدا بایستی «فرهنگ انقلابی» در جامعه ایجاد شود تا آنکه بر اساس آن انقلابی تحقق یابد و سپس جامعه در حرکت تکاملی و رشد یابندهٔ خود، انقلاب فرهنگی را ایجاد کند و با از هم گسیختن بندهای وابستگی، خود را از «استضعاف فرهنگی» برهاند. اکنون ملت بپا خاسته است که مبارزه با امپریالیسم را، و بعبارت کلی‌تر مبارزه با سلطه‌گران را از شعار بعمل تبدیل کند و این بدون نفی «استضعاف فرهنگی» امکان‌پذیر نیست. انقلاب فرهنگی به تعبیری گسترش و تعمیم «فرهنگ انقلابی» در تمامی جامعه و بخصوص در نهادهای آموزشی و فرهنگی و دگرگونی نظام فرهنگی حاکم بر مجامع



... را در حمایت و پناه خود می‌گیرند، خالی سازند و به همین منظور روستاها را بمباران می‌کنند. بمباران مدام منطقه مرگور و ترگور مخصوصا دره قاسملو جزئی از این سیاست است. روستائیان منطقه مجبور به ... و حمایت آنها از انقلابیون گردند. امپریالیست‌ها همین سیاست را در زیمبابوه و بسیاری مناطق دیگر به کار گرفته‌اند. و اکنون فرماندهان دست پرورده امریکا در ارتش جمهوری اسلامی این سیاست را در کردستان عملی می‌کنند.



پرسنل انقلابی نیروهای مسلح:

با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم فاشیستی عراق پیکاری پرتوان خواهیم کرد!
ولی فرصت سودجوئی به تیمساران شاهنشاهی و سرکوبگران ارتش نخواهیم داد!

همکاران مبارز!

خلق‌های قهرمان ایران!!

اینک که مبارزات ضد امپریالیستی – دمکراتیک توده‌های زحمتکش ما اوج دیگری یافته است، اینک که امریکای جنایتکار و دوستان داخلیش یعنی سازشکاران در متوقف کردن سیل خروشان جنبش خلقها شکست خورده و کلافه شده‌اند، اینک که سرسپردگان امپریالیسم در منطقه نظیر رژیم فاشیستی عراق برای نجات خود و اربابانش از لهیب سوزان آگاهی و مبارزه توده‌ها، ایران عزیز و جنبش قهرمانانه‌اش را مورد تهدید نظامی قرار می‌دهد و گستاخانه در مرزها به‌یورش می‌پردازد، واینک که نیرنگ بازان و فریبکاران وطنی داخل هیئت حاکمه طرح‌های سازشکارانه و ضد خلقی‌شان را برای رهائی سرمایه‌داری و استثمار از مخمصه مبارزات زحمتکشان نقش برآب می‌بیند وظایف و مسئولیت‌های حساسی به‌ویژه بردوش پرسنل نیروهای مسلح نهفته است.

سربازان، درجه داران،
همافران و افسران
انقلابی نیروهای مسلح!

هوشیار باشیم و ضمن پیکار قاطع و پرتوان با امریکای جنایتکار و رژیم سرسپرده عراق نگذاریم تیمساران شاهنشاهی، سازشکاران و نیرنگ‌بازان درون شورای انقلاب و دلالان سیاست‌های امپریالیستی از این حساس بودن وظایمان سود جویند و با سرپوش تامین امنیت به بسیج ارتش ضدخلقی برای سرکوبی جنبش هموطنانمان بپردازند!

یاران آگاه و مبارز!

اکنون دیگر با تهدیدات توخالی امپریالیسم امریکا پوچی و رسوائی همه ادعاها از جمله ندامت‌نامه کذائی‌اش که بعضی‌ها چون آقای رئیس جمهور آنرا یک پیروزی بزرگ دانستند و دلالانی چون قطب‌زاده آن را شکست قطعی امپریالیسم نامیدند! برملا شده است.

اکنون که دیگر دوستان امریکا در شورای انقلاب و سایر جناح‌های حاکم موفق نشدند به سادگی وبه میل اربابشان به مسئله گروگان‌ها و مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها پایان دهند، امریکای جنایتکار دست به اجرای توطئه‌های جدیدی زده‌است. سفر شاه به مصر ملاقات نمایندگان کاخ سفید چون برژینسکی و مهره‌هائی چون بختیار با دولت عراق و تشدید تهاجمات تبلیغاتی و نظامی رژیم فاشیستی بعث به ایران از جمله این توطئه‌ها است.

همکاران رزمنده!

رئیس جمهور در پیام خود به مناسبت قطع رابطه امریکا با ایران به‌جای پرداختن به لزوم اتحاد همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست و به‌جای بسیج همه توان‌توده‌ها علیه امریکا و رژیم فاشیستی عراق تلاش کرد تا مبارزات حق‌طلبانه خلق‌هایمان را به تخطئه کشد و ارگان‌های سرکوب را برای یورش به این مبارزات آماده نماید.

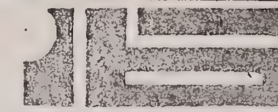
آقای رئیس جمهور تهدیدات امریکا و تجاوزات عراق را نتیجه مبارزات سربازان ودرجه‌داران‌نیروهای مسلح برای افشای تیمساران شاهنشاهی ارتش دانست و سعی نمود با پشیمان جلوه دادن پرسنل از این مبارزه روحیه انقلابی آنهاراتضعیف نماید.

آقای رئیس جمهور با طرح مسئله امنیت داخلی در حقیقت به بسیج نیروهای مسلح برای سرکوبی جنبش می‌پردازد و تضاد امپریالیسم و سازشکاران را با توده‌ها بدین طریق سرپوش می‌گذارد.

ما در این مقطع حساس از مبارزات ضد امپریالیستی – دمکراتیک توده‌ها قاطعانه اعلام می‌داریم که پرتوان و مصمم دوشادوش خلق‌ها به پیکاری جانانه با امپریالیسم امریکا و رژیم فاشیستی عراق خواهیم پرداخت ولی درعین حال به خوش‌خیالان و دوستان امپریالیسم وبه امرا و فرماندهان امریکائی ارتش اخطار می‌کنیم که هرگونه سودجوئی خائنانه از احساسات مبارزه جویانه توده‌ها و پرسنل نیروهای مسلح را افشاء و درهم خواهیم شکست.

پرسنل انقلابی نیروهای مسلح ۲۱ فروردین ۵۹

امریکا توخـــالی است و ویتنـــام گواهی است



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

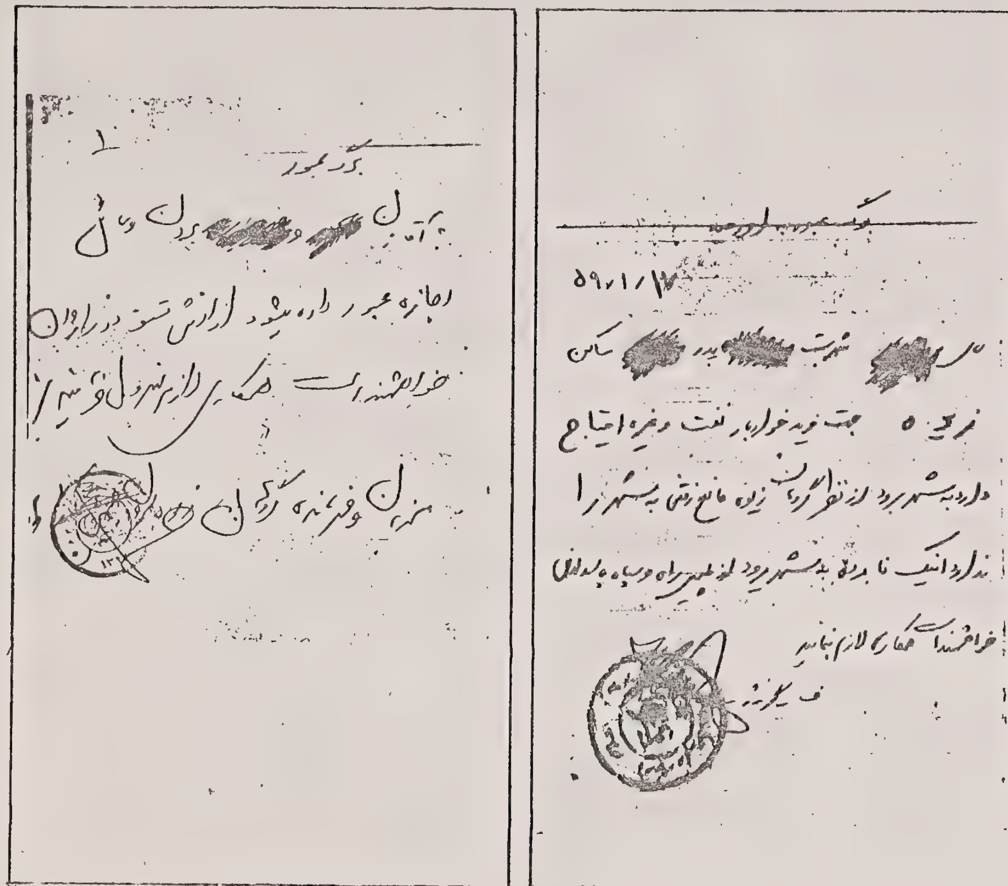
چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۵۵ صفحه ۴

فرماندهان ارتش تجارب ارتش آمریکا در ویتنام را در کردستان بکار می‌گیرند

درگیری‌های اخیر غرب ارومیه نشان می‌دهد که‌چگونه فرماندهان دست پرورده امریکا در ارتش جمهوری اسلامی (مثل فلاحی که در ویتنام دوره دیده است) سیاست‌های تهاجمی و سرکوبگرانه ارتش امریکا در ویتنام را بکار می‌گیرند. فرماندهان ارتش که سالها شیوه سرکوب خلق‌ها را از فرماندهان امریکائی خود و آخرین دستورالعمل‌های کتبی آنها آموزش دیده‌اند برای سرکوب خلق کرد دست به بمباران روستاها می‌زنند

آنها بااین شیوه مذبوحانه و جنایتکارانه میخواهند روستاها را از زحمتکشانی که مبارزان خلق کرد و پیشمرگه را در حمایت و پناه خود می‌گیرند ، خالی سازند و به همین منظور روستاها را بمباران می‌کنند. بمباران مدام منطقه مرگور و ترگور مخصوصا دره قاسملو جزئی از این سیاست است. روستائیان منطقه مجبور به ترک روستای خود شده‌اند و روستائیانی که هنوز در آن مناطق هستند بدون داشتن برگ عبور پاسگاه حق خارج شدن از روستا را ندارند.

امپریالیسم امریکا عین همین سیاست‌ها را در ویتنام پیاده می‌کرد. آنها دهکده‌ها را بمباران می‌کردند و یا در حملات وحشیانه به‌آتش می‌کشیدند افراد " مشکوک" را دستگیر می‌کردند و به قتل می‌رساندند و سایر اهالی را در مناطق مخصوصی که " دهکده‌های استراتژیک" خوانده می‌شد مستقر می‌کردند و تحت حفاظت شدید میگرفتند تا مانع تماس و حمایت آنها از انقلابیون گردند. امپریالیست‌ها همین سیاست را در زیمبابوه و بسیاری مناطق دیگر به کار گرفته‌اند. و اکنون فرماندهان دست پرورده امریکا در ارتش جمهوری اسلامی این سیاست را در کردستان عملی می‌کنند.



برگ عبور از روستا

۵۹/۱/۱۷

آقای [redacted] شهرت [redacted] پدر [redacted] ساکن

قریه ۵ جهت خرید خواربار نفت وغیره احتیاج

دارد به شهر برود از نظر گروهان ژاندارمری مانع رفتن به شهر را

ندارد ...

خواهشمند است همکاری لازم بنمایید

برگ عبور

به آقای [redacted] ...

اجازه عبور داده میشود از ارتش ...

خواهشمند است ...

پرسنل انقلابی نیروهای مسلح :

با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم فاشیستی عراق پیکاری پرتوان خواهیم کرد!

ولی فرصت سودجوئی به تیمساران شاهنشاهی و سرکوبگران ارتش نخواهیم داد!

چند جاش دیگر زخمی و دستگیر می‌شوند. مقاومت مردم و پیشمرگان چشمگیر است. تلفات ارتش بسیار زیاد است (حدود ۵۰ کشته و زخمی) عده‌ای از پرسنل انقلابی با سلاح‌هایشان به مردم می‌پیوندند. دو تانک ارتشی منهدم و یک هلی‌کوپتر به وسیله پیشمرگان سقوط می‌کند.

● ۳۰ فروردین

صبح روز ۳۰ فروردین درگیری با شدت بیشتری ادامه پیدا می‌کند. دهها خانه ویران می‌شود و تعداد بیشتری از خانه‌ها و مغازه‌های مردم آسیب می‌بینند. در این روز ۴نفر دیگر از مردم براثر شلیک خمپاره و توپ شهید می‌شوند. هلی‌کوپترها همچنان با شدت از هوا مردم را به رگبار می‌بندند. ارتش تلفات دیگری را متحمل می‌شود. سه ارتشی و از جمله یک سروان کشته می‌شوند. روحیه ارتشی‌ها تضعیف می‌شود. سربازان قصد داشتند تسلیم شوند. آنها به پشت تپه‌ها عقب‌نشینی می‌کنند. عده‌ای دیگر با سلاح‌هایشان به مردم می‌پیوندند. اما بقیه در وضع مصیبت‌باری گیر کرده‌بودند. وضعی که چاره‌ای جز تسلیم شدن یا کشته شدن برای آنها باقی نگذاشته بود.

دانش آموزان پیشگام و بقیه دانش‌آموزان با تلاش بی‌نظیری به زخمی‌ها کمک می‌کردند، به پیشمرگان

و عده‌ای تشکیل شده است که مردم بوکان فعالانه در کمک رسانی به مردم سقز شرکت می‌کنند و کمک‌ها به قدری بوده است که هیئت نظارت در سقز چندین بار خبر داده‌اند که دیگر چیزی نفرستند. در این رابطه دانش‌آموزان پیشگام بوکان نقش بسیار ارزنده‌ای ایفا

قصد دارد به سقز برود و چون مردم جلوی پیشروی ستون را گرفته و در جاده بست نشسته‌اند، ستون از طریق جاده دیگری قصد حرکت به طرف سقز را دارد. آنجا نیز توسط پیشمرگه‌ها متوقف شده و درگیری آغاز می‌شود. پنج نفر از ارتشی‌ها کشته و ۱۲ نفر دیگر اسیر

پیاده کنند. طبق آخرین خبرها ستون ارتشی براثر مقاومت شجاعانه پیشمرگان جنبش مقاومت مجبور به توقف شده است. عده‌ای از پرسنل انقلابی در سنندج به مردم پیوستند، در مریوان نیز عده‌ای از پرسنل انقلابی با سلاح‌هایشان به مردم پیوسته‌اند و فرمانده

سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاده است. براثر حمله ارتش به روستاها صدها نفر از روستائیان آواره شده‌اند و به روستاهای دیگر پناه برده‌اند. در اشنویه مدارس تعطیل است و جریان برق و تلفن این شهر یکهفته است که بوسیله ارتش قطع شده است.

اسامی زخمی‌ها و شهدای جنگ سقز

که تا این لحظه شناخته شده و به دستمان رسیده است

زخمی‌ها:

۱ـ علی فیضی ۱۶ ساله دانش‌آموز ـ تیرخوردگی از ناحیه پا.
۲ـ احمد ولی ۱۳ ساله دانش‌آموز بوسیله خمپاره در جلوی منزلشان زخمی شده است.
۳ـ اسماعیل ابراهیمی ۶۰ ساله ـ کارگر ـ بوسیله خمپاره در جلوی منزلشان زخمی شده است.
۴ـ حسین ولی ۸ ساله به وسیله خمپاره در جلوی منزلشان زخمی شده است.
۵ـ عبدالله قاضی ۳۶ ساله توسط انفجار خمپاره زخمی شده است.
۶ـ محمد صالحی ۱۳ ساله دانش آموز ـ بوسیله جاش‌ها تیرخورده است.
۷ـ مهران سلطانی ـ ۷ ساله ـ دانش‌آموز.
۸ـ پروانه ولی ـ ۱۷ ساله
۹ـ خدیجه ولی ـ ۸ ساله
۱۰ـ غفور ولی ـ ۴۰ ساله
۱۱ـ شاهگل ۷ ساله ـ به وسیله خمپاره زخمی شده است.
۱۲ـ نجیبه ذکاوت ـ ۳۴ ساله به وسیله گلوله کالیبر ۵۰ زخمی شده است
۱۳ـ هادی محمودی ۱۲ ساله براثر انفجار خمپاره.
۱۴ـ کریم عبدالله ۴۲ ساله
۱۵ ـ عمر اسماعیلی ۱۶ ساله
۱۶ـ فرحناز کریمی ـ ۱۰ ساله ـ دانش‌آموز ـ براثر انفجار خمپاره.
۱۷ـ محمد حسن زاده ـ ۲۵ ساله ـ کارگر روستائی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.
۱۸ ـ محمد محمدیان ۶۰ساله ـ کارگر روستائی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.
۱۹ـ علی حسین زاده ـ ۳۲ ساله کارگر روستایی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.
۲۰ـ خضر خلیلی ۱۲ ساله براثر انفجار راکت هلی‌کوپتر.
۲۱ـ قرهنی ایلخانی‌زاده ـ ۲۵ ساله ـ براثر اصابت گلوله ژ ـ ۳
۲۲ـ حسن کسترانی ـ ۶۵ ساله
۲۳ـ فوزیه اردلان براثر انفجار خمپاره
۲۴ـ سیدطاها هادی زاده
۲۵ـ ثریا نادری

اسامی بقیه زخمی‌ها در دست نیست.

اسامی شهدا:

۱ـ علی شکری
۲ـ علی جلالی
۳ـ ناجی احمد زاده
۴ـ پروین افروزه (رفیق پروین افروزه که از رفقای پیشگام بود هنگامی که با برادر کوچکترش برای کمک به زخمی‌ها به بیمارستان می‌رفت توسط یک مزدور ارتشی دستگیر می‌شود. مزدور ارتشی لوله تفنگ خود را بر گونه رفیق می‌گذارد. برادر کوچکترش خواهش می‌کند که او را به جای خواهرش بکشد. اما مزدور جنایتکار ماشه را می‌چکاند و در حالی که رفیق به شهادت می‌رسد به برادر کوچکترش می‌گوید: بگذار تو هم قدری بزرگتر شوی، تو را هم می‌کشم")
۵ـ حسن سلیمی.
۶ـ لیلا ولی ـ ۵ ساله

و حدود ۸ـ ۹ نفر دیگر از مردم عادی که اسامی آنها در دست نیست ـ بوطبق آخرین خبر یکی دیگر از دانش‌آموزان پیشگام به نام رفیق فرانک به هنگام کمک رساندن به زخمی ها شهید شده است.

پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹

سال دوم ــ شماره ۵۵ صفحه ۳

بقیه از صفحه ۲

یورش ...

ارتشی‌ها قرار می‌گیرد و شهید می‌شود. شب هنگام برق شهر سقز یکپارچه قطع می‌شود و پادگان، بی‌هدف، گلوله‌های توپ و خمپاره شلیک می‌کند. صدای بلندگوی ارتش از پادگان از مردم می‌خواهد شهر را ترک کنند تا آنها حساب "ضد انقلاب" را برسند. اما مردم وقعی نمی‌گذارند. از بلندگوی مسجد نیز که در دست پیشمرگان و مردم است مرتبا اخبار جهت آگاهی مردم پخش می‌شود و از همین بلندگو صدای سرودهای انقلابی نیز به گوش می‌رسد. جاش‌ها نیز از چند نقطه مردم را که در بهداری و مسجد جمع شده‌اند زیر آتش می‌گیرند. یک جاش کشته و چند جاش دیگر زخمی و دستگیر می‌شوند. مقاومت مردم و پیشمرگان چشمگیر است. تلفات ارتش بسیار زیاد است (حدود ۵۰ کشته و زخمی) عده‌ای از پرسنل انقلابی با سلاح‌هایشان به مردم می‌پیوندند. دو تانک ارتشی منهدم و یک هلی‌کوپتر به وسیله پیشمرگان سقوط می‌کند.

● ۳۰ فروردین

صبح روز ۳۰ فروردین وسیله مورد لزومشان را می‌رسانند، خبرها را بسرعت جمع‌آوری کرده و در محل‌های تجمع مردم نصب می‌کنند. آنها از صحنه‌های بیشمار جنایات ارتش، ارتش ضد خلقی عکس برمی‌دارند.

نیروهای درون هیئت نمایندگی تصمیم می‌گیرند برای جلوگیری از ویران شدن شهر در صورت لزوم شهر را تخلیه کنند. تاکنون یعنی ۳۱ فروردین حدود ۱۵ نفر کشته و بیش از ۳۰ نفر مجروح شده‌اند که بیشتر آنها براثر اصابت تکه‌های راکت هلی‌کوپتر، خمپاره و توپ کشته یا زخمی شده‌اند. درگیری‌ها همچنان ادامه دارد و روحیه مردم سقز بسیار خوب است و بیشتر زخمی‌ها در تنها بیمارستان شهر بوکان بستری هستند. در بوکان که نزدیکترین شهر به سقز است، ستادی برای جمع‌آوری کمک مالی، داروئی و غذائی تشکیل شده است که مردم بوکان فعالانه در کمک رسانی به مردم سقز شرکت می‌کنند و کمک‌ها به قدری بوده است که هیئت نظارت در سقز چندین بار خبر داده‌اند که دیگر چیزی نفرستند. در این رابطه دانش‌آموزان پیشگام بوکان نقش بسیار ارزنده‌ای ایفا کردند. در عرض این سه روز هواپیماهای فانتوم که در ارتفاع کوتاه پرواز می‌کنند، مرتبا سعی دارند با ایجاد رعب و وحشت روحیه مردم را تضعیف کنند.

● ۳۱ فروردین

روز ۳۱ فروردین محله فقیر نشین جمال آباد توسط ارتش به شدت کوبیده می‌شود عده‌ای از مردم شهر را ترک کرده‌اند، از بلندگوی پادگان مرتبا به مردم اخطار می‌کنند. پس از مدتی بازهم هواپیماها به مانور پرداخته و هلی‌کوپترها به شدت حملات خود می‌افزایند. یکی از پیشمرگه‌ها اظهار می‌داشت خندق‌هائی را که "جهاد سازندگی" در اطراف شهر زده‌اند از روی نقشه قبلی بوده و ارتش در این خندق‌ها موضع گرفته است.

روز ۳۱ فروردین ستونی که در فرودگاه سنندج مستقر بود قصد دارد به سقز برود و چون مردم جلوی پیشروی ستون را گرفته و در جاده بست نشسته‌اند، ستون از طریق جاده دیگری قصد حرکت به طرف سقز را دارد. آنجا نیز توسط پیشمرگه‌ها متوقف شده و درگیری آغاز می‌شود. پنج نفر از ارتشی‌ها کشته و ۱۲ نفر دیگر اسیر می‌شوند. سه ریو ارتشی به وسیله پیشمرگان منهدم شده است. یک سرگرد ارتش در میان دستگیر شدگان است. آ ریو ارتش و تریلر حامل خواروبار و بنزین و مهمات توسط پیشمرگان به غنیمت گرفته می‌شود که در میان مردم توزیع می‌شود. سه پیشمرگه در جریان درگیری با ستون به شهادت می‌رسند. هلی‌کوپترهای ارتش مواضع پیشمرگان را به شدت می‌کوبند. بااین‌حال جلوی پیشروی ستون ارتشی گرفته می‌شود. فانتوم‌ها برای ایجاد وحشت در شهر سنندج مانور می‌دهند. تانک‌های مستقر در پادگان سنندج بطرف شهر نشانه‌روی می‌کنند فرمانده پادگان از فلاحی درخواست نیروی کمکی برای تسخیر شهر کرده است. فلاحی قول داده است که حداقل دو هواپیمای (سی-۱۳۰) به زودی در فرودگاه پیاده کنند. طبق آخرین خبرها ستون ارتشی براثر مقاومت شجاعانه پیشمرگان جنبش مقاومت مجبور به توقف شده است. عده‌ای از پرسنل انقلابی در سنندج به مردم پیوستند، در مریوان نیز عده‌ای از پرسنل انقلابی با سلاح‌هایشان به مردم پیوسته‌اند و فرمانده پادگان اخطار کرده است که گر مردم اینها را به ارتش تحویل ندهند (ظرف ۵ ساعت) به شهر حمله خواهند کرد.

● اول اردیبهشت

درگیری بطور پراکنده (۱ اردیبهشت ۵۹) در سقز ادامه دارد. در سنندج نیز امروز اول اردیبهشت عده‌ای از جاشها به طرف مردم تیراندازی می‌کنند. بعضی از این جاش‌ها توسط پیشمرگان دستگیر شده‌اند.

در اشنویه ارتش روستاها را به توپ بست که طی آن چند خانه منهدم شده و یک روستائی کشته می‌شود در (روستای آلبه) ۱۲ نفر از روستائیان همین روستا نیز به وسیله ارتشی‌ها به گروگان گرفته می‌شوند. در دره قاسملو نزدیک به ۲۰ نفر ارتشی کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی شده‌اند. تعدادی سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاده است. براثر حمله ارتش به روستاها صدها نفر از روستائیان آواره شده‌اند و به روستاهای دیگر پناه برده‌اند. در اشنویه مدارس تعطیل است و جریان برق و تلفن این شهر یک‌هفته است که بوسیله ارتش قطع شده است.

اسامی زخمی‌ها و شهدای جنگ سقز

که تا این لحظه شناخته شده و به دستمان رسیده است

۱۸ ــ محمد محمدیان ۶۰ساله ــ کارگر روستائی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر.

۱۹ــ علی حسین زاده ــ ۳۲ ساله کارگر روستایی بوسیله گلوله کالیبر ۵۰ از هلی‌کوپتر

بد دست دهیم لازم است از وضعیت مبارزه طبقاتی در جامعه ارزیابی کذرایی ارائه دهیم .

مبارزه طبقه کارکر ایران هر روز ابعاد طبقاتی کسترده‌تری می‌یابد . این مبارزات که در چشم‌انداز خود علیه تمامی طبقه سرمایه‌دار ایران جریان می‌یابد ، محافل مدافع سرمایه‌داری را که در شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی دارای اعتبار و نقش رهبری کننده هستند نمی‌تواند به مقابله جدی برنیانکیزد . جنبش انقلابی دانشجوئی ایران که توانسته است به ویژه بعد از قیام تاثیرات انقلابی چشمکیری بر جنبش طبقه کارکر ایران برجای کذارد برای این بخش از نیروهای اجتماعی که در قدرت سیاسی سهیم هستند یک دشمن فعال به حساب می‌آید . گزارشات و اطلاعات موثقی در دست است که نشان می‌دهد در ماه‌های اخیر روی آوری توده‌های کارکر و زحمتکش به دانشگاه‌ها افزایش چشمکیری یافته است . کارکران با حضور در دانشکاه‌ها و آشنائی و تماس با فعالیت‌های سیاسی و انقلابی دانشجویان با برداشت‌ها و تاثیرات انقلابی معینی به محیط های کار و فعالیت خود باز می‌گردند و تاثیرات انقلابی را در کارخانه‌ها منعکس می‌کنند که در کسترش و تعمیق هرچه بیشتر مبارزات طبقه کارگر ایران موثر می‌افتد .

این حقیقت در مورد سایر اقشار زحمتکش نیز صادق است . علاوه بر این در سطح خلقها و به ویژه در کردستان هم اکنون سیاست سرکوب خلق کرد که با رهبری شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور به پیش رانده می‌شود مناطق تازه‌ای از کردستان را در جنگ فرو برده است . طبق اخباری که در دست داریم در جریان درگیری‌ها اخیر ، گروههایی از سربازان و درجه‌داران به نیروهای انقلابی پیوسته‌اند . هم‌اکنون در ارومیه گروههایی از سربازان و درجه‌داران در تحصن به سر می‌برند . آنها اعلام کرده‌اند که آنان را به بهانه مقابله با مهاجمین عراقی به کردستان و مرزها اعزام داشته‌اند درحالی که اکنون عملا به آنان فرمان می‌دهند که مردم زحمتکش کردستان را کشتار کنند . مردمی که خود دشمنان آشتی‌ناپذیر رژیم بعث عراق هستند .

بدیهی است که فعالیت‌های کسترده سیاسی دانشجویان جایی برای فریبکاری‌های شورای انقلاب و رئیس جمهور در کردستان و گنبد و . . . نمی‌گذارد و باز روشن است که باز بودن دانشگاه آن هم با قبول فعالیت‌های سیاسی دانشجویان به معنی آن است که آگاهی توده‌های مردم می‌دهد که با نکرش‌های واپس‌کرایانه حزب جمهوری اسلامی در اصطکاک دائمی است . این جنبه قضیه مضمون حقیقی همان چیزی است که زیر عنوان " انقلاب‌فرهنگی " موضوع تبلیغ و ترویج حزب جمهوری اسلامی است .

بر چنین زمینه‌هائی است که تلاش برای سرکوب جنبش انقلابی دانشجوئی و تعطیل دانشگاه‌ها ، هیچ چشم‌انداز موفقیت‌آمیزی را برای طراحان آن به ارمغان نمی‌آورد . این سیاست‌ها بنا به جوهر و مضمون خود باعث تفرقه مردم شده و به اتحاد عمل نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه آسیب رسانیده و جهت گیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما را دچار انحراف می‌سازد . این سیاست‌ها مشخصا در خدمت تضعیف مبارزات ضدامپریالیستی مردم ما و تقویت مواضع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکاست از اینرو مبارزه قاطع همه نیروهای ضدامپریالیست ـ ترقیخواه و انقلابی با این سیاست‌ها و افشای ماهیت آن ، توضیح دقیق و روشن سیاست‌های سرکوب شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور به توده‌های میلیونی مردم از اهم وظایف انقلابیون است . مقاومت قاطع و سرتاسری در برابر چنین سیاست‌های ارتجاعی به تضعیف هرچه بیشتر حزب جمهوری اسلامی و سیا ست‌های نفاق افکنانه و ارتجاعی آن خواهد انجامید .

وظیفه جنبش انقلابی دانشجوئی ایران ، همچنانکه در " اطلاعیه دانشجویان پیشگام " به درستی خاطر نشان شده است ، بسیج با برنامهٔ نیرو و سازماندهی جنبش مقاومت است .

جنبش انقلابی دانشجوئی باید و بدون تردید قادر است تاکتیک‌های مناسب چنین بسیج و سازماندهی و سرانجام پیروزی کامل را با برداشت‌های واقع بینانه از وظایف و توان خود و مجموعه شرایط موجود و مبارزات طبقاتی در حال گسترش اتخاذ کرده و به کار گیرد .

مبارزه قاطع با اپورتونیسم چپ و راست و هدایت درست و اصولی مقاومت انقلابی دانشگاه می‌تواند پیروزی‌های بزرگتری برای جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک زحمتکشان میهن ما به ارمغان آورد . "سازمان دانشجویان پیشگام" که به ویژه در چند روز اخیر شایستگی‌های فراوانی از خود بروز داده است ، باید نقش تاریخی و پیشگام خود را در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های قهرمان ما بیش از پیش درک کرده و بر آن اتکاء داشته باشد .

شده و از وی می‌خواهند که شهر را به گلوله نبندد ولی فرمانده پادگان اظهار می‌دارد که : " ما می‌خواهیم شهر را تسخیر کنیم و جاده‌ها را بگیریم " ارتشی‌ها بیمارستان را نیز می‌گیرند و از آنجا به طرف هرکس که ببینند شلیک می‌کنند . پیشمرگه‌ها و مردم همه‌جا سنگر گرفته‌اند . هلی‌کوپترها نیز وارد عمل شده و از هوا مردم را زیر رگبار می‌گرفتند و فانتوم‌ها هم بر فراز شهر به پرواز در آمده بودند . اما مردم سقز که در مرداد ماه گذشته و در جریان جنگ تحمیلی گذشته مقاومت دلیرانه‌ای از خود نشان داده بودند بی محابا در کوچه و خیابان به ساختن کوکتل مولوتف و سه‌راهی مشغول می‌شوند . آنها به همه سنگرها سر می‌کشند و کمک‌های لازم رابه پیشمرگان می‌رسانند و زخمی‌ها را در بهداری نگهداری می‌کنند .

دراین بهداری وسایل لازم یافت نمی‌شود و زخمی‌ها را به بوکان می‌فرستند . جنازه‌های شهدا در مسجد نگهداری می‌شوند و یا در کنار خانه‌ها به خاک سپرده می‌شوند . دهها نفر از مردم بی‌دفاع براثر شلیک توپ و خمپاره کشته و زخمی می‌شوند . بیشتر شهدا را کودکان و زنان تشکیل می‌دهد . رفیق پروین افروزی دانش‌آموز پیشگام هنگام کمک رسانی به زخمی‌ها مورد اصابت گلوله

بقیه‌درصفحه ۲

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

ر
آرنج
و ء
سرکو
عراق
کرد
سرکو
گذاش
از ط
رادیو
موذیا
ساختر
مردم
رژ
سعی
مردم
ضدانق

تهدیدات زیادی از طرف فرماندهان ارتش و شخص بنی‌صدر صورت گرفته بود، از همان ابتدا مشخص بود که آمدن این ستون بزرگ با اینهمه تجهیزات نگرانی مردم را تشدید خواهد کرد. مردم دلاور سنندج از همان ابتدا با قاطعیت به ورود این ستون اعتراض کردند. مردم به دروازه شهر رفتند و در مقابل حرکت ارتش و با برپا کردن موانع متعدد و نشستن در خیابان‌ها از ورود این ستون به شهر جلوگیری کردند. ارتش به سبک دوران گذشته شروع به تهدید و بلوف‌های توخالی کرده و اظهار کردند که: " ستون نظامی به هرقیمتی عبور خواهد کرد " و "دانش ـ آموزان فریب خورده! باید از سر راه واحدهای ارتش کنار روند " و گرنه چنین و چنان خواهد کرد. که این تهدیدات یادآور تهدیداتی بود که ارتش و فرمانداری‌های نظامی در دوره شاه می‌کردنــــد.

یورش سرکوبگرانه ...

بقیه از صفحه ۱

ازهاری، و اویسی فرماندهان سابق ارتش نیز می‌گفتند که "اینها مردم نیستند بلکه گروهی فریب خورده هستند که روی پشت بام‌ها نــوار می‌گذارند و در جوی‌های آب گرد قرمز می‌ریزند تا نشان دهند وضع غیرعادی است و گرنه اوضاع بسیار عادی است و مردم مشغول کار خودشان هستند". اینک نیز فرماندهان فعلی ارتش، این فرزندان خلف ازهاری‌ها و اویسی‌ها از همان تاکتیــک رسوا شده استفاده کرده و اظهار می‌دارند که تنها عده معدودی " ضدانقلاب "! است که مانع عبور ستون‌های ارتشی می‌شوند. اما ایــن تبلیغات پوچ در روحیه مردم سنندج تاثیری نداشته ومردم همچنان قاطعانه با نشستن روی جاده‌ها از عبور تانک‌ها و خودروهای ارتشی جلوگیری می‌کنند و ستون مجبور می‌شود در فرودگاه شهر متوقف شود.

● ۲۹ فروردین

صبح روز ۲۹ فروردین ارتش مستقر در پادگان سقز، از پادگان بیرون آمده و دروازه‌های شهر را در کنترل می‌گیرد. گویا بدینوسیلــه می‌خواهد جاده‌ها را به‌منظور ورود ستون ارتشی که در فرودگاه سنندج مستقر است، به اصطلاح " پاکسازی "! کند محاصره شهر سقز به وسیلــه ارتش با عکس‌العمل پیشمرگه‌ها روبرو شد ه و درگیری آغـاز می‌شود. ارتشی‌ها شهر را با توپ و خمپاره مورد حمله قرار می‌دهند. امام جمعه سقز با فرمانده پادگان وارد صحبت شده و از وی می‌خواهند که شهر را به گلوله نبندد ولی فرمانده پادگان اظهار می‌دارد که: " ما می‌خواهیم شهر را تسخیر کنیم و جاده‌ها را بگیریم " ارتشی‌ها بیمارستان را نیز می‌گیرند و از آنجا به طرف هرکس کــه ببینند شلیک می‌کنند. پیشمرگه‌ها و مردم همه‌جا سنگر گرفته‌اند. هلی‌کوپترها نیز وارد عمل شده و از هوا مردم را زیر رگبار می‌گیرند و فانتوم‌ها هم بر فراز شهر به پرواز در آمده بودند. اما

شکست سرکوب دانشجویان ...

بقیه از صفحه ۱

رویدادهای چند روز اخیر ضمن آنکه تضادهایی را در رابطه با شیوه‌های عمل رئیس جمهور و حزب جمهوری اسلامی به نمایش گذاشت حاکی از اتفاق نظر آنها در سرکوب جنبش انقلابی دانشجوئی ایران است.

برای اینکه درک روشن‌تری از علل تهاجم به دانشگاهها به دست دهیم لازم است از وضعیت مبارزه طبقاتی در جامعه ارزیابی کذرایی ارائه دهیم.

مبارزه طبقه کارکر ایران هر روز ابعاد طبقاتی کسترده‌تری می‌یابد. این مبارزات که در چشم‌انداز خود علیه تمامی طبقه سرمایه‌دار ایران جریان می‌یابد، محافل مدافع سرمایه‌داری را که در شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی دارای اعتبار و نقش رهبری کننده هستند نمی‌تواند به مقابله جدی برنیانگیزد. جنبش انقلابی دانشجوئی ایران که توانسته است به ویژه بعد از قیام تاثیرات انقلابی چشمگیری بر جنبش طبقه کارکر ایران برجای گذارد بــرای این بخش از نیروهای اجتماعی که در قدرت سیاسی سهیم هستند یک دشمن فعال به حساب می‌آید. گزارشات و اطلاعات موثقی در دست است که نشان می‌دهد در ماه‌های اخیر روی آوری توده‌های کارگر و زحمتکش به دانشگاهها

درباره ماهیت سیاست های جاری شورای انقلاب به سرعت ارتقاء می‌یابد!

گذشته از همه اینها باید توجه داشت که دانشگاه علی‌العموم و فعالیت‌ها و مبارزات انقلابی دانشجویان بطور مشخص عناصر ایدئولوژیک و فرهنگی معینی را اشاعه می‌دهد که با نگرش‌های واپس‌گرایانه حزب جمهوری اسلامی در اصطکاک دائمی است. این جنبه قضیه مضمون حقیقی همان چیزی است که زیر عنوان " انقلاب‌فرهنگی " موضوع تبلیغ و ترویج حزب جمهوری اسلامی است.

بر چنین زمینه‌هائی است که تلاش برای سرکوب جنبش انقلابی دانشجوئی و تعطیل دانشگاهها، هیچ چشم‌انداز موفقیت‌آمیزی را برای طراحان آن به ارمغان نمی‌آورد. این سیاست‌ها بنا به جوهر و مضمون خود باعث تفرقه مردم شده و به اتحاد عمل نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه آسیب رسانیده و جهت گیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما را دچار انحراف می‌سازد. این سیاست‌ها مشخصا در خدمت تضعیف مبارزات ضدامپریالیستی مردم ما و تقویت مواضع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکاست از اینرو مبارزه قاطع همه نیروهای

به‌دنبال تحریکات جنگ – افروزانه ارتش در مناطق اشنویه و کامیاران، این بار اعلام کردند که یک ستون ارتشی با نیرویی در حدود ۱۰۰ نفر و با تجهیزات کامل قصد دارد از کرمانشاه به بانه برود. از آنجا که در روزهای اخیر در رابطه با کردستان

بقیه‌درصفحه ۲

شکست سرکوب دانشجویان

پیروزی جنبش انقلابی خلق

مقاومت قهرمانانه دانشجویان پیشتاز و سایر دانشجویان ترقیخواه در برابر تهاجم سازمان یافته به دانشگاهها و مراکز آموزشی که متوجه سلب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی بود پیروزی بزرگی برای جنبش انقلابی دانشجوئی آفرید. این مقاومت که با صدها زخمی و چندین شهید آغاز شده و در اشکال گوناگون تداوم دارد شکست بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

بدون تردید دلایل طراحی سیاست سرکوب جنبش انقلابی دانشجوئی ایران را نمی‌توان و نباید تنها در ابعاد دانشگاهها و مدارس عالی و مسائل مربوط به آن جستجو نمود. رشد و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی و بر زمینه‌ی آن عمق و وسعتی که مبارزه طبقاتی در جامعه ما دارد در طراحی این سیاست نقش درجه اول داشته است.

در عین حال سیاست "تثبیت قدرت" رئیس جمهور و تلاشهای مذبوحانه‌ای که حزب جمهوری اسلامی برای جلوگیری از ورشکستگی سیاسی و فرهنگی خود دنبال می‌کند برای درک چگونگی تهاجم به دانشگاهها و سرکوب جنبش انقلابی دانشجوئی از بیشترین اهمیت برخوردار است.

بقیه‌درصفحه ۲

با تمام نیرو این مردم فریبی‌ها را افشا کنیم

پاسداران و اوباشان بهترین فرزندان انقلابی خلق را در صحن دانشگاه ناجوانمردانه به شهادت رسانیده‌اند. اما رئیس جمهور در سخنرانی دیروز خود اینطور وانمود می‌کند که سینه دانشجویان انقلابی را گلوله‌های خود آنان شکافته است. او دروغی را که در مورد تیمور توماج و همرزمان گفته بود یکبار دیگر تکرار کرد.

در کردار به آموزش‌های لنین وفادار مانیم!

رفیق لنین وظیفه کمونیستها را در برخورد با تئوری انقلابی در یک کلمه خلاصه می‌نمود:

"آموختن". این وظیفه همان توصیه مشهور انگلس را در بر داشت که می‌گفت "ازوقتی که سوسیالیسم تبدیل به علم شده است باید با آن به مثابه علم برخورد نمود. یعنی آنرا آموخت."

لنین تاکید داشت کسب معلومات کتابی درباره کمونیسم از روی رسالات و تالیفات کمونیستی بدون کار و بدون مبارزه، واجد هیچگونه ارزشی نیست.

درصفحه ۱۲

مسئله نان و سیاست های دولت

اکنون بار دیگر مسئله نان برای مصرف کنندگان زحمتکش مطرح شده است. به همین دلیل وزارت بازرگانی در صدد برآمد که این مسئله را درظاهر به‌نفع "مستضعفین" حل‌کند ولی در عمل با طرح تصویب شده خود تنها به تثبیت گرانی نان کمک کرد و مشکلات جدیدتری برای زحمتکشان به وجود آورد.

درصفحه ۹

در این شماره:

گرامی باد حماسه شهادت دلاورانه دانشجویان رزمنده و انقلابی دانشگاه‌های ایران

مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق‌ما

کار

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۵۵ | سازمان چریکهای فدائی خلق ایران | ۲۰ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

یورش مسلحانه پاسداران و اوباشان به دانشگاه تهران صدها زخمی و چندین کشته برجای گذاشت

خون سرخ شهدای دانشگاه
سنگر مقاومت و آزادی خلق را مستحکم‌تر ساخت

تهاجم گسترده هیئت حاکمه به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی که برای سرکوب نیروهای انقلابی و نابودی آزادی‌های سیاسی تدارک دیده شده با مقاومت دلیرانه دانشجویان و دانش‌آموزان روبرو شده است. این تهاجم که به رهبری حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب و با بسیج اوباشان و اعزام نیروهای سرکوب به صحنه دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی آغاز شد تاکنون صدها مجروح و چند شهید دانشجو داشته است.
بیمارستان‌های شهرهای

بقیه در صفحه ۱ ضمیمه

بمناسبت یکصد و دهمین سالروز تولد لنین آموزگار بزرگ کارگران و زحمتکشان سراسر جهان

در کردار به آموزش‌های لنین وفاداریم !

رفیق لنین وظیفه کمونیستها را در برخورد با تئوری انقلابی در یک کلمه خلاصه می‌نمود :
"آموختن". این وظیفه همان توصیه مشهور انگلس را در بر داشت که می‌گفت "از وقتی که سوسیالیسم تبدیل به علم شده است باید با آن به مثابه علم برخورد نمود. یعنی آنرا آموخت."
لنین تاکید داشت کسب معلومات کتابی درباره کمونیسم از روی رسالات و تالیفات کمونیستی بدون کار و بدون مبارزه، واجد هیچگونه ارزشی نیست.

درصفحه ۱۲

کردستان :
یورش سرکوبگرانه ارتش و مقاومت دلاورانه خلق

به‌دنبال تحریکات جنگ‌افروزانه ارتش در مناطق اشنویه و کامیاران، این بار اعلام کردند که یک ستون ارتشی با نیرویی در حدود ۱۰۰ نفر و با تجهیزات کامل قصد دارد از کرمانشاه به بانه برود. از آنجا که در روزهای اخیر در رابطه با کردستان

بقیه‌درصفحه ۲

شکست سرکوب دانشجویان
پیروزی جنبش انقلابی خلق

مقاومت قهرمانانه دانشجویان پیشگام و سایر دانشجویان ترقیخواه در برابر تهاجم سازمان یافته به دانشگاهها و مراکز آموزشی که متوجه سلب حقوق دمکراتیک

... جمهوری اسلامی و شورای انقلاب آغاز شده، پس از حوادث تبریز و دیگر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور و مقاومت همه‌جانبه دانشجویان و دانشگاهیان و پشتیبانی مردم آگاه از آنها، به شیوه‌ای جدید که بنی‌صدر مبتکر آن است، ادامه دارد.

حکومت در بیانیه رسمی شورای انقلاب و سخنان بنی‌صدر، آشکارا اعتراف کرد که رهبری مهاجمان و اوباشانی را که به مراکز آموزشی حمله کرده‌اند، برعهده دارد. حکومت هم‌چنین اعلام کرد مراکز فعالیت‌های سیاسی و حتی صنفی و ورزشی دانشجویان در دانشگاه‌ها باید ظرف سه روز تعطیل شود.

اشغال دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور، بخشی از تهاجم سراسری جدیدی است که برای تامین هدف‌های شکست‌خورده تهاجم سراسری مردادماه سال گذشته و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما و سرکوب مبارزات رو به گسترش طبقه کارگر، دهقانان و سایر اقشار زحمتکش میهن ما طراحی شده‌است.

این تهاجم نشانه هراس نیروهای قشری از رشد نیروهای انقلابی و تلاش مذبوحانه طبقه سرمایه‌دار ایران برای جلوگیری از آگاهی روز افزون زحمتکشان و سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی آنان است.

اولین هدف این اقدامات ارتجاعی، جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی و ترقی‌خواهانه دانشجویان معلمان، استادان و دانش‌آموزان است که در رشد جنبش ضدامپریالیستی خلقهای ایران و آگاهی مردم نقشی چشم‌گیر دارند. منحرف ساختن مبارزات ضدامپریالیستی مردم و ایجاد تفرقه میان توده دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمان که وحدت آنها در تحکیم صفوف مردم و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی تاثیری عظیم دارد، از جمله هدف‌هائی است که درتهاجم به دانشگاه‌ها دنبال می‌شود.

بعلاوه از آنجا که تهاجم وسیع و همه‌جانبه ارتش و سپاه پاسداران علیه خلق‌کرد، هر روز دامنه وسیع‌تری به‌خود می‌گیرد و از آنجا که فعالیت افشاگرانه دانشجویان و دانش‌آموزان مشت دشمنان مردم را بازکرده و مانع بزرگی در ادامه سرکوب خلق کرد است، تهاجم علیه دانشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزشی و تعطیل آنها در دستور کار سرکوبگران قرار گرفته است.

مردم مبارز ایران!

طرح و اجرای حمله به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، درست زمانی آغاز شده‌است که مبارزات پیگیر زحمتکشان و نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و متحدان داخلی آن، امپریالیسم امریکا را به قطع روابط دیپلماتیک با ایران واداشته و ضرورت اتحاد عمل هرچه بیشتر نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست را بیش از گذشته مطرح ساخته است.

... دانشگاه‌ها نشان داده است.

وحشت حکومت از آگاهی مردم میهن ما و نقش افشاگرانه دانشجویان و دانش‌آموزان بدان پایه است که رسما تعطیل کتابخانه‌ها و مراکز صنفی دانشجوئی را مورد تاکید قرار داده‌است.

دانشجویان و دانشگاهیان که با مبارزات دلاورانه و خونبار خود، آزادی فعالیت‌های صنفی ـ سیاسی در دانشگاه را به کف آورده‌اند، دانشجویان که در برابر یورش‌های وحشیانه گارد دانشگاه با نثار خون، از آرمان ترقی‌خواهانه خویش به دفاع برخاسته و در زیر رگبارهای ارتش و پلیس شاه فریاد اتحاد، مبارزه، پیروزی را به گوش خلقهای ایران رسانده‌اند و پرچم خونین قیام را افراشته‌تر نگهداشته‌اند، دانشجویان و دانش‌آموزانی که دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی را به سنگر مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران و نابودی سلطه امپریالیسم تبدیل کرده‌اند، امروز بیش از هرزمان دیگری برای دفاع از ثمرات مبارزات خونین خود آماده‌اند و هرگز اجازه نخواهند داد که باردیگر فضای اختناق بر دانشگاه‌ها و مدارس حاکم شود و گاردهای دانشگاه در پوشش و نام‌های جدید بار دیگر به صحنه دانشگاه بازگردند و ثمره خون شهدای دانشگاه را برباد دهند.

دانشجویان انقلابی و همه مردم آگاه ایران خوب می‌دانند که نه دسیسه‌های آقای بنی‌صدر و نه طرح‌ها و تصویب‌نامه‌های حزب جمهوری‌اسلامی ایران قادر نیستند یوغی را بر گردن دانشجویان نهند که رژیم دیکتاتوری شاه نیز از تحمیل آن بر دانشجویان عاجز ماند.

آری اتحاد و مبارزه دانشجویان انقلابی و پشتیبانی همه آنان که از حداقل درک و آگاهی سیاسی برخوردارند، پشتیبانی میلیونها مردم آگاه و مبارز ایران هرگز اجازه نخواهد داد فضائی را بر دانشگاه‌ها تحمیل کنند که جنایتکارترین رژیم قرن نیز از تحمیل آن به دانشجویان عاجز ماند. آری سرکوبگران در هر لباسی، در هر مقامی و به هر نامی که باشند حقیرتر از آنند که در برابر اراده انقلابی نیروهای خلق سر فرود نیاورند.

امروز هرگوشه دانشگاه جلوه‌ای از مبارزات دلاورانه دانشجویان و خاطره‌ای از شهادت دلاوران دانشگاه را آشکار می‌کند، امروز هر گوشه دانشگاه صحنه‌ای از تاریخ مبارزات خونین دانشجویان را بازگو می‌کند، مبارزاتی که در سرنگونی رژیم شاهنشاهی نقشی چشم‌گیر داشت. دانشجویان و استادان مبارز دانشگاه‌ها و مدارس عالی با تکیه بر این پشتوانه خونین مبارزاتی و با تکیه بر حمایت وسیع مردم، در برابر یورش سرکوبگران خواهند ایستاد و با نثار خون خویش از ثمرات این مبارزات خونین، از استقلال دانشگاه‌ها و حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی دفاع خواهند کرد.

شورای انقلاب که به بهانه تغییر نظام آموزشی تهاجم به دانشگاه‌ها و مدارس عالی را رهبری ... ی فعالیت‌های صنفی و سیاسی دانشجویان و دانش‌آموزان را مورد تهاجم قرار داده است و عملا مانع دگرگونی نظام آموزشی به سود زحمتکشان شده است.

ازنظر حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب، تغییر نظام آموزشی یعنی نابودی آزادی‌های سیاسی، از میان بردن حقوق دمکراتیک دانشجویان و دانشگاهیان، برچیدن شوراهای دانشگاه، برچیدن کتابخانه‌های دانشجوئی، نابودی استقلال دانشگاه و بازگرداندن گارد دانشگاه تحت نام‌ها و پوشش‌های جدید.

از نظر حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب تغییر نظام آموزشی یعنی بازگرداندن شیوه‌های اختناق و سرکوب به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی.

حکومت با این اعمال سرکوبگرانه ثابت می‌کند که برخلاف ادعاهایش همانگونه که با تلاش در راه استقرار نظام اطاعت کورکورانه در ارتش نشان داده‌است، به‌هیچ‌وجه خواهان دگرگونی در نظام آموزشی نیست.

مبارزات عادلانه دانشجویان و دانش‌آموزان و مقاومت آنان در برابر سیاست‌های سرکوبگرانه و ارتجاعی بدون تردید به پیش خواهد رفت و از حمایت مردم آگاه و مبارز ایران و همه نیروهای انقلابی و دمکرات برخوردار خواهد شد.

نه اخراج استادان، معلمان و دانشجویان و نه تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس و نه سرکوب و کشتار دانشجویان و دانش‌آموزان، هیچ‌کدام نخواهد توانست خللی در مقاومت آنها و مبارزه آنها به سود طبقه کارگر و زحمتکشان، علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران ایجاد کند. این تلاش‌های مذبوحانه خود بیانگر رشد مداوم نیروهای انقلابی و ورشکستگی سرکوبگرانی است که در آزادی برخورد اندیشه‌ها و عقاید، شکست حتمی خویش را می‌بینند و از ان می‌هراسند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، همه نیروهای ترقی‌خواه و ضدامپریالیست و همه انقلابیون کمونیست دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی را به اتحاد عمل و پایداری فرا می‌خواند و از تمامی مردم آگاه و نیروهای ترقی‌خواه، ضدامپریالیست و انقلابی می‌خواهد که هرچه بیشتر و قاطعانه‌تر از مبارزات عادلانه دانشجویان حمایت به عمل آورند.

ما باردیگر تاکید می‌کنیم که این یورش‌ها، در برابر مقاومت یکپارچه دانشجویان و دانشگاهیان، معلمان و دانش‌آموزان که از حمایت نیروهای انقلابی و مردم آگاه برخوردار است، با شکست روبرو خواهد شد و ثمره‌ای جز شکست و رسوائی بیشتر برای طراحان آن به بار نخواهد آورد.

پرتوان باد جنبش انقلابی دانشجویان
در سراسر ایران
مستحکم باد پیوند و اتحاد جنبش انقلابی
دانشجویان با جنبش توده‌ای
مرگ بر امپریالیسم جهانی
به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
یکشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۵۹

کار
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹
سال دوم – شماره ۵۵ صفحه ۵

اتحاد مبارزه پیروزی

با وحدت و پایداری دانشجویان و استادان
با حمایت و پشتیبانی مردم آگاه و مبارز



سرکوب جنبش انقلابی دانشجویان محکوم به شکست قطعی است

دانشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزشی، مورد تهاجم سراسری و سازمان یافته حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور قرار گرفته است. طراحان این تهاجم، اقدامات سرکوبگرانه خود را زیر پوشش انقلاب فرهنگی و دفاع از اسلام به اجرا گذاشته‌اند.

آنها با چنین پوششی به دفاتر و مراکز فعالیتهای سیاسی و صنفی دانشجویان یورش برده‌اند و در صدد‌ند مانع فعالیت‌های سیاسی و صنفی دانشجویان شوند و اختناق را دوباره در دانشگاه‌ها و مدارس عالی حاکم سازند.

تهاجم به دانشگاه‌ها و اشغال آن که تحت رهبری حزب جمهوری‌اسلامی و شورای انقلاب آغاز شده، پس از حوادث تبریز و دیگر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور و مقاومت همه‌جانبه دانشجویان و دانشگاهیان و پشتیبانی مردم آگاه از آنها، به شیوه‌ای جدید که بنی‌صدر مبتکر آن است، ادامه دارد.

حکومت در بیانیه رسمی شورای انقلاب و سخنان بنی‌صدر، آشکارا اعتراف کرد که رهبری مهاجمان و اوباشانی را که به مراکز آموزشی حمله کرده‌اند، برعهده دارد. حکومت هم‌چنین اعلام کرد مراکز فعالیت‌های سیاسی و حتی صنفی و ورزشی دانشجویان در دانشگاه‌ها باید ظرف سه روز تعطیل شود.

اشغال دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور، بخشی از تهاجم سراسری جدیدی است که برای تامین هدف‌های شکست‌خورده تهاجم سراسری مردادماه سال گذشته و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما و سرکوب مبارزات رو به گسترش طبقه کارگر، دهقانان و سایر اقشار ...

در چنین شرایطی است که باندهای سیاه و اوباشان و قمه‌کشانی که توسط شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی رهبری می‌شوند، به کمک کمیته‌ها و پاسداران، دانشجویان و دانش‌آموزان را به خون می‌کشند و آقای رئیس جمهور که زمانی مدعی طرفداری از آزادی‌های سیاسی شده‌بود، هشدار داده‌است که اگر تا روز دوشنبه دفاتر صنفی - سیاسی دانشجویان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی بسته نشود، این اعمال سرکوبگرانه را تشدید خواهد کرد. او با این سخنان اوج کینه و دشمنی خود را نسبت به آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم و نسبت به استقلال دانشگاه‌ها نشان داده است.

وحشت حکومت از آگاهی مردم میهن ما و نقش افشاگرانه دانشجویان و دانش‌آموزان بدان پایه است که رسما تعطیل کتابخانه‌ها و مراکز صنفی دانشجوئی را مورد تاکید قرار داده‌است.

دانشجویان و دانشگاهیان که با مبارزات دلاورانه و خونبار خود، آزادی فعالیت‌های صنفی – سیاسی در دانشگاه را به کف آورده‌اند، دانشجویان که در برابر یورش‌های وحشیانه گارد دانشگاه با نثار خون، از آرمان ترقی‌خواهانه خویش به دفاع برخاسته و در زیر رگبارهای ارتش و پلیس شاه فریاد اتحاد، مبارزه، پیروزی را به گوش خلقهای ایران رسانده‌اند و پرچم خونین قیام را افراشته‌تر نگهداشته‌اند، دانشجویان و دانش‌آموزانی که دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی را به سنگر مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران و نابودی سلطه امپریالیسم تبدیل کرده‌اند، امروز بیش از هرزمان دیگری برای دفاع از ثمرات مبارزات ...

می‌کند، آشکارا به فریب مردم و خیانت به آرمان آنان دست زده‌است.

دانشجویان و دانش‌آموزان و همه نیروهای ترقی‌خواه از نخستین روزهای پس از قیام خواهان تغییر نظام آموزشی به وسیله شوراهای دانشگاه‌ها به سود زحمتکشان بوده‌اند، اما حکومت نه تنها در این راه هیچ اقدامی نکرده‌است بلکه به شهادت مدارک و اسنادی که وجوددارد، همیشه در مقابل این خواست دانشجویان و دانشگاهیان سنگ‌اندازی کرده‌است و امروز به بهانه تغییر نظام آموزشی فعالیت‌های صنفی و سیاسی دانشجویان و دانش‌آموزان را مورد تهاجم قرار داده است و عملا مانع دگرگونی نظام آموزشی به سود زحمتکشان شده است.

ازنظر حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب، تغییر نظام آموزشی یعنی نابودی آزادی‌های سیاسی، از میان بردن حقوق دمکراتیک دانشجویان و دانشگاهیان، برچیدن شوراهای دانشگاه، برچیدن کتابخانه‌های دانشجوئی، نابودی استقلال دانشگاه و بازگرداندن گارد دانشگاه تحت نام‌ها و پوشش‌های جدید.

از نظر حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب، تغییر نظام آموزشی یعنی بازگرداندن شیوه‌های اختناق و سرکوب به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی.

حکومت با این اعمال سرکوبگرانه ثابت می‌کند که برخلاف ادعاهایش همانگونه که با تلاش در راه استقرار نظام اطاعت کورکورانه در ارتش نشان داده‌است، به‌هیچ‌وجه خواهان دگرگونی در نظام آموزشی نیست.

مبارزات عادلانه دانشجویان ...

مثلا پس از قیام بهمن‌ماه مسالهٔ چگونگی ادامه انقلاب و نیروهائی که جلوی آنرا سد میکنند وطرز مبارزه باآنها از مسائلی است‌که درجامعه مطرح بوده و خودبخود در مدارس نیز طرح میشود. معلمین در اینمورد نقش مهمی دارند. بخصوص در شرایط‌کنونی که‌آگاهی سیاسی دانش‌آموزان افزایش‌چشمگیری‌پیدا کرده است، طرح مسائل جاری جامعه بزبانی ساده وظیفهٔ هر معلم‌آگاه است. معلمین طرفدار طبقات واقشار زحمتکش باید درس فداکاری ، درس انضباط ، درس احساس مسئولیت نسبت به‌مردم، خصلت مبارزه‌جوئی وپایداری دربرابر مشکلات را به‌دانش‌آموزان بیاموزند وخود نیز درعمل نمونه و سرمشق محصلان باشند. درعمل باید نشان دهندکه انضباط، فداکاری وجانبازی‌یعنی‌چه! معلم‌باید نمونه یك مبارز فداکار ویك انقلابی جانباز باشد.

دانش‌آموزان‌آگاهیهایی راکه‌ازمعلمان خودکسب میکنند بدرون‌خانواده و در واقع بدرون توده‌ها میبرند. اما برای انتقال صحیح‌آگاهی‌به‌محصلان، باید آنها را بخوبی درك‌کرد، به‌روحیات‌آنها پی‌برد، موقعیت‌کلاس، مدرسه و جو حاکم برجامعه ومدرسه را باید شناخت.

معلم‌آگاه باید ازدرگیری وتشتت بین دانش‌آموزان ومعلمان زحمتکش جلوگیری‌کند ودرجهت وحدت وهمبستگی‌آنها در مقابل دشمن‌اصلی‌گام بردارد.

۲- دررابطه با سایر معلمین: معلمان آگاه ومترقی نباید دردفتر مدرسه ودر رابطه بامسائل‌خاص معلمان بی‌تفاوت وغیر فعال باشند. آنها باید بـاعلاقه دربارهٔ مسائل جاری صحبت‌کنند و در ارتقاءآگاهی معلمین‌بی‌تفاوت‌کوشش کنند ودراین‌کارپیگیر باشند. آگاه‌کردن‌معلمان‌بی‌تفاوت‌به‌منافع‌خودوبحرکت‌درآوردن آنهاکاریست‌که به‌صبر وشکیبائی و فداکاری زیاد از طرف معلمین‌آگاه‌نیازدارد چراکه‌آنها سالهای متمادی را در خفقان و بدور ازآگاهی‌های سیاسی-اجتماعی زیسته‌اند. اگرآنهاکندبه‌حرکت‌درمیآیند نبایدمأیوس شد، بایدانرژی‌بیشترصرف کرد چون‌آگاه‌کردن معلمان زحمتکشی‌که تنها بدلیل‌دوربودن ازمسائل سیاسی - اجتماعی، موضع بی‌تفاوت میگیرند، درتشکل هرچه‌گسترده‌ترقشرمعلم‌گام‌مؤثری است‌که وظیفهٔ‌آن‌بدوش معلمان‌انقلابی وترقیخواه‌قرار دارد. بین‌معلمین‌زحمتکش باید پیوندی عمیق برقرارکرد وعناصر سازشکار ولیبرال ومزدور رابایدمنزوی ساخت، اما تمام‌این اعمال چنانکه‌درمورد دانش‌آموزان نیزاشاره‌کردیم‌به‌شناخت صحیح از روحیهٔ معلمین وجو حاکم‌بر جامعه ومدرسه نیازمنداست. معلمان‌آگاه وظیفه‌دارند در ترغیب وتشویق همکاران خود برای تشکیل شورای مدرسه‌وشرکت درکانونهای دموکراتیك معلمان بکوشند.

۳ - معلمین باید درتشکل دانش‌آموزان ومعلمین سعی فراوانی بنمایند. یکی از طرق اینکار، کوشش درجهت تشکیل شوراهای مدارس وشرکت فعال وپیگیردر آنهاست. در شرایط‌کنونی عملکرد شوراها میتواند جمع‌کردن و متشکل نمودن معلمین ودانش‌آموزان و طرح‌مسائل‌آنها با یکدیگر، بادفترمدرسه‌وادارهٔ‌آموزش وپرورش باشد بطوریکه تاحد ممکن بر امور مدرسه نظارت وکنترل داشته باشند. شوراها در ایجاد روحیهٔ جمعی در معلمان و دانش‌آموزان مؤثر هستند. شورای مدرسه میتواند وظایفی چون تنظیم برنامهٔ امتحانات، ایجادکتابخانه، امورفوق برنامه ونظارت برفعالیت دموکراتیك دانش‌آموزان و ... بعهده‌گیرد.

۴ - معلمان‌آگاه موظفند درکانونهای دموکراتیك خاص خودشرکت‌فعال ومؤثرداشته‌باشندودربسیج معلمان‌دراین‌کانونهاپیگیرانه‌کوشش کنند. بایدمعلمان را آگاه‌کردکه برای پیگیری‌خواستهای صنفی‌سیاسی‌خود، برای مبارزه‌بافرهنگ استعماری ونهادهای‌آن، ضروریست‌که درکانونهای‌صنفی-سیاسی‌معلمان بااهداف دموکراتیك وضد امپریالیستی متشکل شوند. باید معلمان را به‌این حقیقت‌آگاه ساخت‌که برای‌برداشتن هرگام‌موفقیت‌آمیز باید متشکل‌حرکت‌کردواین‌کانونهای دموکراتیك معلمان است‌که علاوه برشوراها میتواند به‌این ضرورت پاسخ‌گوید.

مآخذ :

تاریخ سی‌ساله، بیژن جزنی

دانش‌آموز و معلم شمارهٔ ۸

نشریات‌کانون مستقل معلمان تهران

تاریخچهٔ جنبش دانشجوئی، مجید احمدزاده

اعلام کرده و در اطلاعات ۲۲ اسفند ۵۸ میگوید: «تعطیل مدرسه بدترین راه‌علاج است ولی متأسفانه‌آخرین راه نیزهست».

اخیراً نیز رئیس‌آموزش‌وپرورش گنبد ۲ دبیرستان و یك مدرسه‌راهنمائی را بدلایل واهی «ایجاد اغتشاش واختلال» منحل اعلام کرده است. در زیرحکم یکی از این مدارس عیناً آورده میشود:

بسمه تعالی

مدرسه راهنمائی تحصیلی مهر

چون تاکنون دانش‌آموزان آموزشگاه به اعلام این اداره درمورد احتمال انحلال آموزشگاه توجه نکرده اند وفضای ناامنی فراهم ساخته اند بدینوسیله آموزشگاه مذکور منحل اعلام میگردد. چنانچه دانش‌آموزان مایل به ادامه تحصیل در این شهرستان باشند میتوانند زیر نظر مسئولان آن مدرسه راهنمائی تحصیلی جهت ثبت نام مجدد بهمراه اولیاء خود به دبیرستان ازادی مراجعه نمایند زمان ثبت نام همه روزه از ساعت ۸ الی ۱۲ ظهر میباشد.

۲۷۱۰/۳۱ ۸/۱۱/۱۸ رئیس اداره - خادمیان

گیرنده رونوشت

۱- سپاه پاسداران انقلاب جهت حفاظت از ساختمان واموال آموزشگاه (واقع در مدرسه راهنمائی ارس)

۲- شهربانی

۳- دبیرستان آزادی — جهت اطلاع وهمکاری لازم

۴- کلیه آموزشگاهها

و بالاخره کار بجائی میرسدکه از تاریخ ۲۷ فروردین ۵۹ با برنامه‌ای سراسری وحساب شده، محافل‌لیبرال، این‌عاملین‌سرمایه‌داری‌وابسته‌به‌امپریالیسم و مرتجعین سازشکار، هجوم‌خودرا به‌دفاترنیروهای‌سیاسی‌دانشجوئی‌دردانشگاههای ایران واز تبریزآغاز میکنندواین هجوم و حملات‌وحشیانه که‌بیش ازهزارمجروح وتعداد زیادی شهید بهمراه دارد به‌مدارس نیز کشیده میشود وآقای رجائی‌برای چندمین‌بار بخشنامه‌ای صادر میکندکه دانش‌آموزان حق ندارند در مدارس به فعالیت سیاسی بپردازند و برای انجام امور صنفی‌سیاسی خود دفترداشته‌باشند.

اینها وقایع شرم‌آوریست‌که درکشورما پس از قیام میگذرد ومسلماً رژیم جمهوری اسلامی وهمهٔ مهره‌های شناخته شده و نشدهٔ امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته مسئول عواقب‌آن خواهند بود وروزی‌باید دردادگاه خلق پاسخ این‌اعمال ارتجاعی را بدهند. ومطمئن هستیم‌که روزی مشت همهٔ این جنایتکاران وتاریك اندیشان برای همهٔ زحمتکشان و خلقهای رزمندهٔ میهنمان بازخواهد شد.

«وظایف مبرم معلمان درشرایط‌کنونی»

معلمان بعنوان بخشی از روشنفکران جامعه‌که مستقیماً بامسألهٔ تعلیم و تربیت در ارتباط هستند، وظیفهٔ بس سنگینی برعهده دارند. در یك‌سو نیروی توفندهٔ پرجوش وخروش‌میلیونها‌دانش‌آموزقرارداردکه‌میکوشددیوارهای‌ساختگی بین مدرسه وصحنهٔ مبارزات‌بیرون‌را فروریزد و ارتباط سازنده‌وجدائی ناپذیری بین تحصیل علم ونیازهای واقعی‌کارگران وسایر زحمتکشان بر قرارسازد. از جانب دیگر نیازهای‌مادی و معنوی هزاران‌معلم زحمتکش قرار داردکه‌برای‌برآوردن آنهاباید آگاهانه‌ومتشکل، پیگیر وخستگی‌ناپذیرتلاش کرد. درهریك‌ازاین‌زمینه‌ها چه درزمینهٔ آمیختن شعور طبقاتی بشور فزاینده وشگفت‌آمیز دانش‌آموزان‌وچه در زمینهٔ متشکل ساختن هرچه بیشتر معلمان وحرکت در جهت‌منافع‌واقعی‌آنان وظایف بسیار حساس وسنگینی رابر عهدهٔ معلمان مبارز ومترقی قرار میدهد:

۱- درزابطه بادانش‌آموزان درکلاسهای درس: بیشك یکی‌از کانالهای اصلی پیوند معلم و دانش‌آموز در ابعاد وسیع، کلاس‌درس میباشد. نحوهٔ‌برخورد معلم بادانش‌آموزان، نحوهٔ درس دادن وعلاقمندی اوبکار میتواند دراین پیوند تأثیر بسزا داشته باشد.

معلم باید درعمل نشان‌دهدکه یك معلم دلسوزچگونه‌به‌درس‌دانش‌آموزان توجه‌داشته ودریادگیری دروس‌به‌آنهاازجان مایه‌میگذارد.معلم‌درجریان‌درس‌باید به‌وضع زندگی و شرایط خانوادگی دانش‌آموزان خودکه با شیوه‌های گوناگون تربیت شده‌اند ونتیجتاً روحیات و اخلاق متفاوتی دارند، آشنا شود. معلم باید بتواند مسائل مشترك شاگردان‌خود را پیداکرده وباشرکت‌دادن‌خوددانش‌آموزان درحل وریشه‌یابی این مشکلات، بآنها یاری رسانده وفعالشان سازد. علاوه‌برآن یك معلم دلسوز باید در جریان مشکلات دانش‌آموزان قرارگیرد و درحد توان خود باکمك محصلان بمشکلات ومسائل‌آنها رسیدگی‌کند.بهمین منظورلازمست که معلم بااولیاء دانش‌آموزان نیز رابطهٔ نزدیك برقرار سازد.

با تغییرجو جامعه پس از قیام، مسائل‌دیگری نیزدرمدارس مطرح‌میشود.

بازهم بعنوان نمونه در زیرسندی را عیناً نقل میکنیم ازشهرستان بافت که درآن درست بشیوهٔ «آریامهری» معلمان آگاه ومترقی را احضار میکنند:



وزارت آموزش وپرورش

اداره آموزش وپرورش منطقه بافت

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

دبیرستان — مدرسه راهنمائی البرز بافت

آقای فرشته دلاوری
خانم

رابر مرطبق نامه شماره ۷ / ۸۱۲/۱۱/۵۹

آن آموزشگاه با اینکه کراراً از طرف رئیس اداره آموزش وپرورش شفاهاً تذکر داده شده که محیط آموزشگاه مرکز تبلیغ وتحریک دانش آموزان نمیباشد لذا شایسته است جهت تعیین تکلیف خود را به اداره آموزش وپرورش شهرستان بافت معرفی نمائید.

نماینده آموزش وپرورش راپر — ارجمند

سند بالا یادآور احضارها وتوبیخ‌هائی است که در رژیم منفور گذشته در مورد معلمان انقلابی همچون صمدبهرنگی صورت میگرفت. در اسفندماه ۵۸ طبق دوحکم ازطرف دادستان انقلاب اسلامی شهرستان گنبد به ریاست آموزش و پرورش گنبد بشماره‌های ۲۸۰۵ (تاریخ ۵۸/۱۲/۱۴) و ۲۷۶۲ (بتاریخ ۵۸/۱۲/۱۲) ۳۸ نفراز فرهنگیان این‌شهر را که درمیان آنها چهره‌های مبارزی چون ولی محمدارزانش (دبیر) بچشم میخورد، اخراج وبه دادسرا برای محاکمه فرا میخوانند. البته برای انقلابی جلوه‌دادن اینگونه اعمال وایجاد توهم درذهن توده‌های مردم معمولاً اسامی چندتن از ساواکیها و وابستگان رژیم سابق را نیز درکنار این مبارزین میآورند و با وقاحت وبی‌شرمی تمام همه را همکاسه میکنند.

دبیر انقلابی، رفیق عبدالحکیم مختوم یکی از رهبران خلق ترکمن واز بنانگزاران کانون سیاسی-فرهنگی خلق ترکمن را بهمراه ۳تن دیگر از یارانش ناجوانمردانه در زندان جمهوری اسلامی بشیوهٔ ترور رفقا بیژن جزنی وهمرزمانش بقتل میرسانندوجنازهٔ آنها رادربیابان رها میکنند وهیچ ارگان رسمی مسئولیت این جنایت فجیع را بعهده نمیگیرد. هرچندکه آقای بنی‌صدر گفت که اگرمن هم حاکم شرع بودم برای آنها تقاضای اعدام میکردم وبدین طریق قاتلان آنهارا تبرئه کرد.

درمدرسهٔ ارشادشهر ری ۳۰ معلم را بهاجبار منتقل میکنند.

دربندرعباس ۳۶ معلم مبارزرا اخراج میکنند، درکرمانشاه ۱۲ نفررا، در قصر شیرین ۱۰ نفر و صدها نمونه دیگر. اینها واقعیات تلخی است که هر روز در میهنمان اتفاق می‌افتد ومسئولیت همهٔ اینها بر عهدهٔ حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب وشخص رئیس جمهور است، اما در مقابل این فجایع، تضییقات ونقض حقوق دموکراتیک معلمان ، ما شاهد واکنش وسیع از جانب دانش آموزان و معلمان هستیم. اشکال مختلف اعتراض ومبارزه چون تحصن، تظاهرات، اعتصاب وغیره مورد استفاده آنان قرار میگیرد. چند نمونه‌را از روزنامه‌ها انتخاب کرده وبعنوان گوشه‌ای از این مبارزات در اینجا میآوریم :

« در میناب ، دبیر تعلیمات دینی بنام علی مهارنیا بدستور دادستان انقلاب و مدیرکل آموزش وپرورش از ادامهٔ تدریس محروم شده و در این رابطه دانش‌آموزان مدارس راهنمائی ودبیرستانهای میناب تحصن کرده واز رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند» (کیهان (۵۸/۸/۲)

در اطلاعات ۱۳ آبان میخوانیم که این دبیر را دستگیر کرده‌اند و در این رابطه محصلان به تظاهرات خیابانی دست زده واعلام اعتصاب نامحدود میکنند.

«بعنوان اعتراض به انتقال رئیس آموزش وپرورش از سوی فرماندار، آموزشگاههای نطنز بحال تعطیل درآمد. فرهنگیان درآموزش وپرورش اعلام تحصن نامحدود کردند» (اطلاعات ۵۸/۱۰/۲۳)

«دانش‌آموزان وفرهنگیان نیشابور بعنوان اعتراض به برکناری رئیس آموزش وپرورش به کلاس درس نرفتند» (اطلاعات ۵۸/۱۱/۳)

«گروهی از معلمان ناحیه ۵ آموزش وپرورش تهران ازصبح دیروز باتحصن در اداره خواستار تعویض رئیس ومعاون ناحیه شدند.» (اطلاعات ۵۸/۱۱/۹)

مقاومت وپایداری معلمان ودانش‌آموزان انقلابی وحرکتهای دانش‌آموزی چنان است که اخیراً انحلال مدارس وثبت نام مجدد همراه باگرفتن تعهد، یکی ازکارهای معمول آموزش وپرورش شده است!! برای مثال آقای رجائی براحتی ۳ دبیرستان در تهران (مدارس شریعتی - فاطمه امینی و شهیدسالاری) را منحل

درآذرماه ۵۸ آقای رجائی وزیرآموزش وپرورش وقت نیز بخشنامهٔ زیر را به ادارهٔ کل آموزش وپرورش استان صادر میکند:

بسمه تعالی

اداره کل آموزش و پرورش استان ۶/۱۰/۵۸–۲۴۶۸۴/د و

همانطوریکه پیش بینی میشد بر اثر تبلیغات سیاسی گروههای مختلف بی نتیجه ...و درگیریهائی در مدارس بوجود آمده است و از طرف دانش آموزان شکایات زیادی رسیده است مبنی بر اینکه همکاران فرهنگی در ساعات درسی مواضع گروهها و شخصیتهای سیاسی را مطرح میکنند و اینکار را نه تنها بدون اطلاعات علمی دانش آموزان لطمه زده بلکه وحدت بین جوانان را که شدیداً مورد توجه رهبر انقلاب و ملت مسلمان ما خواسته است از بین برده است با توجه به فضای باز سیاسی جامعه انقلابی ما و آزادی تبلیغات و تنوع نشریات و فراوانی جلسات بحث و انتقاد طرح اینگونه مباحث و ... ساختن کلاس از مسیر اصلیش نوعی انحراف از حرکت انقلابی جامعه است بنابراین با توجه به مراتب فوق.

الف ـ به همکاران آموزشی ابلاغ فرمایند که طرح هرگونه مطلب غیر درسی را به خارج از محیط مدرسه موکول نماید.

ب ـ به مستخدمین تاکید شود مراقبت کنند که درها و دیوار کلاسها همیشه تمیز باشد و جهت آگهی ها و نشریات و پوسترها تابلوی در حیاط آموزشگاه منصوب برای آموزش سیاسی نوع برنامه منتظر از این تابلو استفاده شود.

ج ـ با توجه به لزوم هماهنگی کارهای غیر درسی، کلیه فعالیتهای فوق برنامه باید زیر نظر مربی پرورشی ـ آموزشگاه انجام گیرد.

د ـ در تشکیل شوراها که خود یکنوع آموزش سیاسی است طبق آئین نامه ارسالی تسریع بعمل آورده بر حسن اجرای مفاد دستورالعمل نظارت کامل فرمایند.

از کلیه برادران و خواهران مسئول و دانش آموزان متعهد و انقلابی انتظار دارد حداکثر رشد سیاسی و اجتماعی خود را در اجرای بهتر و شایسته‌تر مفاد این بخشنامه نشان دهند. مح

محمدعلی رجائی
وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

خوبست روزنامه‌ها را نیزورق بزنیم تا ازمیان آنها نمونه‌هائی ازرفتاری که بادانش‌آموزان ومعلمان انقلابی توسط رژیم جمهوری اسلامی میشود، نشان بدهیم:

روزنامه‌های ۷ مهرماه خبر میدهند که:

دبیرستان دخترانه پروین در تبریز بعلت منتقل کردن چندنفر ازدبیران متشنج شده وسپس بدستور مقامات آموزش وپرورش تااطلاع ثانوی تعطیل میشود.

«کیهان ۲۸ آبان»: ۱۱ نفر دیگر ازدبیران دبیرستانهای بندرعباس به اتهام «انحراف ازمسیر انقلاب و تحریک نوجوانان ودانش‌آموزان به اعتصاب» اخراج شده‌اند وشمار اخراج شدگان به ۶۳ نفر رسیده است.

«کیهان ۳۰ دی»: درحملهٔ عده‌ای به مدرسهٔ امین کتالم، دونفراز کارکنان این مدرسه مجروح شدند و معلمان ۴ مدرسه بعنوان اعتراض در ادارهٔ آموزش و پرورش رامسر تحصن کردند.

«کیهان ۱۱ بهمن» : بدستور سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی قصرشیرین و سرپل ذهاب ۱۰ تن از دبیران بازداشت وتحویل زندان داده شده‌اند.

«اطلاعات ۲۵ اسفند»: افرادناشناس شبانه به منزل یکی ازدبیران دبیرستانهای میاندوآب هجوم بردند وبطرز وحشیانه‌ای وی‌را به‌اتفاق همسروفرزندانش بقتل رساندند.

این نمونه‌ها در واقع گوشه‌هایی از اقدامات ضددموکراتیک و ارتجاعی گردانندگان جمهوری اسلامی است که در اینجا گنجایش درج همهٔ آنهانیست ودر روزنامه‌ها نیز تنها درصدکوچکی از تبعیدها، اخراجها، حمله‌ها وبازداشتهائی درج شده‌که معلمین مبارز از بعد از قیام تابه امروز باآن روبرو بوده‌اند.

وبجرم کمونیست بودن، بدن اورا سوراخ سوراخ میکنند. فدائی‌شهید، «گرجی بیانی» یکی ازمؤسسین کانون فرهنگیان کرمانشاه بود وچنان پیوند عمیقی با دانش‌آموزان‌خودداشت که پس از شهادتش هزاران‌دانش‌آموزخیابانهای کرمانشاه را به‌صحنهٔ تظاهرات و مبارزه علیه بیدادگری رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کردند وپس از بازگشائی مدارس کلاسها را تحریم نمودند.

این‌نمونه‌هابیانگر کینه‌ای‌است که عوامل‌امپریالیسم‌وسازشکاران‌ومرتجعین جمهوری اسلامی نسبت به‌معلمان مترقی دارند.

با باز شدن مدارس در اسفند ۵۷، بخشنامه های محرمانه و رنگارنگ در جهت جلوگیری ازترویج و تبلیغ فرهنگ انقلابی ودادن‌آگاهیهای سیاسی توسط معلمان مترقی، به‌مدارس سرازیر شد. علاوه بروزارت‌آموزش‌و پرورش، کمیته‌های انقلاب اسلامی نیز در هرمنطقه از هیچگونه یاری دراین‌موردکوتاهی نمیکردند.

۹-۱۲/۱۲۵۷-۸۵ کمیته انقلاب اسلامی شهرستان تفرش

اداره آموزش وپرورش شهرستان تفرش

محترماً باستحضار میرساند ضمن اطلاع حاصله بعضی ازآموزگاران‌ودبیران — محترم در حین تدریس مطالبی را عنوان میکنند که جنبه ضد انقلاب دارد بعلاوه تعداد کثیری از اولیاء طی نامه‌ای این مطلب را بکمیته اعلام و خواستار جلوگیری آن شده اند.

حال خواهشمند است هـ‌رچه زودتـر اقدامات لازم مبذول دارید تاموجبات نگرانی وتضییع وقت دانش‌آموزان در این باقیمانده سال تحصیلی نگردد.

کمیته انقلاب اسلامی شهرستان تفرش

۲۵۰۲۲/۳-۱۲/۱۲/۱۳۵۷

رونوشت جهت اطلاع واقدام فوری به هنرستان / دبیرستان

مدرسه راهنمائی تحصیلی ... نمایندگی آموزش وپرورش بخش

دبستان / کودکستان ... ارسال میگردد.

رئیس اداره آموزش وپرورش شهرستان تفرش

اکنون به‌سند دیگری توجه‌کنیم که یادآور شیوه‌های تفتیش‌عقایددرقرون وسطاست. این نمونه یکی از دهها مورد اخراج و بازنشسته‌کردن معلمان مبارز تحت پوشش «نداشتن ایدئولوژی اسلامی» است:

بسمه تعالی
دولت جمهوری اسلامی ایران
وزارت‌آموزش وپرورش
اداره کل آموزش وپرورش کهگیلویه وبویراحمد

شماره ۲۱۴۷۹/د
تاریخ ۲۲/ /۱۳۵۸
پیوست

بسمه تعالی

اداره کل امور اداری وزارت‌آموزش وپرورش

طبق تحقیقات بعمل آمده آقای فرهاد صناعی دبیرفوق دیپلم رشته ریاضی فارغ التحصیل از دانشسرای راهنمائی تحصیلی شیراز بعلت عدم ایدئولوژی اسلامی ملا جهت استخدام درآموزش‌وپرورش استان
... تاجگردون

مدیرکل آموزش وپرورش کهگیلویه وبویراحمد

ودراینجا سند دیگری‌است که توسط رئیس‌آموزش‌وپرورش بخش۲ آبادان خطاب به‌مدارس این بخش نوشته‌شده است. تاریخ این بخشنامه ۵۸/۸/۲۳ یعنی ۹ ماه پس از قیام است:

شماره ۲/ل۲۴۱/د
۵۸/۸/۲۳

دبستان / مدرسه راهنمائی‌تحصیلی / دبیرستان

چون دیده و شنیده شده است که بعضی از همکاران جهت پیشبرد معلومات ودانش سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان در کلاسهای درسی از کتابهای غیر درسی استفاده می‌کنند بنا براین لازم است از چنین برنامه ای خودداری شده وبجای آن از برنامه های‌فوق العاده و عمومی در این زمینه استفاده نمایند. مسئولیت اجرای این بخشنامه بعهده رئیس‌آموزشگاه است. ع

تدین

رئیس‌آموزش‌وپرورش‌بخش ۲ آبادان

«سروده‌های انقلابی»، «آموزش و پرورش و تحول اجتماعی در زیمبابوه»، «فعالیت‌های تشخیصی و یادگیری در ریاضیات برای کودکان» و «زندگی در بندرعباس و مبارزات حق‌طلبانهٔ معلمان و دانش‌آموزان» را منتشر کرده‌است.

مبارزات معلمان مترقی در مدارس پس از قیام

معلمان آگاه و انقلابی، پس از قیام به‌ارتباط‌گیری هرچه گسترده‌تر با توده‌های دانش‌آموز همت گماشتند. در کلاسهای درس با وجودیکه عمدتاً با اختلافات گروهی دانش‌آموزان و برخوردهای کور محصلان تحریک‌شده و ناآگاه مواجه بودند، با بکارگیری روشهای صحیح، به‌افشاگری می‌پرداختند و اندیشه و افکار ترقیخواهانه را در کلاس ترویج میکردند و در بسیاری موارد نقش بسیار مؤثری را در تعدیل اختلافات گروهی و شناساندن دشمن اصلی وایجاد وحدت بین دانش‌آموزان، ایفا میکردند.

معلمان ترقیخواه کمونیست، در بسیاری موارد با برخوردهای صحیح و اصولی خود، سمپاشی‌های تحریک‌آمیز دستگاههای تبلیغاتی رژیم جدید را خنثی میکردند و در پیوند هرچه بیشتر خود با فرزندان زحمتکشان میکوشیدند.

برخی از معلمین نیز بعلت عدم درک شرایط حساس پس از قیام و کم‌تجربگی، در رابطه با دانش آموزان دچار برخوردهای غیر اصولی میشدند. در واقع کارکردن در کلاسهای درس باوجودیکه اداره‌های حفاظت درهم شکسته و فشار بر معلمان تاحدزیادی کاهش یافته‌بود، چندان ساده نبود و هنر و مهارت خاصی میطلبید. البته این وضع طبیعتاً چند ماهی بیش نپائید و هرروز که میگذشت، تحریکات و سمپاشی‌ها بردانش‌آموزان تأثیرخود را بیشتر ازدست‌میداد و جو مدارس بنفع اندیشه‌های مترقی و انقلابی تغییر مییافت و در مقابل آن اندیشه‌های عقب‌مانده و خرافاتی عقب‌نشینی میکرد. بهمین دلیل هم دولت بازرگان و «شورای انقلاب» ناچار بودند وهستند که از شیوه‌های سرکوب دیگرچون تبعید، اخراج و بازداشت معلمان مترقی برای جلوگیری از بحرکت درآمدن محصلان و معلمان، استفاده کنند.

با وجود این، معلمان ترقیخواه که پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی، امیدی تازه یافته‌بودند با روحیه‌ای سرشار از مبارزه باسلطهٔ امپریالیسم، درپیشبرد وظایف دموکراتیک ونقش آگاه‌گرانهٔ خودکوشش میکردند. آنها علاوه برسعی و پیگیری در جهت پیوند بادانش‌آموزان در مدارس خود، برای ایجاد شوراهای واقعی معلمان ومحصلان تلاش کرده‌اند وهمواره تأکید نموده‌اندکه این شوراها میبایست بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در مدارس باشد. مبارزات پیگیر معلمان ومحصلان در بندرعباس برای ایجاد شوراهای واقعی مدارس که خود واکنشهای

شدیدی را از طرف هیئت‌حاکمه بدنبال داشت، نمونه‌ای گویا از این تلاشهاست معلمان ودانش‌آموزان دراین شهر موفق شدند با اتحاد ومبارزهٔ پیگیر خود، مدیر کل ومعاون آموزش وپرورش استان هرمزگان را ازکار برکنار سازند (هرچندکه زائری مدیرکل آموزش و پرورش، شغل جدیدومهمتری پیدا میکند). بعلاوه معلمان مترقی برای متحدکردن این قشر زحمتکش در تشکلهای دموکراتیک، درمدارس خود به‌ترغیب همکارانشان برای‌ایجاد کانونهای دموکراتیک وشرکت هرچه‌فعالتر درآنها می‌پردازند. هم‌اکنون در تهران وبسیاری ازشهرستانها کانونهای صنفی سیاسی معلمان بااهداف ضدامپریالیستی-دموکراتیک شکل گرفته ودرحال گسترشند.

در چند ماههٔ پس از قیام شاهد برخی حرکات جمعی وخودانگیخته در رابطه بامسائل صنفی از طرف معلمان بوده‌ایم. ازجمله تحصن حدود هزار نفر از فرهنگیان در مردادماه ۵۸ که حدود یکماه بطول انجامید که بعنوان اعتراض به‌لغو وام مسکن وپاره‌ای‌خواستهای رفاهی آغاز شدوبدلیل فقدان سازماندهی صحیح ونداشتن رهبری مترقی موفقیتی بدست نیاورد. نمونهٔ دیگر، اشغال یک ساختمان ۱۳ طبقه در سیدخندان توسط فرهنگیان بی‌مسکن درآذرماه ۵۸ بود.

حاکمیت کنونی چه پاسخی به‌خواستهای معلمان داده‌است؟

بیش از یکسال و۳ ماه ازقیام خونین توده‌های میهنمان‌میگذرد. در این مدت معلمان ودانش‌آموزان انقلابی درسراسر ایران از نیروهائی بوده‌اندکه بطور چشمگیر بانهادهای دست نخوردهٔ امپریالیسم ازجمله نهادهای فرهنگ استعماری به‌انحاء مختلف مبارزه‌کرده، و در مقابل فشارها وتضییقاتی که دراین‌مدت نسبت بآنها روا شده، مقاومت‌کرده و از پانشسته‌اند. بهمین دلیل همواره درطول این مدت، شاهد تهدید، فشاروسرکوب این نیروهای آگاه وانقلابی ازجانب حاکمیت به اشکال گوناگون بوده‌ایم. اهمیت و تأثیر این مبارزات بحدیست که در شرایط حساس پس ازقیام حتی از ترور ناجوانمردانه وتیرباران معلمان مترقی بخصوص معلمان کمونیست به‌اتهام‌های واهی نیز ابا نکرده‌اند.

هنوز چندماه ازقیام نگذشته است که خبر میرسد درجادهٔ شیرگاه-گرگان «وناد ایمانی» معلم فدائی را شبانه باچاقو وقمه بشهادت رسانده‌اند. درمرداد ۵۸ یعنی ۶ ماه پس از قیام، درکردستان معلم مبارز دیگر، «گرجی بیانی» را بجرم واهی «درسنگربودن» وحشیانه تیرباران میکنند. او راساعت ۲ بعدازظهر از خانهٔ خود درکرمانشاه دستگیرکرده وچند ساعت بعد در زندان «دیزل‌آباد» کرمانشاه بدون محاکمه و در واقع بجرم فعالیت وآگاهی دادن به‌دانش‌آموزان

در این مقطع فرهنگیان شعارهای لغو حکومت نظامی، آزادی بیان و مطبوعات، انحلال واحدهای حفاظت در ادارات آموزش و پرورش، آزادی زندانیان سیاسی و از آنجمله معلمان و دانش‌آموزان زندانی و انحلال مجلسین را میدادند.

مدارس تهران و بسیاری از شهرهای دیگر میهنمان با اوج گرفتن جنبش در آذرماه ۵۷ توسط دولت تعطیل اعلام شد و از آن پس، معلمان و محصلان با پیوندی هرچه محکمتر با سایر توده‌های مردم در تظاهرات خیابانی که اغلب توسط مزدوران ارتش ضد خلقی به‌خون کشیده میشد، شرکت می‌جستند. معلمین در راهپیمایی‌های میلیونی که برای سرنگونی رژیم وابسته ترتیب می‌یافت، شرکت فعال داشتند.

آری، معلمان آگاه و انقلابی، با افشاگری در کلاس، با کوشش در جهت ایجاد تشکل معلمین و با شرکت در تظاهرات و مبارزات توده‌ای بطور وسیع و همه جانبه در جنبش ضد امپریالیستی-دموکراتیك مردم شرکت جستند. بالاخره قیام پرشکوه خلقهایمان با بیرون راندن شاه دیکتاتور و عقب نشاندن ارتش، با بجا گذاشتن هفتاد هزار کشته و صدها هزار زخمی در نخستین گام یعنی سرنگونی رژیم شاهنشاهی به پیروزی دست یافت.

مردم شعار «بعد از شاه نوبت آمریکاست» را میدادند، دولت موقت به‌ریاست بازرگان منتخب امام کار خود را آغاز کرد. (بدلیل فقدان سازمان رزمنده و انقلابی پرولتاریا که قادر باشد طبقهٔ کارگر و توده‌های زحمتکش را رهبری کند، جنبش توسط روحانیت، نمایندهٔ سیاسی خرده‌بورژوازی رهبری شد). این دولت که عناصر آنرا عموماً لیبرالها تشکیل میدادند، تمام کوشش خود را در جهت مهار کردن جنبش ضد امپریالیستی-دموکراتیك توده‌ها بکار انداخت و در کنار تدابیر مختلفی که بکار میبرد، تصمیم به بازگشائی مدارس کشور گرفت منتهی نه با کیفیتی دگرگون شده بلکه با همان محتوای گذشته، همان کتابهای درسی استعماری و همان روابط مبتنی بر تصمیم‌گیری از بالا و ... ضمن اینکه با دامن زدن به اختلافات عقیدتی زیر لوای اسلام سعی نمود مدارس را بـه کانون مبارزات گروهی و نه مبارزه ضد امپریالیستی تبدیل سازد. در این میان سازشکاری، واپس‌نگری و انحصارطلبی آن لایه از خرده‌بورژوازی که هژمونی جنبش را در دست داشت عملا در خدمت لیبرالها بود بطوریکه در ماههای پس از قیام آنها توانستند بر زمینهٔ این گرایشات ارتجاعی تا حدودی اهداف ضد انقلابی خود را به پیش برند و جهت مبارزه را منحرف گردانند.

بسیاری از معلمان آگاه و انقلابی با بازگشائی مدارس با این کیفیت و با تدریس همان کتابهای آریامهری مخالفت میکردند. آنها خواهان بازگشائی مدارس با کیفیتی نوین بودند. میخواستند به‌جای فرهنگ امپریالیستی فرهنگ انقلابی به دانش‌آموزان آموخته شود، کتابهای درسی از اساس دگرگون گردد و شوراهای واقعی ادارهٔ امور مدارس را بدست گیرند. آنها میخواستند به این ترتیب مدارس را به سنگری برای

مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته تبدیل و انقلاب را تداوم بخشند. آنها اصرار داشتند که برای محصلان کلاسهای آموزش سیاسی-نظامی گذاشته شود تا برای مبارزه‌ای که در پیش است تربیت شوند.

اما معلمان بدلیل نداشتن تشکیلات منسجم و سراسری و فراگیر که بتواند در این مقطع و با توجه به شرایط حساس پس از قیام، اهداف ترقیخواهانهٔ آنان را پیش‌برد، نتوانستند موفقیتی کسب کنند اما با وجود تکلیفها و فشارهای وزیر و گردانندگان امور آموزش و پرورش، معلمین مترقی دست از مبارزه نکشیدند و از اشکال گوناگون برای تداوم انقلاب بهره‌گیری کردند.

گروهی از معلمان هوادار طبقهٔ کارگر، پس از پیروزی قیام با رهنمود گرفتن از «سازمان چریکهای فدائی خلق» فعالیت خود را تحت عنوان «معلمان پیشگام» در تهران آغاز کردند و با بهره‌گیری از شرایط دموکراتیك ماههای پس از قیام، به تربیت سیاسی-ایدئولوژیك معلمان مترقی همت گماشتند. هر روز دهها معلم مشتاق و علاقمند در دفتر پیشگام برای کار، مبارزه و افزایش آگاهی گرد میآمدند و با عشق و علاقهٔ وافر، نوید فردای روشنتری در راه تشکل معلمان رامیدادند.

«معلمان پیشگام» نشریه‌ای هفتگی بنام «دانش‌آموز و معلم» که حاوی مطالب سیاسی و تئوریك و اخبار مبارزات معلمی-دانش‌آموزی بود منتشر میکردند. هرهفته هزاران نسخه از این نشریات توسط معلمین پیشگام شهرستانها و حتی روستاها در نقاط مختلف میهنمان بدست محصلان و معلمان علاقمند میرسید. معلمان پیشگام در تابستان ۵۸ با بهره‌گیری از تشکل معلمانی که حول پیشگام گرد آمده بودند، کلاسهای تجدیدی-تقویتی رایگان در چند مدرسهٔ تهران، ترتیب دادند که در پیوند معلمان مترقی با دانش‌آموزان و والدین زحمتکش آنها مؤثر بوده و خود نقطهٔ عطفی از فعالیت آنهامیباشد. معلمان پیشگام، در اثر تجربهٔ کار خود در چندماه پس از قیام به ضرورت ایجاد تشکیلات صنفی-سیاسی خاص معلمین با اهداف ضد امپریالیستی-دموکراتیك و شرکت فعال در کانونهای دموکراتیك معلمان جهت گسترش آنها و جذب هرچه بیشتر معلمان برای تشکیل کانونهای سراسری و فراگیر، پی‌برده و در پاسخ به این ضرورت، پیگیرانه تلاش خود را آغاز کردند. معلمان پیشگام روز ۲۸ مرداد ۵۸ با یورش سرکوبگرانهٔ هیئت حاکمه بـه آزادیهای سیاسی - دموکراتیك، دفتر خود را از دست دادند. نشریهٔ «دانش‌آموز و معلم» بدلیل نبود امکانات از آن پس منتشر نشد ولی معلمان پیشگام همچنان به تلاش خود با استفاده از تجاربی که کشف کرده‌اند ادامه میدهند. انتشارات پیشگام بمنظور ترویج و تبلیغ فرهنگ انقلابی و افشای تضییقات و فشارهائی که پس از قیام بر معلمان مترقی وارد میشود تاکنون کتابهای: «تجربهٔ انقلابی موزامبیك در آموزش و پرورش»،

قرون‌وسطائی شاه که امروز تمام و کمال مورد استفاده جمهوری اسلامی قرار گرفته است میگذراندند. سرگذشت سراسر تلاش و مبارزهٔ رفیق صمد بهرنگی، معلم انقلابی آذربایجان خود نمونه‌ای گویا از حرکت و فعالیت یك معلم مبارز است. از سال ۴۹ بارخداد حماسهٔ سیاهکل که سرآغاز فصل نوینی در مبارزات میهنمان است، ما شاهد پیوستن انقلابیون صادق و جان بـرکفی از معلمین آگاه به این جنبش هستیم . معلمان رزمنده‌ای چون صفائی فراهانی، مرضیه اسکوئی، بهروز دهقانی، فاطمه امینی و ... که خون پاك خود را در راه آرمان پرشکوه رهائی کارگران و زحمتکشان از بند استعمار و استثمار، زیر شکنجه، در میدانهای تیر و یا دربرخوردهای خیابانی با دژخیمان، نثار کردند.

د ــ از سال ۵۷ به بعد

بحرانهای اقتصادی ناشی از وابستگی بـه امپریـالیسم جهانی و نظام سرمایه‌داری، بتدریج بارشد سرسام‌آور بورژوازی وابسته در ایران چهرهٔ خودرا دو باره نشان داد، بخصوص که رژیم برای حفظ و بقای خود مجبور به تقویت روز افزون ارتش بود که منجر به پرداخت میلیاردها دلار در سال از بودجهٔ سالیانه به امپریالیسم میشد. ما از سال ۵۶ به بعد بتدریج شاهد شکل‌گیری و رشد حرکت توده‌ای در رابطه با افزایش بحرانهای امپریالیستی، گرانی روزافزون، کمبود مایحتاج ضروری زندگی مردم و نفرت عمیق توده‌ها از دیکتاتوری سیاه پهلوی و سرکوبهای وحشیانهٔ آریامهری هستیم و لی نطفه‌های تشکل معلمین از یکسال بعد، یعنی از سال ۵۷ شروع به رشد میکند. معلمان درواقع دیر بحرکت در آمدند و این خود مربوط میشد به ویژگیها و شرایط خاص زندگی معلمان و پایین بودن سطح آگاهیهای سیاسی ـ اجتماعی آنها بطور کلی. چنانکه اگر جنبش معلمان را باجنبش دانشجوئی در کل این سالها مقایسه کنیم، تفاوت چشمگیری بین آنها مشاهده میکنیم. اگر از معلمان انقلابی که در واقع اقلیتی از قشر معلم را تشکیل میدادند و با فرهنگ وابسته به امپریالیزم سرسختانه مبارزه میکردند بگذریم، سایر معلمان کم و بیش در کلاسهای درس خود کتابهایی را تدریس میکردند که دقیقاً درجهت ابقای فرهنگی مصرفی و مبتذل در اذهان کودکان و جوانان تدوین شده بود و درچارچوبی تدریس میکردند که توسط نوکران امپریالیزم و درجهت منافع آن، برنامه‌ریزی شده بود و اغلب به زندگی ساده و حقوق متوسط ماهیانهٔ خود خوگرفته بودند. آنها ازیکطرف بدلیل خواستگاه طبقاتی و از سوی دیگر بدلیل برنامه‌ای که رژیم پیش پای آنها می‌نهاد، بندرت دست بحرکتی میزدند که ممکن بود مختصر پریشانی در زندگی یکنواختشان ایجاد

کند. فراگیر شدن بحران درسرتاسر جامعه، معلمان را نیز به مبارزه جلب کرد و دربطن حرکات خود انگیختهٔ توده‌ای، حرکتهای معلمین نیز که بیشتر بصورت اعتصاب و تحریم کلاسها تجلی میکرد، از مهر ماه ۵۷ آغاز شد. در این سال ، معلمان پیشرو در تهران، اولین تشکلهای معلمی را بصورت کانونهای دموکراتیك در چند ناحیه از جمله ناحیهٔ ۷ و ۱۹ پایه‌ریزی کردند و به جذب معلمان زحمتکش همت گماشتند. این کانونها در پروسهٔ خود، کانون مستقل معلمان تهران را در مهرماه همین سال تشکیل داد و امروز، براساس تجربهٔ کار و اساسنامهٔ آن دربسیاری از مناطق کشور مان، کانونهای مستقل شهرستانها شکل گرفته و درحال گسترش است . باشروع سال تحصیلی ۵۷، نقش معلمان همراه بامحصلان درجنبش ضدامپریالیستی ـ دموکراتیك توده‌های زحمتکش شکل برجسته‌ای بخود میگیرد. بیش از ۹ میلیون دانش‌آموز همراه با معلمان خوددر سراسر میهنمان، برای سرنگونی رژیم ضدخلقی شاه بپا می‌خیزند و با تحریم کلاسها و تظاهرات و افشاگری درصحن مدارس، در مبارزه سهمی بعهده میگیرند. معلمان همگام باسایر مردم ، شعارهای سرنگونی رژیم و قطع کامل سلطهٔ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم جهانخوار و وحشی آمریکا را سر میدهند و برای استقلال، کار، مسکن، آزادی مبارزه میکنند.

دولت آشتی ملی شریف امامی که پس از سال ۴۰ دوباره برصحنه ظاهر شده است، بـرای جلوگیری ازحرکتهای رو بـه اوج معلمین وعدهٔ بهبود وضع مدارس و افـزایش حقوق معلمان را میدهد، اما این قشر زحمتکش که اینك بـه ماهیت واقعی رژیم وابسته‌اش پی برده است، با این وعده وعیدهای پوچ و این تلاشهای مذبوحانه فریب نمیخورد و هرروز مصمم‌تر به حرکت خود ادامه میدهد. معلمان از اشکال مختلف مبارزاتی چون اعتصاب وتحصن و تظاهرات خیابانی برای پیشبرد جنبش رهائیبخش میهنمان سود می‌جویند.

دولت نظامی ازهاری که روز ۱۴ آبان یعنی یکروز پس از بخون کشیده شدن تظاهرات دانش‌آموزان در دانشگاه تهران، زمام امور را بدست گرفت، برای بی‌عمل کردن معلمان زحمتکش، علاوه بر تهدید و ارعاب ۷۵۰ تومان ظاهراً تحت عنوان حق مسکن و درواقع بعنوان رشوه برای ساکت کردن معلمان به حقوق آنها اضافه میکند. رژیم سرسپردهٔ پهلوی، ازآنجاکه سالیان دراز معلمان را در مضیقهٔ مالی نگهداشته و آنها را بزندگی قسطی مبتلا کرده بود، به غلط تصور میکرد که باافزودن مبلغ ناچیزی به حقوق آنها میتواند این قشر عظیم به حرکت درآمده را از مخالفت باخود بازدارد، ولی رژیم کور خوانده بود. معلمان با استقبال زیاد و شرکت در میتینگ برشکوهی که بدعوت کانون مستقل معلمان تهران در دیماه ۵۷ دربهشت زهرا برگزار شد مشت محکمی برپوزهٔ سرسپردگان امپریالیسم کوبیدند.

حول خودگرد میآورد. درخشش سعی میکند مبارزات معلمان را درکانالی‌هدایت کندکه درنهایت به‌نفع جناح امینی ازآن استفاده نماید.

نقطهٔ اوج حرکت معلمین درمقطع سالهای ۴۲-۳۹ راهپیمائی پرشکوه آنان بسوی مجلس شورای ملی‌و برگزاری میتینگ در میدان بهارستان برای پاره‌ای خواستهای صنفی ازجمله ترمیم حقوقشان مطابق باافزایش هزینهٔزندگی بود. این راهپیمایی روز ۱۲اردیبهشت ۴۰ توسط هزاران‌نفر معلم‌ودانش‌آموز ودانشجو برگزار شد. در میدان بهارستان، معلم مبارز، ابوالحسن خانعلی در اثر تیراندازی سرگرد شهرستانی فرماندهٔ مأموران‌شهربانی‌به‌سوی‌تظاهرکنندگان بشهادت رسید وچند نفر نیز مجروح شدند.

معلمان خشمگین از این‌حملهٔ وحشیانهٔ رژیم، به‌حرکات‌اعتراضی‌خودادامه میدهند وبا شعار «معلم نان میخواهدنه‌گلوله» دست به‌راهپیمائی‌میزنند.مدارس به پشتیبانی از معلمان تعطیل‌میشود وتظاهرات متعدد خیابانی در افشای‌جنایات رژیم وابسته به‌امپریالیسم شاه توسط معلمان متشکل، محصلان و دانشجویان در روزهای بعدتکرارمیگردد. معلمان ودانش‌آموزان‌دسته‌دسته‌درادارات‌فرهنگ تحصن اختیار میکنند وهمبستگی وقدرت عظیم خود را به‌نمایش میگذارند.

اعتصاب یکپارچهٔ معلمان، تعطیل مدارس وحرکات اعتراضی‌دانشجویان و محصلان در حمایت از معلمان ، بحران سیاسی جامعه راتشدیدکرد و سقوط کابینهٔ شریف‌امامی را تسریع نمود. دولت‌برای‌ساکت‌کردن‌معلمان‌وپایان‌بخشیدن به‌اعتصاب‌آنها طرح افزایش حقوق معلمان را به‌تصویب مجلس رسانید امااین امتیاز نیز نتوانست از سقوط حتمی دولت جلوگیری نماید.

پس از سقوط‌کابینهٔ شریف امامی، امینی به‌نخست‌وزیری رسید . از این ببعد بودکه درخشش چهرهٔ واقعی‌اش را برملا ساخت . او با سخنرانی خود در باشگاه مهرگان در تاریخ۲۲ اردیبهشت برای معلمان‌اعتصابی، باحیله‌ونیرنگ به‌اعتصاب‌آنها پایان بخشید. اودرسخنرانی خود تأکیدکردکه مبارزات‌معلمان تنهابرای حقوق صنفی‌شان است واگرکسی دراین‌میان‌مسائل دیگری را مطرح‌کند اخلالگر است. درخشش توسط امینی این نوکر دست نشاندهٔ آمریکا، به وزارت فرهنگ* منصوب‌شد. اوبرای جلوگیری ازحرکت معلمان، مزورانه‌طرح‌افزایش حقوق‌آنها را بدوبخش‌تقسیم‌کردوپرداخت ۵۰ درصدآنرا منوط به‌داشتن‌بودجه در ششماههٔ دوم سال نمود .

باین ترتیب رهبری خائن‌و نقشه‌های‌مکارانه درخشش‌وامینی‌ودیگردوستان لیبرالشان که‌کارگزاران‌آمریکا بوده‌وهستند، حرکت متشکل معلمان را ازاعتلا بازداشت وموجب افول‌آن‌گردید .

بالاخره درکشاکش مبارزات ، شاه بنفع امپریالیزم‌آمریکا ، برنامهٔ «اصلاحات ارضی» را پذیرفت وپیامدآن سقوط‌آرام‌کابینهٔ امینی بود . در سال ۴۱ پس ازآنکه شاه دوباره ابتکار عمل را بدست‌گرفت، سرکوب‌خشن توده‌هارا که اینك به رشد نسبی رسیده ودر مقابل رژیم قرارگرفته بودند، دردستورروز قرار داد. معلمان مترقی نیز در این‌دوره نه تحت عنوان «جامعهٔ معلمان» بلکه بطور پراکنده ومنفرد همراه باسایراقشار زحمتکش ودانشجویان ودانش‌آموزان انقلابی، درمقابل‌رژیم سرسپرده‌ودررأس‌آن‌شاه دیکتاتور به مبارزهٔ خودکه کاملا رنگ‌سیاسی‌داشت ادامه‌دادند وباسرکوب‌خونین ۱۵خرداد ۴۲وپس‌ازآن باتشدید اختناق وتقویت هرچه‌بیشترارگانهای سرکوبگروعلاوه برآن‌نبود رهبری‌مترقی‌و تشکیلات واقعی معلمین، تشکل این قشرکه دراین‌سالها تازه پاگرفته‌بود، بکلی ازهم‌گسیخت.

ج- سالهای۵۷-۴۲

ازسال۴۲به‌بعد جنبش‌معلمین روبه‌افول نهاد ودلیل‌آن‌اجرای‌سیاست‌رفرم و سرکوب توسط رژیم بود. معلمان ازآنجاکه فاقد تشکیلات منسجم و رهبری مترقی بودند خیلی زود از هم پاشیده شدند. رژیم علاوه برتشدید خفقان‌وایجاد جو رعب ووحشت در جامعه، ازآنجاکه توانسته بود تضاد داخل خود را بنفع بورژوازی وابسته تاحدود زیادی حل‌نماید، سعی‌کرد با ایجاد رفرمهایی (چون ۶ اصل انقلاب‌سفید) پس‌از سال ۴۲ از اوج‌گیری‌مبارزه‌درجامعه‌موقتاًجلوگیری کند. دراین‌سالهاسطح‌درآمداقشارمتوسط‌تاحدودی‌افزایش‌پیداکردوبحران‌اقتصادی سالهای۴۲-۳۹به‌نفع بورژوازی‌وابسته بااستخراج هرچه بیشترنفت بطورموقت پایان‌یافت وبرای چندسال‌شکوفایی‌اقتصادی‌کاذبی درجامعه جای بحران‌راگرفت.

افول جنبش معلیمن در این دوره همراه با افول جنبش توده‌ای است همچنانکه رشد وگسترش‌آن‌درسال ۳۹ چنین بود، اما در این‌میان‌بودندمعلمانی که ماهیت امپریالیزم را بخوبی می‌شناختند واگرچه پراکنده بودند اما ازطریق حرفهٔ خود پیگیرانه‌به‌مبارزهٔ خود تداوم می‌بخشیدند بطوریکه دراین‌سالهای‌سیاه خفقان و دیکتاتوری، بدلیل‌گسترش شبکه‌های‌ساواك وایجاد اداره‌های‌حفاظت‌در سطح مدارس برای‌کنترل و شناسائی معلمان مترقی، همواره درصدی اززندانیان سیاسی را معلمان‌آگاه و انقلابی تشکیل میدادند. چه‌بسیار بودندمعلمان‌مبارزی که بجرم تبلیغ و ترویج فرهنگ انقلابی و افشای فرهنگ استعماری ، به شهرهای دور افتاده تبعید میشدند، از خدمت درآموزش وپرورش محروم‌شده‌ویا به‌زندان می‌افتادند، شکنجه میشدند و سالهای زیادی ازعمر خود رادرزندانهای

* «وزارت‌آموزش وپرورش» درآنزمان «وزارت فرهنگ» نامیده میشد.

ب - سالهای ۴۲-۳۹

ابتدا لازمست زمینهٔ اقتصادی - اجتماعی سالهای ۳۲ تا ۳۹ راکه‌موجب حرکتهای وسیع توده‌ای وازآنجمله جنبش تشکل‌یافته معلمان‌درسالهای ۴۲-۳۹ گردید، هرچند بطور مختصربررسی کنیم : کودتای ننگین ۲۸ مرداد، امپریالیزم آمریکا را در قدرت حاکم که تاآنزمان به‌انگلیس وابسته بود/ شریك ساخت ، حتی میتوان گفت سرمایه‌داران وابسته را درحاکمیت برفئودالها مسلط کرد و بتدریج وجه‌عمده‌ای از ارگانهای حکومتی را بدست آنها داد .

سالهای ۳۲ تا ۳۹ همراه است با استحالهٔ تدریجی بورژوازی ملی که رهبری جنبش ضد امپریالیستی را در سالهای ۳۲ - ۲۹ بعهده داشت و همچنین سرکوب وحشیانهٔ جنبش کارگری که‌بدلیل وجود رهبری سازشکاروفرصت‌طلب آن، نتوانست در این سالها به‌رشد خود ادامه دهد. حزب توده‌که درآن سالهاجنبش کارگری را زیرنفوذ خود داشت، بدلیل دنباله‌روی ازسیاستهای شوروی، تحلیل نادرست از تضاد های جامعه و اپورتونیسم بیکرانی که بر آن حاکم بود جنبش کارگری را به‌چنان شکستی دچار ساخت که دیگر یارای برخاستن و گرفتن رهبری جنبش رهائیبخش در مراحل بعدی مبارزه را نداشت وبهمین‌دلیل رهبری جنبش ضد امپریالیستی درسالهای ۳۹ تا ۴۲ منحصراً بدست خرده بورژوازی و نمایندگان محافظه‌کار بورژوازی ملی افتاد.

این حقایق میتواند تاحدی علل افتادن رهبری جنبش‌معلمین در سالهای ۴۲-۳۹ را بدست لیبرالی چون درخشش روشن سازد.

از طرفی، امپریالیسم‌آمریکاکه برای‌گرفتن وجه عمدهٔ قدرت ناچار بود، پایگاه اصلی خود یعنی بورژوازی‌کمپرادور را هرچه بیشتر تقویت‌کند، پس‌از کودتای ۲۸ مرداد سعی نمودازنظر اقتصادی‌با ایجاد رفرم وفراهم ساختن‌زمینهٔ تسلط بورژوازی، فئودالیزم راکه مشخصاً پایگاه انگلیس بود تضعیف‌کند. امپریالیسم‌آمریکا در این سالها، کمکهای‌مالی فراوانی رابرای بجریان‌انداختن دوباره نفت، همراه‌با کالاهای مصرفی خارجی به‌ایران سرازیر کرد. وامهای‌بیدریغ آمریکا به‌تجار وکاسبکاران مرفه ووروود کالاهای صنعتی ازکشورهای‌غرب، طی‌چند سال دهها سرمایه‌دار واردکننده‌ کالاوتجار وابسته‌به‌آمریکا راتحویل‌جامعهٔ‌ماداد. در سالهای ۳۸و۳۹ صنایع مونتاژ درکشور ما پا میگیرد و بورس‌بازی‌وایجاد ساختمانهای مستغلاتی رایج میشود برای اینکه مقداری از سود متراکم شده سرمایه‌هاٰی‌خارجی را بکار بیاندازد اما هرچه بورژوازی بیشتر رشد میکندسیستم تولیدی فئودالی‌که هنوز درایران حاکم است بیشتر جلوی‌آنرامیگیرد. بهمین جهت امپریالیسم‌آمریکا بفکر اصلاحات ارضی در ایران بعلت سودآوری‌بیشتر

جهت رشد و بسط مناسبات سرمایه‌داری و نابودی فئودالیزم، می‌افتد ورژیم و در رأس‌آن شاه راکه‌خود زمینداری‌بزرگ‌است، تحت فشارقرار میدهد، کمکهای مالی‌آمریکا به ایران قطع میشود و استخراج و صدور نفت از رشد سریع خود باز میماند وباین ترتیب بحران اقتصادی روز افزونی‌گریبان توده‌های‌زحمتکش میهنمان را میگیرد. کالاهای انباشته شده در بازار بفروش نمیرسد چون مردم قدرت‌خریدندارند، توده‌هاکه هرروزبیش ازپیش‌در اثر بحران‌زیرانواع‌فشارهای اقتصادی قرار میگیرند و ازآنجاکه رشد تضادهای درونی رژیم باعث‌تضعیف‌آن شده است، حرکتهای اعتراضی‌خود راآغاز میکنند. سال ۳۸، اعتصاب‌کارگران کوره‌پزخانه‌ها و رانندگان تاکسی در تهران رخ میدهد وتظاهرات‌صنفی-سیاسی دانش‌آموزان در خیابانهاآغاز میشود حرکتهائی‌که خودبخودیست و ازرهبری جریانهای مترقی محروم میباشد.

معلمان زحمتکش نیزکه‌هرروز بیش ازپیش زیر فشارهای اقتصادی‌قرار میگیرند، همچون سایراقشار وطبقات‌تحت‌ستم، برای مبارزه در راه‌حقوق‌صنفی سیاسی خود، اولین‌گامها را در جهت تشکل معلمین برمیدارند، با این‌هدف‌که متحداً خواستهایشان را مطرح سازند. معلمان زحمتکش، تحت تأثیرحرکتهای خودانگیختهٔ توده‌ای‌که از سال ۳۸بیعد نمود پیدا میکند وازآنجاکه‌زمینهٔ‌تشکل حول مسائل صنفی - سیاسی برای‌آنها فراهم است، گرایش نوینی برای‌مبارزه‌از خود نشان میدهند و بتدریج به‌ضرورت تشکل واتحاد پی‌می‌برند.

حرکت متشکل معلمین، در دل تضادهای‌گوناگونی‌که جامعه را در خود گرفته بود* میتوانست نقش‌مؤثری ایفاکند و درصورت داشتن‌تشکیلاتی‌منسجم و رهبری مترقی، درپیشبردجنبش ضدامپریالیستی جایگاه‌ویژه‌ای راکسب کنداما ازآنجاکه جنبش طبقه‌کارگر در این‌سالها بدلایلی‌که برشمردیم، روبه‌افول‌نهاده و از رهبری مترقی و پیشاهنگ راستین محروم بود، کلیه حرکتهای اجتماعی و ازآنجمله جنبش معلمین نیزاز رهبری‌نیروهای مترقی وضدامپریالیست‌محروم ماند ونتیجتاً جبهه ملی‌و محافل لیبرالی در این دوره موفق شدندتوسط‌درخشش تشکیلات معلمان را زیرنفوذ ورهبری خود قرار دهند و ازخواستها واعتراضات برحق این قشر زحمتکش در عرصهٔ سیاست ودر مبارزهٔ‌جناحهای حاکم‌بنفع‌خود و اربابهشان بهره‌برداری‌کنند .

در سال ۳۹ «سازمان مرکزی معلمین» که بعدها «جامعهٔ‌معلمان» نامیده‌شد به رهبری درخشش شکل میگیرد و معلمان بسیاری راکه خواستار تشکل هستند

* از یکطرف بین توده‌های زحمتکش ورژیم سرسپرده به امپریالیسم و ازطرف دیگر تضاد بین‌فئودالها وبورژوازی وابسته درهیئت حاکمه.

دانش‌آموزان‌وزحمتکشان‌جامعه‌پی‌می‌برند. آنها مصممانه باترویج وتبلیغ‌فرهنگ انقلابی درمیان دانش‌آموزان واز طریق انتقال آگاهیهای خود به‌آنها به‌مبارزه با بیدادگری وستم برمی‌خیزند.

در جوامعی‌که نظام سرمایه‌داری بر آنها حاکم است، کلیهٔ ارگانهای تبلیغاتی وآموزش وپرورش، درجهت منافع طبقهٔ سرمایه‌دار وبرای بقای هرچه بیشتر آن ، برنامه‌ریزی شده وبکار می‌افتند. همگی در این سمت و سو حرکت میکنند که استثمار وروابط کارگر وسرمایه‌دار وروابط غنی وفقیر را امری‌عادی و اجتناب ناپذیر جلوه‌دهند وبآن صورتی قانونی بخشند.

در جوامع تحت سلطهٔ امپریالیسم، ازآنجاکه شدت‌فقروفشارزندگی‌بیشتر است، بهمان نسبت رشد آگاهی توده‌ها برای امپریالیسم ورژیمهای وابسته بآن خطرناکتر میباشد وبهمین دلیل، ترویج فرهنگی هرچه منحطتر ومبتذل‌تر برای بقای‌آنها ضروریست. این فرهنگ علاوه بر ویژگی طبقاتی، بساید عامل بقای وابستگی به امپریالیسم نیز باشد. این فرهنگ نه‌فرهنگی تولیدی بلکه‌فرهنگی مصرفی و در خدمت منافع امپریالیسم غارتگروسرمایه‌داری وابسته‌بآن‌میباشد، این فرهنگ همان است‌که جوانان ما را بسوی انحطاط فکری، اعتیاد، عیاشی و ولگردی سوق میدهد؛ این فرهنگ همان است‌که از معلمان ما، انسانهایی محافظه‌کار وترسو و همواره درگیر بامسائل اقتصادی میسازد، این‌فرهنگ همان است‌که ۷۵٪ از توده‌های تحت ستم ما را دربیسوادی وجهل نگاه میدارد.

برای نمونه به‌جامعهٔ‌خودمان درسالهای‌حکومت منفورپهلوی وبه‌وضعیت قشر معلم‌درآن زمان نظری بیفکنم: از نظر اقتصادی، اختصاص‌حقوق‌ماهیانه‌ای که بزحمت تکافوی نیاز معلمان را میکرد، قسطی‌کردن زندگی‌آنها و پایبند ساختنشان به‌اینگونه زندگی‌که همواره‌باید چشمشان به‌رسیدن اول‌برج آینده‌باشد تاکمبود پولشان را جبران کنند و احیاناً قرضهای آخر ماهشان را بپردازند و تداوم این وضع برای سالیان دراز، بطورکلی از معلمان، افرادی محافظه‌کار میساخت که بندرت به‌قدم بیرون‌گذاشتن اززندگی محدود خود تمایل‌نشان‌میدادند و واهمهٔ از دست‌دادن یابهم‌ریختن‌وضعیت یکنواخت زندگی‌و امکانات‌ناچیزشان اجازه نمیداد‌که خارج ازمحدودهٔ مجاز خود حرکتی بکنند.

و ازنظر سیاسی، عدم رشد آگاهی طبقاتی وفقدان تشکیلات‌مترقی‌معلمین که ناشی ازعدم مبارزات توده‌ای معلمان بود وعلاوه برآن فشار واختناق حاکم برجامعه‌که هر حرکتی را وحشیانه سرکوب میکرد، در عدم رشد مبارزات این قشر زحمتکش تأثیر زیادی داشت.

اما باوجودکلیه‌برنامه‌ریزیهای امپریالیستی در زمینهٔ فرهنگ‌وآموزش

وپرورش، شاهدیم که معلمان‌انقلابی‌وراستینی‌چون: صمدبهرنگی، بهروزدهقانی، مرضیه احمدی اسکوئی، گرجی بیانی ودهها معلم مبارز و انقلابی دیگر ازدل این سالهای سیاه، چون مشعلهای فروزانی به فضای مدارس‌ماروشنائی‌می‌بخشند و شکست محتوم رژیمهای دست نشانده وارباباب غارتگرشان رانوید میدهند.

سابقهٔ مبارزاتی معلمان

مبارزات معلمان درسالهای حکومت پهلوی‌بدوصورت: انفرادی ومتشکل تجلی‌مییابد. صورت متشکل مبارزهٔ معلمان، تنها درمقاطعی‌خاص‌چون سالهای ۴۲ - ۳۹ ودر یکسالهٔ قبل از قیام بهمن ۵۷ نمود پیدا میکند ودرسایرمواقع بیشتر بصورت‌انفرادی‌درکلاسهای درس و از طریق تبلیغ‌وترویج‌فرهنگ‌انقلابی و آگاهی‌دادن به‌دانش‌آموزان، مبارزه ادامه مییابد. دراین میان‌بوده‌اندمعلمان رزمنده‌ای‌که با پذیرش آگاهانهٔ مارکسیسم-لنینیسم، علم رهائی طبقهٔ کارگروسایر زحمتکشان ازیوغ امپریالیزم ونظام سرمایه‌داری، کلاسهای درس خودرا به‌کانون افشای فرهنگ استعماری و فسادی‌که عمیقاً دربندبند وجود نظام‌حاکم برایران ریشه دوانده بود، تبدیل میکردند وراه راستین رهائی را به‌فرزندان زحمتکشان می‌آموختند. حرکت انقلابی وآگاه‌گرانه معلمان درکلاسهای درس ودرپیوندبا دانش‌آموزان همواره وجه عمده‌ای را در این سالهای سیاه دیکتاتوری، تشکیل میداده وبسهم خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

به‌گذشته برگردیم‌و مروری‌کنیم برتاریخچهٔ مبارزات معلمان:

الف - سالهای ۳۹ - ۲۹

در این‌سالها حرکت متشکل ویکپارچه‌ای از معلمان دیده‌نمیشود. معلمان مترقی ومبارز تا سال ۳۲ بطور پراکنده، در رابطه باجریانهای سیاسی‌آنزمان فعالیت میکردند اما از تشکیلات خاص خود محروم‌بودند. وقوع‌کودتای ننگین ۲۸ مرداد، معلمان انقلابی را نیزکه همراه باسایر اقشار وطبقات‌برای‌قطع‌سلطهٔ امپریالیزم انگلیس ودر راه استقلال وآزادی، مبارزه میکردند، بشدت‌سرکوب نمود و ازآن پس تاسال ۳۹ معلمان مترقی عمدتاً درکلاسهای درس با تربیت دانش‌آموزان انقلابی به‌مبارزه ادامه میدادند. دراین سالها به دلیل‌جو سرکوب و اختناق شدید حاکم برجامعه و بخصوص نقش ادارهٔ جاسوسی ساواک پس از سال ۳۵، کار معلمان‌درکلاس نیز با دشواریهای تازه وروزافزونی‌مواجه‌میگشت وهرگونه حرکت ترقیخواهانه برای آنها روز بروزخطرات‌بیشتری‌ایجادمیکرد.

مقدمه

پیش ازآنکه در مورد جایگاه ویژهٔ معلم درجامعه، آغاز بهسخن کنیم ، لازم است بطور مختصر نقش فرهنگ را درجهت دادن افکار جوان مورد بررسی قرار دهیم تابه نقش حساس معلم و مسئولیت سنگینی که با قبول این کار بدوش میگیرد، بهتر پی ببریم.

فرهنگ بعنوان یك عنصرروبنائی، هیچگاه نمیتوانداز مناسبات تولیدی جامعه مستقل باشد ودر واقع همواره انعکاسی از این مناسبات است. در جوامع طبقاتی، طبقهٔ حاکم برای دوام بیشترخود وایجاد زمینههای مساعدبرای استثمار هرچه بیشتر طبقات واقشار تحت ستم، میکوشد تا فرهنگ خاص خود را باهر وسیلهای که در اختیار دارد، ترویج نموده وآنرا برجامعه مسلط گرداند. برای رسیدن به این هدف ازکلیهٔ وسایل و امکانات ارتباط جمعی بخصوص رادیو و تلویزیون ومطبوعات، بیشترین استفاده را میکند وعلاوهبرآن برای پایهریزی این فرهنگ درمیان نسلهائی که فردای جامعه را میسازند ، بهسیستم آموزش و پرورش کودکان وجوانان توجهخاصی داشته وآنرا درجهت منافع خودبکارمیگیرد. سیستم آموزش وپرورش یعنی : مجموعهٔ کتابهای درسی، روش تدریس وروابط حاکم برنیروهائی کهباآموزش وپرورش سروکاردارند. درسیستم آموزشی طبقاتی، بزرگترین مشکل هیئت حاکمه، همان نیروهای تعلیم دهنده یا معلمان هستند ، نیروهائی که باید بگونهای ساخته و پرداخته شوند تا بتوانند مروج فرهنگ استثمارگران وسازندگان اندیشههای عقبمانده وارتجاعی ومهرههای گوشبفرمان طبقهٔ حاکم باشند. رژیمهای ضد انقلابی، همواره از شیوههای متنوع استفاده کرده وازبکاربردن هیچ امکانی برای رسیدن بهاهداف پلیدشان چشم پوشی نمیکنند اما باوجود همهٔ اینها هیچگاه نتوانستهاند درپیشبرد اندیشههای ارتجاعی خود کاملا موفق گردند زیرا با انسانهای زندهای سروکار دارندکه کم وبیش علیرغم میل وفشار رژیم، با ارتقاءآگاهی خود بهوظیفه ونقش حساس خویش در قبال



انتشارات معلمان پیشگام ۶

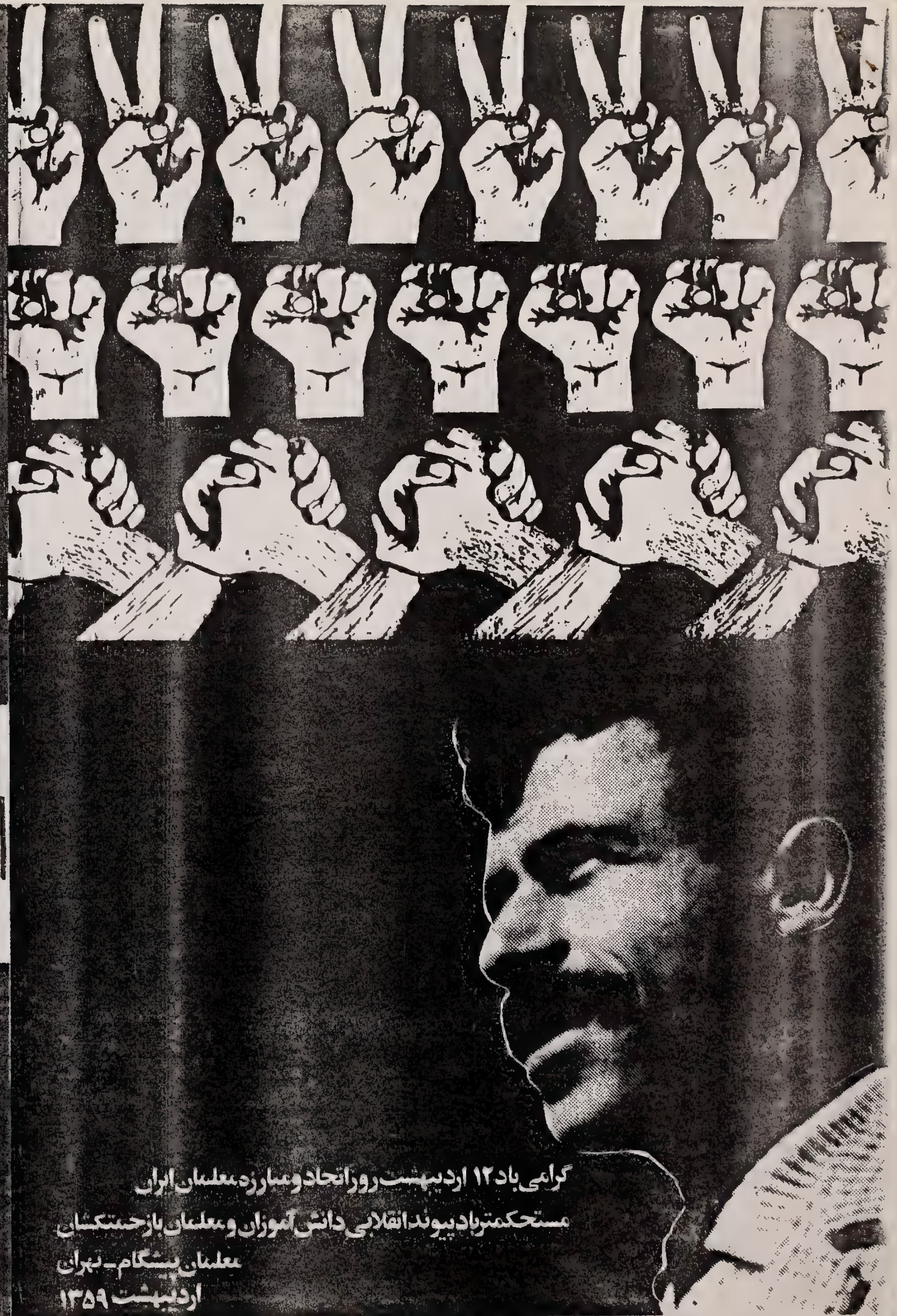
● تحلیلی مختصر از موقعیت و سابقهٔ مبارزاتی معلمان در ایران

● چاپ اول: تهران ۱۳۵۹

«فهرست»



انتشارات معلمان پیشگام ۶
● تحلیلی مختصر از موقعیت و سابقه مبارزاتی
معلمان در ایران



گرامی باد ۱۲ اردیبهشت روز اتحاد و مبارزه معلمان ایران
مستحکم تر باد پیوند انقلابی دانش آموزان و معلمان با زحمتکشان
معلمان پیشگام - تهران
اردیبهشت ۱۳۵۹

بها: ۲۵ ریال

از نظر حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب تغییر نظام آموزشی یعنی نابودی آزادی های سیاسی از میان بردن حقوق دموکراتیک دانشجویان و دانشگاهیان برچیدن شوراهای دانشگاه برچیدن کتابخانه‌های دانشجوئی ، نابودی استقلال دانشگاه و بازگرداندن گارد دانشگاه تحت نام ها و پوشش های جدید .

از نظر حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب تغییر نظام آموزشی یعنی بازگرداندن شیوه‌های اختناق و سرکوب به دانشگاهها و مراکز آموزشی .

حکومت با این اعمال سرکوبگرانه ثابت میکند که برخلاف ادعاهایش همانگونه که با تلاش در راه استقرار نظام اطاعت کورکورانه در ارتش نشان داده است ، به هیچ وجه خواهان دگرگونی در نظام آموزشی نیست .

مبارزات عادلانه دانشجویان و دانش آموزان و مقاومت آنان در برابر سیاستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی بدون تردید به پیش خواهد رفت و از حمایت مردم آگاه و مبارز ایران و همه نیروهای انقلابی و دمکرات برخوردار خواهد شد .

به اخراج استادان ، معلمان و دانشجویان و نه تعطیل دانشگاهها و مدارس و نه سرکوب و کشتار دانشجویان و دانش آموزان ، هیچ کدام نخواهد توانست خللی در مقاومت آنها و مبارزه آنها به سود طبقه کارگر و زحمتکشان ، علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران ایجاد کند . این تلاشهای مذبوحانه خودبیانگر رشد مداوم نیروهای انقلابی و ورشکستگی سرکوبگرانی است که در آزادی برخورد اندیشه ها و عقاید شکست حتمی خویش را می بینند و از آن می هراسند .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، همه نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست و همه انقلابیون کمونیست دانشگاهها و مراکز آموزشی را به اتحاد عمل و پایداری فرا میخوانند و از تمامی مردم آگاه و نیروهای ترقیخواه ، ضد امپریالیست و انقلابی میخواهد که هرچه بیشتر و قاطعانه‌تر از مبارزات عادلانه دانشجویان حمایت بعمل آورند .

ما بار دیگر تاکید میکنیم که این یورش ها ، در برابر مقاومت یکپارچه دانشجویان و دانشگاهیان، معلمان و دانش آموزان که از حمایت نیروهای انقلابی و مردم آگاه برخوردار است با شکست روبرو خواهد شد و ثمره‌ای جز شکست و رسوائی بیشتر برای طراحان آن به بار نخواهد آورد .

* پیروز باد جنبش انقلابی دانشجویان در سراسر ایران
* مستحکم باد پیوند و اتحاد جنبش انقلابی دانشجویان با جنبش توده‌ای
* مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۵۹

مردم مبارز ایران!

طرح و اجرای حمله به دانشگاهها و مراکز آموزشی، درست زمانی آغاز شده است که مبارزات پیگیر زحمتکشان و نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و متحدان داخلی آن، امپریالیسم امریکا را به قطع روابط دیپلماتیک با ایران واداشته و ضرورت اتحاد عمل هرچه بیشتر نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را بیش از گذشته مطرح ساخته است.

درچنین شرایطی است که باندهای سیاه و اوباشان و قمه‌کشانی که توسط شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی رهبری میشوند بکمک کمیته‌ها و پاسداران، دانشجویان و دانش‌آموزان را به خون میکشند و آقای رئیس‌جمهور که زمانی مدعی طرفداری از آزادیهای سیاسی شده بود هشدار داده است که اگر تا روز دوشنبه دفاتر صنفی ـ سیاسی دانشجویان در دانشگاهها و مراکز آموزشی بسته نشود، این اعمال سرکوبگرانه را تشدید خواهد کرد. او با این سخنان اوج کینه و دشمنی خود را نسبت به آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم و نسبت به استقلال دانشگاهها نشان داده است.

وحشت حکومت از آگاهی مردم میهن ما و نقش افشاگرانه دانشجویان و دانش‌آموزان بدان پایه است که رسما" تعطیل کتابخانه‌ها و مراکز صنفی دانشجوئی را مورد تاکید قرار داده است.

دانشجویان و دانشگاهیان که با مبارزات دلاورانه و خونبار خود، آزادی فعالیتهای صنفی ـ سیاسی در دانشگاه را به کف آورده‌اند. دانشجویان که در برابر یورشهای وحشیانه گارد دانشگاه با نثار خون از آرمان ترقیخواهانه خویش به دفاع برخاسته و در زیر رگبارهای ارتش و پلیس شاه فریاد اتحاد، مبارزه، پیروزی را به گوش خلقهای ایران رسانده اند و پرچم خونین قیام را افراشته‌تر نگهداشته‌اند، دانشجویان و دانش‌آموزانی که دانشگاهها و مراکز آموزشی را به سنگر مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران و نابودی سلطه امپریالیسم تبدیل کرده‌اند، امروز بیش از هر زمان دیگری برای دفاع از ثمرات مبارزات خونین خود آماده‌اند و هرگز اجازه نخواهند داد که بار دیگر فضای اختناق بر دانشگاهها و مدارس حاکم شود و گاردهای دانشگاه، در پوشش و نام های جدید بار دیگر به صحنه دانشگاه باز گردند و ثمره خون شهدای دانشگاه را بر باد دهند.

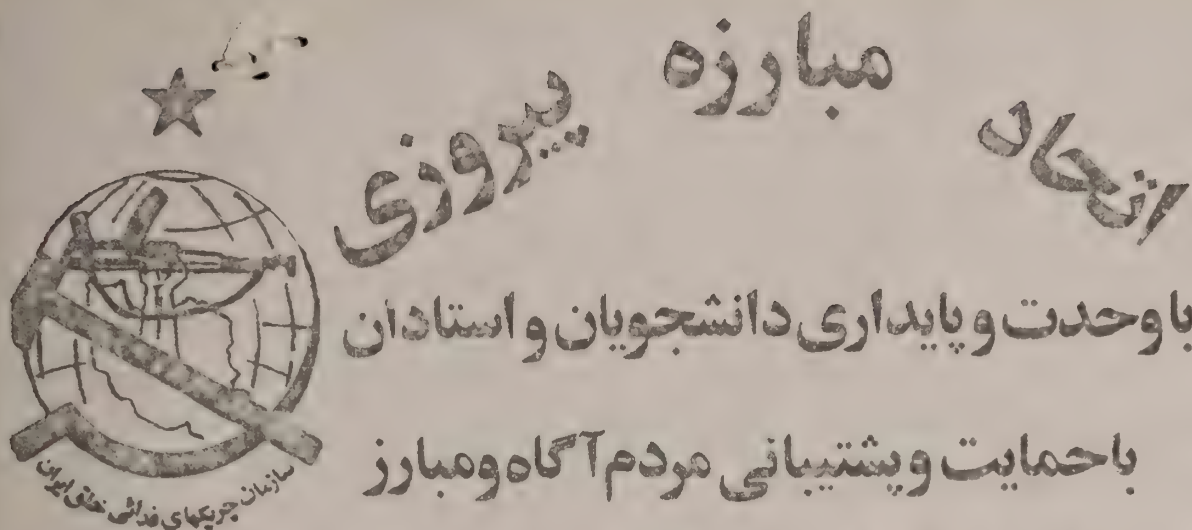
دانشجویان انقلابی و همه مردم آگاه ایران خوب میدانند که نه دسیسه‌های آقای بنی صدر و نه طرحها و تصویب نامه‌های حزب جمهوری اسلامی ایران قادر نیستند یوغی را بر گردن دانشجویان نهند که رژیم دیکتاتوری شاه نیز از تحمیل آن بر دانشجویان عاجز ماند.

آری اتحاد و مبارزه دانشجویان انقلابی و پشتیبانی همه آنان که از حداقل درک و آگاهی سیاسی برخوردارند، پشتیبانی میلیونها مردم آگاه و مبارز ایران هرگز اجازه نخواهد داد فضائی را بر دانشگاهها تحمیل کنند که جنایتکارترین رژیم قرن نیز از تحمیل آن به دانشجویان عاجز ماند. آری سرکوبگران در هر لباسی، در هر مقامی و بهر نامی که باشند حقیرتر از آنند که در برابر اراده انقلابی نیروهای خلق سر فرود نیاورند.

امروز هرگوشه دانشگاه جلوه‌ای از مبارزات دلاورانه دانشجویان و خاطره‌ای از شهادت دلاوران دانشگاه را آشکار میکند، امروز هرگوشه دانشگاه صحنه‌ای از تاریخ مبارزات خونین دانشجویان را بازگو میکند، مبارزاتی که در سرنگونی رژیم شاهنشاهی نقشی چشمگیر داشت. دانشجویان و استادان مبارز دانشگاهها و مدارس عالی با تکیه بر این پشتوانه خونین مبارزاتی و با تکیه بر حمایت وسیع مردم، در برابر یورش سرکوبگران خواهند ایستاد و با نثار خون خویش از ثمرات این مبارزات خونین، از استقلال دانشگاهها و حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی دفاع خواهند کرد.

شورای انقلاب که به بهانه تغییر نظام آموزشی تهاجم به دانشگاهها و مدارس عالی را رهبری میکند آشکارا به فریب مردم و خیانت به آرمان آنان دست زده است.

دانشجویان و دانش‌آموزان و همه نیروهای ترقیخواه از نخستین روزهای پس از قیام خواهان تغییر نظام آموزشی بوسیله شوراهای دانشگاهها به سود زحمتکشان بوده‌اند. اما حکومت نه تنها در این راه هیچ اقدامی نکرده است بلکه به شهادت مدارک و اسنادی که وجود دارد همیشه در مقابل این خواست دانشجویان و دانشگاهیان سنگ اندازی کرده است و امروز به بهانه تغییر نظام آموزشی فعالیتهای صنفی و سیاسی دانشجویان و دانش‌آموزان را مورد تهاجم قرار داده است و عملا" مانع دگرگونی نظام آموزشی به سود زحمتکشان شده است.



سرکوب جنبش انقلابی دانشجویان محکوم به شکستی قطعی است

دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی، مورد تهاجم سراسری و سازمان یافتهٔ حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور قرار گرفته است. طراحان این تهاجم، اقدامات سرکوبگرانهٔ خود را زیر پوشش انقلاب فرهنگی و دفاع از اسلام به اجرا گذاشته‌اند.

آنها با چنین پوششی به دفاتر و مراکز فعالیتهای سیاسی و صنفی دانشجویان یورش برده‌اند و درصددند مانع فعالیتهای سیاسی و صنفی دانشجویان شوند و اختناق را دوباره در دانشگاهها و مدارس عالی حاکم سازند.

تهاجم به دانشگاهها و اشغال آن که تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب آغاز شده، پس از حوادث دانشگاه تبریز و دیگر دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور و مقاومت همه‌جانبهٔ دانشجویان و دانشگاهیان و پشتیبانی مردم آگاه از آنها، به شیوه‌ای جدید که بنی صدر مبتکر آن است ادامه دارد.

حکومت در بیانیهٔ رسمی شورای انقلاب و سخنان بنی صدر، آشکارا" اعتراف کرد که رهبری مهاجمان و اوباشانی را که به مراکز آموزشی حمله کرده‌اند، برعهده دارد، حکومت همچنین اعلام کرد مراکز فعالیتهای سیاسی و حتی صنفی و ورزشی دانشجویان در دانشگاهها باید ظرف سه روز تعطیل شود.

اشغال دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور، بخشی از تهاجم سراسری جدیدی است که برای تامین هدفهای شکست خوردهٔ تهاجم سراسری مرداد ماه سال گذشته و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما و سرکوب مبارزات رو به گسترش طبقهٔ کارگر، دهقانان و سایر اقشار زحمتکش میهن ما طراحی شده است.

این تهاجم نشانهٔ هراس نیروهای قشری از رشد نیروهای انقلابی و تلاش مذبوحانه طبقهٔ سرمایه‌دار ایران برای جلوگیری از آگاهی روزافزون زحمتکشان و سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی آنان است.

اولین هدف این اقدامات ارتجاعی، جلوگیری از فعالیتهای سیاسی و ترقیخواهانهٔ دانشجویان، معلمان، استادان و دانش‌آموزان است که در رشد جنبش ضد امپریالیستی خلقهای ایران و آگاهی مردم نقشی چشمگیر دارند. منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم و ایجاد تفرقه میان توده‌ها، دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمان که وحدت آنها در تحکیم صفوف مردم و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی تاثیری عظیم دارد از جمله هدفهایی است که در تهاجم به دانشگاهها دنبال میشود.

بعلاوه از آنجا که تهاجم وسیع و همه‌جانبهٔ ارتش و سپاه پاسداران علیه خلق کرد، هر روز دامنه وسیع‌تری به خود میگیرد و از آنجا که فعالیت افشاگرانه دانشجویان و دانش‌آموزان مشت دشمنان مردم را باز کرده و مانع بزرگی در ادامه سرکوب خلق کرد است، تهاجم علیه دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی و تعطیل آنها در دستور کار سرکوبگران قرار گرفته است.

"توضیح تعهدنامهٔ وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی"

۱ــ از همان ابتدا تعهد سعی می‌نماید دانش‌آموز را با امضای این ورقه که در خیلی از مدارس به زور اولیای ناآگاه (سالاری) یا تهدید دانش‌آموزان با این بهانه که نمی‌گذاریم در امتحانات شرکت کنید (شریعتی) به اطاعت از تمام اوامر وزارت آموزش و پرورش مجبور نماید، و حق تصمیم گیری در مورد ادامهٔ تحصیل را نیز از دانش‌آموز سلب نماید (. . . اخذ هرگونه تصمیم مبنی بر ادامه و یا عدم ادامه تحصیل اینجانب بعهده مسئولین مدرسه می‌باشد،) لازم به تذکر است که این مسئولین مدرسه اکثرا" همان مدیرانی هستند که در دوره قبل از قیام به هزار تهدید دانش‌آموزان مبارز را مورد هجوم قرار میدادند، و حال یکشبه جیره‌خوار آموزش و پرورش رجائی شده اند، یا اینکه مسئولین امور تربیتی ارسالی از وزارت آموزش و پرورش هستند که نقش "ساواک" وزارت آموزش و پرورش را بازی می‌کنند .

۲ــ رعایت کلیهٔ قوانین و بخشنامه های مربوط به مدارس مصوب وزارت آموزش و پرورش .

نهادی که در خدمت تثبیت هیات حاکمهٔ وابسته باشد مصوبات و بخشنامه های آن نیز باید در جهت سرکوب دانش‌آموزان حقگو باشد ، همانطور که مکرر شاهد ارسال بخشنامه های مبنی بر تصفیهٔ دانش‌آموزان "ضد انقلابی" و کندن پوسترهای انقلابی برای محو روحیهٔ انقلابی دانش‌آموزان بودیم و حال تعهد می‌خواهد دانش‌آموزان مبارز را بطور قانونی مثل (بحث آزاد) از طریق تعهد به زیر همچین باری ببرد .

مادهٔ ۴ و ۵ نیز که لازم به توضیح نیست ــ آموزش و پرورش در خیلی از مدارس با استناد به این بخشنامه که پوسترها باید بروی تابلو باشد چون دیوارها کثیف می‌شوند پوسترها و تراکت های انقلابی را می‌کنند و واضح است که در جایی که نیمی از دانش‌آموزان نیمکتی برای نشستن و کتابی برای خواندن ندارند ، "تابلو اعلانات داشتن" خنده دار به نظر می‌رسد .

۶ــ عدم انجام راهپیمایی و تحصن و دادن شعار . . . (به متن سند مراجعه شود) .

بورژوازی همیشه امر تحصیل را مقدم بر هر چیز می‌شمارد دانش‌آموز مورد علاقهٔ او آکادمیستی است که مسائل اجتماعی پیرامونش برای او " اغتشاش در امر تحصیل " بحساب آید یا روشنفکر خود فروخته ای که‌پای به ایدئولوژی مسلط جامعه نهد ــ برای همین دانش‌ــ آموزان از هرگونه امری که "نظم " جامعهٔ وابسته را بخطر اندازد منع می‌شوند .

۷ــ عدم دخالت در تعیین و تحول کادر آموزشی و اداری مدرسه .

بنظر ما این مادهٔ آخری جالبترین بخش این تعهدنامه است و درک آقایان وزارت آموزش و پرورش را از "شورا" بخوبی می‌فهماند. این ماده تاکیدی است بر اینکه دانش‌آموزان حقی در دخالت امور خودشان ندارند و دیگران از آنها صلاح کار را بهتر تشخیص می‌دهند. ما از دانش‌آموزان می‌پرسیم دانش‌آموزان مبارزی که در طول قیام درهای مدرسه را شکستند و به بیرون ریختند و در این راه معلمان راستین صدگونه ای آنها را یاری کردند صلاحیت قضاوت در مورد دبیران و مسئولان خود را دارند یا وزارت آموزش و پرورشی که صدرنشینان آن از توبه کنندگان آریامهر بودند و از همان روزهای اول ماهیت خود را با اخراج دبیران مبارز به ظهور رساندند ؟

بنظر ما این ماده و همچنین جملهٔ اول تعهد نامه (تصمیم گیری در مورد تحصیل دانش‌آموزان) خود سند گویای اعمال آنها و ایدئولوژی هیات حاکمه است. ایده ئولوژی که در بخشهایی از توده ها هنوز موفق است که خود را غرهٔ قیام بداند، می‌گوید توده‌ها من در مورد شما تصمیم می‌گیرم، اگر موافق بودید در مورد جزئیات آن "بحث" می‌کنیم ! والا با اعزام ارتش و خلع سلاح و ترور و فتوی در مورد تحصن و گرفتن تعهد از فرزندان شما که دخالتی در سرنوشتشان ندارند مسئله را حل می‌کنیم .

روابط انسانها خود را در مبارزهٔ طبقاتی جلوه گر می‌سازد و مبارزهٔ طبقاتی صحنهٔ مبارزه با چنگ و دندان برای گرفتن حق است و آن چیزی که این تازه به میدان رسیده ها کور از دیدن آن هستند موج های متداوم مبارزات توده ای است که مجالی برای فریبکاری آنها نمی‌گذارد، هنوز دانشجویان و دانش‌آموزان ما فرمهای تعهد آریامهر را فراموش نکرده اند. به ابتکار مبارزات توده ای حیله های امپریالیسم با شکست روبرو می‌شود شاهد ما جلوه های مختلف مبارزات دانش‌آموزی است.

فرم تعهد نامه مخصوص دانش‌آموز

اینجانب دانش‌آموز کلاس تعهد مینمایم که موارد ذیل را دقیقاً رعایت نمایم و در غیر اینصورت اخذ هرگونه تصمیم بر ادامه و یا عدم ادامه تحصیل اینجانب بعهده مسئولین مدرسه میباشد .

مواردی که دانش‌آموز باید در محیط مدرسه عمل نماید :

۱ــ احترام به مسئولین و دانش‌آموزان .

۲ــ رعایت کلیه قوانین و بخشنامه های مربوط به مدارس مصوب وزارت آموزش و پرورش .

۳ــ توجه به راهنمائیهای مسئولین مدرسه .

۴ــ عدم انجام هرگونه تبلیغات سیاسی در محیط مدرسه . پخش اعلامیه، فروش کتاب، فعالیت حزبی و گروهی

۵ــ عدم نصب هرگونه پوستر و اعلامیه و نوشتن شعار بر روی در و دیوار مدرسه (دانش‌آموزان مجاز هستند پوستر و اعلامیه ها را در محل های تعیین شده مانند تابلو اعلانات زیر نظر مسئولین مدرسه نصب نمایند) .

۶ــ عدم انجام راهپیمائی و تحصن و دادن شعار و هرگونه عملی که باعث بینظمی و اخلال در امر تحصیل دانش‌آموزان میگردد .

۷ــ عدم دخالت در تعیین و تحول کادر آموزشی و اداری مدرسه .

امضاء دانش‌آموز

فرم تعهد نامه مخصوص اولیاء

اینجانب پدر، مادر، ولی، قیم دانش‌آموز کلاس

این دبیرستان تعهد مینمایم در جهت ایجاد نظم و برقراری محیط آموزشی سالم با مسئولین مدرسه صمیمانه همکاریهای لازم را بنمایم و تمام سعی و کوشش خود را برای ارشاد و راهنمائی فرزندم در جهت اجرای کلیه مقررات مدرسه و موارد ذکر شده در تعهد نامه دانش‌آموز بکار برم

امضاء ولی :

مترقی را می‌گردند . از بین ۱۵۰۰ کیف "بمب" را که چیزی جز نشریات دانش آموزی نبوده! کشف و زمینهٔ انحلال دبیرستان را می‌سازند. روز بعد که دانش آموزان به مدرسه می‌روند با خیل پاسدارا ن روبرو می‌گردند که می‌گفتند می‌خواهیم دبیرستان تان را تصفیه کنیم. در اینروز دبیرستان تعطیل و از آن فیلمبرداری و عکس برداری می‌شود که این خود نیز داستان جالبی دارد که آنرا در پائین ذکر می‌کنیم :

در اعتراض عده ای از دانش آموزان که اخراج شده بودند و برای ارائه دلیل از طرف آموزش وپرورش ناحیه ، به آنجا مراجعه نموده بودند معاون آموزشی منطقه (نجفی) با نشان دادن کیسه ای که محتوی چند عکس بود می‌گوید : اینهم مدرک ، اینها عکسهای دیوارهای دبیرستان بود که شامل پوسترهای تبلیغاتی انتخاباتی مجاهدین خلق ـ عکسهای صمد بهرنگی ـ گلسرخی ـ و یک پوستر مربوط به کردستان که عکس شیخ عزالدین حسینی نیز در آن بود و این شخص (نجفی) مکرر میگفت آنها عکس عزالدین را به دیوار زده بودند ! (ترس ارتجاع از خلق کرد و مبارزه اش بی حساب است) و خلاصه معلوم شد که چرا دبیرستان تعطیل و عکس برداری شده بوده است .

حال دانش آموزان آگاه دبیرستان سالاری که با حمایت فرهنگیان منطقه نیز روبرو گشته اند بعد از پاس داده شدن از این اتاق به آن اتاق ناحیهٔ آموزش و پرورش عمیقا " نهادهای بوروکراسی را درک نموده اند و نیروی خود را به روی اتحاد سراسری دانش آموزان نهاده اند . و تصمیم گرفته اند که برای خنثی نمودن فشارها و تهدیدهای آموزش ناحیه همگی "تعهدفرمایشی" را بدهند ولی مبارزه را ادامه دهند تا در عمل تعهد آنها بی ارزش شود . ما ضمن چاپ مدارکی که نشاندهنده ماهیت تعهدی است که از آنها می‌گیرند ، دانش آموزان مدارس تهران و بخصوص دانش آموزان دبیرستانهای شریعتی ـ سالاری ـ سهروردی که مورد هجوم توطئه‌های یکسانی قرار گرفته اند را به همبستگی بیشتر فرا می‌خواهیم .

هرچه مستحکمتر باد صفوف دانش آموزی

کارگر ـ دهقان ـ دانش آموز پیروز است

سلسله بحث هانی ...

زحمتکش حدت بیشتری یافت که تبلور آنرا در تشدید تضاد خلق با امپریالیسم شاهدیم . بنابراین علی رغم نتیجه گیری حزب توده در جمع بندی از علل و نتایج اصلاحات ارضی در کل ما نه تنها شاهد شکوفایی اقتصادی چه در عرصه صنعت و چه کشاورزی نیستیم ، نه تنها رشد طبیعی نیروهای مولده سد گردیده ، نه تنها امپریالیسم و کارگزاران داخلیش در مقابل خواست بحق توده ها عقب نشینی نکرده اند ، و در نتیجه اقدامات آنها ناشی از خیرخواهی شان نبوده ، نه تنها تضاد خلق باامپریالیسم و سلطه جابرانه اش فروکش نکرده ، بلکه بدلیل عدم شکوفایی اقتصادی و کلیه عواقب ناشی از آن تضادخلق و امپریالیسم حدت یافته که حل این تضاد تبلور خویش را در مبارزات قهرآمیز توده ای طولانی خواهد یافت .

۱ـ دنیا دوره سوم سال چهارم شماره ۱

۲ـ دنیا دوره سوم سال چهارم شماره ۱

۳ـ دنیا دوره سوم سال سوم شماره ۶

۴ـ دنیا دوره دوم سال سیزدهم شماره ۱

۵ـ سخنرانی ایرج اسکندری در کنگره دهم حزب کمونیست بلغارستان مردم شماره ۶۹

۶ـ دنیا دوره دوم سال هفتم شماره ۳

۷ـ مصاحبه داود نوروزی عضو کمیته مرکزی بانشریه "فاسیت" وابسته به حزب رویزیونیست آلمان غربی آوریل ۱۹۷۲

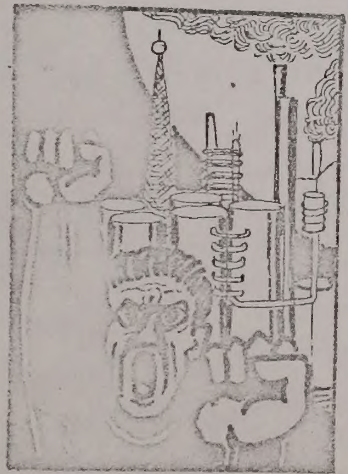
۸ـ دنیا دوره سوم سال دوم شماره ۶

۹ـ دنیا سال سوم شماره ۳

۱۰ـ مردم شماره ۲۲ تیرماه ۱۳۵۰

۱۱ـ دنیا دوره‌دوم سال چهاردهم شماره ۱

۱۲ـ دنیا دوره دوم سال هفتم شماره ۳



به نام خدا

همانطور که آگاهید مدتی است عده ای مفسده جو و فرصت طلب از طریق باندبازی پستهای اداری آموزش و پرورش ناحیه ۵ را اشغال و با انحاء مختلف سعی در بهم ریختن و انحلال مدارس این ناحیه می‌نمایند .

مدرسهٔ سالاری هم یکی از هدفهای این‌مرتجعین تازه انقلابی شده قرار گرفت و طرح بهم ریختن آن ازچند ماه پیش بدین ترتیب ریخته شده . اول اینکه به یکی از معلمین باسم غنیمی فرد ابلاغ مدیریت داده شد ، سابقهٔ این فرد روشن است او کیست که در رژیم سابق از هر کاری برای گرفتن امتیاز استفاده میکرد .

معلمین مدرسه او را نپذیرفته و خواستار ابقای مدیر سابق مدرسه شدند . خانم غنیمی فرد که از این راه نتوانست ره به جائی برد به تحریک عده ای از دانش آموزان پاک و معصوم علیه عدهٔ دیگر و هم چنین معلمین پرداخته و از هر وسیله ای احساسات پاک آنها را بر انگیخت .

از طرف دیگر فردی بعنوان مسئول امور تربیتی بمدرسه آمد و با پشت گرمیش به آقای ستاری رئیس ناحیه به اخلال و ایجاد اغتشاش در مدرسه و سمپاشی علیه مدیر و معلمین پرداخت بالاخره این باند که از چند نفر دیگر هم تشکیل میشدند در مدرسه طرفدارانی برای خود دست و پا کرده و خواستار برکناری مدیر و بعضی معلمین شدند . عده ای از دانش آموزان آگاه که از کادر مدرسه جز صمیمیت و خدمت چیز دیگری ندیده بودند خواستار ابقای آنها شدند . ولی عاملین تحریک دست از اغتشاش و اخلال برنداشته و از راههای دیگر وارد شدند . مدیر و ناظم و یکی از معلمین مدرسه را اخراج کرده و بجای آنها عوامل دست نشاندهٔ خود را منصوب کردند و این عوامل هر روز توطئه ای در مدرسه ایجاد کرده با اتهامهای مختلف معلمها و دانش آموزان را تحت شکنجه روحی هر روزه قرار می‌دادند . حتی این مرتجعین دست از سر مستخدم برنداشته و حکم انتقال او را به بدترین منطقه داده اند و او را تحت سخت ترین‌شرایط قرار داده اند .

بالاخره همین باند سیاه اداره به بهانهٔ واهی مدرسه را منحل و اعلام تجدید نام نویسی نموده تا بلکه بعضی از دانش آموزان آزاداندیش را در این موقع سال اخراج نمایند .

و در نتیجه محیط اختناق و دیکتاتوری را بر محیط آموزشی حاکم گردانند . زهی خیال باطل !

ما دست استمداد بسوی همهٔ خانواده های آزاداندیشی که به سرنوشت فرزندان خود علاقمندند دراز می کنیم و از شما میخواهیم از کادر آموزشی زحمتکش این مدرسه در مقابل این باند سیاه دفاع کرده و خواستارکوتاه شدن دست این عوامل از محیطهای مقدس آموزشی شوید .

از طرف گروهی از دبیران دبیرستان سالاری

بقیه در صفحه ۶

شماره ۸ ۱۵ ریال
۱۹ فروردین ۵۹
پیشتاز ارگان دانشجویان و دانش آموزان پیشگام

در آموزش و پرورش چه میگذرد

در آموزش و پرورش چه می‌گذرد؟

همانطور که در شمارهٔ قبل پیشتاز ضمن چاپ سندی که نشان از اعمال و فشارهای وزارت آموزش و پرورش داشت در مورد "نظم وزارت آموزش و پرورش" هشدار دادیم اینبار نیز گزارشهایی از ناحیهٔ ۴ و ۵ آموزشی داریم.

گزارش مدارس:

دبیرستان شریعتی "ناحیه ۴"

آموزش و پرورش ناحیه در پی مبارزات دانش‌آموزی و آگاهی از ماهیت پیکارجوی دانش آموزان منتظرفرصتی بود تا سیاست اختناق و فشار خود را پیاده نماید. به همین جهت با استفاده از بهانهٔ مسخره بیماری خانم سلجوقی مدیری که با اعمال انحصارطلبانه انجمن اسلامی مخالفت داشته او را از کار برکنار کرده و مدیری جایگزین می‌نماید که از همان ابتدا با برخوردهای آنچنانی ماهیت ارتجاعی خود را نشان میدهد. دانش آموزان نیز بحق از خواستهای خود دفاع می‌کنند و این امر آنچنان بر مصدر کار نشینان گران می‌آید که با اعزام پاسدار و تهدید به انحلال دبیرستان و استفاده از گاز اشک آور با دانش آموزان روبرو میشوند. در ضمن چند تن از دانش‌آموزان نیز از دبیرستان اخراج می‌شوند که این عمل با واکنش عدهٔ کثیری از دانش آموزان آگاه که با وجود تهدیدهای مکرر از رفتن به سر کلاسها خودداری می‌کنند فعلا" مسکوت مانده. در نتیجهٔ این اعمال دبیرستان منحل‌اعلام شده و ثبت نام مجدد برقرار می‌گردد. جالب اینکه در همین بین روزنامهٔ جمهوری اسلامی گزارشی چاپ می‌کند و در آن از مجروح شدن ۲ تن از اعضای انجمن اسلامی توسط اخلالگران نام می‌برد در حالیکه این خبر کذب محض می‌باشد. همچنین روزنامه از اتحاد نامقدس مجاهدین ـ دمکراتها ـ پیشگام و سایر گروههای "ضدانقلابی" در برپا ریزی این حرکت "ضدانقلابی" نام می‌برد در حالیکه به شهادت همگان اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزان در این حرکت شرکت‌داشتند. ما ضمن چاپ خواسته های آنها مندرج در اعلامیهٔ آخر دانش آموزان مبارز این دبیرستان همانطور که در تحصن ۵۸/۱۲/۱۸ آنها نیز اعلام همبستگی نمودیم با تمام نیرو از خواستهای عادلانهٔ دانش‌آموزان "شریعتی" پشتیبانی می‌کنیم و آنها را به پیگیری و اتحاد با دانش آموزان سایر مدارس که مسئله ای مشابه آنها دارند دعوت می‌کنیم.

* * *

آخرین خبر در موزد دبیرستان شریعتی: چهارشنبه ۵۹/۱/۵ در جلسه ای که یاسین پور (رئیس ناحیه) با نمایندگان دانش آموزان داشته به آنها قول داده که به خواستهایشان رسیدگی شود و همچنین امتحانات ثلث سوم و دوم را برای جبران عقب ماندگی دانش آموزان با هم بگیرند.

اتحاد ـ مبارزه ـ پیروزی

خواسته های دانش آموزان

آقای یاسین پور و مسئولین امور تربیتی میخواهند با اعمال فشار و دیکتاتوری و شیوه های آریامهری به یاری سردمداران شان آقای رجائی که در زمان رژیم منفور شاه سازش کرده و با نوشتن عفونامه از زندان آزاد میشود و امروز تلاش می‌کند دانش آموزان انقلابی را به جرم حقانیتشان اخراج کند این مسائل تنهابه‌دبیرستان شریعتی تمام نمیشود، نظایر این مسایل در دبیرستان های سالاری و فاطمه امینی و . . . اتفاق افتاده است. آری یاسین پور با کمک نوروئی رئیس ناحیه ۱۲ از چند هفته قبل در جلساتی مخفی برای دبیرستانها نقشه می‌کشند از جمله جلسه ایکه در دبیرستان گوهرشاد تشکیل داده و برای دبیرستان شریعتی مدیر انتخاب میکنند، از دو ماه پیش مرتبا" با اعمال زور از خانم سلجوقی رئیس دبیرستان شریعتی میخواهند کهاستعفایش را اعلام کند تا بتواند خودش آزادانه تصمیم بگیرد و خفقان و دیکتاتوری را به طور مطلق در دبیرستان ایجاد کند و بهمین دلیل مدیر دبیرستان را تنها به جرم اینکه در مقابل اعمال انحصارطلبانه آنها ایستاد و از حق دانش آموزان دفاع کرد از دبیرستان اخراج می‌کند غافل از اینکه دانش آموزان تا آخرین لحظه از آزادی خود دفاع کرده و میکنند. و حاضر نخواهند بود زیر بارظلم و ستم بروند. آقای رئیس ناحیه ۴ باید بداند که بعلت وجود دانش آموزان پشت میز رفته و ادعای ریاست میکند پس اگر دانش آموزان نباشند ایشان نیز کاره ای نخواهند بود، در آخر ما ضمن محکوم کردن هرگونه عمل فاشیستی و انحصارطلبانه از سوی عناصر وابسته به انجمن به اصطلاح اسلامی و تمام پشتیبانانشان ازمسئولین امور تربیتی که وقیحانه به روی خواهران دست بلند می‌کنند تا رئیس ناحیه و افرادی همچون آقای رجائی و معاون ایشان آقای قاضی.

و اکنون بر خون شهیدان ترکتازی میکنند و ما از خواسته های برحق دانش آموزان دفاع کرده و هیچ ترسی از تهدید و اخراج نداریم.

خواسته های دانش آموزان:

۱) بازگشت بی قید و شرط خانم سلجوقی رئیس دبیرستان.

۲) تشکیل شوراهای واقعی دانش آموزان دبیرستان با قدرت اجرائی.

۳) لغو حکم اخراج ۶ تن از دبیران.

۴) لغو حکم اخراج نمایندگان دانش آموزان دبیرستان.

۵) ایجاد جوی آزاد و دمکراتیک برای کلیه‌دانش آموزان.

۶) اخراج مسئولین انتصابی امور تربیتی خانم اخباری، مقاری و حسین زاده.

و طبیعی است که تا تحقق این خواستهای بحق دانش آموزان از رفتن به کلاسها امتناع ورزیده واعلام میداریم که مسئولین آموزش و پرورش ناحیه ۴ مسئول‌هر گونه عواقب بعدی خواهد بود.

شورای انقلابی دانش آموزان دبیرستان شریعتی

۱۳۵۸/۱۲/۲۲

ناحیهٔ ۵

دبیرستان سالاری

این دبیرستان که هم در دوران قبل از قیام و هم حال از دبیرستانهای فعال (از نظر سیاسی) بوده با توطئه ای مشابه آنچه در دبیرستان شریعتی گذشته روبرو گشته است. قبل از هر چیز این نکته لازم به تذکر می‌باشد که اخیرا" از طرف ناحیه اشخاصی به نام‌مسئول امورتربیتی به مدارس گسیل می‌شوند که در واقع نقش بازرس را بازی می‌کنند و فعالیت هر معلم یا دانش‌آموزی که با منافع آنها در تضاد باشد زیر سئوال می‌کشند و همانطور که در سند شماره قبل پیشتاز آمده بود "کلیهٔ فعالیتهای غیر درسی دانش آموزان و معلمان باید زیر نظر مسئول امور تربیتی باشد" با استفاده از این بخشنامه این فرد می‌تواند هر گزارشی را که میخواهد بدلخواه بدهد و جوی غیر دمکراتیک در مدارس بوجود بیاورد. در دبیرستان سالاری نیز یکی از همین‌مسئولین امور تربیتی "موحدی" از ابتدای ورودش با تشکیل کلاسهای به اصطلاح ایدئولوژیک اسلامی با بسیج افکار دانش آموزان بنای مخالفت با عناصر مترقی دبیرستان مانند دبیرانی که سالها سابقه مبارزه داشته اند را می‌گذارد و در آخر حکم اخراج معلمین را صادر می‌کند. این عمل با تحصن عده ای از دانش آموزان که‌خواستار بازگشت دبیران بودند مواجه می‌شود.

در همین بین اعمال ضد دانش آموزی بسیاری رخ می‌دهد منجمله اینکه از کمیتهٔ منطقه به اولیای دانش آموزان متحصن تلفن می‌شود و آنها را ضد انقلابی و آشوبگر می‌خوانند و از اولیاء دانش آموزان تعهد میگیرند که دانش آموزان تبلیغ سیاسی نکنند و همه تعهد نمی‌دهند، بعد از آن نیز با پخش شایعه بمب گذاری در دبیرستان توسط عناصر ضدانقلابی ا کیفهای دانش‌آموزان

بقیه در صفحه ۵